



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اسماءُ بناتِ

الْحَسَنِ

جلد ششم

توسعهٔ اسلام در ایران

۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موسوعة الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد 32 إلى 41 استفتاءات امام خميني (س)

نويسنده:

آيت الله العظمى سيد روح الله موسى خميني قدس سره

ناشر چاپي:

موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله عليه

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	موسوعه الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد ۳۷ استفتائات امام خميني (س) جلد ۶
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۵	فهرست اجمالی
۱۶	فهرست مطالب
۲۶	کتاب بیع (خرید و فروش)
۲۷	بیع معاطات
۳۱	لزوم بیع و شرط در ضمن عقد
۱۰۱	شرط ابتدایی
۱۰۷	وکالت در بیع
۱۰۷	بیع تعلیقی
۱۰۸	شرایط خریدار و فروشنده
۱۰۸	اشاره
۱۰۸	اول: عقل
۱۰۸	دوم: قصد
۱۰۹	سوم: اختیار
۱۱۴	چهارم: مالک تصرف بودن و حکم بیع فضولی
۱۴۶	اولیای تصرف در مال صغیر
۱۵۲	معامله با فرقه ضاله بهائیت و کفار
۱۶۰	شروط عوض و معوض
۱۶۰	اول: مالیت داشتن
۱۶۳	دوم: تعیین مقدار عوض و معوض
۱۶۹	سوم: مشخص بودن جنس عوض و معوض و اوصاف آن ها

۱۷۰	چهارم: ملک طلق بودن عوض و معوض
۱۷۵	خيارات
۱۷۵	خيار شرط
۱۷۸	خيار غبن
۱۹۳	خيار تأخير
۱۹۴	خيار رؤيت
۱۹۵	خيار عيب
۱۹۹	خيار تخلف شرط
۲۰۵	احكام خيار
۲۰۶	چيزهايي كه عرفاً جزء مبيع محسوب مي شود
۲۰۶	اشاره
۲۰۸	قبض و تسليم (گرفتن و واگذار كردن)
۲۱۵	نقد و نسيه
۲۲۱	ربا
۲۳۷	بيع صرف
۲۴۳	بيع سلف
۲۴۵	مراجه و مواضعه و توليه
۲۴۶	حق المارة
۲۴۷	اقاله (توافق بر فسخ)
۲۴۹	كتاب شفعه
۲۴۹	احكام شفعه
۲۵۷	كتاب صلح
۲۵۷	احكام صلح
۲۷۶	ذكر بعضي از مسائلي كه معمولاً در كتاب صلح آورده مي شود
۲۷۶	عبور اهالي يك منزل از حياط منزل ديگر
۲۷۷	باز كردن پنجره به طرف منزل همسايه

۲۷۸	احداث بنای جدید و ضرر به همسایه
۲۷۹	تقسیم زمین مشترک و درخت
۲۸۰	عبور آب باران و ناودان
۲۸۲	دیوار مشترک و استفاده از آن
۲۸۳	ورود شاخه های درخت به ملک همسایه
۲۸۷	کتاب اجاره
۲۸۷	اشاره
۲۸۹	لزوم تخلیه مورد اجاره پس از انقضای مدت اجاره
۳۰۷	اجیر شدن برای کارهای حرام
۳۱۰	اجاره دادن محل برای کارهای حرام
۳۱۱	مشروط بودن صحت اجاره به تعیین اجرت و عین مورد اجاره
۳۱۱	اجیر شدن برای غیر مسلمان
۳۱۲	تغییر و تبدیل عین مورد اجاره
۳۱۴	مجهول بودن مدت اجاره
۳۱۵	مجهول بودن مال الاجاره
۳۱۵	اجیر شدن برای عملی که مضر به حال مسلمین است
۳۱۶	مباح بودن عمل مورد اجاره
۳۲۰	حکم کسر بیست درصد اجاره بها توسط شورای انقلاب
۳۲۴	مجهول بودن مالک عین مورد اجاره
۳۲۴	اختیار و رضایت در طرفین اجاره
۳۲۷	حکم گرفتن مال الاجاره از صغیر
۳۲۷	لزوم عقد اجاره و وجوب عمل به شرط در ضمن آن
۳۵۰	عدم بطلان اجاره به سبب موت موجر و مستأجر
۳۵۱	غیر قابل استفاده شدن مورد اجاره
۳۵۴	عدم استفاده مستأجر از عین مورد اجاره
۳۵۵	لزوم مباشرت اجیر در انجام کار

۳۵۶	اجیر شدن برای کاری و انجام کارهای دیگر در خلال آن
۳۵۸	حکم ارتکاب خلاف قانون در استخدام شدن
۳۵۹	تخلف اجیر از کاری که برای آن اجیر شده
۳۶۱	اجیر شدن برای حفظ بعضی اشیاء و حفاظت از آن
۳۶۱	ثبوت اجرت المثل برای اجیر در صورت دستور آمر
۳۶۷	حکم کارهای زن در منزل شوهر
۳۷۰	ضامن بودن مستأجر و اجیر در صورت تعدی و تفریط
۳۷۴	اجاره زمین برای زراعت و کشاورزی
۳۷۵	اختلاف در ثبوت اجاره
۳۷۶	استخدام در مراکز دولتی و حقوق و مزایای دریافتی
۳۸۵	لزوم پرداخت مال الاجاره به مالک
۳۸۸	هزینه وصول اجاره توسط مالک
۳۸۹	کتاب جعاله
۳۸۹	احکام جعاله
۳۹۳	کتاب عاریه
۳۹۳	احکام عاریه
۳۹۹	کتاب ودیعه
۳۹۹	احکام ودیعه
۴۱۵	کتاب مضاربه
۴۱۵	احکام مضاربه
۴۲۷	کتاب شرکت
۴۲۷	احکام شرکت
۴۷۷	گفتاری در مورد قسمت کردن
۴۸۵	کتاب مزارعه
۴۸۵	احکام مزارعه
۴۹۳	کتاب مساقات

۴۹۳	احکام مساقات
۴۹۹	کتاب دین و قرض
۴۹۹	احکام دین
۵۲۸	عدم توجه به افزایش یا کاهش ارزش دین و مهریه به هنگام پرداخت
۵۲۹	احکام قرض (وام دادن)
۵۳۹	حکم زیاده در قرض
۵۴۰	ربا و مسأله رهن و اجاره
۵۵۱	صحیح بودن اصل قرض در قرض ربوی و عدم ضمان بهره
۵۷۷	کتاب رهن
۵۷۷	احکام رهن
۵۸۵	کتاب حجر
۵۸۵	احکام حجر
۵۸۸	احکام صغر
۵۸۹	علامت های بلوغ
۵۹۴	ولایت بر صغیر، مجنون و سفیه
۶۱۰	احکام سفاهت
۶۱۱	احکام افلاس
۶۱۶	تصرفات مریض در مرض منتهی به موت
۶۱۹	کتاب ضمان
۶۱۹	احکام ضمان
۶۲۵	کتاب حواله و کفالت
۶۲۵	احکام حواله و کفالت
۶۲۹	کتاب وکالت
۶۲۹	احکام وکالت
۶۳۷	کتاب اقرار
۶۳۷	احکام اقرار

۶۴۳ کتاب هبه

۶۴۳ احکام هبه

۶۸۷ صلہ رحم

۶۹۰ درباره مرکز

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور : موسوعة الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد 37 استفتائات امام خميني (س) جلد 6 / تحقیق موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

مشخصات نشر : تهران : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1396.

مشخصات ظاهری : 10 ج.

فروست : موسوعه الامام الخميني (س).

شابک : 9-359-212-964-978 2

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : ج. 2 - 10 (چاپ اول: 1392) (فپا).

یادداشت : چاپ دوم.

مندرجات : ج. 1. احکام تقلید، طهارت. - ج. 2. نماز (از ابتدا تا شرایط شکسته شدن نماز). - ج. 3. نماز (از قواطع سفر تا انتها)، روزه، زکات. - ج. 4. خمس. - ج. 5. حج، امر به معروف و نهی از منکر، مکاسب محرمه. - ج. 6. بیع (خرید و فروش). - ج. 7. وقف و نظایر آن، وصیت، یمین و نذر، کفارات. - ج. 8. صید و ذباحت، خوردنی ها و آشامیدنی ها. - ج. 9. نکاح (از اولیای عقد تا انتها). - ج. 10. قضا، شهادت، حدود، قصاص ...

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه -- پرسش ها و پاسخ ها

Islamic law, Ja'fari -- Handbooks, manuals, etc. -- Questions and answers*

فتواهای شیعه -- قرن 14

Fatwas, Shiites --- 20th century

شناسه افزوده : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

شناسه افزوده : Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works

رده بندی کنگره : BP183/9/خ8الف47 1396

رده بندی دیویی : 297/3422

شماره کتابشناسی ملی : 3421059

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

آدرس سایت : <https://www.icpikw.ir>

خیراندیش دیجیتال : مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان

ویراستار: محمد علی ملک محمد

ص: 1

اشاره

جلد اول احکام تقلید، طهارت

جلد دوم نماز (از ابتدا تا شرایط شکسته شدن نماز)

جلد سوم نماز (از قواطع سفر تا انتها)، روزه، زکات

جلد چهارم خمس

جلد پنجم حج، امر به معروف و نهی از منکر، مکاسب محرمه

جلد ششم بیع (خرید و فروش)، شفعه، صلح، اجاره، جعاله، عاریه، ودیعه، مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، دین و قرض، رهن، حجر، ضمان، حواله و کفالت، وکالت، اقرار، هبه

جلد هفتم وقف و نظائر آن، وصیت، یمین و نذر، کفارات

جلد هشتم صید و ذباحت، خوردنی ها و آشامیدنی ها، غضب، احیای موات و مشترکات، لقطه، نکاح (از ابتدا تا احکام عقد ازدواج)

جلد نهم نکاح (از اولیای عقد تا انتها)، طلاق، خلع و مبارات، ظهار، مواریث

جلد دهم قضا، شهادت، حدود، قصاص، دیات، مسائل مستحدثه (بیمه، سفته، سرقتی، بانک ها، بلیط های بخت آزمایی، تلقیح مصنوعی، تشریح و ترقیع، رادیو و تلویزیون، مقررات دولتی، راهنمایی و رانندگی، خرید و فروش و تقسیم اجناس سهمیه ای، خرید و فروش اجناس قاچاق، مالیات و عوارض، عزاداری، رضایت والدین، مسائل اجتماعی بانوان، مسابقات ورزشی، معارف و مسائل اسلامی، مسائل امنیتی و کشورهای بیگانه، ولایت فقیه)

کتاب بیع (خرید و فروش)

بیع معاطات *** 3

لزوم بیع و شرط در ضمن عقد *** 5

شرط ابتدایی *** 75

وکالت در بیع *** 81

بیع تعلیقی *** 81

شرایط خریدار و فروشنده:

اول: عقل *** 82

دوم: قصد *** 82

سوم: اختیار *** 83

چهارم: مالک تصرف بودن و حکم بیع فضولی *** 88

اولیای تصرف در مال صغیر *** 120

معامله با فرقه ضاله بهائیت و کفار *** 126

شروط عوض و معوض:

اول: مالیت داشتن *** 134

دوم: تعیین مقدار عوض و معوض *** 137

سوم: مشخص بودن جنس عوض و معوض و اوصاف آن ها *** 143

چهارم: ملك طلق بودن عوض و معوض *** 144

خيارات

*** 149

خيار شرط *** 149

خيار غبن *** 152

خيار تأخير *** 167

خيار رؤيت *** 168

خيار عيب *** 169

خيار تخلف شرط *** 173

احكام خيار *** 179

چيزهايي كه عرفاً جزء مبيع محسوب مي شود *** 180

قبض و تسليم (گرفتن و واگذار كردن) *** 182

تقد و نسيه *** 189

ربا *** 195

بيع صرف *** 211

بيع سلف *** 217

مرايحه و مواضعه و توليه *** 219

حق المازة *** 220

اقاله (توافق بر فسخ) *** 221

كتاب شفعه

احكام شفعه *** 225

كتاب صلح

احكام صلح *** 233

ص: 6

ذکر بعضی از مسائلی که معمولاً در کتاب صلح آورده می شود:

عبور اهالی يك منزل از حیاط منزل دیگر *** 250

باز کردن پنجره به طرف منزل همسایه *** 251

احداث بنای جدید و ضرر به همسایه *** 252

تقسیم زمین مشترك و درخت *** 253

عبور آب باران و ناودان *** 254

دیوار مشترك و استفاده از آن *** 256

ورود شاخه های درخت به ملك همسایه *** 257

کتاب اجاره

لزوم تخلیه مورد اجاره پس از انقضای مدت اجاره *** 263

اجیر شدن برای کارهای حرام *** 281

اجاره دادن محل برای کارهای حرام *** 284

مشروط بودن صحت اجاره به تعیین اجرت و عین مورد اجاره *** 285

اجیر شدن برای غیر مسلمان *** 285

تغییر و تبدیل عین مورد اجاره *** 286

مجهول بودن مدت اجاره *** 288

مجهول بودن مال الاجاره *** 289

اجیر شدن برای عملی که مضر به حال مسلمین است *** 289

مباح بودن عمل مورد اجاره *** 290

حکم کسر بیست درصد اجاره بها توسط شورای انقلاب *** 294

مجهول بودن مالك عین مورد اجاره *** 298

اختیار و رضایت در طرفین اجاره *** 298

حکم گرفتن مال الاجاره از صغیر *** 301

ص: 7

- لزوم عقد اجاره و وجوب عمل به شرط در ضمن آن *** 301
- عدم بطلان اجاره به سبب موت موجر و مستأجر *** 324
- غیر قابل استفاده شدن مورد اجاره *** 325
- عدم استفاده مستأجر از عین مورد اجاره *** 328
- لزوم مباشرت اجیر در انجام کار *** 329
- اجیر شدن برای کاری و انجام کارهای دیگر در خلال آن *** 330
- حکم ارتکاب خلاف قانون در استخدام شدن *** 332
- تخلف اجیر از کاری که برای آن اجیر شده *** 333
- اجیر شدن برای حفظ بعض اشیا و حفاظت از آن *** 335
- ثبوت اجرت المثل برای اجیر در صورت دستور آمر *** 335
- حکم کارهای زن در منزل شوهر *** 341
- ضامن بودن مستأجر و اجیر در صورت تعدی و تفریط *** 344
- اجاره زمین برای زراعت و کشاورزی *** 348
- اختلاف در ثبوت اجاره *** 349
- استخدام در مراکز دولتی و حقوق و مزایای دریافتی *** 350
- لزوم پرداخت مال الاجاره به مالک *** 359
- دریافت حق سنوات و مزایای دیگر برای اجیر *** 361
- هزینه وصول اجاره توسط مالک *** 362
- کتاب جعاله *** 363
- احکام جعاله *** 365
- کتاب عاریه *** 367

احكام عاريه *** 369

كتاب وديعه *** 373

ص: 8

- احکام ودیعه *** 375
- کتاب مضاربه *** 389
- احکام مضاربه *** 391
- کتاب شرکت *** 401
- احکام شرکت *** 403
- گفتاری در مورد قسمت کردن *** 451
- کتاب مزارعه *** 459
- احکام مزارعه *** 461
- کتاب مساقات *** 467
- احکام مساقات *** 469
- کتاب دین و قرض *** 473
- احکام دین *** 475
- عدم توجه به افزایش یا کاهش ارزش دین و مهریه به هنگام پرداخت *** 502
- احکام قرض (وام دادن) *** 503
- حکم زیاده در قرض *** 513
- ربا و مسأله رهن و اجاره *** 514
- صحیح بودن اصل قرض در قرض ربوی و عدم ضمان بهره *** 525
- کتاب رهن *** 551
- احکام رهن *** 553
- کتاب حجر *** 559
- احکام حجر *** 561

احکام صغیر *** 562

علامت های بلوغ *** 563

ص: 9

ولایت بر صغیر، مجنون و سفیه *** 568

احکام سفاهت *** 584

احکام افلاس *** 585

تصرفات مریض در مرض منتهی به موت *** 590

کتاب ضمان *** 593

احکام ضمان *** 595

کتاب حواله و کفالت *** 599

احکام حواله و کفالت *** 601

کتاب وکالت *** 603

احکام وکالت *** 605

کتاب اقرار *** 611

احکام اقرار *** 613

کتاب هبه *** 617

احکام هبه *** 619

صله رحم *** 661

ص: 10

1. معمول است بایع و مشتری می روند در بنگاه معاملاتی و طبق شرایطی که در قولنامه ها ثبت شده قرار می بندند که يك مبلغی نقد داده شود به بایع و بعد از مدتی حاضر شوند در یکی از محضره‌های رسمی که رسماً مبیع را منتقل کنند و چنانچه یکی از متعاملین حاضر نشدند برای انجام معامله رسمی، آیا این قول و قرار در بنگاه معامله است ولو معاطاتاً یا خیر؟ و اگر معامله باشد و برای متعاملین هیچ کدام از اختیارات نباشد همچو شرطی صحیح است که اگر یکی از آن ها معامله را بر هم زد و حاضر نشد در محضر برای انجام رسمی کردن معامله فلان مبلغ بدهکار باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به قصد معامله تمام مبلغ اعطا و اخذ شده معامله واقع و شرط مذکور نافذ است. ولی اعطای بعضی ثمن در وقوع معامله مشکل است.

2. اگر معامله در بنگاه به طور معاطات انجام شد به این نحو که مبلغی از ثمن را نقد می دهند آیا با دادن بعضی ثمن تمام معامله معاطات واقع می شود یا به مقدار ثمن یا

هیچ کدام و اگر با بعضی ثمن صحیح باشد ولو بعضاً، اگر در عوض پول نقد، چک بدهد باز هم صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، معاطات به اعطای بعضی ثمن محقق می شود و وقوع آن به اعطای چک محل اشکال است.

[سؤال 6906] 3420

بسمه تعالی

1. معاملاتی که در بنگاه طرفین حاضر می شوند و بعد از مقاولات بدون این که انشا عقده بکنند مبلغی مشتری به عنوان بیعانه به بایع می دهد که در روز معینی در محضر که حاضر شدند و رسماً مبیع را منتقل کرد بقیه ثمن را بدهد اولاً این که این گونه قراردادها بیع معاطاتی است یا خیر و بر فرض بیع معاطاتی بودن یا اعطای بعضی ثمن تمام بیع صحیح است یا این که آنچه در مقابل بعضی ثمن است صحیح و بقیه باطل است و اگر در مقابل بعضی ثمن چک بدهد که مثلاً چند روز بعد نقد، خواهد شد کافی است یا باید خود ثمن یا بعضی ثمن باشد؟

بسمه تعالی، اگر بدون قصد معاوضه اعطای بعضی ثمن شده معاطات واقع نشده و صحیح نیست و در چک محل اشکال است و تحقق معاطات به اعطای بعضی ثمن نیز مشکل است.

2. مسجد را که خراب می کنند برای تعمیر، خاک و آجرهای کهنه که زیادی است و باید از مسجد خارج کنند حکم مسجد را دارد یا خیر؟
بسمه تعالی، حکم مسجد را دارد و باید در صورت امکان در همان مسجد و الا در مسجد دیگر مصرف شود.

[سؤال 6907] 3479

2. معامله مزبور در فوق، خانه ای است به ارزش دویست هزار تومان طرف خریدار پنجاه هزار تومان از قیمت خانه را پرداخته، فروشنده در صورتی که همه بهای خانه را دریافت داشته باشد می تواند معامله را فسخ نماید یا خیر؟

ص: 4

بسمه تعالی، اگر معامله کرده اند بدون یکی از اسباب خیار حق فسخ ندارند و اگر معامله نکرده اند وقوع معامله به اعطای بعضی ثمن محل اشکال است.

لزوم بیع و شرط در ضمن عقد

[سؤال 6908] 3421

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت امام خمینی دام ظلّه العالی، سلام عرض می‌کنم.

و بعد: به عرض عالی می‌رساند این جانب در حضور حدود 15 نفر توسط سند عادی اقدام به خرید سه دانگ از مغازه ای کردم و بهای آن را توسط چک پرداختم که فروشنده پس از چندی به بانک مراجعه کرده و قسمتی از وجوه چک‌ها را دریافت می‌کند و برای دریافت بقیه اصلاً به بانک مراجعه نمی‌کند. خلاصه پس از گذشت یک سال و اندی (حدود دو سال) بعد به هر دلیل می‌روند و همان مورد معامله را که توسط قباله عادی به من فروخته بودند به دیگری می‌فروشند به طور محضری. سؤال این است که شرعاً مالک این مورد معامله چه کسی است؟ من که با قباله عادی خریدم یا آن کسی که بعد از من به طور محضری خریده است؟ و آیا معامله رسمی با عادی شرعاً فرق می‌کند از نظر مالکیت؟ و آیا فروشنده حق دو بار فروختن یک مورد معامله را داشته یا نه؟

بسمه تعالی، سند میزان نیست. اگر مالک ملک را فروخته و مقداری از پول آن را هم گرفته، دیگر حقی در آن ملک ندارد و فروش دوم باطل است و چنانچه نزاعی در بین باشد به محاکم صالحه مراجعه شود.

[سؤال 6909] 3422

بسمه تعالی

محضر مقدس آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

شخصی زمین زراعتی خود را به مبلغ دوصدهزار افغانی قبل از پانزده سال فروخته

ص: 5

و مبلغ فوق الذکر را کاملاً اخذ و قبض نموده، سند برای مشتری داده و زمین را تسلیم شخص مشتری نموده و از آن تاریخ تا کنون زمین، مورد استفاده مشتری بوده و از آن بهره برداری نموده اند.

بایع مذکور فوت نموده؛ فرزند ارشد بایع بعد از فوت پدر مدعی است که زمین را به من هبه نموده و نیز هبه خط که از پدر ارائه می دهد، تاریخ آن بعد از تاریخ فروش زمین است؛ آیا حرف مدعی مورد قبول است یا خیر؟ آرزو مندم جواب ارائه فرمایید.

بسمه تعالی، اگر معلوم است که بیع قبل از هبه بوده، بیع صحیح و هبه باطل است و چنانچه نزاعی در بین است، باید در محکمه شرعیه حل شود.

[سؤال 6910] 3423

بسمه تعالی 1361 / 2 / 8

محضر اعضای دفتر امام خمینی، اطال الله عمره الشریف

محترماً؛ ذیلاً مرقوم فرمایید: آیا قراردادهای عادی با وجود شهود طرفین خلاف است و قرارداد صحیح حتماً باید رسمی و محضری باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، قرارداد اگر به طور صحیح واقع شود، نافذ است. هر چند محضری نباشد. ولی در مورد خلاف و نزاع، باید به محکمه شرعیه مراجعه شود.

[سؤال 6911] 3424

بسمه تعالی 3 رمضان 1402 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

با تقدیم مراتب اخلاص مندی و دعاگویی، این جانبان منزلی را که دارای دو پلاک می باشد در تاریخ 1359 / 10 / 25 از مالک آن قولنامه کرده و خریده ایم به مبلغ پانصد هزار تومان، که مبلغ دو میلیون ریال آن را نقد داده و قرار شد دو میلیون دیگر را پس از سه ماه که منزل را تخلیه و تحویل داد پرداخته و یکصد هزار تومان دیگر را در موقع

ص: 6

نقل و انتقال رسمی در محضر قانونی پرداخت نماییم. فروشنده پس از دو ماه يك پلاك منزل را که حدود چهار دانگ می باشد تحویل داده و پلاك دیگر را قرار بود در 1360 / 2 / 25 تحویل دهد، ولی در موقع مقرر از این کار که تحویل بقیه منزل باشد امتناع ورزید و این امتناع و امروز و فردا کردن ادامه داشت تا در تاریخ 1360 / 11 / 20 گفت شما نمی توانید مجوز بگیریید پس همان چهار دانگ را هم تخلیه و تحویل دهید. ما هم گفتیم اگر نتوانستیم مجوز بگیریم خانه را تحویل می دهیم. اکنون مجوز برای یکی از ما آمده، ولی مالک بهانه گیری می کند و منزل را تحویل نمی دهد و در قولنامه ما و قرارداد زبانی حق فسخ گذارده نشده است، لذا از محضر مبارك استدعا می شود نظر مبارك را مرقوم و وظیفه شرعی ما را معین فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض تحقق معامله شرعی، فروشنده موظف است تمام ملك فروخته شده را تسلیم مشتری نماید.

[سؤال 6912] 5192

3. پدر بزرگ یا پدرم در 60 تا 80 سال پیش زمین خود را فروخته است. زمین فوق دست به دست شده و به وسیله متصرف احیا و آباد گردیده است و ما وراثت فروشنده هم از زمان فروش تا کنون هیچ گونه تصرف در زمین مزبور را نداریم. آیا ما وراثت می توانیم ادعایی نماییم؟

بسمه تعالی، حق ندارید.

[سؤال 6913] 3425

بسمه تعالی 1361 / 3 / 24

ریاست محترم دفتر رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی پس از عرض سلام نظر مبارك را در موضوع قولنامه مرقوم فرمایید، آیا صرف قولنامه دلالت بر خرید و فروش می کند یا نه؟ و اگر خریدار یا فروشنده پشیمان شود

ص: 7

می تواند معامله را انجام ندهد یا نه؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است و اگر در وقت قولنامه معامله واقع شده صحیح و نافذ است و اگر شرطی در ضمن آن شده باید به آن عمل شود.

[سؤال 6914] 3426

بسمه تعالی

خدمت قائد عظیم الشان پیشوای پراقتدار امام خمینی سلام علیکم، سلامتی شما را از درگاه ایزد یکتا خواهانم و این رهبری خطیر را به شما تبریک می گویم و از پروردگار بزرگ خواستارم که به شما بصیرت و طول عمر عنایت فرماید تا به اسلام و ایران سرو سامانی داده شود و نیز به ملت رنجدیده ایران و اسلام که هزاران شهید داده اند صبر جلیل عطا فرماید.

رهبر عزیز، بنده پول بیعانه را از شخصی به قرض گرفتم تا ماهیانه به صورت اقساط بپردازم از طرفی مبلغ (10000) ریال قسط هر ماه دور از قدرت مالی بنده بوده است چون که مستأجر بوده و هستم و موجر خیلی عصبانی و دور از انسانیت، لذا اجباراً دست به چنین معامله دور از انصافی زدم که اکنون نه قدرت پرداخت قسط ماهیانه را دارم و نه مبلغ بیعانه را که از آن شخص به قرض گرفته بودم. و به عرضتان برسانم که زمین فاقد آب و برق و تلفن و مکان مناسب است و این دردی است که از دل سوخته چند تن از مستضعفین این ملت برخاسته است که مثل بنده دست به چنین معامله ای زده اند از شما تمنا می کنم که از نظر شرعی بنده را ارشاد فرمایید که آیا می توانم این معامله را فسخ کنم و (140000) ریال پرداختی را وصول نمایم؟ و اگر نمی توانم آیا امکان دارد قسط هر ماه را به (5000) ریال کاهش دهم؟ البته به صاحبان ملك مراجعه نمودم ولی قبول نکردند روش های مختلفی که از نظر شرعی شامل حال فسخ یا تجدید نظر این معامله می شود راهنمایی فرمایید ضمناً حقوق ماهیانه بنده (25000) ریال است که از این مبلغ (6000) ریال پس انداز دارم البته بدون خرج

ص: 8

متفرقه اطلاع کافی دارم که این ملک که از چند هزار متر تجاوز می کند از قرار متری (270) ریال خریداری شده است.

بسمه تعالی، اگر معامله با شرایط واقع شده، لازم است و نمی توانید آن را به هم بزنید و دین را باید ادا کنید و اگر ثابت شود که تمکن از ادای دین ندارید باید به شما مهلت داده شود.

[سؤال 6915] 3427

بسمه تعالی 1361 / 9 / 8

قم، دفتر استفتای حضرت امام

هرگاه کسی کالایی را فروخت و وجه آن را کلاً دریافت نمود و حواله انبار صادر کرد و مسئول انبار به عللی موفق به تحویل به موقع کالا نشد، هرگاه فروشنده بخواهد از معامله منصرف و وجه را مسترد نماید، آیا رضایت خریدار شرط است یا خیر؟

بسمه تعالی، فروشنده باید مبیع را تحویل خریدار دهد و بدون رضایت مشتری، حق فسخ معامله و برگرداندن پول را ندارد؛ مگر آن که یکی از اسباب خیار در بین باشد.

[سؤال 6916] 3428

بسمه تعالی 1361 / 6 / 6

حضور حضرت مستطاب، آقای امام خمینی، رهبر عالی قدر

احتراماً به عرض عالی می رساند: این جانب در سال 1358 يك باب منزل مسکونی از فردی به وکالت از طرف فرزند خودش به مدت يك سال اجاره نمودم. پس از پایان مدت، منزل مذکور را با توافق طبق قرارداد تنظیمی به این جانب فروخت.

این جانب تا کنون بالغ بر مبلغ بیست میلیون ریال از بابت بهای منزل پرداخت نموده ام. در حال حاضر چون قیمت منزل ترقی نموده و ایشان هم در زمان طاغوت پست دادستانی دادگستری را در اشغال داشته و به خیال این که می تواند با توسل به

ص: 9

پارتی بازی، منزل را تخلیه نماید، برای این جانب دادخواست تخلیه فرستاده و تقاضای فسخ قرارداد و تخلیه مورد معامله را نموده، با توجه به این که این جانب و همسرم فاقد منزل مسکونی بوده و مدت دو سال هم از قرارداد فروش منزل گذشته و این جانب هم تا کنون طبق قرارداد تنظیمی عمل کرده ام، خواهشمند است از نظر شرعی با توجه به این که در منزل مذکور، فرایض دینی را انجام می دهم، دستور لازم صادر فرمایید.

بسمه تعالی، فروشنده یا وکیل او بدون حق شرعی فسخ، نمی تواند معامله را باطل اعلام کند؛ بلکه مکلف به تحویل منزل به مشتری است و حق هیچ گونه مزاحمت ندارد.

[سؤال 6917] 7141

2. کسی که در حدود سی یا چهل سال قبل املاکی به موجب سند عادی یا رسمی خریداری کرده و در حال حاضر هم متصرف است و در آن به دفعات، عملیات عمرانی از قبیل باغ و قلمستان و کشاورزی انجام داده، آیا شرعاً فروشنده و یا سایر اشخاصی که نفعی در آن ندارند از روی اختلاف، مجاز به مزاحمت برای خریدار می باشند یا خیر؟

بسمه تعالی، با فرض تمامیت و صحت معامله، شرعاً کسی حق مزاحمت خریدار را ندارد و چنانچه اختلافی هست، باید در محکمه شرعی حل و فصل شود.

[سؤال 6918] 3429

بسمه تعالی

محضر مقدس امام مجاهد آیت الله العظمی خمینی، دام عمره العالی

شخصی مقداری آب و املاک قریه ای را از مالک آن خریده در حالی که زارعی که روی آن کار می کرده مایل به خرید آن بوده است؛ با توجه به این که زارع بر حسب این قانون که ملک و آب دست او باشد و از زراعت سهمی را ببرد و سهمی را هم به مالک

ص: 10

بدهد، در ملك كار مى كرده و زندگى او از همين راه اداره شده و با نداشتن اين ملك در مضيقه معاش قرار مى گيرد. و از طرفى زحمت آباد كردن زمين را كشيده و زمين آباد را از او گرفته اند. آيا شرعاً مى شود خريدار را مجبور به فسخ معامله نمود تا مالك به زارع بفروشد؟ و آيا مى شود مالك فروشنده را مجبور كرد كه بايد به دست زارع قبلى داده شود؟

بسمه تعالى، اگر با معامله شرعيه از مالك به او منتقل شده، كسى حق اجبار به فسخ ندارد. و تصرف، موقوف است به رضايت مالك فعلى.

[سؤال 6919] 3430

بسمه تعالى

زعيم عالى قدر، آيت الله العظمى آقاى خمينى، دام عمره العالى

در اين مسأله چه مى فرماييد: زيد با عمر و معامله عمارت كرده اند و زيد مبلغ دو هزار تومان وجه، به عنوان بيعانه دريافت كرده و باقى ثمنش بدون تعيين وقت باقيمانده. آيا معامله در اين صورت صحيح است يا نه؟ لطفاً بيان فرماييد.

بسمه تعالى، اگر معامله تمام شده، صحيح است. ولى مجرد قول و قرار بدون تمام شدن معامله يا به عقد و يا به معاطات اثر ندارد.

[سؤال 6920] 3431

بسمه تعالى 1358 / 6 / 29

محضر محترم مدير دفتر زعيم و رهبر عالى قدر و پيشواى مسلمين جهان به خصوص ملت ايران حضرت آيت الله العظمى امام خمينى دامت افاضاته پس از عرض سلام واداي احترام محترماً خواهشمند است به سؤالات ذيل كتباً پاسخ فرمايند.

1. معاملات املاك قطعى كه از زمان سى سال قبل تا كنون انجام شده چه صورتى دارد چون عده اى از فروشندگان معتقدند كه اين معاملات زمان رژيم منفور پهلوى انجام شده.

ص: 11

بسمه تعالی، معامله ای که با رعایت موازین شرعیه واقع شده صحیح است و اختصاص به زمان خاص ندارد.

2. معاملات بیع شرطی ملک یا منزل که زمان بیع آن منقضی شده و با اخطار مکرر طلبکار بدهکار از پرداخت آن امتناع ورزیده تا این که طلبکار با تحمل خسارات طبق قانون جاری مملکت به خود انتقال داده است نظریه شما چیست؟

بسمه تعالی، اگر بیع شرط فرار از ربا نباشد صحیح است و بعد از انقضا مدت و عدم فسخ فروشنده لازم می شود ولی اگر وسیله ربا خواری باشد در حکم ربا و باطل است.

3. معاملاتی از سی سال قبل به این صورت بین خریدار و فروشنده انجام می شد. به این صورت که مبلغی حدود ده هزار تومان شخص زارع (فروشنده) برای ترویج امورات زراعت می گرفته و به رضا و میل خودش قرارداد می کرده که در زمان تحویل گندم یا پنبه برای هر ده هزار ریال گندم در هر تنی یک هزار ریال تخفیف بدهد و دلیل رضایت طرفین امضای ذیل قرارداد بوده در این مورد نظریه چیست؟

بسمه تعالی، با فرض این که زارع پول می گیرد و شرط می کند که در وقت به دست آمدن گندم ارزان تر از قیمت بفروشد شرط باطل است.

4. شخصی مبلغ ده هزار تومان به عنوان قرض الحسنه به دیگری قرض می دهد. برای مدت شش ماه و قرض گیرنده در قبال احسان قرض دهنده مقداری جنس گندم یا جنس دیگری کمتر از نرخ روز به قرض دهنده می فروشد. نظر شما چیست؟

بسمه تعالی، اگر شرط نشده و قرض مبنی بر آن نبوده مانع ندارد.

5. معاملات سلف - اجناس گندم، پنبه و غیره - که به نرخ روز انجام گرفته صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، معامله سلف صحیح است ولی هر نحو معامله که وسیله ربا خواری است باطل است.

[سؤال 6921] 3432

بسمه تعالی

محضر مبارك مرجع بزرگ عالم تشیع و رهبر کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه

شخصی دو قطعه زمینی از شخص دیگر خریداری می نماید خریدار مورد معامله را تصرف کرده و کشت و زرع می نماید بعد از برداشت یکی دو محصول از زمین

ص: 12

مورد معامله، فروشنده ادعا می نماید چون تمام وجه به وی نرسیده خریدار به مقدار وجه پرداخت شده از زمین حق دارد در صورتی که خریدار مدعی است تمام وجه را پرداخت نموده است و اینک که قیمت زمین دو برابر گشته این ادعا را می نماید در صورت اثبات ادعای فروشنده آیا فروشنده حق مطالبه تتمه وجه مورد ادعای خود را دارد یا اصل زمین را؟ مستدعی است حکم الله را بیان فرمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده فروشنده حقی بر زمین ندارد و اگر نزاعی در بین است به محاکم صالحه مراجعه نمایند.

[سؤال 6922] 3433

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

پس از سلام، به عرض عالی می رساند: شخصی در چند سال قبل مغازه ای را به مبلغ يك هزار و دویست تومان فروخته که مبلغ هشتصد تومان آن نقد و بقیه پس از انتقال سند پرداخت شود. البته این معامله، بدون اجرای صیغه بوده است. طبق ادعای بایع و استشهاد چهار نفر پس از چند روز او از انجام این معامله پشیمان شده است و به مشتری هم گفته است. مشتری هم قبول کرده است، منتها به مشتری گفته تا هر وقت می خواهی صرف نظر از بیع، در این مغازه بمان. الآن پس از چند سال، مشتری مغازه را به شخص سومی فروخته است. و بایع می گوید توبه همان پول که فروخته ای به خود من بده. اولاً آیا مشتری حق فروش دارد یا نه؟ ثانیاً، آیا بایع می تواند جلوی معامله با شخص سوم را بگیرد و بگوید هر چه او می خرد به همان مقدار مغازه را از تو خریداری می کنم؟

بسمه تعالی، اگر بعد از انجام معامله اول با انشا لفظی معتبر یا معاطات، آن را اقاله نکرده اند، فروشنده اول حق جلوگیری از معامله دوم را ندارد.

ص: 13

محضر مقدس امام خمینی، دامت برکاته، پس از عرض سلام، شخصی چند سال قبل از روی غفلت از منزل مسکونی خود يك باب مغازه می فروشد به مبلغ هزار و دویست تومان و مبلغ ششصد تومان دریافت می کند و باقیمانده را می گوید: «هر موقع این مغازه را از خانه تفکیک نمودم و سند را به شما انتقال دادم دریافت می نمایم». فردای آن روز فروشنده می فهمد که این معامله از روی غفلت بوده و مغبون شده است و برای خرج تفکیک و سند زحمت زیاد و خرج زیادی باید متحمل شود. در حضور این امضا کنندگان به خریدار می گوید: «من این مغازه را نمی توانم بفروشم، ولیکن برای امر معاش تا زمانی که احتیاج داری در این مغازه باش و هر موقع نخواستی به خود بنده واگذار نما و طرفین رضایت یکدیگر را حاصل می کنیم». خریدار هم در جواب می گوید: «فعلاً هم من پول ندارم و همین طور بدون فروش در اختیار من باشد» و تا زمانی در این مغازه می ماند. آیا با چنین شرایطی این خریدار مالك مغازه می شود یا خیر؟ بدون اجازه مالك اول که این شرایط را دارا بوده، می تواند این مغازه را به دیگری بفروشد یا خیر؟ اگر فروخت این معامله صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مغازه فروخته شده، تا معامله اقاله یا فسخ نشود باقی بر ملك مشتری است و هر تصرفی می تواند در آن بکند و اگر بایع مغبون است می تواند عقد را فسخ نماید و در صورت فسخ یا اقاله، مشتری حق واگذاری به غیر را ندارد.

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای خمینی، دامت برکاته

1. در رژیم گذشته، افراد پولدار زمین های زراعتی را از زارعین به قیمت ارزان خریداری و آن ها را به قطعات كوچك تر تقسیم و به قیمت گران تر به افراد بی بضاعت

و کم درآمد فروخته اند. و بدین وسیله همه اندوخته گذشته و مبلغی هم به اقساط از آن ها گرفته اند، ولی حالا این زمین ها به درد این ضعفا نمی خورد. زیرا نه در محدوده شهر است که به درد ساختمان بخورد و نه امکان دارد که در آن جا زراعت نمایند. زیرا نه این مقدار زمین صرفه زراعت دارد و نه این ها قدرت زراعت کردن را دارند. با توجه به این که این گونه فروشندگان دارای ثروت زیادی بوده و از این راه نیز ثروت فراوانی اندوخته اند، ولی خریداران این زمین ها از اول فقیر بوده و در این معامله نیز چیزی در دست ندارند؛ آیا با توجه به مراتب فوق، این فروشندگان موظف نیستند وجوه دریافتی را با به هم زدن معامله به خریداران پس بدهند؟

بسمه تعالی، بعد از تمام شدن معامله، حق به هم زدن آن را ندارد، مگر یکی از اسباب خیار در بین باشد.

2. گاهی این فروشندگان بدون ارائه زمین، مقداری به افراد فروخته اند، ولی درباره تحویل زمین اقدامی نکرده اند. و اگر هم با پافشاری خریدار پس از چند ماه حاضر به تحویل زمین شده اند، بیابانی را به خریدار نشان داده اند و گفته اند زمین خریداری شما جزئی از این زمین ها است که اگر خریدار قبلاً دیده بود، هیچ گاه نمی خرید. از نظر شرعی این نوع معامله چگونه است و وظیفه طرفین چیست؟

بسمه تعالی، بدون مشاهده یا توصیف زمین، معامله غرری و باطل است و اگر با توصیف زمین فروخته شده، لازم است فروشنده زمینی که دارای اوصاف ذکر شده است را تحویل دهد.

3. آیا خریداران این نوع زمین ها موظف به تخمیس قیمت آن هستند؟

بسمه تعالی، بر فرض صحت معامله، اگر زمین جهت منزل مورد سکونت نیست، باید تخمیس شود.

[سؤال 6925] 3436

بسمه تعالی چهارم صفر 1400 ق

محضر مقدس رهبر عظیم الشأن زعیم عالی قدر و مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

محترماً سؤال می شود: چه می فرمایند در باب این مسأله که شخصی با شخصی دو قطعه زمین مزروعی آبی معامله قطعی نموده اند و فرد خود، مدرک سپرده و از کل

ص: 15

قیمت سه چهارم را از خریدار اخذ و بقیه را نزد مشتری گذاشته تا بعد از دادن سند دریافت نماید خواهشمند است مرقوم فرمایید اولاً معامله چه صورت دارد؟ ثانیاً فروشنده با میل خود ملك فوق را از چندین سال قبل تحویل خریدار داده و بهره برداری شده است حق فسخ با او یا با خریدار است؟ ثلویحاً يك چهارم قیمت که در نزد مشتری با شرط و رضای فروشنده در عوض سپردن سند رسمی باقی است فروشنده می تواند ادعای يك چهارم اجور را از خریدار نماید یا خیر؟ تمنا دارد آنچه احکام الهی در شرع مقدس اسلام می باشد در صورت امکان مرقوم و مزین فرمایند.

بسمه تعالی، در فرض مذکور معامله صحیح است و بدون وجود یکی از اسباب خیار هیچیک از طرفین حق فسخ ندارد و فروشنده فقط اصل قسط باقیمانده را حق دارد.

[سؤال 6926] 3437

بسمه تعالی 8 / 11 / 1361

دفتر محترم حضرت امام، ادام الله ظلّه العالی، با عرض سلام؛ خواهشمند است جواب مسائل زیر را مرقوم فرمایید:

طی قولنامه ای يك باب منزل از شخصی خریداری شده و مبلغی نیز به عنوان پیش پرداخت به فروشنده پرداخت گردیده که پس از مدت تعیین شده، فروشنده در دفتر اسناد رسمی، حاضر و بقیه وجه مورد معامله را دریافت نماید و منزل خریداری شده را واگذار کند. چون در مدت تعیین شده، بهای منزل ترقی نموده، لذا فروشنده سر موعد از واگذاری منزل خودداری نموده است:

1. آیا شرعاً منزل به خریدار تعلق دارد یا خیر؟ و فروشنده می تواند به عنوان این که مغبون شده از واگذاری مورد معامله خودداری نماید؟

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده، فروشنده حق به هم زدن آن را ندارد؛ مگر در ضمن معامله شرط خیار شده باشد و ترقی قیمت بعد از عقد، غبن محسوب نمی شود.

ص: 16

2. در قولنامه شرط شده چنانچه فروشنده حاضر به واگذاری مورد معامله نشد، مبلغی باید پرداخت کند، آیا شرعاً خریدار می تواند این مبلغ را از فروشنده مطالبه و دریافت کند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت تمام شدن معامله، شرط مزبور نافذ است و می تواند مطالبه کند.

3. آیا فروشنده ضامن پرداخت خساراتی که به خریدار در اثر عدم واگذاری مورد معامله وارد شده، می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، ضامن نیست.

[سؤال 6927] 3438

بسمه تعالی 1361 / 12 / 9

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله برکاته

قولنامه ای جهت خرید يك باب منزل بین دو نفر تنظیم شده است که ضمن آن این شرط دیده می شود «چنانچه فروشنده از معامله بالا منصرف شود بایستی دو برابر مبلغی که بابت بیعانه دریافت نموده به اضافه کمیسیون بنگاه از قرار صدی دو بپردازد».

سؤال این است که اگر فروشنده از انجام معامله منصرف شود و آماده پرداخت وجه التزام باشد، آیا شرعاً الزامی برای انجام معامله هم دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده یا به عقد و یا به معاطات، شرایط در ضمن آن نافذ است و در صورت انصراف وجه مزبور را باید بدهد، ولی اگر حق خیار برای یکی از طرفین قرار داده نشده حق ندارد از معامله منصرف شود.

[سؤال 6928] 3439

بسمه تعالی

خواهشمند است در مورد رساله رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی، این جانب را که با مسأله ای مواجه شده ام و با هزار زحمت خانه ای خریده و قولنامه نموده ام، لیکن فروشنده به علت گرانی در محضر حاضر نشده است راهنمایی فرمایید.

ص: 17

چنانچه قراردادی بین دو نفر در مورد خرید خانه امضا گردید و فروشنده با وجود متمول بودن و تعهد در قرارداد که در صورت استتکاف از انجام معامله مبلغی را به عنوان خسارت بپردازد از دادن آن مبلغ که در قولنامه یا قرارداد قیده شده بود سر باز زد و خانه را نیز به علت گران شدن نفروخت و خریدار نیز دچار خسارت زیاد از نظر فروش اثاث شده بود، آیا می توان با عنوان سؤال و جواب زیر که از حضرت امام شده است هم از فروش خانه و هم از پرداخت خسارت شانه خالی کرد؟

قراردادی که بین ارباب حاجت و دلالتان به نام قولنامه معمول است و مبلغی را معین می کنند که هر يك از طرفین حاضر به معامله نشد آن مبلغ را به دیگری بپردازد، آیا لازم الوفا است این گونه قرارداد یا نه؟

بسمه تعالی، مجرد قولنامه لازم الوفا نیست، مگر آن که عقد خوانده شود یا معامله به دادن مثنی یا ثمن واقع شود و چنانچه معامله تمام شده شرط در ضمن آن نافذ است.

[سؤال 6929] 3440

بسمه تعالی 1361 / 3 / 4

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، دامت برکاته، پس از ادای احترام و عرض سلام خواهشمند است جواب مسأله زیر را در ذیل نامه مرقوم فرمایید:

سال ها است شرکت خوراك (وابسته به گروه صنعتی مینو) برای عده ای از کارکنان خود که در رابطه انجام امور روزانه شرکت احتیاج به ماشین دارند از کمپانی، اتومبیل خریداری و طبق ضوابطی که مورد قبول طرفین واقع گردیده به طور قسطی پنج ساله به قیمت خریداری شده به آن ها می فروشد و پس از اتمام اقساط سند ماشین را به نام کارمند «خریدار» منتقل می نماید:

در تاریخ 1361 / 1 / 21 هیأت مدیره طبق اطلاعیه تصمیم گرفت برای تحویل ماشین به کارمند آیین نامه جدیدی تهیه تا با این آیین نامه ماشین به طور امانی به افراد

ص: 18

ذی ربط تحویل و از دریافت قسط خودداری گردد و می خواهند این تصمیم را مضمول افرادی که در سال گذشته «سال 1360» ماشین را با مقررات قبل، از شرکت تحویل گرفته اند بنمایند. حال این تصمیم مورد اعتراض کارمندانی که در سال گذشته ماشین را با مقررات قبل، از شرکت تحویل و تصرف نموده اند گردیده و اظهار می دارند:

1. طبق قوانین مملکتی قانون عطف به ماسبق نمی گردد و آیین نامه جدید از روز اعلام برای کارمندانی که ماشین تحویل می گیرند قابل اجرا است.

2. طبق مدارک شرکت ماشین را به کارمند فروخته و ماه ها است مورد تصرف خریدار واقع شده و طبق قرارداد و ضوابط نزدیک یک سال است بابت آن قسط پرداخت کرده لذا مضمول نمودن چنین افراد به آیین نامه جدید خلاف شرع و عرف است.

علی هذا برای این که حقی ضایع نگردد توافق شد از محضر حضرت عالی با توجه به شرح بالا، حکم شرع مسأله بالا استفتا و نتیجه استفتا در مورد صحت یا بطلان انجام معامله مورد قبول واقع گردد.

بسمه تعالی، معامله اگر با مراعات ضوابط شرعی انجام گرفته بدون حق شرعی فسخ، نمی توانند آن را تغییر دهند.

[سؤال 6930] 3441

بسمه تعالی

محضر مقدس آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

منزلی در هفت ماه قبل با رضایت طرفین فروخته شده است و بعداً منزل در مقابل 40 هزار تومان، در رهن فروشنده درآمده است تا بعد از پرداخت آن، از رهن خارج بشود. ولی 2 ماه قبل، مشتری شکایت کرده است که در این منزل مغبون شده است. با توجه به آن که در اول معامله خیارات را از همدیگر ساقط کرده اند و برای به هم زدن

ص: 19

معامله، برای یکدیگر 50 تومان قرار داده اند، حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض اسقاط خيارات، حق فسخ ندارد.

[سؤال 6931] 3442

بسمه تعالی 3 ربيع الثانی 1400 ق

محضر حضرت مستطاب آیت الله العظمی، رهبر عظیم الشان جهان اسلام امام خمینی، دامت برکاته

به عرض ساحت مقدس می رساند: چه می فرمایید در این مسأله که شخصی چند قطعه زمین به مساحت معین - که در اسناد ذکر شده - از سه سال قبل تا يك سال و نیم پیش در داخل شهر ساوه به اشخاص فروخته و خریدارها خانه و مسکن ساخته و ساکن شده اند و دارای آب و برق هم هستند و اسقاط کافه خيارات خصوصاً خيار غبن از طرفین شده؛ آیا بعد از گذشت مدت مزبور خریدارها حق مراجعه به فروشنده و فسخ و اقاله معامله و مطالبه وجه را دارند یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور بدون رضایت طرفین معامله فسخ نمی شود.

[سؤال 6932] 3443

بسمه تعالی 1361 / 4 / 28

جماران، دفتر حضرت امام خمینی، دام عزّه

سلام علیکم، ضمن درود به تمامی رزمندگان حق و پیروزی آن ها در جبهه ها، نظر آن دفتر را نسبت به مسأله ذیل جلب می نمایم:

در تاریخ بهمن ماه سال 1359 شرکت - طبق آگهی ای در جراید - ضوابطی را جهت قبول متقاضی برای تحویل اتومبیل های رنوی ساخت شرکت در زمان آینده، تعیین و طبق همان شرایط مذکور، متقاضی پذیرفت. در آن ضوابط تعیین نشده بود که متقاضی اگر دارای اتومبیل دیگری باشد از تحویل رنو به مشارالیه جلوگیری خواهد شد.

حال که زمان تحویل فرا رسیده و مشتریان برای تحویل اتومبیل مورد تقاضای

ص: 20

خود مراجعه می نمایند، مشاهده می شود که دارای اتومبیل دیگری هستند. بنابراین با وضع کنونی کشور که تولید وسیله نقلیه در سطحی نیست که بتوان به تمام متقاضیان قدیم و جدید جواب مثبت داد و عده ای از هم میهنان نیاز شدید به اتومبیل دارند و فاقد آن می باشند؛ آیا می توانیم از تحویل اتومبیل به متقاضی مذکور (اتومبیل دار) جلوگیری نماییم و ماشین مورد درخواست را به نیازمند واقعی واگذار نماییم یا خیر؟

در هر صورت تقاضا داریم نتیجه را اعلام فرمایید تا در آینده بتوانیم بیش از پیش به وظایف شرعی و قانونی خود عمل نماییم. با توفیق الهی بسمه تعالی، اگر فروش ماشین به متقاضی انجام شده و شرط نداشتن ماشین در بین نبوده، شرکت ملزم به تحویل ماشین به خریدار است. ولی اگر هنوز فروش ماشین انجام نشده و متقاضی تنها به منظور خرید ماشین در آینده، پولی به حساب شرکت واریز نموده؛ اختیار با شرکت است، می تواند اتومبیل به متقاضی نفروشد.

[سؤال 6933] 3444

بسمه تعالی 1361 / 12 / 25

امید مستضعفین جهان، امام امت، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه

حضرت اسلامیان پناه چه می فرمایند در این مسأله شرعی: عمرو خانه باغچه ای را در تاریخ 4 / 5 / 1361 به قیمت پیشنهادی فروشندگان (زن و شوهری) با شرط مدت نه ماه مهلت از تاریخ انعقاد قرارداد با توافق فروشندگان، خریداری می کند و مبلغ دو میلیون ریال بابت بیعانه تأمین خسارت در حق فروشندگان پرداخت نموده و قولنامه شرعی و قانونی تنظیم می شود و پس از تفهیم آن به فروشندگان، صیغه مبایعه شرعی جاری و فروشندگان در حال عقل و شعور، قرارداد را امضا نموده اند و عمرو به اتکای همین قولنامه و به امید این که سرانجام به خانه خریداری خود خواهد رفت، خانه ای را برای مدت نه ماه (یعنی تا اختتام مهلت) به وجه اجاره معتابهی کرایه و وجه قابل

ص: 21

ملاحظه ای هزینه اثاث کشی نموده است. اینک که مدت هشت ماه از انعقاد قرارداد سپری شده و فروشندگان در این مدت مبلغ بیعانه را در اختیار داشته و از وجه مذکور استفاده های تجاری نموده و مبیع را نیز در تصرف داشته اند و بعد از ایراد این همه خسارت به خریدار، می خواهند با انواع لطایف الحیل و استشهادهای دروغین و پاره ای عناوین بی حقیقت معامله را به هم بزنند. در صورتی که بنا به اقرار خودشان هیچ گونه غبنی نیز رخ نداده و این ندامت را تا کنون به خریدار کتباً اطلاع نداده اند.

ضمناً در این مدت خانه های متشابه الشرطی نیز بوده که به اتکای همین قولنامه، خریدار از خرید آن ها خودداری نموده و خسارات معتناهی متوجه او گردیده و فروشندگان مصرأً درصدد به هم زدن معامله و ایجاد ناراحتی های نامحدود به خریدار هستند. استدعا آن که حکم شرعی و قانونی این معامله را بیان کنید. آیا فروشندگان می توانند این معامله را به هم بزنند یا نه؟

بسمه تعالی، هیچ يك از طرفین حق به هم زدن معامله را ندارند؛ مگر در صورتی که در ضمن معامله شرط خیار شده یا غبنی در کار باشد.

[سؤال 6934] 3445

بسمه تعالی 19 / 4 / 1361

محضر مبارك امام، دام ظلّه علی رؤوس الأنام

با نهایت احترام؛ به عرض می رساند: شخصی خانه اش را به دیگری فروخته؛ بایع و مشتری صیغه عقد را جاری ساخته اند، ولی نه خانه تحویل گردیده و نه دیناری پول دریافت شده و نه تاریخ تحویل معین شده؛ بلکه به عرف واگذار شده است؛ بعد از مدتی بایع و مشتری توافق می کنند که در روز معینی در دفترخانه حضور به هم رسانده، علاوه بر ثبت معامله، موضوع تحویل ثمن و مثن هم روشن گردد؛ ولی به علتی قهری، حضور در آن روز، مقدور هیچ يك از طرفین معامله نبوده و بعداً بایع، مدت مدیدی متعذر به عذری بوده و از حضور معذور بوده است؛ مشتری هم در اثر طول

ص: 22

مدت، معامله را فسخ می کند و در ضمن قیمت خانه تنزل می نماید و بایع، خانه را با بهای کمتری به دیگری می فروشد. آیا مشتری ضامن تنزل قیمت خانه هست یا خیر؟ و آیا اگر مشتری وجهی را علی الحساب به بایع پرداخته است، حق استرداد وجه را دارد یا خیر؟ بسمه تعالی، اگر خیار برای مشتری ثابت بوده، می تواند عقد را فسخ کند و وجه پرداختی را مطالبه نماید و تنزل قیمت را ضامن نیست.

[سؤال 6935] 3446

بسمه تعالی 1361 / 10 / 1

محضر زعیم عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، مدّ ظلّه العالی

پس از سلام؛ شخصی خانه ای را شرعاً طبق موازین اسلام خریده و پول آن را به مالک پرداخت نموده و اکنون در يك طبقه آن سکنا گزیده و طبقه دیگر در دست مالک است. قرارداد بین مشتری و مالک این بوده که پس از تنظیم سند در دفترخانه رسمی باقیمانده پول خانه را به مالک پرداخت کند. پس از 9 ماه فروشنده به بهانه های مختلف از جمله گران شدن منزل، از حضور در دفترخانه رسمی و تنظیم سند خودداری می کند. بفرمایید آیا فروشنده شرعاً حق چنین عملی را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده، حق برگشت ندارد. مگر خیار فسخ شرط شده باشد.

[سؤال 6936] 3447

بسمه تعالی 1362 / 2 / 1

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران

استدعا دارد در خصوص مسأله زیر امر به پاسخ فرمایند:

شخصی در جمهوری اسلامی ایران، زمانی که ارائه مجوز خرید برای مسکن ضروری نبوده است، ملکی را خریده و تصرف هم کرده است. آیا در این زمان که

ص: 23

برای تنظیم سند رسمی، ارائه مجوز لازم است، این امر لاحق می تواند مفسد بیع سابق و مانع تنظیم سند رسمی باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، بعد از تحقق معامله باید بر طبق آن عمل شود و اشکال تنظیم سند موجب بطلان معامله نیست.

[سؤال 6937] 3448

بسمه تعالی

حضور محترم اعضای دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه علی رؤوس المسلمین

اگر کسی باغی را بفروشد و خریدار هم مدرک کتبی عادی و شاهد بگیرد؛ آیا بایع می تواند پس از مدتی بگوید: «باید باغ را به من برگردانی» در صورتی که تمام ثمن پرداخت شده است؟

بسمه تعالی، بعد از تمام شدن معامله بدون این که خیاری در بین باشد، نمی تواند فسخ کند.

[سؤال 6938] 3449

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، با عرض سلام

شخصی ملکی را به موجب نوشته عادی به نام خود خریداری می نماید، ولی قصد دارد هنگام تنظیم سند رسمی به نام خود و همسرش ثبت شود، اما موقع انجام معامله این معنا را از فروشنده مکتوم داشته و بعداً این موضوع را اظهار کرده. از آن حضرت استدعا دارد در این مورد، با توجه به این که کمک مالی همسر مؤثر است، فتوا صادر فرمایید که آیا فروشنده، حق امتناع از تنظیم سند رسمی به نام شخص خریدار و همسرش را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، فروشنده حق امتناع ندارد.

ص: 24

2. اگر فروشنده برای خریدار، تخفیفی از جهت وجه قائل شود و او بر حسب قرارداد نتوانسته معامله را به اتمام برساند و خریدار دیگر بیع را انجام داد (ضمناً خریدار اول مقداری بیعانه به فروشنده داده) آیا تخفیف، به نفع خریدار اول است یا خریدار دوم؟

بسمه تعالی، اگر خریدار اول بدون فسخ بیع، ملك را به دیگری فروخت، تخفیف به نفع خریدار اول است.

بسمه تعالی 1361 / 10 / 7

محضر مبارك مرجع عالی قدر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه الشریف

محترماً؛ به استحضار می رسانند: این جانب در مورخه 1361 / 3 / 23 از يك فروشگاه خصوصی مقداری جنس خریده و وجه آن را طبق فاکتور فروشگاه نقداً پرداخت نموده ام. يك ماه قبل برای تحویل جنس مراجعه کرده ام؛ اما مبلغ شش هزار تومان به بهانه این که جنس ترقی کرده دوباره درخواست شده. متمنی است در جواب این مسأله مرقوم فرمایید: آیا پس از قرارداد و پرداخت ثمن جنس، وجهی که درخواست شده شرعی است و تخلف از قرارداد موجب مسئولیت برای فروشنده نمی شود؟ لطفاً جواب این مسأله را روشن فرمایید.

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده، فروشنده بیش از ثمن را حق ندارد.

بسمه تعالی

نور چشم امام زمان و عاشقان امام زمان و مستضعفین جهان، رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله حاج سید روح الله خمینی حفظه الله تعالی

در تاریخ 20 / 6 / 1361 ده دستگاه بستنی ساز از فروشنده تهرانی طبق روال قبلی و قیمت قبلی خریدم و او پول را قبول نموده و وعده تحویل دور داد و وکیل او وعده نزدیک داد به مدت يك هفته، من هم به ده نفر فروختم و وجه گرفتم که پس از رسیدن بستنی ساز حداقل 15 روزه تحویل نمایم. سه عدد را چهار ماه بعد فرستادند، گفتند هفت عدد دیگر را سه روزه می فرستند که خلف وعده نموده پس از حدود سه ماه سه عدد فرستاده هر کدام یکصد هزار ریال گران تر، من سه عدد را به قیمت قبلی فروخته بودم و بابت هر کدام یکصد هزار ریال ضرر نمودم. جهت هفت عدد دیگر چون حزب اللهی هستم و مردم به من اعتماد داشتند چون فروشنده خلف وعده نموده من هم پیش مردم بد قول شدم. بعد گفتند اگر بقیه را می خواهید هر کدام یکصد هزار ریال گران تر است. پس از شش ماه از دریافت پول چون من از آن طرف در فشار بودم جهت تحویل جنس فروخته شده و از طرفی هم باید تحویل می دادم، به ایشان گفتم بفرستید ولی غیر شرعی و خلاف شرع است، آن ها هم فرستادند. هم اکنون از سه الی چهار نفر تفاوت نرخ را به طور امانت گرفته ام تا جناب عالی سرور عزیزم جواب بفرمایید آیا فروشنده تهرانی می تواند پس از چند ماه به علت این که کارخانه دینام را گران نموده به من گران بدهد؟ و بعد از سه ماه مقدار قیمت گران شده را اطلاع داده و هفت عدد بعدی را که من فروخته ام و ایشان هم به من فروخته قبلاً، هر کدام را یکصد هزار ریال گران نمایند؟ در خاتمه تکلیف خریدار من چیست؟ آیا باید تفاوت را بدهند شرعاً یا خیر؟ در این میان چه کسی باید تفاوت را پرداخت نماید؟ فروشنده تهرانی که قبول ندارد. لطف فرموده جواب مرحمت فرمایید تا تکلیف شرعی خود را انجام بدهم، هرگونه امر بفرمایید با طیب خاطر انجام خواهم داد.

بسمه تعالی، در صورت تمام شدن معامله فروشنده حق مطالبه بیشتر از مقداری که در عقد قرار داده شده ندارد و اگر نزاعی در بین است به محاکم صالحه مراجعه شود.

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى رهبر مستضعفان جهان

محترماً به استحضار مى رساند: اين جانب در سال 1347 با خانمى ازدواج نمودم كه تحصيلات ايشان فقط ششم ابتدائى بوده، پس از مدتى تصميم گرفت تحصيلات خود را ادامه دهد. در هر صورت درسش را ادامه داد در مدت 15 سال كه با هم زندگى مى كرديم و صاحب دو فرزند شديم يكي دختر و ديگرى پسر. در سال 1359 شركت ساپيا - رنو آگهى كرد كه با شرايط خاصى ماشين در اختيار متقاضيان قرار خواهيم داد، من در آن زمان گواهينامه نداشتم چون براى همسرم قبلاً گواهينامه گرفته بودم و براى گرفتن ماشين رنو از شركت ساپيا نياز به فتوكپى گواهينامه و شناسنامه بود، لذا من از فتوكپى گواهينامه و شناسنامه همسرم استفاده كردم و پول خريد ماشين را به حساب شركت ساپيا به نام همسرم و اريز و ماشين را به نام همسرم از شركت ساپيا تقاضا و خريدارى نمودم و در اواخر سال شصت ماشين را به ما تحويل دادند و ماشين را به رسم امانت در اختيار همسرم گذاشتم، تا هر وقت اين جانب گواهينامه گرفتم آن وقت ماشين را به نام خودم كنم. مدتى خانوادگى از اين ماشين استفاده مى كرديم و تمام پولى كه من بابت خريد ماشين داده ام مدارك آن موجود است.

همسرم چشم طمع به مالم دوخته و اكنون به مدّت هفت ماه است كه بچه ها و خانه و كاشانه خود را ترك نموده است و شكايات زيادى بر عليه من نموده:

1 - تقاضاى گرفتن مهریه 2 - تقاضاى نفقه 3 - تقاضاى استرداد جهيزیه 4 - تقاضاى خلع يد ماشين خريدارى شده خودم كه اين جانب به دليل نداشتن گواهينامه به نام همسرم خريدارى نموده بودم و به رسم امانت در اختيارش قرار دادم.

از محضر محترم امام بزرگوارمان سؤالات زير را دارم و نظر حضرت امام را درباره سؤالات زير خواستارم تا با فتواى امام به حق قانونى خود برسم.

1. آیا از لحاظ شرع مقدس اسلام صحیح است که این جانب با پول تمام و کمال خودم به علت نداشتن گواهینامه، ماشین را به نام همسرم بخرم و به رسم امانت در اختیارش قرار دهم و حال همسرم قید همه چیز - یعنی خانه و کاشانه و رسم همسررداری و فرزندداری را - بزند و به عنوان این که گواهینامه دارد و ماشین به نام وی می باشد شکایت نموده و تمام قضات با توجه به مدارک ارائه شده در دادگاه حق به این جانب بدهند، ولی بگویند چون قانون حقوقی چنین است رأی به حاکمیت همسرم صادر نمایند؟ نظر حضرت امام درباره آن چیست؟

بسمه تعالی، اگر ماشین را با پول خودتان خریده اید و به او تملیک نکرده اید مال شما است، هر چند سند به اسم او باشد.

2. آیا خانمی که خودش دادخواست طلاق بدهد و در دادگاه محکوم شود می تواند تقاضای گرفتن مهریه را بنماید؟

بسمه تعالی، مهریه را حق دارد.

3. آیا خانمی که دارای دو فرزند باشد و فرزندش را برای شوهرش بگذارد و با کلی اثاثیه و طلا آلات فرار کند می تواند تقاضای استرداد جهیزیه را نماید؟

بسمه تعالی، جهیزیه ای که زن با خودش آورده ملك او است و می تواند برگرداند.

4. آیا خانمی که خودش دادخواست طلاق می دهد و در دادگاه محکوم می شود و حاضر به بازگشت به زندگی خودش نشود و شوهرش هم آمادگی نگهداری او را داشته باشد، آیا می تواند تقاضای نفقه بنماید؟

بسمه تعالی، اگر زن تمکین تام از شوهر خود ندارد استحقاق نفقه ندارد.

[سؤال 6943] 3453

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی جناب حاج آقا روح الله الخمينی، مدّ ظلّه

به عرض می رساند: شخصی چند قطعه زمین داشته که در دو سال قبل به چند نفر فروخته است. بعضی قطعات را پول نقد گرفته و بعضی را مقداری نقد گرفته و مقداری را بنا شده بعد از يك سال پردازد. حال بعد از گذشتن يك سال؛ قیمت زمین

ص: 28

تنزل کرده خریدار می خواهد قیمت فعلی را پردازد. فروشنده می گوید باید قیمت يك سال قبل را پردازي. ضمناً معلوم باشد که زمین های مزبور را فروشنده در محلات با اجازه برای ساختمان و پرداخت هزینه آب آن تحویل داده و فعلاً هم محل سکونت می باشد. حکم الله را بیان فرمایید.

در پایان سلامتی و طول عمر آن رهبر عزیز را از درگاه خداوند متعال خواهانم و خواهشمندم در این مورد مرارتهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، باید ثمنی که در معامله قرارداد شده، داده شود.

[سؤال 6944] 3454

بسمه تعالی 1361 / 9 / 24

دفتر محترم امام خمینی، خواهشمندم به سؤال های زیر پاسخ دهید:

1. افرادی که قبل از انقلاب در آستانه سید حمزه علیه السلام شهرستان کاشمر، قبر خریده اند و وجه آن را پرداخت نموده اند و هنوز آن را تصرف نکرده اند، آیا ما طبق لایحه قانونی مورخه 4 / 2 / 1358 شورای انقلاب می توانیم مابه التفاوت از صاحبان قبر بگیریم یا خیر؟ پاسخ دهید.

بسمه تعالی، اگر در فروش قبر، مجاز بودند و فروش به وجه شرعی انجام گرفته، حق مطالبه مابه التفاوت ندارند.

[سؤال 6945]

2. افرادی در قبل از انقلاب، مقداری از زمین های امامزاده را به آن ها فروخته اند و این افراد برای خود مقبره خانوادگی درست کرده اند و به صورت اتاق در آورده اند؛ آیا ایشان هم مشمول قانون 4 / 2 / 1358 شورای انقلاب اسلامی می شوند یا خیر؟

بسمه تعالی، حکم همان است که در بالا ذکر شد؛ اگر فروشنده مجاز در فروش زمین بوده و معامله به وجه شرعی انجام گرفته، اختیار زمین با خریدار است.

ص: 29

بسمه تعالی 27 رمضان 1402 ق

محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی خانه (یا آپارتمانی) را به طور مشروط (بیع شرط) در قولنامه ای که به امضای خریدار و فروشنده رسیده، فروخته است. در آن قید شده که اگر چنانچه فروشنده در محضر برای انتقال ملک حاضر نگردد باید فلان مبلغ (مثلاً 250 هزار تومان) به عنوان خسارت به خریدار بدهد، ولی برای خریدار مبلغی تعیین نشده که اگر برای به هم زدن معامله اصرار داشت به فروشنده بپردازد. آیا فروشنده می تواند معادل همان مبلغ بالا یا بیشتر را مطالبه نماید و نتیجتاً بیع را از حال تعلیق درآورده قطعی نماید؟ توضیح: مدت قید نشده است.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، حق مطالبه چیزی زاید بر ثمن برای فروشنده ثابت نیست.

بسمه تعالی 1361 / 6 / 29

دفتر محترم امام

بعد از سلام و درود به رهبر کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی و به امید پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه های حق علیه باطل.

محترماً؛ معروض می دارد: مسأله ای که لازم به سؤال گردیده و احتیاج مبرم به جواب آن دارم به شرح زیر است:

ملکی در حضور شاهدان عینی که شهادت به آن می دهند، قیمت گذاری گردیده و وجه نقد به مقدار ثلث از قیمت آن به فروشنده رسیده و از آن زمان تا کنون خریدار پولی نداشته که بقیه قیمت ملک را بدهد و فروشنده هم چند بار مطالبه پول خود را نموده است. هنگامی که خریدار پول را آماده نموده که به فروشنده بدهد، فروشنده

اظهار می دارد که ملك باید به قیمت روز قیمت گردد و پول آن را بدهی. از آن دفتر محترم خواهشمندم که جواب مسأله را روشن کنند که از نظر دستور محترم شرع مقدس اسلام حق با خریدار و یا با فروشنده می باشد که مسأله مورد لزوم می باشد؟

بسمه تعالی، اگر معامله شرعی انجام شده و خرید و فروش تمام شده، فروشنده فقط حق دارد باقیمانده پول را مطالبه کند. ولی اگر صرف مواعده خرید و فروش حاصل شده، بدون این که معامله انجام شده باشد، اختیار ملك با فروشنده است. به هر کس و به هر قیمت بخواهد، می تواند بفروشد.

[سؤال 6948] 3457

بسمه تعالی 1361 / 9 / 25

محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی فداه

با نهایت احترام؛ به شرف عرض می رساند: این جانب قبل از تصویب قانون جدید خرید مسکن آپارتمانی را قولنامه نمودم و نقداً بیش از هشتاد درصد قیمت کل آن را طبق مفاد قولنامه به بانک پرداختم و فقط حدود بیست درصد بقیه به عنوان وثیقه باقیماند که پس از آزادی انجام معاملات مسکن به مالک پردازم. البته در قولنامه این مطلب هم ذکر شده که اگر هر يك از طرفین از انجام معامله خودداری نماید و یا روزی که معاملات در محضر آزاد اعلان شود امتناع نمایند، علاوه بر مبلغ هشتاد درصد نقدی، مبلغ پنجاه هزار تومان نیز به عنوان جریمه پرداخت نماید.

اکنون بیشتر از يك سال از قولنامه گذشته و با توافق قبلی در آپارتمان هم سکونت نموده ایم و کاملاً هم راضی بوده و هستیم که معامله قطعی شود. اقدامات مستمر هم انجام دادم تا مدارك تکمیل شد و بنیاد مسکن چندی قبل مجوز خرید مسکن را جهت این جانب فرستاد و من هم بلافاصله به بانک اطلاع دادم؛ ولی مالک اظهار می دارد:

یا معامله را کأن لم یکن تلقی کنید که در این صورت پنجاه هزار تومان اضافی را هم می پردازم (علاوه بر پولی که قبلاً گرفته طبق مفاد قولنامه) یا این که اگر می خواهید

ص: 31

در محضر حاضر شوم، علاوه بر توافق های قبلی مبلغ پنجاه هزار تومان هم اضافی بایستی به من بدهید و دلیلش را هم این طور می داند که آزادی معامله در محضر شرط انجام معامله بوده، نه صدور مجوز. در حالی که طبق قوانین جمهوری اسلامی تا مجوز نباشد دفاتر اسناد رسمی اصلاً اقدامی نخواهند کرد و این امر را خود مالک هم می داند.

لذا استدعا دارد با توجه به این که با مبلغ پولی که حدود 15 ماه قبل جهت خرید آپارتمان دادم اصلاً امکان خرید ساختمانی کوچک تر هم میسر نیست و قیمت ها تقریباً دو برابر شده است، با عنایتی که مبذول می فرمایید فتوای گران بهایتان را در مورد این مسأله صادر فرمایید تا این حقیر و امثال من به صحت و سقم مسأله آگاهی بیشتری پیدا کنیم، که آیا ادعای مالک صحیح است یا خیر؟ و آیا صدور مجوز خرید مسکن ملاک است یا تنها به گفته او آزاد شدن معامله در محضرها؟ و بالاخره در صورتی که خلاف ادعای مالک ثابت شود، تعداد چند فقره معامله ای که با همسایگانم تا کنون انجام داده به چه صورت خواهد بود؟ و تکلیف مبالغ اضافی که گرفته به چه صورت می شود، چون همگی از پرداخت وجوه اضافی ناراضی هستند؟

بسمه تعالی، اگر معامله شرعی و نقل ملک انجام گرفته فقط انتقال سند در محضر باقیمانده، فروشنده حق مطالبه مبلغ اضافی ندارد و با دریافت مجوز انتقال سند، باید طبق شرط حاضر شود برای نقل سند به مشتری.

[سؤال 6949] 3458

بسمه تعالی 10 / 12 / 1361

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

ضمن عرض سلام و ادای احترام، مستدعی است حکم شرعی این مسأله را بیان فرمایید.

شخصی در کمال صحت و سلامت، خانه ای را فروخت و آن را تحویل خریدار

ص: 32

داد تا پول آن را به صورت نقد و مدت دار - دو ماهه و سه ماهه - دریافت دارد؛ مبلغ نقد را هنگام تحویل خانه دریافت کرد و مابقی را هم قرار است در موقع خود دریافت و خانه را از نظر قانونی منتقل سازد؛ حدود پنجاه روز بعد از قولنامه و تحویل خانه سکتته کرد و مرحوم شد. حال آیا از نظر شرع مقدس اسلام، ملك، مال کیست و پولی که فروشنده طلبکار است به چه کسی تعلق دارد؟ تکلیف خریدار و ورثه را از نظر شرعی بیان فرمایید. اَدَامَ اللّٰهُ ظَلْمَكُم

بسمه تعالی، اگر در وقت قولنامه معامله تمام شده، خانه ملك خریدار است و باید سند آن را به او تحویل دهند و بقیه پول را خریدار به ورثه فروشنده بپردازد؛ و در مفروض سؤال، معامله تمام است.

[سؤال 6950] 3459

بسمه تعالی بیست و پنجم ذیحجه الحرام 1402 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی، علم الاعلام، مرجع و رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، دامت برکاته العالیه، بعد از ابلاغ سلام و ابراز اخلاص صمیمانه، طول عمر با موفقیت و عافیت حضرت مستطاب عالی را از خدای بزرگ مسئلت می نمایم، عنایت فرموده و سؤالات ذیل را پاسخ فرمایید.

1. قولنامه های معمول در بازار و بنگاه های معاملاتی را با عدم اخذ ثمن، در تنجّز بیع کافی می دانید یا خیر؟

بسمه تعالی، دریافت ثمن در صحت و لزوم بیع، شرط نیست. اگر هنگام قولنامه، تنها مواعده نبوده و انشا بیع شده و طرف قبول کرده، کافی است.

2. اگر فروشنده برای خریدار، تخفیفی از جهت وجه قائل شود و او بر حسب قرارداد نتوانسته معامله را به اتمام برساند و خریدار دیگر بیع را انجام داد (ضمناً خریدار اول مقداری بیعانه به فروشنده داده) آیا تخفیف، به نفع خریدار اول است یا خریدار دوم؟

بسمه تعالی، اگر خریدار اول بدون فسخ بیع، ملك را به دیگری فروخت، تخفیف به نفع خریدار اول است.

ص: 33

3. اگر مالك، خانه خود را مثلاً يك ساله اجاره داد و پس از انقضای مدت، موجر راضی نباشد که مستأجر در آن خانه باشد، آیا آن مستأجر، غاصب محسوب می شود و مال الاجاره، بعد از يك سال به اجرت المثل منقلب می شود که مستأجر غاصب بر معمول روز اجاره بدهد؟ و ضمناً می تواند از مال الاجاره اولیه کمتر به حساب مالك بریزد، با عدم رضایت مالك؟ حکم را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، با پایان یافتن مدت اجاره، تصرف مستأجر بدون اجازه مالك، غصب و حرام و موجب ضمان اجرت المثل به قیمت روز است.

4. انگشتی که از طلای سفید ساخته شده، مرد می تواند استعمال کند یا خیر و اگر از پلاتین باشد چطور؟

بسمه تعالی، طلای سفید و پلاتین برای مرد اشکال ندارد.

5. نظر مبارکتان در تصرف سهم سادات آن است که احتیاطاً با اجازه مجتهد باشد. آیا اجازه می فرمایید این امر با مجتهد دیگر صورت گیرد؟

بسمه تعالی، مسأله، از موارد رجوع به غیر نیست.

6. اگر کسی يك خانه بیشتر ندارد و آن خانه را فروخت و پول نقد به دست آورد و خواست خانه وسیع تر مورد نیاز برای خود تهیه کند در سال مقرر خمس و وجوهاتش، آیا با احتیاج به آن وجه برای خرید خانه جدید، خمس بر او واجب است یا خیر؟

بسمه تعالی، خانه اگر از درآمد کسب غیر مخمس تهیه شده، پول فروش آن خمس دارد؛ مگر آن که در صورت تخمیس نتواند با باقیمانده پول، خانه مورد لزوم را تهیه کند که در این صورت مجاز است تخمیس نکند.

7. در اراضی و اماکن که مالك آن ها مجهول است، می شود تصرف کرد و نماز خواند یا خیر؟

بسمه تعالی، جواز تصرف در مثل مفروض سؤال، منوط به اجازه حاکم شرع است.

[سؤال 6951] 3460

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

محترماً و با آرزوی سلامتی و طول عمر آن رهبر تا ظهور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به عرض می رساند: این جانب در تاریخ 1359 / 2 / 20 يك

ص: 34

واحد آپارتمان برای فردی قولنامه نمودم. در قولنامه قید شد: این جانب حداکثر تا اول مهر ماه مدارک لازم جهت انتقال آپارتمان را حاضر کنم که تمام مدارک قبل از مهر ماه از طرف این جانب حاضر گردید. ولی خریدار به علت قوانین جاری کشور نتوانست در موعد مقرر که حداکثر تا 1359/6/20 می باشد مجوز لازم را کسب و برای انجام معامله حاضر گردد.

مدتی گذشت تا این که به علت خالی بودن آپارتمان فوق از طرف سازمان مسکن اخطار کردند. سه شریک دیگر این جانب که در موقع تنظیم قولنامه حاضر نبودند تا قولنامه را امضا نمایند، ولی شفاهاً به این جانب اختیار داده بودند؛ اظهار داشتند شرعاً از موعد مقرر در قولنامه که حداکثر تا 1359/6/20 بوده الآن حدود دو ماه گذشته و تمام شده و ما دیگر برایمان مقدور نیست صبر کنیم و از طرفی سازمان مسکن هم اخطار کرده و در این شرایط هم، خالی گذاشتن آپارتمان صحیح نیست. لذا در تاریخ 1359/10/1 آپارتمان فوق را به اجاره واگذار کردیم. ولی خریدار در تاریخ 1359/12/25 مجوز قانونی را کسب و به این جانب مراجعه و تقاضای جریمه و انجام معامله را دارد. متمنی است ذیلاً حکمتان را مرقوم فرمایید.

آیا این جانبان - فروشندگان - شرعاً موظف هستیم بعد از گذشت چند ماه از تاریخ مقرر آپارتمان را واگذار نماییم یا خیر؟

بسمه تعالی، معامله فروش و خرید اگر شرعاً انجام گردید و تنها بنا شد انتقال سند و پرداخت بقیه پول در تاریخ مقرر انجام گیرد، بدون این که حق فسخی برای فروشنده شرط شده باشد؛ ملک و اجاره مدت واگذار به غیر شده، متعلق به خریدار است و وجهی که شرط شده در صورت تأخیر در انتقال سند، خریدار به فروشنده بپردازد؛ خریدار طبق شرط باید به فروشنده بپردازد. ولی اگر معامله شرعاً انجام نشده فقط قول فروش و خرید داده شده، اختیار ملک با فروشنده است.

بسمه تعالی

حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی، ملکی را در تاریخ تیرماه 1359 به مبلغ پانصد هزار تومان خریداری کرد و مبلغ دویست هزار تومان بیعانه به فروشنده پرداخت تا پس از اتمام بنا و دریافت پایان کار از شهرداری به خریدار تحویل دهد و بقیه مبلغ را در محضر دریافت نماید. در تاریخ 18 / 1 / 1360 آماده و به خریدار تحویل شده؛ ولی خریدار هنوز نتوانسته مجوز خرید از وزارت مسکن دریافت و معامله را در محضر انجام و ملک را از مالک به خود منتقل نماید. مالک مدعی است: چون ملک در گرو بانک است و در این مدت کارمزد و جریمه پرداخت کرده و دارایی، مالیات بر اجاره گرفته و در این مدت 2 سال، قیمت ها ترقی نموده؛ بنابراین با پرداخت مبلغ 200 هزار تومان دو پنجم ملک را مالک هستی و یا به قیمت روز، دو پنجم ملک را خود خریدارم یا سه پنجم آن را به قیمت روز باید بخری. از حضرت امام تقاضا می شود، بفرمایید از نظر شرعی چه باید بکنم؟

بسمه تعالی، اگر معامله به نحو صحیح انجام گرفته، تمام ملک متعلق به خریدار است و مخارج مزبوره بر عهده کسی است که مقررات دولت اسلامی بر عهده او قرار داده است.

2. شخصی از شخصی 20 تن جنس خریده و قیمت کلی آن 750/000 ریال می شود؛ بدون این که جنس را وزن کند و تحویل بگیرد، 100/000 ریال بیعانه داده و قرار شده بقیه وجه را بیاورد و جنس را تحویل بگیرد. بعد از مدت طولانی آمده است و تقاضای فسخ معامله را می نماید و مطالبه بیعانه را می کند؛ و از این طرف، جنس مورد نظر ارزان شده است و آقای فروشنده با اتکا به قول شخص خریدار، جنس را

ص: 36

فروخته است. در این صورت وظیفه طرفین چیست؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده، حق فسخ ندارد؛ مگر آن که در ضمن معامله شرطی شده باشد.

[سؤال 6954] 3462

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، بخش مسائل شرعی

با عرض سلام و قدردانی از زحمات شبانه روزی شما برای بهبود جامعه اسلامی

این جانب 5/3 سال پیش يك باب آپارتمان طبق قولنامه پیوست به مبلغ 650/000 تومان معامله نمودم که از این مبلغ 450/000 تومان آن پرداخت شد و قرار شد مابقی بعد از تبدیل به سند پرداخت گردد. مالک با ساختن 2 دستگاه در محل پارکینگ ساختمان که از نظر قانون ماده 100 خلاف و حکم تخریب آن صادر گشته، از دادن سند ممانعت ورزید. با رسیدگی شهرداری رفع خلاف شد؛ لیکن مالک با بالا رفتن قیمت خانه، از گرفتن پایان کار و حضور در محضر جهت تبدیل قولنامه به سند رسمی خودداری می نماید.

با گذشت 5/3 سال از سکونت این جانب در این مکان، مالک اظهار پشیمانی نموده و می گوید منزل را نمی فروشم؛ در حالی که منزل در سال 1358 فروخته شده.

با مسأله ای که در رساله حضرت امام (2104) آمده: «تحویل خانه و زمین و مانند این ها به این است که آن را در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف نماید».

از جناب عالی تقاضای عاجل دارم این مسأله را از نظر شرعی به وسیله نامه بیان فرموده و خانواده ام را از بلا تکلیفی و سرگردانی نجات دهید.

با آرزوی موفقیت بیشتر برای شما. با تقدیم احترام

بسمه تعالی، با فرض تمام شدن معامله، فروشنده باید به شرایط مقررّه عمل کند و ترقی قیمت بعد از معامله، حتی برای فروشنده نمی آورد.

ص: 37

بسمه تعالی 1361 / 5 / 5

دفتر محترم امام خمینی، سلام علیکم

پس از عرض سلام و آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام در تمامی جبهه های جنگ حق علیه باطل، به عرض می رساند که زمینی است در حدود 45 سال پیش به مقدار پنجاه تومان بیع گذاشته شده است و دوباره پنج تومان نیز از همین زمین بیع شده، گرفته شده است؛ آیا به نظر حضرت عالی ما حق داریم که دوباره زمین را برای خود برگردانیم یا نه؟

با آرزوی سلامت و بقای عمر آن مقام محترم و امید دریافت دست خط مبارك به عنوان تبرک. دستتان را بر دیده نهاده و می بوسم.

بسمه تعالی، معامله اگر صحیح انجام شده، بدون خیار، حق رجوع ندارید.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 18

محضر مبارك حضرت آیت الله امام خمینی، مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر محبوب انقلاب اسلامی

ضمن عرض ادب و احترام و دست بوسی؛ در این مسأله شرعیه چه می فرمایید:

شخصی قریب 11 سال قبل، برابر سند عادی، قطعه زمینی را فروخته و ثمن آن را دریافت داشته؛ خریدار در مورد معامله از 11 سال قبل، اعیانی احداث نموده و از تاریخ معامله در ید و تصرف خریدار قرار گرفته. آیا اکنون می تواند از معامله منصرف و در مقام طرح دعوی برآید یا نه؟ استدعا دارد در مورد معروضه در فوق ذیلاً فتوای شرعی مزین فرمایند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، معامله واقعه محکوم به صحت است مگر خلاف آن ثابت شود و مرجع رسیدگی دادگاه های صالحه است.

این جانب ساکن شهرستان قروه سنندج، چندی قبل يك قطعه زمین ساختمانی از دو نفر خریداری و زمین را در تصرف بنده قرار داده و در این معامله ده نفر حضور داشتند؛ پس از يك ماه نادم شده و سند زمین را به من نداده؛ به نظر شرع اسلام این معامله انجام گرفته یا خیر؟
بسمه تعالی، سند میزان نیست؛ معامله شرعی زمین اگر انجام گرفته، فروشنده بدون حق فسخ نمی تواند معامله را به هم بزند.

محترماً؛ با ابلاغ سلام از محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - متع الله المسلمین بطول بقائه - استفتا می گردد:
در بند 4 قرارداد پیوست، شرطی شده که هر يك از متعاملین منصرف شوند، باید دویست هزار تومان بدهند. پس از دو سال و اندی که از تاریخ قرارداد گذشته و خانه در تصرف خریدار داده شده و تمام بهای خانه را فروشنده دریافت داشته آیا حال که قیمت املاک در سراسر شهر به دو یا سه برابر ترقی نموده فروشنده که خود را شخصی مذهبی و انقلابی و در بعضی ارگان های اسلامی فعال می داند، حق دارد که از انتقال سند در دفاتر رسمی ابا نموده و بگوید که به شرط 4 قرارداد حاضر عمل نمایم و خانه را نمی دهم؟
لطفاً چنانچه حقی با شرح بالا برای فروشنده در فسخ معامله مترتب است، مرقوم فرمایید و اگر شرعاً حقی ندارند که خریدار را از خانه که وجهش تماماً 2 سال پیش پرداخت شده و خریدار خانه را تماماً تصرف کرده، حتی مبالغی زیاد در خانه خرج

کرده و قیمت خانه دو برابر شده، خارج نماید، مرقوم دارید تا رفع این اختلاف بشود.

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده در فرض مسأله، فروشنده حق فسخ ندارد.

[سؤال 6959] 3467

بسمه تعالی

پس از عرض سلام و درود به رهبر عظیم الشان انقلاب، امام خمینی

در رابطه با معامله ای که در ذیل شرح کامل آن را می دهم، اشکالی برایم پیدا شده و می خواهم بدانم که آیا آن معامله حلال است یا حرام؟ و چون بحمدالله اموالم تا به حال به حرام آلوده نشده است، در این مورد نیز نمی خواهم چنین مسأله ای پیش آید. از شما استدعا دارم متن ذیل را خوانده و جواب آن را هرچه زودتر برایم بفرستید.

در تاریخ 14 / 5 / 1361 خانه ای را جهت خرید با خانمی که صاحب ملک بوده در يك بنگاه معاملات املاك دارای جواز کسب، قولنامه رسمی نمودم. خریدار و فروشنده، هر دو دارای تمام شرایط مربوط به خود از جهت قانون و شرع بودند و پس از يك ماه قرار بود در دفترخانه، جهت انجام معامله حاضر شوند. همچنین مبلغ دویست هزار تومان پول نقد در حضور صاحب بنگاه به عنوان بیعانه به فروشنده تحویل دادم و پس از گرفتن رضایت شفاهی از فروشنده در حضور صاحب بنگاه معاملات ملکی، قولنامه را برای انجام معامله به امضای صاحب ملک رساندیم.

در قولنامه زمانی را برای انصراف از معامله از سوی طرفین تعیین نکرده اند، و نیز یکی از شرایط این قولنامه این است که چنانچه هر يك از طرفین در روز انجام معامله در دفتر اسناد رسمی حاضر به انجام معامله نشدند، می بایست مبلغ دویست هزار تومان، معادل بیعانه قولنامه به عنوان خسارت به دیگری بپردازد.

پس از يك هفته، مشتری دیگری برای ملک مزبور پیدا شده و خرید ملک مورد نظر را به مبلغی برابر دویست هزار تومان بیشتر از مبلغی که قبلاً به وسیله قولنامه به این جانب فروخته شده بود، به فروشنده پیشنهاد می کند و صاحب ملک، خریدار دوم

ص: 40

را ترجیح می دهد، زیرا بیشتر از من می خواهد این خانه را بخرد. بنابراین تصمیم می گیرد خانه را به او بفروشد، و به این جانب یعنی خریدار ملك، پس از يك هفته اعلام می دارد که از انجام معامله مغبون شده و نمی خواهد ملك را به من بفروشد.

با مراجعه به دادگاه صالحه و با توجه به قانون مدنی تدوین شده، فروشنده طبق قانون می بایست مبلغ دویست هزار تومان علاوه بر مبلغ بیعانه به عنوان خسارت به من پرداخت کند. با توجه به این که این جانب جهت انجام معامله، اتومبیل، فرش و مقداری از لوازم زندگی خود را با تحمل ضرر فروخته ام، چنانچه بعد از انجام تشریفات قانونی در دادگاه، رأی محکومیت فروشنده صادر گردد و موظف به پرداخت دویست هزار تومان خسارت به این جانب شود، از نظر قوانین اسلام و احکام شرعی این پول حلال است یا حرام؟

چنانچه دادگاه فروشنده را ملزم به تنظیم سند انتقال نمود و ملك را با وجود نارضایتی به خریدار منتقل نمود؛ آیا این معامله صحیح است یا باطل؟

توضیح؛ از نظر مغبونیت، با توجه به این که زمین و مسکن بیشتر از ارزش معاملاتی آن - که توسط دولت تعیین شده - خرید و فروش می شود، چنانچه مورد ارزیابی کارشناس رسمی دولت قرار گیرد، خیلی کمتر از مبلغ مورد معامله ارزیابی خواهد شد. خواهشمند است جواب اشکالات مطرح شده را برایم بفرستید.

بسمه تعالی، معامله اگر انجام شده و حق فسخ برای فروشنده قرار ندادند، فروشنده ملزم است ملك را طبق قرارداد به خریدار تحویل دهد و به شروط ضمن عقد عمل نماید و نمی تواند آن را به دیگری بفروشد؛ ولی اگر ثابت شود فروشنده در موقع فروش نسبت به قیمت عادلۀ روز مغبون شده، می تواند معامله را فسخ کند و ملك را به دیگری بفروشد، و در این صورت شروط ضمن عقد هم از بین می رود و کسی حق ندارد فروشنده را ملزم به عمل به معامله و آن شروط نماید. و اگر شرط در ضمن عقد شامل فسخ به غبن باشد نافذ است که در صورت فسخ باید مبلغ مقرر داده شود.

بسمه تعالی 1361 / 8 / 12

شورای استفتائات امام امت

با عرض تحیات و سلام، و آرزوی پیروزی کامل اسلام و رزمندگان جان بر کف، و طول عمر و بقای امام تا ظهور حضرت بقیه الله؛ به عرض می رسانم: مسائلی در مورد خرید و فروش پیش آمده که از آن شورای محترم تقاضای پاسخ دارم.

باغی که در آن يك واحد مسکونی احداث شده، با شخصی جهت خریداری و قولنامه آن مذاکره شد و مبلغ 300000 تومان بابت قولنامه از طرف خریدار به فروشنده پیش پرداخت گردید. قبل از محضر، مسائلی پیش آمد که خریدار از خرید باغ منصرف شده و عامل انصراف، یکی مغبونیت خریدار بود و مسأله مهم تر این که این باغ، خانه تیمی منافقین بوده و خریدار از این موضوع بی اطلاع بوده. آیا قبل از قولنامه محضری فروشنده می تواند پول خریدار را ضبط و یا برای مدتی طولانی نگهدارد و به او نپردازد یا خیر؟ با آرزوی سلامتی امام امت.

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده، خریدار باید بقیه پول را بپردازد و فروشنده باغ را تحویل دهد. بلی، اگر خریدار مغبون باشد و فسخ کند، فروشنده باید پول خریدار را به او رد کند و همچنین اگر شرطی در وقت معامله باشد، باید به آن عمل شود.

بسمه تعالی 1361 / 10 / 28

محضر مبارك امام امت، خمینی بت شکن، دام ظلّه العالی

توقیراً در اواخر سال 1358 آپارتمانی را با پرداخت پنجاه هزار تومان قولنامه نمودم و قرار شد بقیه وجه را نیز در دفترخانه، پس از تنظیم سند قطعی، پرداخت نمایم. در خلال این مدت نیز توانسته ام در آپارتمان سکونت کنم و مبالغی هم در آن

خرج نموده ام. لکن مالک به عللی - منطقی یا غیر منطقی - حاضر به انجام معامله نیست و حاضر است علاوه بر رد پنجاه هزار تومان دریافتی، پنجاه هزار تومان هم بابت استنکاف از انجام معامله طبق قولنامه بپردازد و تقاضای تخلیه نموده است. چون در این آپارتمان با خانواده ام به عبادت می پردازم، تمناً دارم نظرتان را راجع به مسائل زیر اعلام فرمایید:

1. آیا با این که بقیه مبلغ را از روز نخست تقدماً نگهداری نموده ام تا پس از تنظیم سند، به مالک بپردازم، محل سکونت غصبی است یا خیر؟ و شرعاً نماز و روزه در آن صحیح است یا خیر؟

2. شرعاً مکلف به تخلیه می باشم یا خیر؟

3. چنانچه مکلف به تخلیه می باشم، آیا بابت این مدت که آپارتمان را در اختیار دارم شرعاً باید اجرت المثلی بپردازم یا خیر؟

بسمه تعالی، 1 و 2 و 3. اگر معامله تمام شده و شرط خیار برای خریدار یا فروشنده نشده، حق فسخ معامله را ندارد؛ مگر این که مغبون باشد که در صورت جهل به آن، خیار غبن دارد و نماز شما در خانه اشکال ندارد؛ ولی در صورت تمام نشدن معامله یا اشتراط خیار یا وجود غبن، که می تواند معامله را فسخ کند و در صورت فسخ، باید خانه را تخلیه کنید و نماز شما بعد از فسخ، و در صورت اول مطلقاً حکم نماز در خانه غصبی را دارد و نسبت به مدتی که بعد از فسخ و در صورت اول مطلقاً در خانه سکونت کرده اید اجرت المثل بدهکارید.

[سؤال 6962]

4. دریافت پنجاه هزار تومان، علاوه بر پنجاه هزار تومان که پرداخته ام، شرعاً چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر به مقتضای شرط در ضمن عقد یا به رضایت خود، برای تحصیل رضایت شما به فسخ، می دهد اشکال ندارد.

ص: 43

5. مخارجی را که نموده ام شرعاً می توانم از مالك مطالبه نمايم يا آنچه را که نصب شده و قابل حمل و نقل است، بايد با خود ببرم؟

بسمه تعالی، آنچه عين آن موجود است باقی بر ملك شما است و می توانید همان را با خود ببريد.

[سؤال 6964] 3470

بسمه تعالی 1361 / 6 / 17

دفتر امام امت امام خمینی

پس از عرض سلام؛ به عرض می رسانم: مغازه ای مدت 20 سال در اجاره این جانب بوده. مدت يك سال قبل صاحب مغازه به این جانب رجوع کرده که ملك آن را بخرم. پس از قیمت کارشناس، که قولنامه گردیده است و کارهای اداری آن را انجام داده ام و سند در محضر نوشته شده است، این شخص رفته به شخص دیگری فروخته است. ضمن پیوست قولنامه، می خواستم بدانم نظر شرعی شخص امام راجع به این معامله چیست؟

بسمه تعالی، اگر معامله شرعی و خرید و فروش انجام شده، ملك متعلق به خریدار است و فروشنده تنها حق مطالبه پول را دارد؛ ولی اگر تنها مواعده خرید و فروش حاصل شده و معامله انجام نگردیده، اختیار ملك با مالك است.

[سؤال 6965] 3471

بسمه تعالی 1361 / 12 / 7

محضر حضرت مستطاب آیت الله العظمی مولانا الاعظم، جناب امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

پدر این جانبه ها در حال حیات به پسرش حیاط مسکونی اش را به انضمام تمامی

اثاث البیت و مطالبات (خواه با سند یا بی سند) و هرچه موجودی نقد داشته، در مقابل بیست و پنج هزار تومان فروخته. وقتی که پدر فوت کرد، پسر به موجب همین معامله، دارایی او را تصرف کرده؛ در صورتی که مقدار وجه مطالبات و نقد موجودی، غیر از حیاط مسکونی و اثاث البیت، بیشتر از بیست و پنج هزار تومان است؛ آیا این معامله صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، با فرض این که در حال حیات، اموال مرقوم را به پسر فروخته و شرایط صحت معامله موجود بوده، حکم به صحت می شود و ورثه حق مزاحمت ندارند.

[سؤال 6966] 3472

بسمه تعالی 1362 / 11 / 2

حضرت آیت الله العظمی، امام امت، رهبر جمهوری اسلامی ایران

تقاضا و استدعای استفتا از آن مجتهد عظمی و بزرگ اسلامی می شود و خواستار تعیین تکلیف هستیم.

محترماً به عرض عالی می رساند: در شب یکشنبه، مورخ 1362 / 11 / 2 در تلویزیون، در ضمن مصاحبه جناب حضرت آیت الله موسوی اردبیلی، مطالبی درباره قولنامه و تعهد الزام آور آن و انجام تعهد معامله قطعی انجام شده آن، ذکر شده بود که در این رابطه سؤالی هست:

سازنده ای شروع به ساختن خانه ای نموده است تا آن ساختمان را در ظرف چند ماه دیگر ساخته و تکمیل کند؛ خریداری طالب خرید آن خانه می شود و آن را از فروشنده می خرد و خریدار هم تعهد می نماید که در موعد مقرر آن را ساخته و تحویل دهد و از بابت این معامله، فروشنده مقداری از جوه بهای خانه مورد فروش را از خریدار می گیرد و بقیه آن را متعهد می شود که پس از اتمام، در موعد مقرر و در زمان تحویل خانه مزبور و تنظیم انتقال سند معامله دریافت دارد.

ص: 45

و نیز در آن تعهدنامه ذکر می شود که اگر خریدار از خرید خانه منصرف شود و حاضر به تنظیم سند نگردد، باید از مبلغ پرداخت شده خود منصرف گردد و فروشنده نیز مجاز است آن را نپردازد.

و نیز تعهد گردیده است که اگر فروشنده در موعد مقرر، آن خانه را نساخته و تحویل خریدار ندهد و سند انتقال آن را تنظیم ننماید، ملزم و متعهد می شود که علاوه بر رد وجوه دریافتی از خریدار، معادل همان مبلغ، علاوه بر آن، به خریدار بابت خسارت و عدم انجام تعهد بپردازد. چون اعلام شده بود که قولنامه و انجام تعهد، صحیح نیست، این امر مشکلاتی را به وجود آورده و می آورد.

آیا مگر معاملات (سلف) در موازین قانونی و اسلامی و مملکتی وجود ندارد؟ در آن، چگونه عمل خواهد شد؟

استدعا می شود؛ پاسخ را روشن و صریح بفرمایید تا تعیین تکلیف قطعی را فراهم آورد، زیرا سقوط تعهد در عقود لازم مشکلاتی عظیم را فراهم داشته و می دارد؛ باید راه حلی در این باره با انطباق به آیین اسلامی و قوانین مملکتی فراهم شود.

استدعای توشیح نظر صریح و قاطع قانونی را خواستاریم، تا تکلیف نهایی معلوم و مشخص گردد.

بسمه تعالی، اگر در وقت قولنامه معامله با شرایط معتبره یا به عقد یا به معاطات تمام شده، نافذ و شرط در ضمن آن لازم الوفا است و در غیر این صورت، اعتبار شرعی ندارد و مجرد قولنامه، معامله نیست.

[سؤال 6967] 3473

بسمه تعالی 1361 / 3 / 19

خدمت اعضای محترم دفتر امام

پس از عرض سلام؛ امیدوارم حالتان خوب باشد. با عرض معذرت از این که در این موارد مزاحم آن جناب می شوم. خیلی عذر می خواهم؛ ولی خواهش بنده این

ص: 46

است که در مورد این مشکل، بنده نظر شما را نیز بدانم. اما مشکل ما بدین ترتیب است که خانه خود را در تاریخ 15 / 12 / 1360 به شخصی قولنامه کردیم. همچنین باید اضافه کنم که ایشان در حضور بنگاه معاملاتی ادعا داشتند که برای خرید خانه مجوز دارند که بعد معلوم شد این موضوع هیچ صحتی ندارد و برای این که کار، قانونی پیش برود و هیچ نوع حقی از طرف آن ها به ما و حتی از طرف ما به آن ها نشود، تا تاریخ 10 / 3 / 1361 نیز به ایشان مهلت دادیم. یعنی در حقیقت سه ماه، تا ایشان بتوانند مجوز خرید خانه را تهیه کنند؛ ولی او باز موفق به دریافت مجوز خرید خانه نشد و حتی محضر 39 نیز صحت این موضوع را نیز می تواند در دادگاه شهادت بدهد؛ ولی موضوع به این جا ختم نمی شود. ایشان بعد از سه روز از مهلت قولنامه، یعنی در تاریخ 13 / 3 / 1361 توانسته اند مجوز خرید خانه را تهیه کنند، ولی این معامله دیگر تمام شده است زیرا تا تاریخ مهلت، ایشان نتوانستند مجوز خرید تهیه کنند و در ضمن ما هم نیز از فروش خانه منصرف شده ایم؛ ولی ایشان چند روز است که با تهدید و با خریدن اشخاص می خواهد این خانه را از ما بگیرد. خواهش ما از شما این است که بفرمایید: آیا ایشان می توانند شرعاً و قانوناً این خانه را به زور بخرند یا نه؟ و دوم این که بیعانه آن شخص که در اختیار پدر بنده است چگونه می شود؟ می خواهیم بدانم که آیا شرعاً این پول حلال است یا حرام؟ اگر حلال است که هیچ. ولی اگر حرام است، آن مبلغ را به ایشان برگردانیم. قبلاً از زحمات شما برادران متعهد متشکرم

بسمه تعالی، اگر معامله خانه تمام شده و شرط خیار در کار نبوده، معامله لازم است. ولی اگر مجرد قولنامه و وعده معامله بوده، خرید و فروش انجام نشده و صاحب خانه ملزم به فروش و تحویل خانه نیست.

[سؤال 6968] 3474

بسمه تعالی 5 / 6 / 1361

دفتر استفتای حضرت امام، مع اللّٰه المسلمین ببقائه، بعد التّحیة و الثّناء؛ استدعا

ص: 47

می شود حکم شرعی مسأله زیر را ذیلاً اعلام فرمایید تا موجب رضای خداوند تبارک و تعالی باشد.

زید و عمرو پس از معامله و توافق طرفین، با حضور واسطه خُبره، قرارداد معامله را امضا می نمایند و بیعانه لازم هم از طرف زید (خریدار) به عمرو (فروشنده) تأدیه می شود تا در ظرف مدت و مهلت معین، طرفین در محضر حاضر و معامله را به طور کامل انجام دهند. عمرو (فروشنده) هم به اعتبار قرارداد منعقد و بیعانه دریافتی با کس دیگری معامله می نماید. پس از چند ماه انقضای مدت معینه زید (خریدار) از انجام معامله طبق قرارداد منعقد منصرف شده و انصراف خود را کتباً به محضر اعلان می نماید و در اثر خلف وعده و نقض عهد و قرارداد زید، عمرو کلی متضرر می شود. آیا عمرو شرعاً حق دارد ضرر و زیان حاصله از تخلف و نقض عهد زید را مطالبه و وصول نماید یا خیر؟ والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده و شرط خیار در آن نشده، خریدار حق فسخ نداشته است و چنانچه شرط خیار شده باشد، می تواند عقد را فسخ کند و ضرر فروشنده را ضامن نیست.

[سؤال 6969] 3475

بسمه تعالی 1361 / 7 / 29

محضر مبارک رهبر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

این جانب در تاریخ 1358 / 2 / 30 - سه سال و نیم قبل - دو باب ساختمان از شخصی با قولنامه عادی به مبلغ يك ميليون و سی هزار تومان برای سکونت خود و دخترم خریداری نموده و از همان روز اول در این دو ساختمان سکونت نموده ایم؛ از قیمت این دو ساختمان، مبلغ چهارصد هزار تومان نقداً در اول پرداخت شد و فروشنده متعهد شد حداکثر در مدت دو ماه، کارهای مقدماتی آن را انجام داده، برای انتقال سند در محضر شماره دو شمیران حاضر و پس از انتقال اسناد، بقیه بهای مورد

ص: 48

معامله را دریافت دارد. توضیح آن که فروشنده پس از پایان مهلت در قولنامه، مجدداً دویست هزار تومان دیگر دریافت نمود؛ ولی به دو علت: اول؛ تخلف در ساختمان که پارکینگ را تبدیل به يك واحد ساختمانی نموده و شهرداری از دادن پایان کار ساختمان به ایشان برای انجام معامله خودداری نموده و هم اکنون هم اجازه معامله را نمی دهد و دوم؛ گرفتن وام از بانک به نام خود برای همین دو ساختمان، در نتیجه ایشان قادر به انتقال سند در محضر نبوده و نیست و نتوانسته در پایان مهلت در قولنامه، در دفتر اسناد رسمی حاضر شود؛ در حالی که این جانب همان روز در محضر حاضر شده و نامه ای هم در این مورد تسلیم نمودم. این آقای فروشنده پس از مدت سه سال و نیم، اکنون که بهای این دو ساختمان به بیش از دو برابر رسیده است، به این جانب مراجعه نموده اظهار می دارد: چون بقیه بهای مورد معامله را پرداخته ای، شرعاً حق سکونت در آن را نداری و باید مورد معامله را تخلیه نموده، اجاره این مدت را هم پردازی. لذا از محضر جناب عالی تقاضا دارم در این مورد، نظر خود را مرقوم دارید که آیا این شخص می تواند پس از این مدت، معامله را به هم زده، این جانب و دخترم را بیرون کند؟

از طرفی تصدیق می فرمایید که اگر خریدار در پایان مهلت، به جای آن که مبلغ دیگری از این جانب دریافت نماید، پول اولیه را می پرداخت، می توانستم مکان دیگری را خریداری نمایم؛ در حالی که در وضع فعلی و با این گرانی قیمت ساختمان، اکنون برایم مقدور نیست.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر معامله شرعی هنگام نوشتن قولنامه انجام یافته و تخلف شرطی از طرف مشتری نشده، فروشنده نمی تواند معامله را به هم بزند و حق درخواست کرایه ندارد، و اگر نزاعی در بین است، به مقامات صالحه رجوع نمایند.

بسمه تعالی

شخصی از يك زن 300 متر زمین خریداریه برای توسعه مسجد و با يك نفر بتاً قرارداد بسته که زمین نامبرده را جزء مسجد کند و فروشنده مبلغی از پول آن جهت مسجد گذشت کرده و این زمین مدت 5 سال است که در اختیار کلیددار مسجد می باشد و بعد از این مدت پدر خریدار آمده می گوید این زمین را من پشیمان شده ام و برای مسجد نمی دهم و شکایت کرده که زمین را پس بگیرد و فروشنده می گوید اگر این زمین جهت مسجد نباشد من زمین را به خریدار نمی دهم خواهشمند است جواب لطف فرمایید.

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، اگر زمین شرعاً وقف نشده، زمین مربوط به خریدار است. بلی، اگر شرطی فروشنده بر او کرده که زمین را به مسجد بدهد، در صورت تخلف خریدار، فروشنده می تواند معامله را فسخ کند و زمین را از خریدار بگیرد و پول خریدار را به او پس دهد.

[سؤال 6971] 7240

4. به تازگی منزل خود را فروخته ایم. قبل از رفتن به محضر، در جلسه ای که در منزل تشکیل شد، قرار بر این شد که ما منزل را 15 روز به عید مانده تخلیه کنیم، ولی با چند نفر که این موضوع را در میان گذاشتیم، گفتند شما با بچه کوچک و همین طور بچه ای که باید به مدرسه برود و مدرسه اش دم منزل شما است، این کار برایتان مشکل است؛ به همین جهت موقعی که به محضر رفتیم برای نوشتن سند در محضر، با توافق خریدار، موعد تخلیه را اول خرداد نوشتیم. حالا بعد از يك ماه، خریدار آمده و می گوید اگر امکان دارد منزل را تخلیه کنیم؛ آیا اگر تخلیه نکنیم اشکال شرعی دارد، با

ص: 50

توجه به این که در محضر، با توافق خود خریدار، موعد تخلیه خانه را اول خرداد قرار داده ایم؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن قرارداد خرید و فروش، تاریخ معینی برای تخلیه و تحویل منزل تعیین شده، همان تاریخ میزان است و تأخیر از آن منوط به موافقت خریدار است.

[سؤال 6972] 3437

2. در قولنامه شرط شده چنانچه فروشنده حاضر به واگذاری مورد معامله نشد، مبلغی باید پرداخت کند، آیا شرعاً خریدار می تواند این مبلغ را از فروشنده مطالبه و دریافت کند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت تمام شدن معامله، شرط مزبور نافذ است و می تواند مطالبه کند.

[سؤال 6973] 3477

بسمه تعالی

قراردادی مابین یک شرکت خارجی و یک کارگاه ایرانی منعقد شده است که در ضمن قرارداد، کمپانی خارجی تعهد نموده که یک دستگاه صنعتی نوبه مبلغ معین شده تحویل بدهد. در موقع تحویل، کارگاه ایرانی متوجه شده که دستگاه کهنه و معیوب است و اعتراض می کند. سپس طرفین دوباره قرارداد می نویسند که کمپانی خارجی، دستگاه کهنه را ببرد و دستگاه نورا تحویل دهد. و اگر رأس موعد مقرر تحویل نداد، روزانه مبلغی معین شده به کارگاه ایرانی بپردازد و طرفین شروط را قبول کرده اند. تا کنون هم مفاد قرارداد انجام نشده است؛ بنابراین گرفتن ضرر و زیان ذکر شده توسط کارگاه ایرانی از لحاظ شرعی چگونه است؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

ص: 51

بسمه تعالی

محضر مقدس امام مجاهد آیت الله العظمی خمینی، دام عمره العالی

معامله خرید و فروش زمینی صورت گرفته؛ خواهشمند است، با توجه به متن بیع نامه، جواب سؤال های زیر را مرقوم فرمایید که شدیداً مورد حاجت است.

1. بدون این که وقتی معین شده باشد، ذکر شده هر يك از طرفین پشیمان شد؛ مبلغ... دادنی باشد اولاً، وقت فسخ تا چه وقتی باقی است و ثانیاً، مبلغ باید داده شود یا نه؟

بسمه تعالی، با فرض تمام شدن معامله و شرط، به هر نحو شرط شده، باید عمل شود و مجرد تعبیر مذکور، جعل خیار نیست.

2. در بیع نامه نوشته شده: ممکن است از طول زمین کم یا زیاد شود. آیا این امر موجب مجهول بودن مبیع نمی شود که وجهی برای بطلان معامله باشد.

بسمه تعالی، اگر زمین را مشاهده نموده، معامله باطل نیست. و در صورت اشتراط و تخلف، خیار ثابت است.

3. در صورتی که زمین های مزبور موات بوده و با اتکا به نقشه ثبتی فروش رفته باشد، حکم آن چیست.

بسمه تعالی، فروش زمین موات بالاصل، باطل است.

4. در صورتی که طرفین در مدت خیار فسخ اختلاف کنند با توجه به نوشته آن ها وظیفه قاضی چیست؟

بسمه تعالی، کسی که دعوای زیاده زمان خیار را می کند مدعی شناخته می شود.

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب و مقتدای عظیم الشان نایب الامام، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

با تقدیم احترام و اهدای تحیت به عرض می رساند مسائل ذیل مورد لزوم است

خواهشمندم جواب آن را ذیلاً مرقوم فرمایید.

1. قولنامه که طرفین معامله وجهی را قرار می کنند که اگر فروشنده یا خریدار حاضر نشوند مورد معامله را قباله نموده و یا پول را بپردازند مثلاً سی هزار تومان دادنی باشند آیا این قرارداد کتبی الزام آور است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در وقت قولنامه معامله کرده اند الزام آور است.

2. معامله مزبور در فوق خانه ای است به ارزش دویست هزار تومان طرف خریدار پنجاه هزار تومان از قیمت خانه را پرداخته، فروشنده در صورتی که همه بهای خانه را دریافت داشته باشد می تواند معامله را فسخ نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر معامله کرده اند بدون یکی از اسباب خیار حق فسخ ندارند و اگر معامله نکرده اند وقوع معامله به اعطای بعض ثمن محل اشکال است.

3. شخصی خانه مورد احتیاجش را ساخته و از آن استفاده می کند و لیکن برای تکمیل و توسعه آن مقداری مصالح خریده مثلاً گچ یا نرده و سیمان و تا سر سال مصرف نشده آیا خمس مصالح را باید بدهد یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور خمس دارد.

4. شخصی فرش نیمه بافی دارد و جای آن در منزل او با زیلو یا موکت فرش شده آیا خمس آن فرش نیمه کاره واجب است؟

بسمه تعالی، خمس دارد.

[سؤال 6976] 3480

بسمه تعالی 1358/7/9

حضور مبارك حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین، آیت الله العظمی آقای خمینی، مدّ ظلّه الشریف، با تقدیم سلام و تحیات

در ضمن عقد شرط می شود که هر کدام از متبایعین اگر پشیمان شد، فلان مبلغ به طرف مقابل بپردازد و تاریخی برای این پشیمانی معین نمی شود. آیا حدود آن محوّل به عرف است و یا اطلاق دارد؟ و اگر پس از يك سال هم یکی از آن ها پشیمان شد، آیا می تواند معامله را فسخ کند؟ لطفاً جواب مرقوم فرمایید.

ص: 53

بسمه تعالی، اگر متعارفی دارد، محمول بر متعارف است و اگر تعارفی در بین نیست، اطلاق دارد.

[سؤال 6977] 6479

2. اگر کسی خانه ای را طی قولنامه به کسی تصرف داد و مقرر شد بعداً سند رسمی تنظیم شود، هرگاه در قولنامه ذکر شده باشد که هر يك منصرف شد، معادل مبلغ بیعانه به دیگری بدهد، آیا وصول این مبلغ شرعاً جایز است؟ و آیا اگر مالك منصرف شد دادگاه می تواند او را ملزم به تنظیم سند رسمی نماید؟

بسمه تعالی، با فرض تمام شدن معامله، شرط مذکور که در ضمن آن بوده نافذ است و اگر صرف مقاوله بوده، شروط صحیح نیست.

[سؤال 6978] 6479

3. اگر در قولنامه شرط انصراف برای طرفین نباشد، امتناع مالك از حضور در دفترخانه جهت انتقال، دادگاه را مجاز به صدور حکم محکومیت بر انتقال می نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، لازم است رسماً خانه را انتقال دهد و با تخلف، دادگاه شرعی می تواند او را اجبار کند؛ این در صورتی است که شرط در ضمن عقد باشد.

[سؤال 6979] 3481

بسمه تعالی 1361 / 5 / 5

دفتر محترم امام خمینی مدّ ظلّه العالی

معامله ای انجام گرفته شده و در قولنامه قید شده: هر کس از انجام معامله نکول نماید، مبلغ يك صد هزار تومان به عنوان خسارت به دیگری پرداخت نماید؛ در صورتی که خسارتی وارد به او نیامده است.

ص: 54

این جانب که خریدار هستم، نتوانستم مبلغ تعیین شده را در سر موعد پردازم و قدرت مالی ندارم که بقیه آن را تهیه نمایم، حالا از نظر شرعی فروشنده می تواند يك صد هزار تومان را کم کند یا نه؟

با تشکر؛ موفق باشید. لطفاً زودتر جواب دهید چون ضرورت دارد.

بسمه تعالی، مجرد قولنامه بدون تحقق معامله الزام آور نیست و موجب ضمان مبلغی نمی شود؛ ولی اگر معامله انجام گرفته و در ضمن عقد بیع، شرط شده که هرگاه هر يك از دو طرف خواست از اتمام معامله سر باز زند، باید مبلغی به طرف مقابل بدهد، شرط مزبور نافذ است و لازم الوفا است.

[سؤال 6980] 3482

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، ضمن سلام، آرزوی موفقیت کارکنان آن دفتر، به خصوص سلامتی امام خمینی را از درگاه قادر ذوالجلال مسئلت می نمایم. خواستم حرف شرعی از آن دفتر محترم دریافت بدارم.

این جانب ساکن شهرستان نقده، مغازه خودم را به يك نفر به سرقفلی فروختم و در قرارداد نوشتیم: اگر طرفین پشیمان شدیم، مبلغی به یکدیگر پردازیم. بعد از دو روز، مالک، طرف را تأیید نکرد؛ گفت باید به خودم مغازه را بفروشید (البته قبلاً به خود مالک فروخته بودیم، من سه بار پول خواستم، مالک به من گفتند: خوب، پول می آورم؛ تقریباً دو ماه طول کشید، من هم تحمل کردم در این دو ماه؛ سه دفعه از مالک پول خواستم، همین طور گفت خوب) حالا از آن دفتر محترم خواهش مندم، بنویسید تا معلوم شود وجه پشیمانی را باید کدام بدهند؟ آیا جایز است پرداخت آن وجه پشیمانی یا نه؟

بسمه تعالی، باید به قرار در ضمن معامله عمل شود و اگر شما پشیمان شوید، باید مبلغ را شما بدهید.

ص: 55

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام بقاؤه

پس از عرض سلام؛ توقيراً به عرض على مى رساند:

شخصى منزلى را خريدارى کرده و در مقابل ثمن آن، مقدارى پول و يك خانه كوچك تر قرار داده شده است و البته قيمت اين خانه اخير هم در قرارداد معين گرديده است. همچنين در قرارداد مزبور مبلغى هم بابت وجه تخلف قرار داده شده و زمانى هم براى حق فسخ تعيين نشده و همچنين مدتى هم در قرارداد براى انتقال رسمى قيد نشده است. البته مبيع به تصرف مشتري درآمده و مقدارى از ثمن هم كه نقد بوده به بايع پرداخت شده است.

حال اگر مشتري، منزلى را كه قرار بود به جاي قسمتى از ثمن معامله به بايع منتقل كند، نتواند تا مدت 5 سال منتقل كند (بنا به اشكالات قانونى) آيا بايع مى تواند قرارداد را فسخ نمايد يا ملزم است كه وجه خانه مزبور را دريافت كند؟ (قيمت اين خانه در قرارداد ذكر شده) يا آن كه مشتري مى تواند به بايع بگويد: به علت آن كه جهت اجراى رسمى قرارداد، مدتى معين نشده تا 5 سال صبر كند؟ و آيا در صورتى كه مبيع به تصرف مشتري داده شده باشد، حق فسخ بايع ساقط مى گردد يا نه؟ و به طور كلى آيا اين معامله از نظر شرعى براى بايع قابل فسخ است يا نه؟ مستدعى است تكليف بايع و مشتري را در اين مورد از نظر شرعى تعيين فرماييد.

بسمه تعالى، اگر در ضمن عقد قرارداد، مدت معينى براى انتقال رسمى نشده و ثمن و مثنى تحويل داده شده، تخلف شرطى نشده و حق فسخ در بين نيست.

بسمه تعالى 10 / 10 / 1361

دفتر حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، رهبر عظيم الشأن، مدّ ظله العالى

ص: 56

سلام علیکم، خواهشمند است فتوای امام امت را در مورد استفتای زیر اعلام فرمایید.

برای فروش خانه ای، از خریدار مبلغی به عنوان بیعانه دریافت کرده و توافق نموده ایم که اگر حداکثر تا سی و پنج روز دیگر برای معامله حاضر نشود، بیعانه متعلق به من باشد؛ خریدار آمادگی خود را برای معامله اعلام نموده و من سند را به محضر دادم؛ چون سند در صلح خیار بود، صلح خیار، فسخ و سند به نام وی وارد دفتر شد؛ مدت قرارداد سرآمده و یک ماه دیگر هم اخلاقاً به او فرصت داده ام؛ سرانجام پس از سه ماه بلا تکلیفی ملک، خریدار برای معامله حاضر نشده و انصراف خود را اعلام نموده است؛ ناچار سند به صورت اول برگردانده شد و در این نقل و انتقالات، متحمل مخارجی گردیدم. اینک آیا شرعاً می توانم بیعانه دریافتی را تصرف نمایم یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است، حق دارم مخارجی را که صرفاً به خاطر این معامله انجام شده، از بیعانه کسر نمایم یا خیر؟ با آرزوی طول عمر برای امام بزرگوار

بسمه تعالی، اگر عقد تمام شده و در ضمن آن شرط شده که با تأخیر در حضور در محضر، مبلغ بیعانه ملک شما باشد، شرط نافذ است و شما بیعانه را مالک هستید؛ و در غیر این صورت، مجرد توافق اثر ندارد و باید بیعانه را به او برگردانید و مخارج شما بر عهده او نیست.

[سؤال 6983] 3485

بسمه تعالی 1361 / 10 / 30

رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، أدام الله ظله العالی

احتراماً استدعا دارد در مورد مسأله زیر، نظر حضرت امام را مرقوم فرمایید.

هرگاه ملک یا خانه یا مغازه ای را قولنامه بنمایند و مقداری از آن را پیش قسط بدهند و قرارداد کنند بقیه آن را رأس مدت معینی یا در محضر هنگام معامله پردازند، با این شرط که چنانچه رأس موعده، یکی از طرفین، فی المثل فروشنده حاضر به معامله

ص: 57

نشود و یا خریدار وجه را حاضر نکند، مبلغی به عنوان وجه تخلف به دیگری پردازد؛ اگر یکی از آن ها رأس موعد مقرر حاضر نشود، مثلاً خریدار پول را حاضر نکند و یا فروشنده حاضر نشود، معامله به چه صورتی در خواهد آمد؟ و آیا وجه تخلف، قابل مطالبه و حلال می باشد یا خیر؟ لطفاً نظر آن حضرت را مرقوم فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، چنانچه شرط مزبور در ضمن معامله شده، نافذ و لازم الوفا است و اگر معامله تمام نشده نافذ نیست.

[سؤال 6984] 3486

بسمه تعالی 1361 / 10 / 14

محضر نماینده محترم امام در دفتر امام خمینی، دامت برکاته

محترماً؛ به استحضار عالی می رساند که برای فدوی مسأله ای شرعی پیش آمده که احتیاج به راهنمایی و ارشاد حضرت عالی می باشد. این جانب در 1361 / 7 / 23 ساختمانی را به مبلغی، به شخص خریداری فروختم که خریدار بعد از يك هفته، یعنی در تاریخ 1 / 8 / 1361 در ساختمان اسکان نمود و آن را تحویل گرفت و بهای آن را پرداخت نمود. فقط يك مبلغ کمی بر ذمه ایشان باقیماند. ولی خریدار در تاریخ 9 / 10 / 1361 مراجعه نمود و اظهار داشت: به علت بدهکاری نمی توانم بدهی شما را بدهم و ساختمان خودتان را بردارید و طبق آن چه در قولنامه بابت پشیمان شدن هر يك از طرفین ذکر شده که مبلغ دویست هزار ریال به دیگری پردازد می دهم. این جانب قبول نمودم و او مبلغ دویست هزار ریال را با رضایت کامل خودش که اظهار نمود: از شیر مادرت به شما حلال تر باشد پرداخت نمود. حالا این مبلغ دویست هزار ریال که ایشان به بنده داده اند از نظر شرعی چطور است؟ خواهشمند است فدوی را راهنمایی فرمایید و احکام اسلام عزیز را در این مسأله صادر کنید تا شك و ناراحتی این جانب برطرف شود.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، اشکال ندارد.

ص: 58

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

حقیر قرارداد معامله خانه ای را به طور عادی با شخصی تنظیم نموده ام که در آن شرط شده: هر یک از طرفین حاضر به انجام معامله نشد، مبلغی به عنوان وجه تخلف به طرف دیگر بپردازد. اینک یکی از طرفین تخلف نموده، استدعا دارد نظر خود را در این مورد اعلام فرمایند تا تکلیف شرعی خود را بدانم. والسلام

بسمه تعالی، اگر معامله به نحو صحیح انجام گرفته و شرط مزبور در ضمن عقد قید شده و یا آن که عقد مبنی بر آن شرط واقع شده، عمل به شرط لازم است.

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

قراردادی بین دو نفر در مورد خرید و فروش خانه، منعقد می شود و خریدار مبلغی حدود قیمت خانه را به عنوان پیش پرداخت به فروشنده می دهد؛ و طرفین معادل همان مبلغ را به عنوان خسارت تعیین و تعهد می نمایند تا چنانچه هر یک از آن ها حاضر به انجام معامله نشدند، ملزم به پرداخت آن باشند؛ ضمناً فروشنده غیر از مورد معامله، دارای آپارتمان و دو قطعه زمین، و خریدار فاقد هرگونه زمین و مسکن می باشد. حال آیا فروشنده می تواند هم از فروش خانه منصرف شود و هم خسارت وارده به خریدار را که با فروش اثاث منزل حادث شده بپردازد؟

بسمه تعالی، اگر در قرارداد مذکور، معامله تمام شده و در ضمن آن، شرط مزبور را نموده اند، شرط نافذ است و فروشنده در صورت انصراف باید خسارت بدهد و اگر معامله تمام نشده و مجرد قولنامه است، اثری ندارد و در صورت انصراف فروشنده از معامله، چیزی بر او نیست.

بسمه تعالی 1361 / 9 / 14

محضر مبارك مرجع عالی قدر جهان اسلام، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی استدعا دارد نظر شرع مقدس اسلام را در موارد زیر بیان فرماید:

1. هرگاه کسی به صورت شرط ضمن عقد لازم، تعهد کند که ملك خود را در تاریخ معین به دیگری بفروشد؛ آیا وفای به این عهد بر او واجب است یا خیر؟

بسمه تعالی، وفای به شرط در ضمن عقد، لازم است.

2. هرگاه کسی به صورت ابتدایی نه به شکل ضمن العقد، تعهد فوق را بنماید؛ آیا باز هم ملزم به فروش می باشد؟

بسمه تعالی، شرط ابتدایی نافذ نیست و لزوم وفا ندارد.

[سؤال 6988]

3. هرگاه شرط کند به یکی از دو وجه فوق که هرگاه طبق تعهد ملك را در تاریخ معین به طرف نفروخت، مبلغی به عنوان خسارت یا وجه التزام، دادنی باشد. این تعهد الزام آور است یا خیر؟ و متعهدله حق وصول وجه فوق را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد بوده الزام آور است و اگر ابتدایی بوده نافذ نیست.

[سؤال 6989] 3490

بسمه تعالی 1361 / 11 / 4

اعضای محترم دفتر امام خمینی، دامت برکاته، محترماً؛ بدین وسیله از محضر امام استفتا می گردد:

بعضی از کالاهای تولیدی ایران، قیمت مصرف کننده آن از طرف کارخانه سازنده با در نظر گرفتن تخفیفی برای فروشنده تعیین گردیده است. کالاهایی مانند دارو، پتو، بعضی از پارچه ها، فرش ماشینی، موکت و غیره از این قبیل است.

ص: 60

در حقیقت کارخانه یا نماینده یا عامل فروش شرط کرده که کالای مربوطه باید به قیمت مصرف کننده فروخته شود. اگر نماینده یا مغازه داری کالای مزبور را به قیمتی بالاتر از نرخ تعیین شده از طرف کارخانه سازنده بفروشد، و در واقع به تخفیف تعیین شده از طرف کارخانه قانع نباشد، این اضافه فروش حلال است یا حرام؟

بسمه تعالی، شرط مزبور نافذ و لازم العمل است.

[سؤال 6990] 3491

بسمه تعالی

دفتر آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه

جواب این سؤالات را که در کارخانه مورد ابتلاء است مرحمت فرمایید:

1. اگر شخصی جنسی را از کارخانه ای بخرد، مشروط به این که این جنس را با توافق مدیر کارخانه به قیمتی که او گفته است بفروشد، اگر خریدار خلاف آن را عمل کرد و جنس را گران تر فروخت، اشکال شرعی دارد؟ یعنی حرام است؟

بسمه تعالی، شرط در ضمن عقد، لازم الوفا است؛ ولی در صورت مخالفت، اگر چه مشروط له خیار تخلف شرط دارد، لیکن معامله ای که مخالف با شرط انجام شده، محکوم به صحت است.

[سؤال 6991]

2. اگر مدیر کارخانه جنسی را به کارگر کارخانه بفروشد، مشروط بر این که این جنس را خود کارگر استفاده کند و به شخص ثالثی نفروشد، اگر کارگر جنس را به دو برابر قیمت در بازار بفروشد و خلاف تعهدی که داده است عمل کند و مدیر کارخانه هم بداند او خلاف عمل می کند و به او جنس بفروشد؛ آیا حرام است؟

بسمه تعالی، حکم همان است که در جواب سؤال اول ذکر شد.

3. اگر شخص کارگری که در کارخانه کار می کند، ده روز بدون علت و بدون این که مریض باشد از کارخانه غیبت کرد و سر کار نیامد و خواستند که پارتی بازی کنند و حقوق آن ده روزی را که غیبت کرده

ص: 61

است به او پرداخت کنند؛ آیا این پول حلال است؟

بسمه تعالی، تابع مقررات استخدام کارگر است و چنانچه در ضمن قرارداد کار، شرط مزد برای ایام غیبت نشده باشد، استحقاق مزد ندارد.

[سؤال 6992] 3492

بسمه تعالی 1358/8/1

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی جناب آقای خمینی دامت برکاته العالی

محترماً به عرض می رساند آقای الف باغی را با ملکی که زمین کال نامبرده می شود با آقای ب مبادله کرده اند در عوض قرار شد که در مقابل سند ثبتی باغ، سند ثبتی کال را آقای ب به آقای الف بدهند. حال آقای ب سند باغ را گرفته و سند کال را نداده است. در این مورد آقای الف اعتراض نامه به اداره ثبت داده است. این اعتراض نامه مورد عنایت اولیاء ثبت قرار نگرفته است با این کیفیت فعلاً ورثه آقای ب به هیچ وجه جواب گویی نمی کند. مستدعی است بفرمایید آیا این جنابان حق به سند ثبتی کال داریم یا خیر؟ حکم الله را بیان فرمایید، مزید تشکر و امتنان است.

بسمه تعالی، هر يك از خریدار و فروشنده مالك چیزی که به او منتقل شده هستند و چنانچه در معامله شرط شده سند ثبتی تحویل داده شود باید بر طبق آن عمل شود.

[سؤال 6993] 3493

بسمه تعالی

حضور مبارك رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی

شخصی در تاریخ 1358/8/8 قطعه زمینی را از شخصی به صورت قولنامه ای که به امضای طرفین معامله و بستگان فروشنده رسید، خریداری نمود و به جز مبلغ صد هزار ریال که قرار شد در محضر، پس از تنظیم سند رسمی پرداخت شود، بقیه بهای زمین را يك جا به فروشنده پرداخت کرد و طبق قرار طرفین، خریدار قبل از تهیه

ص: 62

سند محضری، زمین را عمارت نمود. ولی قبل از رفتن به محضر، فروشنده بر اثر مرگ ناگهانی درگذشت و تهیه سند موکول به انحصار وراثت متوفی شد. پس از انحصار وراثت، مادر متوفی وارث قانونی ایشان شناخته شده، ولی حاضر نمی شود بقیه بهای زمین را دریافت کند و سند رسمی تنظیم و تسلیم فروشنده نماید. مستدعی است تکلیف را از نظر شرعی و قانونی به آدرس زیر اعلام فرمایید.

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده ولو به معاطات و قرار شده که در محضر انتقال سند بدهند باید ورثه عمل کنند.

[سؤال 6994] 3494

بسمه تعالی 1361 / 11 / 9

دفتر حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

با کمال احترام؛ تقاضا دارم در مورد انجام معامله ای که در زیر معروض می گردد رهنمود لازم را ارائه فرمایند.

هرگاه میان دو نفر به عنوان خریدار و فروشنده يك دستگاہ آپارتمان قولنامه ای تنظیم گردد، ولی بعد از يك هفته فروشنده بفهمد که در این معامله مغبون گشته است و معامله را انجام ندهد؛ آیا خریدار از نظر شرعی مجاز است که مبلغی به عنوان غرامت از فروشنده دریافت نماید؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده و شرط کرده اند که در صورت فسخ، ولو از جهت غبن، غرامت داده شود، باید آن را بدهد و در غیر این صورت، غرامت ثابت نیست.

[سؤال 6995] 3495

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

چه می فرمایند در این مسأله شرعیه: شخصی منزلی را ده سال پیش به پنج هزار

ص: 63

تومان فروخته و با خریدار قرار نموده که مخارج ثبت را به صورت نصف بدهند و هزار تومان به فروشنده پرداخت نشده و در بانک به ودیعه نگه داشته شده است؛ در آن موقع، مخارج ثبت دو بیست تومان بوده و حالا که موقع ثبت شده، مخارج ثبت دو هزار تومان شده است. آیا نصف مبلغ ثبت که الآن هزار تومان است، به عهده فروشنده می باشد یا همان صد تومانی که در موقع معامله قرار شده است؟ قابل ذکر است که الآن هم وجه ثبت بالا رفته و هم قیمت منزل. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر در عهده داری نصف مخارج ثبت، مبلغ مشخصی معین نشده، میزان مصرف وقت ثبت است.

[سؤال 6996] 3496

بسمه تعالی 17 / 3 / 1361

حضور محترم مرجع عالی قدر و رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً به عرض می رساند: این جانب یکی از خدمتگزاران و همچنین یکی از مأمورین خرید فروشگاه های زنجیره ای خانواده شهدا هستم؛ در موقع خرید جنس از مراکز دولتی و یا شخصی، به عنوان جنس برای خانواده شهدا و جانبازان جنس را می خریم و فروشنده طی می کند جنس را می دهیم به شرط این که فقط برای خانواده شهدا و جانبازان باشد، ولیکن طبق تصویب هیأت مدیره فروشگاه ها، کارگران و کارمندان هم استفاده می کنند؛ البته روی ضوابط (حتی بعضی از مراکز می گویند: شرعاً برای خانواده شهدا)؛ سؤال از آن مرجع عالی قدر این است:

1. آیا اصلاً خرید از این فروشگاه ها - چه کارمند و چه کارگر - برای غیر از خانواده شهدا جایز است یا خیر؟ آیا هیأت مدیره شرعاً اجازه تعیین استفاده برای کارمندان و کارگران را دارد یا خیر؟

2. آیا برای مأمور خرید شرعاً مسئولیتی دارد که غیر از خانواده شهدا، از این

ص: 64

اجناس استفاده می کنند؛ چه کارمند و چه کارگر، یا خیر؟ خلاصه مطلب این که فروشنده با خریدار طی می کند فقط برای خانواده شهدا، شرعاً برای مسئول خرید اشکالی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد، شرط خاصی شده، باید بر طبق شرط عمل نمایند و چنانچه دیگران خلاف شرط عمل کنند، واسطه مسئولیتی ندارد.

[سؤال 6997] 3497

بسمه تعالی 2 / 11 / 1361

با آرزوی فرج امام زمان و بقای طول عمر رهبر کبیرمان، امام الخمینی و با درود و سلام به روان پاک شهدا و پیروزی رزمندگانمان در جبهه های حق علیه باطل.

این جانب که پدر و مادرم شهید شده اند و از کمیته توزیع خودرو یک دستگاه وانت مزدا دریافت نموده ام و نسبت به این که دارای چهار برادر و خواهر می باشم و احتیاج ضروری به پول دارم (زیرا که بدهکار می باشم) آیا می توانم ماشین را که اجازه فروش آن را تا سه سال ندارم، بفروشم یا نه؟ در صورت توانستن، باید از چه طریقی آن را بفروشم؟ لطفاً این جانب را راهنمایی کنید که مرتکب خلافی نشوم.

بسمه تعالی، اگر بر شما شرط شده که تا مدتی به دیگری انتقال ندهید، باید طبق شرط عمل نمایید.

[سؤال 6998] 3498

بسمه تعالی 10 / 8 / 1361

تهران، دفتر محترم امام خمینی، سلام علیکم

محترماً عرض می شود صنف قماش فروش شهر دامغان، با سرمایه اختصاصی خود، اقدام به توزیع قماش و من جمله پتو می کند و آن را از تولید کننده خریداری، و به هر خانواده دامغانی (اعم از فقیر یا غنی) یک تخته پتو، با قیمت ثابت به فروش می رساند. چنانچه افراد، همین پتو را که سهمیه خودشان است، به هر علت، با قیمت

ص: 65

بیشتری خرید و فروش نمایند، آیا شرعاً اشکالی دارد؟

بسمه تعالی، اگر در موقع فروش، شرط نفروختن به غیر نکرده باشند، و خلاف مقررات دولت اسلامی نباشد، اشکال ندارد.

[سؤال 6999] 3499

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر امام خمینی

احتراماً؛ این جانب از طریق بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اصفهان آپارتمانی خریداری نمودم و سند مالکیت نیز به نام این جانب صادر گردیده، ولی در آن سند قید گردیده که به مدت پنج سال حق فروش ندارم. با توجه به این که این جانب تا کنون در آپارتمان زندگی نکرده و در حال حاضر خود و خانواده ام ناراحت هستند و می خواهم با فروش آن، جای دیگری که به صورت آپارتمان نباشد خریداری نمایم و با توجه به این که حق فروش ندارم، خواهشمند است فتوای امام خمینی را در این مورد مرقوم فرمایید که آیا بنیاد مسکن حق دارد تا پنج سال اجازه فروش ملکی را که این جانب خریداری نموده ام، ندهد؟

بسمه تعالی، نمی توانید بفروشید.

[سؤال 7000] 3500

بسمه تعالی 1361/9/27

دفتر حضرت امام خمینی، بخش مسائل شرعی

محترماً؛ همان طوری که استحضار دارید، کمبود ماشین آلات و قطعات یدکی در شرایط حاضر از اهم مشکلات بوده که تا حدی باعث رکود کارهای عمرانی شده است که در این رابطه، وزارت راه مصمم است برای پیشرفت پروژه های راه سازی، ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز پیمانکاران طرف قرارداد را از منابع داخلی و خارجی تأمین نماید تا وقفه ای پیش نیاید. با توجه به مسائل بالا، وزارت راه از محل

ص: 66

سهمیۀ ماشین آلات کمیته توزیع خودرو یا ماشین آلات وارداتی، حواله فروش به پیمانکاران طرف قرارداد با این وزارت داده و تعهدنامه محضری - که يك نسخه آن پیوست می باشد - دریافت نموده است. خواهشمند است از لحاظ شرعی مشخص فرمایید آیا دریافت چنین تعهدنامه ای صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، در مواردی که مصلحت مسلمین ایجاب می کند دولت اسلامی می تواند در ضمن قرارداد فروش ماشین آلات و قطعات یدکی آن به متقاضی، شروطی را که خلاف مقتضای قرارداد و خلاف شرع نباشد قید نماید و بر متقاضی، در صورت پذیرفتن شروط ملحوظ شده، لازم است بر طبق آن عمل نماید.

[سؤال 7001] 3501

بسمه تعالی

به پیشگاه مبارک امام امت، روحی له الفداء، سلام علیکم

احتراماً؛ بدین وسیله از آن امام بزرگوار تقاضا دارد که به سؤال های مشروحه ذیل جواب بفرمایند:

1. این شرکت، ملی شده است و لوازم یدکی کامیون های بنز خاور را تأمین می نماید. برای این که لوازم، به دست مشتری اصلی برسد و کسی نتواند سوء استفاده نماید و در بازار سیاه بفروشد، برای کنترل بیشتر، شرکت با چند شرط، لوازم را در اختیار مشتری های متفرقه می گذارد که از جمله، گرفتن جنس کهنه است که در ازای جنس فوق، چیزی به مشتری داده نمی شود. در صورتی که صاحب جنس (کهنه) رضایت نداشته باشد، فروختن آن و واریزکردن به حساب شرکت یا جنگ زدگان و یا غیره چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر مشتری، شرط را در ضمن عقد قبول کرده، بعد از آن، رضایت او شرط نیست.

ص: 67

2. آیا مسأله شهرهای کبیره و حد ترخص از منزل، شامل شهرک‌هایی که در اطراف تهران است می‌شود؟

بسمه تعالی، شامل آن‌ها نیست.

3. کارکنانی که رفت و برگشتشان هشت فرسخ شرعی است، اگر در محل کار نماز بخوانند، احتیاج است که در صورت بودن وقت، دوباره در خانه اقامه شود؟

بسمه تعالی، اعاده لازم نیست.

[سؤال 7002] 3502

بسمه تعالی 4 / 10 / 1361

رهبر کبیر انقلاب و مرجع مسلم تقلید، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ استفتا می‌نماید: چنانچه بین دو شخص حقیقی یا حقوقی، قراردادی شرعی و قانونی منعقد شود که در شرایط ضمن العقد، رفع اختلاف از طریق داوری توافق شده باشد، آیا بعداً یکی از طرفین قرارداد می‌تواند بدون موافقت طرف دیگر، ترتیب دلخواهی را به جای حکمیت اظهار نماید و حل اختلاف را از آن طریق خواستار گردد؟

بسمه تعالی، شرایط در ضمن عقد شرعی، نافذ و لازم الوفا است.

[سؤال 7003] 3503

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً معروض می‌دارد: راجع به قضیه ذیل نظر مبارک را مرقوم بفرمایید.

در سال 1354 این جانب 3 دستگاه ماشین چاپ از 5 دستگاه ماشین چاپ موجود در چاپخانه را با تقریباً 60 متر مکان به شخصی واگذار کردم تا با دریافت جواز در طول يك سال، مشخصات زیر را به نام ایشان در محضر به ثبت برسانم و چون استفاده از ماشین آلات چاپ بایستی با اجازه وزارت ارشاد اسلامی و تأیید اتحادیه صنف چاپ باشد، فروشنده به خریدار يك سال مهلت داد تا از جواز فروشنده به طور

ص: 68

مشاع استفاده نماید و در طول این يك سال، خریدار جواز كسب بگیرد. لیکن يك سال به پایان رسید و خریدار جواز نگرفت و اکنون نیز به ایشان جواز نمی دهند و مقامات مملکتی (وزارت ارشاد اسلامی، کمیته انقلاب اسلامی، اتحادیه صنف چاپ) به این جانب اعتراض کرده اند که چون خریدار جواز نداشته و شما به فردی که در اتحادیه و وزارت ارشاد عضویت ندارد، نبایستی ماشین چاپ می فروختید؛ لذا اکنون بایستی زیر پوشش جواز شما قرار گیرد و ما (وزارت ارشاد و اتحادیه) شما را صاحب ماشین آلات و مدیر مسئول چاپخانه می دانیم و شما کار خلاف انجام دادید و کارتان قابل تعقیب قانونی است و بایستی از کار ایشان (خریدار) جلوگیری کنید. لهذا چون محل کار شما دو نفر (خریدار و فروشنده) مشاع است، بایستی يك درب بین دو چاپخانه مفتوح گردد و خریدار بایستی بابت جواز كسب و استفاده از آن، رضایت فروشنده را جلب نماید و بابت استفاده از جواز، مبلغی کم یا زیاد پرداخت نماید.

ناگفته نماند که وزارت ارشاد يك ماه نیز ضرب الاجل تعیین کرده است که در غیر این شرایط، چاپخانه این جانب را تعطیل خواهند کرد. حال با ملاحظه مطالب بالا و این که جواز كسب چاپ، مانند ماشین آلات و مکان و سرقتلی، دارای ارزش حقوقی - صنفی و مالی است:

1. آیا از نظر شرع مقدس اسلام اجاره گرفتن از جواز را جایز می دانند؟

بسمه تعالی، جواز، اجاره ندارد، ولی در صورتی که مطابق مقررات دولت اسلامی باشد و استفاده مستأجر از اجازه دیگری، قانونی باشد، صاحب جواز می تواند در مقابل استفاده دیگری از جواز، مطالبه پولی بکند.

[سؤال 7004]

2. آیا این معامله که شرطی بوده فاسد است؟

بسمه تعالی، معامله صحیح است؛ مگر آن که معلق بر شرط مذکور باشد ولی نباید خلاف مقررات باشد.

ص: 69

3. اگر فاسد است، می توان معامله را به دلایل بالا به هم زد؟ در ضمن در این چند سال خریدار به خاطر نگرفتن جواز، مزاحمت هایی داشته که نمونه های آن عبارتند از:

الف: هرگاه وسایل یدکی می خواهد، بایستی با نامه مارک دار چاپخانه این جانب باشد و الا خرید این وسایل برایش میسر نیست.

ب: تعمیرات و رفت و آمد غالباً مزاحمت ایجاد می کند.

ج: بودن تعدادی کارگر از نظر بیمه های اجتماعی، مالیات بر درآمد، تولید اشکال پیدا می نماید.

د: البته گرفتن مبلغی اجاره می تواند مرهمی باشد؛ مثل مستأجر در منزل که بی در دسر نیست ولی به علت کمک مالی، تحملش آسان تر است.

بسمه تعالی، اگر مدت اجاره منقضی شده بعد از آن اختیار با مالک است و در غیر این صورت، اجاره نافذ و لازم است و نمی توانند آن را به هم بزنند. بلی اگر در ضمن اجاره، شرطی شده که تخلف شده است اجاره قابل فسخ است و اگر معامله ذکر شده خرید و فروش بوده نیز لازم است و حق فسخ ندارند؛ مگر تخلف شرطی در کار باشد.

[سؤال 7006] 3508

3. اگر معامله ای مبنی بر امری بوده، ولی در ضمن عقد ذکر نشود، آیا مراعات این امر لازم است و در صورت تخلف چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، شرط بنایی حکم شرط مذکور در عقد را دارد و تخلف جایز نیست و موجب خیار است.

[سؤال 7007] 3508

4. آیا شرط نتیجه صحیح است؟ مثل این که در ضمن معامله شرط می شود که اگر این گونه عمل کردی فلان مبلغ بدهکار باشی و یا طلبی که داری ساقط باشد؟

ص: 70

بسمه تعالی، شرط نتیجه در مواردی که حصول نتیجه سبب خاص نمی خواهد صحیح است و صحت شرط در دو مثال مذکور بعید نیست.

[سؤال 7008] 3504

بسمه تعالی

این جانب ملکی را وکالتی خریده ام و حالا قصد فروش آن را دارم، ولی چون وکالت محضری از نظر مسئولین دولتی ملغی اعلام گردیده، لذا موکلین این جانب تقاضای یک میلیون ریال پول جهت انتقال سند رسمی نموده اند، آیا از نظر شرعی پرداخت این پول حلال است یا حرام؟

بسمه تعالی، اگر فروشنده موکل متعهد شده که برای انتقال سند اقدام کند، حق مطالبه چیزی بابت انتقال سند ندارد.

[سؤال 7009] 3505

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، با عرض سلام

طبق نوشته، کسی خانه خود را به صورت نقدی به دیگری می فروشد و بیعانه از خریدار دریافت می دارد و قرار می شود در فاصله چند روز، مدارک از طرف خریدار آماده و به دفترخانه مراجعه و در قبال دریافت بقیه پول بهای مورد معامله، سند رسمی تنظیم شود. و در ضمن قرار بود هر کسی از معامله عدول نماید بیعانه به نفع طرف دیگر ضبط شود؛ و چون در این بین دفتر مسکن تعطیل و تنظیم سند در دفترخانه ها ممنوع گردید و پس از گذشت مدت هفت ماه خریدار و فروشنده طبق نوشته دیگری پیرو نوشته قبلی، با رضایت همدیگر، موافقت کردند چون فعلاً تنظیم سند در دفترخانه ها غیر ممکن است خریدار تا نصف مبلغ مورد معامله را به فروشنده پرداخت نماید و فروشنده هم یک طبقه از خانه مورد معامله را - که دو طبقه بوده - به خریدار تحویل دهد که تصرف نموده و سکونت نماید و پس از آزاد شدن تنظیم سند

ص: 71

در دفترخانه ها، اقدام به تنظیم سند رسمی نمایند و این شرایط از قبیل پرداخت نصف بهای مورد معامله از طرف خریدار به فروشنده و تحویل يك طبقه از مورد معامله از طرف فروشنده به خریدار عملی شده.

و حالا که برای تنظیم سند رسمی اجازه صادر شده، فروشنده از حاضر بودن در دفترخانه برای تنظیم سند رسمی و دریافت بقیه بهای مورد معامله و تحویل بقیه مورد معامله - به علت این که قیمت گران شده - امتناع می نماید؛ بدین وسیله از آن حضرت استفتا می نماید که آیا امتناع فروشنده وجه شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مزبور، فروشنده حق امتناع ندارد.

[سؤال 7010] 6686

2. شخصی در زمان طاغوت مغازه ای را از مالکش با موجودی اجناسش با منافع خریداری و اجاره می نماید و شرط می کند که مغازه را به کسی واگذار ننماید؛ هر موقع خواست مغازه را ترك کند. مغازه را با همان شرطی که خریداری کرده به صاحبش واگذار نماید و مالك هم قولاً این شرط را قبول می نماید؛ آیا از نظر شرع مقدس اسلام این شرط درست است یا نه؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7011] 3506

بسمه تعالی 1362 / 2 / 25

محضر مبارك امام عظیم الشان و رهبر گران قدر و امیر سیاستمدار اسلام و مذهب

پس از عرض سلام و درود فراوان به حضور شما پیرو راستین حق و عدالت و به امید سلامت و طول عمر شما زعیم عالی قدر تا ظهور آخرین مظهر عصمت و طهارت از خانواده امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و با آرزوی پیروزی هرچه نزدیک تر رزمندگان اسلام، علیه کفر و استقرار نظام بر حق اسلامی در جای جای جهان استضعاف.

با عرض پوزش از گرفتن وقت گران بهای شما توجه تان را به چند سؤال زیر

ص: 72

معطوف داشته و از حضرتش استدعا دارم لطف فرموده نظر گرامیتان را در پاسخ به این سؤالات به طور واضح و روشن بفرمایید.

1. طی يك معامله بين ما (من و شريكم) به عنوان خريدار، و يك فروشنده، مقرر گشت: مبلغ بيست هزار تومان از كل هشتاد و پنج هزار تومان از جانب ما به فروشنده تحويل و مورد معامله را پس از حدود بيست روز در قبال پرداخت مابقي پول تحويل بگيريم. از آن جايي كه در صورت عدم انجام معامله بعد از مدت مقرر، خسارتي سنگين اعم از مادي يا غير مادي به ما وارد مي گرديد. اين مطلب را با وي در ميان گذاشتيم؛ ايشان در پاسخ گفتند: چنانچه بنده از انجام معامله منصرف و يا در مدت مقرر تحويل ندهم، تعهد مي نمايم: مبلغ ده هزار تومان به عنوان خسارت بپردازم. اما بعد از گذشت بيش از دو ماه از موعده مقرر، براي ما مسلم گشت كه ايشان شخصي سودجو و كلاهبردار مي باشد. نتيجه با ترساندن و تهديد كه صرفاً بلوفي بيش نبود، اصل پيش پرداخت و نيمي از مبلغ ده هزار تومان را گرفته و مابقي را به او بخشيديم. اكنون مي خواهيم بدانم، آيا اين پنج هزار توماني كه به عنوان خسارت نزد ماست، قابل استفاده مي باشد يا نه؟ اگر مي باشد، آيا بدان خمس تعلق مي گيرد؟ و اگر نمي باشد چه تكلفي دارد؟ آيا اصل معامله صحيح مي باشد؟ توضيح اين كه طرف معامله ما به عنوان فروشنده، به نمايندگي از جانب فروشنده اصلي كه تا كنون ناشناخته مانده است، قبل از معامله احتمال ضعيف مي رفت شخص صادقي نباشد.

2. اصل تعيين مبلغی در معامله به عنوان حق انصراف چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، 1 و 2، اگر در ضمن عقد معامله، مبلغی شرط شده حلال است و خمس به آن تعلق می گیرد.

3. مدت ها پيش مقداري پس انداز داشتم كه در خلال بيكاري ام مورد استفاده قرار مي گرفت و با وجود داشتن آن، نمي توانستم شغلي مناسب توانايي ام دست و پا كنم تا اين كه بعد از مدتي با اعلام آمادگي ناسيونال جهت فروش اتومبيل، مبلغی را به قصد تحويل آن و اشتغال كاري به بانك سپرده و بعد از گذشت هفت ماه با پرداخت بقيه آن، موفق به تحويل اتومبيل گشتم كه از كل پس انداز در اين مدت،

مقداری صرف هزینه زندگی و مابقی آن، جهت بهای اتومبیل پرداخت گردیده بود. جمعاً با پنج ماه و نیم از قبل و هفت ماهی که به حساب ناسیونال راكد مانده بود از يك سال تجاوز کرد در نتیجه در این ابهام فرو رفتیم که آیا با توجه به هدفم از خرید آن و عدم استطاعت مالی خویش، به این مبلغ، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ در صورت تعلق و پرداخت آن به شکل اقساط بفرمایید به کدام شماره حساب می توانم واریز نمایم.

بسمه تعالی، اگر پس انداز مذکور از درآمد کسب و حقوق باشد باید تخمیس شود و اگر با او اتومبیل خریده شده، اولاً باید نسبت به خمس کسب اجازه از مرجع تقلید نمود و بعد به قیمت فعلی باید تخمیس شود و در صورت عدم امکان پرداخت يك مرتبه با یکی از نمایندگان مسلم الوکاله این جانب دستگردان نموده و بعداً تدریجاً پردازید و می توانید به حساب يك هزار تعاون اسلامی قم حواله نمایید.

4. زمان ارزانی نذر کرده بودم گوسفندی با پانصد تومان قیمت، بکشم و گوشت آن را تقسیم نمایم.

اکنون که می خواهم نذر را عمل کنم، در موقعیت گرانی، تکلیف بنده چیست؟

بسمه تعالی، باید گوسفندی که حدوداً پانصد تومان در آن زمان ارزش داشته تهیه و عمل به نذر نمایید، هر چند فعلاً گران تر باشد.

5. شخصی است سالمند که با وجود داشتن دختران و پسران کوچک و بزرگ، از مدت ها قبل به لحاظ گرایش فرزندانش به ایده کمونیستی و جانبداری همسرش (مادر خانواده) از آن ها، تنها خانه شخصی خود را در اختیار آن ها گذارده و جدای از آن ها به صورت انفرادی زندگی می کند؛ اکنون تکلیف او را معین کنید که آیا می تواند به خانه برگردد و بقیه عمر را در خانه زندگی کند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر خانه در ملك او باقیست، اختیار با خود او می باشد و نباید سبب تقویت و تأیید انحراف آن ها شود و نیز اگر [فرزندان او] منکر یکی از توحید یا رسالت و یا حکم ضروری دین باشند، نجس هستند؛ باید از آن ها اجتناب نمود.

[سؤال 7012] 1279

8. در هنگام معامله سرقتی فروشنده بر خریدار شرط کرده که مالیات بر عهده خریدار باشد او هم قبول کرده است اما در زمان معامله، مالیات مثلاً پنج درصد اعلام شده است از سوی مسئولین اما در زمان انتقال رسمی محل معامله که چند سال بعد از معامله شرعی بود مالیات به چندین برابر افزایش یافته آیا مقدار افزایش یافته هم طبق شرط در ضمن معامله بر عهده خریدار است یا چون مابه التفاوت مفروض طرفین

ص: 74

هنگام معامله نبوده بر عهده خریدار نیست.

بسمه تعالی، با شرط این که اصل مالیات بر عهده خریدار باشد هر مقدار که دولت مطالبه کند بر عهده خریدار است.

[سؤال 7013] 3507

بسمه تعالی

در دوره طاغوت برای گرفتن دفتر اسناد رسمی به اداره ثبت تهران مراجعه و تقاضای دفتر نمودم و گفتند محل نداریم و شما باید پول فراهم کنید تا از سردفتران دفتر بخرید. بنده دو سال قبل با سردفتری که در آن دفتر مشغول کار هستم، گفت و گو کردم و سردفتر به من گفت بعد از بازنشسته شدن دفترم را 350 هزار تومان می فروشم. بنده به ناچار قبول کردم؛ زیرا شغل دیگری نداشتم و قرارداد راجع به خرید دفتر را نوشتیم و مقداری هم پول به ایشان پرداخت کردم. در رژیم گذشته، بازنشستگی وی قبول نشد و فعلاً در دفترخانه حاضر می شود و حق التحریر اسناد را طبق معمول می برد. تکلیف من در این مورد چیست؟ آیا خریدن (معامله) این گونه دفتر از لحاظ شرعی صلاح است یا خیر؟ و یا سردفتری که با این شرایط دفترش را می فروشد جایز است یا خیر؟ منتظر رسیدگی و جواب فوری هستیم.

بسمه تعالی، در فرض مذکور، معامله غرری و باطل است.

شرط ابتدایی

[سؤال 7014] 3508

بسمه تعالی 15 / 12 / 1360

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، ادام الله ظلّه الشریف

1. چه می فرمایید در شروط ابتدایی، آیا الزام آور است یا نه؟

بسمه تعالی، الزام آور نیست.

ص: 75

2. اگر فتوا این باشد که شرط در ضمن عقد لازم است، آیا شرط در ضمن عقد جایز، الزام آور است؟ مثلاً در ضمن عقد وکالت عدم عزل وکیل یا لزوم عقد را شرط کنند چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، شرط در ضمن عقد جایز، مادام که عقد فسخ نشده لازم العمل است، ولی شرط عدم عزل وکیل یا لزوم عقد وکالت در ضمن آن نافذ نیست.

3. اگر معامله ای مبنی بر امری بوده، ولی در ضمن عقد ذکر نشود، آیا مراعات این امر لازم است و در صورت تخلف چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، شرط بنایی حکم شرط مذکور در عقد را دارد و تخلف جایز نیست و موجب خیار است.

4. آیا شرط نتیجه صحیح است؟ مثل این که در ضمن معامله شرط می شود که اگر این گونه عمل کردی فلان مبلغ بدهکار باشی و یا طلبی که داری ساقط باشد؟

بسمه تعالی، شرط نتیجه در مواردی که حصول نتیجه سبب خاص نمی خواهد صحیح است و صحت شرط در دو مثال مذکور بعید نیست.

5. طبق رسم جدیدی که در همه کشورها متداول است تجارتخانه یا شرکت یا مؤسسه ای را در دفاتر مخصوص دولت ثبت می کنند و شخصیت حقوقی می نامند و می دانند و در نتیجه سندها و چک ها و اسناد خرید و فروش و معاملات را به نام این مؤسسه صادر کرده و آن را مالک و یا بدهکار می دانند آیا شرعاً این شخصیت های حقوقی معتبر است یا نه؟

بسمه تعالی، معتبر است.

6. دولت در ضمن ثبت این مؤسسات امتیازاتی برای آن ها قائل شده و ضمناً علیه آن ها شرط هایی نیز قرار می دهد. مثلاً، قید می کند: هر کس یا هر مؤسسه از این مقررات تخلف کند، این مقدار بدهد یا یک ماه زندانی شود. یا اگر کسی چند ماه یا چند سال حق خود را از این مؤسسه تعقیب نکرد، حق یا طلب او ساقط است. این شرط ها به نحو شرط فعل یا شرط نتیجه، الزام آور است یا نه؟

بسمه تعالی، ثبت مؤسسه و غیر آن و شخصیت حقوقی دادن به آن ها، قراری است عقلایی با آن ها و شرایط در ضمن آن، حکم شرط در ضمن عقود لازمه را دارد و شروط مذکوره در سؤال، نافذ است.

7. در شرکت های مشارالیه، شرط لزوم می کنند و انحلال آن را روی شرط خاص یا شرایطی یا به نظر دادگاه قرار می دهند و تصریح می کنند که ورشکستگی شرکت، غیر از ورشکستگی اشخاص شرکا باشد. آیا این شروط صحیح اند یا نه؟

بسمه تعالی، شرط لزوم در ضمن عقد شرکت، صحیح نیست. ولی اگر دولت اسلامی در ضمن قرار خود با شرکت، شرط عدم فسخ شرکت، مطلقاً یا مقیداً یا شرط انحلال در مورد خاص بنماید، نافذ است.

8. شرکت و تجارت خانه رسمی ملزمند که دفتر یا دفاتر مخصوص داشته باشند که این دفاتر بر له و علیه متعاملین حجت باشد؟
بسمه تعالی، مانع ندارد.

9. مرور زمان که در يك روایت وارد است آیا به نظر حضرت عالی معمول به است یا نه؟
بسمه تعالی، مرور زمان اثری ندارد.

10. اگر ضامن در ضمن ضمانت شرط کند که ذمه مضمون عنه هم مشغول باشد و یا مضمون عنه مسئولیت پرداخت داشته باشد، آیا صحیح است؟

بسمه تعالی، شرط مزبور صحیح نیست، ولی اگر ضامن با اذن مضمون عنه ضمانت کرده، بعد از ادا می تواند به او رجوع کند.

11. ضامن شرط می کند که من ضامن می شوم، بدین گونه که اگر مضمون عنه پرداخت من بپردازم.

حال یا به طور واجب مشروط یا معلق، آیا این گونه ضمانت صحیح است؟

بسمه تعالی، صحیح نیست.

12. در حواله قید می کند که اگر محال علیه نداد، محیل بدهد. آیا صحیح است؟

بسمه تعالی، این شرط نافذ است.

13. اگر دین وعده دار را حواله کرد و طرف، بدون ذکر اجل، حواله را قبول کرده، آیا دین مؤجل حال می شود یا نه؟

بسمه تعالی، ذمه محال علیه به قبول حواله مشغول به دین می شود و باید فوراً ادا کند مگر این که شرط تأجیل نموده باشد.

14. شخصی که خود را در معرض ورشکستگی می بیند؛ برای فرار از دیون مردم اموال خود را با مصالحه یا هبه یا بیع، از ملك خود خارج می کند. آیا این معاملات صحیح است؟ و بر فرض صحت، آیا طلب کارها یا حاکم، حق فسخ دارند یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، صحت معاملاتی که برای فرار از دیون انجام گرفته، محل اشکال است و حاکم شرع می تواند دخالت کند.

15. اگر عین مال فروشنده ای در اموال شخص مفلس موجود است حق دارد عین مال خود را بردارد و

ببرد، اما اگر غرما از مال خودشان یا از مال مفلس، حاضرند طلب او را بدهند؛ آیا در این صورت، فروشنده باز حق فسخ دارد یا نه؟

بسمه تعالی، خیار دارد و نمی توانند او را الزام کنند.

16. در صورت فوق، اگر خود ورشکسته، مال جدیدی پیدا کرده و بخواهد طلب فروشنده را بدهد، آیا باز هم فروشنده حق بردن عین مال خود را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، حکم مسأله قبل را دارد.

17. اگر تاجر ورشکسته قبل از صدور حکم افلاس، دکانی را اجاره کرده و مال الاجاره را نپرداخته، آیا صاحب دکان حق فسخ دارد یا نه؟

بسمه تعالی، محل اشکال است و احوط تخلّص به صلح است.

18. تاجر ورشکسته قبل از صدور حکم افلاس، دکانی را اجاره کرده و همه وجه مال الاجاره را پرداخته است. پس از صدور حکم افلاس، تاجر نمی تواند تجارت کند؛ چون مالی در دست ندارد. با فرض این که در عقد اجاره، قید مباشرت شرط شده، آیا اجاره باطل می شود؟ و اگر باطل نباشد، غرما حق فسخ دارند یا نه؟

بسمه تعالی، اجاره باطل نمی شود. و با فرض اشتراط مباشرت، غرما حقی ندارند.

19. اگر غرما درباره ورشکسته ارفاق کردند و مال او را تقسیم نکردند و اجازه دادند که تجارت کند، ولی تاجر دوباره ورشکسته شد، آیا طلبکاران اخیر در اموال سابق با غرمای سابق سهیم می شوند یا نه؟ بسمه تعالی، همه غرمای سابق و لاحق، در مال موجود حق دارند.

عبدالکریم موسوی اردبیلی

[سؤال 7015] 3509

بسمه تعالی

محضر مبارك آيت الله العظمى خميني، دام ظلّه

عرض می شود که از طرف دولت ماشینی می دهند برای دهی. و خریدار آن باید دارای شرایطی باشد و آن شرایط را افرادی باید تأیید کنند. مؤیدین می گویند: «اگر بخواهی شما را تأیید کنیم، باید مقداری پول به مسجد این ده کمک کنی». او قبول می کند و چک می دهد و آن ها او را تأیید می کنند و ماشین را از دولت تحویل می گیرند.

ص: 78

بفرمایید: این پولی که قبول کرده است بدهد، از نظر شرعی بر او لازم می شود؟ اگر لازم می شود از چه بایی لازم می شود؟ بر فرض عدم لزوم آیا پرداخت، ضمانتی دارد یا ندارد؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، پرداخت آن مانع ندارد؛ ولی لازم نیست.

[سؤال 7016] 3489

2. هرگاه کسی به صورت ابتدایی نه به شکل ضمن العقد، تعهد فوق را بنماید؛ آیا باز هم ملزم به فروش می باشد؟

بسمه تعالی، شرط ابتدایی نافذ نیست و لزوم وفا ندارد.

[سؤال 7017] 3489

3. هرگاه شرط کند به یکی از دو وجه فوق که هرگاه طبق تعهد ملك را در تاریخ معین به طرف نفروخت، مبلغی به عنوان خسارت یا وجه التزام، دادنی باشد. این تعهد الزام آور است یا خیر؟ و متعهدله حق وصول وجه فوق را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد بوده الزام آور است و اگر ابتدایی بوده نافذ نیست.

[سؤال 7018] 3510

بسمه تعالی 4 / 11 / 1360

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شرط ضمن عقد لازم که محلل حرام و محرم حلال نباشد و نیز بر خلاف مقتضی العقد نباشد، لازم الوفا است، ولی شرط ابتدایی، محل خلاف است. آیا نظر مبارك این است که شرط ابتدایی هم لازم الوفا است یا خیر؟

بسمه تعالی، شرط ابتدایی لزوم وفاء ندارد.

ص: 79

محضر مبارك آيت الله العظمى امام خمينى، دام ظلّه العالى لطف فرموده به سؤالات ذيل جواب مرحمت فرماييد:

1. در استفتانات آخر توضيح المسائل چنين آمده: «س 74. قراردادی که بين ارباب حاجت و دلال ها به نام قولنامه معمول است و مبلغی را معين می کند که هر يك از طرفين حاضر به معامله نشد، آن مبلغ را به دیگری بپردازد. آیا لازم الوفا است اين گونه قراردادها يا نه؟ ج - لازم الوفا نیست...».

اما رویه قضایی در دادگستری با تکیه به ماده ده قانون مدنی بر الزام به عمل به قرارداد و قولنامه بوده که با «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» و «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» هم سازگار می باشد و هنوز هم فقهای شورای نگهبان اعلام بطلان ننموده اند. آیا مراد حضرت عالی بطلان قرارداد است من رأس؟ یا عدم وجوب وفا به مبلغی که به عنوان تخلف قرار می گذارند؟

بسمه تعالی، این مقاوله، معامله نیست و شرط ابتدایی است و نافذ نیست. معامله موضوع ندارد و شرط ابتدایی باطل است.

[سؤال 7020]

2. آیا بر فرض عدم لزوم عمل به قرارداد، نظر مبارك بر لغو اطلاق قانون و اعلام بطلان رویه است؟ یا لغو محتاج به نظر فقهای شورای نگهبان است؟ چون بر حسب اصل چهار قانون اساسی خلاف موازین شرع ارزش قانونی ندارد.

بسمه تعالی، نظر من آن بود که نوّشتم و فقها هر يك مستقل در نظرند.

3. در تحرير الوسيله، ج 2، مسأله 7 از مسائل سرقفلی چنين آمده است: «لو شرط على الموجر في ضمن العقد: أن لا يوجر المحلّ من غيره ويؤجره منه سنوياً بالإجارة المتعارفة في كل سنة؛ فله أخذ مقدار بعنوان السرقفلية لإسقاط حقه أو لتخلية المحل».

آیا با این شرط می شود مستأجر را بعد از انقضای مدت اجاره بدون جلب رضایت از محل کسب بیرون

کرد یا به هر حال، جلب رضایت لازم است؛ به اعتبار شرط و قرارداد در ضمن عقد اجاره که خود عقد لازم است؟ به علاوه که ظاهر امر انتقال حق السلطنة مالك است به مستأجر. مخصوصاً در مواردی که مستأجر مبلغی را به عنوان سرقفلی به موجر داده باشد.

بسمه تعالی، شرط مذکور الزام آور است و با رفع امر به حاکم شرع، موجر را الزام می کند به عمل به آن و با امتناع، حاکم ولایت دارد که محل را با اجاره به نرخ روز به مستأجر واگذار کند.

شورای عالی قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، یوسف صانعی

وکالت در بیع

[سؤال 7021] 3512

بسمه تعالی

حضور مبارك مجاهد اعظم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

به شرف عرض عالی می رساند: شخصی ملکی را وکالتی خریداری نمود، ملك مزبور بدهی داشته که قرار بود او به طور تدریجی با اقساط، بدهی ملك را بپردازد. وکیل فوت کرد وکالت شرعاً باطل می شود، آیا موکل که در قید حیات است می تواند این معامله را به هم بزند؛ یعنی وکالتی را که داده فسخ نماید و پولی که قبلاً پرداخت نموده، دریافت نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر وکیل معامله مورد وکالت را انجام داده؛ موکل بدون داشتن یکی از اختیارات حق ندارد معامله را فسخ کند.

بیع تعلیقی

[سؤال 7022] 3513

بسمه تعالی

زید قطعه زمینی را به عمرو فروخت، مشروط به این که برای خالد نخریده باشد و الاً بیع باطل خواهد بود. در صورتی که بعداً ظاهر شود که عمرو زمین را برای خالد خریده باشد؛ این معامله چه صورتی دارد؟

ص: 81

بسمه تعالی، اگر بیع را مشروط و معلق کرده، باطل است. و اگر در ضمن بیع شرط کرده باشد، بیع صحیح است و در فرض مذکور فروشنده حق فسخ دارد.

شروط بیع

شرایط خریدار و فروشنده

اشاره

[سؤال 7023] 3514

بسمه تعالی

معامله و ازدواج با ناقص الخلقه چه صورت دارد؟ و آیا نقص ظاهر دلالت بر بدی باطن می کند؟

بسمه تعالی، دلالت و ملازمه ندارد و معامله اشکال ندارد.

اول: عقل

از شرایط خریدار و فروشنده: عقل

[سؤال 7024] 2308

2. شخصی زمینی را از دیوانه ای خریده و سپس آن را به دیگری فروخته، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، معامله باطل است.

دوم: قصد

از شرایط خریدار و فروشنده: قصد

[سؤال 7025] 3515

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. شخص مریضی که در حال طبیعی خودش نبوده است، مقداری از ملک و باغ و یا خانه خود را به غیر بفروشد و در اثر مریضی و نداشتن حال طبیعی، جنس را به

قیمت کمتر از قیمت خود نیز فروخته باشد و کسی از اقارب درجه یک مریض در حین انجام معامله حضور نداشته تا آن مریض ناآگاه را آگاه ساخته و از تزییع مال و معامله کذابی ممانعت نماید؟ آیا معامله به نحو مذکور چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر اراده و اختیار داشته و معامله کرده، صحیح است.

2. پدری که تحت سرپرستی پسر و یا بالعکس زندگی می کند و در واقع، زندگی شان توأم بوده و جدا نمی باشد، پدر و یا پسری که با فرض مسأله، تحت سرپرستی آن دیگری است، ملك و یا خانه اش را بدون اطلاع سرپرست خانه به کس دیگری بفروشد آیا حق تقدّم و یا حق الشفعه برای پدر و یا پسری که سرپرست است و حاضر بوده به همان قیمت که به شخص دیگری فروخته، مصلحتاً از او خریداری نموده تا از فساد و نزاع احتمالی و یا حتمی جلوگیری نماید وجود دارد یا نه؟ چون در غیر این صورت - یعنی در صورتی که بدون اطلاع پدر و یا پسر سرپرست، معامله انجام شده - موجب فساد و منازعه بین پدر و پسر و بین خریدار که شخص دیگری است خواهد شد، آیا حق تقدّم و یا حق الشفعه در این جا صادق است یا خیر؟ و این معامله به شرح فوق شرعاً چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، معامله واقع شده صحیح است و اگر ملك و خانه فروخته شده، مشترك نبوده، حق شفعه ثابت نیست.

[سؤال 7026] 4749

3. اگر متوفی قبل از فوت، ملكی را خریده و در هنگام خرید، قبالة عادی یا محضری را به نام شخصی دیگر - از قبیل زن یا فرزند خود - کرده، آیا به صرف قبالة به نام دیگری کردن، آن دیگری مالك خواهد بود یا نه؟

بسمه تعالی، مجرد این کار موجب ملکیت نیست و اگر اختلافی هست، باید در محکمه شرعیه حل شود.

سوم: اختیار

از شرایط خریدار و فروشنده: اختیار

[سؤال 7027] 3516

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

ص: 83

1. اگر کسی مجبور و درمانده باشد از کسی گوسفند که قیمتش دو صد باشد آن را به سه صد بگیرد و صاحب گوسفند می بیند این درمانده است کمتر نمی دهد این معامله حلال است یا حرام؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر طرفین به معامله راضی شوند حلال است.

2. سیدی فقیر است و از مردم خمس می گیرد حیوان باشد یا اجناس، به این صورت که اگر قیمت آن ده تومان است به بیست تومان می گیرد این خمس قبول است یا نه قبول نمی شود؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر در گرفتن خمس مجاز باشد ذمه دهنده خمس به مقدار قیمت واقعی جنس بری می شود.

[سؤال 7028] 3517

بسمه تعالی

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی، امام امت و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، مدّ ظلّه العالی

زید در گذشته املاکی را در حالتی که بایع مضطر بوده به عنوان بیع به شرط، در مقابل وجه ناچیزی تصاحب نموده و به وارث منتقل شده است فعلاً هم سازمان عمران اراضی املاک مزبور را به اشخاص یا مؤسسات خیریه از قبیل مساجد یا وضوخانه و غیره واگذار می نماید.

معین فرمایید که تصرف در املاک مزبور شرعاً جایز است یا خیر؟ در غیر این صورت، تحصیل اجازه از وراث مالکین قبلی که مضطر بوده اند باید باشد یا مالکین بعدی، که فعلاً هم از طرف قانون خلع ید شده اند؟

صدور رأی مبارك در این مسأله مورد استدعا است.

بسمه تعالی، بیع شرط اگر با مراعات ضوابط شرعی آن انجام گرفته، محکوم به صحت است. اگر چه فروشنده از روی اضطرار اقدام بر بیع کرده باشد، و تصرفات، موقوف بر اجازه کسی است که بر حسب موازین ظاهر شرع، مالک شناخته می شود.

ص: 84

دفتر استفتائات حضرت امام، مدّ ظلّه العالی

سلام علیکم، استدعا دارد در مورد مسأله مشروحه زیر فتوای حضرت امام مدّ ظلّه العالی را به این شرکت ابلاغ فرمایند.

شرکت سهامی خاص تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی محصولات ایران ناسیونال از جمله شرکت های ملی شده بر اساس بند «ب» از قانون حمایت صنایع و تحت پوشش وزارت صنایع سنگین است و به وسیله مدیریت منتخب دولت اداره می شود. مدیران منتخب جهت کنترل بازار و مبارزه با بازار سیاه و قیمت های سرسام آور قطعات یدکی اتومبیل پیکان و اتوبوس و مینی بوس بنز، و برای رساندن قطعات به مصرف کننده واقعی و با توجه به این که ورود این قطعات در شرایط جنگی حاضر، تحمیلی بر بودجه دولت و بیت المال مسلمین نباشد، اقدام به اخذ تصمیم در مورد دریافت داغی، یا کهنه قطعات از مشتری و در عوض فروش قطعه نو به نرخ دولتی به آنان نموده است.

بدیهی است مقداری لوازم قابل استفاده نیز - که تفکیک آن ها از لوازم معیوب، متضمن هزینه گزاف و تلف وقت بسیار است - جزء داغی ها وجود دارد. ضمناً این تصمیم مدیران دولتی با تأیید مسئولین دولت در وزارت مربوطه نیز روبه رو گردیده است. نهایتاً از آن جا که مشتری در مواردی راضی به در اختیار قرار دادن داغی نمی باشد، استدعا دارد از محضر امام استفتا گردد که عدم رضایت مشتری در مورد واگذاری داغی به شرکت، با توجه به این که تصمیم اخذ شده از سوی مدیران منتخب دولت، برای صلاح جامعه مسلمین در شرایط جنگی فعلی بوده است و داغی های مذکور نهایتاً به شرکت های ذوب فلز دولتی یا وابسته به دولت فروخته می شود و قطعات قابل استفاده آن به آموزش و پرورش جهت استفاده آموزشی در هنرستان ها و

یا به جهاد سازندگی جهت استفاده در موتور چاه های روستاها به قیمت بسیار نازل فروخته می شود و با عنایت به این که در احتساب و دریافت بها از نهادهای مذکور، فقط هزینه های شرکت بابت همین داغی ها ملحوظ می گردد که خسارتی به بیت المال وارد نگردد، چه حکم شرعی خواهد داشت؟

بسمه تعالی، مشتری اگر راضی به واگذاری چیزی از ملك خود به شرکت نباشد جایز نیست با اجبار از او بگیرند. حتی اگر چه در مقابل قطعه ای از وسایل ماشین که از او می گیرند چیزی به او بدهند یا مبلغی از قیمت قطعه نو که به او می فروشند کسر نمایند بلی می توانند اگر صاحب کهنه به دادن آن راضی نیست معامله نکنند و نوراً به او ندهند.

[سؤال 7030] 3519

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت افاضاته

احتراماً معروض می دارد: شرکت صنعتی ناژ که محصول آن فرش های ماشینی است، هر ماهه قسمتی از محصول خود را برابر ضوابط شرعی و قانونی تحت نظارت ادارات، فرمانداری، بازرگانی و شوراهای محلی و نهادهای دیگر ذیربط با قیمت ویژه و مخصوص مصرف کننده و با هدف منحصرأ حمایت از مصرف کننده، به مشتریان معرفی شده از طرف نهادهای توزیع کننده عرضه داشته و عملاً از ایجاد بازار سیاه و سوداگری جلوگیری نموده و رضایت معرفی شوندگان نیازمند را به دست آورده است. النهایه برخی از نهادهای اجرایی، شرکت فوق الاشاره را تحت فشار قرار داده تا محصول خود را منحصرأ به بعضی از صنوف محترم و از جمله شرکت های تعاونی عرضه نماید و شرکت هم با استناد به این که عرضه محصول بدین شکل جز تزاید واسطه ها و احیاناً تحمیل فشار بر مصرف کننده ثمری ندارد، تن به خواسته نهادهای مزبور و شرکت تعاونی نداده است. علی هذا خواهشمند است چنانچه استدلال

ص: 86

شرکت، مطابق شرع انور اسلام است نظر خود را صریحاً اعلام فرمایید تا شرکت به نحو مزبور به کار خود ادامه دهد.

بسمه تعالی، مالک شرعی کالا در انتخاب مشتری مختار است ولی مراعات مقررات دولت اسلامی هم لازم است.

[سؤال 7031] 3520

بسمه تعالی 1361 / 10 / 20

رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی آیت الله امام خمینی دام بقائه

احتراماً اگر ملک زیدی را از باب فشار و تحکم با نازل ترین قیمت و به طور اقساط در مدت معین از مالک گرفته به عمرو واگذار نمایند با گذشت مدت اقساط دیناری از باب اجرت المثل نه به مالک و نه به مقامات صلاحیت دار مثل ثبت و بانک و محضر ندهند با این که در توضیح المسائل آن امام محترم اشاره شده، این عمل چه صورت دارد.

بسمه تعالی، در عقد بیع و اجاره رضایت طرفین معتبر است و بدون رضایت طرفین عقد صحیح نیست و اگر بعد از عقد رضایت حاصل شود عقد صحیح و نافذ می شود.

[سؤال 7032] 3521

بسمه تعالی 1361 / 9 / 14

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

بعد التحية والسلام؛ استفتا می شود: اگر کسی خود یا موکلش را به انجام معامله ای متعهد و ملزم تصور کند و بر خلاف میل و رضای باطنی خود، آن معامله را انجام دهد و بعداً معلوم شود که وی برای انجام معامله شرعاً تعهد و الزامی نداشته است؛ آیا چنین معامله ای صحیح است یا باطل؟ با دعا برای طول عمر مبارک

بسمه تعالی، صحیح است.

ص: 87

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله مرجع تقليد شيعيان جهان، حضرت امام خميني دامت برکاته

سلام عليكم، با احترام، سند ثبتي طاغوتي كه با اكراه و اجبار و بدون رضا و رغبت ثبت شده است اعتبار دارد؟ تقاضا مندم لطفاً حكم شرعي را در اين باره بيان فرمايند.

بسمه تعالی، مجرد سند اعتبار شرعي ندارد و اگر مسأله نزاعي است در محكمه شرعيه حل شود.

چهارم: مالك تصرف بودن و حكم بيع فضولي

از شرايط خريدار و فروشنده: مالك تصرف بودن و حكم بيع فضولي

بسمه تعالی 16 / 2 / 1361

دفتر حضرت آيت الله العظمي امام خميني مدّ ظله العالی

اين جانب كارمند مركز اسناد انقلاب اسلامي نزديك به دو سال است كه در شميران نو نارمك خانه اي 72 متری دو اتاقه به مبلغ 130 هزار تومان خريده ام، البته كل

اين منطقه كه از حدوداً ده پانزده سال پيش شروع به ساختن كرده اند سند محضري ندارد و بعضی از اين خانه ها يك بنچاق در دست دارند و بعضی ديگر ندارند و كل اين منطقه از طرف اداره برق، برق كشي شده است ولي آب اين منطقه را خود مردم ظاهراً لوله كشي كرده اند، البته من براي مصرف كنتوري گذاشته ام و تقريباً يك سال پيش به سازمان آب رفته و از وضع آب اين منطقه جويآ شدم، در آن جا مدير عامل سازمان آب گفت من نمی گويم آب منزل خود را قطع كنيد ولي نمی توانم بگويم صد در صد بی اشكال است، ولي شما مصرف كنيد وقتی خواستيم به آن منطقه آب بكشيم من از امام اجازه می گيرم و مقداری پول از ساكنين آن جا خواهيم گرفت و كنتور خواهيم گذاشت.

با توجه به موارد بالا می‌خواهم دو مسأله را بیان فرمایید:

1. آیا خرید و فروش آن خانه که سند ندارد اشکال شرعی دارد یا خیر؟

2. آیا که آن جا مصرف می‌شود آیا حلال است یا اشکال شرعی دارد؟

بسمه تعالی، سند میزان نیست مالک شرعی می‌تواند ملك خود را با مراعات مقررات دولت اسلامی بفروشد و تصرف در آب لوله کشی منوط به اجازه مسئولین مربوطه است.

[سؤال 7035] 3524

بسمه تعالی 1361 / 12 / 20

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى مدّ ظلّه العالى

با نهایت احترام و آرزوی طول عمر برای امام بزرگوار و عزیز و پیروزی قوای اسلام علیه قوای کفر، خواهشمند است نظریه مبارک را در مورد مسأله ذیل اعلام فرمایید.

فردی چهار سال قبل منزلی از طریق دریافت وام از بانک خریداری نموده و در موقع خرید نیز تمام استعلام های قانونی از مقام های ذی صلاح طبق قانون از ثبت اسناد و بنیاد مستضعفان توسط دفترخانه اسناد رسمی انجام گردیده و با توجه به تأیید مقام های فوق که اعلام نموده اند فروشنده ممنوع معامله نمی باشد خریدار ذیل سند این موضوع را اقرار و تأیید نموده است و پس از انجام مراتب بالا سند صادر و به خریدار تسلیم و خریدار منزل، مورد خرید را متصرف می شود ولی بعداً معلوم گردیده که فروشنده ممنوع معامله می باشد، خواهشمند است با عنایت به عرایض فوق، وضع خریدار را از نظر شرعی ذیلاً مرقوم فرمایید. در پایان مجدداً از خدای متعال مسئلت می نمایم به رهبر بزرگ ما و همه مستضعفان جهان طول عمر و سلامتی کامل عنایت فرماید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم خریدار، خانه را مالک شده است و چنانچه دولت اسلامی مقرراتی دارد باید مراعات شود.

ص: 89

بسمه تعالی 1361 / 11 / 11

محضر امام خمینی دامت برکاته

چنانچه مردی در حال ازدواج ملکی را به همسر خود بدهد به عنوان مهریه، آیا می تواند بعد از مدتی آن ملک را به فردی که او هم اطلاع از حال قضیه دارد بفروشد؟ چنانچه خرید و فروش شود و سند به نام خریدار مطلع شد، آن سند شرعاً صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، فروش آنچه مهریه زن قرار داده شده موقوف است به اجازه خود زن و بدون اجازه او باطل است.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 27

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلله العالی

در تاریخ 1358 / 12 / 5 منزلی را قولنامه نموده و در تاریخ 1358 / 12 / 15 در دفترخانه اسناد رسمی ثبت کرده ام، بدون هیچ گونه مانع قانونی و شرعی، و وجه آن را تماماً و کلاً تسلیم فروشنده نموده و منزل را تحت تصرف خود درآورده ام. پس از گذشت دو سال، یعنی در تاریخ 1361 / 2 / 2 از طرف سرپرستی اموال بنیاد شهید در رابطه با منزل فوق الذکر دعوت گردیدم و عین جریان فوق را گزارش دادم ولی از نظر آن که فردی تا حدودی ملتزم به قوانین شرع مقدس می باشم و نمی خواهم خدای ناکرده کاری بر خلاف نموده باشم، بالخصوص از نظر مسکن که خود و خانواده ام در آن زندگی می کنیم و نماز می خوانیم، لذا از محضر مقدسستان تقاضا نمودم بفرمایید با اشاعه آن که فروشنده بهایی بوده است و البته من هیچ گونه اطلاعی از آن نداشته و ندارم، آیا چنین معامله ای شرعاً صحیح بوده است یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال اگر از طرف دولت اسلامی منع و طلبی نسبت به آن منزل نباشد معامله صحیح و تصرفات شما اشکال ندارد.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی رهبر انقلاب امام خمینی مدّ ظلّه العالی

در يك آبادی قلعه ای هست این قلعه در زمان قدیم ساخته شده، در آن زمان حکومت راجا بوده؛ یعنی حکومت شاه یا بگویم مثل شیوخ نشین بود، مالیات و خراج و غیره را آن شخص می گرفت در آن علاقه حکومت راجا بود؛ یعنی تقریباً شاه گفته می شود، و چندین سال گذشته و اولاد اولاد آن راجا می گویند. این قلعه برای جد ما ساخته شده بود. مردم آبادی می گویند معلوم نیست و راجا تا حال از آن قلعه استفاده نکرده، بلکه مردم آبادی از قلعه استفاده می کردند. در این صورت اگر يك نفر از افراد آبادی با اولاد اولاد معامله کرد و يك مبلغ پرداخته و قلعه را از آن ها خریده، آیا در این صورت مالك قلعه شده یا خیر بنابراین معامله صحیح است یا خیر؟

خداوند بر عمر و سلامت و عزت آن رهبر عظیم و مرجع تقلید شیعیان جهان بیفزاید، ان شاء الله.

بسمه تعالی، کسانی که از قلعه استفاده می کردند مانند گذشته می توانند استفاده کنند و مدعی مالکیت تا به وجه شرعی مالکیت خود را ثابت نکنند نمی تواند بفروشد.

[سؤال 7039] 784

10. در دست مرتد اموالی است نمی دانیم شخص مرتد بعد از ارتداد به دست آورده و یا اموال قبل از ارتداد است؛ معامله با او صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، محکوم به ملکیت است برای او و معاملاتش صحیح است.

[سؤال 7040] 784

11. توجد أموال بيد من يكون كافراً بالفعل ولكن لا نعلم أنه كان كافراً من الأصل - لانعقاد نطفته في حال كفر أبويه - أو لم يكن كذلك وأنه كان مسلماً وبحكم الإسلام

ص: 91

ثم كفر بعد بلوغه؛ ونحتمل أن تكون هذه الأموال الموجودة بيده كانت مملوكة له قبل كفره وارتداده. هل يجوز البيع والشراء وسائر المعاملات معه - لكون يده أمانة على مالكه - أو لا؟

بسمه تعالی، يحكم بملكه لما في يده ويترتب عليه الآثار.

[سؤال 7041] 3528

بسمه تعالی 1361 / 9 / 12

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

احتراماً؛ خواهشمند است پاسخ شرعی این مسأله را بفرمایید: قطعه زمینی بوده که عباس نامی به اکبر نامی می فروشد؛ پس از مدتی اکبر اظهار می دارد: چون مبلغ زمین نامعلوم بود و سند هم هنوز نگرفته بود، در حضور چند نفر شاهد، زمین را به فروشنده پس داده، قسمتی را نقد و بابت قسمت دیگر از فروشنده سفته می گیرد، ولی قولنامه را پس نمی دهد، به عذر این که بعداً پیدا کرده و می دهد. در این حال، فروشنده این زمین را بابت بدهی ارثیه پدری اش به همسر خود رسماً واگذار می نماید. در این حال، اکبر با همین قولنامه که به عباس پس نداده، کلاهبرداری نموده و به شخص دیگری می فروشد و در همین اثنا، بابت همین سفته مقداری از مغازه فروشنده جنس برده و دو فقره پول نقد گرفته و رسید داده است و در رسید بابت قطعه زمین فوق نیز ذکر گردیده است. خواهشمند است با توجه به عرایض فوق، پاسخ شرعی را مرقوم فرمایید تا طبق شرع مقدس رفتار شود. با تقدیم احترامات والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، حکم شرعی معلوم است که اگر معامله را فسخ کرده اند، خریدار بعد از فسخ نمی تواند آن را بفروشد و فروش او باطل است و فروشنده باید بقیه ثمن را به خریدار رد کند و اگر جنس به او داده کفایت می کند و چنانچه نزاعی هست، باید در محکمه شرعی حل شود.

ص: 92

بسمه تعالی

جناب آقای خمینی

مسئله ای برایم پیش آمده که تمّنای جواب و حل این مسئله را دارم.

کسی از بستگان این جانب در دستگاه طاغوتی در يك شرکت ساختمانی کارمند بوده که در زمان طاغوت از حقوق ناچیز خود برای ثمره پیری خود چند سهام آن شرکت را خریداری کرده و خود کارمند آن شرکت بوده که مدیر عامل شرکت فرار کرده و از طرف دستگاه دینی و قانونی کسی را در آن جا گذاشتند که وادارش کردند باید به دفترخانه برود و سند ثبتی بدهد که این سهام را مجاناً مدیر عامل قبل به این جانب داده است.

تمنا دارم مقرر فرمایید پاسخ صحیح به این جانب بدهند که آیا این سهامی که نامبرده در آن شرکت ساختمانی داشته حرام است یا خیر؟ وادار کردن آن مدیر جدید به قول خودمان حقوقی و تهدید نام برده، که در دفترخانه بنویسید که سهام را مجاناً به من داده اند صحیح است یا خیر؟

من به عنوان يك مسلمان (شیعه) از آن رهبر عالی قدر تمنا دارم صریحاً این مسئله را برایم حل فرمایند مزید امتنان خواهد بود.

بسمه تعالی، حکم شرعی مسئله معلوم است که اگر سهام با بودن مجوّز به او تملیک شده مالک است وگرنه مالک نیست ولی رسیدگی به قضیه شخصیه موکول است به دولت اسلامی.

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر عالی قدر جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، تقاضا می کنم بر این جانب مّت گذاشته، فتوای سؤالات

را مرقوم دارید:

1. اگر زن از شوهرش طبق سند رسمی ملکی خریداری کند، شرعاً صحیح است؟

بسمه تعالی، مانع ندارد زن ملك شرعی شوهر را از او بخرد.

2. اگر زن و شوهر مسلمانی طفل شیرخوار پسر و دختری را به فرزندى قبول نمایند، شرعاً این بچه ها فرزند آن ها می شوند یا خیر؟

بسمه تعالی، شرعاً فرزند آن ها محسوب نیست و آثار فرزندى مترتب نمی شود.

از خداوند تبارك و تعالی خواستارم که وجود شریف شما را برای امت مسلمان جهان نگه دارد و عمر طولانی به شما عطا فرماید.

[سؤال 7044] 6728

4. کمیته ای به نام فروش اجناس متروکه در تهران می باشد که اجناس بدون صاحب را که از خارج آمده و صاحبانشان رجوع نکرده و یا

فراری می باشند جمع کرده است. خرید اجناس از این کمیته چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، با احتمال این که روی موازین شرعی فروخته می شود اشکال ندارد.

[سؤال 7045] 3531

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی

محترماً به استحضار می رساند راجع به این که چند قطعه زمین زراعتی البته نه زراعتی دائم و نه به طور کلی بایر در بالای شهر می باشد به طوری که اهل خبره می گویند در سابق قنات بوده و از آب قنات آبیاری می شده بعد مالکینی زورگو اقدام به تخریب آن نموده اند و در ضمن با صاحبان زمین قرار می گذارند هر سالی که رودخانه آب زیاد دارد، شما با آب رودخانه زمین های خود را زراعت کنید و هر سال که خشک شد حق زراعت ندارید. صاحبان زمین طبق همین قرارداد عمل می کرده اند، تا این که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام امت به پیروزی رسید، هیأتی از بنیاد

مسکن آمدند و زمین ها را به نام بنیاد مسکن نام گذاری کردند، بعداً یکی از آن ها به عنوان مسئول بنیاد مسکن معرفی گردید، نامبرده زمین ها را تقسیم و به هر نفر به اندازه جای يك ساختمان واگذار کرد، ما هم اقدام به ساختن خانه نمودیم، از جمله خود حقیر. الآن سر و صدا زیاد است یعنی اعتراض به این که این زمین ها از نظر شرعی روی آن ها خانه ساختن صحیح نیست. ناگفته نماند که صاحبان این زمین ها بعضی شان از نظر مالی خیلی در مضیقه هستند، به هر حال برای ما شك پیش آمده به خصوص برادران سپاهی که آیا جایز است و ما می توانیم بدون رضایت صاحبان زمین تصرف نموده و هیچ گونه شك و شبهه ای به خود راه ندهیم، یا خیر؟ در ضمن ایشان می گوید: من طبق مصوبه شورای انقلاب و حکم وزارت کشور عمل نموده ام. مستدعی است نظر خود را راجع به توضیحات فوق مرقوم فرمایید، چنانچه از نظر شرعی اشکال دارد تکلیف خود را با صاحبان زمین روشن نمایم.

بسمه تعالی، رسیدگی موکول به دولت اسلامی است و اگر احتمال دهید که بر وجه شرعی زمین در اختیار شما قرار داده شده تصرفات شما مانع ندارد.

[سؤال 7046] 3532

بسمه تعالی

این جانب با دو نفر شریک بوده و مغازه قماش فروشی داشتیم. بعد از انقلاب از مردم طلبکار بودیم که عمده مطالبات را ندادند و ضمناً بدهکار هم بودیم؛ لذا مجبور شدیم مغازه را فروخته و طلب طلبکاران را پرداختیم و پس از 12 سال شراکت، از هم جدا شدیم. بنده خودم خانه شخصی خود را در خانی آباد نوفرورختم و يك مغازه ارزان قیمت در محل دیگر با شراکت يك نفر خریده و در نازی آباد مستأجر شدم. بعد از 7 ماه مستأجری، صاحب ملك چنان فشاری به ما آورد که ناچار شدم يك باب خانه که از همان خانه ها که مردم تصرف کرده بودند، خریدم. البته همان موقع به وسیله

ص: 95

پدرم از یکی از علما سؤال کردیم که فرمودند: اگر صاحب ملك طاغوتی و فراری باشد و خریدار هم مقلد امام باشد، می تواند بخرد، اگر نتواند در جای دیگر بخرد. بنده از همان تاریخ ناراحت هستم و شما را قسم به خدا، راهی پیش پای بنده بگذارید تا از این ناراحتی نجات پیدا کنم، برای این که نماز می خوانم و روزه می گیرم؛ ناراحت هستم. و نیز شش سرعائله دارم که گناه آن ها هم می ترسم به عهده بنده باشد. بنده را به جایی راهنمایی فرمایید که بیايند هرچه دارم قیمت کنند و ببرند، ولی از آتش جهنم نجاتم دهند. در ضمن، خانه را قبل از جریان ورشکستگی مغازه، فروخته بودم که در شمال شهر زمینی بخرم که نشد. و بعداً هم در نازی آباد - پس از مهلت اجاره خانه ام - يك خانه بود که بخرم، ولی سیصد هزار تومان با يك وام می داد و من نمی توانستم از عهده قسط آن برآیم؛ لذا مجبور به این عمل شدم. آیا مقلدین دیگر مجتهدین نمی توانند بخردند و باید اجازه بگیرند؟ اگر حکم امام این باشد که حرام است، تکلیف بنده چه خواهد شد؟ چون خانه حرام است؛ حتماً حق فروش هم نخواهم داشت و پول دیگری هم ندارم که خانه دیگری بخرم و مجوز هم که نمی دهند.

بسمه تعالی، اگر احتمال می دهید که مسئولین مربوطه در واگذاری خانه به شما مراعات ضوابط شرعیه را نموده باشند، تصرفات شما اشکال ندارد.

[سؤال 7047] 550

2. چیزهایی که دولت در گمرک ضبط می کند بعد از چند مدت آن را حراج می کند می شود از آن حراج چیزی خرید حلال است یا حرام است؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، حرام است.

[سؤال 7048] 3533

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر و مرجع مسلمانان جهان، حضرت امام خمینی، سلام علیکم

از طریق عمران اراضی شهری شهرستان مراغه، قطعه زمینی به مساحت 167 متر

ص: 96

مربع، به قیمت منطقه ای - که توسط شعبه شهرسازی شهرداری مراغه تعیین شده است - از اراضی بانک مسکن به این جانب، که دارای چهار سرعانه می باشم، واگذار نموده اند. آیا از نظر شرعی این زمین برای ما مباح است یا نه؟

نظر خود را در این مورد بیان فرمایید.

بسمه تعالی، چنانچه احتمال می دهید به وجه شرعی به شما واگذار نموده اند، تصرف مانع ندارد.

[سؤال 7049] 3534

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر مستضعفان جهان

با سلام و دعا، احتراماً؛ این جانب فردی مستضعف و باعائله ای زیاد و درآمدی کم، مقدار 162 متر زمین جهت خانه مسکونی از طرف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران دریافت، و با زحمت بسیار ساخته ام. لذا تمنا دارم برای این حقیر روشن فرمایید زمین مذکور از نظر شرعی مورد اشکال هست یا خیر؟ من الله التوفیق

بسمه تعالی، زمین یا هر چیزی که از طرف مسئولین مربوطه دولت جمهوری اسلامی به اشخاص واگذار می شود، تصرف در آن اشکال ندارد، مگر آن که برای شخص محرز باشد که در واگذاری آن، مقررات شرعی و قانونی مراعات نشده است.

[سؤال 7050] 3535

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، دامت برکاته

محترماً؛ به عرض عالی می رساند: منزلی است که از طاغوتیان زمان رژیم سابق باقیمانده و صاحبش از ایران فرار کرده است و فعلاً در اختیار بنیاد مستضعفین است. این جانب قصد دارم که این منزل را به قیمت معمولی خریداری نمایم. در صورتی که

ص: 97

پول این منزل را برای جنگ زدگان و سایر مستضعفین از طرف دولت مصرف کنند بفرمایید: خریداری منزل و نماز در آن جایز است یا خیر؟ توضیح این که این منزل به حکم حاکم شرع مصادره شده است.

بسمه تعالی، اگر احتمال می دهید به وجه شرعی زمین به شما فروخته می شود، اشکال ندارد.

[سؤال 7051] 2073

2. کارگرهایی که در خارج از کشور هستند وقتی می خواهند بیایند ایران، گمرک اثاثی را که همراه دارند می گیرد و بعد آن ها را می فروشند؛ آیا دیگران می توانند آن اشیا را بخرند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر احتمال دهند که روی موازین شرعی و قانونی فروخته می شود، می توانند بخرند.

[سؤال 7052] 3536

بسمه تعالی 1362 / 1 / 4

دفتر استفتای رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی، ادام الله بطول بقائه

شخصی متجاوز از بیست سال قبل، پانزده هکتار زمینی را که خارج محدوده شهر اصفهان بوده و هست، در محضر اسناد رسمی آن زمان، از شخص معینی خریده و به وسیله حفر چاه و موتور و ساختمان مسکونی و درختکاری، زمین را احیا و همه ساله شخصاً با همیاری شوهر و اولادهاش آن را مرمت نموده و اینک هم زیر کشت گندم و علوفه می باشد. معارضی هم نداشته و ندارد و متصرف هست، آیا مالک شرعی این زمین شناخته می شود و نماز در آن صحیح است یا خیر؟ جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، زمین اگر قبلاً ملک بوده و از مالک شرعی آن خریده و یا اگر زمین موات بوده، به قصد تملک آن را احیا کرده، مالک آن شناخته می شود و تصرفات مالک شرعی در ملک خود بی اشکال است.

ص: 98

محضر مبارك مرجع عالی قدر، رهبر انقلاب، مجاهد نستوه، آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه الشریف، از خدای بزرگ موفقیت و طول عمر آن مرجع عزیز را تا برقراری کامل حکومت جمهوری اسلامی خواستار می باشیم.

زمین زراعی هست واقع در قریه شلمزار ساوجبلاغ کرج، این زمین در سابق حق اهالی روستای مذکور بود و بعد ارباب رعیتی شد و کشت می شد. از سال 1342 به بعد، ارباب، چون خودش یکی از مهره های رژیم منفور گذشته بود؛ زمین را به زور از دست اهالی گرفت. در این مدت، زمین مذکور بایر بود تا سال 1354، اهالی همه رفته و زمین را زیر کشت قرار دادند. بعد از این که زمین مذکور به دست اهالی محترم زیر کشت رفت؛ ارباب زمین مذکور را که حق اهالی شلمزار بود به عنوان مسکن سازی به يك نفر فروخته است. با حقی که اهالی شلمزار دارند؛ آیا حالا فروختن زمین از نظر شرع مقدس اسلام چگونه است.

بسمه تعالی، اگر زمین های فروخته شده مورد حق غیر فروشنده بوده، فروش صحیح نیست؛ مگر با اجازه صاحبان حق و نزاع باید در محکمه شرعیه حل شود.

آیات عظام و علمای گران قدر

در سنوات گذشته عده ای از زارعین يك قطعه زمین، مشهور به اربابی را احیا نموده اند. يك آسیاب آن جا بوده که با آب آن مشروب می گردیده. پس از گذشت زمان، صاحب آسیاب ادعای مالکیت زمین را نموده است. زارعین از ترس این که مالکین عمده، زمین را تصرف کنند، امضا می نمایند که مالکیت زمین مربوط به

صاحب آسیاب می باشد و مالکیت او از قرارداد آن روز ثابت می شود. بعد زمین مورد بحث را به دیگری که زارع، ولی صاحب زمین نبوده، فروخته است. بنده يك قطعه از آن زمین را خریداری نموده ام. جواب مرقوم فرمایید که آیا این زمین مباح است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر زارعین که ملکیت صاحب آسیاب را امضا کرده اند، مالک نبوده اند یا واقعاً تمليك نکرده اند، فروش زمین باطل است و زمین بر خریدار مباح نیست. و در صورت ملکیت و تمليك جدی، فروش صحیح و زمین بر او مباح است.

[سؤال 7055] 3539

بسمه تعالی

ما زمینی داریم به مقدار شش جریب - 6000 متر - که زمین زراعتی با آب است و از پدرمان به ما به ارث رسیده است. چون این زمین در يك ده دیگری غیر از دهی که در آن زندگی می کنیم بود حدود ده، دوازده سال پیش آن را دادیم دست يك نفر به صورت اجاره ای، اوایل سهمیه ما را از همان محصولی که از زمین به دست می آمد، می داد و بعداً قرار شد اجاره اش را پول بدهد. با توجه به این که ما چهار برادر و يك خواهر هستیم که از این زمین سهم داریم و همه ما هم کشاورز هستیم و روی زمینی که متعلق به فرد دیگری است، کار کشاورزی می کنیم، و خود آن شخص مستأجر هم، به اندازه ما یحتاج خود و حتی بیشتر از کل زمین ما، زمین دارد. با توجه به این مطالب: ما تصمیم گرفته ایم زمین مان را بفروشیم و تصمیم داریم در صورت تمایل، به همان فرد مستأجر بفروشیم، ولی ایشان حاضر به خرید زمین با قیمت کم است.

سؤال ما این که، اگر ایشان حاضر به خریدن با قیمتی که چند نفر مورد اعتماد دو طرف یا يك مرجع قانونی تعیین می کنند نشود، آیا ما می توانیم زمین را از ایشان بگیریم؟ صورت قانونی و شرعی این مسأله را بفرومایید.

بسمه تعالی، اگر زمین شرعاً ملك شما است، اختیار فروش آن با خود شما است، ولی اگر دولت اسلامی مقرراتی دارد، باید مراعات شود.

ص: 100

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی، زعیم عزیز، آقای خمینی، مدّ ظلّه العالی

به عرض عالی می‌رسانم شخصی خانه خود را فروخت در مقابل يك خانه و دو قطعه ملك و قدری وجه نقد. بعد از چند ماه یکی از ملك ها را فروخت و بعد از چند ماه دیگر که برای صدور سند مالکیت اقدام نمود، متوجه شد شماره و حدود این ملك با شماره انتقالی مطابقت نمی‌کند؛ بلکه با ملك دیگری از املاک فروشنده ای که آن را فروخته به این فروشنده - که خانه را برداشته - مطابقت دارد؛ به فروشنده دوم - کسی که خانه را برداشته - مراجعه نمود، گفت: من از زید خریده ام، به زید مراجعه نمود؛ زید با این که تصرفات مالکانه از قبیل کشت و برداشت آن و قطع چندین درخت در آن ملك شده بود، منکر فروش آن شد و گفت: من این ملك را که به نام و نمره انتقال شده، فروخته ام.

این معامله به دادگاه طاغوتی کشیده شد، قبل از صدور حکم، شخصی برای اصلاح، تحت يك رشته مذاکرات، ناچار فروشنده روی جهاتی راضی شد به يك چهارم قیمت وقت، ملك را به فروشنده آن واگذار نماید که او خود با زید مرافعه نماید. صاحب خانه که حق خود را پایمال شده می‌دید موقع امضای اسناد، قرآنی بیرون از جیب آورد، خطاب به او گفته: خانه مرا به هیچ تصرف نمودی، این قرآن بین من و تو حاکم باشد.

مدت چند ماهی گذشت، بحمدالله جمهوری اسلامی برقرار گردید؛ فروشنده ای که خانه را برداشته با زید مرافعه نمود با این که حکم طاغوتی به نفع زید بود، در دادگاه

انقلاب حکم به نفع خریدار خانه صادر شده، اکنون این چند مسأله مورد تقاضای جواب است:

1. آیا این معامله از اصل باطل است یا خیر؟

2. بر فرض بطلان، آیا حکم ملکی که فروخته شده و خانه شده چیست؟ وجه

فروخته شده را باید پس دهد یا مازاد، در صورتی که گران تر باشد؟

3. اگر معامله باطل نباشد، آیا صاحب خانه می تواند بگوید: شما به من ملك بدون عیب فروختی، الحال که بدون عیب شده آن را به من تحویل بده؟

4. آیا حواله به قرآن سبب نمی شود که فروشنده خانه هر موقع توانست حق خود را اخذ نماید؟

5. این عبارت آیا سبب نمی شود که مرور زمان تا مدت معین شده حق طرف را محفوظ بدارد؟ با این که به خواهش فروشنده خانه و مذاکرات قبلی و رضایت طرف این عبارت در ذیل ورقه انتقال اسناد ثبت شده، عبارت این است: «فروشنده فوق الذکر در ضمن عقد خارج لازم، ملتزم شرعی گردید که در صورت کشف فساد در معامله، از حال تحریر الی مدت پنجاه سال شمسی، علاوه بر رد بهای فوق الذکر، از عهده غرامات وارده برآید».

با عرض ارادت؛ عزت و عظمت اسلام عزیز و آن رهبر عزیز را خواهانم.

بسمه تعالی، فروشنده خانه اگر مالك خانه نبوده معامله صحیح نیست و مسأله نزاعیه باید در محاکم صالحه مطرح و حل و فصل شود.

[سؤال 7057] 3541

بسمه تعالی 1361 / 5 / 23

دفتر محترم حضرت امام خمینی

احتراماً؛ خواهشمند است در مورد سؤالات مطرح شده نظر مبارك امام را جويا و جواب مربوطه را در ذیل ورقه مرقوم فرمایید؛ مزید تشکر و امتنان است:

1. ورثه شخصی، زمینی لم یزرع را به آقای الف در 12 سال قبل فروخته و وجه آن را دریافت داشته اند و پس از مدتی - یعنی در سال 1358 - این جانب ضمن استفسار از صاحبان اولیة زمین و اطلاع از درستی معامله، قطعه زمین مزبور را به چندین برابر خرید از آقای الف خریداری و ملك مزبور را که لم یزرع و غیر قابل استفاده بوده، با

ص: 102

مخارج زیاد تبدیل به زمینی مشجر نموده و در سال 1359 آقای الف زمین هایش مصادره و در اختیار بنیاد مسکن قرار می گیرد و از خرید و فروش املاک خود محروم می گردد و هم اکنون که زمین ها به علت حفر چاه عمیق، ارزش پیدا کرده، عده ای اعلام می دارند که املاکی را که قبلاً فروخته، بایستی از خریداران بگیریید. در مورد ملك فوق از نظر شرعی این جانب چه تکلیفی دارم؟

بسمه تعالی، اگر فروشنده، مالك شرعی بوده و در زمان فروش، ممنوع التصرف نبوده، معامله محکوم به صحت است و اختیار ملك فروخته شده با مشتری است و چنانچه نزاعی در بین باشد به دادگاه مراجعه نمایند.

2. مقداری باطری اتومبیل از بنیاد مسکن انصار المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشهد به مسئولیت خود خریداری شد تا پس از فروش، اگر منفعی به دست آمد، برای صندوق قرض الحسنه انصار المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرش، میز و وسایل ضروری خریداری شود و به علت نداشتن جا در محل صندوق، آن ها را به طور امانی در گوشه ای از مغازه مجاور صندوق قرار داده و صاحب مغازه، باطری ها را به فروش رسانده و پس از فروش، مبلغی سود عاید گردیده و مغازه دار مربوطه اعلام می دارد نصف سود برای فروش به من تعلق می گیرد؛ در صورتی که باطری ها مانع کسب وی نبوده و کم کم به فروش رفته و از پول، استفاده می نموده و از طرفی قراری با وی در این مورد نشده است و مدتی هم شده که از وی خواسته شده پول را به صندوق واریز نماید، تا کنون امتناع ورزیده؛ آیا حقی به ایشان تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به مغازه دار دستور فروش داده شد و شرط مجانی بودن کار وی نشده، می تواند اجرت المثل را مطالبه نماید.

[سؤال 7058] 3542

بسمه تعالی 1361 / 2 / 26

با سلام و آرزوی طول عمر برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و پیروزی رزمندگان در جبهه ها

بنده در اسفند ماه سال 1359 هنگام بازگشت از سفری به محل سکونتم - شهر ساری - در جریان قرار گرفتن که مسکن و شهرسازی تعدادی آپارتمان که آماده تحویل شده است را از طریق قرعه کشی بین متقاضیان واگذار نموده که من دیر رسیده

ص: 103

بودم؛ وقتی در این مورد با یکی از دوستان صحبت نمودم گفتم: اتفاقاً بنده شرکت کرده ام و خانه ای هم به اسم من افتاده است و اگر می خواهی شما بگیر؛ بنده ابتدا نگرفتم، به خیال این که ایشان تعارف می کند؛ ولی چندی بعد ایشان گفت: اگر شما خانه را نگیری و در آن ساکن نشوی، من خانه را به مسکن و شهرسازی پس خواهم داد و چند دلیل آورد، که قسط زیاد و دوری راه خانه ها و... از جمله آنان است؛ من وقتی چنین دیدم قبول کردم؛ و نیز قرار شد که بنده چنانچه وامی گرفتم، به ایشان بدهم (بنده کارمند آموزش و پرورش هستم)؛ بدین صورت، مبلغ سی و پنج هزار تومان از چهل و پنج هزار تومان پیش پرداخت را که ایشان داده بود، با مبلغی قرض از دوستان دادم و قرار شد باقیمانده را بعداً بدهم و لذا در خانه نشستم و ماهیانه اقساط آن را پرداختم؛ تمامی اقساط را به اسم ایشان داده ام و به علت اعتماد و کمی تجربه و ناآگاهی به مسائل شرعی، هیچ مدرکی ندارم؛ حال پس از يك سال، ایشان - که اخیراً کارمند شده - می گوید: چون برای من وام نگرفته ای، خانه را بده و یا وام بگیر. با توجه به این که در ابتدا، مدت و مبلغی برای وامی که احتمالاً من در آینده می گرفتم قید نشده است و نیز با توجه به این که موقعیتی برای گرفتن وام برای من پیش نیامده است که از آن استنکاف کنم و این که در حال حاضر وامی نمی دهند تا بنده برای ایشان بگیرم و ایشان هم به دادگاه شکایت کرده است، خانه از نظر شرع انور اسلام، مال کدام يك از ما است؟ و آیا اگر بنده خانه را خالی کنم، شرعاً می توانم اقساط پرداختی و مخارجی که به حساب این که خانه، مال خودم است کرده ام را از ایشان بگیرم؟

توجه شود که به اظهار خود ایشان، اگر بنده خانه را نمی گرفتم، ایشان مصمم به پس دادنش بود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر ساختمان را شرعاً مالک و مجاز در فروش بوده و به شما فروخته، بدون حق فسخ نمی تواند از شما پس بگیرد؛ و اگر مالک نبوده و مالک شرعی ساختمان، معامله را امضا نکرده، ساختمان به مالک شرعی آن برمی گردد و پولی که بابت اقساط داده اید، به شما باز می گردد و

اجرت المثل مدت سکونت در آن خانه را ضامن هستید؛ و اگر نزاعی در بین است، به محاکم قضایی مراجعه نمایید.

[سؤال 7059] 3543

بسمه تعالی 1361 / 10 / 26

پیشگاه رهبر و مرجع بزرگ مسلمانان جهان، حضرت آیت الله امام خمینی، دامت افاضاته، محترماً به عرض می رسانم: املاك مصادره شده از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 15 / 10 / 1358، از طرف بنیاد مستضعفین به مستأجرین در تاریخ 15 / 10 / 1361 ابلاغ فروش شده است. اگر شخصی از صاحب اول آن رضایت کامل داشته، آیا می تواند آن را بخرد؟ آیا از نظر شرعی اشکالی ندارد؟

بسمه تعالی، اگر احتمال داده شود که مصادره بر وجه شرعی بوده، و متصدی فروش اختیار فروش آن را شرعاً دارد، می تواند از او بخرد.

[سؤال 7060] 3544

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام امت روح الله الموسوی الخمینی، دام بقاءه

هرگاه کسی به عنوانی غیر از ولایت، وصایت، وکالت به نام شخص ثالث معاملاتی بنماید و از شخص ثالث سلب مالکیت کند؛ آیا این معامله صحیح است یا باطل است؟

بسمه تعالی، تصرفات معاملی در ملک مشروع غیر، بدون اجازه مالک باطل است.

[سؤال 7061] 3545

بسمه تعالی 1358 / 10 / 26

محضر مبارک زعیم عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقاءه الشریف

این جانب ده سهم از يك صد سهم سینه کار معدن سنگ را از پنج نفر برادر طبق

ص: 105

يك فقره سند عادى به امضای هر پنج نفر آن ها و به شهادت و امضای پدرشان از آن ها خریداری نمودم و بعداً به مدت پانزده ماه به آن ها اجاره دادم. تا کنون اجاره ده ماه آن را به این جانب نداده اند و اظهار می نمایند: «معامله شرعی نیست». خواهشمند است چنانچه معامله شرعی است مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض مالك بودن فروشنده معدن، معاملات مزبوره صحيح و شرعی است. و اگر اجاره حيله و وسيله فرار از ربا است در حکم ربا و باطل است.

[سؤال 7062] 3546

بسمه تعالی

مجاهد كبير، رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً؛ معروض می دارد: این جانب ساکن آمل میل دارم که از زمین های شالیزاری بخرم و اکنون دارند زمین های مزبور را می فروشند. از آن جناب عالی تقاضا دارم لطفاً مرقوم بفرمایید که خرید و فروش زمین های شالیزاری مورد قبول حضرت عالی است یا خیر؟ اگر اجازه می دهید، این جانب مقداری از این زمین ها را خریداری نمایم! خیلی مرحمت است.

بسمه تعالی، اگر مالك دارد، خرید و فروش آن موقوف است به اجازه مالك.

[سؤال 7063] 3547

بسمه تعالی نوزدهم محرم الحرام 1400 ق

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی مرجع عالی قدر، رهبر انقلاب، نایب الامام، امام خمینی، دامت برکاته، پس از عرض سلام و ارادت، حضرت عالی در این مسائل چه می فرمایید:

ص: 106

1. شخصی سفیه است و گاه گاهی هم حالت دیوانگی دارد. دیگری ملك موروثی او را بیع الشرط کرده به مبلغ پانصد تومان که تا مدت 5 سال دیگر اگر پول او را داد ملك مال صاحب اصلی باشد و الا مال مشتری شود.

صاحب ملك نتوانسته است پول را تا مدت مقرر پردازد و مشتری ملك را تصرف کرده است. در صورتی که ملك مذکور قیمتش بیشتر از آن بوده و بدون آن که قیمت اضافی ملك را موقع تصرف پردازد، آن را تصرف کرده و مشتری هم در ملك مذکور درخت کاشته که فعلاً مثمر ثمر شده اند. تکلیف ملك و درخت ها چیست؟

بسمه تعالی، اگر کسی که ملك را فروخته ولایت شرعیه نداشته، ملك از صاحب اصلی آن است و درخت ها ملك مشتری است و باید اجرت المثل زمین را به صاحبش بدهد.

2. شخصی ملك موروثی را اجاره کرده و مدتی مستأجر بوده. بعد از آن در رژیم طاغوتی ملك را به عنوان تقسیم اراضی تصاحب کرده و درخت هم کشت کرده که درخت ها مثمر ثمر شده است. تکلیف ملك و درخت ها از چه قرار است؟ آیا اجاره ملك را هم بدهکار است یا خیر؟

بسمه تعالی، رسیدگی به اراضی تقسیمی موکول به دولت اسلامی است.

3. شخصی سفیه که گاه گاهی هم حالت جنون پیدا می کند با زنی ازدواج کرده و مدتی زن در خانه آن مرد زندگی کرده و دو فرزند از او پیدا کرده. بعد از آن مدت 12 سال است که آن زن از خانه مرد بیرون رفته و هیچ گونه معاشرتی با او نداشته و ندارد و به هیچ عنوان راضی نمی شود در خانه مرد بیاید و زندگی کند و مدّعی طلاق است. آیا اجازه می فرمایید زن را طلاق دهند؟ تکلیف مهریه زن از چه قرار است؟ در ضمن مرد مذکور قبل از ازدواج همین حالت را داشته است.

بسمه تعالی، اگر زن عیب مرد را می دانسته و با این حال اقدام به ازدواج کرده، تا مرد به اختیار او را طلاق ندهد زوجیت باقی است و در هر حال مهریه خود را حق دارد.

[سؤال 7064] 3548

بسمه تعالی هجدهم صفر 1400 ق

محضر بزرگ مرجع تشیع امام خمینی، مدّ ظله

محترماً؛ پس از عرض سلام، به سؤالات ذیل پاسخ دهید:

ص: 107

1. زمین ساده ای بود که سال های قبل برای یخ گرفتن محلی از آن استفاده می شده و بعداً بدون استفاده مانده و انجمن محل آن را در زمان طاغوت فروخته اند و پولش را برای زمین مدرسه دولتی داده اند؛ ولی بعضی مردم مانع شده اند و نگذاشته اند خریدار آن را تصرف کند. آیا مبلغ ده هزار تومانی که شخص خریدار به انجمن یا به صاحب زمین مدرسه داده است از چه کسی باید مطالبه کند؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، معامله باطل است و خریدار می تواند پول خود را از هر کس ید بر آن پیدا کرده مطالبه کند.

2. در محلی مدتی است که نماز جمعه خوانده می شده، و به گفته امام آن، بهترین تبلیغ در ضمن دو خطبه آن انجام می گرفته است. آیا اجازه مخصوصی از جناب عالی می خواسته یا این که همان شرایط امام جماعت را باید دارا باشد؟ و آیا با این که مردم محل علاقه فراوان دارند و به پیشنهاد خودشان هم این نماز شروع شده - چون دسترسی به جای دیگر نداشته اند - باید تعطیل شود یا خیر؟

بسمه تعالی، لازم نیست تعطیل شود و چنانچه مورد علاقه مردم باشد می توانند ادامه دهند.

[سؤال 7065] 3549

بسمه تعالی 10 / 11 / 1358

قم، دفتر محترم امام خمینی دامت توفیقه

محترماً؛ این جانب قبل از قانون اصلاحات ارضی مقداری از اراضی سکونتی و زراعتی را به موجب سند رسمی از زارع اولیه آن ابتیاع کردم. قانون اصلاحات ارضی که به اجرا درآمد و مالک، سهم زمین خود را از اراضی اخذ نمود، جهت جلب رضایت آقای مالک، اولاً: شش دانگ يك باب خانه رعیتی را که جزو مالش بود بلاعوض به مالک واگذار نمودم. ثانیاً: برای رعایت موازین شرعی درباره اراضی ای که در سهم من درآمده بود آن را از مالک ابتیاع کردم و صیغه ایجاب و قبول این مسأله نیز در محضر امام جماعت انجام گردید و با این کیفیت تمام موازین شرعی و قانونی را رعایت کرده ام. اخیراً مقدار 441 متر مربع از این اراضی را که دیگر قابل کشت و زرع هم نیست به دو نفر فروخته ام؛ حالیه آیا این معامله از نظر شرعی و همچنین سایر

ص: 108

موارد اشکال دارد یا خیر؟ پاسخ و اظهار نظر صریح شما رافع ایراد و موجب احقاق حق می باشد استدعا دارم پاسخ را ذیلاً مرقوم فرمایید که موجب امتنان است؛ زیرا خریداران پس از دو سال در مقام به هم زدن معامله برآمده اند.

بسمه تعالی، اگر شرعاً مالک زمین هستید، می توانید آن را به هر که بخواهید بفروشید.

[سؤال 7066] 3550

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی جناب امام خمینی، دام ظلّه العالی

یک قطعه زمین را به مساحت 5/98 متر واقع در جاده کاشان، مقابل خیابان سراج به مبلغ یک صد و سی هزار تومان خریداری نمودم که مبلغ هفتاد هزار تومان آن را نقداً در محضر پرداخت نمودم و مابقی را دو فقره چک از بانک تعاونی اسلامی به مدت سه و چهار ماه دادم که قسط اول آن هم پرداخت شده و قسط آخر به مبلغ سی هزار تومان باقیمانده است. با در نظر گرفتن این که زمین بایر است، نظر حضرت عالی درباره باقیمانده پول زمین مزبور چیست؟ آیا باید قسط آخر را بدهم یا خیر؟

بسمه تعالی، بدهی باید پرداخت شود، مگر آن که شرعاً ثابت شود که فروشنده مالک زمین نبوده است.

[سؤال 7067] 3551

بسمه تعالی 1358 / 6 / 23

حضور مهر ظهور حضرت مستطاب سیادت مآب ملاذ الاسلام و الفقهاء آیت الله العظمی امام خمینی رهبر و زعیم عالی قدر مسلمین جهان

با کمال توقیر و ادب به عرض عالی می رساند: شخصی املاکی را آباء و اجداداً متصرف بوده که زارعین یا رعایا روی آن مزرعه کشت و زرع می نمودند و بهره مالکانه می دادند قسمتی از مزرعه مزبور را مالک متصرف به شخصی فروخته و

ص: 109

خریدار متصرف گردید اصلاحات ارضی این زمین مورد معامله را به نام ملك خریدار تأیید نمود رعایا، زراعت روی زمین مورد معامله را ترك نمودند و روی زمین های دیگری که متعلق به همان مالك بود و اصلاحات ارضی به آن ها واگذار نمود به کشت مبادرت نموده و می نمایند و خریدار پس از خرید و تصرف شخصاً روی زمین خریداری خود زراعت نموده و می نماید استدعا دارد امر مقرر فرمایید از نظر قانون شرع مقدس معامله مزبور برای خریدار اشکال شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مزبور خریدار مالك است.

[سؤال 7068] 3169

2. من از 9 سالگی کار کرده و چون پدرم ناتوان بوده و برادران و خواهرانم کوچک بوده اند، و تا الآن که 24 سال دارم، نان آور خانه و خریدار کالاهای خانه من بوده ام.

حالا وسایل خانه متعلق به من است، یا پدر و برادران و خواهرانم نیز در آن ها سهم دارند؟

بسمه تعالی، آنچه را با مال خودتان تهیه کرده اید، از خود شما است.

[سؤال 7069] 3552

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر و مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی خمینی، دامت برکاته، تقاضا می شود در مورد مسأله زیر اعلام نظر فرمایند:

مساحت و وضعیت دو یا چند ساختمان و ملك مجاور هم، با مساحت و وضعیت معینه در سند ثبتی هر يك مغایرت دارد؛ یعنی مساحت زمین بعضی از آن ها کمتر از آنچه در سند قید شده می باشد و مساحت زمین بعضی دیگر بیشتر از آن است که در سند ذکر گردیده است و نزدیک به سی سال از وقوع اختلاف مورد ابتلا می گذرد که در خلال این مدت هر کدام با همین وضعیت چند بار مورد معامله قرار گرفته است. دلیل عمل مالك و یا مالکین در آن زمان که این اختلاف را موجب شده اند، غصب و یا

ص: 110

رضایت و یا عدم آگاهی و یا بی توجهی به مقررات اداری و یا علل دیگر بوده است؛ ولیکن به طور حتم و قطع نمی توان علت واقعی آن را تعیین و مشخص نمود. آیا مالکین متصرفه فعلی حقی بر یکدیگر دارند یا خیر؟ ضمناً مالك مجاور و این جانب در موقع خرید از این اختلاف مطلع بوده ایم؛ ولیکن معاملات قبلی فوق الذکر با علم به اختلاف انجام شده یا خیر، معلوم نیست.

بسمه تعالی، سند اعتبار شرعی ندارد و در فرض مذکور هیچ يك از متصرفین حقی بر دیگری ندارد؛ مگر به طریق شرعی حق او اثبات شود.

[سؤال 7070] 3553

بسمه تعالی

سلام عرض می کنم ای امام عزیز و امید خلق مستضعف جهان اگر ممکن است جواب این چند سؤال را بفرمایید:

1. در منزل ما به علت مخالف بودن شوهرم با دستگاه نظام اسلامی، مواد خوراکی، زیاد احتکار می شود. آیا من می توانم اگر کسی احتیاج داشت به او بفروشم و پول را مصرف خانه بکنم یا خیر؟

بسمه تعالی، فروش اموال شوهر بدون اجازه او باطل است.

2. اول که من مقلد شدم تحقیقی نبود. مدت دو سال است که از شما تقلید می کنم؛ آیا درست است؟

بسمه تعالی، احکام تقلید در رساله مذکور است.

3. من با این مرد که تمام وقت برای ما ایجاد ناراحتی می کند چطور باید زندگی کنم؟

بسمه تعالی، بیش از امر به معروف و نهی از منکر، با مراعات شرایط آن تکلیفی ندارند.

4. در مسأله لباسشویی های موجود در مغازه ها می گویند: آب داخل دستگاه مضاف است. چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، آب مضاف پاك نمی کند؛ ولی اگر بعد از زوال عین نجاست با آب مطلق تطهیر می کند، پاك کننده است.

ص: 111

بسمه تعالی

سرپرست محترم دفتر امام، سلام علیکم

محترماً؛ پدرم در سال 1334 فوت نموده است. از مرحوم پدرم هشت فرزند باقی می ماند که 5 نفر آن ها از زن اولی و سه نفر آن ها از زن دومی می باشند و بنده که جزو فرزندان زن اولی هستم، مادرم زودتر از پدرم فوت نموده است. بعد از فوت پدرم، قسمتی از اموالش را بین وارثین تقسیم می کنند و قسمت دیگر شامل يك باب خانه و مقدار 22000 متر زمین کشاورزی با سند، و مبلغ 1000 تومان بدهی وام بانك کشاورزی می باشد که سند زمین 22000 متر در گرو بدهی هزار تومان در بانك کشاورزی می باشد. زمان پرداخت این مبلغ بدهی دو سال بعد از فوت پدرم بوده و هنگامی که زمان پرداخت وام می شود چون پولی از ارث در مقابل آن نبوده و از طرف بانك اختطاریه در خانه مرحوم پدرم می آید. دو نفر از فامیل های این جانب که یکی شوهر خواهرم بوده و فعلاً زنده است و دیگری پدر شوهر خواهرم، خانه ذکر شده در بالا را که تقسیم نشده بود، به مبلغ 1500 تومان به شخصی می فروشند. در صورتی که زن دومی پدرم که سرپرست سه فرزندش می باشد و كوچك ترین آن ها در آن زمان دو سال داشته، می گوید: «بنده اجازه فروش خانه را ندادم. چون آقای خریدار خانه ای نداشت، قرار بر این شد که مبلغ 1000 تومان از 1500 تومان را در وجه بدهی بانك بدهد و پس از این که بچه ها بزرگ شدند 1000 تومان را به آقای خریدار پس بدهند و ایشان خانه را خالی کنند». لازم به یادآوری است که آقای خریدار هم 10 سال پیش فوت نموده اند و وارثین او می گویند: «پدرمان خانه را خریده و 1000 تومان آن را داده و پانصد تومان آن را قرار شده بعد از این که بچه ها بزرگ شدند بدهند». و بچه های زن اولی که یکی از آن ها من می باشم اصلاً از فروش خانه هیچ اطلاعی نداشته ایم. و چون سند خانه به نام پدرم بوده، ما مبلغ 1000 تومان را به وارثین خریدار پس دادیم و خانه

ص: 112

را پس گرفتیم. این مسأله را از چند روحانی سؤال کردیم و جواب ضد و نقیض شنیدیم. به همین دلیل اقدام به نوشتن این نامه کردم. چون می خواهیم از نظر شرعی درست بودن عمل یا نبودن آن را بدانیم. خواهشمند است در دادن جواب به این نامه کوتاهی نفرمایید. با کمال احترامات؛ خداحافظ شما باشد.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم که فروش خانه بدون اذن و اجازه ورثه واقع شده، معامله باطل است و خانه در ملك ورثه باقی است.

[سؤال 7072] 3592

2. اگر قراردادی روی ملکی و یا جنسی منعقد شود و بعد از مدتی معلوم شود که آن ملك و یا آن جنس مال غیر بوده است؛ آیا آن قرارداد باطل می شود و یا نه؟

بسمه تعالی، معامله بر مال غیر، فضولی و موقوف به اجازه مالك است.

[سؤال 7073] 3555

بسمه تعالی 1361 / 5 / 10

محضر مبارك جناب مستطاب، مرجع تقلید شیعیان جهان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، آیت الله العظمی حاج آقا روح الله موسوی خمینی، دام ظلّه العالی

ضمن سلام و اهدای تحیات، از مقام منبع آن رهبر بزرگوار تقاضا می نمایم که لطف فرموده جواب استفتای زیر را مرقوم فرمایند:

شخصی ملکی داشته (باغ مشجر میوه و مزروعی) که با آن امرار معاش می نموده است و در رژیم طاغوتی گذشته، از طرف دولت جهت توسعه دانشگاه، این ملك را خواستار گردیدند. بدون این که صاحب ملك رضایت داشته باشد، استاندار وقت فرمان خریداری داده و ملکی را که در آن روز قیمتش هر متری بیش از يك صد تومان بوده، هر متری 5/3 تومان حساب نموده و بدون اطلاع و رضایت مالك با حکم دادستان، مبلغ مزبور را که حتی پول درختان باغ نبوده است در بانك گذاشته اند و از طرف مالك، دادستان غیاباً سند را امضا کرده است. در حالی که سند مالکیت در دست

ص: 113

مالك است، اداره ثبت سند دیگری به اسم دانشگاه صادر کرده است و مالك مزبور تا به حال آن پول را تحویل نگرفته است و دولت هم در آن ملك عملی انجام نداده است و کماکان باقی است. خواهشمندم که بفرمایید: آیا این معامله صحیح است یا نه؟ و در صورت عدم صحت، حکم شرعی آن زمین و مالك چیست؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، صحت معامله و جواز تصرف در ملك، منوط به اجازه مالك است.

[سؤال 7074] 3556

بسمه تعالی 1361 / 11 / 28

محضر مبارك امام امت و امید مستضعفان جهان

شخصی مالك املاك زیادی بوده و بعد از فوت نامبرده يك پسر و پنج دختر و غیره وارث مانده بود، شوهر یکی از دخترانش اکثر املاكش را بدون اذن ورثه در عوض دین خود به فردی فروخت و بعد ورثه ها مراجعه در حکومت جور نمودند و حکومت جور احقاق حقوق مشروعه ورثه را نکرد و بعد از سپری شدن چند سال آن فرد املاك را به اشخاص دیگر فروخته و اکنون ورثه حق مطالبه دارد یا نه؟ و برای متصرفین فعلی املاك ورثه حلال است و یا غصب؟ لطفاً واضح بیان فرمایید. به امید پیروزی اسلام عزیز

بسمه تعالی، معاملات واقعه بدون اجازه مالك شرعی فضولی است و مالك شرعی می تواند ملك خود را مطالبه نماید.

[سؤال 7075] 3557

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی جناب آقای امام خمینی دامت برکاته

بر حسب وکالت از همسر و دو نفر همشیره ایشان، حق توکیل دارم، به شخصی وکالت داده ام قطعات زمینی که متعلق به آنان بوده بفروش برساند پس از مدتی 69

ص: 114

قطعه، به مبلغ ناچیزی همراه صورت فروش فرستاده - بعداً متوجه شدم 77 قطعه فروخته و در دفتر اسناد رسمی به خریداران سند داده و وجه آن ها را گرفته و از طرف دفترخانه طبق سند، انتقال 77 قطعه در سندهای مالکیت مربوطه هم ثبت شده، نسبت به 8 قطعه مورد اختلاف آنچه دوستانه کتباً و شفاهاً و نیز به وسیله اشخاص مطالبه نمودم جواب مثبت نداده، ناچاراً به وسیله اظهارنامه از طریق دادگستری مطالبه نمودم.

چون جای انکار نیست انکار ننموده مع ذلك حاضر به خاتمه عمل خلاف شرع و وجدان خود نگردیده، استدعا دارم حکم الله را بیان فرمایید نسبت به ارزش 8 قطعه زمین مذکور همان قیمت را که نسبت به قطعات مندرج در صورت فروش - که عرض شد برای 69 قطعه مبلغ ناچیزی همراه صورت فروش فرستاده - بدهکار می باشد یا به قیمتی که بعداً زمین های مجاور و مشابه آن ها به فروش رسیده بدهکار می باشد.

بسمه تعالی، معامله ای که بدون وکالت انجام شده فضولی است و مالک می تواند آن را رد کند و در صورت اجازه، ثمن معامله را حق دارد.

[سؤال 7076] 3558

بسمه تعالی

محضر مبارک امام امت، آیت الله العظمی خمینی، دام ظلّه العالی

چند برادر قطعاتی زمین از پدر به ارث برده اند، در حالی که بعضی صغیر و بعضی غایب بوده اند. برادر بزرگ، یک قطعه زمین را قبل از قسمت به شخصی فروخته، قیمت زمین را اخذ نموده، به مصرف معیشت مشترک رسانیده است. بعد از آن که برادر صغیر، کبیر، و غایب، حاضر شده، نه مشتری از آن ها درخواست اجازه نموده و نه برادر بایعش و نه آن ها متوجه و ملتفت بوده اند که ما شرعاً حق داریم بیع مزبور را اجازه نکنیم. به این عنوان، زمین تا مدت بیست سال یا بیشتر به دست مشتری می ماند. حالا که مشتری فوت شده، ادعا دارند که ما بیع مزبور را اجازه نکرده ایم و حصّه زمین خود را از ورثه مشتری فسخ می کنیم. ورثه مشتری مدعی هستند که حق ندارید؛ زیرا

ص: 115

شما در این مدت طولانی ساکت بودید و ادعای فسخ نکرده اید و مالیات دولت را از ما اخذ نموده، به دولت تسلیم نموده اید، حال آیا برادران صغیر و غایب حق فسخ دارند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورتی که بعد از اطلاع به فروش قطعه زمین، رضایت به آن داده اند، ولو به خیال این که عمل برادرشان صحیح و نافذ است، حق فسخ ندارند.

[سؤال 7077] 3559

بسمه تعالی 1361 / 9 / 26

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

به عرض مبارك می رساند: غلام حسین در 5 کیلومتری بخش سرایان، قطعه زمینی به مساحت تقریب پنج هزار متر مالک بوده، زمین مذکور را برای مدت يك سال به برادرش ولی الله واگذار نموده که برای خود هندوانه بکارد. ولی الله در زمین یاد شده انار کاشته. برادر دیگر غلام حسین، حسن، زمین انار شده را به ولی الله فروخته و در مقابل، زمین دیگری از او خریده و تقبّل نموده که رضایت غلام حسین - مالک اصلی زمین - را حاصل نماید. حال غلام حسین می تواند به حسن بگوید که همان زمینی را که در قبال زمین من خریده ای، باید به من بدهی و یا این که به طریق دیگری باید رضایت غلام حسین را حاصل نماید و جبران کند؟ حکم الله را ذیلاً مرقوم فرمایید.

أدام الله ظلّکم علی رؤوس المسلمین و المستضعفین

بسمه تعالی، اگر زمین فروخته شده از غلام حسین بوده و با زمین دیگر معاوضه شده، غلام حسین می تواند زمین را مطالبه کند.

[سؤال 7078] 3564

2. اگر آن شریک معامله فضولی را اجازه نکرد و مشتری خسارات کرد، اگر معامله نصف آن فسخ نشود خسارات که مشتری کرده هم از قبل کارگر و هم از طرف

ص: 116

حکومت طاغوت آیا آن خسارات چه مورد دارد.

بسمه تعالی، اگر مشتری مطلع نبوده می تواند در خسارت وارده به فروشنده مراجعه کند یعنی مخارجی را که در ملک خریداری شده به خیال این که ملک خودش شده متحمل شده و بعداً فهمیده که قسمتی از آن ملک مال غیر بوده و آن غیر معامله را در حصه خود اجازه نکرده می تواند آن مخارج را از فروشنده که او را گول زده بگیرد.

[سؤال 7079] 3560

بسمه تعالی

خرید و فروش زمین مشاعی چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 7080] 3561

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله امام خمینی

با درود و سلام به رزمندگان اسلام، این جانب خانه ای را خریداری نمودم که حد جنوبی آن به کوچه ای که حدود چهل سال است قدمت دارد محدود شده، حال عده ای از اهالی محل به بهانه این که قسمتی از زمین در قدیم جاده بوده و توسط مالک قبلی اش تصرف شده ایجاد مزاحمت می کنند. خواهشمند است با توجه به مراتب فوق نظریه شرعی را ذیل ورقه اعلام نمایید.

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی و با تشکر

بسمه تعالی، از مورد سؤال اطلاع ندارم و به نحو کلی چیزی که انسان از کسی که مالک شناخته می شود می خرد معامله محکوم به صحت است مگر آن که ثابت شود قسمتی از آن چیز خریداری شده قابل فروش نبوده، که در این صورت معامله در آن مقدار محکوم به بطلان است.

ص: 117

2. حدود بیست سال قبل پدر این جانب فوت کرده و حدود ده سال قبل از آن در بیابانی چاهی شراکتی با دو نفر دیگر حفر کرده بودند که قناتی بشود و از آن استفاده کنند، ولی اقدامی نکرده اند و بعد از فوت پدرم پسر عمویم بزرگ تر ماها بوده، او چهار سال قبل علی رغم این که همه ما وارثین که سه نفر هستیم و هر سه نفر کبیر بودیم، بدون پرسش و سؤال و اجازه از ما آن چاه را فروخته و مبلغی گرفته و از مبلغ دریافت شده هم پولی به ما پرداخت نکرده است، آیا حق داریم که از فروش سهمیه خودمان جلوگیری کنیم، در صورتی که ارزش فعلی خیلی زیادتر از آن موقع هست که ایشان فروخته، یا راه دیگری دارد؟ لطفاً راهنمایی بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر از چاه اعراض نکردند ورثه در مقدار سهم الارث خود حق دارند و اگر معامله را اجازه نمودند همان مبلغ که به عنوان ثمن تعیین شده را حق دارند.

2. زمینی را چند برادر و خواهر سهمیند و سند زمین به نام یکی از برادران است؛ آیا آن برادر که سند به نامش هست، می تواند زمین را بدون اذن دیگر برادران و خواهران بفروشد؟ اگر فروخت، حکمش چیست؟ و اگر خریدار، یکی از ارگان های دولتی بود حکمش چیست؟

بسمه تعالی، فروش زمین مشترك نسبت به سهمیه سایر شرکا، فضولی و موقوف است به اجازه آن ها.

بسمه تعالی

محضر مبارك جناب مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

خانه ای است مشترك بین زوجه و مادر و چهار پسر که از میت به ارث برده اند. این

خانه با قولنامه های متداول مورد معامله قرار گرفته و 63 درصد قیمت تعیین شده، از طرف خریدار دریافت گردیده، و لکن مادر و یکی از پسران در موقع نوشتن قولنامه غایب بوده و به آن راضی نبوده اند. آیا این معامله با آن خصوصیات مذکوره، لازم و غیر قابل فسخ است یا آن دو نفر غایب و ناراضی نسبت به سهم خود می توانند معامله را فسخ نمایند؟ آیا این جور معامله نسبت به سایرین لازم و غیر قابل فسخ است یا خیر؟

بسمه تعالی، معامله در سهام کسانی که راضی به آن بودند، صحیح و لازم است. و در سهام کسانی که راضی نبودند، فضولی است و صحت آن موکول به اجازه است.

[سؤال 7084] 3563

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر رسیدگی به مسائل شرعی مستقر در قم، حسب الامر رهبر عالی قدر آیت الله العظمی آقای خمینی، دام ظلّه العالی

با احترام؛ به عرض عالی می رساند: زید عمارتش را که با زوجه اش شریک بوده، بدون اطلاع ضعیفه فروخته و بعداً هم ضعیفه این معامله را امضا نکرده است. این معامله شرعاً چه صورت دارد؟ و ضعیفه نسبت به حق خودش حق فسخ دارد یا نه؟ توضیح دیگر این که در این معامله خود فروشنده با تخمین کارشناس رسمی مغبون شده؛ آیا شرعاً حق ادعای فسخ دارد یا نه؟ جواب عنایت فرمایید.

والسلام علیکم وعلی جمیع اخواننا المسلمین ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، معامله نسبت به سهم زن فضولی است و موقوف است به اجازه خود زن، و اگر شرعاً ثابت است که فروشنده مغبون شده و علم به غبن نداشته، فروشنده حق فسخ معامله را دارد و چنانچه اختلاف و نزاعی هست باید در محکمه شرعیه حل شود.

ص: 119

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبری انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. دو قطعه زمین بین دو شخص به طور مشاع بود. یکی از مالکین، یک قطعه از آن دو را فروخت و قرینه ای هم، بر تعیین ندارد. بعد از چند سالی، مالک دیگر ادعا کرد که این دو قطعه زمین مشاع بود؛ آیا این زمین مبیعه از طرف بایع فروخته شده است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مقدار حصه مشاعه خود را فروخته، بیع صحیح و نافذ است و مشتری با شریک سابق شریک است، ولی اگر قطعه معینی را فروخته، معامله در حصه شریک در آن قطعه، فضولی و موقوف بر اجازه شریک است.

2. اگر آن شریک معامله فضولی را اجازه نکرد و مشتری خسارات کرد، اگر معامله نصف آن فسخ نشود خسارات که مشتری کرده هم از قبل کارگر و هم از طرف حکومت طاغوت آیا آن خسارات چه مورد دارد.

بسمه تعالی، اگر مشتری مطلع نبوده می تواند در خسارت وارده به فروشنده مراجعه کند یعنی مخارجی را که در ملک خریداری شده به خیال این که ملک خودش شده متحمل شده و بعداً فهمیده که قسمتی از آن ملک مال غیر بوده و آن غیر معامله را در حصه خود اجازه نکرده می تواند آن مخارج را از فروشنده که او را گول زده بگیرد.

اولیای تصرف در مال صغیر

بسمه تعالی

حضور محترم هیأت استفتای امام خمینی، پس از عرض سلام

من زنی هستم که دو سال پیش شوهرم فوت کرده است. شوهرم قبل از فوتش

وصیت نامه محضری نوشته و از مال خودش ثلث قرار داده. من 4 بچه دارم که در زمان فوت پدرشان دوتای از آن ها صغیر بودند و حالا یکی صغیر است؛ البته غیر از دخترم که شوهر دارد بقیه بچه ها مشغول درس خواندن هستند. شوهرم ملکی از پدرش به ارث به او رسیده که در حدود 500 یا 600 هکتار است. این زمین بین بچه های من و عمویشان است و به صورت اجاره عادی که خودشان نوشته اند اجاره داده بودند و هر سال کشت دیم می شد و امسال هم زیر کشت دیم است. من پول بچه ها را جمع آوری کرده ام و به بانک توسعه کشاورزی هم رجوع کرده ام و از بانک هم مهندس برای بررسی آب و خاک برده ام، چون این زمین قنات هایش خشک شده و باید چاه بزنیم. بانک به ما گفته است که اگر 3000 هزار تومان خودتان سرمایه گذاری کنید ما به شما یک میلیون و دویست هزار تومان وام دراز مدت می دهیم. حالا با در نظر گرفتن مال صغیر و ثلث میت که من وصی و قیم هستم، اگر بروم و این بودجه را خرج کنم بعداً چطور می شود؟ هم زمین و هم پول را از دست می دهم و مال صغیر و میت را که من مسئول هستم از من خواهند گرفت! شما را به خدا مرا روشن کنید که تکلیف شرعی خودم را بدانم و از این سرگردانی بیرون بیایم. چون من مقلد امام خمینی هستم هر طور که ایشان به من بفرمایند عمل می کنم، چون دیگر در پیشگاه خداوند بزرگ مقصر نیستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، قیم شرعی صغار بدون احراز مصلحت صغار حق تصرف در اموال آن ها را ندارد.

[سؤال 7087] 3104

6. پدر آیا ولایت دارد مثل مال خود در اموال فرزند تصرف کند یا خیر؟

بسمه تعالی، تصرف پدر در مال فرزند غیر بالغ منوط است به مصلحت فرزند و تصرف او در مال فرزند بالغ موقوف است به رضایت فرزند.

ص: 121

ضمن عرض سلام و آرزوی سلامتی برای رهبر عزیزمان از درگاه خداوند متعال، خواهشمندم این مسأله را که در مورد صغیر است جواب بدهید:

قطعه ای از زمینی که مال صغیر است، برای کار خیری (ساختن کاروان حسینی در یکی از دهات) خواسته شده. و دیگر شرکا هم رضایت داده اند و ضمناً زمین، به درد کشاورزی هم نمی خورد و از نظر موقوفه بودن هم، شك و شبهه رویش هست و خلاصه، این جانب مادر صغیر، که قیم صغیر هم می باشم به خاطر این که کار خیری بوده، اجازه تصرف آن را داده ام، به این نیت که آن را تبدیل به احسن بکنم، یعنی در جای دیگر، زمینی تا حد امکان مثل آن بخرم، یا پولش را به حسابش بریزم، اما با توجه به این که فعلاً خرید و فروش زمین، آن هم مثل خودش، چندان امکان پذیر نیست و از طرفی، محاسبه قیمت آن هم در آینده فعلاً امکان ندارد و زمین هم که خراب شدنی نیست تا پولش را الآن به حسابش بریزم، آیا باید حتماً اجازه تصرفش را پس بگیرم و آن قطعه را جدا کرده و برایش نگهدارم؟ یا چاره دیگری هست؟ خواهشمندم هرچه زودتر و در پایین همین نامه جواب بدهید.

با تشکر و به امید پیروزی هرچه زودتر حق بر باطل در تمامی جبهه ها، ارادتمند

بسمه تعالی، قیم صغیر مجاز در فروش مال صغیر نیست، مگر آن که حفظ مال صغیر منوط به تبدیل باشد و یا صلاح صغیر باشد.

دفتر معظم رهبر عالی قدر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، بیان فرمایید این مسأله شرعیه را:

هرگاه شخصی طفل صغیر دارد که مادرش مرده باشد و پدر نیازمند باشد، آیا می تواند اموال صغیر خود را بفروشد و خرج خودش و طفل صغیرش بنماید یا خیر؟

بسمه تعالی، حق ندارد تصرفی که برخلاف صلاح صغیر است در مال صغیر بکند.

[سؤال 7090] 3568

بسمه تعالی 1361 / 6 / 28

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه علی رؤوس المسلمین

پس از تقدیم صمیمانه ترین سلام؛ به عرض می رسانم: بنده عمویی داشتم که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بودند. پس از فوت ایشان یک همسر و دو بچه کوچک باقیمانده. منزل شخصی دارند (البته با پدرم شریکند) و از راه شهریه عمویم که از طرف حوزه به آن ها می دهند ارتزاق می نمایند. از بنده تقاضای ازدواج با همسر ایشان و به عهده گرفتن سرپرستی بچه ها شده است چون بنده یک سرباز هستم و چیزی از نظر مالی ندارم اگر بخواهم با همسر ایشان ازدواج نمایم ناگزیر باید از منزل و اثاثیه منزل و غیره که متعلق به بچه های یتیم است استفاده نمایم؛ و این کار از نظر شرعی چه صورت دارد؟ در صورت اشکال، وظیفه بنده چیست؟

بسمه تعالی، ازدواج با همسر عموی متوفی اشکال ندارد؛ ولی ولایت بر صغار و بر اموال صغار با قیّم شرعی صغار است و تصرف در اموال صغار باید با مراعات غبطه و مصلحت باشد و بدون آن جایز نیست.

[سؤال 7091] 2068

27. مجاز از طرف حاکم شرعی در مداخله امور صغار برای تسهیل امر بازماندگان با رعایت صرفه صغار چنین می کند تمام اموالی که از بچه های صغیر در معرض استعمال است مانند منزل و لوازم آن و غیره تصرف در آن ها را با مادر بچه ها مصالحه

ص: 123

می کند در مدت مثلاً تا ده سال که نفر آخر هم به حد بلوغ برسد به همان زحماتی که مادر برای بچه ها می کشد مثلاً اگر تصرفاتی در اموال سالی دو هزار تومان اجرت دارد مادر هم اجرت زحمتش دو هزار تومان و اگر بیشتر است بیشتر و کمتر است و مادر بچه ها هم قبول می کند آیا به نظر مبارك شما این مصالحه در رفع اشکال تصرف در مال صغیر کافی است یا راه دیگری دارد؟

بسمه تعالی، مصالحه مزبوره نسبت به اموال هر صغیری تا زمان بلوغ او اگر مقرون به مصلحت او باشد اشکال ندارد.

[سؤال 7092] 6399

3. آیا سرپرست صغار (مادر) حق دارد اموال صغار را تبدیل به احسن نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مادر قیم شرعی آنان باشد و مصلحت صغار باشد مانع ندارد.

[سؤال 7093] 3569

بسمه تعالی

محترماً شخصی چند سال قبل فوت نموده و دارای 9 فرزند (چهار دختر کبیره و سه دختر و دو پسر صغیر) و سه زوجه دائمی داشته که یکی در حیات متوفی فوت نموده که چهار دختر کبیره دارد و دو همسر دیگر در قید حیات می باشند که یکی عقیم و از دیگری دو پسر و سه دختر دارد. چند روز بعد از فوت پدر، ورثه اقدام به رسیدگی اموال پدری با حضور کلیه ورثه و مقام روحانی و معتمدین محلی طبق موازین شرع مقدس اسلام نمودند و متوفی چند سال قبل از فوتش سعادت زیارت خانه خدا را داشته. ضمن رسیدگی اموال اعم از منقول و غیر منقول معلوم شد که متوفی مبالغی مقروض بوده و علی رغم داشتن ثروت مالی وجه نقد نداشته که ورثه و همسران مرحوم و مخصوصاً مقام روحانی و معتمدین محل تأکید داشتند که ادای دین یکی از

ص: 124

واجبات و موجب رهایی میت از دین دیگران می شود و مادر صغار تأکید به ادای دین داشته که متفقاً يك قطعه از زمین را به معرض فروش قرار دادند که به معادل بدهی موازنه داشته و با تنظیم قباله با امضای چهار دختر کبیره و گواهی مادر صغار - که چند روز بعد از رسیدگی اموال، قیم قانونی صغار تعیین شدند - و مقام روحانی و معتمدین محلی، گواهی نمودند که به خریدار فروختند. مادر صغار وجه دریافتی را فوراً با حضور گواهان و ورثه، جهت ادای دین داد. بقیه اموال را بین ورثه تقسیم و تسهیم نمودند. با گذشت چند سال که صغار کبیر شدند اعتراض به فروش زمین در بابت ادای دین پدرشان می نمایند و می خواهند مزاحمت خریدار را فراهم نمایند آیا رهایی میت از دین و با داشتن اموال، خلاف شرع بوده؟ لذا تقاضا داریم بفرمایید آیا اعتراض صغار را نسبت به فروش زمین جهت ادای دین پدرشان شرعی بوده که بتوانند ابطال سند و معامله هایی را نمایند یا خیر؟ استدعای پاسخ آن را خواستاریم با تقدیم احترام

بسمه تعالی، اگر زمینی که برای ادای دین فروخته شده بنظر قیم شرعی صغار بوده با رضایت سایر ورثه، کسی حق اعتراض ندارد.

[سؤال 7094] 3570

بسمه تعالی 1361 / 7 / 5

محضر مبارك حضرت آیت الله روح الله موسوی الخمينی

سلام، پس از عرض احترام به آن امام، این جانب فردی روستایی هستم در روستای اطراف ساوه به نام الویر. پدر مرحوم من خانه نداشته است او خانه خود را با باغ از برادرش عوض کرده ولی در آن خانه پدری زندگی می کرد که فوت کرد به مدت 10 سال بود که زندگی می کردیم که عمویم ما را بیرون کرد، پس برای این که خانه داشته باشیم آیا می توانیم ارث پدری را با همین يك فرزند صغیر سن بفروشیم؟ و اگر نفروشیم خانه نداریم و یکی هم آیا اگر خانه را که از پول زمین می خریم مال آن فرزند باشد یعنی به امر او باشد چگونه می شود؟ جواب را از آن حضرت جو یا شده به

ص: 125

این جانب ارسال دارید که چاره اندیشی کرده باشیم. جواب را با دستخط خود امام ارسال دارید.

بسمه تعالی، اگر فروش به مصلحت صغیر باشد و قیم شرعی او موافقت کند اشکال ندارد.

معامله با فرقه ضاله بهائیت و کفار

[سؤال 7095] 3571

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی متع الله المسلمین بطول بقاءه

معاشرت و معامله و انعقاد قرارداد با افراد فرقه ضاله (و بهائیت) حکمش چگونه است؟

بسمه تعالی، جایز نیست.

[سؤال 7096] 6865

2. پول قرض گرفتن و یا قرض دادن به فرقه مسیحی یا یهودی و فرقه ضاله بهائیت چه صورت دارد؟ و آیا برای مسلمین جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، در غیر فرقه ضاله مانع ندارد.

[سؤال 7097] 3572

بسمه تعالی چهاردهم شعبان 1402 ق

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی، أدام الله بقاءه

بعد از تحیت و سلام و عرض تبریک ولادت با سعادت ناجی بشریت، حضرت حجة بن الحسن صاحب العصر والزمان، عجل الله تعالی

فرجه الشریف، استفتا می شود که اگر يك نفر کلیمی، بهایی شود و از او فرزندی به وجود آید که در نتیجه

ص: 126

بزرگ شدن در خانه پدر بهایی اش او نیز بهایی به بار آید، معامله با فرد اخیراً شرعاً جایز است یا نه؟
بسمه تعالی، از هرگونه معامله و معاشرت با این فرقه ضاله باید خودداری شود.

[سؤال 7098] 5037

2. آیا معاملات با بهائیت کمافی السابق حرام است؟

بسمه تعالی، با این فرقه ضاله نباید معامله نمایند.

[سؤال 7099] 3573

بسمه تعالی 1362/9/21

محضر مبارك زعيم عالی قدر و رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

السلام علیکم ورحمة الله

الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهیرین

اجمالاً پس از شرح مختصری از حضور حضرت عالی استفتا می شود:

نظر به این که مطابق فتوای صریح جناب عالی در قسمت سؤالات توضیح المسائل، معامله با فرقه ضاله بهائیت جایز شمرده نشده است، ما نیز که مقلد آن مرجع می باشیم مدت يك سال است که از شرکت در اتحادیه و تعاونی شופاژکاران باختران که طبق اذعان خود اعضا و تأیید اداره کل بازرگانی استان، قریب 60% اعضایش را پیروان این فرقه ضاله تشکیل می دهد، سر باز زده ایم و اگر چه این کار موجب زیان مالی برای ما گردیده است، اما خدای را سپاس می گوئیم که برای نانمان، دینمان را فدا نکرده ایم.

و اما چون اخیراً بعضی از روحانیون محترم باختران، این امر را بدون اشکال و این شراکت در سرمایه و سود را خالی از ایرادات شرعی دانسته اند، لهذا این شبهه پدید آمده است که در فتوای حضرت عالی تغییری پدید آمده است؛ از این روی در جهت

ص: 127

ارائه نمودن راه به حقیر، از حضرت عالی تقاضا می گردد که فتوای خود را ذیلاً مرقوم بفرمایید.

از درگاه خداوند باری تعالی توفیق آن وجود عزیز را خواستار و دست به دعایم که سایه مبارک، بر سر امت مستدام باشد. والسلام علی من اتبع الهدی

بسمه تعالی، نظر این جانب درباره فرقه ضاله بهائیت و لزوم خودداری از برقرار کردن روابط معاملی با آن ها همان است که در بالا اشاره شد و تغییر نکرده است.

[سؤال 7100] 3574

بسمه تعالی

بنده موقعی که بهایی بودم قطعه زمینی را به کمک چند نفر بهایی دیگر به نام باغ خیریه، دیوارکشی کردیم (چون بنده کار و کسبم کشاورزی بوده و می باشد و در آن باغ زراعت هم نموده ام) وقتی مسلمان شدم می خواستند باغ را از من بگیرند، بنده در برابر ایشان مقاومت کردم و آن را از هر لحاظ محافظت نمودم، تا این که امام خمینی به ایران تشریف آورد، چون این جانب هشتاد سال سن داشتم و قادر به کار کردن نبودم از زمین مزبور (که معادل نه هزار متر مربع بود) دو هزار متر با نظر رئیس کمیته به عنوان دسترنج خودم برداشته و هفت هزار متر دیگر را به رئیس کمیته محلّ برای انجام کارهای خیر واگذار کردم. حال بفرمایید آیا این زمینی که برای پیری و ناتوانیم گذاشته ام صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور اشکال ندارد.

[سؤال 7101] 3575

بسمه تعالی 11 / 3 / 1361

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی، مفتی عصر، نایب الامام، رهبر کبیر، امام خمینی، ادام الله ظله العالی

ص: 128

1. معامله با فرقه مضله بهایی و یا کرایه ماشین از این فرقه و یا سوار کردن ماشین این فرقه را، جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، از هرگونه معامله با فرقه ضالّه مضله اجتناب شود.

2. کسی که تمام پای او گچ گرفته است، نجس است، جنب شده، آیا غسل بر او واجب است و یا تیمم و یا هردو؟ و می تواند به مسجد جامع برای نماز و غیره برود یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر می تواند غسل جبیره ای کند و حرجی نیست باید غسل کند، وگرنه تیمم نماید و بعد از انجام وظیفه، دخول مسجد مانع ندارد.

3. در این عصر، غنا و موسیقی در رادیو و تلویزیون وجود دارد و یا خیر؟

بسمه تعالی، موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.

[سؤال 7102] 6555

4. اشخاصی که پدر و مادرشان مسلمان، اما فرزندان بهایی شده و چند بار توبه و بازگشت به بهائیت داشته اند و یا این که بهایی زاده می باشند، از نظر اموال و طهارت و معامله نظر خود را مشروحاً توضیح دهید.

بسمه تعالی، از هرگونه معامله با فرقه ضالّه بهاییه باید اجتناب شود.

[سؤال 7103] 3576

بسمه تعالی 1360 / 8 / 30

محضر مبارک حضرت آیت الله امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب، دام ظلّه

محترماً؛ بدین وسیله به اطلاع می رساند که شرکت تعاونی پرده کرکرة ایران، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بنابر ضرورت، تشکیل شده و کلیه واحدهای شاغل در این صنف در سراسر کشور، عضو این تعاونی می باشند و در این میان، شش نفر از فرقه ضالّه بهایی عضویت دارند - البته در اداره و مدیریت شرکت تعاونی کوچک ترین نقشی ندارند - از این رو تقاضا می شود نظر مبارک را در مورد این گونه افراد اعلام فرمایید. سلامتی آن حضرت را از درگاه احدیت خواهانیم.

بسمه تعالی، هرگونه معامله و مراوده با این فرقه ضالّه جایز نیست.

ص: 129

حضور مبارك رهبر كبير مؤمنين و مسلمين جهان، مخصوصاً ايران، نايب الامام، امام خميني، دامت برکاته

ضمن تحيات و سلام فراوان؛ شغل فعلى اين جانب خدمتگزار مدرسه راهنمايى تحصيلي، شغل قبلى كاملاً کشاورز، مسلمان، مذهب شيعه دوازده امامي، سن 35 سال، داراي زن و پنج اولاد مي باشم، در خانواده اي بزرگ شده ام كه فقر مادي داشتند؛ پدرم اولاد فراواني داشت و نمي توانست خرج روزانه شان را كاملاً تأمين نمايد.

و از طرفي هم عبدالرضاي پهلوي خائن (سال 1341) زمين هاي زراعتي اين قريه را به زور از دست همه اهالي دنگرگ گرفتند و هم چنين به زمين پدرم تجاوز نمودند و مقدار بخور و نمير به ما دادند. زندگي طوري شده بود كه همان زمين زراعتي و خان سرا - كه آباء و اجدادي در آن زندگي مي نموديم - را كاملاً گرفت، مقدار كمی هم كه به ما داد، دوباره به ما فروخت.

پدرم و همه مردم را وابسته به بانك عمران نمود؛ يعني پدرم و همه مردم از بانك عمران وام دريافت مي نمودند، عبدالرضاي پهلوي به همراه يك نفر نماينده وارد محل ما دنگرگ مي شد، پول ها را از دست پدرم و همه اهالي محل به عنوان بهاي زمين و خان سرا مي گرفت، ما جايي اعتبار محلي و يا بانكي - در سال هاي فوق - نداشتيم.

از اين جا بدبختي اين جانب شروع شد؛ پدرم اين جانب را - كه پسر ارشد او بودم - جلو انداخت - من هم، زن داشتم؛ با هم زندگي مي كرديم - كه از جاش داد و ستد نمايم؛ يعني پول قرض نمايم تا آبروي ما محفوظ باشد. كسي به ما پول قرض نمي داد.

مادرم يك خاله اي داشت، او با شخصي ازدواج نموده با شناسنامه مسلمان و با حتى قبالة اسلامي، ازدواج در اصل چنين به نظر مي رسيد. اما دين شوهرش بهايي بود، او به ما پول قرض مي داد، چندين سال؛ ما هم در عوض به ايشان برنج يا چيزهاي

دیگر می دادیم. در موقعی که هم می خواستم خانه ای درست نمایم، ایشان مقداری موزاییک و سه عدد ستون آهنی و آجر به من دادند و یک فرش ماشینی دوازده متری. هر کاری کردم از من پول نگرفتند. و ایشان مدت سه سال است که مردند. وجدانم ناراحت است. و یک فرش تبریزی دوازده متری هم سال 1346 و یا سال 1347 به پدرم داد و از او برنج گرفت.

این مسائل شرعی بالا را خواهشمندم برای این حقیر روشن نمایید و ارشادم فرمایید.

بسمه تعالی، تصرف فرش و خانه و لوازم زندگی که از آن شخص یا با پول او به دست آوردید، برای شما اشکال ندارد.

[سؤال 7105] 1922

5. خرید و فروش و معاشرت با یهود و نصارا (ارامنه) و زرتشتیان و بهاییان و یا مسلمانانی که به دستورات اسلامی (مانند خمس، روزه، نماز، نجاسات و مطهرات، حجاب و...) اهمیت نمی دهند چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، با غیر فرقه ضالّه مضلّه بهائیت، خرید و فروش مانع ندارد.

[سؤال 7106] 3578

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی خمینی، دامت برکاته

معامله ای بر روی زمینی صورت گرفت. خریدار از فرقه ضالّه بهائیت است. فروشندگان که عبارتند از: عموها و فرزند بزرگ، سهم صغیر را نیز مورد معامله قرار داده اند. در صورتی که قیم و ولی قانونی صغیر نیستند. از آن جا که بیع، عقد لازم است و رضایت طرفین معامله شرط صحت آن است؛ اکنون که صغیر کبیر شده است، آیا می تواند سهم خود را مطالبه نماید؟

بسمه تعالی، می تواند سهم خود را مطالبه کند.

ص: 131

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

محترماً به عرض می‌رساند: بنده مدتی است يك محوطه مشجر و مزروعی از مردی بهایی سالیانه مبلغ دوازده هزار ریال اجاره نموده ام و ضمناً آب آن محوطه هم خشکیده و برای مشروب ساختن محوطه، آب از خارج تهیه می‌نمایم چون صاحب ملك بهایی است برای بنده شرعاً صلاحیت اجاره داشتن دارد یا خیر؟ متمنی است مرقوم فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با این فرقه ضالّه معامله نکنید.

بسمه تعالی 1361 / 4 / 22

محضر مبارک حضرت حجت الاسلام والمسلمین، جناب آقای حاج سید عباس خاتم یزدی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

مستدعی است در مورد خرید خانه هایی که مربوط به فرقه ضالّه بهاییه، از طرف دادرسی انقلاب، مصادره شده و به طور اقساط در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، نظر مبارک امام را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر طبق ضوابط قضای شرعی و با موافقت دادگاه عالی انقلاب اسلامی ضبط شده، اشکال ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 2 / 5

محضر مبارک زعیم عالی قدر و فقیه عالی مقام، حضرت آیت الله امام خمینی، ادام الله عمره الشریف، پس از ابلاغ سلام و تحیات وافره به حضور امام بزرگوار، پاسخ

مسأله زیر مورد تمنا است.

زمینی متعلق به فرقه ضاله بهایی بود که آن ها ساختمانی به منظور استفاده مسلکی خود به عنوان محفل در آن احداث نموده بودند. بعد از پیروزی انقلاب شکوه مند اسلامی ایران، بنیاد مستضعفین ساختمان فوق را به نفع بنیاد ضبط نموده است؛ اینک یکی از مسلمین محل، قصد خریداری این بنا را دارد. مستدعی است اعلان فرمایید: از نظر شرعی در خصوص ملکیت و اعمال عبادی خریدار چه صورت دارد؟

با آرزوی طول عمر با عزت برای رهبر بزرگ انقلاب، خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، با قطع یا احتمال این که روی موازین و مطابق مقررات دولت اسلامی فروش می رود، تصرفات خریدار مانع ندارد.

[سؤال 7110] 4942

7. با توجه به این که اغلب هندوها قسمتی از درآمد خود را صرف بتکده ها و بت ها می کنند، آیا معامله روزمره با آن ها برای خرید مایحتاج عمومی اشکال ندارد؟

بسمه تعالی، اگر علم دارند که پول را خرج بت و بتکده می کنند با آن ها معامله نکنند.

[سؤال 7111] 4942

8. در بعضی از فروشگاه هایی که صاحب آن ها هندو هستند و در کنار اجناس دیگر، بت نیز فروخته می شود، اگر از چنین مغازه ای مثلاً لوازم التحریر خریداری شود، آیا بقیه پول را که مشتری پس می گیرد حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، مانع ندارد؛ مگر یقین داشته باشد که پول حرام در آن هست.

ص: 133

اول: مالیت داشتن

شرط اول: مالیت داشتن

[سؤال 7112] 3582

بسمه تعالی 1361 / 10 / 19

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی دامت برکاته

با سلام و دعای خیر برای آن امام عزیز و آرزوی پیروزی برای رزمندگان اسلام، به اطلاع حضرت عالی می‌رساند کارخانه ای در زمان طاغوت به تولید مسکرات (مشروبات الکلی) می‌پرداخته است. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی این کارخانه طبق حکم دادگاه انقلاب اسلامی به بنیاد مستضعفان واگذار گردیده است، طی بررسی انجام شده مقدار چهار تانکر شراب در کارخانه وجود داشته که تبدیل به سرکه گردیده است، سرکه های مورد بحث به اداره استاندارد جهت آزمایشات لازم و تأیید آن ارسال گردیده که اداره استاندارد ضمن تأیید قابل استفاده بودن، فروش آن را بلامانع دانسته است و چون بنیاد قصد فروش سرکه ها را دارد خواهشمند است از نظر شرعی تکلیف بنیاد را در این مورد روشن فرمایید.

به امید زیارت کربلا، مسئول بنیاد مستضعفان استان لرستان

بسمه تعالی، در فرض سؤال مانع ندارد.

[سؤال 7113] 3583

بسمه تعالی

دفتر رهبر کبیر ایران، امام خمینی

پس از سلام، ان شاء الله که وجود گرامی تان در پناه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مصون و محفوظ باشد، خدمتان عرض می‌کنم:

این جانب چرم فروش، مدت 15 سال است که با کارخانه چرم سازی کال که واقع

ص: 134

است در جاده شهر ری تهران، معامله داشتیم و صاحب این کارخانه کلیمی است و در سال 57 مقداری چرم استوک از کارخانه های امریکا آورده بود و یک مقدار از آن ها را به من فروخت، ولی بعضی از جنس ها خراب و پوسیده بود و من هم که آن ها را به کفاش ها فروخته بودم خیلی از آن ها خراب شد و یک مقدار از پول آن چرم ها از بین رفت و کفاش ها ندادند و در قبال آن در حدود صد و بیست یا سی هزار تومان به همان صاحب جنس ها که کلیمی است بدهکار شدم، حالا نمی دانم که پول را به نماینده خود کمالی بدهم و یا به کسی دیگر و یا به وزارت صنایع که کارخانه را صاحب شده است؟ لطفاً تکلیف من را معلوم کنید که من چه کار بکنم؟ ضمناً آن روز که جنس ها را به من می فروخت می گفت این جنس ها مال ترکیه است، ولی بعداً البته یک سال دیگر، فهمیدم که این جنس ها مال امریکا است و گرنه نمی خریدم. چون که چرم امریکا حرام است و این کلیمی می رفت جنس های معیوب امریکا را به قیمت خیلی خیلی کم می خرید و به قیمت زیاد در ایران می فروخت و جنس هایی که به من می فروخت هم از همین جنس ها بود. منتظر جواب هستم، خواهشمندم زودتر تکلیف من را روشن کنید.

بسمه تعالی، چنانچه ثابت شود که چرم ها غیر مذکی و فاقد ارزش باشد شما بابت قیمت آن چیزی بدهکار نیستید و اگر نزاعی در بین است به محاکم صالحه مراجعه کنید.

[سؤال 7114] 3394

2. در ضمن به عرض می رساند: اگر کسی پولی به حساب اداره مخابرات برای نصب تلفن در محل مسکونی و یا محل کارش، پرداخت کرده باشد و بعد از پنج سال یا شش سال، نوبت به او می رسد که تلفن در محل کار و یا منزلش نصب کنند و وقتی که نوبت به او رسید، آن شخص از آن شهر عزیمت کرده باشد و دیگر در آن شهر تلفن مورد حاجتش نباشد، آیا می تواند آن امتیازی که برای نصب تلفن دارد به دیگری

ص: 135

واگذار نماید و پولی هم بابت این واگذاری بگیرد یا خیر؟ چون قیمتی که اداره مخابرات بابت تلفن می گیرد حدود 40/000 ریال است، ولی قیمت واگذاری تلفن در بازار 400/000 ریال است، آیا مبلغ 360/000 ریال تفاوتی که به آن شخص می رسد حلال است یا خیر؟
بسمه تعالی، حلال است و اشکال ندارد.

[سؤال 7115] 1959

5. در چند سال قبل، زیدی امتیاز تلفنی را خریداری کرده و هنوز تلفن آن وصل نشده، و احتیاجش از آن تلفن برطرف می شود. آیا می تواند به قیمت بازار آزاد بفروشد؛ با توجه به آن که دولت، در این باره مقرراتی ندارد و یا خیر؟
بسمه تعالی، در فرض مزبور مانع ندارد.

[سؤال 7116] 3376

2. بیع کالی به کالی که باطل است؛ آیا منحصر به مبیع و ثمن کالی است یا دو عین شخصی را هم که معامله می کنند و قرار می گذارند که پس از يك ماه دیگر تحویل و تحول و قبض و اقباض شود، شامل می شود یا نه، بیع در دو عین شخصی صحیح است ولی امانت در نزد ناقل است؟

بسمه تعالی، فروش عین شخصی به عین شخصی دیگر مانع ندارد، هر چند تحویل و تحوّل بعد از مدتی باشد.

[سؤال 7117] 3584

بسمه تعالی

خریزه فروش می داند مغز خریزه خراب است این را به مشتری می فروشد.

بسمه تعالی، اگر خریدار به رضایت بخرد مانع ندارد ولی اگر فاسد باشد به طوری که مالیت نداشته باشد معامله باطل است و الا در صورت جهل مشتری اختیار فسخ دارد.

ص: 136

دوم: تعیین مقدار عوض و معوض

شرط دوم: تعیین مقدار عوض و معوض

[سؤال 7118] 3585

بسمه تعالی 1362 / 2 / 13

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت توفیقه، احتراماً؛ به عرض می رسانم:

1. در بازار برنج فروش ها برنجی که از کشاورزها خریداری می شود وزن اصلی گونی های کنفی آن حداکثر و اقل، يك كيلو الى يك كيلو و دویت گرم و گونی های پلاستیکی هم وزن اصلی آن دویت گرم الی دویت و پنجاه گرم می باشد. اما خریدارها اعم از مصرف کننده و یا خریدار و حمل کننده، گونی های اولی را يك كيلو و پانصد گرم و گونی های دومی را پانصد گرم حساب می کنند. وقتی از خریدارها سؤال می شود که این دویت یا سیصد گرم اضافی را چرا حساب نمی کنید می گویند: «عرف بازار همین است». خواهشمند است صحت و یا بطلان معامله را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که وزن معلوم است و عرف بازار بر همان است صحیح است.

2. نذری هم به نام امام شده، نذر برآورده شده. لطفاً بفرمایید به کجا تقدیم شود؟

بسمه تعالی، اختیار با ناذر است.

[سؤال 7119] 3586

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

با عرض سلام؛ قراردادی میان طرفین منعقد می شود و یکی از شروط معامله این است که فروشنده متعهد است 70 تن تنباکوی صادراتی اصفهانی، در بسته های سلوفانی، به خریدار تحویل بدهد. فروشنده به هنگام تحویل، جنس مزبور را، علاوه

ص: 137

بر ظرف های سلوفانی، در کارتن می گذارد و با کارتن وزن می نماید که در نتیجه، مقدار 3330 کیلوگرم از 70 تن کمتر تحویل می دهد؛ آیا فروشنده ضامن است که مقابل وزن کارتن ها تنباکو بدهد یا معادلش از پول برگرداند؟ و آیا خریدار حق مراجعه برای گرفتن کسر تنباکوی مورد معامله را دارد؟ و اگر فروشنده ادعا کند که رویه تحویل تنباکو در سال های قبل همین گونه بوده است، با توجه به این که در حین معامله چنین حرفی را نزده است، این ادعا برای فروشنده اثری دارد یا خیر؟

استدعا دارد جواب را مشروحاً مرقوم فرمایید و آیا زیان این کسر را چه کسی باید بدهد؟ متّع الله المسلمین بطول بقائکم

بسمه تعالی، فروشنده معادل وزن کارتن را ضامن است که تنباکو تحویل دهد؛ مگر این که متعارف در فروش تنباکو این باشد که وزن را با کارتن حساب کنند و شرط خلاف نشده باشد.

[سؤال 7120] 3587

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی لطفاً بفرمایید:

1. دو نفر با یکدیگر شروع به کار می کنند، به این کیفیت که پول و سرمایه از یکی و کار از دیگری و استفاده هم به نصف. بعد از مدتی یکی از این دو نفر حاضر می شود سهمیه استفاده دیگری را به نرخ يك هزار تومان بخرد، چگونه است؟

بسمه تعالی، خرید مذکور صحیح نیست.

2. از نظر مبارك امام، ملاك در قصر و اتمام چیست؟

بسمه تعالی، در سفر، نماز قصر است با شرایطی که در رساله ذکر شده است.

3. سپاه عده ای را در رابطه با امور روستاها استخدام می کند و مقر سپاه هم وطنشان نیست و هر روزه یا دو سه روزه به ناچار به اطراف آن شهر مسافرت می کنند، تکلیف نماز و روزه آن ها چیست؟ و خلاصه لازمه کارشان مسافرت است.

بسمه تعالی، در غیر وطن، بدون قصد اقامه ده روز در محل واحد، نماز شکسته و روزه صحیح نیست.

ص: 138

بسمه تعالی

به شرف عرض رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی آیت الله العظمی خمینی بت شکن می رساند:

چه می فرمایید در مبیعه و خرید و فروشی که ثمن و قیمت مبیع در آن به هیچ وجه مشخص و معین نشده است؟ مستدعی است نظر مبارک خود را در این مسأله جهت روشن شدن امر، ذیلاً بیان فرمایید که شدیداً مورد حاجت است.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، معامله باطل است.

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، به عرض عالی می رساند:

دو نفر، قطعه زمینی را که سال ها قبل زراعت دیمی می کرده اند به نام خود ثبت می نمایند و چاهی در آن حفر می کنند و دو دانگ مشاع از جمله شش دانگ را طی قبالة عادی، با تعیین حدود و دانگ زمین، به مشتری می فروشند و دو نفر فروشنده و خریدار مشترکاً و امی از بانك کشاورزی می گیرند و تلمبه روی چاه نصب می نمایند و مشغول بهره برداری می شوند.

در سمت غرب زمین نامبرده، زمین دیگری که جزء همین پلاک بوده، ده سال قبل از این معامله يك نفر دیگر آن را آباد می کند و تلمبه روی آن می گذارد و به چند نفر می فروشد و مورد اعتراض مالکین پلاک زمین هم واقع نمی شود.

الحال، خریدار مدعی است چون از لحاظ اظهارنامه ثبتی، این تلمبه که شخص دیگری آباد کرده و فروخته جزء این پلاک است، خود را مالک تمام شش دانگ قبالة عادی می داند و اظهار می دارد باید محدوده ثبتی حساب شود و این زمینی که طی قبالة عادی، نصف آن را به من داده اید، دو دانگ، و دو دانگ هم آن تلمبه ای که دیگری ده

سال قبل آباد کرده و فروخته.

با توجه به این که خریدار هم از آن تلمبه و زمین سمت غرب که دیگری فروخته، اطلاع داشته و نیز می دانسته که دو نفر فروشنده، ملك دیگری - غیر از آن که نصف آن را به خودش فروخته اند - نداشته اند، فقط به استناد پلاک ثبتی، خود را مالک کل شش دانگ قبالة عادى می داند و مانع از دخالت دو نفر فروشنده در زمین و تلمبه است، مستدعی است حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، یکی بودن پلاک زمین ها میزان نیست؛ آنچه را که مشتری نصف آن را پس از مشاهده و اطلاع از حدود و مشخصات آن خریده، فقط نصف همان زمین را استحقاق دارد و اگر نزاعی در بین است به محاکم صالحه قضایی مراجعه نمایند.

[سؤال 7123] 3478

2. در بیع نامه نوشته شده: ممکن است از طول زمین کم یا زیاد شود. آیا این امر موجب مجهول بودن مبیع نمی شود که وجهی برای بطلان معامله باشد؟

بسمه تعالی، اگر زمین را مشاهده نموده، معامله باطل نیست. و در صورت اشتراط و تخلف، خیار ثابت است.

[سؤال 7124] 3590

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض می رساند بیان فرمایید حکم این مسأله را:

زیدی قولنامه می کند با عمرو، میاه و کلیه اراضی ثبتی آن را، که بعد از پنج ماه که تمام وجه آن را دریافت، در محضر سند رسمی به او بدهد. در صورتی که متبایعین یا احدهما عالم به مساحت زمین نباشند و زمین هم تابع آب نیست (یعنی هر کدام از آن ها جداگانه معامله می شود) و زمین احیا شده و مزروعی است و قیمت آن به واسطه

ص: 140

کم و زیاد فرق می کند و علاوه، بایع مغبون است به غبن فاحش و در قولنامه اسقاط خیار شده؛ آیا این قولنامه صحیح است و بیع محقق شده یا باطل است؟ و در صورت صحت، آیا بایع حق فسخ دارد یا خیر؟ حفظکم الله من جمیع الشرور

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، در فرض مجهول بودن زمین در حین معامله، بیع نسبت به آن باطل است و اگر معامله صحیح باشد و یکی از طرفین مغبون شده باشد، حق فسخ دارد.

[سؤال 7125] 3591

بسمه تعالی 3 / 3 / 1361

محضر حضرت مستطاب، نایب الامام و مجتهد اکبر و رهبر گران قدر، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

معامله شش دانگ يك باب خانه با مشخصات کامل و مبلغ معین که عبارت از نهصد هزار تومان می باشد، انجام و بین فروشنده و خریدار شرط شده که از مبلغ بالا- دویست و پنجاه هزار تومان نقداً پرداخت شود که پرداخت شده و فروشنده دریافت کرده و مبلغ سیصد هزار تومان در دو قسط معین پرداخت شود و بقیه هم، در عوض سیصد و پنجاه هزار تومان دیگر، دو قطعه زمین - که هر يك مساحت آن با طول و ابعاد و محل وقوع ملك مشخص و معین شده و در سند مشروحاً ذکر گردیده - با اجرای صیغه و حضور دو نفر شاهد به فروشنده خانه از طرف خریدار خانه، واگذار گردیده و طرفین تراضی به انجام معامله نموده و معامله انجام گردیده و سند عادی هم نوشته شده و طرفین معامله و شهود حاضر در مجلس، ذیل سند را امضا نموده اند. بنابراین با وجود این که معامله با رعایت جهات اسلامی انجام پذیرفته، آیا می توان بعد از مدتی به عنوان و صرف این که قیمت زمین در سند نوشته نشده و با عنایت به این که قیمت زمین قبلاً تعیین و برای اصحاب معامله مجهول نبوده، معامله را بر هم زد و «کأن

ص: 141

لم یکن» فرض نمود؟ مستدعی است نظریه مبارک را ذیلاً مرقوم که عندالله حجت گردد.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، اگر زمین مشخص و معلوم است معامله صحیح و شرط نافذ است.

[سؤال 7126] 3592

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، بعد از درود فراوان؛ از محضر آن قائد اعظم تقاضا نمودیم که جواب مسأله های زیر را بیان فرموده و با مهر حضرت عالی ممهور شود.

1. قراردادی به نام ملکی بسته می شود؛ ولی این قرارداد به هیچ وجه زمین و یا ملک را مشخص نمی کند. یعنی به هیچ نوع حدود و مشخصات زمین در قرارداد مزبور وجود ندارد. آیا این قرارداد صحیح است و یا باطل؟

بسمه تعالی، باید حدود و مشخصات مبیع معلوم باشد که غرر مرتفع شود؛ و الاً معامله صحیح نیست.

2. اگر قراردادی روی ملکی و یا جنسی منعقد شود و بعد از مدتی معلوم شود که آن ملک و یا آن جنس مال غیر بوده است؛ آیا آن قرارداد باطل می شود و یا نه؟

بسمه تعالی، معامله بر مال غیر، فضولی و موقوف به اجازه مالک است.

[سؤال 7127] 3593

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی خمینی، دامت برکاته لطفاً نظر مبارک حضرت عالی را در مورد مسائل زیر بیان فرمایید:

1. خرید و فروش حیوانات زنده به صورت کیلویی چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر متعارف باشد مانع ندارد.

ص: 142

2. در موقع خواندن خطبه نماز جمعه که مأمومین نشستن به حالت تشهد را مراعات نمی کنند به اطراف نگاه می کنند و با گفتن اسم امام زمان قیام می کنند. نمازشان چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

سوم: مشخص بودن جنس عوض و معوض و اوصاف آن ها

شرط سوم: مشخص بودن جنس عوض و معوض و اوصاف آن ها

[سؤال 7128] 3435

2. گاهی این فروشندگان بدون ارائه زمین، مقداری به افراد فروخته اند، ولی درباره تحویل زمین اقدامی نکرده اند. و اگر هم با پافشاری خریدار پس از چند ماه حاضر به تحویل زمین شده اند، بیابانی را به خریدار نشان داده اند و گفته اند زمین خریداری شما جزئی از این زمین ها است که اگر خریدار قبلاً دیده بود، هیچ گاه نمی خرید. از نظر شرعی این نوع معامله چگونه است و وظیفه طرفین چیست؟

بسمه تعالی، بدون مشاهده یا توصیف زمین، معامله غرری و باطل است و اگر با توصیف زمین فروخته شده، لازم است فروشنده زمینی که دارای اوصاف ذکر شده است را تحویل دهد.

[سؤال 7129] 3594

بسمه تعالی 1358 / 11 / 26

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه پس از عرض سلام محترماً به عرض عالی می رساند. قطعه زمینی است به مساحت 10500 متر مربع واقع در 11 کیلومتری جاده قم به طرف کاشان. در مدت 3 سال قبل شخصی این زمین را بدون آن که محل واقعی آن را بداند فقط با داشتن نقشه و سند به دیگری می فروشد و خریدار بعد از انجام معامله برای دیدن محل زمین می آید به اتفاق فروشنده و واسطه در نقطه مشخصی پیاده می شوند و فروشنده بدون این که بگوید زمین در کجاست واسطه با نقشه می گوید این زمین با دو پلاک بالاتر و پایین تر در همین حدود می باشد و خریدار قبول می کند اما با گذشت زمان که خریدار می خواهد به دیگری بفروشد

ص: 143

معلوم می شود که این زمین در آن حدود که نشان داده بودند نمی باشد. اینک خریدار مدعی می باشد که من این زمین را در همان حدود که نشان داده اند می خواهم و فروشنده می گوید چون من بدون دیدن زمین آن را خریده ام و نمی دانم در کجاست فروخته ام و با هم اختلاف پیدا کرده اند. خواهشمند است تکلیف این دو نفر را معلوم نمایید.

بسمه تعالی، در فرض مذکور معامله باطل است.

[سؤال 7130] 3595

بسمه تعالی

آیا فروشنده جنس بدون آن که تعمّدی در پنهان کردن مشخصات کالایش را داشته باشد، موظف به بیان ویژگی های جنس مورد نظر می باشد یا عند السؤال باید آن ها را بیان کند؟

بسمه تعالی، وظیفه بیان ندارد ولی نباید تدلیس کند.

چهارم: ملك طلق بودن عوض و معوض

شرط چهارم: ملك طلق بودن عوض و معوض

[سؤال 7131] 3596

بسمه تعالی

در ده ماقطعه زمین بایری بوده که جزو يك دانگ محل بوده و صاحبان همین دانگ که چند نفر بودند آن را گرفته و تقسیم کرده و سهم خود را فروخته اند، این جانب

يك سهم آن را که دو هزار متر بوده هر متری 8 تومان خریده ام و پس از دو سال به دیگری فروختم متری 12 تومان و حال اهل محل آمده و می گویند که این زمین مال همه مردم محل است و باید پول آن را بدهی صرف منافع و ما یحتاج محل کنیم و رفتند از کسی که زمین را به من فروخته پول آن را گرفته و آمده اند به من می گویند باید متری چهار تومان که اضافه فروخته ای بدهی. حال بفرمایید آیا من شرعاً آنچه اضافه

ص: 144

فروخته ام متری چهار تومان را بدهکارم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر زمین فروخته شده موات یا حریم ده بوده فروش باطل است و اهل محل نیز حقی بر پول ندارند و اگر ملك مشترك بوده و بدون اجازه همه شرکا تقسیم و فروخته شده هر دو معامله نسبت به حق سایر شرکا فضولی است و هر کدام را اجازه کنند سهم خود را از ثمن آن حق دارند.

[سؤال 7132] 3597

بسمه تعالی 1361/7/4

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ بدین وسیله به اطلاع می رساند حوض آبی است داخل یکی از کوچه های شهر جاجرم، که در حال حاضر قابل استفاده نمی باشد و به صورت زباله دان در آمده است. مستدعی است این اداره را صریحاً ارشاد فرمایید که آیا فروش آن شرعاً فاقد اشکال است یا خیر؟ به امید پیروزی رزمندگان اسلام.

بسمه تعالی، اشکال دارد.

[سؤال 7133] 3478

3. در صورتی که زمین های مزبور موات بوده و با اتکا به نقشه ثبتی فروش رفته باشد، حکم آن چیست؟

بسمه تعالی، فروش زمین موات بالاصل، باطل است.

[سؤال 7134] 3598

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض می رساند که در روستای ندوشن، بخش خضرآباد یزد، از زمان

ص: 145

طاغوت تا به حال زمین های اطراف ندوشن را فروخته و پول آن را خرج قنات ده می کنند. در صورتی که نیمی از اهالی مالک نیستند و خود ده نیز خرج های لازم تری دارد که از قنات واجب تر می باشد. سه حمام در ندوشن می باشد که وقف است و هر موقع خراب شود از اهالی پول گرفته و خرج آن می کنند. لذا از جناب عالی تقاضا نمودیم پاسخ دهید که آیا می توانند پول زمین های فروخته شده اطراف ده را خرج قنات کنند، یا باید خرج خود ده و حمام شود؟

بسمه تعالی، خرید و فروش زمین موات یا حریم روستا، جایز نیست.

[سؤال 7135] 2018

3. معمولاً در اطراف توابع قرا و محل ها، اراضی مشاعی وجود دارد و هیچ گونه درآمدی هم ندارد و فقط جهت خواب گاه گوسفند استفاده می شود و ملک فردی خاص هم نمی باشد؛ و از طرفی جمعیت روبه ازدیاد است و تهیه مسکن هم برای همه مردم ضروری است و همه مردم هم وضع یکسان ندارند و اراضی ملکی هم گران قیمت است و جایی هم که برای تهیه مسکن باشد خیلی کم است چون جنوب این روستا روی تپه قرار گرفته است و برای تهیه مسکن خوب نیست و مشرق هم زیر دشت آب قنات محل است که از نظر آب سیل خطر دارد و غرب این محل، رودخانه است؛ سمت راست رودخانه، قبرستان مسلمین است و خرمن گاه محل است که برای جمع آوری گندم استفاده می کنند و شمال محل، زمین موقوفه است؛ در شمال غربی این محل، مقداری زمین مشاعی است که برای تهیه مسکن خیلی خوب است. آیا از نظر شرعی اجازه می فرمایید که اراضی مشاع اطراف محل را به کسانی که نیازمند به تهیه مسکن هستند واگذار نماییم و پول آن را هر طور که جناب عالی اجازه می فرمایید عمل نماییم؟

بسمه تعالی، اگر ملک شخص یا اشخاصی نیست، با رضایت تمام اهالی محل و اجازه مقامات مسئول اشکال ندارد.

ص: 146

4. مقداری از همین زمین مشاعی در سال 1356، پیش از انقلاب خرید و فروش شده است که تعداد آن 8 تا حیاط است و از سال 1356 تا کنون زحمت زیاد کشیده شده است و خانه بسیار درست کرده اند که بعضی از این افراد، همه سرمایه آن ها همان يك حیاط است و مدت 5 سال هم در خانه زندگانی می کنند و پول این زمین مشاعی را هم مصرف تعمیرات حمام و توالت عمومی و غسلخانه کرده اند. از نظر شرعی این خانه چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر ملك شخص یا اشخاصی بوده و از مالك شرعی خریده اند و یا اگر حریم قریه بوده، با رضایت تمام اهالی قریه و اجازه مقامات مسئول تصرف نمودند، اشکال ندارد.

بسمه تعالی 1358/9/5

محضر مبارك رهبر بزرگ انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی دامت برکاته

محترماً به استحضار می رساند سؤالی است در مورد خرید لعی آب از چشمه واقع در بخش فین که در سال 1355 در نجف اشرف شفاهاً در حضور آن جناب به عرض مبارك رسانیده شد و متن سؤال سؤالی است که از محضر آقایان علما حضرت آیت الله سید محمدکاظم شریعتمداری و حضرت آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی شده که هر کدام مختصراً نظریه مبارك اعلام فرموده اند و جواب شفاهی که شما در نجف اشرف بیان فرمودید عبارتست از: «خرید و فروش چنین ملکی جایز نیست».

حال کاری است انجام شده آیا این آب را باید به خود فروشنده تحویل نمایم یا به مردم محل که به طور عموم دعوی دارند؟ استدعا دارم تکلیف شرعی بنده را روشن فرموده چه کاری که به مصلحت اسلام و مردم باشد انجام دهم تا از این جانب رفع

مسئولیت دنیوی و اخروی بوده باشد.

بخش فین - که چشمه در آن می باشد - برای مصرف آب مشروب اهالی لوله کشی مختصری شده که همه مردم استفاده می کنند آیا برای این آب می شود مخزن و منبع قرار داد که همه مردم بدون تردید استفاده کنند؟ آیا این آب را می توان به دیگری فروخت و بهای آن را صرف هزینه های محلی که مردم همین محل سکونت دارند نمود؟ تمنا دارد حقیر سرتا پا تقصیر را روشن فرموده تا نجات یابم.

سلامتی و طول عمر آن وجود شریف را، از پیشگاه حضرت احدیت خواستاریم.

بسمه تعالی، در فرض مذکور خرید و فروش جایز نبوده و آب مربوط به اهالی است.

[سؤال 7138] 3600

بسمه تعالی 17 / 5 / 1358

دفتر حضرت آیت الله امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض می رساند: شخصی دو سال و نیم قبل، سه سهم مشاع از هشت سهم مشاع ملك را از قرار متری چهار صد تومان خریده است. و اطلاع کامل در موقع انجام معامله داشته است که پنج سهم مشاع آن، شانزده روز قبل متری 310 تومان فروخته شده است. دو سال قبل سند مالکیت آن در دفترخانه رسمی صادر و بقیه وجه را پرداخت و ملك را تحویل و تصرفاتی نموده است. حال بعد از دو سال و نیم که قیمت زمین تنزل نموده است، ادعا دارد که توفیر قیمت بین 310 و 400 تومان، نزول بوده است. در صورتی که هم مدرکی از نزول بودن ندارد و هم در قولنامه قیمت چهار صد تومان و پرداخت چک های مدت دار ذکر شده است. استدعا دارم فتوای حضرت آیت الله امام خمینی را مرقوم و برای این جانب ارسال فرمایید.

بسمه تعالی، با فرضی که ذکر کرده اید معامله بوده و ربا نیست ولی اگر نزاعی هست باید در محکمه شرعیه حل شود.

ص: 148

[سؤال 7139] 3601

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى

در موقع انجام معامله كه قيمت معين است و قرار بر اين است كه كالا يك سال بعد تحويل مشتري گردد؛ آيا فروشنده مى تواند شرطى قرار دهد كه قيمت در موقع تحويل كالا مجدداً محاسبه شود و بر اساس نرخ روز وجه را دريافت نمايد يا خير؟

بسمه تعالی، اگر معامله شود به قيمتى كه وقت تحويل جنس تعيين مى شود، معامله باطل است و گيرنده جنس، ضامن آن است و در صورت تلف، بايد قيمت روز تلف را بپردازد. ولى چنانچه قيمت معلوم باشد و معامله واقع شود و در ضمن آن شرط گردد كه در صورت ترقى قيمت جنس تا وقت تحويل، فروشنده بتواند عقد را فسخ كند و مجدداً به قيمت روز تحويل، معامله شود، معامله صحيح و شرط در ضمن آن نافذ است. لکن اين در صورتى است كه در وقت معامله جديد، عين مورد معامله از بين نرفته باشد. بلى، اگر مورد معامله كلى باشد، اشكال ندارد.

[سؤال 7140] 6479

4. اگر با تنظيم قولنامه ملك به تصرف خريدار داده شد، پس از انصراف مالك و عدم رضاييت او بر فروش، تصرف خريدار شرعاً جايز است يا خير؟

بسمه تعالی، در صورتى كه معامله تمام شده، اگر شرط شده كه با انصراف مالك، معامله منفسخ باشد، پس از آن تصرف خريدار بايد با رضاييت فروشنده باشد.

ص: 149

پیشگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران، زعیم عالی قدر حضرت آیت الله حاج سید روح الله الموسوی الخمینی، دامت برکاته

با کمال ادب به استحضار می رساند: متعاملینی در دفترخانه اسناد رسمی، ملکی را به عنوان خرید و فروش بر اساس بیع شرط، معامله می کنند که در مسائل 2126 و 2127 رساله آن حضرت صراحت دارد. بعد از انقضای مدت، اگر متعاملین حاضر به تمدید شده باشند، پس از انقضای مدت اولی، آیا خریدار حق مطالبه اجاره تمدید شده را دارد یا خیر؟ مستدعی است نظر مبارک را اعلام فرمایند.

بسمه تعالی، حق ندارد.

2. معاملات بیع شرطی ملك یا منزل که زمان بیع آن منقضی شده و با اخطار مکرر طلبکار بدهکار از پرداخت آن امتناع ورزیده تا این که طلبکار با تحمل خسارات طبق قانون جاری مملکت به خود انتقال داده است نظریه شما چیست؟

بسمه تعالی، اگر بیع شرط فرار از ربا نباشد صحیح است و بعد از انقضای مدت و عدم فسخ فروشنده لازم می شود ولی اگر وسیله ربا خواری باشد در حکم ربا و باطل است.

بسمه تعالی

پیشگاه رهبر عالی مقام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت بقاءه

زنی برای امرار معاش خود و شوهرش ملك شخصی خود را در بیع الشرط می گذارد و مبلغ يك هزار تومان هر ماه می گیرد، ضمناً بین طرفین قرار می شود که اگر به مدت معلوم، وجه به مشتری پرداخته شود خود مالك است، در موعد معینه وجه به

مشتری پرداخت نشده و مالك مورد بيع الشرط را مالك شده است و آن را به ديگرى فروخته. پس از انقضای مدت يك سال شوهر آن زن ملك مزبور را از مشتری خریداری نموده است، بفرمایید ملك مجدداً به زن برمی گردد یا مالك، شوهر آن زن می شود؟ یاری فرمایید.

بسمه تعالی، اگر بيع شرط حقیقی بوده در فرض مذکور زمین ملك شوهر است و اگر به منظور فرار از ربا انجام شده اصل معامله باطل و زمین باقی به ملك زن است.

[سؤال 7144] 3604

بسمه تعالی

حضور محترم بنیان گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی، دامت برکاته

1. شخصی می میرد و از او يك پسر و يك دختر باقی می ماند و از بابت تركه يك باب خانه و يك باغ می ماند. نامبرده در حال حیات خود نصف خانه را در مقابل شصت تومان بيع شرط می نماید که پسر بزرگ شود و مبلغ مزبور را بدهد و سند را پس بگیرد. آیا دختر در آن نصف حق پدری دارد یا نه؟

2. باغ را سه حصه نماید. محدوداً شمالاً علی محمد، شرقاً مشهدی حسین و حاج رحیم، جنوباً نعلبندی، غرباً شارع می باشد. برای حق عبور نه يك متر زمین و نه پنج تومان پول نداده است. شرعاً، عرفاً و قانوناً این ضعیفه حق دارد یا ندارد؛ حق عبور؟

بسمه تعالی، بعد از فسخ بيع شرط، همه ورثه در مورد آن حق دارند و سؤال دوم مفهوم نشد.

[سؤال 7145] 3605

بسمه تعالی 1361 / 7 / 20

محضر مبارك رهبر عظیم الشان و زعیم بزرگوار، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

ص: 151

پس از عرض سلام؛ همواره از درگاه خداوند منان عظمت و نصرت اسلام و سلامت و طول عمر مقام معظم رهبری را مسئلت دارم. متمنی است نظر مبارك آیت اللهی را در مورد مسأله زیر بیان فرمایید:

شخصی در حدود 42 سال قبل زمین زراعتی خود را در قبال دریافت مبلغی پول در مدت 4 ماه و پنج روز بیع شرطی، معامله می کند. پس از گذشت مدت معلوم و نپرداختن بدهی، زمین به تصرف طلبکار در می آید. اکنون پس از 42 سال و گذشت مدت معامله و فوت بدهکار، پسرش ادعا نموده که من همان مبلغ 42 سال قبل را می پردازم و زمین را تصرف می کنم. اما طلبکار می گوید که من پس از گذشت مدت 4 ماه و پنج روز مالك زمین شدم و هم اکنون زمین ملك من است. خواهشمند است در این مورد حکم الله را صادر فرمایید. طول عمر آن رهبر عظیم الشان و نصرت اسلام را مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله

بسمه تعالی، اگر واقعاً به بیع شرط زمین فروخته شده، در مقابل مبلغ معین، با گذشت مدت و عدم پرداخت ثمن، معامله لازم و حق فسخ ساقط می شود. ولی اگر مبلغ به صورت وام بوده و بعد از گذشت مدت بخواهد در مقابل بدهی، زمین را تصرف نماید، حق ندارد.

خيار غبن

[سؤال 7146] 3606

بسمه تعالی

ما زمینی را در شش کیلومتری جاده قم به اصفهان خریداری کرده ایم که اکنون متوجه شده ایم تقریباً در يك متری عمق زمین سنگ وجود دارد و امکانی برای حفر چاه نیست مگر با هزینه زیاد و فروشنده این عیب را به ما اطلاع نداده خواهشمند است حکم شرعی را در این رابطه مرقوم فرمایید. ضمناً زمین مورد معامله که جهت کارخانه سنگ بری خریداری شده است فروشنده زمین آن را به مبلغ سیصد هزار

ص: 152

تومان خریداری کرده و پس از يك سال به يك ميليون و هفتصد هزار تومان به ما فروخته است و چون ما اهل قم نبوديم از اين بابت غافل
گير شديم؟

بسمه تعالی، عیب نیست و اگر زمین به قیمت خریداری شده به آن، ارزش نداشته و خریدار مغبون شده خیار غبن ثابت است.

[سؤال 7147] 3607

بسمه تعالی 1361 / 12 / 5

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در تاریخ 29 / 6 / 1359 خانمی با حضور شوهر و پدر و مادر و خاله، به خط برادر بزرگ ترش زمین را به مبلغ دوست هزار تومان می
فروشد و پنجاه هزار تومان بیعانه آن را طی چکی به وسیله شوهرش از بانک دریافت می کند و پدر خانم، پروانه ساختمان و گواهی عمران
را وصول و به خریدار ارائه می دهد. لکن در تاریخ 7 / 10 / 1360 پس از يك سال و سه ماه، پدر خانم مزبور طی اظهارنامه ای اعلام می
دارد که اولاً: دخترم صغیر بوده و ثانیاً: در این معامله گول خورده. حال با علم به این که خریدار در موقع خرید از سن واقعی دختر که قبلاً
شوهر کرده بوده است و در تاریخ وقوع عقد قرارداد سن قانونی وی 16 سال و 19 روز بوده اطلاعی نداشته، حکم شرعی قضیه را از دو باب
صغیر بودن و وجود خیار غبن، با عنایت گذشت زمان اعلام فرمایند.

بسمه تعالی، با سن مرقوم، فروشنده صغیر نبوده و بدون ثبوت ادعای غبن، شرعاً خیار غبن ثابت نمی شود.

[سؤال 7148] 3608

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، با
کمال احترام؛ خواهشمند است در مورد

ص: 153

زیر، تکلیف شرعی این جانب را روشن فرماید.

این جانب دارای 66 سال سن می باشم که متجاوز از 44 سال در یکی از کارخانجات یزد کار کرده و با محیط بیرون آشنایی نداشتم. به علت فرط بیماری و کهولت سن به تقاضای خود بازنشست شدم و جهت معالجه مدتی در یکی از بیمارستان های یزد و سپس مدتی در یکی از بیمارستان های تهران بستری شدم و متأسفانه هنوز بهبودی نیافته ام. دارای دو و نیم دانگ باغ در حومه یزد هستم که شرکای آن به شرح زیر می باشند:

الف. این جانب 5/2 دانگ؛

ب. عیالم 1 دانگ؛

ج. خواهرم 0/25 دانگ (ربع دانگ)؛

د. عیال مرحوم اخوی 0/75 دانگ (سه ربع دانگ)؛

ه. سهم ارث 5 نفر ورثه مرحوم اخوی، 1/25 دانگ (یک دانگ و ربع دانگ)؛

و. سهم خواهرم 0/25 دانگ (ربع دانگ) جمعاً 6 دانگ.

به علت به اصطلاح، عمده مالک بودن، طی متجاوز از 22 سال کلیه امور نگهداری، آبیاری، مخارج احیای زمین، غرس اشجار، دیوارکشی، خاک برداری و غیره، بدون هیچ گونه کمکی از شرکا به عهده این جانب بوده است و حتی پس از بهبود نسبی از تهران به یزد رفتم و جهت سرکشی به باغ مراجعه نمودم.

شخصی که با آبیاری باغ دوست و همشهری بود جهت خرید باغ مراجعه نمود. این جانب به علت کسالت ناشی از بیماری و زحمات زیاد و مشقات فراوانی که در طول 22 سال چه از نظر مالی و چه جسمی و چه روحی متحمل شده و به تنگ آمده بودم، بدون جلب موافقت و مشاوره با سایر شرکا و تحقیق در مورد قیمت واقعی آن، بدون خواندن صیغه معامله با واسطه آبیاری که در باغ حاضر بود، با دریافت دو قطعه چک - کلاً به مبلغ دو میلیون ریال - نامه ای به مشارالیه دادم و پس از دریافت وجه

ص: 154

چك ها آن را به حساب ثلث مرحوم اخوی، نزد صندوق تعاونی حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - واریز نمودم.

چون این جانب وصی اخوی هستم از طرف ورثه، وکیل جهت فروش سهم الارث به نرخ عادلانه روز و اجرای وصیت نامه شده بودم؛ لیکن سایر مالکین پس از این که از مآقع مطلع شدند شدیداً مخالفت نموده و یکی از شرکا اظهار می دارد: اگر مایل به فروش سهمیه ارث و یا سهم خود هستید، من خریدارم. و عقیده همگی بر آن است که بهای باغ خیلی بیش از بهای قید شده (یعنی متری 3500 ریال) بوده و بدون مطالعه و نظر کارشناس انجام گردیده است. لذا چند روز بعد به در منزل طرف معامله رفتم که وجه چك ها را به او بدهم و موضوع را کآن لم یکن تلقی نمایم، چون به کویت مسافرت نموده بود با شوهر خواهرش که وکیل وی نیز می باشد موضوع را در میان گذاشتم و اظهار پشیمانی نمودم که قبول نکرد. پس از بازگشت طرف معامله، به افراد مختلف مراجعه نمودم تا واسطه شوند و موضوع را فیصله دهند اما او اظهار داشت: این جانب چندین سال است که درصدد خرید این باغ می باشم و اکنون به مقصود خود نائل گردیده ام و امکان ندارد موافقت نمایم. با وجودی که همیشه، چه در مآقع نوشتن نامه پیوست و چه بعد از آن بارها گفته بودم: این جانب فروشنده نیستم؛ ولی به علت زحمات زیاد و مشقاتی که از نظر جسمی و مالی و روحی و فکری متحمل گردیده ام، به تنگ آمده ام.

به هر حال، وقتی وکیل نامبرده ندامت این جانب و مخالفت سایر شرکا را مشاهده نمود با اخذ کلید از آبیاری، باغ را عدواناً تصرف و در آن سکنا گزید و تا کنون نیز ساکن می باشد و نیز تغییراتی در باغ داده است. و در این اواخر سه ربع سهم یکی از شرکای (ردیف 4) را بدون اطلاع سایرین و عدم پرداخت هزینه انجام شده و دسترنج این جانب در طول مدت 22 سال، به قیمت خیلی بیشتر محرمانه خریداری نموده است و طرف اصلی مدعی است که تمام شش دانگ باغ را خریداری نموده است.

ص: 155

چون از طرفی شرکا شدیداً با فروش مخالف هستند و کدورت و ناراحتی بین فامیل بروز نموده و از طرف دیگر این جانب نیز کاملاً پشیمان هستم، مستدعی است تکلیف شرعی این جانب را ذیلاً اعلام فرمایند که اعمالمان ان شاء الله موجب رضای خداوند متعال باشد.

1. آیا معامله باطل است و بایست دو میلیون ریال وجه چک های دریافتی مسترد گردد؟

2. آیا کلیه شش دانگ باغ، فروخته شده تلقی می شود و می بایست هر يك از مالکین چشم بسته با همان مبلغ متری 3500 ریال در محضر حاضر شده، و آن را منتقل نمایند؟

3. آیا باید قیمت عادلانه روز با نظر کارشناس تقویم و کار فیصله یابد؟

4. آیا باید معادل دو میلیون ریال وجه دریافتی، نسبت به انتقال قسمتی از باغ به قیمت روز اقدام شود؟

5. آیا باید معادل دو میلیون ریال وجه دریافتی، نسبت به انتقال قسمتی از باغ، به همان سه هزار و پانصد ریال اقدام شود؟

6. آیا باید معادل دو میلیون ریال وجه دریافتی، نسبت به انتقال باغ به قیمت همان روز یا نظر کارشناس اقدام شود؟

بسمه تعالی، اصل معامله صحیح است؛ ولی اگر در معامله غبنی بوده و شما علم به آن نداشته اید، خیار فسخ دارید و چنانچه اختلافی در بین است باید در محاکم صالحه حل و فصل شود.

[سؤال 7149] 3609

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

پس از عرض سلام خواهشمند است به دو مسأله زیر جواب مرحمت فرمایید.

ص: 156

1. این جانب دارای يك خانه بودم و صاحب زن و فرزند هستم، چون بیکار بودم پیشنهاد شد خانه ام را که سه دانگ آن مهریه خانمم هست بفروشم، اما بعد متوجه شدم مغبون شدم و خیلی هم مغبون شدم، بلافاصله به خریدار و بنگاه معاملاتی و فرمانده سپاه و معاون ایشان مراجعه کردم ولی ترتیب اثر ندادند، آیا شرعاً من حق فسخ معامله را دارم یا نه؟ با وجودی که اسقاط خیرات در کار نبود.

بسمه تعالی، با فرض این که غبن شرعاً ثابت باشد و اسقاط خیار نشده و شما جاهل به غبن بوده اید حق فسخ دارید.

[سؤال 7150]

2. در قولنامه همین خانه که فروختم قید شده است که هر کس معامله را فسخ کند 50 هزار تومان دادنی باشد و همین دلیل است که اسقاط خیار نشده است بفرمایید در صورتی که معامله را فسخ کنم باید 50 هزار تومان بدهم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر شرط شامل فسخ به خیار غبن هم باشد باید مبلغ مذکور را بعد از فسخ بدهید ولی اگر شامل نباشد بدهکار نمی شوید.

[سؤال 7151] 3610

بسمه تعالی پنجم ربیع الاول 1403 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی يك باب خانه به مبلغ سیصد هزار تومان خریده که در واقع قیمت آن حدوداً يك صد و هفتاد هزار تومان می باشد. البته فروشنده از بی اطلاعی شخص خریدار که در روستا کشاورزی می کند و از قیمت خانه اطلاعی نداشته و برای اولین بار در شهر اقدام به خرید خانه کرده، سوء استفاده می کند و در روز روشن کرکره مغازه را پایین می کشد و قرارداد را تنظیم می کنند و در انتها شرط می گذارند که هر کس از طرفین، معامله را فسخ و آن را بر هم زند باید مبلغ سی هزار تومان به طرف مقابل بدهد. خریدار که فردای همان روز مطلع می شود تا چه حد مغبون شده، معامله را

ص: 157

فسخ و بیعانه ای که روز قبل داده بود از فروشنده مطالبه می کند. فروشنده نیز طبق شرط و قرار قبلی مبلغ سی هزار تومان را از برای خود نگه می دارد.

آیا فروشنده با این نحو معامله و مغبونیت شدید خریدار این مبلغ را مالک می شود و یا مالک نمی شود و باید مبلغ مزبور را به مشتری پس بدهد؟ والسلام

بسمه تعالی، اگر شرطی که شده شامل فسخ به خیار غبن نباشد حق ندارد و باید پول را رد کند.

[سؤال 7152] 3611

بسمه تعالی

خدمت آیت الله العظمی حضرت سید روح الله الخمینی، مدّ ظلّه العالی، عرض می شود یک قطعه زمین در تصرفم بوده، یک برادر از فامیل بدون اجازه بر زمین مقبوضه ام تغییر مکان کرده، پس بنده معترض شدم، ایشان یک قطعه زمین بدلاً و عوضاً به من نشان داده، بعد مدتی برای کشت و کار به زمین رفتم، آن وقت از دادن قبضه زمین منکر گردید بلکه به جای دادن زمین در عوض زمین، آن زمین را قیمت کرد به مبلغ یک هزار و پنج صد روپیه از آن مبلغ یک صد روپیه پیشگی ادا کرد، من آن یک صد روپیه را گرفته در خانه رفتم. پس معلوم گردید که قیمت زمین قلیل مقرر گردیده، چرا که در بلد قیمت رایج الوقت زیاده از آن بوده، یعنی آنچه که یک هزار و پنج صد روپیه مقرر کرده آن قدر زمین را قیمت رایج الوقت مبلغ ده هزار روپیه بوده، پس نادم گردیدم، چرا که در بیع خسارت بوده، پس روز دیگر به قیمت قلیل خلاف رایج الوقت از زمین فروختن منکر شدم، و آن مبلغ یک صد روپیه او را پس دادم، آن برادر خاندانی منکر گردید و مبلغ یک صد روپیه را پس نگرفت و جواب داد که در میان ما بیع واقع شده است، لهذا قیمت مقرر زمین ادا می نمایم، یعنی صرف مبلغ یک هزار و پنج صد روپیه، تقریباً بیست سال مدت گذشته که زمین مقبوضه ام در قبض مالک مکان زیر استعمال است، معاوضه یا چیز دیگر به من نداده، لهذا آن مبلغ یک

ص: 158

صد روپيه اجاره زمین خود پنداشته نزدم گذاشتم، بعد از آن تا حال نه قیمت یا معاوضه دیگر از باقی مکان نیافته، بلکه آن مقرر کرده قیمت قلیله مبلغ يك هزار و پنج صد روپيه هم نداده، لهذا از حضرت عالی مسئلت می نمایم که آیا این چنین بیع صحیح است یا نه؟ توضیح بفرمایند.

بسمه تعالی، اگر ثابت شود که فروشنده مغبون شده، حق فسخ دارد و چنانچه فسخ کند زمین به او برمی گردد و خریدار بعد از فسخ حق تصرف ندارد و اجرت المثل را ضامن است.

[سؤال 7153] 3612

بسمه تعالی 1362 / 2 / 21

محضر مبارك رهبر انقلاب و امید مستضعفان و مرجع تشیع عالم، امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض می رساند: این جانب به شخصی که شریک بنده در يك دستگاه آپارتمان می باشد - در تاریخ 16 / 12 / 1361 سه دانگ از همان آپارتمان را که سهم بنده بود، فروختم از این قرار که با توجه به این که قیمت مورد معامله را نمی دانستم و به اختیار شریکم گذاشتم (در ضمن در معامله هم اسقاط خیار نشده است) ایشان از عدم اطلاع من نسبت به قیمت آپارتمان مذکوره سوء استفاده کرده و حد تنزل قیمت را گفت. و برای اثبات، این را عرض کنم که در همان تاریخ و در همان مجتمع که تمامی آپارتمان ها يك قواره هستند، در طبقه فوقانی معامله انجام گرفت که از نظر قیمت تفاوت زیادی دارد با قیمت معامله ما که شریکم این موضوع را به نفع خود طور دیگری به من عنوان کرده بود. من فریب حرف ایشان را خورده و قولنامه را امضا کرده و هنوز وجه نقدی دریافت نکرده ام و مغبون شده ام. از معظم له تقاضا دارم نظر خود را برای فسخ این معامله از نظر شرعی مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، در صورتی که محرز شود که یکی از دو طرف معامله مغبون شده، برای او حق فسخ ثابت است.

ص: 159

بسمه تعالی 1361 / 11 / 1

حضور رهبر و مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی

حدود يك سال قبل، قراردادی برای ساختن دو دستگاه تولیدی با شخصی امضا کردم که به مدت دو ماه تحویل دهم؛ به علت کمبودهای غیر منتظره اجناس و بیماری نتوانستم در موعد مقرر، دستگاه را تحویل نمایم؛ ولی در این مدت، عمده کارهای ساخت دستگاه انجام گرفته؛ به هر حال دو ماه بعد از زمان مقرر، با اطلاع و پیگیری خریدار، دستگاه آماده تحویل شد؛ در این زمان، خریدار مدتی را فرصت خواست تا محلی را تهیه و بعد دستگاه را تحویل و انتقال دهد؛ حال بعد از مدت طولانی ادعا می کند که دستگاه را نمی خواهد؛ البته در عرف سازندگان ماشین آلات، در این گونه موارد بعضاً معامله باطل و یا ادعای خسارت از طرف خریدار مورد قبول است که در قرارداد این گونه قید می شود؛ لکن در قرارداد منعقدہ چنین نشده است. حال آیا خریدار حق به هم زدن معامله و یا ادعای خسارت را دارد؟ و آیا فروشنده حق گرفتن خسارت را دارد؟

بسمه تعالی، اگر خریدار مغبون شده یا آنچه خریده معیوب باشد، خیار دارد و در غیر این صورت، حق فسخ ندارد؛ مگر شرط خیار کرده باشند.

[سؤال 7155] 3614

بسمه تعالی

در کویت، در میان زرگرها معامله و خرید و فروش به این صورت رواج دارد که وقتی طلا را به مشتری می فروشند، با نیلو یا نگین، نیلو و نگین را به قیمت طلا- با مشتری حساب می کنند (با این که قیمت نگین و نیلو یا نصف یا ثلث یا ربع طلا است) و در موقع خرید، قیمت نیلو و نگین را کمتر از طلا- می خرند، همان طور که قیمتش می باشد و گاهی می شود از همان مشتری می خرد که به او به قیمت طلا فروخته؛ آیا

ص: 160

این نحوه فروش صحیح است؟ و در صورتی که صحیح نباشد، با معاملات گذشته تکلیف چیست؟ و گاهی به مشتری گفته می شود: نیلو و نگین را به قیمت طلا حساب می کنم و او می داند که قیمت فرق دارد. استدعا دارد جواب روشن مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض مسأله، با علم طرف به مقدار مبیع، مانع ندارد و اگر مشتری، جهل به کیفیت و کم بودن قیمت نگین از طلا داشته اختیار فسخ دارد.

[سؤال 7156] 3615

بسمه تعالی

اگر بر فروشنده محرز شود که در معامله معموله مغبون گردیده است آیا خیار فسخ دارد؟

بسمه تعالی، اگر در وقت معامله، علم به غبن نداشته و شرط سقوط خیار نشده، در فرض غبن مذکور، حق فسخ دارد.

[سؤال 7157] 3616

بسمه تعالی 1361 / 1 / 26

حضور محترم زعیم عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، آدام الله ظلّه العالی، استدعا دارد نظر عالی را در مورد مسأله ذیل مرقوم فرمایند.

قراردادی برای فروش کالا بین دو نفر منعقد می شود. هنگام عقد قرارداد، خریدار که از قیمت واقعی جنس اطلاع نداشته غفلت می کند و تعهد می نماید جنس را گران تر از قیمت حقیقی آن بخرد، در حالی که فروشنده از قیمت واقعی جنس و وضع آن در بازار کاملاً مطلع بوده است و ضمناً اطلاع داشته است که خریدار قصد فروش مجدد جنس را دارد. به موجب قرارداد، خریدار مبلغی به عنوان وجه الضمان تسلیم فروشنده می کند؛ ولی هنگام فروش مجدد جنس متوجه می شود که میزان گرانی اولیه به حدی است که مردم به آن اهمیت می دهند و فروش مجدد آن امکان ندارد و لذا

ص: 161

نمی تواند تعهدات مرقوم در قرارداد را در قبال فروشنده انجام دهد و فروشنده به همین بهانه مبلغ وجه الضمان را ضبط می کند. مستدعی است بفرمایند: با توجه به غفلت خریدار و اطلاع فروشنده از قیمت جنس و وضع آن در بازار، آیا فروشنده در مورد ضبط وجه الضمان ذی حق می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر تفاوت قیمت، مقداری معتنا به است و خیار نسبت به آن مقدار را ساقط نکرده، حق فسخ دارد و می تواند بدون موافقت فروشنده فسخ کند؛ ولی تا فسخ نکرده ملزم است طبق قرارداد عمل کند.

[سؤال 7158] 3617

بسمه تعالی

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و امید مستضعفان جهان، حضرت آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

خواهشمند است به سؤالات ذیل پاسخ فرمایند:

1. اگر کسی منزلی را بفروشد و پول را هم تحویل بگیرد، ولی بعد از گذشت هشت ماه از فروش منزل آیا جایز است که فروشنده پشیمان شده و بگوید منزل را ارزان فروختم و ادعای افزایش قیمت آن را بنماید؟

2. اگر کسی منزلی را با قیمت معینی بفروشد و پول را هم تحویل بگیرد، ولی بعد از گذشت هشت ماه از فروش منزل، آیا جایز است که فروشنده پشیمان شده و بگوید منزل را ارزان فروختم و ادعای نصف نمودن منزل را با خریدار بنماید؟

3. اگر کسی منزلی را بفروشد و پول را هم تحویل بگیرد، ولی بعد از گذشت هشت ماه از فروش منزل، آیا جایز است که فروشنده پشیمان شده و ادعای پس گرفتن منزل را از خریدار بنماید؟

بسمه تعالی، 1 و 2 و 3. اگر محرز شود که یکی از طرفین معامله مغبون شده، می تواند معامله را فسخ نماید و حق دیگری ندارد.

ص: 162

4. اگر کسی منزل خود را بفروشد، ولی خریدار همان لحظه پول نقد نداشته باشد و به فروشنده بگوید: تا بیست روز دیگر پول تهیه خواهم کرد و فروشنده هم قبول نماید و بعد از فراهم نمودن پول، فروشنده وجه را تحویل بگیرد، ولی بعد از گذشت هشت ماه از فروش منزل آیا جایز است که فروشنده پشیمان شده و ادعا نماید که شما پول دیر به من داده اید و منزل را از خریدار پس بگیرد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، حق فسخ و پس گرفتن را ندارد.

در پایان، سلامتی و طول عمر آن رهبر عظیم الشان و همچنين پیروزی سربازان اسلام را بر علیه سربازان کفر صدامی از خداوند متعال آرزومندم. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار،

[سؤال 7159] 3618

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی، رهبر عزیز و بنیان گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی، دام بقاؤه

محترماً به عرض می رسد: دو نفر در شهرستانی خانه اشتراکی داشتند؛ یکی از شریک ها در روستا ساکن بوده و دیگری در شهرستان در همان خانه اشتراکی ساکن بوده، بدون این که دیناری حق الاجاره به شریکش بدهد. بعد از مدتی آن شخصی که در خانه اشتراکی سکونت داشته، می رود به روستا از شریکش سهم خانه شریکش را بدون نظریه کارشناس و معمار و خبره، به قیمتی خریداری می نماید به عنوان قولنامه؛ در صورتی که قولنامه را شریکش امضا نکرده. فروشنده بعد از هشت روز از تاریخ معامله، به شهرستان می رود.

با تحقیقات صحیح معلوم می شود شریکش کلاه گذاشته به سرش؛ عمارت را از قیمت روز خیلی ارزان خریده و غبن فاحش کرده؛ سه روز هم در شهر جهت تحقیقات مانده. بعد از سه روز به شریکش ابلاغ نموده که مرا مغبون کرده ای؛ من به این قیمت سهم خود را نمی فروشم؛ یا حق غبن را بده و رضایت مرا به دست بیاور تا معامله انجام گیرد و یا حق غبن را من به تو می دهم عمارت را به من واگذار نما و یا پولی که پرداخت کرده ای قبول کن. شریکش هیچ کدام را قبول نکرده، می گوید: من

ص: 163

معامله قطعی کرده ام، حق غبن به تو نمی رسد. شریک فروشنده چندین مرتبه حاضر شده پولی که گرفته، پس بدهد؛ در حضور چند نفر، خریدار امتناع ورزیده، قبول اخذ را نکرده و به حضور حاکم شرع هم حاضر نمی شود.

حالیه مستدعی است حکم خدا را بیان فرمایید؛ آیا حق غبن فروشنده و حق الاجاره ثابت است یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، فروشنده خیار غبن دارد و می تواند معامله را فسخ نماید.

[سؤال 7160] 3619

بسمه تعالی

جهت دفتر امام خمینی مسأله شرعی

اگر معامله ای بشود و مدت 5/2 ماه از مهلت آن بگذرد و سند در دفتر اسناد رسمی به نام خریدار شود و خریدار بعد از این مدت بفهمد و ثابت کند که در موقع معامله مغبون بوده و ولی علم به غبن نداشته و متوجه گرانی آن نبوده و مورد معامله را به قیمت گران تری به طوری که به زیادی و کمی آن اهمیت فراوان داده می شود خریده باشد و حالا مغبون شده آیا خیار فسخ دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر اسقاط خیار نشده باشد حق فسخ دارد.

[سؤال 7161] 3620

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، آیت الله العظمی حاج آقا خمینی، دام ظلّه العالی

عرض می شود: شخصی زمینی را فروخت و خودش مسافرت کرد. در محل مسافرت فهمید که مغبون واقع شده به غبن فاحش. نامه به مشتری نوشت که در این معامله غبن واقع شده است؛ لذا فسخ کردم. آیا این فسخ نافذ است یا خیر؟

ص: 164

بسمه تعالی، کتابتِ تنها فسخ نیست. ولی اگر فسخ کرده و کتابت وسیلهٔ ابلاغ بوده، فسخ نافذ است.

[سؤال 7162] 3621

بسمه تعالی 1361 / 12 / 4

محضر رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، دامت افاضاته

ضمن تقدیم خالصانه‌ترین احترامات؛ در رساله توضیح المسائل معظم له، مسأله 2124 در خصوص مواردی که انسان می‌تواند معامله را به هم بزند چنین توضیح داده شده: «اول؛ آن که از محل معامله متفرق نشده باشند و این خیار را خیار مجلس می‌گویند؛ دوم؛ آن که مغبون شده باشند، (خیار غبن)».

ارائه طریق فرمایند که فروشنده یا خریدار از تاریخ انعقاد معامله تا چه فاصله زمانی می‌توانند معامله را تحت عنوان خیار غبن به هم بزنند؟

از محضر مبارکتان استدعا می‌شود در این باره فتوای شرعی را ذیل همین نامه مرقوم و مرحمت فرمایند که مورد نیاز ضروری است.

بسمه تعالی، فاصله مشخصی اعتبار ندارد و هر وقت ثابت شود که غبن بوده و سایر شرایط خیار هم موجود است، حق فسخ ثابت می‌شود.

[سؤال 7163] 3622

بسمه تعالی

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی جناب آقای امام خمینی

پس از عرض سلام، محترماً به عرض عالی می‌رساند: يك نفر يك خانه باغچه را به شخص دیگری فروخته. بعد از معامله، طرفین تا چند مدت (چند روز و یا چند ماه) می‌توانند ادعای غبن و یا فسخ نمایند، با توجه به این که قیمت ملك هر روز در حال ترقی و یا تنزل می‌باشد؟

بسمه تعالی، مدتی مخصوص ندارد و ترقی و تنزل قیمت موجب غبن و

ص: 165

خیار فسخ نمی شود. بلی اگر ثابت شود که در وقت عقد، غبنی در کار بوده، با جهل شخص، خیار غبن ثابت می شود.

[سؤال 7164] 1890

29. گاهی اجناسی در شهری ترقی می کند افرادی می روند به شهرستان که خبر از ترقی ندارند اجناسی به قیمت ارزان می خردند ولی قیمت محل اجناس همان است که خریده اند پس از چند روز صاحب های جنس متوجه ترقی می شوند ادعای غبن می کنند آیا خیار غبن دارند یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مزبور خیار غبن ندارند.

[سؤال 7165] 3623

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

شخصی که قطعه باغ گل و بادام خریداری می نماید و فروشنده اطلاع کامل از قیمت آن نداشته است خریدار می گوید هر وقت پشیمان شدی باغ برای خودت ولی باز هم فروشنده می گوید معامله را فسخ نمی کنم بعداً خانواده فروشنده مطلع می شوند و فروشنده را وادار به فسخ می نمایند و ثابت می شود که غبن دارد خریدار مبلغی بابت غبن پرداخت می نماید و فروشنده قبول می کند اما معلوم می شود که بیش از آنچه بابت غبن پرداخت شده است مغبون است آیا فروشنده حق دارد که معامله را فسخ نماید یا این که بقیه مبلغ غبن را می تواند بگیرد؟ البته موقع پرداخت آن مبلغ گفته اند بابت سقوط غبن و فروشنده هم قبول کرده ولی از نظر اهل خبره غبن باقی است مستدعی است حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، مجرد گفتن این که فسخ نمی کنم اسقاط خیار نیست و اگر پول در مقابل غبن خاص داده شده و بعد معلوم شده که غبن بیش از این ها است خیار غبن ساقط نشده است.

ص: 166

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

جنسی را با علم به این که در چند روز آینده کیلویی 7 تومان می شود به کیلویی 11 تومان، خریده و مصرف نموده ام. پس از مصرف متوجه شده ام که شخص فروشنده جنس را کیلویی 5 تومان خریده است و چون می دانسته که من این جنس را همیشه کیلویی 11 تومان می خرم و مرکز تهیه این جنس را بلد نیستم، از عدم آگاهی من سوء استفاده نموده و جنس را به قیمت کیلویی 11 تومان به این جانب فروخته است. بفرمایید از نظر شرع مقدس آیا می توانم جنس را کیلویی 5 تومان تهیه و به ایشان بدهم و پولم را دریافت دارم؟ والسلام

بسمه تعالی، اگر جنس را به بیش از قیمت عادلۀ روز خریده و در هنگام خرید، اطلاع از قیمت عادلۀ آن نداشته و در نتیجه مغبون شده و پیش از اطلاع از غبن، آن را مصرف کرده و از بین برده، می تواند معامله را فسخ کند و پول پرداختی را پس بگیرد و در این صورت، باید به جای جنس مصرف شده، قیمت عادلۀ روز پس دادن را به فروشنده برگرداند و اگر جنس از مثلیات باشد، باید پس از فسخ معامله، به جای جنس مصرف شده، مثل آن را به فروشنده برگرداند.

خيار تأخير

4. اگر کسی منزل خود را بفروشد، ولی خریدار همان لحظه پول نقد نداشته باشد و به فروشنده بگوید: تا بیست روز دیگر پول تهیه خواهم کرد و فروشنده هم قبول نماید و بعد از فراهم نمودن پول، فروشنده وجه را تحویل بگیرد، ولی بعد از گذشت هشت

ص: 167

ماه از فروش منزل آیا جایز است که فروشنده پشیمان شده و ادعا نماید که شما پول دیر به من داده اید و منزل را از خریدار پس بگیرد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، حق فسخ و پس گرفتن را ندارد.

خيار رؤیت

[سؤال 7168] 3625

بسمه تعالی

محضر شریف حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پس از عرض سلام، خواهشمند است عطف توجه فرموده جواب مسأله ذیل را مرقوم فرمایید:

شخصی مقدار معینی از سهام يك قطعه زمین مشخص را به طور مشاع به دیگری می فروشد. در معامله قید می کنند که مقدار سهم فروخته شده 1055 متر است و در ذیل سند رسمی نیز ذکر شده است که مورد معامله به اقرار متعاملین 1055 متر است. بعد از آن که سهام را تفکیک کردند، کشف شده است که سهم مورد معامله بیشتر از متراژ فوق است. آیا در این صورت فروشنده حق مطالبه اضافه زمین را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، با فرض وقوع معامله بر سهام معینه، خریدار می تواند سهام مورد معامله را مطالبه کند. و اگر زیادتر از مقداری که به آن توصیف کرده اند باشد، فروشنده خيار تخلف وصف دارد.

[سؤال 7169] 3876

2. چنانچه مالك زمین، بدون اطلاع و رضایت مالك اعیانی (یعنی سازنده بنا) و بدون ذکر جریان احداث اعیانی به خریدار، ملك خود را به غیر منتقل نماید آیا خریدار حق دارد مالك اعیانی را به رسمیت نشناسد و او را از ملك ساخته شده به وسیله خودش بیرون کند یا این که حق اعیانی سازنده بنا محترم است و خریدار

ص: 168

نمی تواند مدعی فروشنده گردد؟

بسمه تعالی، خریدار اگر قبلاً اطلاع نداشته، پس از خریدن زمین و اطلاع از وجود ساختمان دیگران در آن، می تواند به فروشنده مراجعه و معامله را فسخ کند.

خيار عيب

[سؤال 7170] 3626

بسمه تعالی

مسئولين محترم دفتر حضرت امام خميني، دام ظلّه

بعد از سلام، شخصی زمینی را که می دانست این زمین با آمدن خط اتوبان از بین خواهد رفت بدون آگاه ساختن خریدار، فروخته؛ البته به توسط بنگاهدار. و البته در موقع فروختن، زمین را به عینه به خریدار نشان نداده و بعد از مدتی خریدار آمده، گفته زمین را تحویل دهید. گفته: برو با مهندس تحویل بگیر. مهندس با دیدن این شماره ملك، گفته که این زمین برای اتوبان رفته است. آیا این معامله فسخ است یا خیر؛ نظر مبارك امام در این باره چیست؟ لطفاً دستور امام را به دادگاه نوشته تا به کار این جانبان رسیدگی نمایند؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، خریدار می تواند معامله را فسخ کند.

[سؤال 7171] 3627

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

چه می فرمایید در این مسأله شرعی: شخصی گوسفند یا گاوش مریض می شود. از ترس این که بمیرد و متضرّر شود به قصابی به ارزان تر از قیمت حیوان سالم می فروشد.

قصاب پس از ذبح، گوشت آن را به مشتری ها که از ماجرا خبر ندارند، می دهد. نوعاً

ص: 169

گوشت حیوان کذایی، مسموم و مضر است. آیا معامله صاحب گوسفند با قصاب، و قصاب با مشتری ها جایز و پول آن حلال است یا خیر؟ یا مشتری گوشت حق خیار عیب دارد؟ حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، معامله صحیح است و چنانچه گوشت معیوب شمرده می شود، برای خریدار خیار عیب ثابت است و اگر تدلیس نماید حرام است.

[سؤال 7172] 3628

بسمه تعالی 1361 / 10 / 27

مسئولین دفتر محترم امام، احتراماً؛ تقاضا دارد حکم شرعی مسائل زیر را طبق نظر امام صراحتاً اعلام فرمایید.

1. شرکت ما با یک شرکت دیگر قرارداد بسته تا هر روز غذای مناسبی به کارگران ما بدهد؛ لیکن بر اثر بی دقتی آشپزها و یا احياناً موارد و مسائل دیگری که مربوط به آن شرکت است - مثلاً - خورشت کاملاً خراب شده و قابل مصرف نیست و به دور ریخته شده و فقط برنج خالی به کارگران می دهند و یا احياناً برنج، کاملاً کال (نپخته) بوده و خورشت خالی با کمی نان به کارگران می دهند و یا... آیا در این طور مواقع می توان به عنوان جریمه، حتی پول برنج خالی یا خورشت خالی را نیز به آن شرکت پرداخت و معادل کل پول غذا را به کارگران داد یا باید قیمت هر چه که تهیه نموده اند و قابل مصرف بوده را به وی پرداخت و بقیه را به کارگران که پول غذا، حق هر روزشان است پرداخت؟

بسمه تعالی، پول مقداری که قابل مصرف شدن است را باید بدهند و می توانند تمام غذا را برگردانند و غذای مناسب و سالم طلب کنند.

2. آیا می توان برای ایجاد سوله (ساختمان فلزی کارگاه) جهت تولید بیشتر که به تأیید مقامات وزارتخانه مربوطه نیز رسیده، جهت اخذ پروانه، به شهرداری مراجعه نکرد؟ چون آن قدر ضوابط دست و پا گیر دارد که احتمال مخالفت صریح نیز می رود؛ علی رغم نیاز کشور در این

ص: 170

مقطع حساس، جهت توسعه سریع صنایع.

بسمه تعالی، باید مقررات، مراعات شود.

3. آن هایی که با حکم رانندگی در ادارات استخدام می شوند: اگر عموماً مسافتشان کمتر از چهار فرسخ باشد و استثنائاً از چهار فرسخ بیشتر بروند، آیا حکم راننده بر آن ها جاری است؟

بسمه تعالی، اگر شغل آن ها رانندگی - در اعم از مسافت و غیر مسافت - است، باید در سفر شغل، تمام بخوانند.

4. اگر کارشان طوری باشد (مانند مأموران آمار) که مثلاً سه ماه یا بیشتر یا کمتر، در اداره می مانند و بقیه اوقات سال را به مأموریت می روند، آیا آن ها نیز حکم راننده را دارند؟

بسمه تعالی، در مدتی که مشغول به سفر و رانندگی هستند، تمام بخوانند و مدتی که در اداره هستند، شکسته بخوانند.

[سؤال 7173] 3629

بسمه تعالی 1358 / 9 / 27

محضر رهبر بزرگ انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

با کمال احترام؛ به عرض می رساند: فروشنده ای خانه ای را بر خیابان می فروشد که خیابان از طرف شهرداری مقداری عقب نشینی داشته است و خریدار موقع معامله مطلع نبوده است؛ ولی بعد از انجام معامله اطلاع پیدا می کند. آیا خریدار به واسطه این عیب می تواند معامله را فسخ نماید و خسارت خود را از فروشنده مطالبه کند؟

بسمه تعالی، اگر در نظر عرف به نحوی باشد که عیب محسوب شود و در حین معامله هم موجود بوده و مشتری اطلاع نداشته، حق فسخ دارد.

[سؤال 7174] 3630

بسمه تعالی 1361 / 9 / 26

جناب زعیم الملة و امام الأمة، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، ضمن آرزوی سلامتی و تندرستی برای آن وجود مبارک، استدعا دارد جواب مسائل ذیل را بیان و با مهر شریف مزین فرماید.

ص: 171

1. يك زارع از شخصی تخم زراعت خریده و با زحمات و هزینه های زیاد، همان تخم را کاشته است؛ در موقع برداشت محصول معلوم شده آن شخص تقلب نموده، تخم ها خراب یا عوضی بوده است؛ در نتیجه آقای زارع زحمات يك ساله اش بر باد رفته و به ضرر افتاده است. آیا خسارت زارع را فروشنده تخم باید بدهد یا نه؟ و اگر فروشنده گوید که سهواً این کار شده است، در این صورت وظیفه چیست؟ هر دو صورت را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، خسارات زرع بر فروشنده نیست؛ ولی اگر چیزی که خریده معیوب بوده، در فرض مسأله می تواند تفاوت قیمت صحیح و معیوب آن را بگیرد.

2. شخصی از شخصی 20 تن جنس خریده و قیمت کلی آن 750/000 ریال می شود؛ بدون این که جنس را وزن کند و تحویل بگیرد، 100/000 ریال بیعانه داده و قرار شده بقیه وجه را بیاورد و جنس را تحویل بگیرد. بعد از مدت طولانی آمده است و تقاضای فسخ معامله را می نماید و مطالبه بیعانه را می کند؛ و از این طرف، جنس مورد نظر ارزان شده است و آقای فروشنده با اتکا به قول شخص خریدار، جنس را نفروخته است. در این صورت وظیفه طرفین چیست؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر معامله تمام شده، حق فسخ ندارد؛ مگر آن که در ضمن معامله شرطی شده باشد.

3. شخصی عمداً سنگی انداخت و شیشه اطاق شخصی را شکست. آیا ضامن است که قیمت یا خود شیشه را بدهد یا نه؟

بسمه تعالی، ضامن است.

[سؤال 7175] 3631

بسمه تعالی هشتم ذی القعدة 1399 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه

پس از عرض سلام و طلب دعا عرض می شود که: اگر کسی خانه ای را بدون ذکر عیب با تبرّی از آن عیب بفروشد و قسمتی از ثمن را قبض کند و مشتری هم خانه را بدون علم به عیب تصرف کند - به این معنا که در آن خانه سکونت کند و تغییرات

ص: 172

جزیی و غیر اساسی در آن انجام دهد - پس از گذشت حدود سه ماه، مشتری معیوب بودن خانه را کاملاً احراز کند. آیا در این صورت برای مشتری خیار عیب باقی است یا ساقط می شود؟ و چنانچه خیار عیب ساقط شود و مشتری حق فسخ معامله را نداشته باشد، آیا بر بایع لازم است که آن عیب را به طور اساسی رفع کند و یا این که باید ارزش آن عیب را بدهد؟ و آیا ضامن خسارات وارده بر مشتری در اثر آن عیب می باشد. و چنانچه خیار عیب باقی باشد و معامله فسخ شود، آیا بر مشتری لازم است که اجرت منافع استیفا شده خانه را بدهد؟ و آیا بر بایع هم چنین حکمی جاری است؟ یعنی اجرت منافع آن مقدار از ثمن را که قبض نموده و در این مدت از مشتری تقویت شده است، بدهد؟

بسمه تعالی، با تبری از عیب در وقت عقد، خیار عیب ساقط است و حق مطالبه ارزش هم ندارد.

خيار تخلف شرط

[سؤال 7176] 3632

بسمه تعالی 1361 / 9 / 28

به نام او و به یاد امام امت و جمیع شهدا و صالحین و صدیقین

اگر در ضمن معامله، شرطی گذاشته شود و یکی از طرفین به شرط عمل نکند، طرف دیگر حق فسخ معامله را دارد؟

بسمه تعالی، در صورت تخلف، خیار ثابت است.

[سؤال 7177] 3633

بسمه تعالی 1361 / 11 / 27

دفتر مبارك امام امت و مرجع عموم مسلمین جهان امام خمینی ادام الله ظلّه علی رؤوس المسلمین

ص: 173

به استحضار می‌رساند شخصی يك دانگ و نيم از ملك خویش را به دیگری فروخته با مبلغی در حدود سیصد هزار تومان نقد و يك میلیون و یکصد هزار تومان نسیه به مدت دو سال به ضمیمه پانصد هزار تومان طلب بانك که روی این ملك بوده به شرط این که خریدار در رأس مواعدهای مقررده بدهی های خود را به بانك و فروشنده بدهد. ملك به تصرف خریدار درآمده و به جای يك دانگ و نيم، كل شش دانگ را غصباً تصرف کرده و هرگونه تصرف ناروایی را در آن انجام داده، فروش تراکتورها و ماشین آلات سنگین کشاورزی و قطع اشجار کهن سال چهار متری و فروش قطعاتی از زمین و ایجاد ساختمان های زیاد مسکونی و غیر آن و در مقابل، شروط پرداخت پول ملك را به فروشنده و بانك عمل نکرده و تخلف نموده است. به نظر حکام والامقام شرع مطاع چنین بیع و معامله اصولاً صحیح و مرضی یا باطل و فسخ است؟ برای اصلاح امور امت ذیلاً فتوای حضرت امام اعظم را در این ورقه توشیح بفرمایید.

بسمه تعالی، بیع نسبت به مقدار تعیین شده صحیح و شرایط واجب الوفاء است، و خریدار حق تصرف در زاید بر مورد معامله را ندارد و اگر تخلف از شرایط نماید برای فروشنده حق الزام او به عمل به شرط می باشد و چنانچه ممکن نشد می تواند معامله را فسخ نماید.

[سؤال 7178] 3634

بسمه تعالی 1361 / 11 / 18

محضر مبارك حضرت آیت الله امام خمینی دامت برکاته

پس از تقدیم سلام و تحیات و افره استدعا دارم به يك سؤال ذیل پاسخ فرمایید: يك قطعه زمین را در اوایل فروردین ماه 1357 فروختم، مدت حدود سه سال مبلغی پول از خریدار گرفتم و الباقی قید شد به صورت اقساط ماهیانه خریدار بدهد و سند عادی به نام خریدار نوشته شد. در سند قید شد وقتی خریدار تمام قسط پول را

ص: 174

پرداخت کرد، سند رسمی را به خریدار انتقال بدهم. خریدار چند قسط را پرداخت و بعد از اواخر سال 57 دیگر پرداخت نکرد. البته زمین هم گران شد مدتی گذشت، مبلغی از پول را گرفتم و مبلغی مانده است لذا خریدار وقتی دید زمین را به صورت رسمی نمی شود انتقال داد می گوید من پول خودم را می خواهم. آیا این معامله صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، اگر شرط شده که پس از پرداخت پول، زمین رسماً انتقال داده شود و عمل به شرط ممکن نیست، خریدار حق فسخ دارد.

[سؤال 7179] 3635

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

هرگاه شخصی مغازه ای را به فردی بفروشد و مقداری از پولش را دریافت کند و در قولنامه شرط کند که باقیمانده را مشتری تا شش ماه بپردازد، اما مشتری به این شرط

عمل نکرد و فروشنده مغازه مذکور را به دیگری در محضر فروخت آیا شرعاً مشتری اول مالک است یا مشتری دوم؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط شده که در مدت معین بقیه پول داده شود یا عقد مبنی بر آن واقع شده و مشتری تخلف کرده با فروش شخص فروشنده مشتری دوم مالک می شود.

[سؤال 7180] 3636

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب

شخصی خانه ای را از شرکت ساختمانی خریداری و پس از مدتی به شرکت مزبور توصیه می کند که خانه را از طرف من بفروشید؛ شرکت خانه را به شخصی به قیمت

ص: 175

تقریباً یک میلیون تومان می فروشد؛ مبلغ ششصد هزار تومان را تحویل می گیرد و مبلغ چهارصد هزار تومان دیگر را قرار است خریدار طی چند هفته در مدت معین بدهد؛ و نیز مقرر شد که مالک، پس از رسید تمام قیمت، معامله را امضا و اصل قبالة خرید را انتقال بدهد؛ ناگفته نماند که خریدار خانه را متصرف شده اما مابقی قیمت خانه را که مبلغ چهارصد هزار تومان بود پرداخت نکرده و مدت بیش از دو سال از مدت پرداخت آن گذشته است؛ حال فروشنده می گوید: چون شرط انجام قطعی معامله و انتقال سند، پرداخت بقیه وجه بوده و خریدار در وقت معین و تا کنون مابقی پول را پرداخت نکرده، معامله فسخ است و خانه را نمی فروشم؛ و شخص خریدار مدعی است که معامله لازم شده و خانه را پس نمی دهم. آیا در این صورت، فروشنده حق فسخ معامله را دارد یا خیر؟ با احترام

بسمه تعالی، اگر شرط شده که خریدار در وقت معین، پول را بدهد و تخلف شده، فروشنده حق فسخ دارد.

[سؤال 7181] 3637

بسمه تعالی 1361 / 8 / 29

نایب الإمام، امام خمینی، دام ظلّه العالی

1. شخصی زمین خود را به برادر خود فروخته، مقداری از ثمن را گرفته، بقیه ثمن را در موعد سه ماه قرار می گذارد. ولی بعد از سه ماه، به واسطه اختلاف در جنس و نقد بودن آن؛ در دادن ثمن تأخیر می شود. بعد فروشنده، پشیمان می گردد. آیا این بیع، صورت پذیرفته و صحیح است؟

بسمه تعالی، اگر شرط شده که بقیه ثمن در موعد مرقوم پرداخت شود، در صورت تخلف، فروشنده حق فسخ پیدا می کند و تا فسخ نکرده، بیع به حال خود باقی است.

2. شخص مذکور، بعداً زمین خود را وقف می کند و مشتری مذکور، در مجلس وقف می گوید از معامله

ص: 176

بالا صرف نظر کردم به شرط این که وقف صحیح باشد. آیا معامله بالا فسخ شده، و وقف صحیح است؟

بسمه تعالی، اگر بعد از سه ماه، با تخلف شرط، فروشنده این کار را انجام داده؛ فسخ محقق شده. ولی صحت وقف، محل اشکال است، مگر این که اول فسخ کند و بعد وقف نماید.

[سؤال 7182] 3638

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

کسی حیوان حلال گوشت را می فروشد به شرط آبستن بودن، خریدار این حیوان را می برد به خانه خود بعداً معلوم می شود که آبستن نیست مشتری می تواند معامله را فسخ کند یا مقداری از قیمتش کم کند؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، می تواند معامله را فسخ کند و حق گرفتن تفاوت ندارد.

[سؤال 7183] 3639

بسمه تعالی 1361 / 5 / 12

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی، دامت برکاته

ضمن ابلاغ مراتب سلام، به عرض عالی می رساند: شخصی خانه ای را به کسی فروخته؛ خریدار مبلغی را نقداً پرداخته و قرار شده بقیه را به اقساط و در مواعد مقرر

پرداخت نماید؛ لیکن خریدار مذکور، اقساط معینه را در رأس موعد نپرداخته و از موعد هر قسط، ماه ها گذشته. آیا فروشنده حق فسخ معامله را از بابت تخلف شرط و خیار تأخیر دارد یا خیر؟

در خاتمه، عزت و سعادت و سلامت تام آن حضرت و پیروزی کامل اسلام و مؤمنین را از ایزد لایزال خواهانم.

بسمه تعالی، مورد خیار تأخیر نیست؛ بلی اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که ثمن در مواعد مقرر، به اقساط پرداخت شود و تخلف شده، خیار تخلف شرط ثابت است.

ص: 177

بسمه تعالی

پس از عرض سلام این جانب قطعه زمینی از شخصی خریداری نمودم وکالتی بدون سند که بعد از ارزیابی نمودن و پرداخت مالیات به نام خودم یا دیگری سند صادر کنم وکالت که به بنده داد پول زمین را به صاحب ملک پرداختم رفتم اداره ثبت مهندس بردم که ارزیابی کنم گفت شماره زمین اشتباه می باشد شماره زمین شما آن خانه های ساخته شده است این زمین نیست خلاصه دو سال زحمت کشیدم تا شماره را درست کردم و تفکیک نمودم اعاده سند شد رفتم محضر به نام کنم محضردار گفت وکالت يك اشکال دارد برو صاحب زمین را بیاور رفتم پیش صاحب زمین که بیا برویم محضر زمین را به نامم کن گفت برو رعیت سابق زمین را راضی کن تا من بیایم محضر زمین به نامت کنم گفتم شما چه کار دارید به رعیت اگر بیاید سراغ من ایشان را راضی خواهم کرد گفت من نمی آیم بنده هم رفتم بعد از پنج روز بخش نامه آمد برای محضر که زمین را نمی توانید بفروشید چون از 1500 متر زیادتر است فعلاً ایشان نمی توانند زمین را به نام بنده کنند از محضر مبارك سؤال می شود که آیا این معامله صحیح است یا خیر؟ و می توانم رجوع به بایع نمایم تا پولم را دریافت کنم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن معامله شرط شده یا معامله مبنی بر این شرط واقع شده که فروشنده انتقال محضری بدهد و تخلف شده خریدار حق فسخ و مطالبه پول را دارد.

بسمه تعالی 1361 / 8 / 28

دفتر مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

تقاضا دارد در مورد خرید يك دستگاہ آپارتمانی که بر اساس سند عادی (قولنامه)

ص: 178

در سال 1357 خریداری و آپارتمان نیز از تاریخ 1357/7/15 پس از صرف هزینه به وسیله خریدار تکمیل و به وسیله فروشنده به عنوان انجام معامله تحویل خریدار شده و مالک نیز در موعد مقرر جهت تنظیم سند رسمی در دفترخانه حاضر نگردیده است و اکنون به علت تورم و بالا رفتن قیمت، فروشنده خواهان تخلیه و پرداخت وجه الضمان ضمن عقد مندرج در سند عادی (قولنامه) به خریدار است نظر شرعی را بیان فرمایید که آیا فروشنده می تواند ادعای تخلیه خانه را بنماید؟

آیا فروشنده می تواند ادعای دریافت اجاره نماید؟

آیا دادگاه مدنی می تواند بدون در نظر گرفتن حکم شرعی اقدام به صدور رأی کند؟

تکلیف شرعی و قانونی خریدار در مورد فوق چیست؟

کلاً نظر شرع انور در این مورد به چه طریق می بایستی برآورده شود؟

بسمه تعالی، مسأله مربوط به دادگاه های مربوطه است و در صورت تمامیت معامله، شرایط مقررّه در ضمن آن نافذ و لازم العمل است.

احکام خیار

[سؤال 7186] 3642

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی با شرایط کامل و در حال هوش و عقل و صحت بدن، همه زمین خود را به دو تا دختر بالغ به بیع خیار و جایزی به مدت یک سال خیار فروخته است. شخص مذکور قبل از انقضای مدت مذکور فوت کرده است و دو تا همسر که داشته است در حین فوت مذکور حامله بوده اند. بعد از فوت فرد مذکور دو تا پسر به دنیا می آید و حال آن که شخص مذکور وصی هم نداشته است. زمین بیع خیار را این دو

ص: 179

پسر نوزاد به توسط اقارب و یا عدول مؤمنین از خواهران می توانند فسخ کنند یا خیر؟ توسط کدام يك از اقارب می توانند قبل از انقضای مدت خیار؟ در صورت عدم فسخ شرعی، فسخ پسران بعد از بلوغ چه صورت دارد؟ واضح فرمایید.

بسمه تعالی، حق خیار به تمام ورثه از جمله زن، ارث می رسد؛ ولی اعمال آن منوط به توافق تمام ورثه است. و ولی شرعی صغیر، بدون موافقت سایر ورثه، از جمله دو دختر میت که خریدار زمین بوده اند، نمی تواند فسخ کند و بعد از گذشتن مدت خیار، معامله لازم و غیر قابل فسخ می شود.

چیزهایی که عرفاً جزء مبيع محسوب می شود

اشاره

[سؤال 7187] 3643

بسمه تعالی 1358 / 3 / 5

حضرت مستطاب، آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران و یاور مستضعفین.

محترماً به عرض آن مقام معظّم می رساند که در تاریخ 14 / 12 / 1353 این جانب، زمینی از عموی خود، در حضور فرزندانش که ساکن تهران می باشند و چند نفر دیگر، خریداری نموده است. پس از گذشت دو سال؛ یعنی در سال 1355، شخص فروشنده از خویشی که با ما دارد سوء استفاده نموده و از معامله فوق الذکر اظهار پشیمانی نموده. خلاصه از طریق کدخدا منشی و با ده هزار تومان دیگری که این جانب پرداخت کردم؛ قضیه فیصله پیدا کرد. اکنون ایشان با یاری فرزندش، دوباره ادّعا کرده که قسمت دیمزاری و برویان رعیتی فوق الذکر را به شما نفروخته ام. سپس به دادگستری شکایت نموده و بنده را برای ادای توضیح به دادگستری احضار نموده اند. دادیار دادگستری معامله ما را طبق قوانین زمان طاغوتی که جز ظلم در حق ضعفا چیزی نبوده است، باطل اعلان نمود. بنده در این پنج سال بهره مالکانه را نیز به حکم

ص: 180

شرعی پرداخت نموده ام. آیا از نظر قوانین شرعی و الهی خلاف نموده اند یا خیر؟ بنده برای پرداخت قیمت زمین در پنج سال قبل، به اضافه ده هزار تومان ادعایی مذکور؛ فرش زندگی خود را فروخته ام. آیا این عمل دادگستری که ظالم را بر مظلوم حاکم گرداند درست است؟ در خاتمه به عرض عالی می رسانم که در روستای مذکور ده ها مورد از این نوع معامله انجام شده است. از پیشگاه محترم نایب الامام تقاضای رسیدگی فوری می نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر قسمت مورد نزاع از لواحق و توابع عرفیه مبیع یا جزء مبیع بوده ملک خریدار است. و نزاع باید در محکمه شرعیه حل و فصل شود.

[سؤال 7188] 3644

بسمه تعالی 14 / 7 / 1358

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی، محترماً معروض می دارد ملکی خریداری شده و در قباله محدود شده از شرق به باغ فلان از غرب به کجا و از شمال به قله کوه و تمام عیون و اشجار و توابع و لواحق در قباله قید شده، در این محدوده چشمه ای است با اشجار آیا صاحب قباله مالك آن چشمه و اشجار هست یا خیر؟

بسمه تعالی، قباله مدرکیت شرعیه ندارد چنانچه ملک داخل محدوده را با همه توابع و لواحق خریده چشمه را هم مالك است.

[سؤال 7189] 3645

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی

حمامی از سال های قدیم دارای راه پله و درب حمام بوده است، اکنون شش دانگ حمام را مالك شرعی آن به دیگری فروخته است. آیا راه پله و درب حمام جزء ملک

ص: 181

فروخته شده می باشد؟ غیر از خریدار شش دانگ حمام کس دیگری حقی به آن دارد یا نه؟

بسمه تعالی، حمام فروخته شده اگر راهی و پله ای به جز راه ورود ذکر شده نداشته و یا آن که راه و پله ذکر شده داخل ساختمان حمام قرار داشته، راه و پله ذکر شده جزو مبیع است و ملک خریدار می باشد.

قبض و تسلیم (گرفتن و واگذار کردن)

[سؤال 7190] 3646

بسمه تعالی 1361 / 9 / 30

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

پس از سلام و آرزوی طول عمر آن رهبر عزیز، به عرض می رسانم که: از نظر شرع مقدس اسلام نظریه خود را در مورد خرید يك باب آپارتمان مرحمت فرمایید که مورد حاجت می باشد.

1. تا کنون که حدود شش ماه از تخلیه می گذرد، فروشنده آپارتمان را تحویل نداده؛ آیا مسئول خواهد بود یا خیر؟

2. آیا فروشنده می تواند پس از مدت يك سال و یا دریافت تمامی مبلغ، معامله را بدون رضایت خریدار فسخ کند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت تمام شدن معامله، فروشنده، مبیع را باید تحویل دهد و بدون وجود یکی از اسباب خیار، حق فسخ ندارد.

[سؤال 7191] 3437

3. آیا فروشنده ضامن پرداخت خساراتی که به خریدار در اثر عدم واگذاری مورد معامله وارد شده، می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، ضامن نیست.

ص: 182

محضر منور حضرت مستطاب، آیت الله العظمی، رهبر عالی قدر و بنیان گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی، روحی فدا، پس از اهدای سلام و تحیات

1. منزلی مشترك بين دو نفر به طور مشاع بود و بعد یکی از آن ها سهم دیگری را به مبلغ سیصد هزار تومان می خرد، طبق يك برگ قولنامه و بعداً هم يك وكالت بلاعزل از شريك خود می گیرد و بعد در طول مدت دو سال، يك مرتبه بیست هزار تومان كسر می كند و مرتبه دوم پنجاه هزار تومان كسر می كند و مرتبه سوم هجده هزار تومان كم می كند و در آخر، مبلغ دویست و دوازده هزار تومان به شريك خود می دهد و بعداً طبق آن وكالت، شش دانگ را به اسم خود می كند؛ آیا از نظر شرعی این معامله به حال خود باقی است یا طرف می تواند سهم خود را دریافت كند؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، معامله تمام شده و صحیح و لازم است و فروشنده فقط نسبت به بقیه پولش حق دارد.

[سؤال 7193]

2. مغازه و کارخانه ای بین دو نفر به شراکت بوده است و بعداً آن طرف مبلغ بیست هزار تومان به دلالی می دهد که سهمیه رفیق او را به ثمن بخش خریداری كند (با وعده های دروغ) و بعداً آن طرف، سهم رفیق خود را به سیصد و هفتاد و پنج هزار تومان می خرد و بعداً آن شريك می فهمد که طرف، مبلغ مذکور را برای انجام معامله به او می دهد و سند هنوز به نام شريك است؛ آیا از جهت شرعی چنانچه بخواهد ایشان سهم خود را تصاحب كند، شرعاً مانعی ندارد؟ و چنانچه طرف ابا نماید، تصرفات او غاصبانه است یا نه؟

بسمه تعالی، بعد از تمامیت معامله، فروشنده باید مبیع را تحویل دهد؛ بلی اگر مغبون باشد حق فسخ دارد.

محضر مبارك حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی

پس از اهدای سلام به پیشگاه مبارك؛ سلامت و سعادت و طول عمر جناب عالی را از خداوند خواهانم.

این جانب تعداد خاک 17 درخت لیمو یا پرتقال از شخصی خریداری کرده ام و ضمناً آب و خاک خریداری نمودم و خودم هم غیر از این 17 تا در آن موضع شریک هستم و مدت هفت الی ده سال است که این 17 درخت را از همان قسمت خودم آبیاری کرده ام و آبی را از صاحب اصلی آن تقاضا نکرده ام و اکنون تقاضای آب کرده ام. صاحب اصلی، حاضر به دادن آب نیست و می گوید: از هر کجا که آب داده اید، حالا هم آب بده. مستدعی است از نظر شرعی بیان فرمایید که آیا می توانم آب را درخواست کنم یا خیر؟ و آیا از نظر شرعی مالک می شوم؟ ضمناً از نظر کار هم با صاحب اصلی کار نکرده ام؛ یعنی قنات نزده ام. جواب بیان فرمایید.

ادام الله ظلکم علی رؤوس الانام

بسمه تعالی، اگر آب خریده اید، می توانید آن را مطالبه کنید.

بسمه تعالی

دفتر حضرت امام خمینی، قسمت مسائل شرعی

با نهایت احترام به عرض می رساند: این جانب در سال 1357 مقداری چتایی با شخصی معامله کردم. ایشان بابت قیمت قسمتی از چتایی دو برگ چک، صادر و به فدوی تسلیم نمود؛ بنده هم حواله صادر کردم که بنگاه، چتایی ها را تحویل نماید. چند روز بعد که چک ها را به بانک بردم، بدون محل بود و برگشت شد؛ در نتیجه مبلغ 3/170/000 ریال از قیمت چتایی وصول نگردید. بنده هم وقتی دیدم نامبرده پول

جنس را نداده، به بنگاه مراجعه و اعلام داشتیم باقیمانده چتایی ها را - که چهل عدل بود و هنوز تحویل ایشان نشده بود - به ایشان تحویل ندهند؛ زیرا پول جنس را نداده بود که جنس را ببرد و تازه قیمت این چهل عدل، جواب گوی باقیمانده پول این جانب (یعنی 3/170/000 ریال) نیست و مبلغ 850/000 ریال از مال این جانب از بین رفته و بلاوصول مانده است.

بعداً شخصی به نام آقای الف به آقای ب مراجعه می نماید و حواله چهل عدل چتایی این جانب را از شخص بدهکار - که حتی حواله هم به نام همان شخص بدهکار کشیده شده - خریداری می نماید؛ در صورتی که شخص خریدار حواله - یعنی آقای الف - تلفنی از من سؤال نمود که آیا این حواله قبول است یا نه؟ بنده عرض کردم: چون چک آقای ب برگشت شده است و این جانب جلوی حواله را گرفته ام، قبول نیست. در این حال که بنده هنوز هم قسمتی از پول خود را - که مبلغ آن در بالا ذکر شده است - نگرفته ام، آقای الف خریدار حواله، ادعای چهل عدل چتایی از این جانب می نماید.

لذا از آن محضر مبارك استدعا دارم با توجه به این که به آقای الف گفته ام که به علت برگشت چک آقای ب، این حواله محل ندارد، آیا مدعی شرعاً این حق را دارد که از بنده، جنسی را که پولش را نگرفته ام، بخواهد یا خیر؟

بسمه تعالی، فروشنده می تواند تا پول جنس را تحویل نگرفته، از تحویل جنس امتناع نماید.

[سؤال 7196] 3650

بسمه تعالی 4 / 10 / 1361

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر شیعیان جهان و انقلاب اسلامی ایران با تقدیم خالصانه ترین دروهای خود.

جان نثار، کشاورزی هستم که مدت چهار سال است که شخصی مقدار چهار سهم

ص: 185

از ملك رحيم آباد پرنديك زرندي ساوه واقع در 80 كيلومترى تهران - ساوه را به اين جانب فروخته به مبلغ يك صد و پنجاه هزار تومان كه مبلغ هشتاد هزار تومان آن را نقداً دريافت نموده و بقيه مبلغ هفتاد هزار تومان چك بانكى از من گرفته است كه قرار بود هر موقع كه مورد معامله را به اين جانب تحويل داد وجه چك ها را به ايشان پردازم، در اين مدت چهار سال ملك مورد معامله را به اين جانب تحويل نداده است و نيز كلى خسارت به اين جانب وارد ساخته، خسارت وارده اين كه در موقع خريد ملك مزبور اين جانب اثاثيه منزل خود را فروخته و به ايشان دادم ولى حالا پس از گذشت چهار سال هنوز ملك تحويل اين جانب نشده. ضمناً حالا كه ملك را هم تحويل نداده مى گويد بايد بقيه پول كه هفتاد هزار تومان است پردازى ولى اين جانب ملكى تحويل نگرفتم كه بقيه پول را پردازم از آن مقام معظم تقاضاى عاجزانه دارم كه حكم شرعى را در اين مورد كه ايشان مى توانند قبل از تحويل دادن ملك به اين جانب ادعاى بقيه پول خود را بكنند يا خير، خواهشمندم حكم شرعى را كتباً به اين جانب ارسال كه دعاگو هستم و دعاگو خواهم بود. والسلام.

طول عمر حضرت عالى را از خداوند خواستارم. خدايا خدايا تا انقلاب مهدي خميني را نگهدار

بسمه تعالى، تا فروشنده خانه را تحويل نداده خريدار مى تواند از تحويل باقيمانده پول خانه خوددارى كند.

[سؤال 7197] 1890

27. افرادى از طرف خود در شهرهاى بزرگ به وسيله نامه يا تلفن جنسى مى خرنند، خريدار مى گويد به وسيله پست يا كسى بفرستد، فروشنده طبق دستور او فرستاد ولى در راه تلف شد آيا خسران بر بايع است يا مشترى.

بسمه تعالى، اگر قبل از تحويل به مشترى يا وكيل او تلف شده خسران آن بر بايع است.

ص: 186

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

علاف می آید در دهات، گوسفند می خرد به دست خود، خوب نگاه می کند، پول می دهد می گوید: گوسفند چند روز این جا باشد هر وقت من برگشتم می برم این رفت گوسفند مریض می شود، می میرد گوشت آن را نگاه می دارد تا که علاف بیاید، علاف که آمد می گوید من گوشت نمی خواهم من پول خود را می خواهم، جایز است پول بگیرد یا فقط حق گوشت دارد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر گوسفند را تحویل گرفته و امانت سپرده فروشنده ضامن نیست و اگر قبل از تحویل مرده معامله فسخ شده و مشتری حق دارد پول خود را بگیرد.

2. امروزه معاملات زیادی در بازارها به وسیله تجار صورت می گیرد که گاهی بدون دیدن جنس و حتی نقل و انتقال آن، با تلفن انجام می گیرد و در این گونه معاملات، میلیون میلیون ریال سود می برند؛ آیا با دادن خمس، این گونه سودهای کلان و این پول ها برای آنان حلال می باشد؟

بسمه تعالی، هر معامله ای که طبق موازین شرعی انجام گرفته باشد، سود حاصل از آن با دادن خمس، در زاید بر مؤونه سال حلال است، ولی نباید مخالف مقررات دولت اسلامی باشد.

بسمه تعالی 14 / 5 / 1358

حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الامام الخمینی

شخصی بیست و شش سال قبل، آبی مشهور به «آب میان» را به شخصی فروخته

ص: 187

است. در همان روز میراب گفته است آب نامبرده محل ندارد. خریدار تحویل نگرفته و فروشنده هم تحویل نداده. بعد از چند سال، همان فروشنده يك آبی از همان قنات مشهور به «آب علی احمدی» به دیگری فروخته است و در حیات خودش تحویل داده است که تا امروز در تصرف خریدار بوده. آیا خریدار «آب میان» که محل نداشته، می تواند از خریدار «آب علی احمدی» که محل دارد بگیرد یا خیر؟
بسمه تعالی، در فرض مذکور حق ندارد و منازعات باید در محکمه شرعیه حل شود.

[سؤال 7201] 3653

بسمه تعالی 1358/7/23

محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام بقائه

شخصی چند سال قبل ملکی را به شخصی فروخته است. خریدار از پرداخت وجه آن به علل گوناگون امتناع نمود فروشنده ملک، معامله را فسخ کرد، و خریدار بعد از فسخ معامله تا حال نسبت به استرداد ملک اقدام نکرد. اکنون پس از سال ها مدعی شده که همان وجه معامله ملک را پردازد، ولی فروشنده مدعی است، آن معامله را فسخ کرده و باید مشتری عین ملک را پس بدهد. استدعا می شود جواب را مرقوم فرمایید.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

بسمه تعالی، در صورتی که فروشنده ملک را به قبض خریدار داده، مجرد تأخیر پرداخت ثمن موجب خیار فسخ نمی شود. بنابراین، اگر از ناحیه دیگری خیار فسخ نداشته معامله لازم است و فروشنده، ثمن معامله را حق دارد. بلی، اگر از جهت دیگر خیار فسخ داشته و فسخ کرده، می تواند ملک را پس بگیرد.

ص: 188

[سؤال 7202] 3654

بسمه تعالی

اگر کسی با درآمد معین و ثابتی که همه ماهه به عنوان حقوق یا دستمزد دریافت می نماید و این درآمد را با برنامه معین به مصرف احتیاجات روزمره خود می رساند چنان که فرضاً احتیاج به یخچال داشته باشد و آن را به صورت مبلغی نقد و بقیه به طور اقساط ماهانه (بدون ربح) خریداری نماید آیا مجاز است یا خیر؟ و آیا این نحو معامله در حکم اسراف و تبذیر است یا نه؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اسراف نیست و معامله صحیح است.

[سؤال 7203] 3655

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

1. قیمت یک متر پارچه دو تومان است نقدی، نسیه می فروشند سه تومان مدت یک سال یا شش ماه، این معامله جایز است؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7204]

2. قیمت گندم یک من دو تومان است نقدی، نسیه می فروشند یک من گندم سه تومان، این گندم را که می خرد گرسنه و مجبور است این معامله جایز است؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، مانع ندارد.

ص: 189

خدمت رهبر کبیر انقلاب ایران حضرت آیت الله خمینی

احتراماً؛ به استحضار عالی می‌رساند: این جانب سه دستگاه کامیون از شخصی حدود چهار سال قبل به مبلغ نهصد هزار ریال تمام، نقداً خریداری نموده ام و به شخص دیگری فروخته ام به يك میلیون و دویست هزار ریال تمام، بدون دریافت پیش قسط، به اقساط سی ماهه، ماهی چهل هزار ریال؛ آیا معامله فوق از نظر شرع مقدس اسلام صحیح بوده است یا خیر؟ تقاضامند است جواب مسأله فوق را به آدرس زیر ارسال فرمایید.

بسمه تعالی، با فرضی که مرقوم شده، اشکال ندارد.

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله خمینی، مرجع عالی مقام مسلمانان جهان و رهبر عالی قدر ایران. سلامتی و طول عمر آن جناب را از خداوند خواهانم.

مسائلی است جواب بفرمایید:

1. جنسی خریداری کرده ام برای این که منفعتی ببرم جنس را فروخته ام، مدت يك سال، از قیمت نقد تومانی مثلاً 4 ریال گران تر؛ آیا این منفعت چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

2. کسی سفته ای به برادرش می‌دهد امضا کند و به اقساط يك سال به شخص ثالثی می‌فروشد به کمتر، البته برادرها با هم شریک هستند؛ برای خریدار و فروشنده چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، جایز نیست.

3. می‌شود به جنگ زدگان بابت سهم یا خمس به حسابی واریز کرد یا خیر؟

بسمه تعالی، عجالاً اجازه نمی‌دهم.

4. جنسی را مدت دار فروخته ام و خودم می‌توانم همان جنس را به قیمت عادلانه بازار بخرم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر خلاف مقررات دولت نباشد مانع ندارد.

5. کسی سفته دوستانه می دهد امضا کنند و به شخص ثالثی می فروشد، بفرمایید چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، فروش چك و سفته به شخص ثالث به کمتر، ربا و حرام است.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

[سؤال 7207] 3658

بسمه تعالی

تهران، جماران، دفتر حضرت امام خمینی

محضر مبارك مرجع عالی قدر شیعیان جهان، حضرت امام خمینی، خواهشمندم نظر خود را در مورد سؤال زیر اعلام فرمایید:

اگر مقداری طلا به نقد خریده و به مدت فروخته شود، سود حاصله چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، با رعایت احکام شرعی در خرید و فروش مانع ندارد.

[سؤال 7208] 7246

4. اگر جنسی را بخرد و بگوید: هر وقت تمکن پیدا کردم بهای جنس را می پردازم و فروشنده هم به این امر راضی گردد، معامله صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مدت به نحو مضبوط تعیین نشود و نسیه معامله شود معامله باطل است.

[سؤال 7209] 6824

3. در معاملات تجاری نقدی معمولاً در بازار، صدی يك كسر می شود. این چگونه است؟ البته با رضایت طرفین می باشد. و یا این که قبلاً موضوع بیان می شود. نظر حضرتتان چگونه است؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

ص: 191

بسمه تعالی

دفتر محترم آیت الله امام خمینی

محترماً؛ معروض می دارد: مقدار هفتصد و هشتاد متر مربع را به مبلغ هر متر مربع سی و هفت هزار و پانصد ریال، قولنامه نمودم. مبلغ شش میلیون ریال آن را پرداخت نمودم و بقیه را در رأس موعد پرداخت نمایم. به شرط این که اگر در این مدت پرداخت نکردم، در هر ماه مبلغ پانصد ریال در هر متر مربع پرداخت نمایم. لطفاً، مرقوم فرمایید که این شرط، ربا می باشد یا خیر؟ توضیح آن که هر ماه، مبلغ چهارصد هزار ریال می شود. خواهشمند است، جواب را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، شرط مذکور باطل و زیاده ربا و حرام است.

بسمه تعالی 1361 / 10 / 21

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

پس از عرض سلام؛ امید است - ان شاء الله - آن وجود، در ظلّ توجهات ولی عصر سالم و موفق بوده باشند. مستدعی است نظر مبارك خود را در این مسأله مرقومه در ذیل مرقوم فرمایید:

این جانب در سنوات گذشته اجناس کود شیمیایی را از شرکت مزرعه اصفهان که مدیریت آن را آقای به عهده داشتند می خریدم و برای این جانب جنس می فرستادند و صورت آن را به قیمت نقدی فاکتور می دادند و بعداً که این جانب در پرداخت آن، مدتی تأخیر می نمودم بهره آن را حساب می نمودند، خواهشمند است مرقوم فرمایید این بهره را که ایشان حساب نموده اند، حق دارند یا این که ربا محسوب می شود و نباید بگیرند؟ و در صورتی که این ها ربا محسوب می شود، می توان مقداری را که ایشان بهره گرفته اند از بدهی که این جانب به ایشان دارم، کسر نمایم یا خیر؟ خواهشمند

است نظر مبارك خود را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، بهره تأخیر، ربا و حرام است.

[سؤال 7212] 3661

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر امام خمینی

این جانب در قرارداد زمینی که فروخته ام قرار و شروط گذاشته ام که چنانچه طرف معامله یعنی خریدار در رأس تاریخ وجه را نپردازد، ماهیانه برای هر ماه از قرار، متری 150 ریال بپردازد. تقاضا دارم در این قرارداد رأی خود را مرحمت فرمایید.

بسمه تعالی، اجازه تأخیر ثمن با زیاده، ربا و حرام است.

[سؤال 7213] 3662

بسمه تعالی 1361 / 10 / 8

دفتر استفتائات حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

مطالبه بهره معاملات نقد و اقساط بر مبنای 18% (صدی 18) از نظر شرعی چه صورتی دارد؟ آیا می توان نسبت به معاملات زمان طاغوت مطالبه نمود؟ آیا پرداخت وجه مورد مطالبه و جهه شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر معامله نقد انجام شود و برای دادن وجه به طور اقساط بهره قرار داده شود، ربا و حرام است. ولی چنانچه از اول، معامله به طور نسیه و اقساط باشد، اشکال ندارد و تفاوت خاصی بین نقد و نسیه معتبر نیست، بلکه منوط به رضایت طرفین معامله است.

[سؤال 7214] 3663

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

بعد از تقدیم سلام و عرض ادب؛ لطفاً به سؤالات زیر پاسخ عنایت فرمایید:

ص: 193

1. در ضمن بیع نسیه، بایع شرط می کند که اگر ثمن را در اجل معین نپردازد، برای هر روز تأخیر یا هر ماه تأخیر فلان مقدار بپردازد. آیا این شرط صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، صحیح نیست.

[سؤال 7215]

2. در ضمن معامله نسیه شرط می کند که اگر زودتر از رأس معین وجه را بپردازد، فلان مقدار از ثمن کم شود؛ صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

3. شخصی می گوید: بعد از مردن ارث دخترم را مطابق پسرم بدهید؛ این وصیت صحیح است به نحوی که از ثلث برداشته شود، یا اصلاً وصیت صحیح نیست؟

بسمه تعالی، باطل است.

[سؤال 7216] 6824

2. در بازار مرسوم است: جنسی به مدتی خریداری می شود. خریدار و فروشنده با هم توافق کرده به قول معروف اسکنت کرده مبلغی از آن قرار کسر و مابقی نقداً پرداخت می شود. این چگونه است؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 7217] 3664

بسمه تعالی 15 / 6 / 1361

زعیم عالی قدر، پیشوای مسلمین جهان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

چه می فرمایید در مسأله شرعی به شرح زیر:

1. شخصی يك باب خانه ای را در سال قبل خرید به مبلغ ده هزار تومان و معامله قطعی شد و قباله تنظیم گردید و مبلغ پنج هزار تومان آن را نقد پرداخت و مبلغ پنج هزار تومان دیگر را سند داده که بعد از يك ماه بپردازد، مدتی است که سند مانده و پنج هزار تومان سند را نپرداخته، حالا که باید بپردازد همان پنج تومان سند را باید بپردازد

ص: 194

یا اضافه تر باید بدهد؟

بسمه تعالی، فقط همان مبلغ بدهی باقیمانده قیمت ملك را ضامن است باید بپردازد.

2. حدود خانه از چهار طرف به قانون شرعی چقدر است؟ مستدعی است دستور شرع مطهر را به خط مبارك مرقوم فرمایید محل حاجت است.

بسمه تعالی، خانه اگر متصل به ملك دیگری یا به مرافق عمومی باشد، حریم ندارد و اگر متصل به موات اصلی باشد به مقداری که در رفت و آمد به ملك و رفع احتیاجات ملك مورد حاجت است جزء حریم خانه حساب می شود.

[سؤال 7218] 3657

4. جنسی را مدت دار فروخته ام و خودم می توانم همان جنس را به قیمت عادلۀ بازار بخرم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر خلاف مقررات دولت نباشد مانع ندارد.

ر با

[سؤال 7219] 3665

بسمه تعالی

این جانبان از حضرت امام خمینی، رهبر کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران تقاضا داریم بذل توجه نموده و به سه سؤال ذیل پاسخ شرعی و کتبی مرقوم فرمایند.

1. با شخص رباخوار از نظر شرع مقدس اسلام چگونه باید رفتار شود؟

2. چنانچه رباخوار مالی را از راه ربا برده باشد، چگونه باید با او رفتار گردد؟

3. در صورتی که مال به ربا رفته صاحب داشته باشد؛ آیا باید مال به صاحب اصلی برگردد یا خیر و در غیر این صورت چه باید کرد؟

بسمه تعالی، ربا حرام است. رباخوار باید از گناه گذشته توبه نماید و آنچه

ص: 195

را که بابت ربا گرفته، ضامن است. باید به مالك آن برگرداند و اگر نزاعی در بین باشد، رسیدگی به آن موکول به محاکم قضایی است.

[سؤال 7220] 2344

6. ده عدد تخم مرغ را می فروشند به پانزده عدد يك ماه دیگر و هیچ امتیازی در تخم مرغ ها نیست؛ چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7221] 3666

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

1. اگر کسی از گرسنگی مجبور باشد از کسی ده من جو را برای ده من گندم قرض کند برای صاحب جو اشکال دارد یا ندارد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر معامله بین جو و گندم شده صحیح است و اشکال ندارد و اگر قرض است آنچه را قرض کرده همان را ضامن است.

2. دو تا حیوان را جنگ می اندازند (مثل گاو و شتر و خروس و كبك و سگ) در بین ده تومان می گذارند و هر حیوان که زور بود از صاحب حیوان کم زور ده تومان می گیرد حلال است یا حرام شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، حرام است.

[سؤال 7222] 3667

بسمه تعالی

کسی بز لازم دارد مجبور است که بز بخرد به کسی گفت بز به من بفروش، آن کس گفت من به تو می دهم گوسفند از تو می گیرم، بز به گوسفند ربا است یا جایز است؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، ربا نیست و مانع ندارد.

ص: 196

بسمه تعالی 17 ربیع الاول 1398 ق

1. محضر مبارک حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی دامت برکاته

معامله کردن دو فرد از جنس ربوی؛ یکی ساخته و دیگری نساخته و گرفتن مبلغی پول به عنوان دست مزد - مثلاً یک مثقال طلای ساخته و دیگری نساخته در یک معامله تبدیل می کنند و 20 تومان به عنوان اجرت می گیرند - آیا جایز است یا خیر؟
بسمه تعالی، اگر عوض و معوض در مقدار مساوی باشند و مبلغ بابت اجرت عمل ساختن باشد اشکال ندارد.

2. در صورتی که امضا کردن حزب رستاخیز را تحمیل کنند به این نحو که اگر امضا نکنی پروانه کارت را لغو می کنیم یا این که به عقیده خودش به مشقت می افتد و یا باید کاری که شانس نیست بکند و یا از آن جا برود وظیفه اش چیست؟

بسمه تعالی، در صورت اکراه یا اضطرار مانع ندارد صورتاً امضا کند لیکن لازم است عملاً از التزام به لوازم آن و تأیید دستگاه خودداری کند.

3. اگر شخصی مدرکی که برای استفاده معلومه ای مقرر کرده اند بخرد و از او تلف شود آیا جایز است آن استفاده را بدون آن مدرک ببرد مثلاً بلیط قطار و هواپیما و ماشین و تمبر بخرد و پیش او بسوزد آیا می تواند بدون بلیط و تمبر مسافت معهوده را و نامه را یک مرتبه طی کند و بفرستد و یا اگر از راه دیگر می تواند تحصیل کند جایز است؟

بسمه تعالی، در صورت تلف شدن مانع ندارد به همان مقدار استفاده کند.

4. شنیدن غنا و دیدن فیلم های تلویزیونی و داخل شدن در امکانه ای که می داند قهراً نگاهش به نامحرم می افتد با عدم وجود شرایط امر به معروف چه حکمی دارد و آیا در حکم شرع بین قوای سه گانه بصر و سمع و لمس فرق است؟

بسمه تعالی، جایز نیست و برای هر یک از قوای سه گانه وظیفه جداگانه است.

5. کره و پنیری که از کشورهای خارج وارد می کنند کما این که در سراسر ایران متداول است آیا نظر مبارکتان در معامله کردن و خوردن آن ها چیست؟

بسمه تعالی، محکوم به طهارت و حلیت است مگر آن که از خارج خلاف آن ثابت باشد.

6. بدون شهوت مکالمه اجنبین مطلب کم باشد و یا زیاد، مسائل شرعی باشد و یا غیر آن، ضروری باشد و یا نباشد اشکال دارد و یا این که تفصیل است بین آن ها؟

بسمه تعالی، برای مرد اگر تلذذ و ریه در بین نباشد شنیدن جایز است و برای زن صحبت با اجنبی اگر خوف فتنه نباشد اشکال ندارد اگر چه احوط در غیر مقدار ضرورت ترك مکالمه با اجنبی است مخصوصاً برای زن جوان.

[سؤال 7224] 3669

بسمه تعالی 16 / 8 / 1358

دفتر محترم استفتای امام خمینی

ضمن عرض ارادت، دو نفر با رضایت طرفین معامله ای به این طریق انجام داده اند و کمال رضایت از طرفین حاصل است. مبلغ نه هزار تومان پول نقد و یک قطعه قالی به مبلغ سه هزار تومان را به مدت ده ماه تمام با کمال میل معامله کرده اند. آیا این معامله در صورتی که قالی را خریدار احتیاج به پول پیدا کرده و نقد به کسر بفروشد صحیح است یا خیر؟ استدعا می شود جواب را ذیلاً عنایت فرمایید.

بسمه تعالی، هر نحو معامله که برای فرار از ربا است در حکم ربا و باطل است.

[سؤال 7225] 3670

بسمه تعالی

محضر مبارک امام عزیزم خمینی جان

احتراماً؛ پس از سلام به اطلاع می رساند: بعضی از مقدسین برای فرار از انجام ربا، مقدار صد هزار تومان جو، نقدی خریداری می کنند. بدون این که جو تحویل شود؛ بلکه رسید آن را دلال آورده، بعد ایشان به عنوان فروشنده جدید جو پشت همان رسید را نوشته و به دیگری حواله و در مقابل چک به مدت شش ماه به مبلغ صد و بیست هزار تومان می گیرد. آیا این عمل اسلامی است یا خیر؟ خواهشمند است،

ص: 198

شخصاً نظر مبارکتان را اعلام دارید، فدایت شوم.

بسمه تعالی، خرید جو و فروش آن به شخص ثالث به زیادتیر کراهت دارد. مگر آن که بین هر سه نفر تباری برای رباخواری باشد که در این صورت حيله و محكوم به حکم ربا و باطل است.

[سؤال 7226] 6928

2. اوراقی که در جریان وام مصرف می شود به شخص وام گیرنده فروخته می شود؛ البته به قیمتی گران تر از قیمت بازار فروخته می شود. بسمه تعالی، مانع ندارد؛ مگر این که منظور فرار از ربا باشد.

[سؤال 7227] 2325

3. به نظر مبارک شما راه تخلص از نزول و ربا در پول های بانکی که اغلب تجار بلکه دیگران هم مبتلا هستند چیست؟ بسمه تعالی، تخلص از ربا نزد این جانب مشکل است بلکه عدم جواز قوی است.

[سؤال 7228] 3671

بسمه تعالی 1358 / 10 / 14

با احترام؛ از محضر مبارک استدعا دارم اظهار نظر فرمایند که معاملات شرطی ربوی است یا خیر و سند تنظیمی با گرفتن 80 هزار تومان بهره، نزول است یا نه؟

بسمه تعالی، هرگونه معامله که حيله و وسیله برای رباخواری است محكوم به حکم ربا و باطل است.

[سؤال 7229] 3672

بسمه تعالی 1361 / 10 / 13

حضور حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ معروض می دارم این جانب به قصد خرید خانه در شهر تهران، از بانک

ص: 199

تعاون اسلامی مبلغی وام گرفته ام، ولی متأسفانه به علت گرانی وضع مسکن، نتوانستم منزلی تهیه نمایم؛ چون کارمند ساده ای می باشم و دریافتی ماهیانه 3300 تومان می باشد، و به دو بانک به مبلغ 2900 تومان، باید قسط ماهیانه بدهم، و در ادا کردن اقساط بانک ها، بسیار در زحمت می باشم. در این بین، یکی از دوستان قصد خرید اتوبوس مسافری را داشت و مبلغ هم زیاد نبود چون که نامبرده راضی نبود نتوانستیم شریک بشویم، لذا با توافق طرفین، قراردادی به این وضع بین خود نوشته ایم:

یک طبقه از خانه مسکونی ایشان را، با حضور سه نفر شاهد به صورت قولنامه ای و قرارداد کتبی، به مبلغ پنجاه هزار تومان از ایشان خریدم، و بعد از این قرارداد، با شاهد های حاضر، آن خانه را طی قراردادی دیگر به ایشان اجاره دادم، که بابت اجاره ماهیانه مبلغ هزار تومان بپردازد. مدت این قرارداد یک سال می باشد.

ضمناً این قرارداد در صورتی بسته شد که هر دو طرف، بسیار راضی بودیم، خصوصاً برادرمان که با این مبلغ کار ایشان راه افتاده و از کار خود درآمدی کافی دارد و بسیار از این قرارداد اجاره، خرسند می باشد؛ لذا از محضر آن مرجع تقلید استدعا دارم که مرا در این امر مهم راهنمایی نمایید و بفرمایید آیا آن مبلغ پولی که ماهیانه من - با این وضع زندگی - از ایشان دریافت می نمایم، از نظر شرعی درست می باشد یا خیر؟ من الله التوفیق

بسمه تعالی، هر گونه معامله که حيله برای فرار از ربا باشد، در حکم ربا و باطل است.

[سؤال 7230] 3673

بسمه تعالی 11 / 11 / 1358

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی رهبر انقلاب امام خمینی، مدّ ظلّه

امیدوارم خداوند متعال وجود شریفش را از جمیع بلیات و سوانح محفوظ فرماید.

ص: 200

شخصی تمام یا قسمتی از خانه ای را در مقابل 20 هزار تومان رهن می کند و یا با شرط می خرد. بعد با اجازه مالک و یا راهن تصرف نموده و به شخص مالک و یا راهن، ماهی 200 تومان اجاره می دهد. مستدعی است فتوای امام را درباره مال الاجاره مرقوم فرمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، هر گونه معامله که وسیله برای رباخواری است محکوم به حکم ربا و باطل است.

[سؤال 7231] 7321

2. عده ای در بازار هستند که پول را به صورتی قرض بهره دار می دهند؛ بدین صورت که پدر من که يك نبات ریز است اگر بخواهد از آن ها قرض بگیرد، می گویند شکر يك ماه یا چند ماه تو را (تعداد ماه، بستگی به پول درخواستی دارد) صادر و مثلاً 5 ماه بعد به این مقدار به تو می فروشیم. البته مقدار اضافه شده متناسب با پول، اضافه و یا کم می شود و معین است؛ آیا این پول حکم ربا دارد؟

بسمه تعالی، این نحو معامله که برای فرار از ربای قرضی است باطل است و پول گیرنده فقط عین همان پول را ضامن است. و اگر شکر را ارزان بخرد و بعد از مدتی به شخص سومی به گرانتر بفروشد مانع ندارد.

[سؤال 7232] 7321

3. بفرمایید اگر پولی که در بالا ذکر شد ربا است تکلیف من در مقابل این پول که از آن تغذیه می کنم چیست؟ و یا این که پدرم که برای خرید خانه قرض می گیرد، چه باید بکنم؟

بسمه تعالی، حکم مسأله از جواب بالا معلوم می شود و پول گیرنده تنها در صورت اول عین همان پول را ضامن است و تصرف در آن منوط به اجازه دهنده پول است و در صورت دوم اشکالی نیست.

ص: 201

4. اگر بنده برای توسعه کسبم از کسی مبلغ 100 هزار تومان به عنوان مضاربه بگیرم و بعد با او مصالحه نمایم که سهم و شرکت خود را به بنده بفروشد به ماهی سه هزار تومان و هر دو هم راضی باشیم اشکالی ندارد؟

بسمه تعالی، هر نحو معامله که برای فرار از ربا انجام شود محکوم به حکم ربا و باطل است.

رهبر عالی قدر ایران، حضرت امام خمینی، ارواحنا فداه

احتراماً به عرض عالی می‌رساند: مرحوم آیت الله بروجردی، معاملات شرطی غیر منقول را جایز دانسته و در گذشته، در دفاتر ثبت اسناد رسمی، اسناد شرطی صادر می‌شد. حال، کمیته‌ها عقیده دارند که این نوع معاملات نزولی است. تقاضا دارد برای روشن شدن اذهان عمومی، مرقوم فرمایند: معاملات شرطی که در دفاتر رسمی صادر می‌شود، چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، معاملات بیع شرطی صحیح است، مگر در صورتی که فرار از ربا باشد. و در این صورت باطل و محکوم به حکم ربا است.

رهبر کبیر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی حضرت امام خمینی، دامت افاضاته

با درود و تحیات به محضر پاك آن امام عالی قدر به استحضار می‌رسانم: اکنون که با فروغ آفتاب حیات بخش اسلام عزیز، کشور ما از زیر ظلم طاغوت رها شده و احکام الهی و فرامین قرآن کریم حاکم است، تقاضا دارد به سؤال زیر پاسخ شرعی

صادر فرمایید تا بتوانم بر اساس موازین اسلام به حقوق تصبیح شده خود برسم.

اختصاراً این که در سال 1338 به لحاظ فقر مالی و گرفتاری که داشتم، ناچار شش دانگ يك باب خانه مسکونی با کلیه متعلقات آن به انضمام سه باب و نیم مغازه های متصل به آن (به پلاک های 223 و 224 و 225 و 226 و 227) که هر يك به صورت شش دانگ بوده و تنها محل سکنا و امرار معاش من و همسر و ده تن از فرزندانم بوده، در قبال ده هزار و پانصد تومان به بیع شرط یکی از رباخواران معروف به مدت ده ماه گذاشتم. که البته در سند، مبلغ هفده هزار و پانصد تومان نوشته شده، بقیه را به عنوان ربا احتساب و بر روی پول خود اضافه کرده است که خداوند کریم گواه آن است. البته در متن سند حق فسخ هم برای من گذاشته اند.

بعد از انقضای مدت، قادر نبودم که تمامی مبلغ را يك جا تهیه و پرداخت و معامله را فسخ کنم. طرف مقابل هم مهلت نمی داد و با سوء استفاده قوانین طاغوتی و ظالمانه و برخلاف شرع مقدس، طرف با مراجعه به اجرای ثبت، اقدام به رشا و تبانی کرده، تمامی ملك مرا برده و رسماً به خود انتقال داده؛ یعنی املاکی را که در آن زمان میلیون ها ریال ارزش داشته و تنها خانه مسکونی من بوده، آن را با ده هزار و پانصد تومان برده است. هرچقدر به مقامات فاسد گذشته شکایت برده و به دادگستری مراجعه کردم، احقاق حق نشده؛ چون حقی برای آن ها مطرح نبوده.

اینک نه دارای خانه مسکونی هستم و نه محل امرار معاش دارم. با این که از طریق شرایط فوق برده آیا اولاً بر طبق احکام اسلام، معامله بیع شرطی از انواع معاملات صحیح بوده یا بر خلاف شرع و به حکم قرآن باطل است؟

ثانیاً بر طبق احکام اسلام، شرعاً طریق احقاق حق این جانب بر طبق موازین اسلام و رجوع به محاکم شرعی چگونه است؟ جواب را مزین فرمایید.

بسمه تعالی، اگر بیع شرط حيله و وسیله برای فرار از ربا باشد، حکم ربا دارد و معامله باطل است؛ هر چند بیع شرط جدی اگر حيله نباشد، از معاملات شرعیه است.

بسمه تعالی

حضور رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی الامام الخمینی، دامت برکاته

شخصی در رژیم سابق طبق مسأله ای که به حضرت آیت الله العظمی سید محسن طباطبایی حکیم رحمه الله نوشته بود، معامله ای به شرح زیر انجام داده:

مبلغ هزار تومان به شخصی داده و در ضمن، یک کیلو قند به او فروخته به مبلغ سیصد تومان که پس از مدت یک سال، آن شخص مبلغ یک هزار و سیصد تومان پس بدهد؛ آیا فعلاً معاملات سابق محکوم به حکم ربا است یا نه؟ و در صورتی که عین مال تلف شده، آیا صاحبان معاملات سابق - که چندین سال از تاریخ وقوع آن گذشته - حق مطالبه آن ها را دارند یا خیر؟ والسلام علیکم ورحمة الله بسمه تعالی، اگر از روی تقلید صحیحی عمل شده و عین مال از بین رفته، معامله تمام شده و چیزی بر آن ها نیست.

[سؤال 7237] 1890

23. چند مورد در باب حرمت ربا استثنا شده - زوج با زوجه، مسلم با کافر، پدر و پسر - آیا اختصاص به ربای معاملی دارد یا شامل ربای قرضی هم می شود؟

بسمه تعالی، استثنا در ربای قرضی هم ثابت است.

[سؤال 7238] 3677

بسمه تعالی 10 / 12 / 1360

خدمت رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی

لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

1. آیا داشتن حساب پس انداز در بانک های امریکا که به پول بهره می دهند اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

ص: 204

2. آیا باید قضای نماز صبح و مغرب و عشا را با صوت بلند خواند و همچنین قضای نماز ظهر و عصر را باید با صوت آهسته خواند یا خیر؟

بسمه تعالی، قضای نمازهایی که بلند خوانده می شود را باید بلند بخواند و قضای نمازهایی که آهسته خوانده می شود را باید آهسته خواند.

3. آیا کسانی که قبل از انقلاب اسماً مسلمان بوده اند و وظایف شرعیه را انجام نمی دادند، ولی بعد از انقلاب بحمد الله مسلمان شده اند، باید قضای روزه های سابقشان را به صورت معمول به جا آورند یا باید برای يك روز 60 روز روزه بگیرند؟

بسمه تعالی، اگر عمداً روزه نگرفته اند کفاره دارد.

4. لطفاً حدود حجاب مرد را مشخص بفرمایید.

بسمه تعالی، در رساله عملیه مذکور است.

5. آیا استفاده از ماشین لباس خشک کن در امریکا که لباس های خیس را در آن می ریزند و امریکایی ها نیز از این ماشین استفاده می کنند اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، استفاده از ماشین مانع ندارد، ولی اگر لباس خیس باشد و با چیز نجس ملاقات کند نجس می شود و احکام نجاست دارد.

6. با این که حکومت اسلامی در ایران برقرار است، آیا شرکت در نمازهای جمعه که با برادران اهل سنت در امریکا اجرا می شود نیز واجب است؟

بسمه تعالی، نماز جمعه واجب تخییری است.

7. آیا غیر مسلمان کافر است یا خیر؟

بسمه تعالی، کافر است.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

[سؤال 7239] 5210

2. پدر از فرزند، مرد از زن و زن از شوهر و شوهر از زن، برادر از برادر، خواهر از خواهر می توانند ربا بگیرند؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، برای پدر و فرزند و زن و شوهر جایز است و برای دیگران جایز نیست.

2. از آن جا که ارز دانشجویان از طریق بانک ها فرستاده شده و در این جا در بانک های فرانسوی باید نگهداری شود، طبعاً بنا به قانون فرانسه، مبلغی به عنوان بهره به آن تعلق می گیرد. ممکن است قسمتی از این بهره، جبران کم شدن ارزش پول و تورم را در طول مدتی که در بانک بوده بکند؛ ولی تکلیف بخش اضافی آن پول که به عنوان بهره (یا ربا) داده می شود (در فرانسه و سایر کشورهای غرب) چیست؟ و اگر حرام است، چه باید کرد؟ چون خواه ناخواه این بهره، به حساب پس انداز تعلق می گیرد.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، گرفتن بهره از غیر مسلمان برای مسلمان اشکال ندارد.

بسمه تعالی بیست و ششم رمضان 1400 ق

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً؛ معروض می دارد: آیا ربا گرفتن مسلمان از ارامنه حرام است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر نصرانی در بلاد اسلامی زندگی می کند و مقررات بلد اسلامی را گردن می نهد، گرفتن ربا از او جایز نیست؛ ولی اگر تابع مقررات دولت اسلامی نیست و در حکم کافر حربی است، گرفتن ربا از او برای مسلمان اشکال ندارد.

بسمه تعالی

سماحة آیت الله العظمی، الامام الخمينی، دام ظلّه العالی، لطفاً به دو سؤال ذیل جواب دهید.

1. در بلاد هند مثلاً ده درصد آبادی مسلمان دارد. در چنین بلاد، بانک های

حکومتی هستند و مردم در این بانک ها پول های خودشان را می گذارند. وقت پرداختن پول به مالک، منافع همراه می دهد؛ چرا که قانون بانک همین است. در این صورت پول گذاشتن در بانک و گرفتن این منفعت، جایز است یا خیر؟ و اگر ربا ثابت بشود، تخلص از ربا چیست؟ و آیا می تواند با سرکرده همین بانک بیع بکند یا نه؟ واضح بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر بانک متعلق به کافر حربی باشد، در فرض مرقوم، گرفتن بهره برای مسلمین اشکال ندارد.

2. کار کردن برای زن ها با حجاب شرعی در دستگاه حکومت هند، مثل معلمه شدن در مدارس و کار در باقی اداره ها جایز است یا خیر؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، با رعایت ضوابط شرعی و حجاب واجب اسلامی، اشکال ندارد.

[سؤال 7243] 2891

2. در امریکا ما هم می توانیم يك حساب چك داشته باشیم و هم پس انداز؛ که در این نوع دوم، بهره روی پولمان می آید؛ آیا از نظر شرعی اشکالی هست که ما پول دانشجویی که از ایران می آید را در حساب پس انداز بگذاریم؟ و یا اگر می شود، پول بهره آن را خرج مصارف اسلامی کنیم؟

بسمه تعالی، بهره پول از کافر حربی برای مسلمان حلال است.

[سؤال 7244] 3680

بسمه تعالی

سلام بر مسئول محترم می که این نامه را مطالعه می فرماید. غرض از نوشتن نامه به آن دفتر این بود که کمکی لازم داشتیم و يك سؤال.

اول در مورد کمک. من دانشجویی هستم در امریکا (سرزمین شیطان بزرگ). چون وظیفه هر مسلمانی است که مکتبش، اسلام رهایی بخش را روز به روز بیشتر بشناسد و در موردش شناخت عمیق پیدا کند و آن را سر لوحه کار خود قرار دهد، این نامه را

ص: 207

نوشتیم تا طلب سیر مطالعاتی بکنم تا در راه شناخت اسلام و تبدیل این جانب به يك مسلمان واقعی، ان شاء الله یاری رساند. البته چون دانستن صرف - بدون عمل و ایمان و اخلاق اسلامی - خیلی دردها و رنج ها و حجاب ها به ارمغان می آورد، خواهش این جانب را هم در نظر بگیرید، شاید بتوانید برنامه ای پیشنهاد کنید که بتوان طبق آن دانش را با عمل همراه نمود. اول می خواستم نامه را برای امام خمینی، دامت برکاته بنویسم؛ اما چون امام گرفتاری های دیگری دارند تصمیم گرفتم مزاحم ایشان نشوم و در ضمن متوجهم که اگر لازم باشد شما نامه را به امام نشان خواهید داد.

سؤال در مورد بانك های امریکا است. در این جا عده ای از برادران و خواهران می گویند که امام فرموده اند که «اگر دانشجو در کشورهای خارج پولش را در بانك بگذارد و سود روی آن پول بیاید اشکالی ندارد». با در نظر داشتن آیه ای که در قرآن خوردن ربا را جنگ با خدا می داند، دلیل این فتوا چیست؟ یا تفسیر ربا در آن آیه چه می باشد؟

بسمه تعالی، بهره پول، ربا و حرام است؛ ولی گرفتن بهره از کافر حربی برای مسلمان اشکال ندارد.

[سؤال 7245] 3681

بسمه تعالی

خلاصه نامه: مقلدین زیادی در کراچی وجود دارند که به خاطر نبودن نماینده امام در آن جا، نمی توانند مشکلات خود را حل نمایند. به قرار اطلاع، پس از فوت شیخ محمود شریعت، نماینده امام، تا کنون فرد دیگری بدین سمت منصوب نشده است؛ لذا مردم نمی دانند وجوه شرعی خود را چگونه پردازند. رساله امام به اردو وجود دارد و لیکن کلیه مسائل را نمی توان از آن دریافت. لطفاً شخصی را برای دریافت خمس و دیگر وجوه شرعی معرفی فرمایید.

1. آقای شیخ محمود شریعت معتقد بود که دریافت ربح از بانك های غیر اسلامی،

ص: 208

مانند سوئیس و... اشکال ندارد در این مورد در رساله امام مشخصاً مطلبی ذکر نشده است؛ لطفاً راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، گرفتن ربح از کافر حربی جایز است.

2. به طوری که دولت پاکستان اعلام کرده، اخیراً اقدام به تأسیس بانک بدون بهره کرده است. اما ما نمی دانیم که سرمایه گذاری که این بانک خواهد کرد در چه زمینه ای می باشد. همچنین اعلام کرده است که هر شش ماه، سود حاصل از سرمایه گذاری را به ما می دهد (مقررات بانک ضمیمه است) و لیکن به قرار اطلاع، بهره ای که از پول های به قصد ربا گذاشته شده و پول های «بانک بدون بهره» عاید می شود را با هم مخلوط می کنند و از آن میان، سود به مشترکین «بانک بدون بهره» می پردازند. آیا می توان در این بانک پس انداز کرد؟

بسمه تعالی، اگر به نحو مشروع مضاربه با شرایط واقع شود، سود جایز است.

3. چند سالی است که یک شرکت سرمایه گذاری در پاکستان تأسیس شده که سهام 100 روپی می فروشد و از محل اعتبار این سهام، سرمایه گذاری کرده و در پایان، بهره عاید از سرمایه گذاری را بین سهام داران تقسیم می کند. ولیکن این شرکت تقبل کرده است که هر ساله در صورتی که بهره کافی نبرد، بنا به تعهد دولت، مبلغ مشخص و ثابتی به سهام داران خود بدهد. به عبارت دیگر سهام داران، علی رغم زیان شرکت، مبلغ مشخصی از شرکت مزبور با کمک دولت دریافت خواهند کرد. آیا در این شرکت می توان سرمایه گذاری کرد؟

بسمه تعالی، بهره به نحو مزبور ربا و حرام است؛ مگر آن که بهره تجارت باشد.

4. آیا می توان در شرکت هایی که در امر تجارت دوجانبه فعالیت دارند سرمایه گذاری کرد؟

بسمه تعالی، سؤال روشن نیست.

5. آیا می توان حق السادات خمس را مستقیماً به آشنای سید داد؟ و آیا می توان این سهم را در مدارس و مساجد صرف کرد؟

بسمه تعالی، از سهم سادات مجازند به سید فقیر متدین بدهند و در سهم امام علیه السلام اجازه لازم است.

6. آیا می توان از سهم امام برای ساختن و تعمیر مساجد و مدارس که جوانان در آن جا به تحصیل علوم دینی و قرآن مشغولند، استفاده کرده و همچنین از این محل، حقوق معلمان این مدارس را پرداخت و نیز به فقرای سادات و افرادی که سید نیستند کمک کرد؟

بسمه تعالی، حکم آن معلوم شد.

7. بر اساس رساله های عملیه زکات به نه چیز تعلق می گیرد که در بیان آن ها نامی از پول، سهام، ساختمان، ماشین آلات کارخانجات و زمین وجود ندارد آیا کسی می تواند بر این اساس زکات بپردازد؟ و در این صورت چگونه آن را توزیع نماید؟
بسمه تعالی، در غیر نه چیز زکات واجب نیست.

8. حدود 10 سال پیش حمله قلبی به بنده دست داد که بر اثر آن وقتی در حال راه رفتن هستم

و یا احساس درد می کنم باید قرص در زیر زبان نگه دارم در این صورت آیا روزه این جانب درست است؟

بسمه تعالی، اگر آب آن فرو می رود روزه صحیح نیست و در صورتی که روزه برای شما ضرر دارد نباید روزه بگیرید.

از درگاه خدای تبارک و تعالی، طول عمر آن رهبر عظیم الشان اسلام و مسلمین، و پیروزی ملت

شهادت طلب کشور اسلامی ایران را خواستار است.

[سؤال 7246] 7382

2. موضوع دوم در مورد مسأله 2080 توضیح المسائل است؛ لطفاً توضیح بدهید که چرا ربا گرفتن از کافری که در پناه اسلام نیست، حرام نیست؟ همچنین ربا گرفتن پدر از فرزند.

بسمه تعالی، حکم خداوند متعال است؛ باید پذیرفت.

[سؤال 7247] 3682

بسمه تعالی 1358 / 11 / 29

محضر منور امام امت مسلمان آیت الله العظمی خمینی، دام ظلّه

اشخاصی مؤسساتی برای دلالتی در معاملات ربوی تأسیس می کنند و از مراجعین مضطر جهت این دلالتی و جوهی دریافت می کنند. این وجوه از نظر شرعی حرام است یا خیر؟ اگر حرام است توسط حاکم شرع قابل استرداد است یا خیر؟

بسمه تعالی، دلالتی ربا، مانند خود ربا حرام است و پولی که دلال گرفته، ضامن است و باید به صاحبش برگرداند.

ص: 210

[سؤال 7248] 3683

بسمه تعالی 1361 / 1 / 15

با تقدیم احترام و عرض سلام و تبریک پیروزی اسلام بر کفر به سرکردگی امریکای جهانخوار، به حضور مبارک رهبر عالی قدر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و امید مستضعفان جهان امام خمینی، دامت برکاته، محترماً؛ از حضور آن رهبر گران قدر تمنا دارد، به دو سؤال این حقیر پاسخ فرمایید:

1. اشتغال به شغل زرگری (فروشنده و سازندگی) را نظر به این که در حال حاضر و گذشته جنبه های اسلامی در این شغل به طور صددرصد عمل نمی شود، چگونه حکم می فرمایید؟

بسمه تعالی، با مراعات مقررات شرعی اشکال ندارد.

2. برای پرداختن خمسی که زرگر می پردازد وزن طلا را باید در نظر بگیرد و یا مبلغ را؟ مثلاً اگر سال گذشته بیست مثقال طلا داشته باشیم به قیمت بیست هزار تومان و خمس آن را پردازیم، سال بعد این طلا از نظر وزن افزوده و یا کاسته و از نظر قیمت هر مثقال ترقی و یا تنزل کرده باشد؛ حال باید چگونه به این مسأله رسید؟ با کمال تشکر، با امید پیروزی کامل اسلام و ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسمه تعالی، در فرض مذکور، میزان قیمت آن جنس است.

[سؤال 7249] 3684

بسمه تعالی 1360 / 11 / 14

محضر مقدس امام امت و رهبر عالی قدر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، توقیراً به تصدیع مبادرت می نماید؛ به طوری که خاطر مبارک مستحضر می باشد به علت نقش حساس و عظیم صنوف مسلمانان ایران در اجرای فرامین و به ثمر رساندن منویات مقدس رهبر عالی قدر و محبوب انقلاب و سپس تأثیر بسزایی که هوشیاری و پایداری آنان در پاسداری و حفظ دست آوردهای گران قدر انقلاب داشته،

ص: 211

اخيراً منافقین و عناصر مفتضح و در مانده و شکست خورده ضد انقلاب اسلامی به لحاظ یأس از مقابله و رویارویی با این جانبازان و مؤمنین به انقلاب اسلامی، به تاکتیک جدیدی توسل جستند و با اشاعهٔ اکاذیب - از جمله تعطیل برخی از صنوف - موجبات نگرانی و دغدغهٔ خاطر کسبهٔ زحمت کش و مسلمان را فراهم می نمایند.

به آسانی محسوس و مشهود است که این روش ناجوانمردانه نسبت به صنوف سازندگان و فروشندگان جواهر و طلا و ساعت و نقره و مرصع کار و مخراج کار که وابسته به این اتحادیه هستند، شدت و گسترش چشمگیری یافته و نتیجتاً به علت ارتباط مسأله با حیات و هستی و معیشت این صنوف عظیم که به سابقه روشن در ادوار طولانی از معتقدین به مبادی و مبانی اسلام و مقلدین جامعهٔ روحانیت بوده و می باشند، منشأ اضطراب و نگرانی شدیدی گردیده است. متأسفانه بسط دامنهٔ نفوذ و تأثیر این توطئه در سطح کشور و توهم موفقیت اعمال نقشه، سبب تجزّی و گستاخی این فرومایگان ضد انقلاب در تشدید فعالیت در این زمینه گردیده است. لذا به تبع مسئولیت خطیر خود در قبال بیش از چهار هزار عضو منتسب به اتحادیه (فقط در تهران) و متجاوز از حداقل سی هزار کارگر زحمتکش شاغل در واحدهای صنفی و بالغ بر یک صد هزار نفر عائله تحت تکفل و معیشت آن ها و بالغ بر چندین برابر نصاب فوق در سطح کشور - که بدون تردید قریب به اتفاق آن ها از مخلصین به انقلاب اسلامی و معتقدین و علاقه مندان اهداف انقلاب هستند - و با توجه به فوریت و اهمیت موضوع، با عرض پوزش از پیشگاه مقدس رهبر محبوب و امام عظیم الشان امت، در مقام استمداد و استعانت از انفاس قدسیهٔ رهبر و امید مستضعفان برآمده و استدعا می نماید به منظور نفی هر شایعه و شایبه و خنثی کردن این توطئه هولناک، مقرر فرمایید نظر آن ملجأ و امید محرومان نسبت به بقا و دوام و مشروعیت صنوف وابسته به اتحادیه جهت ابلاغ به صنوف و رفع نگرانی آن ها شرف صدور یابد. از خداوند متعال، دوام عمر و سلامت و استمرار رهبری امید محرومان جهان را

تا اتصال به ظهور ناجی بشریت مسئلت می نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، عمل صنف مذکور اگر خلاف مقررات دولت اسلامی نباشد مانع ندارد.

[سؤال 7250] 3685

بسمه تعالی 1361 / 3 / 6

با درود به رهبر کبیر انقلاب و توفیق خدمت شما برادران، لطفاً مسأله شرعی زیر را پاسخ گوید.

همان طور که مستحضر هستید، بانک ملی سکه های طلایی را به معرض فروش گذاشته است و عده ای هم خریده اند. فروش این گونه سکه ها، با قیمت بالاتر چه صورتی دارد؟ والسلام علیکم

بسمه تعالی، بستگی به مقررات دولت اسلامی دارد.

[سؤال 7251] 894

3. اخیراً این جانب به طور تکرار - یعنی از افراد مردم - می بینم و می شنوم که بعضی از مردم پول های سکه پنج تومانی را جمع آوری می کنند. حتی از زبان خود مردم شنیدم که بعضی صد سکه، بعضی ها دویست سکه و بعضی ها سیصد تا الی هزار سکه پنج تومانی جمع آوری کرده در خانه نگه می دارند و این عمل افراد، لطمه به وضع اقتصاد پولی و بانکی می زند. البته سکه ها مربوط به الآن می باشد - بعد انقلاب - آیا این عمل حرام است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر موجب لطمه به اقتصاد دولت اسلامی است، جایز نیست.

[سؤال 7252] 6676

4. آیا می شود پول نو را به قیمت بیشتر با پول کهنه خرید؟

بسمه تعالی، اگر ربا و فرار از ربا نباشد مانع ندارد.

ص: 213

5. کسی هزار افغانی را به دو صد تومان بفروشد یا ده دینار را به سه هزار افغانی بفروشد این جایز است یا ربا است؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، مانع ندارد مگر آن که مقصود فرار از ربا باشد.

بسمه تعالی

محضر محترم حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً؛ معروض می دارم: طلا و النگوی شکسته و یا سالم که افرادی در منزل از آن استفاده می کنند یا به صورت ذخیره مالی اندوخته می دارند، در بازار خرید و فروش می شود. البته به طور چند مثقال یا به صورت کیلو. لطفاً نظر خودتان را نسبت به این نوع معاملات اعلام فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اشکال ندارد؛ ولی فروش طلا به طلا اگر تفاوت در وزن داشته باشند، جایز نیست.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

بعد الحمد و الثناء و دست بوسی رهبر بزرگوار؛ به عرض عالی می رساند این که این جانب شغل طلافروش:

1. آیا طلای آماده و ساخته شده را با طلای شکسته و مستعمل، پایاپای - یعنی یک کیلو در مقابل یک کیلو - به اضافه پول ساخت آن، می شود معامله کرد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر معامله بین یک کیلو در مقابل یک کیلو باشد و اجرتی در مقابل ساخت قرار داده شود مانع ندارد.

[سؤال 7256]

2. آیا کلاً می شود طلای مستعمل و شکسته (به اصطلاح متفرقه) را خرید و فروش کرد یا نه؟ لطفاً جوابش را عنایت بفرمایید.

بسمه تعالی، صحیح است.

[سؤال 7257]

3. آیا طلای ساخته شده را به وعده دو ماه یا سه ماه مثلاً به قیمت شصت تومان بالاتر از قیمت نقد - یعنی نقداً متقالی 1500 تومان و به وعده دو یا سه ماه 1600 تومان

مثلاً - می شود معامله کرد یا نه؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7258] 3688

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی

با عرض تشکر از زحمات شما. برای این جانب مسأله ای پیش آمده که مربوط به مسأله 2119 توضیح المسائل امام می باشد. شخصی مثلاً 2/5 مثقال طلا- برای عوض کردن می آورد. به فرض اگر طلا- مثقالی 20000 ریال باشد، قیمتش 50000 می شود و در عوض 2 مثقال طلا به قیمت 50000 ریال می گیرد. در این صورت قیمت یکی، ولی وزن تفاوت می کند. لطفاً مسأله شرعی را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، اگر طلا را به قیمتی که توافق کردند، بفروشد و با پول آن دوباره طلای دیگری به وزن مساوی یا بیشتر یا کمتر بخرد، اشکال ندارد.

[سؤال 7259] 3689

بسمه تعالی 1361 / 10 / 29

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي ايران، امام خميني، مدّ ظلّه

ص: 215

با اهدای سلام، چه می فرمایید در این مسأله شرعیه:

1. يك فرد بخواهد يك باب مغازه طلا فروشی دایر کند؟ آیا از نظر شرع مکروه است یا نه؟

2. شخصی يك کسب دارد؛ ولی جهت توسعه به کسب خودش و تأمین معاش می خواهد که طلا فروشی را هم به کسب خودش ضمیمه نماید. آیا مکروه است یا نه؟

3. شخصی فقط کارش ساخت انگشتر طلا، گوشواره، دستبند و سایر آلات زینتی می باشد. آیا مکروه است یا نه؟

4. شخصی طلافروش، هنگام تعویض طلای شخصی که طلا را تعویض می کند. طلای او را با طلا مقابل می گذارد. اگر طلای تعویض کننده اضافه شد، پولش را می دهد. اگر طلای طلا فروش اضافه شد، پولش را می گیرد. ولی باقی را که مانده، به طرف می گوید: من مبلغی دستمزد داده ام. و تقریباً مقداری منافع، بر هر يك تومان يك شاهی، یا يك ریال می گیرم. جواب فرمایید: جایز است یا نه؟

5. شخصی مقداری طلا می خرد به این نیت که نگهداری کند تا گران شود و بفروشد؛ آیا جایز است یا نه؟

بسمه تعالی، شغل طلا سازی و طلا فروشی مانع ندارد؛ ولی چنانچه دولت اسلامی مقرراتی دارد، باید مراعات شود. و تبدیل طلا به طلای هم وزن مانع ندارد و تبدیل زیاده آن با پول، یا قرار دادن زیاده در مقابل ساخت، با معلوم بودن عوض و معوض مانع ندارد.

[سؤال 7260] 3690

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت امام خمینی، دام بقاء، پس از عرض سلام؛ از دور، دست مبارکتان را می بوسم و امیدوارم تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام خداوند متعال سایه جناب عالی را بر سر مستضعفین جهان مستدام بدارد، ان شاء الله.

و بعد؛ مسأله مورد نظر این که کارگری طلا ساز، طلایی را که از آن خودش بوده،

ص: 216

می سازد و آن را به بازار می آورد و به طلا-فروشی برده و معامله فقط روی مزد دست و اجرت کار انجام می شود. و در بازار این طور مرسوم است که کارگر می داند جای طلای ساخته ای که می دهد، به همان وزن و همان عیار دقیقاً طلای ساخته بگیرد، به همین جهت معامله فقط روی اجرت طلاهای ساخته، انجام می گیرد.

البته معامله با رضایت طرفین پایان می پذیرد و کارگر به وزن و عیار طلای ساخته اش طلای ساخته و اجرت کار هم پول می گیرد. این معامله از نظر شرع مبین چه صورت دارد؟ در پایان از امام عزیز و کارکنان محترم دفتر امام تشکر فراوان دارم.

بسمه تعالی، معامله مزبوره اشکال ندارد.

بیع سلف

[سؤال 7261] 3691

بسمه تعالی

مسأله ذیل از محضر مبارکتان استفتا می شود:

کسی که معامله سلف نماید و وقت ادا قدرت پرداخت را نداشته باشد؛ این گندم مافی الذمه را - که حلول اجل شد - به معامله سلفی دیگری، مثلاً پنبه، تبدیل کنند آیا

درست یا خیر؟

بسمه تعالی، خریدار حق ندارد فروشنده را الزام به معامله جدید بکند. و اگر با رضایت طرفین معامله شود، مانع ندارد.

[سؤال 7262] 3431

5. معاملات سلف - اجناس گندم، پنبه و غیره - که به نرخ روز انجام گرفته صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، معامله سلف صحیح است ولی هر نحو معامله که وسیله رباخواری است باطل است.

ص: 217

2. شخصی جنس سلف می فروشد؛ موقع تحویل، بدهکار جنس را تحویل می دهد اما قدری با مورد معامله مغایرت دارد. پس از این که طلبکار جنس را تحویل می گیرد ادعا می کند که مابه التفاوت جنس را هم باید بدهکار بدهد؛ آیا بدهکار پس از تحویل جنس، مدیون مابه التفاوت می باشد؟

بسمه تعالی، اگر جنس مطابق مبیع به اوصافی که فروخته شده نیست، تبدیل، موقوف است به رضایت طرفین؛ به هر نحو هر دو راضی بشوند صحیح است.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

قیمت يك من گندم بیست افغانی است در وقت خرمن، ولی صاحب گندم قرض دار می باشد شش ماه قبل از خرمن از کسی پول می گیرد ده افغانی به يك من گندم، سر خرمن که شد این مرد گندم ندارد یا زراعت نشده کم شده یا قرض دیگر برده، به این صاحب پول گندم نمانده این می گوید من از تو گندم خریدم يك من ده افغانی حالا گندم يك من بیست افغانی است من از تو بیست افغانی می گیرم آیا جایز است ده افغانی داده بیست افغانی بگیرد؟ شما امر بفرمایید.

در پایان سلامتی و طول عمر آن رهبر عزیز را از درگاه خداوند متعال خواهانم و خواهشمندم در این مورد مرا راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، در صورت تعدّر تسلیم مشتری گندم می تواند معامله را فسخ کند و قیمت اول را بگیرد یا صبر کند هر وقت ممکن شد گندم بگیرد و حق الزام بایع را به قیمت فعلی ندارد بلی با رضایت طرفین گرفتن قیمت فعلی مانع ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 8 / 17

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته العالی، احتراماً؛ با تقدیم عرض سلام و تحیات، استدعا دارد عنایت فرموده، نظر

مقدس عالی را نسبت به مسأله زیر مرقوم فرمایند.

چنانچه زارعی محصول چغندر خود را به کارخانه قندی بفروشد و از خریدار، بذر و سم و بهای چغندر را دریافت نموده و چغندر مورد معامله را با بذر و سم و پول دریافتی از خریدار، کشت نموده باشد، شرعاً می تواند همین چغندر را بدون رضایت خریدار به دیگری بفروشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن معامله بذر و سم و یا ضمن عقد دیگر، شرط عدم فروش چغندر نشده باشد، می تواند صاحب چغندر آن را به دیگری بفروشد؛ ولو فروشنده بذر و سم راضی نباشد.

[سؤال 7266] 2006

6. در معامله سلف، خریدار از اول شرط کند اگر جنس را به موقع تحویل نداد، فروشنده قیمت جنس را موقع تحویل بدهد، در صورتی که جنس در موقع تحویل چند برابر است آیا این شرط درست است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر حيله برای گرفتن ربا نباشد اشکال ندارد.

مراجعة و مواضعه و تولیه

[سؤال 7267] 3694

بسمه تعالی 1361 / 11 / 18

دفتر محترم حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

تمنا دارد استفتای زیر را جواب مرقوم فرمایید:

ص: 219

جنسی را به وزن معین، از خارجه خریدم و با کشتی به ایران حمل نموده اند. این جنس باید در بندر ایران تخلیه شود، ولی بدون اجازه، در کشور دیگر تخلیه کرده و بعداً به ایران حمل نموده اند. گمرکات کل وزن خریداری پرداخت شده؛ ولی موقع تحویل داری معلوم شد که مقداری از وزن، کسر است و این کسری مورد قبول بیمه یا کشتیرانی واقع نشده که خسارت بدهند. فرض شود اگر کل جنس کامل به ایران می رسید، قیمت تمام شده پنجاه هزار تومان می شد. حالا هم که کمتر از وزن خریداری به ایران آمده باز قیمت تمام شده همان پنجاه هزار تومان است. حال سؤال این است که موقع فروش این کالا به رأس المال، آیا باید مقداری که موجود است پنجاه هزار تومان اظهار شود؟ یا باید ارزش تمام شده مقدار کسری را از پنجاه هزار تومان کسر نمایم؟ با عنایت بر این که این جانب در ایجاد کسری مداخله نداشته ام و اگر قیمت این کسری را از قیمت تمام شده کسر نمایم، معامله احتمالاً ضرر می کند. ضمناً، اگر اجبار در فروش رأس المال نبود و به طریق مساومه امکان فروش داشت، همین مقدار موجود را به قیمتی می خریدند که سود هم می کرد.

بسمه تعالی، در مباحثه باید قیمت جنس موجود که به او تمام شده را ذکر کند و می تواند تمام جریان را به مشتری بگوید و با ربح معین بفروشد.

حق المازة

[سؤال 7268] 812

3. کندن میوه از باغ کشاورزی برای خوردن در همان محل، بدون اجازه از صاحب باغ آیا حلال است یا خیر؟ و این که می گویند به اندازه خوردن حلال است و برای بردن حلال نیست چگونه است؟

بسمه تعالی، اگر درخت میوه در سر راه رهگذر قرار داشته باشد، می تواند در حال عبور از خیابان، از میوه آن درخت برای خوردن در همان جا استفاده کند. به شرط آن که از حد سیری و احتیاج تجاوز نکند.

ص: 220

9. درباره حق ماژہ فتوای حضرت امام چیست؟ شخصی در حال رفتن است که می بیند از دیوار باغ مقداری شاخه میوه بیرون ریخته؛ آیا می تواند مقدار کمی بخورد یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، جایز نیست بنابر احتیاط.

اقاله (توافق بر فسخ)

بسمه تعالی بیستم شوال 1399 ق

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی آقای امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در این مسأله شرعیه چه می فرمایید: يك نفر مسلمان به يك نفر دیگر يك باب خانه کلنگی فروخته و چهارصد هزار تومان به عنوان بیعانه دریافت داشته است. قبل از تنظیم سند و قطعی شدن معامله، ملك از رونق افتاده و خریدار از انجام معامله منصرف شده و بیعانه را طلب کرده است. فروشنده از استرداد ملك متضرر شده ولی قبول کرده، اما بایع مبلغ مزبور را قادر نبوده يك دفعه پرداخت نماید. بایع خواهش کرده این مبلغ را در مدت سه ماه دریافت کند؛ اما خریدار قبول نکرده. آیا خریدار می تواند و حق دارد که توسط دادگستری، بایع را به مبلغ شش صد هزار تومان، ملتزم نماید؟ امید است جواب عریضه و مسأله را مرقوم فرمایید؛ چون این جانب مقلد حضرت آیت الله هستم.

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، در صورتی که فروشنده راضی به فسخ معامله شده، خانه به او برمی گردد و خریدار بیش از مبلغی را که به او پرداخته حق ندارد.

محضر مبارك زعيم عالی قدر آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه

پس از تبیین سلام و ابراز ارادت و اخلاص قلبی، امیدوارم خداوند سایه مبارك را از سر مسلمین و مستضعفین جهان کوتاه نفرماید. غرض از تصدیع سؤال از مسأله ای است که عنوان می شود:

چهار نفر مسافرخانه ای خریده اند، يك نفر نصف و سه نفر نصف باقی را مشاعاً و مبلغی بیعانه داده اند ولی این بیعانه از طرف سه خریدار پرداخت شد و يك نفر پول نداده و مسافرخانه تحویل خریداران نشد. فروشنده به علت زیادی مالیات پولی به عنوان جریمه به خریداران داد که این معامله را نادیده بگیرند. آیا یکی از خریداران که سهم خود را از بیعانه نداده، می تواند سهمی از جریمه دریافتی مطالبه نماید؟ توضیح این که بعداً مابین فروشنده و دو خریدار معامله انجام یافته، مگر آن خریداری که از اول بیعانه نداده که در معامله بعدی به کلی کنار رفته است.

بسمه تعالی، اگر پول را برای رضایت به فسخ معامله داده به همه خریداران تعلق دارد.

كتاب شفعه

احكام شفعه

ص: 223

بسمه تعالی

من و کسی دیگر يك باغچه مشترك داریم، شریکم بدون اجازه من آن را به دیگری فروخته، آیا حق شفعه دارم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر باغچه مشترك بین شما و يك نفر دیگر است به نحو مشاع، و او سهم خود را به غیر فروخته، شما حق شفعه دارید.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 31

محضر مقدس و مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

خانه ای است مشترك بین دو نفر به نسبت چهار دانگ و دو دانگ. مالك دو دانگ سهم خود را به داماد خود می فروشد به يك مبلغ خیلی خیلی کمی که طبق نظریه کارشناس قیمت المثل زمان معامله چندین برابر قیمت فروخته شده بوده و این معامله با این مبلغ جزئی به این جهت بوده که اولاً: مالیات کمتری (در زمان طاغوت) تعلق گیرد و ثانیاً: دخترش خانه دار شود. یعنی در حقیقت این يك بخشش بوده، نه يك معامله، وگرنه طبق نظر کارشناس، قیمت همان وقت فروش چندین برابر این مبلغ

ص: 225

فروخته شده بوده، حالا این شریک فرصت طلب آمده اعمال حق الشفعه کرده به همان مبلغ ناچیز که در دفتر اسناد ثبت شده، آیا در این فرض این شریک چنین حقی را دارد یا نه؟ توضیحاً این که چون به دامادش بدهکار بوده این معامله را انجام داده.

بسمه تعالی، انتقال حصه شرکت اگر حقیقتاً به صورت فروش بوده شریک حق شفعه دارد.

[سؤال 7274] 3699

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله بقائکم

بدین وسیله استفتا می شود که چه می فرمایید در مورد تنازع دو نفر شریک که بالمشارکت ساختمانی را احداث کرده اند و پس از تمامیت ساختمان، یکی از شرکا سکونت موقت نموده تا ساختمان را به فروش برسانند و سهم خود را دریافت نمایند؛ پس از چند ماهی یکی از شرکا - به نام زید - که سکونت موقت نموده بود، سهم خود را به دیگری - به نام عمرو - می فروشد مشروط براین که ساختمان را تخلیه و بهای تعیین شده را دریافت نماید ولی قیمت ها بالا می رود و زید از فروش و تحویل ساختمان منصرف می شود و درصدد برمی آید که این بار ضمن این که سهم خود را نفروشد، سهم شریکش عمرو را بالکل با تمام مخارج متعلقه - از مالیات و غیره - بیش از بهای تعیین شده قبلی، به مبلغ ده هزار تومان بخرد، لهذا باز مذاکره و موافقت طرفین در این مورد حاصل می شود ولی در این بین، مالیات ها افزوده می شود به طوری که زید به علت مضاعف بودن مالیات، از این خرید نیز اعلام انصراف می کند، لیکن پس از چند روز که از میزان مالیات کاسته می شود، زید از اعلام انصراف مذکور پشیمان می شود و به عمرو مراجعه و درخواست انجام معامله می کند و عمرو هم قبول می کند، لیکن اضافه بر این که شرط می کند طبق مذاکرات قبلی، کلیه مخارج متعلقه - از مالیات و غیره - به عهده خریدار باشد (زید) و مبلغ هم همان مبلغ تعیین شده قبلی، شرط

ص: 226

می کند که بهای مذکور باید نقداً پرداخت و تحویل و تحول انجام گیرد؛ براساس این قرارداد سوم، خریدار (زید) کلیه مالیات مربوطه را پرداخت می کند تا با تهیه مبلغ بهای تعیین شده، به یکی از دفاتر، مراجعه و با صدور سند رسمی، معامله را قطعی کنند؛ لیکن این بار با تنزل قیمت ماشین ها و فراهم نشدن وجه مذکور برای زید که شغل و وسیله درآمدش بود مواجه می شود؛ نامبرده برای بار چهارم به علت نداشتن پول و عدم قبول جنس (ماشین) از طرف فروشنده (عمرو) از خرید ذکر شده، منصرف و بلکه سهم خود را مانند بار اول، با بهای کمتر به عمرو پیشنهاد می کند، ولی با عدم حصول توافق طرفین، وضع بدین منوال باقی می ماند و پس از انقضای 5 یا 6 ماه از این مذاکره، عمرو تصمیم می گیرد که سهم خود را به شخص ثالث بفروشد ولی زید با این معامله هم موافقت نمی کند و ادعای مالکیت ساختمان را می کند و می گوید که من ساختمان را (سهم شریکش) خریده ام و تمام شده است؛ ولی هیچ گونه وجهی مبادله نشده؛ در این میان وساطت هایی هم برای اصلاح می شود لیکن نتیجه حاصل نمی شود. اینک با توجه به این که ساختمان مشترکاً ساخته شده و زید در این مذاکرات، وجه مالیات و نوسازی را پرداخت کرده است و چون ساختمان توسط عمرو به بانک بدهکار بود، قسط بانک را هم پرداخت می کند و از طرفی هم بدون کسب اجازه از شریکش، ضمن سکونت غیر مجاز، تصرفات و تغییراتی در ساختمان داده و متحمل هزینه شده است و از طرفی دیگر در مغازه همین ساختمان، مشغول کسب و کار و در یک طبقه، خودش و خانواده اش ساکن و طبقه دیگر را به مستأجر داده است، اینک حکم، حکم شما است؛ این دو شریک چه کار کنند؟ ساختمان مال کدام شریک است؟ و آیا عمرو می تواند مطالبه نصف مال الاجاره را بکند یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، عمرو اگر حق فروش هم داشته باشد و سهم خود را بفروشد، زید می تواند اخذ بشفعه نماید؛ ولی اگر ثابت نشود که زید حق عمرو را خریده، عمرو می تواند سهم خود را به دیگری بفروشد و چنانچه زید بخواهد، اخذ به شفعه نماید.

بسمه تعالی

احتراماً؛ معروض می دارم: این جانب مشغول کشت روی زمینی هستم که متراژ فعلی آن حدود 4700 متر مربع است و قبلاً حدود 6500 متر مربع بوده که ما به التفاوت را برای جشن های منحوس 2500 ساله به زور و کتک گرفتند و هم اکنون آن ما به التفاوت شارع عمومی است و تنها محل امرار معاش این جانب از سبزی کاری روی باقیمانده این زمین 4700 متری است و این زمین از پدر به من و یگانه خواهرم به ارث رسیده و خواهرم در حدود 18 سال پیش قسمتی از سهم الارث خود را بدون اطلاع من و با صحنه پردازی هایی که از طرف خریدار انجام شد، فروخت که ابتدا با تبانی با محضردار وقت، سند ذمه به او دادند و پس از ظاهر شدن مسأله در فامیل، مجبور شدند به ایشان پول پرداخت نمایند. البته خواهرم حتی از نظر شمارش پول و تشخیص های رونق معاش، طبق شواهد از کودکی تا کنون دچار کمبودهایی نیز هست و به سادگی فریب می خورد. این جانب با توجه به مشاع بودن زمین بنده و خواهرم و شریک جدید، هیچ اطلاعی از فروختن زمین توسط خواهرم نداشتم و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز حق تفکیک زمین مشاع را نمی دهد. این دعوا بین بنده و شریک جدید این مدت سال را طی می کند و من صلاح ندیدم که دسترنج خود را در سن 62 سالگی با کار و رنج در تابستان و زمستان بابت اجاره به ایشان بدهم؛ زیرا ایشان از دادگاه تقاضای اجاره این مدت را کرده است، در صورتی که بنده اصل معامله و خرید و فروش را مشکوک می دانم. خواهشمندم با توجه به فتوای امام خمینی این جانب را از تردید بیرون آورید. آیا معامله بین خواهرم و شریک جدید در صورت مشاع بودن و عدم اطلاع بنده صحیح بوده یا خیر؟ چنانچه صحیح باشد یا نباشد بنده را از حکم شرعی در این مورد آگاه فرمایید.

بسمه تعالی، معامله محکوم به صحت است و شما پس از اطلاع از فروش و اطلاع از ثبوت حق الشفعه، در صورتی که ملک فقط مشترک بین شما و

ص: 228

خواهرتان بوده، می توانید اخذ به شفعه نمایید و با پرداخت پول خرید مشتری، سهم خواهر را برای خود بردارید.

[سؤال 7276] 3515

2. پدری که تحت سرپرستی پسر و یا بالعکس زندگی می کند و در واقع، زندگی شان توأم بوده و جدا نمی باشد، پدر و یا پسری که با فرض مسأله، تحت سرپرستی آن دیگری است، ملك و یا خانه اش را بدون اطلاع سرپرست خانه به کس دیگری بفروشد آیا حق تقدّم و یا حق الشفعه برای پدر و یا پسری که سرپرست است و حاضر بوده به همان قیمت که به شخص دیگری فروخته، مصلحتاً از او خریداری نموده تا از فساد و نزاع احتمالی و یا حتمی جلوگیری نماید وجود دارد یا نه؟ چون در غیر این صورت - یعنی در صورتی که بدون اطلاع پدر و یا پسر سرپرست، معامله انجام شده - موجب فساد و منازعه بین پدر و پسر و بین خریدار که شخص دیگری است خواهد شد، آیا حق تقدّم و یا حق الشفعه در این جا صادق است یا خیر؟ و این معامله به شرح فوق شرعاً چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، معامله واقع شده صحیح است و اگر ملك و خانه فروخته شده، مشترك نبوده، حق شفعه ثابت نیست.

[سؤال 7277] 3701

بسمه تعالی 1361 / 6 / 2

محضر مستطاب آیت الله العظمی مرجع عالی قدر امام خمینی دامت برکاته

از راه دور سلام عرض می کنم و بعد از سلام مسأله ای خدمتتان عرض شده بود به این که زمینی را دو نفر شریک هم بودند یکی از آن دو شریک سهم خود را فروخته و شریک دیگر می گوید: چون شراکت ما مشاع است نمی دهم، آیا بعد از این که خریدار اول تصرف کرده این شریک می تواند برگرداند یا خیر؟ فرموده بودید: اخذ به شفعه کند و زمین را برگرداند و خود معامله را انجام دهد. امر بفرمایید قیمت زمین فرق کرده

ص: 229

است، همان پولی که خریدار داده باید بگیرد و یا قیمت امروز باید داد؟

بسمه تعالی، در موردی که اخذ به شفعه جایز است لازم است پولی که خریدار داده است را به فروشنده بدهد و زیادتر لازم نیست، اگرچه قیمت ترقی کرده باشد.

[سؤال 7278] 3702

بسمه تعالی

اگر احد الشریکین حصه مشاعه خود را فروخت یا حصه مشاعه و مفروزة خود را فروخت با هم، و مشتری در آن زمین زحمتی کشید مثل تصفیة زمین و امثال آن بعداً که شریک دیگر مطلع شد و اخذ به شفعه کرد در جایی که جایز است ولو اخذ به شفعه راضی به بیع مفروز باشد، مشتری در قبال زحماتی که کشیده حق دارد مراجعه کند یا خیر؟ بر فرض جواز، به بایع حق مراجعه دارد یا شریک او، فرقی بین عالم به حکم و موضوع و جاهل هست یا خیر؟ و اگر درختی را مشتری در آن ملک غرس کرده یا چیزی کشت کرده، آیا اخذ به شفعه حق دارد که مشتری را الزام کند به کندن حاصل خود یا باید صبر کند تا حاصل به ثمر برسد؟

بسمه تعالی، مشتری در قبال زحمات خود، حق مراجعه به غیر ندارد و فرقی بین عالم و جاهل نیست و اگر از اعیان اموال مشتری در آن جا باشد مال خود او است و مخیر است بین ابقاء با دادن اجرت در فرض اجازه مالک، و تخلیه، در صورت عدم اجازه.

ص: 230

كتاب صلح

احكام صلح

ص: 231

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت مستطاب، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

هر گاه کسی بخواهد مالی را صلح کند به شخصی، مشروط بر این که عین مال یا منفعت آن فقط مادام الحیات مصالح له در تصرف و مورد استفاده او باشد و بعد از فوت او برگردد به مصالح و در صورت فوت مصالح به ورثه او برگشت کند آیا چنین مصالحه ای صحیح و لازم خواهد بود یا خیر؟ استدعا آن که حکم الله را مرقوم فرمایند که محل حاجت است.

بسمه تعالی، صلح مذکور لازم و شرط در ضمن آن نافذ است.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب دام ظلّه العالی

بعض اشخاص که به سبب گذر کردن از جاده با ماشین تصادف می کنند و فوت می کنند و البته بین وارث میت تصادف شده و صاحب ماشین، مشاجره و منازعه واقع می شود و صاحب ماشین مقدار بیست هزار تومان یا سی هزار تومان به عنوان دیه به

ص: 233

وارث میت مذکوره می دهد و خود را خلاص می کند، آیا این پول برای وارث میت حلال است یا نه؟ و در صورتی که حلال باشد آیا خود میت هم از آن ثلث می برد یا نه؟

بسمه تعالی، مقدار دیه شرعی را اگر اولیای خون مقتول به مبلغی صلح کنند مانع ندارد و میت بدون وصیت، حقی نسبت به ثلث ندارد.

[سؤال 7281] 3705

بسمه تعالی

محضر حضرت امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

معامله ای بدین شرح انجام شده است: يك حياط مسكونی به انضمام تمامی مخلفات خانه از هر قبیل که بوده باشد کائناً ما کان، در هر محل که موجود است مطلقاً، و کلیه مطالبات و نقود را از هر کس و به هر عنوان، خواه به موجب سند رسمی و یا عادی و یا سفته تجارتي که در ذمه اشخاص بوده باشد، در مقابل دویست هزار ریال تمام که فروشنده مبلغ دویست هزار ریال بذل و ابراء نموده و مبلغ پنجاه هزار ریال دین ثابت از خریدار.

در صورتی که مقدار وجه سفته ها و مطالبات از اشخاص و نقد موجودی چندین برابر وجه المصالحه است؛ آیا این معامله در دین مقدس اسلام صحیح است یا باطل؟ حکمش را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که به صورت مصالحه معامله شده، اشکال ندارد.

[سؤال 7282] 3706

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

به شرف عرض عالی می رساند: کربلایی حسن موقع رفتن به کربلا ملک زراعی خود را که چهل سهم است به يك من نمک به برادر مادری خود غلام رضا مصالحه نمود، به شرط کفن و دفن و رسیدگی به دخترش. کربلایی حسن قبل از رفتن به کربلا

ص: 234

عیالش را طلاق می دهد و عیالش شوهر کرده و اکنون پسری به نام محمد موسی از شوهر دوم دارد. کربلایی حسن در کربلا فوت کرده و تنها وارث او خدیجه هم فوت می کند. غلام رضا برادر مادری کربلایی حسن هم بعد از او فوت می کند. اهل قلعه جمع می شوند و نیم سهم از زمین را به اولاد غلام رضا یعنی 1. رجب علی؛ 2. ابراهیم؛ 3. ربابه می دهند و نیم سهم دیگری را به فاطمه عیال مطلقه می دهند. این عیال هم فوت می کند و حال نیم سهم به دست محمد موسی پسر فاطمه می باشد و نیم سهم دیگری به دست اولاد غلام رضا. محمد موسی پسر فاطمه ادعا دارد نیم سهم که در دست اولاد غلام رضا است از آن خدیجه دختر مادری من است و چون او فوت کرده به من می رسد. استدعا دارم از محضر آیت الله العظمی امام خمینی دستور شرعی را بیان فرمایید تا این که اطاعت نمایم. والسلام

بسمه تعالی، بر فرض صحت مصالحه، مال مورد مصالحه از ورثه شخص مصالح له است و دیگران حقی در آن ندارند.

[سؤال 7283] 3707

بسمه تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی، امام خمینی

محترماً، به استحضار می رساند:

1. پدری در وصیت نامه خود ذکر نموده است: صلح نمودم با فرزندم به مبلغ سیصد هزار ریال در مقابل املاک پدری ام. در صورتی که فرزندش از این صلح اطلاعی نداشته باشد، صلح يك طرفه از نظر شرعی و عرفی، چه وضعی دارد؟ و تکلیف فرزندش که در حیات است با ورثه های دیگر چیست؟ ما را راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، اگر فرزند مشارالیه صلح مزبور را در حال حیات پدر قبول نکرده و از آن مطلع نبوده، صلح مزبور صحیح نیست و مال مورد صلح جزو ترکه محسوب می شود و به تمام ورثه می رسد.

ص: 235

2. در وصیت نامه پدری ذکر شده است، که یکی از حیاط مسکونی من ماترك خود قرار دادم، و آن را به دو فرزندش بخشیده است. در جای دیگر این وصیت نامه نوشته است: همان حیاط را اجاره بدهید و اجاره اش را بین تمام ورثه قسمت کنید. وصیت اول تاریخ دارد، ولی دومی تاریخ ندارد، و نشان داده نمی شود کدام ماقبل و مابعد هستند. خواهشمند است در این زمینه نیز ما را ارشاد فرمایید و تکلیف ورثه های دیگر چیست؟

بسمه تعالی، منظور از سؤال دوم معلوم نیست، اگر ملك خود را به فرزندان بخشیده و تحت قبض آن ها درآورده، حیاط مزبور به آن دو فرزند اختصاص دارد، و وصیت درباره آن حیاط مورد ندارد و سایر ورثه هم در آن ملك حقی ندارند.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

[سؤال 7284] 3708

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر انقلاب، حضرت مستطاب، آیت الله الاعظم، آقای حاجی آقا روح الله خمینی، دام ظلّه العالی

محترماً، به عرض مبارك می رسانم طبق صلح نامه ای مادر این جانبان هرچه از املاك و غیره داشته به این جانبان مصالحه نموده است. اگر شرعاً صحیح است و اشکالی ندارد، در ذیل این ورقه مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، حکم کلی مسأله معلوم است که با وجود شرایط معتبره صلح صحیح است، ولی رسیدگی به قضیه شخصیه و حلّ اختلاف چنانچه اختلافی هست، موکول به محاکم صالحه شرعیه است.

[سؤال 7285] 5931

6. ابراء و صلح به امضای ذیل ابراءنامه و صلح نامه، بدون انشای لفظی محقق می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، مجرد امضا کفایت نمی کند.

ص: 236

بسم الله الرحمن الرحيم

ادّعى رجل على أخيه بأنّ له شراكة في بناية كان قد بناها المدّعى عليه وذهب إلى أحد المحامين ووكله بإقامة الدعوى وبعد اخفاقه بتقديم البينة طلب من المدّعى عليه بأن يحلف على القرآن الشريف بحيث أنه يضع يده على القرآن و يحلف أنّ المدّعى ليس له حقّ عنده فحلف المدّعى عليه فعندها أسقط المدّعى دعواه وتصالحا وتعانقا وصالح كل واحد منهما الآخر وشربا القهوة معاً حلاوتها الصلح وذهب كلّ في سبيله و بعد مدة من الزمن أكثر في عشر سنوات تقريبا نقض الاتفاق والصلح وقال إنه صلح بدائي وعاد فأقام الدعوى ثانية فهل يجوز له نقض الصلح والمصالحة والاتفاق وأن يقيم الدعوى عشر سنوات؟ اخبرونا يرحمكم الله.

بسمه تعالى، بعد ما تحقّق المصالحة بينهما على الحقّ بالطريق الشرعى لم يكن لنقض المصالحة واعاده الدعوى وجه شرعاً.

بسمه تعالى 16 / 6 / 1361

حضرت حجت الاسلام و مروّج الاحكام ملاذ الانام الامام خمينى زيد عمره الشريف

محضر مبارك امام عزيز روحى لك الفداء را به سه مدرك راجع به يك باغ جلب مى كنم و سؤال مى شود كه دختری دارای طلا آلات بود كه او را دزد برد بدون اين كه پدر مقصر باشد ولى دختر روزگار پدر را سياه كرد. پدر يك قطعه باغ را بدون اجراى صيغه به او واگذار نمود بعداً عموى او برای اين دختر كه شوهر كرد در برابر يك صلح نامه كه به امضای پدرش رسیده است برای اين دختر يك خانه ساخته با زیربنا و محوطه اطراف آن سیصد متر مربع كه بقیه زمین در حدود تقریبی دو هزار متر مربع است به عمویش واگذار نمود كه در تصرف عمو بود بعد از ساختن خانه دختر و

شوهرش در آن سکونت کردند ادعای بقیه زمین را نمودند آیا از نظر اسلام صلح نامه معتبر است یا خیر؟ و آیا دختر از نظر شرع اسلام می تواند بعد از مصالحه دوباره ادعای زمین کند، تقاضای نظر مبارک امام را دارم.

بسمه تعالی، چنانچه واقعاً دختر نامبرده حقوق ولو احتمالی خود را در مقابل خانه و عوض آن صلح نموده دیگر حق ندارد و سند اعتبار شرعی ندارد و اگر نزاعی باشد باید در محکمه شرعیه حل و فصل شود.

[سؤال 7288] 3711

بسمه تعالی 1361 / 9 / 29

حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران

به موجب اسناد محضری سه نفر از برادران کلیه حقوق شرعی و قانونی متروکات موروثی خود را به یکی از برادران طبق سند محضری رسمی صلح و اقرار به صلح و همچنین اعتراف نموده اند که کلیه سهم الارث پدری خود اعم از منقول و غیر منقول را از برادر خود دریافت نموده اند. دو سال پس از صلح و اقرار و اعتراف با مصالحین و مقرر مزبور مدعی حقوق همان مورد صلح و اقرار شده اند.

آیا طبق احکام شرع انور مصالحین و مقرر مزبور می توانند مدعی چنین حقوقی نسبت به مورد صلح و اقرار باشند یا خیر؟

حقوق مدعی و وراثت متصلح به مورد صلح و اقرار ثابت است و مراجع اسلامی حق رسیدگی به ادعای مصالحین و مقرر مزبور پس از صلح و اقرار دارند یا خیر؟ جهت استحضار سه فقره، فتوکی اسناد محضری فوق الذکر به ضمیمه ایعاد می گردد.

بسمه تعالی، اگر صلح به نحو صحیح شرعی انجام شده و حق خیار فسخ برای صلح کننده نباشد حق مطالبه حقوق صلح شده را ندارد و در صورت اختلاف باید به محکمه شرعیه رجوع شود.

ص: 238

بسمه تعالی

محضر اقدس زبدة العلماء المجاهدين المعظم حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی جعلت فداك

شخصی کلیه اموال خود را در حال حیات و با اختیار خود مصالحه نموده به دو تن از فرزندانش یکی به نام مرادعلی و دیگری عباس علی و برای خود در مدت بیست سال اختیار فسخ قرارداد و در ضمن عقد مصالحه شرط نموده چنانچه در این مدت فوت بنماید خواهرش به نام حبیبه وصی او باشد که يك ثلث از اموال مصالحه شده را در امور خیریه صرف بنماید، مصالح فسخ نکرده و فوت نموده در صورتی که غیر آن دو نفر، فرزند دیگری ایضاً دارد آیا آن ها شرعاً حق اعتراض دارند در اموال مصالحه شده یا خیر؟ نفس ورقة مصالحه ایضاً موجود است. لطفاً حکم الهی را بیان فرمایید. عمر و عزت مستدام باد اجرکم علی الله المنان

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، صلح و شرط ضمن آن نافذ است و سایر ورثه حق اعتراض ندارند.

بسمه تعالی 1361 / 10 / 4

محضر رهبر عالی قدر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و مرجع اسلامی جهان تشیع، فرمانده کل قوا، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی فداه

خداوند متعال عنایتی فرماید و به حرمت خون پاکان و صلحا سایه بلند پایه حضرت عالی را تا ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - مستدام بدارد تا پرچم اسلام را بر فراز همه کاخ های دنیا برافرازد.

از مقام معظم جناب عالی مستدعی است که سؤال این بنده حقیر را که ده سال است لاینحل مانده، جواب دهید و ما را از شك و تردید نجات دهید.

ص: 239

شخصی دارای دو زوجه است که از یکی از آن ها چهار پسر و دو دختر و از دیگری چهار پسر و یک دختر دارد. پس از فوت پدر، بعد از گذشت هفت سال بلا تکلیفی و حیف و میل، وراثت دو زوجه که همگی کبیر بوده اند با رضایت و توافق هم ماترک مرحوم را مشاعاً به دو بخش تقسیم می کنند. بخشی سهم زوجه اول و فرزندان وی و بخشی دیگر نصیب دیگری می شود، و بین خود قراردادی مکتوب و به امضای هم می رسانند.

بعد از گذشت مدت چهار سال که قیمت ها ترقی نموده، وراثت زوجه اول معترض می شوند که چنین تقسیمی صحیح نیست و مجدداً به حال بلا تکلیفی و خرابی درمی آید. با توجه به این که وراثت زوجه اول همه صاحب مکنت هستند و قصد ستیزه جویی های سنتی دارند؛

1. آیا چنین تقسیمی در مورد ارث صحیح بوده و قولنامه آن معتبر است؟ و اگر درست نیست طرف های مقابل حق گرفتن یا حق فسخ را دارند؟

بسمه تعالی، اگر با مصالحه تقسیم کرده اند، نافذ است و حق برگشت ندارند.

[سؤال 7291]

2. وراثت زوجه دوم بر مبنای قولنامه، خرجی را در آباد کردن سهم خود تقبل نموده اند. این خرج چه می شود؟

بسمه تعالی، اگر تقسیم صحیح نباشد مخارجی که بعضی کرده اند را دیگران ضامن نیستند.

[سؤال 7292] 3714

بسمه تعالی 1361 / 8 / 29

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

هرگاه شخصی منافع اموال منقول و غیر منقول خود را به کسی صلح کند که

ص: 240

مُصالح له مادام الحیات خویش از منافع آن به هر نحوی که خواسته باشد استفاده کند، در صورتی که شخص مُصالح قبل از مُتصالح فوت شود؛ آیا مفاد صلح مزبور به قوت خود باقی است یا محتاج به تنفیذ ورثه مُصالح خواهد بود؟

بسمه تعالی، صلحی که طبق ضوابط شرعی در حیات مصالح انجام گرفته پس از فوت او نیز به قوت خود باقی است و نیاز به تنفیذ ورثه ندارد.

[سؤال 7293] 3715

بسمه تعالی 13 / 10 / 1361

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی خانه ای را به استثنای منافع آن، با حقّ خیار فسخ مادام الحیات، به همسر خود صلح مشروط نموده و بدون استفاده از حقّ فسخ خود درگذشته است. چهار سال قبل از فوت در محضر شماره پنج خرم آباد سندی تنظیم نموده، که فتوکپی آن در جوف نامه می باشد. آیا حق اختیار فسخ به ورثه منتقل می شود یا خیر؟ خواهشمند است که جواب آن را مرقوم فرمایید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار، آمین یا رب العالمین

بسمه تعالی، اگر شرط خیار مادام الحیات بوده، به وارث نمی رسد.

[سؤال 7294] 3716

بسمه تعالی

رهبر عظیم الشان، امام خمینی، پس از ادای احترام خواهشمند است از نظر دین اسلام و احکام قرآن، دو مسأله زیر را روشن فرمایید:

1. خانمی در سال 1310 شمسی، کلیه مالکیت خود را از منقول و غیر منقول با همسر خود، با شرط خیار فسخ در مدت 30 سال و استیفای منافع برای خود در مدت مزبور، صلح نموده و در صورت فوت زن در بین مدت و عدم ظهور فسخ، خیار و استیفای منفعت ساقط می گردند. در این صورت که صلح لازم می شود، متصالح

ص: 241

(شوهر) يك ثلث از عين الصلح مزبور را با نظارت شخصی معین، مخارج کفن و دفن و تعزیه داری های ثلاثه و سبعة و اربعین و سال بنماید و دو ثلث دیگر را، چنانچه اولادی از زن باشد؛ متصالح بین خود و اولاد زن به قرار: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»

قسمت نماید. در سال 1320 يك دختر که تنها اولاد زن است به وجود آمده و در سال 1324 مادر دختر فوت نموده و با فوت او صلح مزبور لازم و قطعی شده است. متصالح مکلف بوده دو ثلث از مورد صلح را بین خود و دختر تقسیم نماید. متأسفانه به این تکلیف عمل نکرده و در سال 1351 فوت نموده و زن و شش فرزند دیگر دارد.

با توجه به صلح نامه، سهم يك دختر و شش فرزند بعدی که از همسر بعدی می باشند، چیست؟

بسمه تعالی، اگر به شرط تقسیم - که در ضمن مصالحه کرده - عمل نشده، دختر زن فوت شده حق فسخ مصالحه را دارد. و در صورت فسخ، حق مطالبه ارث خودش را از مادرش دارد. و سهم شوهر از ترکه زن اول، بین همه ورثه که از جمله دختر زن اول است، تقسیم می شود.

2. آیا زوجه دوم حق گرفتن مهریه را در صورتی که هیچ اثری از تعیین مهریه نیست، دارد؟

بسمه تعالی، اگر ثابت است که [زن دوم] از شوهر مهریه خود را طلبکار است و مقدار آن نیز معین است می تواند مطالبه کند و نزاع باید در محکمه شرعیه حل و فصل شود.

[سؤال 7295] 3717

بسمه تعالی 1362 / 5 / 25

محضر مبارک زعیم عالی قدر، رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی، مدّ ظلّه العالی، پس از عرض سلام و ادای احترام.

شخصی مال خود را که عیناً مورد حق کسی نبوده به عنوان باقیات و صالحات و زیر نظر عالمی بزرگ با اجرای صیغه شرعیه صلح می کند، سپس فرد دیگری با ادعای حق کلی قصد دارد از عین مال فوق الذکر، استیفای حق نماید تا بالنتیجه صلح باطل شود. با این که بر فرض ثبوت دعوا جهت استیفای حق ادعایی، مال دیگری وجود

ص: 242

دارد؛ آیا شرعاً این عمل جایز و بدین وسیله صلح باطل می گردد یا نه؟

خواهشمندم حکم مسأله را صریحاً بیان فرمایید.

بسمه تعالی، چنانچه عین مال مورد مصالحه متعلق حق کسی نباشد، صلح، صحیح و باید طبق آن عمل شود و صاحب دعوی حق ابطال صلح را ندارد.

[سؤال 7296] 3718

بسمه تعالی 1358 / 10 / 26

دفتر زعیم عالی قدر، نور چشم ملت ایران، حضرت امام خمینی، دامت برکاته

با تقدیم احترام؛ وصیت نامه ای که به پیوست تقدیم می گردد پس از فوت مرحوم پدرمان به دست ما رسیده و هیچ يك از وارثین از آن اطلاع نداشته است. معلوم می شود که در غیاب ما به شهر قم آمده و آن را نوشته است و از نظر عمل به آن مشکوک هستیم؛ چون مورد قبول دو تن از دختران و يك پسر که نامش در وصیت نامه ذکر نشده نمی باشد. لذا از آن مقام محترم تقاضای عاجزانه داریم حکم شرعی آن را صادر و امر به ابلاغ فرمایند تا نسبت به آن عمل شود.

لطفاً فرمایید: آیا با این که فرزندان همه کبیر بوده اند صلح صحیح است یا خیر؟ و صلح در غیاب فرزندان کبیر از نظر شرع چگونه است؟ ناگفته نماند، متوفی غیر از يك خانه و دو قطعه باغ ذکر شده در وصیت نامه اموال دیگری نداشته و مازاد بر ثلثی ندارد. در هر صورت عمل شرعی این وصیت نامه را مرقوم فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، شخص در حیات خودش می تواند هرگونه تصرفی در مال خودش بکند و صلح او به بعضی اولاد موقوف به رضایت بقیه نیست و وصیت نامه اعتبار شرعی ندارد؛ مگر آن که موجب اطمینان به وصیت شود.

ص: 243

محضر مبارك زعيم عالی قدر جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، مدّ ظلّه، پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی آن وجود شریف، مستدعی است پاسخ سؤال ذیل را مرقوم فرمایید.

اگر کسی با اختیار و بدون اجبار، کلیه اموال خود را در حال حیات به دیگری، غیر از اولاد خودش مصالحه نماید و کتباً مصالحه نامه بدهد، آیا صحیح است و اموال، متعلق به متصالح می شود یا این که این گونه مصالحه نامه باطل می باشد و اموال بعد از مصالحه، به اولاد خودش می رسد؟ لطفاً جواب مرقوم فرمایید. مزید تشکر

بسمه تعالی، اگر به وجه شرعی ثابت شود که شخص در حال حیات، اموال خود را به کسی صلح کرده و به او منتقل ساخته به نحوی که در حین فوت، مالک آن اموال نبوده، ورثه در آن اموال حقی ندارند.

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، دامت برکاته

ضمن عرض سلام، حدود دو سال قبل، پسر عمویم کاغذی به صورت مصالحه مشروط - که فتوکپی آن به پیوست تقدیم می گردد - به من دادند که من می خواهم به مسافرت بروم و اگر از مسافرت، سالم برگشتم اموالم، مال خودم و اگر برنگشتم اموالم همه، متعلق به تو باشد. لازم به توضیح است که نامبرده، زن و فرزند (وارث درجه يك) ندارد؛ ایشان بعد از دادن این صلح نامه، به مسافرتی نرفته و کاغذ را هم از من نگرفته، تا این که در شب 22 بهمن 1360 طبق گواهی پزشک، فوت کردند و حال بعد از فوت ایشان و با توجه به صلح نامه مذکور، عده ای از جمله خواهران و برادران

این جانب، ادعا می کنند که ما هم وارث هستیم. خواهشمند است موضوع را از نظر شرعی، مورد توجه قرار دهید که آیا آن ها حقی دارند یا خیر؟

بسمه تعالی، آنچه در نامه مرقوم شده مطابق فتوکپی پیوست نیست و چنانچه صلح، به نحو تنجیز واقع شده و در آن شرطی شده باشد، صلح صحیح است.

[سؤال 7299] 3721

بسمه تعالی 18 / 10 / 1361

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی سلام عرض نموده و پس از عرض سلام و آرزوی طول عمر برای آن امام عزیز، سلامتی و موفقیت هرچه بیشتر شما را از درگاه ایزد منان خواستارم.

پس از عرض سلام و تحیات، مستدعی است که حکم شرعی جریان زیر را مرقوم فرمایید:

مادری در حدود بیست و پنج سال پیش، مقداری از آب و ملک خود و خانه خود را به فرزندان اناث خود که چهار نفرند مصالحه می نماید و در ضمن صلح نامه ها این گونه قید شده که وقتاً: «علی هذا اختیار مصالح عنه مادام الحیات با خود مصالح می باشد و بعد وفات، ملک طلق و حق صدق مصالح لهم می باشد، ارباعاً تقسیم نمایند و دیگری را حقی و نفعی و بهره ای نیست که مداخله نمایند» و مخفی نماند که این قیود در صلح نامه ملک و آب است و نیز در صلح نامه خانه این گونه قید شده «و علی هذا اختیار مصالح عنه مادام الحیات با خود مصالحه است از نشستن خانه و بردن منافع اشجار، و بعد از وفات نامبرده، ملک طلق و حق صدق مصالح لهم می باشد ارباعاً و کسی دیگر را هیچ گونه حقی و بهره ای و نصیبی نیست».

قابل ذکر است که این دو صلح نامه را دو نفر و در دو زمان نوشته اند، ولی بعد از گذشت چندین سال، گاه گاهی مادر مذکور می گوید: اموال را می خواهم بفروشم، یا

ص: 245

اصلاً آن موقع بالاجبار این اموال را صلح کرده ام، یا گاهی ادعا می کند که دیوانه بوده ام یا مریض بوده ام و بعد از چندی بدون رضایت دخترهایش، اموال را بین پسرها و دخترهایش دو مرتبه تقسیم می کند و هم اکنون هم ادعا می کند که چیزی ندارم بخورم و خرجی ندارم و می خواهم بفروشم. مستدعی است بیان فرمایید که با توجه به متن صلح نامه ها - که همراه نامه خدمت شما ارائه می شود - آیا می توان صلح نامه ها را نادیده گرفت و بدون رضایت طرفین صلح را به هم زد؟ و آیا مادر مذکور حق دارد اموال را بفروشد؟ و نیز آیا تقسیم اموال بعد از چندین سال بین اولاد ذکور و اناث، صحیح است؟ و آیا سخنان او که می گوید: چون مجبور یا دیوانه و مریض بودم، صلح را قبول ندارم، پذیرفته می شود؟ در حالی که در همان زمان به یکی از فرزندان ذکورش هم مقداری از اموالش را بخشیده و صلح کرده است و هیچ گونه سخنی درباره آن ها گفته نمی شود.

بسمه تعالی، اگر معلوم است که صلح مشروط به بعد از مردن بوده، باطل است و اگر معلوم است که صلح مشروط نبوده و مسلوب المنفعه مادام الحیات موصیه واقع شده، صحیح و لازم است و ادعای اکراه و غیره، بدون اثبات شرعی، مسموع نیست و همچنین اگر شك در وقوع صلح به یکی از دو نحو مزبور باشد، حکم به صحت می شود و مصالح نمی تواند آن را به هم بزند.

[سؤال 7300] 3722

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، دام ظلّه علی رؤوسنا، سلام علیکم

محترماً؛ پاسخ مسأله ذیل درخواست می شود:

اگر شخصی املاك خود را بر نوادگان پسری خود که بعضی از آنان بالغ و بعضی نابالغ بوده اند با ده سیر نمك مصالحه نماید و برای خود تا سی سال حق فسخ قرار

ص: 246

دهد و قبل از گذشت این سی سال، دو قطعه از همان املاك را بفروشد و قطعه دیگری را برای ادای دیون و مخارج بعد از فوتش وصیت نماید و همچنین يك قطعه از همان املاك را که منزل مسکونی بوده، پس از آن مصالحه اول دوباره به عروسش مصالحه نماید؛ آیا فروش این دو قطعه، و وصیت قطعه دیگر و مصالحه با شخص دیگر، موجب فسخ کل آن مصالحه اول می شود یا مصالحه نسبت به بقیه املاك صحیح و به قوت خود باقی است؟ ضمناً؛ این شخص صاحب املاك، دختری هم داشته که به کلی او را بی نصیب گذاشته است.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای

بسمه تعالی، در فرض مسأله، مصالحه اول تماماً فسخ شده است.

[سؤال 7301] 3723

بسمه تعالی 1361 / 12 / 28

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی، دامت برکاته

سؤالی دارم مبنی بر این که در سال 1316 شمسی، ملکی که از پدرم بین این جانب و برادرم به ارث رسیده، با توجه به مدرکی که از آن زمان مانده، چون سهم بنده کمی بیشتر از برادرم بوده، قید شده مبلغ ده تومان و نیم باید به برادرم بدهم و این مبلغ به برادرم پرداخت شده، ولی رسیدی نداریم؛ چون برادرم رسیدی نداده است. متأسفانه مادر و برادرم در حیات نمی باشند و برادرزاده هایم اظهار طلب ملك می کنند. خواهشمندم بفرمایید اکنون چه مبلغی باید پردازم؟ آیا همان ده تومان و نیم یا بیشتر؟

ضمناً مدرک فوق ارسال می گردد.

بسمه تعالی، بیش از مبلغی که در ضمن مصالحه قرارداد شده را حق ندارند و چنانچه شما مدعی پرداخت آن هستید، باید شرعاً اثبات نمایید و اختلاف باید در محکمه شرعیه حل شود، یا به طوری با هم مصالحه نمایید.

ص: 247

بسمه تعالی 1360 / 11 / 29

پیشگاه مبارك حضرت نایب الامام آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

پس از سلام و درود فراوان مستدعی است نظر مبارك را در مورد این مسأله بیان فرمایید.

مقداری از ملك مسكونی تفكیک و فروخته شده است و به تصرف خریدار داده شده، حال معلوم شده است که از مقدار محاسبه شده بیشتر است و بقیه آن ملك به شخص دیگر فروخته شده و به همین نحو چندین دست معامله شده است. مالك فعلی آن ملك مسكونی اول ادعا دارد چون سند رسمی داده نشده و این مقدار جزء سند من می باشد و ملك متعلق به من می باشد و باید پس داده شود. ضمناً در موقع خرید می دانسته که ملكی را که می خرد به اندازه آن سند نیست. استفاده از این ملك برای شخص خریدار چه صورت دارد؟ آیا شرعی است یا مالك فعلی مجاور ذیحق است؟ عمر امام مستدام باد

بسمه تعالی، به نحوی مصالحه نمایید و اگر نزاع هست به محاکم صالحه مراجعه شود.

بسمه تعالی 1361 / 12 / 22

دفتر استفتائیه حضرت امام آیت الله خمینی دامت برکاته

محترماً به عرض می رسد که شخصی در زمین بایری خانه ساخته و از زمین مزروعی ملكی شخص دیگری در مدت شانزده سال آب جهت مشروب کردن خانه و اشجارش آورده بدون آن که مالك زمین مجرا را به او صلح کند یا بفروشد و در این مدت به طور اباحه استفاده شد. و مالك اول زمین فوق را به دیگری فروخته که نهر را هم متراژ کرده و پول او را از خریدار گرفته به عنوان آن که شخصی که آب می برد من نهر را به او انتقال نکرده ام و فعلاً خریدار ملك می خواهد ساختمان کند آیا حق دارد

جلو از آب بردن را بگیرد و حال آن که اشجار ثمره شده هم در خانه موجود است و خود صاحب خانه هم می گوید و اقرار دارد که ملك نهر را و مجرا را من مالك نيستم و برای بردن آب جهت مشروب کردن خانه راه دیگری هم ندارد و تعداد اشجار آن از انگور و انار و سیاه درخت شصت اصله باشد خواهشمندم جواب مسأله مرقوم فرمایید که مورد حاجت باشد.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم احتیاط در مصالحه بین آن ها است.

[سؤال 7304] 3726

بسمه تعالی

شخصی با بعضی از ورثه خود در حال حیات طبق وصیت نامه ای که دارد حقوق ارثیه که پس از مرگ به آنان تعلق می گرفت مصالحه کرد به مقداری از زمین زراعی و باغ، که در حال حیات به آن ها تسلیم نماید و آن بعض نیز قبول صلح کرده و امضا نمودند ولی پس از تنظیم وصیت نامه، زمین زراعی را برابر مشروح وصیت نامه در حال حیات تحویل داد و از دادن باغ خودداری کرد و پس از آن نیز به فاصله چند سال وصیت نامه دیگری را جهت تغییر ثلث و بعض مسائل دیگر تجدید ولی نسبت به حقوق ورثه مرقوم شده همان وصیت نامه قبلی تنظیم شد. و در وصیت نامه آخری آن ورثه امضا ندارند.

اولاً: اصل وصیت که عبارت از صلح حق ارثی در حال حیات باشد صحیح است یا خیر؟ ثانیاً: در صورت صحت وصیت با عدم وفا به تمام موارد صلح، کل وصیت نسبت به این بعض نافذ است یا به طور کلی ورثه حق ادعا در مجموع ماترك خواهند داشت و یا نسبت به مقداری که تحویل شد قبول، ولی نسبت به باقی حق ادعا موجود است و یا باید برابر صلح عمل شود و به همان مقدار باغ که وصیت کرد باغ را بگیرند که به مقتضای اصل وصیت عمل شود. والسلام

بسمه تعالی، صلح مذکور صحیح نیست.

ص: 249

3. حضرت امام در رساله

عملیه، مسأله 2147 فرمودند: «می تواند طرف شرکت بگوید از ضرر، شریک نیستم؛ ولی از استفاده، شریک هستم»، چنانچه صندوق چنان قراردادی را بنویسد بعد از مدتی می تواند سهمیه صندوق - البته استفاده، را - به مبلغی بخرد تا نخواهد حساب نگه بدارد و بنویسد؟ بسمه تعالی، چنانچه مصالحه نماید اشکال ندارد.

ذکر بعضی از مسائلی که معمولاً در کتاب صلح آورده می شود**عبور اهالی يك منزل از حیاط منزل دیگر**

بسمه تعالی

محضر مبارک نور چشممان، نایب بر حق امام زمان، خمینی کبیر، که ان شاء الله عمرش تا انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مستدام باشد، با مطرح کردن سؤالی امیدوارم در صورتی که صلاح می دانید، به آن جواب فرمایید.

آیا عبور اهالی يك منزل از داخل حیاط منزل دیگر، در صورتی که برای خانه اولی امکان احداث در به کوچه جدید الاحداث مجاور باشد، با شرایط زیر، مطابق با موازین شرع مقدس اسلام است یا خیر؟

1. رفت و آمد اهالی نامحرم خانه اول، مزاحم اهالی خانه دوم باشد.

2. امکان احداث در به کوچه مجاور، برای خانه اول وجود داشته باشد.

3. در سند رسمی خانه دوم، برای خانه اول حق عبور ذکر شده باشد.

بسمه تعالی، اگر حق عبور داشته، می تواند از آن منزل عبور کنند؛ ولی چنانچه نامحرم در آن هست، باید با اعلان به آن ها وارد خانه شوند و عبور کنند.

بسمه تعالی

حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه

عده ای از حیاط کسی چند سال رفت و آمد می کردند و از آن طریق به باغچه خودشان می رفتند، آیا صاحب خانه حق دارد از عبور آنان مانع شود؟ و آیا رفت و آمد چند ساله عابرین تصرف محسوب می شود؟ و آیا این تصرف دلیل بر داشتن حق عبور است؟ البته اگر عابرین بخواهند از راه دیگر بروند به مشکل برخورد می کنند؛ یعنی آن راه دیگر از رودخانه عبور می کند که ممکن است سالی یک یا دو بار سیل بیاید و از تردد آنان مانع شود و در ضمن صاحب حیاط حاضر است راه دره را با خرج خودش درست کند تا عابرین از حیاط او عبور نکنند. آیا عابرین با این خصوصیات و ممانعت صاحب خانه حق عبور از حیاطش دارند یا نه؟ البته یکی از عابرین می تواند مقداری از دیوار طویله خود را بشکافد و وارد باغچه بشود، ولی حاضر نیست چنین کاری را انجام دهد، لطفاً نظرتان را مرقوم بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر شرعاً ثابت نشود که کسانی که از خانه دیگری عبور می کنند حق عبور دارند، صاحب خانه می تواند از آن ها ممانعت به عمل آورد.

باز کردن پنجره به طرف منزل همسایه

بسمه تعالی 19 / 12 / 1361

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، أطال الله بقاءه، لطفاً مستدعی است جواب سؤال ذیل را مرقوم فرمایید.

همسایه ما روی منزل خود دو طبقه دیگر ساخته است؛ اما به بهانه این که یک متر حیاط خلوت به طرف حیاط ما دارد، در هر دو طبقه پنجره گرفتند و شیشه های پنجره را ساده انداختند که کاملاً بر حیاط ما اشرف دارد و آرامش را از ما سلب کردند. آیا این

ص: 251

همسایه ما چنین حقی دارد یا نه؟

بسمه تعالی، ساختمان در ملك خودش اشكال ندارد؛ ولی چنانچه ساده بودن شیشه ها موجب مزاحمت همسایه است، باید طوری عمل کند که مزاحمت مرتفع شود.

احداث بنای جدید و ضرر به همسایه

[سؤال 7309] 3730

بسمه تعالی

محضر مبارك زعيم عالی قدر، امام خمینی، دام ظلّه العالی

معروض می دارد: این که در مجاور املاک کشاورزی این جانب، يك نفر می خواهد برای ملك کشاورزی خودش دیوار بسازد. در این صورت، خسارت زیادی به باغ این جانب وارد می شود که به واسطه سایه دیوار مقداری از زمین، از استفاده ساقط می شود. آیا حق جلوگیری دارم یا نه؟ والسلام

بسمه تعالی، حق ندارید.

[سؤال 7310] 3731

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت مستطاب امام خمینی

به شرف عرض اقدس عالی می رساند: پس از اهدای سلام و تحیت؛ چه می فرمایید در این دو مسأله شرعیه:

1. زید نامی خانه می سازد که نور و فضای منزل مجاور و همسایه خود را می گیرد؛ آیا می تواند همسایه جلوگیری از زید نماید که چنین خانه ای نسازد و عمل زید که ایذا و جلوگیری از نور و فضای همسایه است جایز است یا حرام؟ مستدعی است حکم الله را بیان فرمایید که مورد حاجت است.

بسمه تعالی، زید می تواند در ملك خود ساختمان کند و همسایه نمی تواند

ص: 252

از ساختمان او جلوگیری کند.

2. در مسأله تیمم اگر ناخن از حد معمول بلندتر باشد؛ تیمم صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، تیمم صحیح است.

[سؤال 7311] 4852

2. يك مسجد را كه ساخت قدیم بوده، ما چند خانواده همسایه مسجد آن را از نو ساخته ایم و دامنه و شیروانی مسجد را به ساختمان همسایه گذاشته ایم و از این لحاظ در مضیقه هستند. آیا می توان دامنه یا شیروانی مسجد را به طرف ساختمان همسایه مسجد گذاشت؟ یا این که باید شیروانی یا دامنه مسجد را عوض کرد؟

بسمه تعالی، بدون رضایت همسایه جایز نیست و باید عوض نمود.

[سؤال 7312] 4852

3. آیا می توان با رضایت صاحبش همان چند ساختمان را برای مسجد خرید و به حیاط یا آشپزخانه اختصاص داد.

بسمه تعالی، مانع ندارد.

تقسیم زمین مشترک و درخت

[سؤال 7313] 3732

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه

زمینی بین دو برادر به ارث تقسیم شده است و در وسط این دو زمین درختی است که مربوط به یکی از این دو است؛ حال آن برادر دیگر می گوید باید درخت را از زمین بکنی؛ آیا حق دارد اجبار کند یا نه؟ وظیفه را بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر در وقت تقسیم زمین، صاحب درخت، حق باقی گذاشتن درخت را برای خود شرط کرده یا مبنی بر آن تقسیم نموده اند، دیگری حق اجبار ندارد.

ص: 253

[سؤال 7314] 3733

بسمه تعالی

1. آب ناودان همسایه ای روی پشت بام همسایه دیگر می رفته. حال خانه به عنوان ارث یا فروش به دیگری رسیده است. آیا مالک جدید حق دارد بگوید: آب پشت بام را بگردان یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر همسایه حقی در جریان آب باران از پشت بام همسایه داشته، دیگری نمی تواند او را از حقش منع کند. و چنانچه مورد شك است با هم مصالحه نمایند.

[سؤال 7315]

2. و در صورتی که نتواند بگرداند و از طرفی همسایه اطاقش را خراب کرده و حال آب باران همسایه به حیاط خانه او می ریزد. آیا می تواند او را وادار کند که آب پشت بام را بگرداند یا خیر؟

بسمه تعالی، حکم مسأله قبل را دارد.

[سؤال 7316] 3734

بسمه تعالی

حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین رئیس الملة و الدین آیت الله فی الارضین آقای امام خمینی مدّ ظلّه العالی.

محترماً استفتا می شود که شخصی قطعه زمین محصوری که من باب ارث به او منتقل شد و بعد در آن زمین احداث ساختمان مسکونی برای خود نمود و طویل‌ه سرا برای احشام خود در آن احداث نمود و جنب طویل‌ه سرا مقداری از آن زمین را برای ایاب و ذهاب احشام خود گذاشته بود بعداً به اهل محل خود گفته بود می خواهیم به

ص: 254

خرج خود برای ثواب حمام عمومی در این زمین احداث کنم و شما هم به قدر مقدور و استطاعت خود کار کنید و اهل محل هم قبول کردند چون حمام در زمین راه روی او بود کاه و علف را از پشت بام حمام به پشت بام کاه انبار می برد و مدت چهل سال در حیاط خود کاه و علف خود را از پشت بام حمام می برد و بعد از فوت آن شخص فرزندش نیز تقریباً مدت چهل سال کاه و علف را از پشت بام حمام می برد فعلاً عده ای از اهل محل اعتراض می کنند که شما حق ندارید کاه و علف را از پشت بام حمام ببرید فرزندش می گوید که چهل سال پدرم کاه و علف خود را از پشت بام حمام می برد کسی اعتراض نکرد و خودم بعد از فوت پدرم چهل سال است کاه و علف را از پشت بام حمام می برم که تقریباً هشتاد سال است که بردن کاه و علف از پشت بام حمام می باشد و از قدیم تا کنون کسی در محل اعتراض نکرد خود تصرف در ایاب و ذهاب برای بردن کاه و علف دلیل برحق عبورم می باشد.

بدلیل این که محل ساختمان حمام در عبور و ایاب و ذهاب احشام احداث شد و راه دیگری برای بردن کاه و علف نبود لذا اهل محل مانع نشدند و این خود دلیل بر توافق و رضایت اهل محل سابق بود و اکنون شما نمی توانید مانع شوید و هرگاه می گوید که باعث خرابی می شود اگر سبب خرابی حمام می شد تا کنون عیبی به ساختمان حمام وارد نشد.

ضمناً چنانچه شما بردن کاه و علف در پشت بام حمام را باعث خرابی حمام می دانید خودم عهده دار و تعهد می کنم هرگاه چنانچه در حین ایاب و ذهاب برای بردن کاه و علف خسارتی و یا خرابی واقع شود از عهده برآیم آن عده از مردم معترض قبول نمی کنند آیا شخص مزبور حق بردن کاه و علف را دارد یا خیر استدعا دارم جواب استفتا را در این ورقه به خط و مهر خود مرقوم و ممهور فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که در این مدت برای بردن کاه و علف از پشت بام استفاده می کرده و کسی مانع نشده فعلاً کسی حق منع ندارد.

بسمه تعالی

محضر مبارك زعيم شيعه، حضرت امام خميني، مدّ ظلّه العالی، چه می فرمایید در خصوص این مسأله:

ناودان کسی به باغ شخصی دیگری می ریزد و صاحب ناودان هیچ حقی از این باغ ندارد، ولی مدت زیادی است که آب ناودان، به باغ مزبور می ریزد و صاحب باغ می گوید: قبلاً برای رضای خدا اجازه داده بودم و فعلاً در اثر ضرر آب ناودان، من راضی نیستم. در این صورت تکلیف چیست؟ مستدعی است نظر مبارك خود را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر صاحب ناودان حقی بر ریخته شدن آب در باغ ندارد و فقط با اجازه مالك باغ بوده، مالك باغ می تواند اجازه خود را لغو، و از ریختن آب ناودان در باغ جلوگیری کند.

دیوار مشترك و استفاده از آن

بسمه تعالی 1361 / 9 / 31

دفتر حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و مرجع عالی قدر عالم تشیع

با نهایت احترام و عرض سلام، استدعا دارد ذیلاً رأی امام را درباره این که دیواری است به طول هفت متر؛ طبق سند مالکیت خانه های 94 و 95، حدود چهار متر دیوار مختصّ خانه 95، و بقیه بین 94 و 95 اشتراکی است. خانه 93 سال ها است در قسمت بالای راهرو خانه 94 چند تیر به دیوار گذاشته و با غصب قسمت فوقانی راهرو ملك 94، فعلاً می گوید: من هم در دیوار حق دارم. در صورتی که خانه 93، اصلاً سند

ص: 256

مالکیت ندارد و در اسناد مالکیت موجود خانه های 94 و 95، در قسمت دیوار مورد بحث، نامی از خانه 93 برده نشده است. آیا فعلاً خانه 93 می تواند همان قسمت فوقانی ملك 94 را به این وسیله تصاحب، و در دیوار نامبرده حقی داشته باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، تنها سند ثبتی میزان نیست؛ اگر سابقه ساختمان بر روی راهرو خانه دیگری، معلوم نیست و احتمال می رود که به وجه شرعی ساختمان کرده باشد، حکم به ذی حق بودن صاحب ساختمان می شود، و اگر نزاعی در بین است، به محاکم صالحه مراجعه شود.

ورود شاخه های درخت به ملك همسایه

[سؤال 7319] 3737

بسمه تعالی 25 رمضان 1402 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

چه می فرمایید در این مسأله شرعی: در قراء و روستاها، زمین های مزروعی و مشجر در کنار هم قرار گرفته؛ چه بسا درخت های ملك همسایه کلاً یا بعضاً در ملك مجاور سرکشیده، به طوری که صاحب ملك مجاور در اثر مزاحمت درخت های همسایه نمی تواند از ملك خود برداشت محصولی کند؛ صاحب درخت به هیچ وجه حاضر نیست غرامت بدهد و یا شاخه های مزاحم را ببرد؛ آیا صاحب زمین متضرّر، از باب قاعده لاضرر حق دارد در ملك خود بایستد و شاخه های مزاحم را از درخت همسایه ببرد یا محصول درخت همسایه که در ملك مجاور می ریزد را کلاً یا بعضاً به نفع خود به عنوان مقاصّه برداشت نماید؟ متمنی است چون فرض مذکور در رسائل عملیه عنوان نشده، مشروحاً بیان فرمایید تا فاقد هرگونه ابهامی بوده باشد.

بسمه تعالی، می تواند از مالك بخواهد که شاخه ها را بکشد ببندد و یا قطع نماید؛ و هرگاه مالك حاضر بر اقدام نشد، می تواند خودش اقدام نماید. و در صورت امکان به حاکم شرع مراجعه کند.

ص: 257

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

پس از عرض سلام؛ شخصی هستم زارع و باغی دارم که شاخه های درختان باغ همسایه تا حدودی در ملك من تجاوز کرده و خسارات زیادی به بار آورده است؛ آنچه حکم خدا است مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر بدون حق بوده، می تواند مطالبه از مالك درخت نماید که شاخه ها را قطع یا به طرف دیگر میل دهد؛ و اگر امتناع کرد خودش رفع ضرر نماید.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی حضرت امام خمینی، مدّ ظله

محترماً معروض می دارد: در جواب این سؤال که اگر شاخه درخت کسی تجاوز کند به ملك همسایه، فرموده اید: همسایه حق دارد شاخه درخت را قطع کند. در قریه بیدهند قم، صاحبان املاك غالباً شاخه درختشان به ملك همسایه تجاوز کرده و اگر بخواهند شاخه درخت را ببرند، ممکن است فتنه و زد و خوردهایی ایجاد شود؛ آیا در این صورت هم می توانند شاخه درخت یکدیگر را قطع کنند یا خیر؟

بسمه تعالی، اقدام شخصی اگر موجب فتنه و فساد می شود نمی تواند اقدام کند؛ بلکه در صورت احتیاج، به مراجع ذی صلاحیت مراجعه نمایند.

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عظیم الشان انقلاب، حضرت امام خمینی

اگر در باغات، درختی از ملك شخصی فضای ملك دیگری را اشغال نماید، آیا

صاحب ملك مجاز است همان مقدار از درخت همسایه را که به فضای ملك او وارد شده قطع نماید؟

بسمه تعالی، می تواند از صاحب درخت مطالبه رفع مزاحمت کند و اگر نکرد، با مراجعه به محاکم صالحه مقدار مزاحم را که داخل ملك او شده قطع نماید.

[سؤال 7323] 3741

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی نایب الامام و مرجع الانام، امام خمینی، دامت برکاته پس از اهدای سلام لطفاً پاسخ سؤالات ذیل را مرحمت فرماید.

1. درخت زید از زمین خود به زمین خالد ریشه دوانیده و به صورت درخت سبز و رشد نموده این درخت از آن کدامیک است؟

بسمه تعالی، ملك زید است.

[سؤال 7324]

2. چنانچه قسمتی از شاخه های درخت زید به زمین خالد سایه افکند آیا خالد حق بریدن آن ها را دارد و اگر چنین حقی دارد شاخه های بریده شده مال کدام یک است؟

بسمه تعالی، صاحب خانه حق بریدن ندارد و ملکیت شاخه ها از صاحب درخت است.

3. تجدید بنای مسجد مخروبه چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، مستحب است.

[سؤال 7325] 3742

بسمه تعالی 1361 / 9 / 26

محضر مقدس نایب الامام، آیت الله العظمی، حضرت امام خمینی

احتراماً؛ به عرض می رسد بر این که شخصی چند من زمین مزروعی و بذرافشان،

ص: 259

طبق قانون شرع مقدس اسلام پدرش خریده، و به ارث به او رسیده، و خود مستضعف و محتاج است. طبق قانون زمان طاغوت، شخص دیگری بدون رضایت مالک، به نام خود و کشاورزی، نسق کرده است. فعلاً به مالک مزبور، نه اجازه ملک، و نه قیمت عادلانه روز را می دهند، و دادگاه نیز طبق قانون طاغوت، کشاورز را حق به جانب دانسته است. آیا از نظر اسلام و آن جناب، مالک مزبور حقی دارد یا نه؟ و اگر دارد، به چه کیفیت است؟ حکم الله را مرقوم فرمایید. از خداوند متعال طول عمر و بقای سلامت و عزت آن جناب را خواستارم.

توضیحاً: این جانب يك من هشت کیلویی زمین، به ارث از پدر دارم.

بسمه تعالی، تصرف در ملك شرعی غیر، بدون اجازه مالک، غصب و حرام است و اگر در مالکیت زمین نزاع دارند، به محاکم صالحه قضایی مراجعه کنند.

[سؤال 7326] 3743

بسمه تعالی 1362 / 1 / 7

دفتر استفتای حضرت امام

احتراماً؛ به عرض می رسد: زمین مشجری است در همسایگی مسلمانی که شاخه های درختانش به طرف زمین همسایه خوابیده که از این عمل، دو ضرر متوجه همسایه می شود: 1. مالک زمین مجبور است بدون اجازه یا با اجازه، برای جمع آوری میوه های سرازیر به زمین غیر، حاصل زمین دیگری را پایمال و نابود کند. 2. سایه شاخه های درختان سرازیر شده، مانع از رشد محصول زمینی و هوایی زمین دیگری می شود. استدعای صدور مجوز شرعی دارد.

بسمه تعالی، صاحب درخت بدون اجازه صاحب زمین نمی تواند در زمین او وارد شود و چنانچه شاخه های درخت، در زمین او آمده می تواند از صاحب درخت مطالبه رفع مزاحمت نماید و اگر قبول نکرد، به محاکم مراجعه کند تا اقدام شود.

ص: 260

کتاب اجاره

اشاره

ص: 261

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر عالی قدر و زعیم مجاهد، امام خمینی، دامت برکاته

نظر مبارک درباره کسانی که نمره تاکسی را از شهربانی خریداری می کنند و به افراد دیگر، اجاره می دهند چیست؟ چه برای اجاره دهنده و چه برای اجاره کننده.

بسمه تعالی، مورد، اجاره نیست و با موافقت مقررات دولت اسلامی، واگذاری نمره در مقابل پول، ولو موقتاً مانع ندارد.

لزوم تخلیه مورد اجاره پس از انقضای مدت اجاره

بسمه تعالی 17 / 10 / 1361

خدمت با سعادت رهبر عزیز امام خمینی، دام بقاؤه، پس از ادای احترام و کسب اجازه، معروض می دارد:

1. این جانب و چهار پسر که خانه نداشتیم و پسرانم سه نفرشان، متأهل و صاحب خانواده هستند و فعلاً هم کرایه نشین می باشند. در خرداد ماه 59 خانه ای مشترکاً خریدیم که از کرایه نشینی رهایی یافته، سکونت نماییم.

ص: 263

2. در طبقه دوم خانهٔ ایتیاعی، دفتر شرکت پارس متال ساکن بود. بنده قبل از تنظیم سند معامله به مدیر عامل شرکت مراجعه نمودم و گفتم که ما این ملک را می خریم تا ساکن شویم؛ دفتر را به ما تحویل می دهید یا نه؟ جواباً گفت: دولت اسلامی بخشنامه کرده که تمامی دفاتر شرکت ها باید به کارخانه ها منتقل شود؛ لذا ما ناچار و موظف هستیم که دفتر را به کارخانه انتقال بدهیم و فعلاً ساختمان دفتر در کارخانه بنا می شود؛ تا دو ماه دیگر تمام می شود و ملک شما را به خودتان تحویل خواهیم داد.

3. حالا کارخانه ملی شده و دفتر شرکت به کارخانه منتقل شده؛ ولی تا به امروز - که حدود 31 ماه است - نه کرایه می دهند و نه ملک را تحویل می دهند و طبق فتوکی سند اجاره نامه که در پیوست تقدیم است، شرکت موقع اجاره، سرقفلی نداده و تعهد کرده که ملک را تحویل می دهند و هیچ گونه ادعای سرقفلی ندارد.

4. پسر دوم - به نام رحیم - مستأجر يك نفر کارمند دولت است. این مالک شغلش در خارج تهران بود و به تهران منتقل گردیده. خانه را خودش لازم دارد و فشار می آورد که تخلیه نمایم.

5. آیا ما شرعاً حق داریم که وارد ملک خودمان شده و ساکن شویم یا نه؟

استدعا دارد نظر آقا را در این نامه اعلام فرمایید.

بسمه تعالی، بعد از مدت اجاره، مستأجر باید مورد اجاره را تخلیه کند و تحویل دهد و در صورت شرط نشدن حق سرقفلی، استحقاق مطالبهٔ سرقفلی ندارد.

[سؤال 7329] 3746

بسمه تعالی 10 / 9 / 1361

حضور انور، رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه علی رؤوس المسلمین

احتراماً؛ به استحضار عالی می رساند این جانب دارای ساختمانی که آمادهٔ تأسیس

ص: 264

هتل و استفاده برای مشاغل مشابه بوده است را به دو نفر مشاعاً به نسبت 25 درصد و 75 درصد اجاره داده ام. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چون مدت اجاره منقضی شده و از مدت اجاره بیش از سه سال گذشته بود، مستأجری که 75 درصد مورد اجاره را در تصرف استیجاری خود داشته است، به جهت عدم رضایت این جانب (موجر) در ادامه رابطه استیجاری، سهم مورد اجاره خود را با میل و رضا تحویل این جانب داده است. پس از تحویل و تحوّل، بر کلّ مورد اجاره؛ یعنی علاوه بر 75 درصد، در 25 درصد هم، وضع ید نموده ام. آیا تصرف این جانب در ساختمان ملکی خودم به نسبت 25 درصد آن هم با توجه به انقضای مدت اجاره، غصب تلقی می شود یا خیر؟ در صورت اول، چه آثاری دارد؟ و آیا با انقضای مدت اجاره، به مستأجر 25 درصد که راضی به قطع رابطه استیجاری نبوده است، حقی تعلّق می گیرد یا خیر؟ و آیا انجام عبادات شرعی در ملک شخصی موصوف، صحیح است یا خیر؟ استدعای ارشاد و امر به اعلام پاسخ مقتضی دارد. با تقدیم احترام و پوزش از تصدیع

بسمه تعالی، بعد از مدت اجاره و مطالبه مالک، مستأجر باید مورد اجاره را تخلیه کند و تصرف مالک غصب نیست.

[سؤال 7330] 3747

بسمه تعالی 12 / 2 / 1362

محضر انور حضرت مستطاب، رهبر کبیر عالم تشیع، آیت الله العظمی امام خمینی، آدام الله ظلّه علی رؤوس المسلمین

چه می فرمایید در خصوص افرادی که پانزده سال پیش، و با این که چند دکان را يك ساله اجاره داده اند هزینه زندگی پنجاه برابر بالا رفته، مستأجر نه اجاره را زیاد می کند و نه تخلیه می کند و موجر هم مستضعف است و درآمد دیگری ندارد. و هکذا آن املاک مزروعی که دولت طاغوت اجاره داده است. صاحب دکان و صاحب ملک شرعی می گوید: من راضی نیستم، چون به قدر زندگی درآمد ندارم و او غاصب است.

ص: 265

آیا نماز در این مکان ها صحیح است یا خیر؟ حکم بیان شود عندالحاجت حجت خواهد بود.

بسمه تعالی، بعد از تمام شدن مدت اجاره، تصرف در ملک شرعی غیر برای مستأجر مشروط به رضایت مالک است و در صورت عدم رضایت مالک، تصرف حرام است و باید تصرف کننده اجرت المثل را بپردازد.

[سؤال 7331] 3748

بسمه تعالی

محضر مقدس نایب الامام، حضرت آیت الله العظمی خمینی، دامت برکاته

نظر مبارك درباره مالکین منازلی که حکم تخلیه می گیرند، چیست؟ ضمناً، معروض می دارد که فتوایی به حضرت عالی نسبت می دهند که چنانچه مالک دارای بیش از يك منزل باشد، مستأجر می تواند تخلیه نکند؛ چون مازاد بر احتیاج شخصی مالک است، بلکه جنبه انتفاعی دارد.

بسمه تعالی، نسبت مذکور صحت ندارد، و مستأجر بعد از مدت اجاره، در صورت مطالبه مالک باید مورد اجاره را تخلیه کند.

[سؤال 7332] 3749

بسمه تعالی 1361 / 11 / 7

محضر مبارك زعيم عالی قدر، حضرت امام خمینی، دام افاضاته

با نهایت ادب؛ به نام يك مری اجتماع که سی سال با صداقت و ایمان به خدا به فرهنگ مملکت خود خدمت کرده ام صمیمانه سلام و درودم را به ناجی خردمند کشور خود تقدیم می کنم و بقای عمر و سلامت امام امت را از درگاه ایزد متعال مسئلت می نمایم. در این جا استدعای پاسخ به يك مسأله شرعی را دارم.

در سال 1353 يك قسمت از ساختمان خود را به منظور کمک به زندگی ام به دو نفر بدون دریافت سرقفلی برای کسب و کار اجاره داده ام. در عقد قرارداد قید شده

ص: 266

است که مستأجرین اولاً: حق واگذاری محل مذکور را به دیگری ندارند. ثانیاً: پس از يك سال، ملزم به تخلیه و تحویل مورد اجاره هستند.

اکنون بیش از 6 سال از انقضای مدت اجاره می گذرد و اجاره جدید هم تنظیم نشده است. ضمناً یکی از مستأجرین از بستگان وزیر سابق دربار بوده و هم اکنون از مملکت فراری است. مهم تر این که خود بنده هم در حال حاضر به این محل احتیاج مبرم دارم. استدعای حقیر این است که بفرمایید: عقد این قرارداد با وجود انقضای مدت اجاره و فرار یکی از مستأجرین از ایران از نظر شرعی چگونه است؟

پاسخ به این مسأله موجب حل مشکل این جانب با يك مستأجر دیگر خواهد شد.

بسمه تعالی، بعد از انقضای مدت اجاره و مطالبه مالك، مستأجر باید عین مورد اجاره را تخلیه کند و بدون رضایت مالك نمی تواند در آن تصرف کند.

[سؤال 7333] 3750

بسمه تعالی

محضر مبارك امام خمینی، مدّ ظلّه، سلام علیکم

چند باب مغازه است از شخصی که از سال 1344 در اختیار تعدادی کاسب می باشد. مالك ابتدا 1000 ریال به عنوان پیش اجاره گرفته و سپس خود مالك، بدون اطلاع مستأجرین از طریق محضر، سند رهنی با همان 1000 ریال به صورت يك ساله درست کرده و مستأجرین هم به طور مرتب اجاره بهای تعیین شده را پرداخت می نموده اند. موقعی که مستأجرین از جریان رهن اطلاع یافتند خواستار ابطال سند رهن از طریق قانون شده اند.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، مالك خواستار ازدیاد بیش از حد اجاره بها شده است و مستأجرین با ضوابط قانونی حاضر به ازدیاد اجاره بها هستند. حال آیا مالك حق دارد به خاطر درخواست بیش از حد اجاره بها، مغازه ها را از مستأجرین فعلی

ص: 267

گرفته و به اشخاص دیگری اجاره بدهد؟ والسلام

بسمه تعالی، بعد از انقضای مدت اجاره، مالک شرعی اختیار ملک خود را دارد و مستأجر نمی تواند بدون رضایت او در ملک او باقی بماند.

[سؤال 7334] 3751

بسمه تعالی 1361 / 5 / 28

محضر مبارک بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی خانه ای واقع در بیسیم نجف آباد تهران در سال 1330 هجری شمسی به اجاره واگذار و در سال 1333 هجری شمسی توسط مالک سابق به پنج خواهر فروخته شده است. در حالی که مدت اجاره سه سال بوده، تا کنون مستأجر به اتکای آیین نامه دکتر میلیسپوی امریکایی کذایی و قوانین طاغوتی مالک و مستأجر، سال هایی متفاوت (من جمله 1356) از تخلیه و تحویل مورد اجاره خودداری کرده و در این قوانین! اصلاً اشاره ای به تخلیه عین مستأجره در پایان اجاره نگردیده. مستدعی است ذیلاً مقرر فرمایند و دفتر بنیان گذار جمهوری اسلامی و ولی فقیه ایران جواب بدهند که مورد اجاره را محاکم و اجرای ثبت نباید در انقضای مدت به موجر، طبق شرع انور تسلیم نمایند؛ آن هم پنج زن که دو تای آن ها بیوه می باشند؟ با احترامات فائقه

بسمه تعالی، بعد از تمام شدن مدت اجاره، تخلیه محل و تحویل آن به مالک واجب است و تصرف در آن بدون اجازه مالک غصب و حرام است.

[سؤال 7335] 3752

بسمه تعالی 1358 / 9 / 20

پیشگاه مبارک حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران

به شرف عرض می رساند: شخصی يك قطعه زمین به مساحت 260 متر مربع را

ص: 268

برای مدت هجده ماه بدون دریافت هیچ گونه وجهی، در مقابل ماهی يك صد و سی تومان مشروط بر این که مستأجر حق انتقال مورد اجاره را به غیر ندارد واگذار می نماید. شخص مستأجر پس از گذشت مدت اجاره، آن را به شخص ثالثی واگذار می کند؛ شخص ثالث هم از مورد اجاره واگذاری برای مدت هشت سال استیفا منفعت می کند. در آن موقع شهرداری 99 متر از کل زمین را در مسیر خیابان قرار می دهد. شخص ثالث مبلغ چهل و پنج تومان را به علت کسر شدن از کل مساحت زمین، از کل مبلغ مال الاجاره که يك صد و سی تومان بوده کسر می نماید و ضمناً با دریافت مبلغ يك صد هزار تومان، مورد اجاره را آن شخص ثالث به دیگری واگذار می کند. مستدعی است نظر شرعی خود را در این مورد مرقوم فرمایید که اولاً؛ آیا مستأجر حق داشته است مال الاجاره خود را در اثر کسر شدن مقداری از زمین کسر نماید؟ و در ثانی؛ آیا حق دریافت مبلغ يك صد هزار تومان را داشته است یا خیر؟

بسمه تعالی، بعد از تمامیت مدت اجاره، مستأجر اول در فرض مذکور، حق واگذاری به غیر را نداشته؛ و مستأجرین بعدی در صورتی که زمین را از مالک اجاره نکرده باشند، نسبت به مدتی که در آن تصرف نموده اند، ضامن اجرت المثل می باشند و حق گرفتن سرقفلی هم ندارند.

[سؤال 7336] 3753

بسمه تعالی

دفتر استفتائات امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

منزلی با تلفن آن به مدت يك سال به شخصی اجاره داده شده؛ اکنون پس از گذشت چند سال از موعد تخلیه، آیا صاحب خانه از لحاظ شرعی می تواند تلفن را به غیر واگذار یا بفروشد؟ لطفاً جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، پس از پایان مدت اجاره، مستأجر حقی در تلفن ندارد و اختیار آن با مالک است؛ ولی در واگذاری به دیگری باید مقررات قانونی اداره مخابرات مراعات شود.

ص: 269

بسمه تعالی

آستان قدس رضوی اراضی خود را به کسی واگذار نمی کند مگر این که سند اجاره رسمی به عنوان موجر و مستأجر از یکی از محاضر رسمی داشته باشد علیهذا شخصی که سند اجاره به دستش افتاده بعد از انقضای مدت اجاره اولی از مستأجر سبقت گرفته با همین سند، اجاره را تمدید یا تجدید می کند در صورتی که مستأجر به تمدید آن راضی نیست آیا متصرف می تواند در عین مستأجره تصرفات نماید یا نه؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، بعد از مدت اجاره مستأجر اول حق ندارد و اجاره منوط است به نظر متصدی شرعی موقوفات آستان قدس.

بسمه تعالی 1361 / 6 / 30

حضور محترم دفتر مبارك امام، سلام علیکم

این جانب صرفاً جهت کسب تکلیف مجبور هستم شرح حال خود را به اختصار بیان کنم و انتظار کمک نداشته، بلکه فقط راهنمایی بفرمایید به عنوان يك مسلمان، در مواجهه با این مشکل چه تکلیفی بر من است، تا ناخواسته و خدای ناکرده، مجبور به حرکت های غیر اسلامی نشوم:

1. در تاریخ 1358 / 6 / 1 به اتفاق مادر و برادر کوچک تر و همسر برادرم - که هر دو هنوز دانشجوی هستند - آپارتمانی به مدت يك سال به مساحت 103 متر مربع به مبلغ 2800 تومان در نظام آباد اجاره کردم.

2. بعد از يك سال خواستم منزل جدیدی پیدا کنم که تا پنج ماه پس از آن، صاحب خانه مانع شد و می گفت: خودتان صاحب خانه هستید. ضمناً به مدت 4 ماه طبق قانون 20% با رضایت صاحب خانه کم کردیم که بعد به تقاضای صاحب خانه يك

ص: 270

یا دو ماه اجاره را به 2800 تومان رساندیم و بعد با تقاضای مجدد ایشان به 000/3 تومان رساندیم.

3. بعد از مدت فوق که خانه اجاره ای پیدا می شد، فشار صاحب خانه بر اضافه کردن کرایه اجاره خانه بیشتر می شد و حقیر هم که 40527 ریال حقوق می گیرم و برادرم هم 8 ماه از سال را با حق التدریس متفاوت و اندک از آموزش و پرورش کمک خرج هستند، توان موافقت با تقاضای ایشان را نداشتیم.

4. وقتی صاحب خانه با عدم اضافه کرایه از جانب بنده روبه رو شد تقاضای تخلیه کرده، این جانب هم از فروردین سال 1360 تا کنون به هر کس که می شناختم سفارش کردم و معاملات ملکی ها که هم تحویل نمی گیرند و به خود صاحب خانه هم گفته ام هر آن که منزلی به همین اندازه و با همین قیمت پیدا کنند، بلافاصله تخلیه خواهیم کرد.

اما متأسفانه موفق نشدم و با رقم های سرسام آوری روبه رو شدم.

5. اکنون این جانب صاحب همسر و فرزندی هستم و برادرم هم فرزندی دارد و خودتان قضاوت کنید در این فضا، دو عروس و مادر شوهر، مجموعاً هفت نفر، با چه مشکلاتی زندگی می کنند و هیچ کس صدای ما را نشنیده و حالا صاحب خانه به علت انقضای مدت اجاره، تقاضای تخلیه کرده که دادگاه جلسه را با رضایت صاحب خانه برای 1361 / 7 / 21 تمدید کرد و به بنده گفته که از نظر شرع، غاصب محسوب می شوم و باید تخلیه کنم.

بسیار متشکر می شوم با توجه به موارد و شرایط فوق، در صورتی که غاصب هستم بنده را روشن کنید تا بلافاصله شاهد تخلیه خانه ام باشم و مانند هر جنگ زده دیگر، خدایم اکبر است و راضی به رضای خدایم و در صورتی که چنین نیست، بر من چه تکلیفی هست؟

ضمناً جهت اطلاع از حال صاحب خانه متذکر می شوم: ایشان زنی هستند در حدود 50 سال سن که شوهر دارند و شوهرش در سید خندان منزل دارند و زن

ص: 271

دیگری گرفته اند که ایشان به همین علت راضی به رفتن به آن خانه نیستند و منزل دخترش زندگی می کند.

بسمه تعالی، اگر مدت اجاره باقی باشد حق مطالبه برای موجر نیست و در صورت تمام شدن مدت اجاره، تصرف مستأجر باید با اذن و رضایت مالک شرعی باشد.

[سؤال 7339] 3756

بسمه تعالی

حضور مبارک آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه

پس از عرض سلام؛ آرزوی سلامتی و تندرستی آن حضرت برای خدمت به اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواستاریم.

و بعد، این جانب پدر شهید و فرزند دیگرم مهاجر جنگی از شهر مهران غرب از توابع استان ایلام است و سومین فرزندم در کشور مصر، به جرم توطئه برای براندازی رژیم طاغوتی آن کشور به 7 سال زندان با اعمال شاقه محکوم شده است؛ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ما باید به فرموده شما، همه عزیزان مان را فدای اسلام کنیم؛ «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ حَمِيدٌ رَحِيمٌ». حقیر راضی به رضای خدا هستم و شب و روز برای تعجیل در ظهور حجة المنتظر - ارواح العالمین لمقدمه الفداء - و برای پیشرفت جمهوری اسلامی در راه اعتلای اسلام و مسلمین و شهدا و صالحین به درگاه خداوند - عزّ و جلّ - دعا می کنم که خداوند در قرآن فرموده: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».

این جانب وقت گران بهای شما را بیشتر از این نمی گیرم و جسارتاً، دو مسأله هست که رجای واثق دارم که آن ها را برآورده خواهید ساخت؛ و جزاکم الله خیراً.

1. مسأله شرعی: این جانب مستأجری دارم (مغازه) که سرقتی از وی نگرفته ام و مال الاجاره ماهی 70 تومان می داده است (در ضمن الآن مدت 41 ماه است که از وی مال الاجاره دریافت نکرده ام) و به علل گرفتاری زندگی احتیاج به آن مغازه دارم. ابتدا

ص: 272

از باب صلح با وی درآمد و به وی پیشنهاد مبلغی به عنوان خسارت نمودم که وی رد کرده و مجبور شدم به دادگاه شکایت کنم که به خاطر جو حاکم بر دادگستری و این که ضوابط و قوانین سابق مورد استفاده قرار می گرفت، دادگاه به تاریخ 1360/2/20 به نایب، حکم به دادن مبلغ 150/000 تومان بابت خسارت تخلیه نموده است که امکانات مادی بنده تکافوی پرداخت آن را ندارد (مگر با زیر بار قرض دیگری رفتن) آیا جایز است که چنین مبلغی به او بدهیم؟ و اگر باید پولی بدهیم، چقدر باید به او پرداخت نمایم؟

2. درخواست از آن بزرگوار: همراه این نامه، کارت تبریکی که بنا دارم آن را برای آن فرزندم (همان پسر که در بند رژیم طاغوتی مصر می باشد) بفرستم و از شما خواهش می کنم که آن را امضا فرموده و همراه با جواب مسأله برای این جانب ارسال فرمایید تا ترتیب ارسال آن کارت، همراه با نامه خانوادگی را برای فرزندم بدهم. ناگفته نماند که آن عزیز زندانی، همراه دیگر مؤمنین زندانی، برای شخص جناب عالی و دوام و پایداری جمهوری اسلامی، از خداوند متعال، شب و روز مسئلت می نمایند و در نامه ها از طرف زندانیان مسلمان رژیم مصر برای شما و دیگر مؤمنین و صالحین سلام می رسانند که تقدیم حضورتان می شود.

بسمه تعالی، اگر در ضمن قرارداد اجاره حقی برای مستأجر قرار ندادند، پس از پایان مدت اجاره تصرف مستأجر بدون اجازه مالک غصب و حرام است و با مطالبه مالک باید محل را تخلیه کند و تحویل مالک دهد.

[سؤال 7340] 3757

بسمه تعالی 1361/5/3

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران دامت برکاته، پس از تقدیم صمیمانه ترین درودها و آرزوی طول عمر آن حضرت و اجرای قوانین عدل اسلامی

جان نثار، ملکی داشتم در قریه ورآباد؛ چون بنده از ضعف جسمانی قادر به

ص: 273

کشاورزی نبوده و فرزندى که به من کمک نماید نداشتم مجبور شدم ملك نامبرده بالا را اجاره بدهم مستأجر مدت هفده سال است نه اجاره به بنده داده و نه حاضر است بخرد و قیمت آن را پردازد و نه واگذار نماید. از مقام رهبر عزیز تقاضای عاجزانه دارم حکم شرعى آن را بفرمایید تا نگرانی این جانب بر طرف گردد.

با تقدیم احترام از محبت پدرانه آن جناب متشکرم، ضمناً در تاریخ 1359 / 12 / 3 نامه ای فرستاده ام که جواب نیامده است.

بسمه تعالی، مستأجر ضامن وجه اجاره است باید به مالك پردازد و پس از تمام شدن مدت اجاره تصرف بدون اجازه مالك جایز نیست.

[سؤال 7341] 3758

بسمه تعالی 1361 / 12 / 11

دفتر فتاوی حضرت امام خمینی

به عرض می رسانند: این جانب سالی را در مشهد به دو نفر برای چلوکبابی، به نام چلوکبابی کرامت، از قرار ماهی چهار هزار و پانصد تومان و يك میلیون ریال سرقفلی، اجاره داده ام که ماهانه پانصد تومان آن را بابت مالیات می پردازم. مدت اجاره از اول اردیبهشت يك هزار و سیصد و شصت لغایت اسفند يك هزار و سیصد و شصت و يك بوده. در اجاره نامه قید شده که در انقضای مدت، با توجه به هزینه زندگی و توافق طرفین اجاره بها تعیین خواهد شد. در قسمت دیگری آمده است که متعاملین با علم و اطلاع کامل به قانون مالك و مستأجر و قوانین جاری عرفی و شرعی و قبول انجام آن، به تنظیم این سند اقدام نمودند. اینک با توجه به این که مدت آن در اسفند 1361 پایان می پذیرد، در صورتی که مستأجرین با توجه به هزینه زندگی، حاضر به تجدید اجاره نشوند. آیا ادامه کسب آنان در محل مذکور، مشروعیت دارد یا حرام است؟ لطفاً چگونگی مسأله را اعلام فرمایید.

بسمه تعالی، بعد از انقضای مدت اجاره، تصرف مستأجر باید با رضایت مالك شرعی باشد.

ص: 274

بسمه تعالی 1358 / 10 / 5

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دامت برکاته

پس از تقديم سلام، اميدوارم در ظلّ توجهات ولى عصر - ارواحنا فداه - سلامتى آن پيشواى عظيم الشان را از خداى بزرگ خواهانم
پيروزى ملت ايران به رهبرى آن قائد اعظم نصيب ملت مستضعف گردد، ان شاء الله.

مستأجرى حجره اى را براى مدت يك سال اجاره نموده است. در اجاره نامه هم عيناً قيد گردیده و مقدار ناچيزى هم سرفقلى داده است.
حدود يازده سال است كه سكونت دارد و چندين مرتبه به مستأجر اطلاع دادم كه سطح زندگى بى نهايت رفته بالا و خلاصه شرعاً راضى
نيستم و براى تجديد اجاره روى رضايست طرفين حاضر؛ اما مستأجر هيچ گونه حاضر نمى شود. مستدعى است نظرات خودتان را مرقوم
فرماييد.

بسمه تعالی، بعد از مدت اجاره، جواز تصرف مستأجر موقوف است به رضايست موجر.

بسمه تعالی 1358 / 8 / 29

حضرت آيت الله العظمى رهبر عالى قدر، امام خمينى، دام ظلله العالى

احتراماً؛ به شرف عرض مبارك مى رساند: باغ توتى است كه در سال 1322 از شخصى طبق قرارداد عادى اجاره كردم كه عمل پرورش
كرم ابريشم (نوغان) انجام دهم و نصف مال مالك باشد و نصف مال مستأجر كه در اثر مرور زمان توت زار اوليه از بين رفته و مجدداً از نو
تماماً به هزينه شخصى مستأجر غرس توت شده است و حال آن كه كليه هزينه طبق قرارداد به عهده مالك بوده و دينارى پرداخت نكرده و
همچنين دور و اطراف باغ درخت هاى بزرگ پرورش شده كه مال مستأجر است و هر

ص: 275

ساله مالك طبق قرارداد نصف در آمد باغ را برده و می برد. ضمناً در قرارداد قید شده که هزینه ساخت انباری یا وسایل آن به عهده مالك باشد و تا کنون عمل نکرده و همه را مستأجر به هزینه خود انجام داده و مالك دیناری در این بابت به مستأجر پرداخت نکرده است. حال که مدت 32 سال از آن تاریخ می گذرد مالك در این عصر انقلاب اظهار می دارد: از باغ بیرون بروید. از نظر شرعی و خدایی چه باید عمل کنم؟ متمنی است جواب شرعی را مرقوم فرمایید که مورد حاجت است.

بسمه تعالی، در فرض مذکور با مطالبه مالك، مستأجر باید باغ را تخلیه کند. بلی، اگر اعیانی در باغ دارد ملك خود او است.

[سؤال 7344] 3761

بسمه تعالی 1358/9/28

محضر مبارك قائد عظیم الشان و رهبر انقلابی مستضعفان، امام خمینی، دامت افاضاته، پس از عرض سلام، خاطر شریف را مستحضر می دارم و از محضر آن رادمرد بزرگ و توانا استفسار می خواهم.

این جانب در مورخه 1/4/1354 يك باب مغازه از شخصی با قرارداد صحیح گرفته ام که قرارداد آن ضمیمه می باشد. بعد از چندی شخص مزبور فوت کرده و دارای 10 سر فرزند می باشد. حقیر روی اصل قرارداد، تا پایان قرارداد را انجام داده ام و بعد از پایان قرارداد که باید مبلغ ذکر شده را از من بگیرند، 6 نفر از فرزندان آن مرحوم که از زوجه قبلی آن مرحوم بوده موافق و زوجه ثانی آن مرحوم که دارای چهار فرزند می باشد از گرفتن سهمیه خود و چهار فرزندش خودداری می کند و می گوید: مغازه را به من بدهید؛ در صورتی که مغازه های مخروبه را با خرج گزافی که کرده ام به صورت يك مغازه ای در آورده ام، اما او سهمیه خود و فرزندانش از مغازه را می خواهد. وجه نقد آن هم موجود است؛ ولی او از گرفتن آن خودداری می کند. می خواهم بدانم از نظر شرع اسلام برای حقیر مسئولیتی دارد یا ندارد! زیاده عرضی نیست.

ص: 276

در خاتمه پیروزی کامل آن رهبر انقلابی جهان را از خداوند مسئلت می‌نمایم.

بسمه تعالی، با فرض این که مدت اجاره تمام شده، تصرف مستأجر در مورد اجاره موقوف است به اذن تمام ورثه مالک، و اگر بعضی اذن ندهند نمی‌تواند تصرف نماید.

[سؤال 7345] 3762

بسمه تعالی 1361 / 3 / 5

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران مدّ ظلّه العالی، احتراماً خاطر عالی را تصدیع می‌دهد:

این جانب دارای هفت سرعائله و قریب به شانزده سال است که در خانه ای آن هم در «دو باب اتاق آن به مساحت 5/8 و 5/10 متری» قناعت نموده و مستأجر هستم. اخیراً حدود بیش از یک سال است که مالک (با توجه به این که خانه مسکونی دیگری دارد و خود با خانواده اش در آن جا سکونت گزیده است) برای تجدید بنای این واحد مسکونی و واگذار کردن آن به فرزندش سخت مرا تحت فشار قرار داده که خانه اش را تخلیه کنم در حالی که یک کارمند جزء دولت بوده و کل درآمد ماهیانه ام حدود 2600 تومان است (البته پس از وضع کسور بازنشستگی و بیمه) و با هفت نفر عائله.

و اما مشکلات:

1. با این تعداد عائله کمتر کسی ممکن است که حاضر شود تا خانه ای را به من اجاره دهد.
2. به فرض این که خانه ای هم پیدا شود، با این حقوق قادر به اجاره آن نیستم. بنابراین در حال حاضر فقط دوراه برای من وجود دارد. 1 - به هر شکل ممکن و به هر ترتیب در همین خانه بمانم. 2 - خانه را تخلیه کنم و در کوچه یا بیابانی چادر بزنم و در آن سکونت نمایم از طرفی هم صاحب خانه مرتباً می‌گوید نمازی که در این خانه می‌خوانی و یا روزه ای که می‌گیری من رضایت ندارم.

ص: 277

استفتا: حال با عنایت به شرح مختصر فوق استدعا آن است که این حقیر را دلالت فرموده و حکم شرع مقدس اسلام را در این مورد دستور فرمایید.

بسمه تعالی، بعد از تمامیت مدت اجاره تصرف مستأجر باید با رضایت مالک باشد.

[سؤال 7346] 3763

بسمه تعالی 1358/9/2

محضر مقدس فقیه العصر مصباح الهدی حضرت آیت الله العظمی الامام الخمینی، مدّ ظلّه العالی

بعد السلام والتحية، مستدعی است جواب مسائل ذیل را مرقوم و به خاتم شریف مختوم و فرمایید.

1. فرد مسلم با داشتن مدارك و شواهد متقن و مشروع از قانون تملك اسلامی دارای قطعات چندی زمین زراعتی می باشد و خودش امکان زرع ندارد و به مزارعه می دهد چنانچه زارع ادعا کند زمین مال من است چون در او کار می کنم آیا این ادعا مسموع و مشروع بوده و مالک نمی تواند شخصاً و یا با مراجعه به مراجع ذی صلاح حق خود را ایفا و زارع را خلع ید نماید یا خیر؟

2. مالک مزبور با شرح فوق زمین را به فردی می دهد که مزد بگیرد و باغ درست کند و یا حقی برای باغبان از درخت و زمین قائل شود تحت مدارك مشخصی، حال اگر باغبان ادعا کند باغ مال من است مالک حق ندارد، طبق قانون مقدس اسلام ادعای باغبان مشروع و مسموع است و مالک حق ندارد شخصاً یا با دست قانون حق خود را ایفا کند یا خیر؟

3. فرد مسلم با کوشش و کار درخت مشروع سرمایه به دست آورد چند خانه بنا کرد که از این خانه ها از طریق اجاره و استجاره بهره مند شود اگر مستأجر ادعا کند مالک حق ندارد و تخلیه نمی کنم و یا اجاره مشخص شده را نصف یا ثلث کرد این عمل مستأجر را قانون مقدس اسلام تصدیق دارد و عایدات نامبرده نیز صورت

ص: 278

مشروع دارد یا خیر؟ والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین

بسمه تعالی، زراعت در زمین دیگری و همچنین باغبانی در ملک غیر موجب ملکیت زارع و باغبان نیست و بعد از تمامیت مدت اجاره و مطالبه مالک مستأجر باید مورد اجاره را تخلیه کند و نزاع باید در محاکم صالحه مطرح و حل و فصل شود.

[سؤال 7347] 3764

بسمه تعالی 1361 / 3 / 1

محضر مبارک رهبر انقلاب حضرت امام خمینی بعد از ابلاغ عرض سلام

این جانب مغازه ای به یک شخص به مدت دو سال اجاره داده ام که اکنون مدت هفت ماه هم از مهلت مقرر گذشته هر چه می گویم مغازه ام را تخلیه نمی کند خودم هم نیاز شدید به مغازه دارم در عرض این دو سال فقط هفت هزار تومان به بنده اجاره بها داده است حالا می گوید باید پنجاه هزار تومان بدهید تا مغازه را تخلیه نمایم آیا این از نظر شرعی صحیح است؟ بنده مغازه را خریده ام فقط به خاطر مغازه تا این که رفع احتیاجات مادی خود بنمایم. خواهشمندم هر چه به نظر شرع مقدس اسلام می باشد مرقوم فرمایید. والسلام

بسمه تعالی، در پایان مدت اجاره با مطالبه مالک مستأجر باید مورد اجاره را تخلیه کند و اگر شرط سرقفلی در ضمن عقد برای مستأجر نشده حق مطالبه سرقفلی ندارد.

[سؤال 7348] 3765

بسمه تعالی 1358 / 9 / 17

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر و حاکم شرع، مدّ ظلّه العالی

محترماً؛ به عرض می رساند: از روزی که سر و صدای زمین ملکی و غیر ملکی را وارونه جلوه و معرفی نمودند؛ مستأجرین زمین های موقوفه خاص قهپان که از طرف

ص: 279

این جانب و آستانه مقدسه به آن ها واگذار گردیده که هم اکنون خانه ساخته اند و سکونت دارند، از پرداخت مال الاجاره ناقابل تعیین شده خودداری می کنند و اکراه دارند و اظهار می دارند: امام فرموده اند: «اجاره ندهید و هر کسی هر کجا سکونت دارد، مال خودش می باشد». لذا چون مرجعی برای رسیدگی مشخص و معین نمی باشد، تقاضا می شود برای حفظ حقوق موقوفه به شرح ذیل، در این باره نظریه خود را اعلام فرمایید که يك تکلیف شرعی می باشد.

بسمه تعالی، باید مال الاجاره را پردازند و من چنین چیزی نگفته ام.

[سؤال 7349] 3766

بسمه تعالی

محضر رهبر عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، روحی فداه

این جانب مغازه ای جهت شغل شیشه بری از شخصی 6 سال پیش به سرقتی خریده و ماهیانه شش صد تومان اجاره می دهم؛ ولی به علت بهایی بودن این شخص بعد از انقلاب متوجه شدم که نباید به ایشان اجاره بدهم؛ چون گذشته از این که بهایی است، شخصی است بسیار ثروتمند و ملاک و زمین خوار و لذا به ایشان، به گفته آقای عبدالمجید ایروانی، نماینده حضرت عالی، مراجعه کردم؛ ایشان هم فرمودند: بگویند که از دست شما به دادگاه شکایت کند، اگر دادگاه دستور پرداخت صادر کرد، پرداخت نمایید. ولی ایشان شکایت نکرده و مدت سه سال است که به ایشان اجاره پرداخت نکرده ام. استدعا دارم تکلیف بنده را در این مسأله مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، مسأله موکول به نظر حاکم شرع در دادگاه های صالحه است.

[سؤال 7350] 3767

بسمه تعالی 1361 / 10 / 28

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی جناب آقای خمینی، دام بقاؤه

این جانب در 17 سال قبل يك مغازه رهن تصرفی و اجاره داده ام و مستأجر ده

ص: 280

سال است کرایه نداده است. در این مدت چندین مرتبه به او گفته ام که رضایت ندارم؛ خواهشمندم در ذیل این ورقه، نظر دین اسلام را مرقوم نمایید.

بسمه تعالی، مستأجر اجرت المثل مغازه را در مدتی که در اختیار او بوده باید بپردازد.

اجیر شدن برای کارهای حرام

[سؤال 7351] 3768

بسمه تعالی 1358 / 10 / 4

محضر مبارك رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی خمینی، دامت برکاته

محترماً؛ این جانب مدت نه سال در يك شرکت زحمت کشیدم، اما سال گذشته، دستگاه تولید ظرف مخصوص آب جواز خارج آوردند که یکی از آن دستگاه ها مربوط به قسمت بنده بود. پیش از آن که این دستگاه وارد شود خدمت یکی از مراجع تقلید نامه ای نوشتم و گزارش دادم.

و بعد از آن بنده نسبت به تحویل گرفتن دستگاه فوق شدیداً اعتراض کردم که بنده را به دفتر کار شخصی که مهندس قسمت بود احضار کردند. در جواب گفتم: در دین اسلام همکاری کردن برای چنین کاری حرام است؛ ولی آقایان رئیس قسمت و مدیر تولید، بعد از چند هفته عنوان کردند که بنده نامه ای به مدیر تولید نوشته ام و گفته ام:

«شما پیرمردی هشتاد ساله ای هستی و نباید برای ساختن ظرف آب جو همکاری نمایید و باید در مساجد به عبادت مشغول باشید». در صورتی که بنده چنین نامه ای را ننوشته بودم. بهانه دیگر آن ها این بود که شما زیاد ضایعات در می آورید. خلاصه با این بهانه ها بنده را از شرکت بیرون کردند. و حال در شرکت چند هزار کارگر و کارمند مشغول به کارند. می خواهم بدانم اکنون که بیکار هستم و دارای شش عائله تکلیف شرعی بنده چیست؟ آیا می توانید آقایان نامبرده را به تکلیف شرعی شان آشنا

ص: 281

نمایید؟ گیرم که بنده چنین نامه ای نوشته باشم، خلاف که نکردم. زیرا آقای مدیر تولید پیرمرد و بازنشسته شرکت نفت بود و حدود شانزده هزار تومان حقوق بازنشستگی دریافت می کرد. آیا عبادت برای این مرد واجب نبود؟ خلاصه بنده چه عکس العمل می توانم نشان بدهم. آیا بار دیگر می توانم به استخدام این شرکت در بیایم؟ با چه حکمی؟

بسمه تعالی، ساختن آب جو و همکاری با آن و حقوق گرفتن در مقابل آن حرام است و از خصوص شرکت و قضیه مذکور اطلاع ندارم.

[سؤال 7352] 3769

بسمه تعالی 1362 / 1 / 14

مسئولین محترم دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

جوانی هستم 20 ساله که فعلاً به تحصیل مشغولم و منبع مالی من، خانواده من می باشد. پدرم کارمند دولت بود که سال گذشته بازنشسته شده است و مادرم نیز معلّمه می باشد.

1. بر طبق آنچه من خوانده و شنیده ام و در حدیث امام صادق علیه السلام نیز هست «ولایة ولاية الجور» و زیردستان آن ها تا پایین ترین درجات، حرام و جزء مکاسب محرّمه می باشد. حال سؤال من این است که آیا درآمد پدر و مادرم در دوران طاغوت حرام نبوده است؟ و در این صورت، آیا حقوق بازنشستگی پدرم نیز حرام نمی باشد؟ در این صورت وظیفه شرعی من که با این درآمد بزرگ شده ام چیست؟

بسمه تعالی، اگر شغل پدر شما از کارهای حلال بوده، حقوق او حلال است و نسبت به آن تکلیفی ندارید.

2. علاوه بر این ها، مسائلی مانند استفاده شخصی از اتومبیل، تلفن، کاغذ و نوشت افزار و سایر وسایل دولتی نیز وجود داشته است. برای رفع این حق که بر عهده ما است چه کار باید کرد؟

3. آیا می توان پولی معادل آن به صندوق دولت داد؟ و آیا می توان آن را به یکی از حساب های جنگ و... پرداخت نمود؟

ص: 282

بسمه تعالی، 2 و 3، آنچه بر خلاف مقررات دولت از اموال استفاده شده موجب ضمان است و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نمود.

4. مسأله دیگر در رابطه با پرداخت حق الناس است که در کتابها و فتاوی امام پرداخت آن به فقرا ذکر شده است؛ آیا می توان برای پرداخت حق الناسی که بر عهده انسان است، آن را به یکی از حساب های جنگ و جنگ زدگان و... پرداخت کرد؟

بسمه تعالی، حق الناس مالی را در صورت عدم شناخت صاحب آن باید از جانب او به فقیر صدقه داد.

قبلاً از زحمات شما و پاسخ سؤالات تشکر می کنم. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار

[سؤال 7353] 3770

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی پسندیده، دامت برکاته العالی

پس از عرض سلام، پیوسته سلامتی شما را خواهانیم و امیدواریم از بلاها مصون و محفوظ باشید. باری عرض می شود که یکی از جوانان در یکی از شرکت ها کار می کند؛ یعنی راننده است. گاهی می شود که رئیس های شرکت و یا بعضی از افراد خارجی و غیره را که می خواهند بروند شهر و نعوذ بالله شراب بخورند و گناه دیگری مرتکب شوند این جوان مسلمان مجبور است که آن ها را ببرد. بفرمایید با این حال، آیا بر او جایز است که در چنین شرکتی باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، ادامه کار اشکال ندارد، لیکن از حمل افراد برای بردن به مراکز فساد و ارتکاب گناه خودداری کند و اگر خودداری میسور نیست، از ادامه کار خودداری نماید.

[سؤال 7354] 3771

بسمه تعالی 1358/7/7

محضر مبارك زعیم عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه، پس از عرض سلام و تقدیم ادعیه خالصه

ص: 283

حقیر از مقلدین آن امام می باشم که بیشتر از شش سال است در سازمان اوقاف ماشین نویس هستم. استدعای عاجزانه دارم نسبت به حقوقی که در این مدت مصرف کرده ام و همچنین نسبت به حقوق بعد از این مرا مأذون و مجاز فرمایند. توضیحاً به استحضار می رسانم که شغل و درآمد دیگری ندارم و چهار نفر عائله، تحت تکفل دارم و فاقد منزل ملکی هستم. فقط در مورد حلیت حقوقم که ناراحتی روانی برای من نباشد، احتیاج به اجازه آن امام دارم.

بسمه تعالی، اگر چیزهای حرام را ماشین نویسی نکنید، اجرت شما حلال است.

اجاره دادن محل برای کارهای حرام

[سؤال 7355] 3772

بسمه تعالی 1982 / 4 / 29

محضر حضرت آیت الله العظمی الامام الخمینی، دام ظلکم الشریف، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، لطفاً با جواب مسائل ذیل ما را سرفراز فرمایید:

1. اجاره دادن زمین و ملکیت وقف دینی برای فُنْدُق (مسافرخانه) مخصوص - که آن را غالبپورسگار می نامند و در آن خمر (مشروب) و گوشت خنزیر می فروشند - چه حکم دارد؟ جایز است یا ناجایز؟

بسمه تعالی، اجاره محل برای استفاده های محرم باطل است ولی اگر اجاره برای انتفاع محلل بوده لیکن مستأجر بعداً در آن محل کار محرم انجام داده و می دهد اجاره صحیح است و مستأجر مکلف است از انتفاع محرم خودداری نماید.

[سؤال 7356]

2. اگر متولی یا منتظم وقف، ملکیت وقف یا زمین موقوفه را برای فُنْدُق مزبور

ص: 284

اجاره دهد این عمل متولی یا منتظم وقف خلاف دیانت است یا نه و این عمل خیانت است یا نه؟

بسمه تعالی، حکم همان است که در بالا ذکر شد و متولی اگر با التفات و توجه، موقوفه را برای انتفاع محرم اجاره دهد خلافکار است.

3. اگر متولی یا منتظم وقف خیانت کند و ملکیت وقف را خلاف شرع استعمال کند برای حاکم شرع، آن متولی یا منتظم را معطل کردن و بیرون کردن و به جای آن متولی و منتظم شخصی دیگر یا صالحین را معین کردن اختیار داده و مجاز کرده یا نه؟

بسمه تعالی، در هر مورد که خیانت متولی به وجه شرعی ثابت شود حاکم شرع می تواند در اداره شؤون وقف دخالت کند.

مشروط بودن صحت اجاره به تعیین اجرت و عین مورد اجاره

[سؤال 7357] 1323

4. شخص نقاشی، نقاشی يك ساختمان را مقطعی کنترات می کند؛ مثلاً همین طور می گوید: من این ساختمان را این قدر می گیرم نقاشی می کنم؛ آیا پولی که از صاحب این ساختمان می گیرد اشکال دارد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر خصوصیات ساختمان و نقاشی مورد نظر و مقدار پول معلوم باشد و قرارداد شود، معامله صحیح است.

اجیر شدن برای غیر مسلمان

[سؤال 7358] 3773

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرة آية الله العظمى، زعيم الأمة الإسلامية، الإمام روح الله الموسوي الخميني، أدام الله ظله

ما رأيكم - دام ظلّكم - فيمن يعمل موظفًا عند الدولة غير الإسلامية، مثل لبنان

ص: 285

ويتقاضى راتباً شهرياً، فهل يحتاج قبضه وصرفه إلى مجرد الإذن العام منكم، أو أنه لا بدّ من الإذن الخاص من ممثليكم لكل فرد؟ فالرجاء من سماحتكم أن تفتونا مأجورين، لتوضيح الأمر لمقلديكم في لبنان.

بسمه تعالى، إذا كان العمل محللاً، راتبه أيضاً يكون حلالاً ولا يحتاج إلى الإذن.

[سؤال 7359] 3774

بسمه تعالى

1. کارگرانی که در کارخانه ها و یا در مرغداری بهایی یا مجوسی یا یهودی و غیره کار می کنند و از آن ها مزد می گیرند، اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالى، مزد اشکال ندارد.

2. بعضی از افراد با این افراد مذکور هم غذا بودند. چند مدت این شخص غذا خورده است. از جهت بی باکی بوده، نه از جهت جاهل بودن به مسأله، چه صورت دارد؟

بسمه تعالى، اگر با رطوبت ملاقات شده، حکم استعمال غذای نجس را دارد و باید مواضع ملاقات تطهیر شود.

[سؤال 7360] 1325

6. کار کردن در کارگاهی که صاحب آن غیر مسلمان است چه صورت دارد؟ اجرت برای کار گرفتن حلال است یا حرام؟

بسمه تعالى، اگر درآمد کارگاه صرف در امور ضاره بر اسلام و مسلمین نشود و عمل هم مشروع باشد، اشکال ندارد.

تغییر و تبدیل عین مورد اجاره

[سؤال 7361] 3775

بسمه تعالى 1361/9/7

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى، مرجع عالی قدر شيعه، حاج آقا روح الله

ص: 286

مستأجر مغازه ای را برای شغل نانوائی از مالک به مدت يك سال اجاره نموده است.

1. آیا جایز است در مورد اجاره، توالیت و حمام و دست شویی بنا نماید؟

2. آیا جایز است سقف مغازه را به منظور دودکش سوراخ نماید؟

3. مسئول خسارت تخریب سقف کیست؟

4. مدت اجاره خاتمه یافته، احکام الهی را بیان فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، بعد از انقضای مدت اجاره، تصرفات مستأجر باید با رضایت مالک باشد و در اثنای مدت اجاره، فقط تصرفاتی می تواند بکند که مغازه را برای آن اجاره کرده است و اگر قیدی در حین اجاره نشده، تغییر و تبدیل عین مورد اجاره جایز نیست، مگر با رضایت مالک.

[سؤال 7362] 3776

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع عالی قدر حضرت آیت الله امام خمینی مدّ ظلّه العالی

سلام علیکم، با نهایت احترام به عرض عالی می رساند این جانبان حدود سی و پنج سال قبل بنگاهی را با سند ثبتی اجاره کرده و با حق تقویض شده از طرف مالک تعدادی از اتاق ها و حجرات آن را به مستأجرین جزء واگذار کرده ایم، در فروردین ماه 1360 بنگاه موصوف که با وسایل قدیمی و چوب ساخته شده بود، طعمه حریق گردید و با کلیه اموال مستأجرین به تل خاکستری تبدیل و غیر از زمین و قسمتی از زیر زمین ها چیزی باقی نماند. این جانبان و مستأجرین فوق الذکر زمین باقیمانده از حریق را با اجازه مالک و طبق پروانه شهرداری با آهن و سیمان (وسایل ساختمانی روز) با هزینه این جانبان بازسازی کرده و مورد استفاده قرار دادیم، آیا وجه اجاره پرداختی به

ص: 287

مالك برای زمین تعلق می گیرد یا محدثات جدید هم که به هزینه این جانبان و سایر مستأجرین ساخته شده مشمول مال الاجاره می باشد؟ استدعای صدور حکم شرعی می نمایم.

با آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام بر لشکریان کفر صدام

بسمه تعالی، اگر ساختمان برای مالك زمین نشده، مالك اجرت ساختمان را حق ندارد و می تواند مال الاجاره زمین خود را در حالی که مشغول به ساختمان است مطالبه نماید.

مجهول بودن مدت اجاره

[سؤال 7363] 3777

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

به استحضار عالی می رساند: زید مغازه ای با سرقفلی اجاره نموده، لیکن مدت اجاره مجهول است؛ اولاً، اجاره صحیح است یا خیر؟ و در صورت بطلان، اجرت المسمی برعهده مستأجر است یا اجرت المثل؟ و ضمناً مستأجر به عنوان اعتراض، درب مغازه را بسته، اما موجر از تحویل گرفتن کلید خودداری نموده است. در این صورت آیا موجر می تواند مطالبه اجاره بنماید یا نه؟

خداوند سایه شریف آن وجود مقدس را بر سر مسلمین جهان مستدام بدارد.

بسمه تعالی، اگر مدت مجهول است، اجاره باطل است و مالك استحقاق اجرت المثل دارد و چنانچه مستأجر از مغازه استفاده نکند و بخواهد مغازه را به مالك تحویل دهد و مالك تحویل نگیرد، مستأجر ضامن چیزی نیست.

ص: 288

[سؤال 7364] 3778

بسمه تعالی

با عرض معذرت از تضييع وقت گران بهای حضرت عالی.

این جانب تا کنون از نحوه ایتباع و تملك از ناحیه موجر آگاه نبودم. اخیراً از طریق دادگاه صلح، رونوشت سند مالکیت موجر همراه با تقاضای تعدیل مال الاجاره به دستم رسید. بر طبق مندرجات آن معلوم می شود که هم زمان با استقراض ربوی، ملك مذکور را خریداری کرده و قسمتی از آن را به من اجاره داده است که با محاسبه سرانگشتی روشن شده که با کل مال الاجاره دریافتی، علاوه بر این که کل ارزش ملك را در مدتی کوتاه تحصیل کرده، قسمتی از اصل و فرع بدهی بانک را نیز از ممر مال الاجاره دریافتی از این جانب پرداخته است. این کار چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، قرض و خرید خانه با آن صحیح است. و چنانچه در اجاره، مال الاجاره معلوم نشده، اجاره باطل است و مالک بیش از اجرت المثل حق ندارد.

اجیر شدن برای عملی که مضر به حال مسلمین است

[سؤال 7365] 3779

بسمه تعالی

شخصی ساختمانی از مسلمانی کنترات کرده که بسازد و یقین دارد که بعد از اتمام ساختمان به دست اشخاصی می افتد که با مسلمین در ضدیت هستند مثل اسرائیل یا عمال و معاونین او، آیا این عمل جایز است یا خیر؟ و بر فرض عدم جواز هرگاه این ساختمان نیمه کاره باشد باید بقیه را رها کند ولو با ضرر هم که باشد یا خیر؟ و آیا فرق

ص: 289

است بین ضرر و عدم ضرر و بین ضرر کلی یا ضرر جزئی؟

بسمه تعالی، اگر مالک ساختمان از مسلمین است اتمام بناء مانع ندارد لیکن با فرض یقین به این که ساختمان مورد استفاده دشمنان اسلام و مسلمین واقع می شود از قبول این گونه کنترات ها خودداری کند.

مباح بودن عمل مورد اجاره

[سؤال 7366] 3780

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. کار کردن در شرکت تعاونی روستایی به عنوان کارمند و همچنین وام کشاورزی گرفتن جایز است یا نه؟ با فرض این که بهره تقلیل پیدا کرده و از شش درصد به چهار درصد رسیده است؟

بسمه تعالی، کار کردن در امور حلال شرکت و وام مانع ندارد، ولی بهره و کارهای مربوط به آن جایز نیست.

2. شخصی از دنیا رفت و سه پسر دارد. قبل از تقسیم اموال، پسر بزرگ تر با رضایت برادرها از مال مشترک به حج مشرف شد. آیا این حج از حجة الاسلام او کافی است یا بعد از تقسیم اموال، در صورت استطاعت نیز باید به حج مشرف شود؟

بسمه تعالی، اگر مستطیع بوده، کفایت می کند.

[سؤال 7367] 3781

بسمه تعالی 24 شعبان 1402 ق

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در اجرت ضراب الفحل که آن حیوان صرفاً برای همین کار نگهداری می شود، متمنی است نظر مبارک خویش را تحریر و توضیح فرمایند.

بسمه تعالی، حلال است.

ص: 290

بسمه تعالی

نایب الامام، مروج الاحکام، آفته الفقهاء، الامام الخمينی، روحی فداکم وزید عمرکم العالی، محترماً استفتا می نماید:

1. اجیر در تنگی وقت نماز، نماز را ترك کرده، کار می کند؛ اجرتش چه صورت دارد؟

2. کاسب در مکان یا روی فرشی که وقوف و قیام و قعود بر آن حرام است، نشسته یا ایستاده کار می کند؛ اجرتی که می گیرد چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، در هر دو مسأله، اجرت کار خود را مالک می شود، هر چند خلاف شرع کرده است.

بسمه تعالی 1361 / 9 / 27

نظر به این که این جانب شغلم رانندگی در تهران، خیابان انبار نفت، میدان حاج ابوالقاسم، می باشد در این میدان سبوس جو، تخم آفتاب گردان، لوییا، تقاله، کنجاله، سبوس برنج و آرد جو و غیره به فروش می رسد. تا آن جا که من اطلاع دارم، سبوس گندم و جو و تقاله و کنجاله در این میدان از نظر دولت برای فروش ممنوع می باشد و تازگی هم دولت سخت گیری نمی کند و از طرفی هم سهمیه گاوداران و دامداران کم شده و آن ها هم مجبورند که به این میدان بیایند و کمبود خوراک مال هایشان را تأمین می کنند. ضمناً بعضی از این صاحبان بنگاه پای این میدان، مرا برای آوردن سبوس به آسیاب می فرستند و سبوس می آورم؛ اگر من نیاورم، کس دیگر می آورد؛ تازه همین سبوس و تقاله و کنجاله و جو که گاهی هم همین جو در این میدان آرد می شود، مالداران می خرند و ما می بریم. حال از شما تقاضا دارم که بفرمایید از نظر شرعی کدام این بارها اشکال دارد؟ آن بارها از آسیاب به میدان یا این که بقیه بارها؟

بسمه تعالی، برای شما اشکال ندارد.

محضر مبارك زعيم عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه

پس از عرض سلام و تقدیم دعا، به استحضار می رساند: حقیر از مقلدین آن امام می باشد که بیشتر از بیست و پنج سال است در سازمان اوقاف پیش خدمت و خدمتگزار هستم و 9 سر عائله تحت تکفل دارم. استدعا دارم نسبت به حقوقی که در این مدت مصرف کرده ام، همچنین نسبت به حقوق بعد از این، مرا مأذون فرمایند تا نگرانی روانی برایم نباشد.

بسمه تعالی، اگر اشتغال به کار حلالی دارید، حقوق آن حلال است.

حضور محترم پدر و رهبر عزیز، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، احتراماً؛ با پوزش از محضر آن حضرت و عرض معذرت از این که چند دقیقه ای وقت گران قدرشان را اتلاف می نمایم، استدعا دارم تا نقطه نظر خود را در مورد مسائل این جانب بفرمایند:

1. آیا کار نمودن در کارخانجات سازنده تیغ که در حال حاضر در کشور فعالیت می کند و از تیغ های ساخته شده آن ها در مصارف صورت تراشی، خیاطی، استفاده خانم ها و غیره استفاده می شود، درست است یا خیر؟ و تکلیف بنده که کارمند آن جا هستم چیست؟

البته این مسأله را قبلاً از یکی از نماینده های آن حضرت سؤال نموده ام که فرموده اند: «اشکال ندارد»، لکن برای اطمینان بیشتر مزاحم آن حضرت گردیده ام.

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

2. همسر بنده قبلاً در وزارت آموزش و پرورش کار می نموده و از محل حقوق دریافتی خود، مقداری

پول جمع نموده بود که خمس آن را نپرداخته است. در هنگام ازدواج، از محل این پول برای خود جهیزیه تهیه نموده است؛ آیا برای پولی که از محل پول های مذکور از بابت جهیزیه پرداخت شده، می بایستی خمس پرداخت گردد یا خیر؟

بسمه تعالی، نسبت به مقداری که سال بر پول آن گذشته است خمس واجب است.

مجدداً از حضور آن حضرت پوزش خواسته و طول عمر آن حضرت را از خداوند بزرگ خواستارم.

[سؤال 7372] 3786

بسمه تعالی

قم، دفتر استفتانات امام خمینی، سلام علیکم

اگر انسان برای ظالمی کار کند که نوع کار مباح باشد - مثل کشاورزی، دامپروری - حکم آن و اجرتی که دریافت می دارد از نظر شرعی چگونه می باشد؟ والسلام

بسمه تعالی، اگر در مقابل کار حلال اجرت می گیرد حلال است.

[سؤال 7373] 3787

بسمه تعالی

این جانب مربی بهداشت یکی از دبستان های اصفهان مدت چهار سال است که در استخدام آموزش و پرورش هستم. از سه سال پیش می خواستم کار خود را رها کنم؛ ولی در آن وضع (دوره طاعون) وجود خود را در مدرسه لازم می دانستم. ساعت کار ما 40 ساعت در هفته می باشد و چون عده ای از ما مربیان بهداشت کارمان را مفید نمی دانستیم، یعنی در مقابل حقوقی که از دولت می گرفتیم و همچنین هفته ای 40 ساعت عمر ما که بیهوده می گذشت احساس مثر بودن نمی کردیم، نامه ای به وزارت آموزش و پرورش نوشتیم و خواستیم که ما هم بتوانیم تدریس کنیم. جواب نامه این بود که مربیان بهداشت در صورتی که واجد شرایط باشند می توانند تدریس کنند؛ اما با عده ای از ما که واجد شرایط نبودیم و علاقه زیادی به تدریس داشتیم و همچنین قادر به کار بودیم و هم مسئولیتی در مقابل دانش آموزان حس کردیم موافقت نکردند.

ص: 293

بنابراین کار خود را مفید نمی دانم زیرا در وضع موجود چنین حس می کنم که وجود ما وقتی لازم است که تمام خانواده های بچه ها از نظر اقتصادی وضع خوبی داشته باشند و همچنین امکاناتی داشته باشند. حال نمی دانم کار خود را رها کنم یا نه؟ آیا حقوقی که می گیرم از لحاظ شرعی اشکال دارد یا نه؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر کاری را که برای آن استخدام شده اید تماماً انجام می دهید، گرفتن حقوق آن اشکال ندارد.

[سؤال 7374] 2068

18. معلمی که در دبستان یا دبیرستان دخترانه یا مختلط درس می گوید آیا حقوقی که در قبال این عمل می گیرد حلال است یا حرام؟

بسمه تعالی، در صورت تصدی تدریس مطالب مباحه، حقوق را مالک می شود لیکن اگر تدریس در آن مدرسه برای او مفسد دینی و اخلاقی داشته باشد جایز نیست.

حکم کسر بیست درصد اجاره بها توسط شورای انقلاب

[سؤال 7375] 3788

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

بدین وسیله جواب بفرمایید به این که 8 ماه است منزلی اجاره نموده و طبق دستور دولت 20% آن را کسر نمودم؛ ولی مالک اظهار می دارد: «من راضی نیستم». ضمناً خود ایشان به 10% کسر مال الاجاره راضی می باشند. اگر بخواهم طبق دستور دولت و ناراضی بودن مالک رفتار کنم، آیا شرعاً درست است یا خیر؟

بسمه تعالی، رضایت مالک را تحصیل نمایید.

ص: 294

با احترام؛ معروض می دارد: این جانب کارمند جزء شرکت خصوصی هستم و دارای نه نفر عائله و فاقد هرگونه دارایی و درآمد دیگر هستم. با هزار مکافات و قرض، خانه ای به مساحت 120 متر و شش اتاقه در تهران تهیه نموده ام که برای سکونت عائله ام مکفی نیست از فرط استیصال ناچاراً در تاریخ 25 / 5 / 1358 بعضی از اتاق های مزبور را اجاره داده و مبلغ پنج هزار تومان به نام ودیعه از مستأجر گرفته ام که ماهانه مبلغ يك هزار ریال به عنوان ربح پول یا (ربا) از مال الاجاره کسر و بقیه مبلغ 16/000 ریال را ماهانه می پرداخت. در اواخر آبان ماه، از شورای انقلاب قانون 20% تخفیف مال الاجاره به نفع مستأجر تصویب و از اول آذر 1358 به اجرا در آمد؛ بلافاصله مستأجر از موقعیت استفاده کرد و مبلغ 3400 ریال از وجه اجاره کسر کرد و از آن تاریخ تا کنون 600/12 ریال می پردازد. اینک تقاضا مندم جواب شرعی عرایض زیر را مرقوم فرمایید:

1. آیا قانون 20% تخفیف مال الاجاره عطف به ماسبق می شود و در حال حاضر به قوت خود باقی است یا نه؟

2. در صورت عطف به ماسبق و باقی بودن به قوت قانونی خود، این تخفیف غیر منتظره با تورم فعلی قطعاً مصوبات اشخاصی است که خود را مجری قرآن و اسلام معرفی می نمایند؛ آیا مستأجری که از این طرز تفکر اسلامی بهره مند و مبلغ 3400 ریال از مال الاجاره قطعی و مرضی الطرفین قبلی را کسر می نماید، می تواند علیه نص صریح آیات قرآن مبنی بر تحریم ربا قیام نموده، علاوه بر آن مبلغ يك هزار ریال هم به عنوان سود پول یا (ربا) از مال الاجاره کسر نماید به این دلیل که امکان پرداخت مبلغ ودیعه تا روز تخلیه مستأجر برایم مقدور نیست؟

استدعا دارم حکم شرعی را نسبت به مسائل معروضه بالا ذیلاً مرقوم و ممهور و برایم ارسال فرمایید که عندالله و عند الرسول مأجور و مثاب خواهد بود.

بسمه تعالی، ربا حرام است و پس از تمامیت مدت اجاره و مطالبه مالک، مستأجر باید مورد اجاره را تخلیه کند.

[سؤال 7377] 7174

3. حدود يك ماه قبل، شورای انقلاب قانونی تصویب کرد مبنی بر این که کلیه اجاره بها را (تا روز تصویب این ماده واحده) صدی بیست تخفیف داده و در صورتی که صاحب منزل تخفیف نداد، مستأجر باید خودش کم کند؛ اگر کم کرد و صاحب منزل گفت راضی نیستم، وظیفه چیست؟ آیا در این صورت باید رضایت او در نظر گرفته شود یا نه؟ و اگر این امر باعث شد که در آخر وقت مدت اجاره، دیگر منزل را اجاره ندهد، وظیفه چیست؟

بسمه تعالی، مراعات مقررات دولت اسلامی و رضایت مالک و مستأجر لازم است.

[سؤال 7378] 3790

بسمه تعالی

جناب مستطاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه، پس از تقدیم عرض ارادت

این جانب ساکن بوشهر مدت بیست و پنج سال است که شبانه روز با کار و کوشش هرچه تمام تر و با سختی دادن خرج زندگی زن و بچه که آینده بهتری برای خانواده ام به وجود آورم در طی این چند سال فوق الذکر توانسته ام مستقلات جزئی برای خودم تهیه نمایم. قبلاً با مستأجر خودم توافق نموده ام با مبلغ معین. الآن دولت اعلام کرده است که بیست درصد 20% از اجاره مسکونی کسر شود. اگر مستأجر اجاره را کسر نماید و مالک راضی نباشد از نظر شرع مقدس اسلام چه دستوری می فرمایید؛ با

ص: 296

وجودی که هیچ درآمد دیگری هم با 9 نفر عائله ندارم؟ با تشکر از خدمت رهبر انقلاب

بسمه تعالی، رضایت مالک و مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است.

[سؤال 7379] 1283

3. با توجه به ماده واحد در پیرامون اجاره بهای منزل که متضمن کم کردن 20 درصد اجاره بها است، نظر آن امام چیست؟ صاحب منزل ممکن است رضایت ندهد. آیا رضایت صاحب منزل در نظر گرفته شده یا عمل به قوانین دولت اسلامی؟ و جمع هم ممکن نیست.

بسمه تعالی، باید رضایت مالک تحصیل شود.

[سؤال 7380] 3791

بسمه تعالی

از مرجع بزرگ تقلید حضرت آیت الله العظمی امام روح الله خمینی تقاضا می شود در باب مسائل ذیل جواب شرعی مرحمت بفرمایند:

1. آیا شورای انقلاب یا دولت می تواند به نام اسلام فردی را بدون رضایت مجبور به یک معامله یا اجاره یا مزارعه نماید؟ نظر جناب عالی در خصوص 20% تخفیف اجاره بها که به دستور شورای انقلاب می باشد، در صورت راضی نبودن مالک، چگونه است؟ آیا چنین اجاره ای صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، در بعض موارد، حاکم شرع می تواند و در موارد عادی نمی تواند کسی را الزام نماید.

2. شخصی حاصل کار گذشته اش مقداری پول بوده که آن را به عنوان بهای قطعه زمینی پرداخت کرده است، با توجه به این که در زمان معامله، خرید و فروش زمین تحریم نشده بوده؛ آیا دولت یا هر کس دیگر می تواند آن زمین را از صاحبش بگیرد و غصب کند؟ اگر این معامله حرام بوده، آیا شرعاً نباید قیمت زمین به هر صورت به صاحب فعلی مسترد بشود یا پرداخت گردد؟ با سپاس

بسمه تعالی، خرید و فروش، تحریم شرعی نشده است.

ص: 297

مجهول بودن مالک عین مورد اجاره

[سؤال 7381] 3792

بسمه تعالی

این جانب ساکن آمل حدود دو سال است که مغازه ای از شخصی که دست دار مغازه بود خریداری کرده و در فروش نامه متعهد شدم که مال الاجاره را به مالک اصلی پرداخت نمایم در حالی که مالک مشخصی نداریم و ظاهراً مجهول المالک می باشد ولی بعضی می گویند که مالک اصلی وکیل مجلس زمان طاغوت می باشد اما آنچه که تا کنون روی این مغازه انجام شده دست داری به دست دار دیگر فروخته است که آخرین خریدار بنده می باشم خواستم تقاضا نمایم که از نظر شرعی تکلیف این جانب جهت پرداخت اجاره ماهانه و بیست مغازه مجاور بنده چگونه است.

خداوند سایه شریف آن وجود مقدس را بر سر مسلمین جهان مستدام بدارد.

بسمه تعالی، اگر مالک معلوم است تصرف باید به رضایت او باشد و در صورت اجاره صحیحه مال الاجاره به او پرداخت شود و اگر مالک مجهول است حکم سایر مجهول المالک ها را دارد که با اجازه حاکم شرع احتیاطاً باید صدقه داده شود.

اختیار و رضایت در طرفین اجاره

[سؤال 7382] 3793

بسمه تعالی

آیا مبلغ مال الاجاره می تواند بیشتر از حد متعارف تعیین گردد؟

بسمه تعالی، بستگی به تراضی طرفین دارد ولی اگر دولت اسلامی مقرراتی دارد، باید مراعات شود.

ص: 298

3. پدرم 18 سال پیش فوت کرد و عمویم قسیم ما بوده و امور زندگی ما از يك ساختمان اجاره ای که تقریباً مبلغ قابل نیاز زندگی ما را تأمین می نمود انجام می شد. در چندین سال پیش برای تعدیل اجاره بها - اجباراً - از طریق دادگستری زمان طاغوت کمک گرفت و مبلغی به اجاره بها افزوده شد. می خواهم بدانم این افزایش بها با توجه به روایت امام صادق علیه السلام در کتاب ولایت فقیه امام، در آن شرایط، صحیح بوده؟ و آیا ما فعلاً در آن مورد، تکلیفی داریم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر با رضایت طرفین بوده اشکال ندارد.

بسمه تعالی 15 / 10 / 1361

به پیشگاه مبارك امام عظیم الشان، حضرت آیت الله خمینی

پیرو نامه مورخ 1 / 10 / 1361 به استحضار می رساند: آیا در اسلام جایز است که چهار شعیر ملك که قبلاً درآمد محصولی آن در حدود دو هزار تومان بوده؛ اکنون زارعین اجاره چهار شعیر را ششصد تومان بدهند؟ آیا این اجاره در دین اسلام صحیح است، در صورتی که ما هیچ گونه رضایت به این اجاره نداشته ایم و زور بوده است؟

آیا در دین اسلام مستأجر حق فروش ملك اجاره ای را دارد؟ وی پول کلانی از این طریق به جیب می زند؛ ولی در سند اجاره آن ها قید شده حق هیچ گونه فروش و واگذاری به غیر را ندارد و آن ها نه به قانون طاغوت عمل کرده اند و نه به قانون اسلام.

افرادی هستند که هرکدام از این ملك و آب، مقدار صد هزار تومان، پیش فروش کردند و هرچه ما به آن ها التماس کردیم که مقداری از آن ملك و دیم زار خود را به ما بدهید تا چاهی حفر کرده برای امور معاش خود و زندگی مختصری با آن بگذرانیم، حاضر نشدند که از دیم زار خودم به من بدهند. آیا این افراد در اسلام حالشان چگونه است؟ تقاضا مندم که درباره این گونه افراد حکم شرعی صادر و امر به ابلاغ فرمایید که

حق این نوع افراد بیچاره حیف و میل نشود. در خاتمه یادآور می شوم باغ خانه قلمستان و غیره در سندهای آن ها جزو مستثنیات بوده؛ ولی آن ها خود سرانه مبادرت به خرید و فروش نموده و به مالک دیناری نداده و نمی دهند. آیا در اسلام این گونه مال حلال است یا حرام؟ در ضمن امروز ملک مزبور ارثیه مادر این جانب بوده که به زور گرفته شده و غصب کرده است.

بسمه تعالی، اگر زمین ملک شرعی کسی باشد، دیگری حق تصرف در آن را ندارد، مگر به مقداری که از جانب مالک شرعی به او حق داده شده باشد.

[سؤال 7385] 5096

2. اگر زن مطلقه مذکور در سؤال بالا خانۀ ملکی شوهر سابقش را به دیگری اجاره دهد، با توجه به مسأله شماره 2184 مندرج در توضیح المسائل آن حضرت، تکلیف شرعی مستأجری که منزل مذکور را اجاره نموده، پس از اطلاع از مالکیت مالک اصلی در قبال آن زن و مالک اصلی چیست؟

بسمه تعالی، اجاره دادن ملک غیر، بدون اجازه مالک شرعی آن باطل است.

[سؤال 7386] 3795

بسمه تعالی 17 / 8 / 1361

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

ما روستاییان، در رژیم سابق با وضع فقری که در بین ما بوده، برای استادکارها قالی می زدیم و استاد کار هم يك قالی 12 صدتای را به مبلغ 4 هزار تومان - یا بیشتر یا کمتر - برای بافنده می آورد و بافنده در عرض 3 یا 4 ماه یا بیشتر، قالی را به اتمام می رساند و بعد قالی توسط استادکار و بافنده به بازار برده می شد و هرچه می خریدند، نصف آن را استادکار و نصف آن را بافنده می برد. از حضور شما خواستار هستم که

ص: 300

این کار، حق و عادلانه هست یا نه؟ کدام یک باید بیشتر از این سهم را ببرند؟ و در ضمن، قراردادی هم در کار نبوده است؛ همان نصف و نصف بوده. ولی الآن بافنده ها اعتراض دارند و می گویند که ما در سابق استثمرار می شده ایم و استادکارها هم قبول ندارند و می گویند: از الآن این حکم شد و قالی که 5 سال پیش زده شد، این حکم مال او نیست. خواهشمند هستیم بیان بفرمایید. و منظور از حکم جدید، یک سهم استاد کار و 2 سهم بافنده است.

بسمه تعالی، بستگی به توافق و رضایت طرفین دارد.

حکم گرفتن مال الاجاره از صغیر

[سؤال 7387] 5428

4. گرفتن پول یا مالی از نابالغ به عنوان کرایه ماشین یا جهت دیگر، با رضایت بچه، در صورتی که معلوم نباشد از کجا آورده، چگونه است؟

بسمه تعالی، اگر احراز اجازه ولی شرعی او بشود - ولو به شاهد حال - جایز است.

لزوم عقد اجاره و وجوب عمل به شرط در ضمن آن

[سؤال 7388] 3796

بسمه تعالی

در حومه ای از توابع زنجان معدن نمکی است که این جانب آن را از صاحبش به مدت دو سال اجاره نمودم که بعد از انقضای مدت به صاحبش تحویل بدهم بعد از ایجاب و قبول مشغول فعالیت شده و مخارج زیادی را صرف کردم تا سنگ ها آماده فروش شد اما قبل از فروش صاحب معدن آمده بنده را از معدن اخراج کرده آیا صاحب معدن قبل از انقضای مدت معین می تواند معدن را از من پس بگیرد یا نه؟ اگر

ص: 301

حق پس گرفتیش را دارد مخارجی که این جانب به معدن گذاشته ام می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، با فرض این که معدن مالك دارد و از مالکش اجاره کرده اید در بین مدّت بدون خیار فسخ حق ندارد پس بگیرد و در هر صورت مخارج را ضامن نیست و اگر مستأجر «عینی» در معدن دارد خود آن را مالك است.

[سؤال 7389] 3797

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر عالی قدر انقلاب و مرجع تقلید، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه

با نهایت احترام مالکی دکان ساخته و آن را با گرفتن سرقفلی به موجب فتوای شماره 2852 توضیح المسائل آن امام بزرگوار، به اجاره شخصی واگذار می نماید و متعهد می شود که در تاریخ معینی دکان را تحویل دهد. با وعده غیر قابل اجرا از تحویل دکان خودداری می نماید. تکلیف شرعی چیست؟

بسمه تعالی، با فرض تحقق اجاره و رسیدن تاریخ تحویل که در ضمن عقد مشخص شده، عمل و وفای به عقد اجاره و تحویل آن، واجب است.

[سؤال 7390] 3798

بسمه تعالی 1361/6/3

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

به عرض مبارك می رساند این جانب قراردادی برای ساختن بیست کیلومتر راه در استان کهگیلویه و بویراحمد به مبلغ 27 میلیون تومان منعقد کردم و برای همین مبلغ تضمین بانکی نیز داده ام، لکن بعد از مدتی مقداری از کار و مبلغ کسر کرده اند که حدود مبلغ 15 میلیون تومان می باشد و تا امروز مبلغ هشت میلیون تومان خرج شده است و اگر بخواهم به همین منوال ادامه دهم بیش از هفت میلیون تومان مغبون خواهم شد و مطلقاً قدرت انجام این عمل را ندارم و مدعی غبن شرعی می باشم. و کارشناس های خبره شهادت بر مغبونیت این معامله می دهند. بفرمایید

ص: 302

وظیفه شرعی این حقیر چه می باشد؟

بسمه تعالی، اگر ثابت شود که در وقت قرارداد مغبون شده اید و جاهل به غبن بوده اید، در صورتی که خیار خود را اسقاط نکرده باشید حق فسخ دارید و در صورت فسخ فقط حق اجرت کاری را که انجام داده اید دارید.

[سؤال 7391] 3799

بسمه تعالی 1361 / 12 / 1

دفتر امام خمینی، با اظهار صمیمانه ترین سلام و آرزوی عمر طولانی برای حضرت امام عزیز و رهبر مستضعفین جهان.

خواهشمند است پاسخ سؤالات زیر را از حضرت امام استدعا نموده و برای این جانبان ارسال فرمایید.

اگر شخصی حقیقی یا حقوقی به طور قهری، موجر عده ای اجیر قرار گرفت؛ لیکن قرارداد بین اجیرها و موجر سابقشان را نتوانست قبول کند؛ آیا می تواند دستمزد یا حقوق آنان را به میل خود کسر نماید و قرارداد را به طور يك جانبه تغییر دهد؟ تکلیف اجیرها چیست؟ تکلیف موجر قهری چیست؟

اگر اجیر، اجرت (حقوق) جدید را نپذیرد، تکلیف چیست؟ آیا می تواند شرایط سابق عقد اجاره را مطالبه کند؟

بسمه تعالی، در مدت اجاره، اجاره به قوت خود باقی است و اجرت و شرایط همان است که در عقد اجاره مقرر شده است.

[سؤال 7392] 3800

بسمه تعالی 1361 / 10 / 22

حضور مبارك رهبر كبير انقلاب، فقيه عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی

زنی هستم خانه دار، يك قطعه زمین پدرم به من بخشیده است و با مهریه ای که شوهرم به من داده توانسته ام آن را بسازم و اجاره بدهم و مال الاجاره آن را برای

ص: 303

مخارج مسافرت و سایر چنین مخارج به مصرف برسانم. آیا اگر ملك فوق را از مستأجر بگیرم و به شوهر خود به اجاره بسپارم این حق را دارم که از شوهرم همان قدر که از مستأجر قبلی اجاره می گرفتم از ایشان نیز همان مقدار حق الاجاره دریافت کنم؟ والسلام علیکم بسمه تعالی، اختیار ملك شما با خود شما است، ولی در اثنای مدت اجاره نمی توانید از مستأجر بگیرید.

[سؤال 7393] 6717

2. مستأجر دکانی را با پرداخت سرقفلی و شرط عدم حق واگذاری به غیر، اجاره کرده، در صورت تخلف از شرط در مدت و یا بعد از انقضای مدت اجاره، مالک به عنوان تخلف از شرط حق تخلیه مورد اجاره را دارد یا خیر؟ در صورت محقق بودن مالک، سرقفلی پرداختی مستأجر قابل استرداد است یا خیر؟ و به میزان اولیه قابل پرداخت است یا به قیمت روز؟

3. مالک، دکانی را با دریافت سرقفلی اجاره داده، پس از انقضای مدت اجاره، مالک می تواند مستأجر را مجبور به تجدید تنظیم سند اجاره و یا اضافه نمودن اجاره بنماید یا خیر؟ و در صورت استتکاف مستأجر، مالک حق تخلیه محل را دارد؟ و در صورت محقق بودن مالک، سرقفلی پرداختی چه وضعی پیدا می کند؟

بسمه تعالی، 2 و 3، با فرض تخلف شرط، مالک حق فسخ اجاره را دارد و در صورت انقضای مدت اجاره، مالک حق تخلیه دارد و بدون رضایت مالک تصرف جایز نیست و حکم سرقفلی در ذیل سؤال اول ذکر شد.

[سؤال 7394] 3801

بسمه تعالی

حضور محترم دفتر امام خمینی دامت افاضاته

معروض می دارد پیرمردی 60 ساله هستم. 15 سال قبل يك باب مغازه را با

ص: 304

سرقفلی و با داشتن جواز کسب و به علت نداشتن سند مالکیت رسمی با اجاره نامه غیر رسمی از دو شریک اجاره نمودم. از سال 1357 مزاحمت فراهم نموده اند آیا اجاره نامه فسخ می شود یا خیر؟ چرا 15 سال پیش به من نگفته فسخ می شود حالا می گوید؟ آیا باید از کاسبی دست کشید و یک خانواده را محروم کرد یا رضایت طرفین حاصل شود؟ استدعا دارم ای حامی مستضعفان نظر خود را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر شرط خیار برای مالک نشده در اثنای مدت اجاره حق فسخ ندارد.

[سؤال 7395] 3802

بسمه تعالی 1361 / 2 / 19

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

پس از تقدیم سلام و عرض ادب، به استحضار می رساند: فردی از کارمندان دولت که برای حسن انجام کار اداری خود، از بودجه بیت المال دوره های کارآموزی و تخصصی را گذرانده و یا دارای تجاری در آن کار می باشد و در این زمینه فوق العاده های مالی نیز دریافت کرده و یا می کند، اگر بخواهد مسئولیت کاری که دوره آن را دیده، قبول نکند و کار دیگری انجام دهد که در انجام آن تخصص لازم را ندارد، آیا از نظر شرع مقدس اسلام به حسب فتوای حضرت عالی برای آن فرد جایز است یا خیر؟ و از نظر سرپرست فرد مزبور، قبول تعویض کار نامبرده جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر خلاف مقررات نباشد و با او در استخدام قراردادی نشده، اختیار با خود او است.

[سؤال 7396] 3803

بسمه تعالی 1361 / 2 / 25

مسئولین محترم دفتر حضرت امام

خواهشمندم اظهار بفرمایید: اگر چنانچه استخدام کننده ای پس از مدتی، مقداری از

ص: 305

حقوق استخدام شونده را مطالبه کند، وظیفه شرعی استخدام شونده چیست؟ با توجه به این که مقدار حقوق، از طرف استخدام کننده تعیین شده باشد.

بسمه تعالی، استخدام شونده حقوق تعیین شده را حق دارد و می تواند مطالبه کند، و نمی تواند از او کسر نمایند.

[سؤال 7397] 3804

بسمه تعالی 1361 / 7 / 24

محضر مبارك حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب، مدّ ظلّه العالی

به شرف عرض عالی می رساند: عقد اجاره ای بین مالک و مستأجر با حدود و شرایط خاص شرعی واقع شده، در حالتی که شهود به عددی که شرعاً معتبر است نبوده، آیا مالک می تواند طبق اجاره عمل ننماید و به شرایط واقعه در ضمن عقد خارج لازم عمل نکند؟ متمنی است حکم الله را مرقوم که محل حاجت می باشد.

بسمه تعالی، عمل به مقتضای اجاره واجب است و همچنین شرط واقع در ضمن عقد لازم، واجب الوفا است.

[سؤال 7398] 3805

بسمه تعالی 1361 / 11 / 18

جماران، دفتر امام خمینی، دامت برکاته

این جانب با يك شرکت بیمه داخلی قرارداد نمایندگی محضری نوشته ام که از محل حق بیمه دریافتی بیمه نامه های معرفی شده از طرف این جانب، مبلغی تحت عنوان کارمزد در وجه این جانب پرداخت دارند؛ حال می گویند که قسمتی از آن کارمزد پرداخت نمی شود و طبق گفته آنان قانون عطف به ماسبق می شود؛ آیا شرعاً این کار صحیح است یا خیر؟ تقاضا دارد کتبی بنده را مطلع فرمایید.

بسمه تعالی، اگر حدود کار و کارمزد معلوم باشد، قرارداد مذکور صحیح است و شرعاً تمام کارمزد مقرر را حق دارید؛ مگر شرطی در بین باشد.

ص: 306

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر امام خمینی، دامت برکاته

محترماً؛ این جانب کارمند یکی از شرکت های دولتی می باشم که از ساعت 12 که اذان ظهر را می گویند جهت فریضه نماز به مسجد نزدیک اداره رفته و نماز را با جماعت به جا می آورم؛ البته در داخل اداره نمازخانه داریم ولی نماز جماعت برقرار نیست و نماز را فرادا می خوانیم و رفتن من به مسجد حداکثر 10 دقیقه بیشتر از نیم ساعت تعیین شده طول می کشد و در داخل اداره با ارباب رجوع هم کاری ندارم. خواهشمند است تعیین فرمایند آیا 10 دقیقه بیشتر از وقت تعیین شده برای ادای نماز جماعت از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟ و من می توانم برای فیض بیشتر، ظهرها از نماز جماعت استفاده کنم؟

بسمه تعالی، اگر بر خلاف قرار استخدامی شما نباشد مانع ندارد.

بسمه تعالی

1. در شرکت نفت و سایر ادارات کارگران و کارمندانی هستند که پس از تمام شدن کارشان در کارخانه یا دفتر یا هر جای دیگری را که کار می کنند تعطیل کرده به منزل می روند. البته قبل از این که 8 ساعت وقت آن ها تمام شود، می گویند: ما کارمان را زودتر تمام می کنیم و زودتر می رویم. این زود رفتن باعث عدم دقت در کار و انجام کارهای محوله می شود به نظر حضرت عالی اشکالی در حقوق آن ها پیدا نمی شود و ساعاتی را که زودتر به منزل می روند حقوقشان حلال است یا حرام؟

بسمه تعالی، اگر خلاف مقررات استخدامی عمل می کنند، نسبت به مقدار تخلف، از حقوق حق ندارند.

2. شرکت نفت مبلغی برای خرید خانه به کارگران وام می دهد؛ آیا وجوهات شرعیه شامل این وام که به تدریج از حقوقمان کسر می شود می گردد؟ ضمناً بعضی از کارگران که منزل سازمانی از طرف شرکت

دارند خانه خریداری شده با وام را به دیگران نیز اجاره می دهند؛ حکم آن چیست؟

بسمه تعالی، اگر وام را در مؤونه صرف کنند، خمس ندارد. و در غیر این صورت هر مقدار قسط آن ادا شده خمس دارد.

3. شرکت نفت ماهانه مبالغ زیادی در حدود 800 تومان به نام مالیات بر درآمد به نسبت حقوق از تمام کارکنان اعم از کارگر و کارمند کسر می کند. ضمناً عده ای نیز دارای سال می باشند که خود حقوق شرعیه را سر سال می پردازند. آیا این مالیات ها را به جای وجوهات می توان حساب کرد یا خیر؟

بسمه تعالی، محسوب نمی شود.

4. بعضی از کارکنان به علتی نادر، مانند گرفتاری یا پیش آمد، در ماه يك یا دو روز را به سر کار نمی آیند؛ آیا مسئول کار شرعاً می تواند و اجازه دارد مزد روزی را که آن کارگر یا کارمند نیامده، بدهد؟

بسمه تعالی، تابع مقررات استخدامی است.

5. بعضی از روزها در بعضی از کارگاه ها و ادارات کاری نیست که کارکنان انجام دهند؛ آیا کارکنان آن جا می توانند به نام نبودن کار در کارگاه حاضر نشوند یا پس از یکی دو ساعت حضور در کارخانه به منزل برگردند؟ اصولاً به هر عنوان، قبل از تمام شدن کار کسی شرعاً اجازه دارد از محل کار خارج شود یا خیر؟

بسمه تعالی، حکم مسأله قبل را دارد.

توفیق روز افزون آن پدر روحانی را از پروردگار بزرگ مسئلت دارم.

[سؤال 7401] 3808

بسمه تعالی 1358 / 6 / 15

محضر مبارك مرجع عالی قدر جهان تشیع و رهبر بزرگ اسلام حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پس از ادای سلام، نظر به این که عدم مراعات مقررات راهنمایی و رانندگی هم رکورد قابل توجهی در امور جاری ایجاد می نماید و هم باعث بروز خسارت مالی و جانی فراوانی می شود. همچنین تأثیر به سزایی در بدبینی، دلسردی و افسردگی عموم مردم نسبت به پیشرفت انقلاب اسلامی کشورمان دارد. از طرف دیگر تا کنون ارشاد و تذکرات عادی به نحو مطلوب نتیجه بخش نبوده است؛ لذا ایجاب می نماید که ایاب و

ص: 308

ذهاب وسایط نقلیه، تحت مقررات مشخص و شرایط معینی و با پشتوانه اجرایی صحیحی کنترل گردد.

ما در شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان - که حدود چهل هزار کارگر و کارمند دارد و از نقاط مختلف اطراف کارخانه از شعاع صد کیلومتری که استان های اصفهان و چهارمحال و بختیاری را در بر می گیرد، رفت و آمد می نمایند - نزدیک به دو هزار خودروی سبک، مینی بوس و اتوبوس کرایه ای و دولتی داریم که با برنامه های پیش بینی شده ای هم امور داخلی کارخانه و هم ایاب و ذهاب به نقاط مسکونی کارکنان را انجام می دهند. در اثر نبودن جریمه، بی نظمی ها و نابسامانی هایی به وجود آمده است؛ لذا این جانب برای برقراری انضباط بیشتر و جلوگیری از بی توجهی های رانندگان و با مراعات کامل حقوق عموم افراد، از آن پیشوای محبوب استفتا می نمایم: چنانچه با تعیین مبلغ و مشخص نمودن نوع خلاف - مانند جرایمی که شهربانی کشور معین کرده - رانندگان متخلف جریمه شوند. آیا اجازه می دهید یا خیر؟ و در صورت اجازه دادن، وجه دریافتی به چه حسابی منظور شود و در چه موردی مصرف گردد؟ استدعا دارد، نظرتان را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که وسایل نقلیه، مربوط به ذوب آهن و راننده ها در استخدام ذوب آهن هستند؛ متصدیان مربوط، با مراعات مقررات می توانند در ضمن استخدام رانندگان، شرط رعایت ضوابط رانندگی و جریمه مخصوص در صورت تخلف را بنمایند و می توانند با شرط، مصرف معینی برای وجه جریمه تعیین کنند.

[سؤال 7402] 3809

بسمه تعالی

سماحة السيد، حضرت آیت الله العظمی، رهبر عظیم الشأن، امام خمینی، دام ظلّه العالی، بعد آلاف التحية والسلام محضر مبارك حضرت عالی، چند مسأله

ص: 309

شرعیه عرضه می شود:

1. در يك محكمه، دو نفر مشغول كار هستند كه پست ایشان مساوی است، وليكن حقوق ایشان مساوی نیست، نفری كه حقوق زياد می گيرد يك علت دارد، مثلاً با مدير محكمه، خویش و قبيله می باشد يا يك قوميت دارند، و نفر ديگر از حقوق خویش كمی محروم می باشد. آیا در شریعت اسلامی، این گونه نظام طبقاتی روا است يا خير؟ حکم این مدير اداره كه قائل به نظام طبقاتی است چیست؟

بسمه تعالی، بستگی به مقررات محكمه و استخدام اشخاص دارد.

[سؤال 7403]

2. در مثل قضیه مذکوره آیا بین مسلم و غير مسلم نظام طبقاتی روا می باشد يا نه؟ در شرع مقدس اسلامی چه حکم دارد و چه فرق دارد؟

بسمه تعالی، حکم همان است كه در سؤال قبل ذكر شد.

[سؤال 7404] 3810

بسمه تعالی 1361 / 5 / 11

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

اگر شخص مستأجرى شرط و تعهد نماید كه عين مستأجره ای را در فلان وقت تخلیه و به مالك تحویل نماید و در صورت عدم ایفای تعهد و شرط مقرر، فلان مبلغ را به عنوان وجه التزام به مالك پرداخت نماید، ذیلاً مرقوم فرماید: اولاً؛ يك چنین شرط و تعهد و جاهت شرعی دارد يا خير؟

ثانیاً؛ چنانچه مستأجر در زمان معینه، عين مستأجره را تخلیه ننماید، شرعاً ملزم به پرداخت وجه التزام مقطوعه مقرر خواهد بود يا نه؟

از خداوند متعال سعادت و سلامت آن رهبر عزیز را مسئلت دارم

بسمه تعالی، شرط مذکور مانع ندارد و چنانچه در ضمن عقد باشد، عمل به آن واجب است.

ص: 310

حضور محترم حجت الاسلام والمسلمین، آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی علی رؤوس المسلمین

به شرف عرض عالی می رسانم که مغازه ای را مستأجری در حدود 22 سال در اجاره دارد و هر چهار سال يك بار، اجاره نامه آن تمدید می شده است. در اجاره نامه آخری - که خدمتتان داده می شود - موجر به مستأجر حق داد که بعد از انقضای مدت اجاره، با اختیار خود یا تخلیه کند و مغازه را با شرایطی مسترد دارد و یا بماند و اجاره نامه تجدید شود و مبلغ اجاره بر حسب دید کارشناس و عرف محل و یا تراضی طرفین تعیین گردد. حالیه مستأجر که از نظر شغل کسی ناگزیر است اجاره مغازه را تمدید نماید، آیا موجر می تواند بدون رضایت مستأجر، مغازه را از او بگیرد و اجاره را تمدید نکند یا خیر؟ متمنی است اجاره نامه را که به حضورتان تقدیم می شود، مطالعه فرموده و حکم الله را مرقوم دارید، که محل حاجت است.

بسمه تعالی، اجاره نامه به تنهایی میزان نیست، اگر در ضمن عقد اجاره، شرط شده که در پایان مدت دوباره برای مستأجر تجدید اجاره نماید، لازم است بر طبق شرط عمل نماید؛ در غیر این صورت، اختیار ملك با مالك است.

محضر مبارك حضرت آیت الله آقای روح الله خمینی، دام بقائه

محترماً؛ معروض می دارد: شخصی، جوانی را برای این که فقط روزها در کارهایش به او کمک نماید با حقوقی که راضی می شود به کار می گیرد. این جوان بعد از مدتی کار، تقاضای اضافه حقوق می کند و آن شخص حقوق او را اضافه و او را راضی

می کند. این عمل سال ها تا مدت به قریب ده سال تکرار می شود و حقوق، از ماهی سیصد تومان به پنج هزار تومان می رسد و آن شخص در این مدت، غیر از حقوق مقرر از هرگونه کمکی به آن جوان دریغ ننموده و اضافه بر آن هر سال برابر يك ماه حقوق هم به او عیدی می دهد. اکنون آن شخص در اثر کهولت سن و ضعف مزاج خود را بازنشسته می کند و چون طبعاً دیگر به آن جوان هم احتیاجی ندارد، او را با این که در عرض این مدت مبلغ هفتاد هزار تومان هم اضافه از مبالغ یاد شده گرفته و بدهکار است و مقداری هم پس انداز دارد، جواب می کند. آیا این جوان شرعاً هم می تواند ادعای دریافت پولی بنماید یا خیر؟

بسمه تعالی، چنانچه در عقد قرارداد، شرط دریافت چیزی بعد از پایان قرارداد و عمل نشده، حقی ندارد.

[سؤال 7407] 3813

بسمه تعالی 17 / 12 / 1361

دفتر حضرت امام، دامت برکاته

محترماً به عرض می رساند: وزارت آموزش و پرورش در برخی از شهرستان ها و مناطق کشور منازلی برای سکونت کارمندان غیر بومی احداث نموده و طبق ضوابط مصوب شورای انقلاب به کارمندان فاقد خانه واگذار می نماید تا در مدت خدمت در آن محل از آن ها استفاده نمایند.

شمار کارمندان غیر بومی نسبت به تعداد خانه های مورد بحث پیوسته بیشتر بوده و لذا از بین واجدین شرایط سکونت در این منازل، همیشه عده ای بدون منزل سازمانی می مانند و ناگزیر به دنبال اجاره منزل از اشخاص می گردند که تفاوت اجاره بهای منزل سازمانی و اجاری قابل توجه است. برای جبران این تفاوت در آیین نامه واگذاری منازل سازمانی در نظر گرفته شده که استفاده کنندگان از این خانه ها 5% (پنج درصد) از حقوق گروه و پایه خود را به اداره مربوط پرداخت نمایند تا به نفع دسته دوم از آن

ص: 312

استفاده و به صورت کمک اجاره به آنان داده شود. وصول 5% یاد شده مورد ایراد برخی از استفاده کنندگان منزل سازمانی است.

مستدعی است اعلام فرمایید آیا رضایت مستأجران منازل سازمانی در خصوص کسر 5% که در آیین نامه مصوب شورای انقلاب مندرج است، ضروری است؟ و یا قبول سکونت در خانه سازمانی مُشعر و مُثبت قبول کسر 5% نیز می شود؟

اکبر پرورش، وزیر آموزش و پرورش

بسمه تعالی، اگر اجازه سکونت در خانه ها با شرط مذکور باشد، بدون عمل به شرط نمی توانند سکونت نمایند.

[سؤال 7408] 3814

بسمه تعالی 1361 / 1 / 21

دفتر استفتای رهبر عالی قدر جهان اسلام و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی خمینی، روحی فداه .

قطعه زمینی برای ایجاد محل سکونت خود و عایله 12 نفری بچه هایم، از اداره اوقاف شیراز - با رعایت جمیع مقررات شرعی و قانونی - اجاره کرده و متصرف شده ام و سند اجاره رسمی به مدت 3 سال تنظیم و متعاملین امضا کرده اند. آیا موجر می تواند بدون هیچ گونه دلیل و عذری، در حالی که در زمین، ایجاد هزینه کرده و متصرف هستم، یک جانبه دستور فسخ اجاره زمین را قبل از انقضای مدت قانونی به دفترخانه بدهد؟ و آیا کسی که در تمام ایران يك آلونك هم برای زیستن و سکونت ندارد حق داشتن يك خانه مسکونی را دارد یا خیر؟ و آیا باید تا آخر عمر مستأجر و بدبخت باشد؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، حکم مسأله معلوم است و در مورد نزاع باید به محاکم شرعیه مراجعه شود.

ص: 313

بسمه تعالی

با درود به رهبر کبیر انقلاب میهن عزیز اسلامی و مرجع تقلید شیعیان جهان و با آرزوی موفقیت سریع برای نیروهای سلحشور جبهه گسترده حق علیه باطل.

از محضر حضرت امام استدعا دارد: استفتای زیر را از نظر موازین شرعی پاسخ فرمایند.

اگر شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) به عنوان پیمانکار، با یکی از سازمان های دولتی به عنوان کارفرما، قراردادی جهت احداث ساختمان منعقد نماید و یکی از شرایط قرارداد، پرداخت رقمی به عنوان پیش پرداخت به پیمانکار باشد؛ ولی پس از انجام قسمتی از کار، کارفرما اعلام نماید که قانوناً نمی تواند - فرضاً - بیش از نصف رقم مذکور را پرداخت نماید؛ با وجود آن که اولاً در قرارداد شرط شده که تمامی رقم باید پرداخت گردد. و ثانیاً دستورالعمل قانونی هم که سازمان دولتی را مکلف به عدم پرداخت تمامی مبلغ می نماید، قبل از انعقاد قرارداد، آن هم فقط به عنوان سازمان های دولتی صادر شده و در حقیقت سازمان مزبور از وجود چنین دستورالعملی بی اطلاع بوده و در نتیجه قراردادی منعقد نموده که خلاف دستورالعمل لازم الاجرا بوده است؛ در چنین شرایطی آیا:

1. پیمانکار می تواند شرعاً به عنوان خیار تخلف شرط یا خیار غبن و یا سایر موازین شرعی، تقاضای تغییر سایر شروط قرارداد - که مستقیم یا غیر مستقیم به شرط انجام نشده مربوط می گردد - را بنماید و یا معامله را به هم بزند؟

2. در صورتی که شرعاً اثبات شود که در اثر عدم اجرای شرط فوق الذکر توسط کارفرما، زیان قابل ملاحظه ای به پیمانکار وارد شده، آیا پیمانکار مجاز خواهد بود تقاضای جبران خسارت وارده را بنماید؟

بسمه تعالی، اگر شرط شده که مبلغ معینی به پیمانکار داده شود، باید همه مبلغ داده شود و با تخلف، خیار تخلف شرط ثابت می شود و در صورت

ص: 314

فسخ، پیمانکار نسبت به کاری که انجام داده، استحقاق اجرت المثل دارد؛ ولی چنانچه در اثر فسخ معامله زیانی بر او وارد شود، حق مطالبه آن را ندارد.

[سؤال 7410] 3816

بسمه تعالی 1361 / 3 / 31

حضور محترم حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، محترماً؛ مستدعی است به مسأله شرعی زیر پاسخ لطف فرمایید. جزاك الله خيراً

اگر کسی محل کسبی را از کسی کتباً اجاره کرده باشد و در آن جا مشغول به کسب مشروع باشد؛ آیا قبل از انقضای مدت اجاره، مالک و یا کس دیگری می تواند مزاحم او شده و محل کسب را از او بگیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، در اثنای مدت اجاره، مالک بدون حق فسخ نمی تواند از مستأجر درخواست تخلیه محل کند.

[سؤال 7411] 3817

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی جناب آقای امام خمینی، دامت برکاته

شرکتی برای مدت دو سال، شش دانگ منزل که متعلق به این جانب و دیگری بوده از قرار ماهی، بیست هزار ریال اجاره نموده و در اجاره خط تنظیمی چنان تعهد نموده «چون موجرین نسبت به مال الاجاره تخفیف کلی نسبت به مستأجر قائل شده اند، مستأجر متعهد گردید چنانچه در انقضای مدت، مورد اجاره را به تصرف موجرین نداد تا زمان تخلیه و ختم عملیات اجرایی به قرار ماهی سی هزار ریال اجاره محل را از قرار مدت دو سال باید پردازد و هیچ عذری مسموع نخواهد بود» معذک در پایان مدت، منزل مورد اجاره را تخلیه ننموده و نیز تعهد خود را (پرداخت ماهی سی هزار ریال) را انجام نداده و همان اجاره قبل ماهی بیست هزار ریال را تودیع نموده،

ص: 315

مستدعی است حکم الله را بیان فرمایند که آیا با چنین تعهدی مدیون و ملزم به پرداخت ماهی سی هزار ریال می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، شرط مذکور در ضمن عقد اجاره، نافذ و عمل به آن لازم است.

[سؤال 7412] 3818

بسمه تعالی

مرجع عالی قدر شیعه و رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، مدّ ظله

احتراماً؛ استدعا دارد نسبت به دو مسأله زیر حکم الله را بیان فرمایید:

1. ملك موقوفه ای برای مدت 9 سال از طرف موجر یا متولی به شخصی به اجاره داده شده و در ضمن سند اجاره قید شده: «پس از مدت 9 سال اخیر با همین شروط، مستأجر حق دارد 9 سال دیگر، ضمن تجدید نظر در مبلغ اجاره طبق نظر کارشناسان اوقاف و دادگستری، برای 9 سال اجاره را تمدید نماید». پس از انقضای مدت 9 سال اول هر گاه کارشناسان نظریه ای دادند آیا موجر یا متولی وقت می تواند از نظر آن کارشناسان عدول نموده و از جهت رعایت غبطه وقف، از طریق مزایده آن را با قیمت بیشتری به همین افراد یا اشخاص دیگر اجاره دهد یا خیر؟ و هر گاه شخص ثالثی داوطلب اجاره به مبلغ بیشتری از نظریه کارشناسان بشود آیا در این مورد عدول از نظریه کارشناسان جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد اجاره شرط شده که برای مستأجر پس از پایان مدت، تجدید اجاره شود، در صورتی که در پایان مدت، مستأجر خواهان تجدید اجاره به قیمت عادلانه باشد متولی وقف مکلف است بر طبق شرط، به همان مستأجر اجاره دهد.

[سؤال 7413]

2. ملك موقوفه ای از طرف موجر یا متولی برای مدت 9 سال به شخصی به اجاره واگذار شده؛ در خلال مدت، اشخاص ثالث و بعضی از کارگران کشاورزی همان

ص: 316

ملك، داوطلب اجاره آن می شوند؛ آیا شرعاً موجر سند اجاره می تواند نسبت به بقیه مدت، اجاره را فسخ و به ازای عین، قرارداد اجاره تنظیم نمایند یا بایستی مدت اجاره سپری گردد؟

از خداوند متعال سعادت و سلامت آن رهبر عزیز را مسئلت دارم

بسمه تعالی، عقد اجاره عقد لازم است و بدون حق فسخ، قابل فسخ نیست؛ مگر از راه اقاله که منوط به توافق طرفین است.

[سؤال 7414] 3819

بسمه تعالی 1362/8/2

دفتر استفتا امام خمینی، دامت برکاته

آب موقوفه ای را با اراضی تابعه وقف، اداره اوقاف به فردی اجاره می دهد. آیا جایز است برای مستأجر زمین موقوفه را بیندازد و آب وقف را در زمین ملکی خودش شرب نماید و زمین موقوفه را به صورت بایر درآورد؟

بسمه تعالی، اگر آب موقوفه در اختیار مستأجر قرار داده شده که در زمین وقف مصرف شود، باید در همان زمین مصرف کند و صرف در غیر آن جایز نیست.

[سؤال 7415] 3820

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی الامام الخمینی، ادام الله عمره الشریف تقدیم می دارد:

1. اگر بتایی ساختن خانه ای را از شخصی مقاطعه کرد و در حین قرارداد، با صاحب خانه شرط کردند که اگر اختلافی راجع به ساختمان و بتایی آن به وجود آمد به فلان معمار مشخص مراجعه نمایند تا ایشان حل اختلاف کنند، آیا می شود در مورد اختلاف، از نظریه معماری که مورد شرط است خودداری کنند؟

ص: 317

بسمه تعالی، باید بر طبق شرط، بر حکمیت معماری که تعیین نمودند راضی شوند.

[سؤال 7416]

2. اگر صاحب خانه به مقاطعه کار گفت: هر کجای ساختمان که امکان دارد، در مصرف آهن صرفه جویی شود؛ آهن مصرف مکن. و بنا به گفته صاحب خانه اعتنا نکند آیا ضامن آهن های بیجا مصرف شده هست یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر بنا خلاف شرط عمل نموده صاحب ساختمان حق دارد قرارداد را فسخ کند و در این صورت مقاطعه کار بابت مصالح و کار انجام شده، استحقاق قیمت المثل و اجرت المثل دارد.

[سؤال 7417]

3. اگر مقاطعه کار حیاط منزل را طبق نظر صاحب خانه نساخت، مالک اجرت هست یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر شرطی در ضمن قرارداد نمودند و از آن تخلف شده، صاحب شرط، حق فسخ دارد و در این صورت برای کار انجام شده اجرت المثل تعیین می شود.

[سؤال 7418]

4. آیا صاحب کار می تواند در مورد اجناسی که مقاطعه کار خریده، خواهان مدارك معموله مانند فاکتور و غیره شود یا باید حرف ها و نوشته های او را بدون مدارك معموله بپذیرد؟

بسمه تعالی، اگر مقاطعه کار، وکیل در خرید بوده قول او معتبر است؛ مگر آن که اماراتی دال بر خلاف گویی او در بین باشد.

[سؤال 7419]

5. اگر مقاطعه کار تکمیل ساختمان را از مدت معمول به تأخیر انداخت آیا منافع

ص: 318

خانه را در صورتی که از اول اختلاف، حاضر به عمل طبق موازین شرعیه نباشد ضامن است یا خیر؟

بسمه تعالی، ضامن نیست.

[سؤال 7420] 3821

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

1. این جانب کارگری هستم که در يك آهن فروشی کار می کرده ام (البته مدت 8 سال) و بعد از 8 سال به علت اختلافی که با صاحب آهن فروشی پیدا کردم از آن جا بیرون آمدم و شکایت به اداره کار کردم؛ آیا مبلغی که اداره کار به عنوان عیدی و مرخصی و سابقه کار معلوم می کند، گرفتن آن وجه برای من حلال است یا خیر؟ البته عیدی و مدت مرخصی این جانب را نداده است.

بسمه تعالی، اگر صاحب مال راضی است و یا استخدام شما از اول مبنی بر این بوده که عیدی و مرخصی و غیر آن به شما داده شود حلال است.

2. باغی است که زمین آن به ارث به ما رسیده و آن زمین مال مادرم بوده و پدرم برداشته آن را به صورت باغی احداث کرده و ما به او می گوئیم که خمس درخت های آن را داده ای یا نه، می گوید: من سر سال که می شد مقدار 2/000 تومان هم بدهکار می شدم؛ چیزی برایم نمی ماند. آیا این درخت ها و دیوار باغ که آن را ساخته به چه صورت باید خمس آن را رد کنیم، یا خمس ندارد؟

بسمه تعالی، خمس دارد و چنانچه قیمت آن را بدهید کفایت می کند.

[سؤال 7421] 3822

بسمه تعالی 11 / 9 / 1361

به وسیله دفتر پربرکت حضرت نایب الامام، امید مستضعفین ایران و جهان، امام خمینی، ادام الله المسلمین بطول عمره و بقائه الشریف محترماً، ضمن ادای کمال ادب و احترام، از محضر پربرکت و ساحت مقدس امام امت استفتا و استعلام می نماید: هر گاه شخصی طبق موازین شرعی و قانونی، به

ص: 319

دیگری وکالت تام دهد که در زمین ملکی او ایجاد ساختمان نموده و کلیه مخارج ساختمان را از مال خود پرداخت و مادام که دین او از این بابت از طرف موکل پرداخت نشده، بر حسب توافق طرفین، وکیل تا زمان بازپرداخت مخارج انجام شده که از مال او پرداخت گردیده، به طور تبرّعی و مجانی در تمام یا قسمتی از ساختمان سکونت نماید و این که موضوع تبرّعی و مجانی بودن را شهودی عادل که از ماقوع مطلع هستند گواهی می نمایند و نیز عدم مطالبه اجور زمان تصرف در طی حدود شش سال، قرینه اثبات تبرّعی بودن تصرفات است. بنا به «قاعدۀ عدم» که عدم پرداخت اجور طبق تراضی طرفین تا هنگام پرداخت مخارج ساختمان بوده، آیا مادام که مخارج مصروفه از طرف موکل به وکیل پرداخت نشده موکل (مالک زمین ساختمان شده) حق مطالبه مال الاجاره یا اجرت المثل و یا اجور تحت هر عنوان دیگر را، از وکیل دارد یا خیر؟ جواب استفتا راهنما و باعث افتخار و رعایت و عمل مسلمین عموماً و پرسش کننده خصوصاً خواهد بود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با فرض این که به ازای تأخیر ادای دین، شرط سکونت مجانی شده، شرط باطل است و اجرة المثل خانه را نسبت به مدتی که در آن سکونت کرده اید یا بعداً ساکن می شوید باید بپردازید.

[سؤال 7422] 3823

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

بعد التحية والسلام، استدعا می شود حکم شرعی مسائل ذیل را تفصیلاً بیان فرمایند:

1. اگر واقف مقرر کرده باشد که موقوفه برای مدت بیش از (مثلاً) بیست سال اجاره داده نشود و متولّی بر خلاف ترتیب مقرر از سوی واقف، موقوفه را برای مدت بیشتر (مثلاً سی سال) اجاره بدهد؛ آیا در فرض مذکور عقد اجاره از اصل و نسبت به

ص: 320

تمام مدت باطل است یا این که نسبت به بیست سال که واقف اجازه داده صحیح است و نسبت به بقیه باطل یا فضولی است یا حکم دیگری دارد؟

بسمه تعالی، اجازه نسبت به بیست سال صحیح است.

2. نه‌های عمومی که از وسط املاک و خانه‌های اشخاص در داخل شهرها عبور می‌کند آیا حریم دارد؟ اگر حریم دارد چقدر است؟

بسمه تعالی، اگر نهر از اول در وسط املاک احداث شده حریم ندارد.

3. در صورت متروکه شدن نه‌های مذکور و اعراض همه صاحبان، اصل مجری (بستر نه‌ها) و حریم آن‌ها (اگر حریم دارد) ملک چه کسی است؟

بسمه تعالی، در صورت ثبوت اعراض صاحبان نهر، اگر بستر نهر از مرافق و حریم محله نباشد دیگران می‌توانند آن را حیات نمایند.

[سؤال 7423] 3824

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، محترماً؛ به عرض عالی می‌رساند:

1. این جانب در اواخر تابستان 1358 دو قطعه باغ در محمودآباد ساوه - با در نظر گرفتن وضع قیمی آن - به مبلغ 123 هزار تومان اجاره کردم. چهل هزار تومان نقد و دو قطعه چک هر کدام به مبلغ چهل هزار تومان در تاریخ 30 / 7 / 1358 و 30 / 9 / 1358 دادم. بنا به اظهار صاحب باغ که 250 خروار انار دارد، ولی بعد از چیدن معلوم شد حدود 100 خروار زیاد تخمین زده شده است و انار در حدود 150 خروار می‌باشد. در نتیجه، این اجاره نسبت به فروش 150 خروار، حدود سی هزار تومان از اصل ضرر می‌کند. آیا برای مستأجر مغبون، حق فسخ این اجاره هست یا نه؟

بسمه تعالی، اگر معامله مبنی بر موجود بودن مقدار معینی انار در باغ بوده که آن مقدار موجود نبوده، خیار ثابت است. اگر چه اصطلاحاً غبن نیست؛ بلی اگر بنای معامله بر اسقاط خیار باشد، حق فسخ ساقط است.

ص: 321

2. صاحب باغ در قبال ادعای غبن مستأجر، ادعا می کند: انار باغ 250 خروار بود، ولی شما صد خروار بیش از مقداری که ادعا می کنید فروخته اید، برداشت کرده اید. ولی مستأجر می گوید: اگر صاحب باغ با بیّنه شرعی این مدعا را اثبات کند، مورد قبول است؛ و الاً مستأجر در مقام انکار این مدعا، حاضر است قسم شرعی یاد کند که بیش از مقدار فروخته شده و موجود که جمعاً حدود 150 خروار می شود، برداشت نکرده. حکم در مورد سؤال چیست؟

بسمه تعالی، با فرض وقوع معامله مبنی بر موجود بودن مقدار معین انار در باغ و وجود نزاع در موجود بودن این مقدار، در صورت مراجعه طرفین به حاکم شرع و نبودن بیّنه شرعیه برای فروشنده و قسم خوردن خریدار بر نبودن میوه به مقدار مذکور؛ خریدار می تواند معامله را فسخ کند.

3. در صورتی که مستأجر در مورد مسأله اول، حق فسخ اجاره را داشته باشد و در مورد مسأله دوم، با نبود بیّنه، صاحب باغ حق قسم را داشته باشد، آیا اجرت کارگری مستأجر در جمع آوری انار و چیدن آن ها بر ذمه صاحب باغ می باشد؟ آیا او مدیون اجرت المثل این زحمات هست یا نه؟

بسمه تعالی، صاحب باغ ضامن نیست.

بسمه تعالی

محضر رهبر عالم اسلام، الامام الخميني، دام ظلّه علی رؤوس المسلمين

این جانب قبل از چهار سال مبلغ بیست و چهار هزار دینار کویتی از دولت خود، برای ساختن منزل، به عنوان قرض گرفتم. شخص مقاطعه کار با شریک مهندسش بنا شد این خانه را در حدود مبلغ قرض برای بنده بسازند «به حسب متداول در بازار» و

ص: 322

آن ها هم قبول کردند؛ ولی به علت کمبود وسایل و ناشی گری مهندس، منزلی که باید در حدود يك سال تمام شود، به دو سال کشید.

پس از اتمام منزل، آقای مقاطعه کار مبلغ 52/000 دینار از من طلب کرد و این جانب به سبب گرانی مواد، تا حدود 45/000 به آن ها رد کردم؛ ولی چند نفر اهل فن را به خانه برده، جمله متفق شدند که این خانه بیش از چهل هزار نمی ارزد. مراجعه کردم به مقاطعه کار و از آن ها خواستم که رسیدهای موجود را به این جانب نشان دهند. اول قبول کرد؛ ولی بعد عذر آورد و به جای نشان دادن اسناد، خشمگین شد و گفت: تمام این مشکلات نتیجه اشتباهات مهندس شريك است و در نتیجه خرج منزل دو برابر شده است. در جواب گفتم: این انصاف است که اشتباه شريك شما را من متحمل شوم؟! ایشان باز به بنده پرخاش نموده و گفت: برو؛ من چیزی از شما نمی خواهم و در یکی از نامه هایی که برای این جانب نوشته، ذکر کرده: خرج خانه ات بسیار بیش از آنچه قرار گذاشته بودیم، شده و اگر هم نخواستی مبلغ اضافه را بدهی مختاری. ولی بعد از مدتی، تلفنی با من تماس گرفت و حقش را مطالبه کرد. به او گفتم: اهل فن می گویند این خانه کمتر می ارزد و باید حساب شود؛ اگر حقی نزد من داری به تو می دهم و اگر زیاد گرفتی، ارجاع دهی. دیگر به سراغ من نیامد.

حال این جانب در مقابل این شخص شرعاً مسئولیتی دارم یا خیر؟ و آیا نماز این جانب در این خانه اشکال دارد یا خیر؟ و دیگر آن که بر این جانب لازم است طرف را هر طور شده پیدا کنم یا خیر؟ و در صورتی که اهل فن گفتند ارزش خانه کمتر از مبلغی است که به او داده ام، آیا این حجت است که زیادی را از او مطالبه کنم یا خیر؟ با ملاحظه آن که اتفاق شفاهی بر این بود که تکلیف ساختمان 24/000 باشد و برای طرفین این مسأله روشن بود.

بسمه تعالی، اگر قرارداد مشخصی بین شما و مقاطعه کار منعقد شده، تنها همان مبلغی که در قرارداد ملتزم شدید بدهکار هستید؛ در غیر این صورت قیمت مصالحی که به درخواست شما در ساختمان به کار رفته و اجرت

المثل کارهایی که به درخواست شما انجام شده، ضامن هستید و با پرداخت آن، تصرف در خانه و ساختمان برای شما بی اشکال است.

[سؤال 7427] 3491

3. اگر شخص کارگری که در کارخانه کار می کند، ده روز بدون علت و بدون این که مریض باشد از کارخانه غیبت کرد و سر کار نیامد و خواستند که پارتی بازی کنند و حقوق آن ده روزی را که غیبت کرده است به او پرداخت کنند؛ آیا این پول حلال است؟

بسمه تعالی، تابع مقررات استخدام کارگر است و چنانچه در ضمن قرارداد کار، شرط مزد برای ایام غیبت نشده باشد، استحقاق مزد ندارد.

[سؤال 7428] 3826

بسمه تعالی

خدمت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

کارگری در کارخانه، دستش لای دستگاہ رفته و قطع شده. آیا کارفرما بدهکار است یا خیر؟

بسمه تعالی، ضامن نیست، مگر در صورتی که کارخانه برای استخدام مقرراتی در این باره داشته باشد که اگر استخدام مطابق مقررات بوده، باید بر طبق آن عمل شود.

عدم بطلان اجاره به سبب موت موجر و مستأجر

[سؤال 7429] 3827

بسمه تعالی

حضور مبارک حضرت امام، حاج آقا روح الله موسوی خمینی

چنانچه شخصی مستأجر باغ و خانه وقفی باشد و کاملاً روشن نباشد که دسترنج

ص: 324

دارد یا نه، آیا بعد از مرگ وی برای این که حق اولادش پایمال نگردد، می توانند هر کدام مقداری از باغ را اجاره کنند یا خیر؟ لازم به تذکر است که باغ حدود 12 قفیز معادل 12000 متر وسعت دارد و عمارت آن حدود بیست اتاق و انباری دارد و حدود نود سال است که دست این خانواده می باشد و فعلاً یکی از پسرها باغ و خانه را تصرف کرده است.

بسمه تعالی، تا مدت اجاره باقی است، همه ورثه در مورد اجاره حق دارند و بعد از تمامیت مدت اجاره، اختیار با متولی شرعی وقف است، که با مراعات جهت و مصلحت وقف آن را اجاره دهد.

غیر قابل استفاده شدن مورد اجاره

[سؤال 7430] 3828

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

نامه ای که به پیوست تقدیم می گردد به دلیل اختصار بیش از حد ممکن است گویای مسائل جانبی آن نبوده و نتیجتاً در استخراج نوع فتوا از رساله حضرت امام مشکلاتی فراهم آورد لذا این توضیحات را که ان شاء الله مفید باشد عرضه می دارم:

شرکت ملی نفت ایران سابق و وزارت نفت فعلی در شهرستان آبادان و ماهشهر و بندر امام خمینی تأسیساتی دارد که این تأسیسات شامل: پالایشگاه آبادان؛ مناطق پتروشیمی آبادان؛ شرکت های شیمیایی رازی در بندر امام و طرح پتروشیمی ایران - ژاپن در همان بندر هستند. کارکنان تأسیسات فوق، تعدادی در شهرستان آبادان و تعدادی در ماهشهر، در منازل شرکتی زندگی می کردند. طبیعی است که با وجود انبوه کارکنان، منازل شرکتی فوق نیاز کارکنان را برآورده ننموده و شرکت اجباراً منازلی به صورت استیجاری در مسیر بین آبادان و خرمشهر تهیه و در اختیار کارکنان گذارده

ص: 325

است. تعدادی از این منازل استیجاری، در اختیار پالایشگاه آبادان و تعدادی در اختیار پتروشیمی و تعدادی در اختیار طرح پتروشیمی ایران - ژاپن و همچنین شرکت شیمیایی رازی بوده است. با شروع جنگ تحمیلی، طبیعی بود که همه کارکنان فوق، امکان ماندن در محل را نداشتند. با تدابیری که از سوی دولت اتخاذ گردید، به صورت آوارگان جنگ تحمیلی در سایر شهرستان ها و دور از جبهه اسکان یافتند. موجرین منازل هم به همین صورت از محل دور شدند. ساکنان منازل اکثراً امکان تخلیه و انتقال اثاثیه خود را نداشتند. منازل فوق تقریباً دست نخورده و آسیب ندیده در اختیار شرکت های یاد شده باقیماند. به علت تطویل جنگ تحمیلی، وزارت نفت برای منازل استیجاری تدابیری در پرداخت حق الاجاره اتخاذ نمود که این تدابیر به اجرا درآمد و در مورد کلیه شرکت ها و پالایشگاه ها اعلام گردید. طرح پتروشیمی ایران - ژاپن در پرداخت مبالغ تعیین شده به استناد به مسائل شماره (2213 و 2214) رساله حضرت امام ایجاد اشکالاتی نموده و از پرداخت مبالغ تعیین شده، امتناع ورزیده است. (در صورتی که منازل آسیب ندیده اند و درب های آن ها قفل و کلیدهای آن ها در اختیار شرکت پتروشیمی ایران - ژاپن می باشد و اجاره فسخ نگردیده است). حال با توجه به این که تعداد موجرین حدود 200 الی 300 نفر بوده و مبالغ فوق که اکنون حداکثر برای هر منزل 10000 ریال می باشد؛ در گذران زندگی آنان سهم بسزایی دارد. آیا استناد به فتوای حضرت امام را در این مرحله صحیح می دانید؟ خواهشمند است در انطباق مسائل فوق با موضوع اجاره یا عدم انطباق آن، بر اساس اوامر امام مستضعفین هرگونه نظراتی که دارند، صادر فرمایید.

به امید پیروزی هرچه زودتر این امت شهیدپرور در پناه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

بسمه تعالی، در مواردی که در اثر جنگ تحمیلی، استفاده از ملك برای همگان غیر ممکن شده، اجاره از هنگام غیر قابل استفاده شدن ملك، منفسخ است و مالك حق مطالبه مال الاجاره ندارد.

حضور محترم مسئول دفتر امام امت، خمینی عزیز، مظهر وحدت جهان اسلام، سلام علیکم، با عرض معذرت؛ به علت وضع خاصی که در رابطه با جنگ تحمیلی از طرف صدام مزدور و ابرقدرت های از خدا بی خیر پیش آمده است، سؤالی شرعی برای مسئولان این شرکت به وجود آمده که استدعا داریم آن را به روشنی معلوم فرمایید.

این شرکت برای انجام کارهای خود ملکی را در خرمشهر در اجاره داشت. از روزی که جنگ شروع شد، این ملک از تصرف شرکت خارج گردید و عملاً با توجه به موقعیت منطقه، از آن تاریخ به بعد بلا استفاده ماند. صاحب ملک بعد از مدتی و اخیراً مراجعه نموده و طلب اجاره های خود می نماید. آیا طبق فتوای حضرت امام خمینی دام ظلّه العالی این اجازه داده شده است و می بایست مبلغ مورد ادعا را به صاحب ملک پرداخت نمود یا نه؟

در صورت مثبت بودن جواب فوق، سؤال این است که این شرکت دارای دستگاه هایی است که به ارگان ها و مؤسسات و سازمان های مختلف در اغلب نقاط مملکت اجاره می دهد و مستأجر تعهد می نماید که اجاره های فوق را هر ماهه پرداخت نماید، چه دستگاه کارکرد داشته باشد و چه نداشته باشد. حال با توجه به این که تعدادی از این دستگاه ها در مناطق جنگ تحمیلی مانند خرمشهر و... قرار دارد؛ آیا شرکت مجاز است و می تواند ادعایی دال بر طلب این اجاره ها بنماید؟

در پایان آرزوی پیروزی اسلام، ظهور حضرت مهدی منجی عالم بشریت و طول عمر و سلامتی کامل برای امام امت از درگاه بی نیاز خداوندی خواستاریم.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم که امکان استفاده از ملک به واسطه هجوم لشکر کفر از همه سلب شد، اجاره منفسخ است و مالک حق مطالبه اجرت نسبت به مدت باقیمانده ندارد.

قم، حوزه استفتای مسائل فقهی مرجع بزرگ و قائد اعظم، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

ضمن عرض سلام و سلامتی رهبر کبیر انقلاب و پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه نبرد حق علیه باطل، تقاضا دارد به سؤال مطرح شده در زیر جواب فرمایید:

شرکت بیمه البرز (ملی شده) که این جانب مسئول تدارکات آن می باشم، حدود دو سال است قسمتی از طبقه همکف ساختمان مرکزی متعلق به خود را به مساحت 80 متر مربع با آب و برق و تلفن و دیگر لوازم اداری، با کمترین بهای ممکن (5000 ریال به علت همکاری) به نهادی به نام صندوق امداد اجاره داده است. لکن پس از گذشت این مدت، نهاد فوق به نحو فعال و شایسته و تمام وقت، از مکان فوق استفاده ننموده و هر هفته یک بار به مدت 3 ساعت جلساتی 7 نفره تشکیل می دهد. حال با توجه به نیاز ضروری شرکت بیمه البرز به مکان فوق و عدم استفاده از طرف مستأجر، این مسأله از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ضمناً خاطر نشان می سازد که یک نفر خدمتگزار این شرکت، با حقوق حدود 30000 ریال در این مکان و در اختیار نهاد فوق الذکر بوده که نامبرده نیز از لحاظ فعالیت بلا تکلیف می باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، بعد از تمامیت مدت اجاره و مطالبه مالک، مستأجر باید مورد اجاره را تخلیه کند و نسبت به مدت اجاره، مال الاجاره را باید پردازد، هر چند استفاده نکرده باشد.

18. تاجر ورشکسته قبل از صدور حکم افلاس، دکانی را اجاره کرده و همه وجه مال الاجاره را پرداخته است. پس از صدور حکم افلاس، تاجر نمی تواند تجارت کند؛ چون مالی در دست ندارد. با فرض این که در عقد اجاره، قید مباشرت شرط شده، آیا اجاره باطل می شود؟ و اگر باطل نباشد، غرما حق فسخ دارند یا نه؟

بسمه تعالی، اجاره باطل نمی شود. و با فرض اشتراط مباشرت، غرما حقی ندارند.

لزوم مباشرت اجیر در انجام کار

بسمه تعالی

اشخاصی فقط فروشنده هستند و کارگران مطمئن و صحیح العمل را می شناسند. مردم برای ساختن یا تعمیر جنس و وسایل به فروشنندگان مراجعه می کنند تا نیاز آنان را برآورند. گیرندگان اجرتی را با مردم تعیین می کنند و با کارگر به کمتر از آن مقدار قرارداد می کنند تا بسازد یا تعمیر کند. آیا این معامله صحیح است و مقدار زاید را شخص واسطه که جنس را حفظ می کند و کارگر را می شناسد و مورد اطمینان صاحب جنس است؛ مالک می شود یا نه؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، جایز نیست به کمتر از آنچه پذیرفته، اجاره دهد. مگر آن که خودش مقداری از کار را انجام دهد که در این صورت اگر با او قید مباشرت نشده باشد، مانع ندارد به دیگری واگذار کند.

بسمه تعالی

افرادی هستند که برای نماز یا روزه اجیر می شوند و مقدار کمی از این کار (نماز یا

روزه را) انجام می دهند و بقیه را به فرد دیگری می دهند تا انجام دهد و برای این مقدار کم، مزد بیشتر بر می دارند، مثلاً يك ماه روزه را به مبلغ هزار تومان قبول می کنند و سه روز آن را می گیرند و 27 روز دیگر را به مبلغ هفتصد تومان به شخص دیگری می دهند و شخص دوم با رضایت کامل این 27 روز را به اجرت 700 تومان یا کمتر یا بیشتر انجام می دهد. آیا این کار از نظر شرع مقدس جایز است؟ و آیا فتوای امام که این کار را در تحریر الوسيله تجویز فرموده است، تغییر کرده؟

بسمه تعالی، اگر شرط نشده ولو از جهت انصراف عقد، که اجیر خودش عمل را انجام دهد، در فرض مذکور مانع ندارد.

اجیر شدن برای کاری و انجام کارهای دیگر در خلال آن

[سؤال 7436] 3833

بسمه تعالی 18 / 11 / 1361

دفتر محترم امام خمینی رهبر عزیز انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، سلام علیکم.

احتراماً به استحضار می رساند: این جانب معلم دوره راهنمایی منطقه 20 آموزش و پرورش برای آگاهی خود و سایر همکاران تقاضای پاسخ و فتوا در مورد مسأله مشروحه زیر را دارم.

کارمندی متعهد می گردد تا در دو شیفت و طبق ساعات در مدرسه انجام وظیفه نماید و فوق العاده شغل خود را بر حسب مقررات مالی آموزش و پرورش ماهیانه دریافت نماید. آیا چنین شخصی می تواند در خلال ساعات تعهدی خود در همان مدرسه و یا آموزشگاه دیگر به تدریس پرداخته و حق التدریس علاوه بر فوق العاده شغل مذکور دریافت دارد؟

بسمه تعالی، در ساعات مورد تعهد نمی تواند کار دیگری انجام دهد.

ص: 330

[سؤال 7437] 1678

5. کارمندانی که در ادارات و در نهادهای دولتی و انقلابی کار می کنند و در بین ساعات اداری در بعضی از مواقع، کار و مراجعاتی ندارند، اگر در آن مواقع، کار شخصی خود را انجام دهند، آیا اشکالی دارد؟

بسمه تعالی، تابع مقررات اداره و نهاد مذکور است.

[سؤال 7438] 3834

بسمه تعالی

محضر مبارك نايب الامام خميني دام ظلّه العالی، سلام عليكم

آیا برای يك مستخدم دولت در حین انجام وظیفه ساعت مقرری کار اداری به نحوی که به کار اداری اش لطمه ای وارد نیاید و کارهای محوله را انجام داده باشد، خواندن کتاب و یا روزنامه و جزوات دیگر جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر خلاف مقررات اداری نباشد اشکال ندارد.

[سؤال 7439] 1216

4. آیا قرآن خواندن و دعا خواندن در محل کار و وقت اداری، در صورتی که در کار روزمره وقفه ای ایجاد نشود، جایز است یا خیر؟ و اگر جایز نیست و این جانب هم قبلاً انجام داده باشم، تکلیفم چیست؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، اشکال ندارد.

[سؤال 7440] 5452

3. در هنگام نگرهبانی - در صورتی که آن پست نگرهبانی خطری هم ندارد، مثلاً در ساختمان قرار دارد - می توان حدیث یا آیاتی از قرآن کریم را حفظ کرد؟ و آیا از لحاظ

شرعی درست است؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

ص: 331

[سؤال 7441] 3835

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

شخصی به عنوان شورای اسلامی کارخانه ای انتخاب شده ولی ایشان بدون انجام وظیفه در شواری اسلامی همه روزه به جای حضور در کارخانه به تحصیل علوم دینی مشغول است و ماهیانه حدود 6 هزار تومان به عنوان حقوق و مزایا از کارخانه دریافت می دارد، مستدعی است از نظر شرعی، صحت و یا عدم صحت کار شخص یاد شده را بیان فرمایید. والسلام علیکم و علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، اگر کاری که برای آن استخدام شده را انجام نمی دهد نمی تواند حقوق بگیرد.

[سؤال 7442] 3836

بسمه تعالی 1361 / 8 / 9

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، استدعا دارد امر فرمایند پاسخ استفتا ذیل را ارسال دارند.

هرگاه کارمند دولت جمهوری اسلامی در غیر ساعات اداری به دامداری و حشم داری نیز پردازد و مرتع مورد تعلیف نیز مجاز و دارای پروانه بوده و از پدر به ارث رسیده باشد، آیا دو اشتغال مذکور در يك زمان، خلاف شرع است یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

حکم ارتکاب خلاف قانون در استخدام شدن

[سؤال 7443] 3837

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله ظلکم الشریف

ص: 332

پس از ادای احترام؛ همان گونه که مستحضر هستید در رژیم قبل، استخدام شدن در دو محل خلاف قانون بوده است؛ حال اگر کسی در رژیم سابق در دو محل استخدام بوده و کار خود را در هر دو محل انجام داده باشد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از یکی از آن ها استعفا کرده باشد، آیا با فرض مذکور لازم است حقوق یکی از آن ها را به دولت اسلامی باز گرداند یا لازم نیست؟ لطفاً جواب را مرقوم فرمایید.

اطال الله عمرکم الشریف، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، زاید بر اجرت المثل کار انجام شده در محل دوم را ضامن است، باید برگرداند.

تخلف اجیر از کاری که برای آن اجیر شده

[سؤال 7444] 3838

بسمه تعالی

دفتر استفتای حضرت امام

احتراماً؛ به عرض می رسد که چند نفر از کارکنان شرکت صنعتی پارس (مینو) که ملی شده، به طور تمام وقت در دفتر انجمن اسلامی مشغول بوده اند و همان حقوق خود را که قبل از ترك شغل های قبلی خود دریافت می داشتند، از شرکت، یعنی از بیت المال دریافت می کردند.

مدیریت فعلی شرکت به آقایان مذکور حکم اشتغال به کار داده است ولیکن آقایان به عناوین مختلف از قبول شغل سر باز می زنند. تقاضا داریم که طبق فتاوی حضرت امام روشن فرمایید:

1. پرداخت حقوق به آقایان در حالی که از قبول شغل سر باز می زنند، چه وضعی دارد؟

2. اگر آقایان از قبول شغل سر باز زنند، آیا شرکت موظف به ادامه استخدام است؟

ص: 333

3. تکلیف حقوقی که آقایان بدون انجام کار مفید جهت شرکت، در ایام قبل از حکم مدیریت فعلی دریافت کرده اند، چیست؟

بسمه تعالی، 1 و 2 و 3، چنانچه کارگر و یا کارمند از انجام شغلی که برای آن استخدام شده سر باز زند، استحقاق اجرت ندارد و اگر حقوقی بدون انجام کار گرفته، ضامن است.

[سؤال 7445] 3839

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظله

1. شخصی اجیر می شود برای میت قرآن بخواند بعضی چیزها را اشتباه می خواند یا برای میت خود می خواند این همین طور بخواند جایز است؟

بسمه تعالی، باید به نحو صحیح متعارف بخواند و از طرف میتی که برای او اجیر شده بخواند و الا کفایت نمی کند.

2. دو دختر جوان بالغ به همدیگر جماع کنند منی هر دو بریزد این ها جنب می شوند غسل جنابت واجب می شود یا نه؟

بسمه تعالی، واجب است.

3. با صابون غصب شده لباس را بشوید با آبی که غصب نیست آب بکشد آیا می شود با آن لباس نماز بخواند؟

بسمه تعالی، ضرری به صحت نماز ندارد.

4. اگر کسی به حیوان نر دخول کند که حلال گوشت باشد، آیا آن هم مثل حیوان ماده نجس می شود یا نه؟

بسمه تعالی، فرقی بین نر و ماده نیست لکن نجس نمی شود و حرام می شود و احکام مخصوص دارد.

5. شخصی از يك مجتهد تقلید می کند زنش از مجتهد دیگر تقلید می کند مرد می تواند زنش را مجبور کند از مجتهدی که شوهرش

تقلید می کند. از آن تقلید کند یا نه زن مخیر است؟

بسمه تعالی، حق اجبار ندارد.

ص: 334

6. زن به زن دیگر جماع کند شهوتشان بریزد حتی بخاری آن ها سرد شود غسل جنابت بر آن ها واجب می شود؟

بسمه تعالی، اگر یقین کند که منی از او خارج شده غسل جنابت بر او لازم است.

اجیر شدن برای حفظ بعض اشیا و حفاظت از آن

[سؤال 7446] 3840

بسمه تعالی 1359/7/7

کسی اتومبیل خود را به پارکینگ می سپارد، با توجه به این که پارکینگ مسئول است و حق پارکینگ دریافت می دارد و طبق مقررات نیز بایستی مجهز و دارای پروانه و بیمه باشد اتومبیل های پارک شده دچار حریق می شوند آیا برای مالک و مسئول پارکینگ - با توجه به این که بعد از حریق معلوم می شود که پارکینگ فاقد شرایط و مدارک بوده است - ضمانت دارد یا خیر؟ جواب مسأله را مشروحاً و به طور صریح اعلام فرمایید.

بسمه تعالی، ضامن نیست مگر آن که مسئول حفظ باشد و در محافظت تعدی و تفریط کرده باشد.

ثبوت اجرت المثل برای اجیر در صورت دستور آمر

[سؤال 7447] 3841

بسمه تعالی

کسی فقط يك دختر داشته که او را به شوهر داده سپس دامادش را از پیش پدرش به پیش خودش آورده با این قصد که من وارثی غیر از شما ندارم پس شما از حالا بیایید و مال مرا تصاحب کنید دامادش هم بدین جهت پدر خود را ترك کرده و به خانه پدر زنش رفته و زمام امور را به دست گرفته و حدود دو سال مشغول تولید و آبادی خرابی های سابق شده و بعد از این همه خدمات او دامادش را بدون این که

ص: 335

حق الزحمتی به او بدهد از خانه اش خارج کرده متمنی است بفرماید آیا او طبق قانون «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» دستمزد داماد را باید پردازد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر کارهایی که داماد برای پدر زن خود کرده به دستور او بوده و قصد تبرع هم نداشته مستحق اجرت المثل است و گرنه حق اجرت ندارد.

[سؤال 7448] 1915

2. کارگاه چند نفر اجیر می کند می روند گچ از کوه می آورند و اجرت خود را می گیرند؛ آیا گچی که رسانیده اند ملك آن ها است یا ملك کارگاه است؟

بسمه تعالی، اگر برای صاحب کارگاه استخراج کرده، گچ ملك صاحب کارگاه می شود و اجیر تنها اجرت کار خود را استحقاق دارد.

[سؤال 7449] 3842

بسمه تعالی 1361 / 9 / 11

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی و زعیم عالی قدر، جناب آقای حاج آقا روح الله خمینی، دامت عزته

پس از عرض سلام، مصدع است به این که: در صورتی که دو نفر شریک با قرارداد رسمی و سرمایه مساوی، به مدت يك سال از تاریخ 5 / 1349 لغایت 5 / 7 / 1350 و با توافق طرفین، یکی شاغل در مغازه باشد و روزانه مبلغ دویست ریال (بیست تومان) به عنوان حقوق برای او تعیین شود و برداشت هم بنماید. و پس از انقضای يك سال مدت قرارداد، یعنی از اول 5 / 7 / 1350 تا این تاریخ، شخص شاغل مبلغی بیشتر از دویست ریال روزانه تعیین شده قبلی - روی اعتماد به همدیگر که به توافق روزمره خواهند رسید - به طور علی الحساب برداشت نماید - با توجه به زیاد شدن اجرت کارگر و گران شدن دست مزد و کرایه - و طرف مقابل ادعا نماید که باید پس از انقضای قرارداد هم تا آخر، همان دویست ریال سال 1349 را برداشت نمایی، آیا

ص: 336

وضع حقوقی شخص شاغل با در نظر گرفتن يك ساله بودن قرارداد قبلی، چگونه خواهد بود؟

بسمه تعالی، پس از پایان مدت قرارداد اگر شاغل به دستور شريك به کار ادامه داده، اجرت المثل کار انجام شده را استحقاق دارد.

[سؤال 7450] 3541

2. مقداری باطری اتومبیل از بنیاد مسکن انصار المهدی علیه السلام مشهد به مسئولیت خود خریداری شد تا پس از فروش، اگر منفعی به دست آمد، برای صندوق قرض الحسنه انصار المهدی علیه السلام فرش، میز و وسایل ضروری خریداری شود و به علت نداشتن جا در محل صندوق، آن ها را به طور امانی در گوشه ای از مغازه مجاور صندوق قرار داده و صاحب مغازه، باطری ها را به فروش رسانده و پس از فروش، مبلغی سود عاید گردیده و مغازه دار مربوطه اعلام می دارد نصف سود برای فروش به من تعلق می گیرد؛ در صورتی که باطری ها مانع کسب وی نبوده و کم کم به فروش رفته و از پول، استفاده می نموده و از طرفی قراری با وی در این مورد نشده است و مدتی هم شده که از وی خواسته شده پول را به صندوق واریز نماید، تا کنون امتناع ورزیده؛ آیا حقی به ایشان تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به مغازه دار دستور فروش داده شد و شرط مجانی بودن کار وی نشده، می تواند اجرة المثل را مطالبه نماید.

[سؤال 7451] 3843

بسمه تعالی

حضرت العلامة القائد الملة الإسلامية المجاهد الأكبر الإمام الخميني، دام ظلّه العالی علی رؤوس اصل الإسلام جعلت فداك

1. قبل از 80 سال در بلاد نگرينك زمین غير آبادی را حاکم آن وقت که راجه سکندر خان بود به کمک رعیت خود آباد کرد و نام آن زمین را سکندرآباد گذاشتند و

ص: 337

مردم هایی که در نهر آن زمین کار کرده اند اجرتی به این ها نداده است اما بعضی از جهت بودن کار خیر خوش و راضی بودند و بعضی ناخوش گوار بودند آیا راجه سکندر خان بر اصل آن زمین مالک هست یا خیر؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، در صورتی که کارکنان برای راجه مذکور کار کرده باشند زمین آباد شده ملک راجه می باشد و او ضامن اجرت است برای کارگران.

[سؤال 7452]

2. زمین مذکور را راجه سکندر خان از جاهایی دیگر مردم را آورده در این زمین، آباد کرد به شرط های ذیل: سالانه 20 کیلو گندم و 1 يك کیلو روغن گاو، فیکس به من بدهید اگر من نمانم به اولاد من بدهید آن ها می دادند چند سال شده که نمی دهند آیا از جهت ندادن به مردم، اولاد سکندر بر اصل زمین حق دار می شوند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت مالکیت راجه، بعد از فوت او به فرزندان او می رسد و باید کسانی که در زمین تصرف می کنند حق مالک را باید بپردازند.

3. زمین مذکور، حصه ای که راجه سکندر خان برای خود برداشته بود زیاد بود، لهذا آب هم بمناسبت زمین تقسیم شده است دو شبانه روز برای حاکم مذکور و پنج شبانه روز برای باقی مردم، حالا مردم می خواهند که این جور نباشد یعنی آب بالسویه تقسیم شود یا اولاد سکندر زیاده از ما برای مرمت نهر زحمت بکشند و این خلاف رواج وطن ما است رواج ما این است که زمین زیاد باشد یا کم، برابر کار نهر را می کنند آیا قول مردم حق است یا خیر؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، باید هر يك از مالکین در تعمیر و مرمت نهر به مقدار سهم خود زحمت و مخارج را تقبل نمایند.

[سؤال 7453] 2622

2. شخصی که تراکتور داشته، به اجاره داده که زمین را شخم نمایند؛ مبلغی به عنوان اجرت شخم زنی دریافت نموده؛ بعداً معلوم شده که زمین مورد شخم، غصبی بوده و در زمین غصب شخم می زده. اکنون تکلیف اجرتی که دریافت نموده، به

ص: 338

فرضی که عالم به غضبیت بود و به فرضی که جاهل بوده چه چیز است؟

بسمه تعالی، اجرت را مالک است.

[سؤال 7454] 816

4. تعمیرکار چیزی را تعمیر کرده؛ آیا هرچه گفت، باید به او داد یا نه؟ در صورت مشخص نبودن اجرت المثل چه باید کرد؟

بسمه تعالی، باید اجرت المثل بدهد، و اگر مشخص نیست، مصالحه نمایند.

[سؤال 7455] 3844

بسمه تعالی 1361 / 8 / 28

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، دامت برکاته، پس از تقدیم سلام و آرزوی موفقیت و طول عمر آن جناب.

1. کارهای غیر مستقلی را که اولاد در خانه و برای امرار معاش (چه در زمان بلوغ و غیر بلوغ) انجام می دهد، حق ادعای اجرت از پدر دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به دستور پدر نیست یا به قصد مَجَّان انجام می دهند، استحقاق اجرت ندارند.

2. خرج اولاد تا چه وقت بر پدر واجب است؟

بسمه تعالی، تا وقتی نتواند خود را اداره کند.

3. سؤالاتی که از حضرت عالی در رابطه با امور جاری در زمان رژیم پهلوی خائن شده، آیا بودن آن ها برای مردم عوام مورد اشکال نیست، و مورد سوء استفاده مغرضین واقع نمی شود؟

بسمه تعالی، تفصیل سؤال روشن نیست.

4. طلابی که به جبهه جنگ برای تبلیغ می روند با قصد ده روز می توانند در يك جا نماز خود را تمام بخوانند؟

بسمه تعالی، اگر می دانند ده روز در يك جا می مانند قصد محقق است و باید نماز را تمام بخوانند.

ص: 339

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

بعد از عرض سلام مع الاحترام و دست بوسی؛ چه می فرمایید در مسأله ذیل:

زید از بکر جنسی خریده به واسطه شخص ثالث؛ یعنی این شخص ثالث برای زید، معرفی این جنس نموده و بین خریدار و فروشنده زحمتی کشیده. اما زید به بکر گفته که شما نباید واسطه را از این معامله چیزی بدهید. بعد از این قرار، زید آن جنس را بعد از چك و چانه زدن، به قیمتی که خودش گذاشته بود می خرد. حالا بعد از این که معامله تمام شد، بکر (فروشنده) احساس کرده چون که در این معامله حق واسطه ضایع شده است و از انصاف دور است که او را حق زحمت ندهند، لذا می خواهد که از منافع شخصی خود (که ربطی به آن معامله ندارد) او را چیزی بدهد؛ آیا این عمل جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر واسطه به دستور آن ها کاری انجام داده مستحق اجرت است و شرط نافذ نیست.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، پس از ادای عرض سلام، محترماً؛ مسأله شرعی به عرض حضرت عالی می رسانیم لطفاً جوابش را بنویسید.

مالکی زمینی را به دست شش نفر داده که جو و گندم بکارید. بعد مالک به این شش نفر می گوید: شما این زمین را به صورت باغ در آورید و درخت کاری کنید؛ چون جو و گندم منفعت زیاد نمی برد. لذا مالک زمین را می کند و این شش نفر زمین را هموار می کنند و درخت می زنند. قرار بود مالک به این 6 نفر مزد کارگری دهد، ولی

مزد نداد. این 6 نفر مدت 20 سال باغ و درخت کاری را حفاظت و نگهداری کردند تا درخت ها همه بزرگ شد و میوه داد و در مدت 20 سال مزد نگرفتند، چون کشاورز بودند. مالک زمین بعد از 20 سال زمین را که باغ درست کردند از دست این 6 نفر گرفت و داد به يك نفر از نوکرهای خودش. حالا بعد از چند سال که تقریباً 8 سال باشد، در دست يك نفر نوکر مالک است و آن 6 نفر ادعای باغ و ریشه درخت را می کنند که مجموعاً 1000 درخت و يك هکتار زمین است. لطفاً جوابش را بنویسید که به این 6 نفر حق ریشه درخت می رسد یا خیر؟

بسمه تعالی، درخت ها اگر برای مالک و از نهال او کاشته شد، ملك مالک است و دیگران که به امر مالک کار کردند اگر به قصد گرفتن مزد کار کردند حق مطالبه اجرت المثل دارند.

حکم کارهای زن در منزل شوهر

[سؤال 7458] 3847

بسمه تعالی 1361 / 9 / 5

محضر مقدس آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی

مسأله از این قرار می باشد این جانب پسری داشتم قالی باف بعداً عیال اختیار نمود تا مدت ده سال با هم قالی بافتند و خرج می کردند و بعد از ده سال پسر از دنیا رفت و حالا عیال او به من می گوید اجرت کارکردم را از تو می خواهم و من به او گفتم مزد کارکرد شما به من مربوط نیست شما رضایت داشتید و برای او کار کردی و اگر حقی به او داشتی باید از او گرفته باشید و هیچ حقی بر من ندارید و هرچه مخلفات یا فرش یا پول یا اجناس دیگری در خانه او موجود می باشد متعلق به من می باشد شما که عیال او هستید حقتان چهار يك بیشتر از من که پدر او هستم نیست، آیا این معامله به این صورت است شما جواب را در این ورقه مرقوم بفرمایید؟ و حالا من به عیال پسر

ص: 341

می گویم که شما قراردادی با شوهرت نکرده بودید که مزد کارکرد خودت را از او بگیری و شما رضایت داشتید که برای او کار کردید و حقی بر من ندارید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، زن اگر به دستور شوهر و به قصد اجرت کار کرده حق مطالبه اجرت خود را دارد و در غیر این صورت بیش از سهم الارث حق ندارد.

[سؤال 7459] 3848

بسمه تعالی 1361 / 7 / 22

محضر مبارک رهبر عظیم الشان، آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

محترماً در مواردی زن و شوهری بعد از بیست الی سی سال زندگی، در سن پیری بدون جهت یا به خاطر اختلاف جزئی یا به علل دیگر، زوج تقاضای طلاق می کند و زوجه هم حاضر به طلاق نیست. در صورت اجازة طلاق از طرف دادگاه، خانم ادعای حق و حقوقی غیر از مهریه می کند و می گوید: من در این خانه کار کرده ام، زحمت کشیده، غذا پخته، لباس شسته، بچه ها را نگهداری کرده ام... اگر می رفتم کلفتی می کردم، الآن يك سرمایه ای داشتم و حالا شوهر می خواهد با دست خالی مرا بیرون کند و چون معمولاً در این موارد، مهریه هم خیلی کم است - از سیصد الی سه هزار تومان - و زوج هم به هیچ وجه حاضر نیست از بابت حقوق احتمالی چیزی به زوجه بدهد.

با توجه به این که زوجه کارهای خانه را انجام می داده و اگر يك روزی غذا درست نمی کرد و یا لباس نمی شست، زوج عصبانی و ناراحت می شد و به زوجه اعتراض می کرد که چرا غذا درست نکردی، یا به او دستور می داد که برو فلان کار را بکن - همان طوری که در عرف خانواده ها معمول است - آیا دادگاه می تواند علاوه بر مهریه، حکم بدهد که بدون رضایت زوج، به خاطر حقوق احتمالی، مبلغی به خانم بدهد و طلاق بدهد و بدون آن، حق طلاق ندارد یا دادگاه همچنین حقی ندارد؟ چون

ص: 342

این مسأله زیاد در دادگاه مدنی خاص پیش می آید و ما از نظر شرعی جرأت نمی کنیم بیشتر از مهریه و احتمالاً نفقه معوقه، قائل شویم و حال این که احساس می کنیم شوهر يك عمل ناجوانمردانه ای انجام می دهد و از طرفی هم طلاق حقیقت هست و نمی شود منع کرد و زوجه در این زندگی ضرر کرده است. لطفاً در این قسمت، فتوای حضرت عالی را بیان فرمایید و اگر شقوقی با احکام مختلف به نظر مبارك می رسد ما را راهنمایی نمایند.

از خداوند متعال سعادت و سلامت آن رهبر عزیز را مسئلت دارم

بسمه تعالی، کارهای انجام شده اگر به درخواست شوهر بوده و زن به قصد مجانی انجام نداده، می تواند مطالبه اجرت المثل نماید.

[سؤال 7460] 1157

4. زوج عیال خود را، با این که چندین سال با هم زندگی کرده اند، بدون عذر شرعی و قانونی طلاق می دهد. همسر در طول این چند سال، کارهای داخلی خانه را انجام داده است. آیا شوهر مکلف است در مقابل این کار و کوشش مزدی به زوجه بپردازد یا خیر؟

بسمه تعالی، کار زن در منزل شوهر، اگر به قصد تبرع یا بدون امر شوهر انجام گرفته استحقاق اجرت ندارد.

[سؤال 7461] 6172

3. موقع طلاق، زن از شوهر خود مطالبه زحمت هایی را می کند که در خانه شوهرش کشیده؛ از قبیل پختن غذای شوهر، شستن لباس شوهر و نگهداری اطفال مشترك. به این عنوان که اگر می دانستم شوهرم طلاق می دهد، من از اول بدون مزد کار نمی کردم. آیا موقع طلاق، زن این حق را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، زن اگر زحماتی که در خانه مرد متحمل شده، بدون مطالبه مرد یا به قصد تبرع انجام داده حق مطالبه چیزی در مقابل آن ندارد.

ص: 343

قم، دفتر امام، قسمت مسائل شرعی، محترماً تقاضامند است جواب سؤال زیر را طبق فتاوی حضرت امام خمینی ذیلاً لطف فرمایید.

طبق معمول متعارف بازرگانان مال التجاره خود را به بنگاه های باربری تحویل داده که باربری آن را با سایر محمولات طبق ظرفیت در کامیون بارگیری نموده و به مقصد حمل نماید.

چنانچه گاراژ باربری کامیونی را در گاراژ از محمولات بارگیری نموده و پس از چادر و طناب کشی و سایر وسایل حفاظت آن ها طبق صورت حساب گاراژ راننده با کامیون مزبور که از حیث فنی مطمئن و همه روزه در سرویس بوده است از گاراژ مبدأ به مقصد شهرستان حرکت و متوالیاً در راه و حرکت بوده حدود يك صد کیلومتر که از شهر خارج شده و در جاده اصلی در حرکت بوده راننده متوجه می شود که محمولات در عقب ماشین مشتعل شده و می سوزد که فوراً پیاده و با وسایل خود و کمک رانندگانی که از راه رسیده آتش را خاموش نموده ولی اکثر محمولات کامیون و اتاق عقب آن سوخته و قسمتی از محمولات نیز نیمه سوز شده است که ما با اطلاع به نزدیک ترین پاسگاه ژاندارمری و معاینه ماشین و محمولات توسط آن ها مراتب را ضمن تنظیم صورت جلسه قانونی گواهی نموده و تصریح نموده که آتش گرفتن کامیون به علت نامعلومی بوده است و محمولات نیمه سوز نیز به صاحبانش تحویل شده است؛ (حال سؤال این است که) با توجه به این که گاراژ باربری مبدأ، نهایت دقت و مراقبت های لازم را نسبت به سالم بودن کامیون و بار زدن آن و این که محمولات از مواد آتش زا نبوده است و وظایف معموله را کاملاً و با دقت انجام داده و این پیشامد

پس از طی 100 کیلومتر در جاده اصلی راه در بیابان بوده است محمولاتی که در بیابان به این صورت سوخته است آیا ضمانتی برای گاراژ باربری در مقابل بازرگانان صاحب بار هست یا خیر؟ جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر کوتاهی در حفظ بار نشده و بدون تعدی و تفریط مسئول گاراژ یا راننده تلف شده کسی ضامن نیست.

[سؤال 7463] 2065

3. در مدتی که در آن مغازه کار کرده ام به یک مشتری ضرر زده ام (روکش ماشین او را سوراخ کرده ام) و بعد، آن شخص به صاحب مغازه مراجعه کرده و گفت که ضرر او مبلغ شش صد تومان بوده است، ولی بعد از صحبت هایی که با هم کردند، صاحب مغازه از پول خود صد تومان به آن شخص داد و او رفت؛ آیا من نسبت به آن فرد مدیون هستم؟ اگر هستم چه باید بکنم؟

بسمه تعالی، اگر صاحب ماشین گذشت کرده، چیزی بر شما نیست.

[سؤال 7464] 3850

بسمه تعالی 4 / 10 / 1361

دفتر حضرت امام خمینی

1. این جانب کشاورز و دامدار هستم چون این منطقه باغات است در و باغ آن به وسیله حصار گل محافظت می شود و خود این جانب به کارها رسیدگی می نمودم.

چون پادرد داشتم شخصی را فرستادم که یک باغ را در مقابل دادن مزد آبیاری نماید. و به او گفته بودم که در روز برو. اما در موقع هرز آب شبانه رفته و باغ را آبیاری نموده و چون احساس مسئولیت نکرده، مقداری از دیوار باغ را به وسیله آب بیش از حد خراب کرده و خسارتی وارد ساخته است آیا این شخص در مقابل گرفتن مزد مسئول بوده یا خیر، چون مزد را بعد از آبیاری قرار بوده بگیرد؟

بسمه تعالی، اگر تعدی کرده و خسارت وارد نموده ضامن است.

ص: 345

2. این جا روستایی است که در دهه محرم الحرام خرج برای حضرت ابا عبدالله الحسین در روزها یا شب ها می دهند. به طور عموم يك نفر سر گروه شده و پول خرجی را از يك عده راضی یا ناراضی می گیرد و مسئولیت به عهده خودش هست که یا کمتر خرج نماید یا بیشتر. چنانچه يك نفر یا دو نفر یا چند نفر جمع شوند و این پول را به رضایت طرفین جمع کنند و خرج بدهند؛ آیا از بابت سهم امام یا خمس حساب می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، محسوب نمی شود.

[سؤال 7465] 3851

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

اسب را کرایه می کند برای چند روز سفر کردن هر وقت از سفر برگشت اسب سالم است می برد در خانه صاحبش می بندد در آن جا عرق اسب را باد می گیرد و می میرد آیا صاحب اسب جایز است تاوان بگیرد؟

بسمه تعالی، اگر مردن اسب از جهت تعدی کرایه کننده نباشد ضامن نیست.

[سؤال 7466] 3852

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

يك نفر کسی را کرایه می کند به يك مبلغ، مال به دست این می دهد که به فلان جا برسان این نفر آمد در راه به دست دزد افتاد اگر حفظ مال کند جان در خطر است اگر حفظ جان کند مال در خطر است ولی این حفظ جان کرد مال را از دست داد و صاحب مال حق دارد تاوان مال خود را بگیرد؟

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، ضامن نیست.

ص: 346

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

یک آدم یک دیگر را اجیر می کند و روانه می کند برای یک کاری از قریه خودش یا کابل یا قندهار یا جایی نزدیک تر باشد یا با ماشین یا پیاده، این نفر در راه تلف می شود آن را یا گرگ می خورد یا یخ می کشد یا دزد می کشد یا ماشین می کشد، وارث این نفر تلف شده می تواند از کسی که آن را کرایه کرده مطالبه دیه کند؟

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، ضامن نیست.

[سؤال 7468] 4946

2. شخصی مبلغی به زید می دهد که آن را به منزل او برساند. زید در راه کشته می شود و مبلغی پول هم در جیب او یافت می شود؛ ولی معلوم نیست که عین پول آن شخص باشد و محتمل است که پول آن شخص کلاً یا بعضاً تلف شده باشد آیا ورثه مقتول ضامنند که به صاحب پول بدهند یا خیر؟

بسمه تعالی، ورثه ضامن نیستند و چنانچه جداً تلف محتمل است، لازم نیست به او بدهند.

[سؤال 7469] 465

2. فردی که مستأجر است و صاحب ماشین لباسشویی، آیا می تواند لباس های دوست یا فامیل را بشوید؟ از نظر این که مستأجر است چه مانعی ایجاد می کند؟

بسمه تعالی، اگر خارج از حد متعارف است، برای آب ریزی باید از صاحب منزل استجازه کند.

ص: 347

[سؤال 7470] 3854

بسمه تعالی 1358 / 12 / 22

دفتر امام، با کمال احترام، معروض می دارد این جانب که به خاطر انزجار از خدمت در شهربانی، حاضر به کشاورزی بوده و از استخدام کشوری به مدت 14 سال استعفا داده و پس از شش سال جان کندن در باغ خانلوق در زنجان به سبزی کاری مشغول بوده و اینک بنیاد مستضعفین با در دست داشتن اجاره باغچه و اقرار به صاحب ریشه بودن این جانب، مبادرت به خلع ید این جانب و انتقال به اشخاص دیگر نموده و بدون ارزیابی ریشه های این جانب به وسیله متخصصین فن، متصرفین در این فصل سرما در زنجان مبادرت به از بین بردن ریشه این جانب نموده است. مراتب فوق از نظر شرع مقدس اسلام چیست؟ و آیا من حقی در ریشه ها و باغ دارم یا خیر؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، صاحب ریشه بر ریشه ها حق دارد و بعد از تمامیت مدت اجاره، حقی در زمین مالک ندارد.

[سؤال 7471] 5156

6. اگر کسی مثلاً ده جریب زمین دارد و خودش یا قدرت زراعت کردن ندارد یا نمی خواهد مباشرت کند، آیا می تواند کسی را اجیر کند برای زراعت یا به کسی اجاره دهد و مال الاجاره دریافت نماید یا باید به او گفته شود حتماً باید اجرت المثل را دریافت کنی؟

بسمه تعالی، موقوف به رضایت مالک است.

ص: 348

بسمه تعالی

از محضر علمای امامیه و فقهای اثنی عشریه استعلام و استفتا می شود: شخصی فوت شده که در يك سال قبل از فوتش، محصول باغ مالکی او، توسط یکی از فرزندان به فروش رسیده تا سال فوت و يك سال بعد فوت، سایر اولاد او بی خبر از وقوع معامله یا قرارداد اجاره ای بین متوفات و فرزند مذکورش که باغ در دست او بوده و هنوز هم هست. اخیراً نام برده نوشته ای به عنوان اجاره باغ مذکور بین خود و متوفات که مادرش می باشد ابراز نموده که با توجه به میزان مبلغ مال الاجاره و مدت آن بر سایر ورثه معلوم می شود که چنین نوشته و قراردادی حقیقت ندارد، زیرا سایر ورثه اطلاعی از چنین قراردادی نداشته و برگه عادی مذکور فاقد گواهی سایر اولاد و فامیل و حتی معتمدین می باشد. با توجه به این که در نوشته ای که فرزند نامبرده ارائه می دهد با آن که در آن نوشته به اصطلاح تصریح شده: نسخین است و حکم واحد دارد خدشه های زیادی از این قبیل دیده می شود که در يك نسخه فقط يك گواه آن هم نویسنده نوشته، ولی در يك نسخه دیگر دارای به اصطلاح چندین شهود غیر شناس و غیر معتمد آن هم با تفاوت چند ماه فاصله زمانی در تاریخ نوشته و تاریخ شهود می باشد. سایر ورثه تصدی نام برده را قبل از فوت و بعد از آن تصدی امانی گمان می برده اند، زیرا که میزان الاجاره سالانه باغ به هیچ وجه با واقع مناسب و تطبیق تقریبی هم ندارد، مثلاً" در نوشته مذکور میزان مال الاجاره سالانه فقط هفتاد و دو هزار ریال 72/000 ذکر شده، در صورتی که فروش محصول سالانه باغ به استثنای مخارج متعلقه و متصوره که بر خریدار وارد می شود سه میلیون ریال 3/000/000 است که به دست فروشنده می رسد، آن هم به مدت ده سال. آیا با این صورت سایر

ص: 349

ورثه حق اعتراض و تعقیب موضوع را دارند؟ متمنی است جواب در صدر صفحه مرقوم فرمایند.

بسمه تعالی، تا مدعی اجاره، بطریق شرعی اجاره را ثابت نکند، ورثه حق اعتراض دارند.

استخدام در مراکز دولتی و حقوق و مزایای دریافتی

[سؤال 7473] 3856

بسمه تعالی

شخص آموزگاری پیمان بسته که در مقابل خدمت موظف 24 ساعت در هفته اجرتی به نام حقوق دریافت نماید. حال اگر بعضی از آن ساعت را در غیر کار اداری مصرف نماید و کارهای شخصی را انجام دهد، مثل - خرید و فروش - عیادت بیمار، رساندن بیمار به مریض خانه که بعضی موقع در همان ساعت دانش آموزان بدون معلم بوده اند یا معلم دیگری به جایش بوده، به هر جهت آن ساعت را آیا حق استفاده از حقوق دارند اگر بگیرند جایز است یا خیر؟

و اگر چنانچه خودشان شخصاً مریض شوند و آن ساعتی که می بایست کار موظف انجام دهند که در مقابلش حقوق بگیرند گرفتن آن مقدار پولی که بابتش هیچ گونه کاری انجام نداده است جایز و قابل تصرف است یا خیر؟

بسمه تعالی، تابع مقررات استخدامی است و اگر بر خلاف نموده استحقاق اجرت ندارد.

[سؤال 7474] 3857

بسمه تعالی

اگر برای متصدی امری در دستگاه حکومت اسلامی محرز شود که شخص دیگری بر طبق ضوابط اسلامی نسبت به او برای تصدی امر مذکور، افضل است

ص: 350

تکلیف شخص متصدی چیست؟

بسمه تعالی، اگر از عهده کاری که تصدی کرده بر می آید تکلیفی ندارد.

[سؤال 7475] 3858

بسمه تعالی 1358/9/19

دفتر حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، دامت برکاته

به عرض می رساند: یکی از ادارات دولتی محل به کارکنان خود وجوهی بابت اضافه کار ساعتی پرداخته است و چون در حقیقت بعد از ظهرها کار اضافی انجام نگرفته است، یکی از کارمندان اداره مزبور، دریافت آن را به نظر خودش مشروع ندانست. در این زمینه با یکی از روحانیون محل مشورت به عمل آمد و در نتیجه مقرر شد که به جهاتی این پول دریافت شده و مجدداً به خزانه دولت برگشت شود. پس از دریافت معلوم شد که دولت برای واریز کردن وجوهی که عنوانی نداشته و سند دارایی برای آن صادر نشود، حساسی ندارد. البته این هم یکی از نواقص کار دولت است که لازم است اصلاح شود. علی ای حال این مشکل باعث شده که در ماه های اخیر از دریافت اضافه کار ساعتی خودداری شود. علی هذا استدعا دارد بفرمایند:

اولاً: دریافت وجوه مزبور از جهات شرعی چه صورتی دارد؟

ثانیاً: واریز کردن وجوه دریافتی به حساب های 100 و 200 امام چه صورتی دارد؟

ثالثاً: پرداخت آن به فقرا و مستضعفین و یا جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفین چه صورتی خواهد داشت؟

در خاتمه ضمن انتظار جواب مبسوط و گویا، پیروزی کامل حکومت اسلامی و سلامتی دائمی رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی را از خداوند متعال مسئلت می دارد.

بسمه تعالی، اگر در مقابل کاری داده می شود که انجام نمی گیرد، جایز نیست بگیرند. و اگر گرفته اند، باید به دولت برگردانند.

ص: 351

بسمه تعالی 1361 / 11 / 21

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، مرجع على قدر جهان تشيع و رهبر عظيم الشأن انقلاب اسلامى ايران، دام توفيقه اين جانب در يك مؤسسه وابسته و تحت نظارت دولت (وزارت صنايع سنگين) اشتغال دارم. طبق اطلاع، اين مؤسسه موجودى نقدى خود را از براى آن كه راكد نمايد از دو سال قبل به عنوان سپرده در بانك گذاشته و بهره بانكى دريافت مى دارد. اخيراً به مسئولين آن مؤسسه مسأله شرعى آن را اطلاع داده ام.

اينك اين جانب و ساير افرادى كه در اين مؤسسه كار مى كنيم و مزد و حقوق دريافت مى داريم و اطلاع از مخلوط شدن بهره - كه ربا و حرام است - با اموال مؤسسه داريم، تكليف شرعى ما چيست؟ و چگونه مى توانيم خود را از اين وضع خلاص سازيم؟ و تكليف ما نسبت به دست مزدهاى حال و گذشته چيست؟ والسلام

بسمه تعالى، در حقوقى كه به شما داده مى شود اگر يقين به بودن ربا در آن نداريد حلال است و هر كس نسبت [به] حقوقى كه به او داده مى شود همين حكم را دارد.

بسمه تعالی 1358 / 10 / 15

پيشگاه مبارك رهبر على قدر امام خمينى ناجى مستضعفين دنيا

پس از اداى مراسم بندگى اميدوارم مدام لطف خداوندى شامل حالت باشد تا ايران عزيز تحت رهبرى هاى حضرت على سر و سامانى يابد. آمين يا رب العالمين.

بارى عرض مى شود اين جانب معلم علوم دينى مدارس راهنمايى هنر دليجان در سال جارى لطف پروردگار شامل حالم شد و به زيارت بيت الله نائل شدم و مدت 35 روز به طول انجاميد. حقوق اين مدت را مانند محمدرضاى خائن قطع كردند در

صورتی که در آن زمان منظور ترك یکی از فرایض دینی یعنی حج بود و امسال نه تنها عده زائرین بیشتر از گذشته بودند که برای آن ها تسهیلات زیادی فراهم شده بود با توجه به این که بنده مجبور به انجام این وظیفه بوده ام تقاضا دارم دستور فرمایید حقوق معوقه را به بنده بدهند و قول می دهم که به جای مدتی که به حج رفته ام در اداره آموزش و پرورش برایشان خدمت کنم به رساله جناب عالی مراجعه کردم ولی در این باره چیزی مرقوم نفرموده بودید لذا خواستارم در این باره آگاهم فرمایید که آیا شرعاً حق دارم که حقوقم را مطالبه کنم یا خیر؟ بیش از این مزاحم نمی شوم توفیق جناب عالی و همه مسلمین را از حق تعالی آرزو مندم.

بسمه تعالی، استحقاق شما نسبت به حقوق تابع مقررات استخدامی شما در اداره مربوطه است.

[سؤال 7478] 3861

بسمه تعالی 4 / 12 / 1361

محضر معظّم و گرامی رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، حفظه الله تعالی

پس از عرض سلام، موفقیت و پیروزی شما را از درگاه خداوند متعال خواهانم. امید است که ان شاء الله جمهوری اسلامی به رهبری های آن حضرت، در کل گیتی برپا شود و وجود آن حضرت از تمام بلیات مصون بماند.

این جانب در حوزه علمیه امام صادق علیه السلام مشغول به تحصیل علوم ائمه معصومین علیهم السلام می باشم و اداره ای چند سؤال از حقیر نموده اند و بنده هم سؤالات را به حضور آن حضرت عرضه می دارم.

1. راننده ای در اداره ای مشغول به کار می باشد و برای شغل رانندگی استخدام شده و حقوق دریافت می دارد. اما رئیس اداره ایشان را به کارهایی غیر از رانندگی امر می کند، مثلاً این راننده وقتی که نقشه برداران را به سر کار می رساند، رئیس اداره

ص: 353

می گویند که باید به آن ها هم کمک بکند و قسمتی از کارهای کارمندان را انجام دهد. آیا این راننده برای انجام کاری غیر از شغل اصلی که در مقابلش پول هم دریافت نمی کند، مجبور می باشد یا نه؟

بسمه تعالی، چنانچه فقط برای رانندگی استخدام شده، اجبار او به کار دیگر، بدون رضایت او جایز نیست.

[سؤال 7479]

2. راننده ای بنا به دستور رئیس اداره، برای انجام کاری ده روز به منطقه ای سفر می کند، اما این راننده برای این که خیلی در آن منطقه ایجاد مزاحمت نکند، این کار ده روزه را فشرده انجام می دهد و بدون این که از کار کم شود، آن را به مدت شش روز به پایان می رساند. در ضمن اداره هم کار را می خواهد، نه مدت را. آیا حقوقی که باید بگیرد همان ده روز است یا شش روز؟ ضمناً حقوق ماهیانه و حقوق مأموریت علی حده می باشد.

بسمه تعالی، چنانچه کارمزد باشد نه روزمزد، تمام مزد کار را استحقاق دارد.

[سؤال 7480] 3862

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

بنده پاسدار، متولد قم، کارمند صنایع نظامی می باشم. از تاریخی که امام دستور فرمودند افرادی که درپادگان ها و سازمان های دولتی هستند کارهایشان را تعطیل کنند و به ملت بپیوندند، بنده نیز کارم را رها کرده و پس از پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی و ورود امام به قم، به انجام وظیفه پاسداری در مدرسه فیضیه مشغول گردیدم؛ البته این امر با درخواست کمیته قم از صنایع نظامی و موافقت اداره مزبور بود. پس از

ص: 354

آن با اطلاعاتی که از اموال طاغوتیان و سرسپردگان رژیم به من رسید؛ با مأموریت از کمیته قم و موافقت سرپرست کمیته، مأمور دادستانی تهران شدم. سپس با نظر دادستانی، مأمور خدمت در بنیاد مستضعفان شدم. بنیاد نیز با توجه به این که تا زمان نامشخصی به این جانب نیاز داشت؛ در پیش برد اهداف و احکام دادستانی مبنی بر حکم مصادره اموال و در نتیجه شناسایی اموال روزها را تمام وقت از کمیته قم درخواست نمود. کمیته قم نیز موافقت و به اداره نامبرده نوشت که تا اطلاع ثانوی عضو بنیاد مستضعفان باشم و اداره موافقت نمود. هم اکنون بنده رابط بین بنیاد و دادستانی می باشم. از طرفی دیگر، اداره صنایع نظامی گفته است که سرخدمت بروم؛ چون بنده قسم خورده ام که در این نهضت کمکی کنم و هم اکنون انجام وظیفه می نمایم و فعالیتیم خیلی بیشتر از کار کردن در اداره می باشد. موضوع اصلی این است که من در این ایام جوانی می خواهم از قدرتم در این راه تا حد نهایی استفاده کنم و نهایت سعی و کوشش را در پاسداری و خدمت به جمهوری اسلامی بنمایم تا موقعی که بنیاد نیازمند این جانب باشد. از نظر شرعی شما چه دستوری می فرمایید؟

بسمه تعالی، با فرض این که کارمند صنایع نظامی هستید، باید بر طبق مقررات آن عمل کنید.

[سؤال 7481] 3863

بسمه تعالی

شخصی از کارمندان و اعضای بعضی ادارات بوده طبق گفته خودش موقع امر مبارك به تخلیه بعضی ادارات ایشان امثالاً اداره را ترك گفته و بعد از دو سه ماه که مراجعت کرده حقوق آن دو سه ماه که نبوده به او داده اند ایشان به گمان این که چون در مدت مذکوره در اداره نبوده و کار نکرده مستحق حقوق نیست آن مبلغ را آورده در بیت الشرف حضور حضرت، تا حقیر آن را نگهداری کرده ام اگر باید به خودش برگردانم بفرمایید و اگر باید به مصرف دیگری برسد معین فرمایید.

بسمه تعالی، مجازید به خودش رد کنید.

ص: 355

4. بعضی از کارکنان به علتی نادر، مانند گرفتاری یا پیش آمد، در ماه يك یا دو روز را به سر کار نمی آیند؛ آیا مسئول کار شرعاً می تواند و اجازه دارد مزد روزی را که آن کارگر یا کارمند نیامده، بدهد؟

بسمه تعالی، تابع مقررات استخدامی است.

5. بعضی از روزها در بعضی از کارگاه ها و ادارات کاری نیست که کارکنان انجام دهند؛ آیا کارکنان آن جا می توانند به نام نبودن کار در کارگاه حاضر نشوند یا پس از یکی دو ساعت حضور در کارخانه به منزل برگردند؟ اصولاً به هر عنوان، قبل از تمام شدن کار کسی شرعاً اجازه دارد از محل کار خارج شود یا خیر؟

بسمه تعالی، حکم مسأله قبل را دارد.

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

محترماً معروض می دارم که این جانب مدت ها است از موضوعی که به شرح آن خواهم پرداخت، سخت رنج می برم. من قریب اواخر سلطنت شاه به استخدام کادر دفتری آموزش و پرورش درآمدم؛ منتهی استخدام شدن بدین قرار بود که حدود چهارصد نفر ثبت نام کرده بودند و چهل و چند نفر ظاهراً از طریق امتحان پذیرفته شدند. چون من شنیده بودم که دست اندرکاران خیلی ها را هم ممکن است بدون آن که نمره قبولی بیاورند، با سفارش این و آن بپذیرند و امتحان شاید تا حدود زیادی جنبه ظاهری دارد، من هم چون با یکی از دست اندرکاران آشنا بودم، سفارش کردم و بعضی بچه ها با وجود این که سؤالات بیشتری جواب داده بودند، قبول نشدند، اما من قبول شدم. خواهشمندم نظر مبارکتان را در مورد حقوقی که من می گیرم بیان فرمایید؛ بيم آن

دارم که حقوقی که می گیرم حق دیگری حساب شود. البته چند سال قبل از یکی از روحانیون سؤال کردم، منتهی باز مدتی است که در وسواس افتاده ام که شاید جواب آن روحانی صحیح نبوده باشد.

بسمه تعالی، اگر شرایط علمی و اخلاقی استخدام در شما جمع است و از طرف دولت اسلامی اشکالی نیست، مانع ندارد و حقوق دریافتی حلال است.

[سؤال 7485] 7118

3. آیا کارمند می تواند در صورتی که کار ندارد بعد از ساعت اداری در اداره در حال استراحت یا خواب باشد و از دولت مبلغی به عنوان اضافه کار ساعتی دریافت کند؟

بسمه تعالی، چنانچه پول اضافی در مقابل کار باشد، نمی تواند بگیرد.

[سؤال 7486] 3865

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، غرض از نوشتن این نامه پیش آمدن مسأله ای به شرح زیر برای این جانب می باشد:

جوانی هستم که در آذرماه سال 1360 با معرفی یکی از دوستانم جهت تدریس به یکی از دبیرستان های تهران رفتم که البته 6 ساعت در هفته بیشتر نبود؛ با این وجود حقوقی به عنوان دبیر حق التدریس برایم واریز گردیده؛ چون بر اساس مسائلی که بین من و خداوند وجود دارد، این جانب مطلقاً این حقوق را از آن خود نمی دانم و در مقام معلمی کاری که از نظر خدا مورد قبول واقع شود انجام نداده ام، بنابراین به هیچ عنوان شایستگی آن حقوق را ندارم و از ابتدا هم هیچ گونه چشم داشتی به آن نداشته ام و با این فکر که آن را به صندوق قرض الحسنه می سپارم، حساسی که از سوی اداره آموزش و پرورش منطقه برای معلمین آن ناحیه بود باز کردم اما تا کنون برای گرفتن آن مراجعت ننموده ام؛ سؤال من این است: آیا مبلغی را که معتقدم از لحاظ خدایی

ص: 357

شایستگی دریافت آن را ندارم، آیا از نظر شرعی صحیح است که گرفته و در صندوق قرض الحسنه واریز نمایم؟ (چرا که به عنوان این جانب ثبت می شود).

در صورت منفی بودن جواب، باید به صندوق دولت واریز گردد تا هیچ گونه مبلغی حتی يك تك ریالی از بودجه دولت جمهوری اسلامی به ناحق به کسی داده نشود؟ منتظر پاسخ می باشم.

بسمه تعالی، شغلی که به شما واگذار شده اگر طبق مقررات انجام داده اید، حقوقی را که برای آن مقرر شده استحقاق دارید و می توانید دریافت کنید و اختیار مصرف آن با خود شما است.

[سؤال 7487] 3866

بسمه تعالی 1361 / 11 / 4

محضر مبارك حضرت امام خمینی، روحی فداه

احتراماً؛ معروض می دارد: همین طور که می دانید طبق دستور دولت، کارمندان و کارگران 44 ساعت در هفته باید کار بکنند. اگر کارگران یا کارمندان در کارخانه های دولتی یا غیردولتی، کمتر از دستور دولت کار کنند، چطور است؟ اصل مطلب این است که این جانب يك کارگر شرکت غیر دولتی هستم، که کارمندان این شرکت در هفته 40 ساعت کار می کنند و من به یکی از کارمندان گفتم که آیا کار شما خلاف دستور دولت نیست؟ این کارمند که یکی از افراد انجمن اسلامی آن کارخانه بود، گفت: ما با کارفرما قرارداد داشته ایم. لطفاً جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، باید مطابق مقررات استخدام خود عمل کنند و اگر دولت اسلامی مقرراتی دارد، مراعات نمایند.

[سؤال 7488] 3867

بسمه تعالی 3 جمادی الاولی 1402 ق

محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب حضرت امام خمینی دام ظلّه العالی

ص: 358

در بعضی از ادارات، کارمندان و یا مستخدمینی هستند که سطح حقوقشان پایین است و با توجه به بالا بودن سطح زندگی به سختی امرار معاش می نمایند. چون بالا بردن سطح حقوق مستلزم مقررات خاص و تصویب مجلس است، به این طبقه مستضعف به عنوان اضافه کار هر ماه مبلغی می پردازند. دریافت و پرداخت چنین وجهی از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ (با توجه به این که در حقیقت اضافه کاری وجود نداشته بلکه صرفاً جنبه ارفاق و کمک داشته است) والسلام

بسمه تعالی، اگر مطابق مقررات دولت اسلامی پرداخته می شود، اشکال ندارد.

لزوم پرداخت مال الاجاره به مالك

[سؤال 7489] 3868

بسمه تعالی 1361 / 10 / 19

دفتر حضرت امام خمینی

موجر از دادن رسید کرایه خودداری می نماید؛ آیا من که مغازه دار هستم می توانم به اداره ثبت واریز نمایم؟

بسمه تعالی، باید مال الاجاره به مالك داده شود و اگر رسید نمی دهد، می توانند شاهد بگیرند.

[سؤال 7490] 3869

بسمه تعالی 1361 / 2 / 17

تهران، دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

ضمن ابلاغ سلام و تحیت به امام بزرگوار و آرزوی سلامتی برای معظم له به عرض می رساند خانه ای خریدم به قیمت پنجاه و پنج هزار تومان، پنج هزار تومان آن را بنده دادم و ده هزار تومان را به گفته ابوالزوجه داماد دیگرش پرداخت و پنج هزار تومان دیگر را ابوالزوجه داده، مجموعاً بیست هزار تومان نقدی شد به صاحب خانه

ص: 359

دادم و بقیه را بنا شد هر برج هزار تومان که چهارصد تومان آن را بنده و ششصد تومان دیگر را ابوالزوجه پردازد و به صاحب خانه بدهیم. به این صورت که قولنامه به نام ابوالزوجه ثبت شده تا وقتی پول آن را که همان پنج هزار تومان ابتدای خرید خانه و ششصد تومانی که به عنوان اقساط می داد پردازم، قولنامه به نام بنده شود. ولی اصل قرار داد خرید خانه به شهادت شاهدان و اعتراف خود ابوالزوجه برای بنده بوده. بعد از سه سال و اندی معلوم شد ابوالزوجه از دامادش یعنی آن دامادی که پول داده بود) و در خانه ما می نشست اجاره می گرفت و بنده خبر نداشتم. بعداً که از جریان با خبر شدم، از او سؤال کردم برای چه اجاره می گرفتی؟ در جواب گفت: دامادم پول نداد، بلکه من به جای او پول دادم و حق اجاره گرفتن هم دارم و گفتم پس چرا در ابتدا به بنده نگفتی؟ در جواب گفت به شما مربوط نیست. بنده در ابتدا با همین شرط که دامادش پول داده قبول کردم و بقیه پول ها را که ابوالزوجه داده بود خیال کردم به عنوان قرض الحسنه داده؛ چون که قرارداد نکرده بود قرضی که به شما می دهم به عنوان شراکت و سهم داشتن است. آیا شرعاً با توجه به مطالب یاد شده و با آن ابهامات و عدم قرار، سهمی در خانه دارد تا اجاره مأخوذه اش مشروعیت داشته باشد؟ چون که ابوالزوجه اصرار بر مشروعیت اجاره مأخوذه دارد بنده از امام امت نظر خواستم.

بسمه تعالی، سند ثبتی اعتبار ندارد، خانه ملك کسی است که آن را خریده است و مالك حق گرفتن اجرت دارد و غیر مالك نمی تواند اجرت بگیرد.

[سؤال 7491] 3870

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، محترماً به عرض عالی می رسانم:

سرپرست سه نفر فرزند بی پدر هستم که همسر مدت يك سال است رحلت نموده است، از نظر مالی هیچ گونه نگرانی ندارم و بچه هایم از پدر موروثی هم دارند و

در ایام حیات همسر، امور زندگی خانوادگی معمولی داشتیم. منزل مسکونی هم به

ص: 360

نام این جانب است که همسر سند خانه را به نام من کرده است و فعلاً مقداری کرایه خانه می گیرم. مستدعی است که بفرمایید آیا می توانم از اجاره خانه به مصرف امور متفرقه و ضروریات که مطابق شؤون زندگی من است - مثلاً در کارهای خرید و ایاب و ذهاب خانوادگی - برسانم؟ مقدار شش هزار و پانصد تومان کرایه می گیرم.

بسمه تعالی، اگر خانه، ملك شرعی شما باشد مال الاجاره آن هم ملك شما است و هر گونه تصرفی در آن می توانید بکنید و گرنه موقوف است به نظر مالك شرعی خانه.

دریافت حق سنوات و مزایای دیگر برای اجیر

[سؤال 7492] 3871

بسمه تعالی 1361 / 7 / 24

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، دامت بقاءه و عزه، سلام علیکم

این جانب مدت چهارده سال متوالیاً در قسمت حسابداری يك تجارت خانه در بازار، مشغول به کار بودم و در این مدت هیچ گونه قراردادی با هم نداشتیم؛ مثل این که تا چه مدتی در آن جا کار کنم و یا اگر مرا بیرون کنند، مبلغی بگیرم یا نگیرم، در این چهارده سال، هیچ کدام از این حرف ها مطرح نشده بود. بعد از انقلاب اسلامی این تجارت خانه تعطیل شده و این جانب که در سن چهل سالگی می باشم، بیکار شدم. با این توضیحاتی که دادم آیا بنده طبق شرع مقدس اسلام حقی از صاحب کار دارم یا نه؟

بسمه تعالی، بیش از اجرت خدماتی که انجام دادید حقی بر صاحب کار ندارید، مگر آن که در ضمن عقد لازم، شرطی بر صاحب کار کرده باشید.

[سؤال 7493] 3872

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، ضمن عرض سلام، قریب سه سال دفتردار تجارتخانه ای بوده و

ص: 361

حقوق ماهیانه و پاداش را نیز دریافت داشته ام. در بازار، عرفاً و قانوناً سالی یک ماه حقوق، به نام سنوات خدمت به کارمند پرداخت می شود؛ آیا شرعاً هم این مبلغ قابل پرداخت است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر متعارف و قانونی است، گرفتن آن مانع ندارد.

هزینه وصول اجاره توسط مالک

[سؤال 7494] 3873

بسمه تعالی 1361 / 11 / 18

محضر عالی امام امت آیت الله خمینی مدّ ظلّه

به واسطه تورم ناشی از جنگ و افزایش قیمت ها قیمت منازل مسکونی به وسیله فرصت طلبان بالا می رود و مالکین به بهای ملک استیجاری خود می افزایند. از آن جمله برای بنده استفتا کننده در مدت حکومت جمهوری اسلامی دو بار افزایش کرایه منزل به وسیله دادگستری صادر شده است. اولی به میزان 80% طبق قانون شاخص بانکی و پس از گذشت سه سال از تاریخ شکایت مالک به میزان صد در صد و فعلاً مالک به ازاء افزایش صد در صد مبلغ یازده هزار تومان نیز ما به التفاوت 18 ماه طول جریان دادگاه را مطالبه می کند و عن قریب حکم اجرا را صادر خواهد کرد که پرونده آن در شعبه 15 دادگستری می باشد و بنده مستأجر ناچارم مفاد حکم دادگاه را گردن نهاده و با فروش اثاثیه، مبلغ مورد مطالبه را بپردازم، با در نظر گرفتن هزینه زندگی طاقت فرسا، از محضر عالی استفتا می شود آیا پرداخت چنین وجهی به مالک مستکبر از طرف یک مستضعف جایز است یا خیر؟ اینک مشخصات خود را به شرح پایین عرضه داشته استدعا دارم امر مقرر فرمایید پاسخ استفتا را به این جانب ابلاغ کنند.

بسمه تعالی، مالک بیش از اجاره ملک خود حق ندارد از مستأجر بگیرد و مخارجی که در جریان دادگاه کرده را مستأجر ضامن نیست.

ص: 362

كتاب جعالة

احكام جعالة

ص: 363

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت امام امت آیت الله العظمی الخمینی ادام الله ظلله العالی

پس از عرض سلام، چنانچه کسی برای زراعت و یا غیره از کارهای خود پولی به اسم مساعده از کسی بگیرد و قانون بین امثال آن ها این باشد و یا قرارداد کنند که محصول کار را نزد پول دهنده برده او بفروشد و حق العمل فروش را بردارد، آیا چه صورت دارد؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر حق العمل فروش به طور متعارف باشد اشکال ندارد.

4. اگر کسی ده روز در جایی منبر می رود، مسلماً مقداری پول به او می دهند، اگر شخص دیگری هم بانی شود آیا می تواند در همان دهه، به نیت بانی جدید هم روضه بخواند؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی

محترماً به عرض می‌رساند: تعدادی کامیون و لوازم مربوطه که این جانب نمایندگی آن را از آلمان شرقی داشته‌ام، برای نیاز ارتش و سپاه به وسیله وزارت دفاع جمهوری اسلامی خریداری شده و معامله به وسیله نمایندگان دولت فروشنده و وزارت دفاع بر اساس موازین و مقررات مربوطه انجام گرفته؛ حتی نرخ مطابق سال قبل و خریدهای قبلی بوده.

در قبال خدماتی که این جانب و شرکا برای کارهای مربوطه طی يك سال به فروشنده بر حسب وظیفه نمایندگی انجام داده‌ام طبق عرف بین المللی و قواعد جاریه، مبلغی به عنوان حق العمل و کمیسیون حق نمایندگی معامله، از خریدار مطالبه و طلبکار می‌باشم که این مبلغ مربوط به بودجه دولت جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد و فقط از طرف فروشنده به این جانب و شرکا باید پرداخت شود؛ مستدعی است جواباً اعلام فرمایند دریافت وجه مزبور چه صورت دارد؟ والسلام

بسمه تعالی، اگر با رضایت به شما داده می‌شود حلال است.

ص: 366

کتاب عاریه

احکام عاریه

ص: 367

محضر اقدس ولایت فقیه، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

سپاس و ستایش فراوان، خداوند تبارک و تعالی را که بر ما منت نهاده و امامی عادل و فقیهی کامل و بصیر و دانا عنایت فرمود که با اجرای احکام مقدس الهی و فتوای عادلانه و شرعی، گره گشای امور مسلمین گردند و مقررات ظالمانه طاغوتی را که اکثراً به نفع بی نیازان و به ضرر نیازمندان است، چون خود طاغوت و طاغوتیان، محو و نابود فرمایند.

و چون قانونی بالاتر و برتر از قوانین الهی و فتوای ولایت فقیه نخواهد بود که بدون چون و چرا و بی تردید لازم الاجرا است، استدعای عاجزانه دارم که به استفتای ذیل، پاسخی عنایت فرمایند که چراغ نورانی راه تیره و تاریک ما گردد:

1. چنانچه شخصی با توافق مالک زمینی که سند مالکیت دارد به هزینه خود، بنایی احداث نماید، آیا سازنده بنا مالک اعیانی شناخته می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، بانی ساختمان مالک آن است و هرگاه مالک بخواهد او را ملزم به برداشتن ساختمان کند، باید ارش غرامت را بپردازد.

2. چنانچه مالک زمین، بدون اطلاع و رضایت مالک اعیانی (یعنی سازنده بنا) و بدون ذکر جریان

احداث اعیانی به خریدار، ملك خود را به غیر منتقل نماید آیا خریدار حق دارد مالك اعیانی را به رسمیت نشناسد و او را از ملك ساخته شده به وسیله خودش بیرون کند یا این که حق اعیانی سازنده بنا محترم است و خریدار نمی تواند مدعی فروشنده گردد؟

بسمه تعالی، خریدار اگر قبلاً اطلاع نداشته، پس از خریدن زمین و اطلاع از وجود ساختمان دیگران در آن، می تواند به فروشنده مراجعه و معامله را فسخ کند.

[سؤال 7499] 3877

بسمه تعالی

محضر مبارك زعيم عالی قدر و پیشوای شیعیان و مستضعفان جهان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی، با کمال ادب به عرض می رساند:

1. شخصی پسری دارد راننده دارای زن و يك دختر صغير پدرش يك ماشین برایش می خرد صد و سی هزار تومان که پهلوی خودش و زن و بچه اش بماند و به راه نزدیک معاشش اداره کند. آن فرزند بدون اجازه پدرش مدتی که می شود ماشین را می فروشد و ماشین دیگری می گیرد آن ماشین دوم را هم می فروشد و پولش را می دهد تحویل پدرش، مدتی که می شود دو مرتبه پدرش از همین پول و مبلغی دیگر برای فرزندش نصف ماشین خاور می خرد. بعداً آن فرزند مدتی ترك پدر و مادر و زن و بچه می کند پدر به او می گوید اگر به حرف من نباشید و به حرف دیگران باشید پول ماشین را به من بده و هر کجا می خواهید برو البته نصف ماشین خاور هم فروخته بوده جواب می دهد يك ماشین خریده ام می فروشم و پول شما می دهم با حضور چند نفر از رفقاییش این اظهار می دارد و می گوید من پول تو نمی خواهم و در همان سفر می رود روی ماشین کسی و از تصادف از بین می رود آیا پول ماشین اولی که پدر به فرزندش داده مال وارث فرزندش می شود یا برمی گردد به خود پدر چون پسر گفته است من مال تو نمی خواهم استدعا دارم حکم الله بیان فرماید.

بسمه تعالی، پول ماشین را اگر پدر به فرزند قرض داده معادل همان مبلغ از ترکه فرزند بابت بدهی برداشته می شود، و اگر عین ماشین را به فرزند

ص: 370

عاریه داده ماشین متعلق به پدر است. بلی اگر پول ماشین را به پسر بخشیده از ترکه او محسوب می شود و به همه ورثه او می رسد.

2. يك تکه زمینی به هبه زن فرزندش می کند و روی آن زمین با اجازه عروسش خانه درست می کند به نام فرزندش و تحویلش می دهد بدون صیغه خواندن و مدرك دادن همین طور می گوید این خانه مال فرزندم می باشد و اثاثیه از قبیل: فرش، گاز، آبگرمکن حمام، لوازمات دیگر، تحویلش می دهد این خانه و وسیله اش مال پسر می شود که برگردد به دخترش یا این که مال خود پدر می شود؟

بسمه تعالی، سند و مدرك میزان نیست هرچه را که پدر به فرزند بخشیده و تحویل او داده ملك فرزند است و دوباره پدر نمی تواند آن را پس بگیرد.

3. ضمناً نسبت به پول ماشین اگر مال فرزند باشد مکه و خمس به آن مبلغ 1300000 ریال تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر فرزند در حال حیات مستطیع نبوده و اموال او متعلق خمس نشده به ترکه خمس تعلق نمی گیرد و خریدن حج با ترکه لازم نیست.

ص: 371

كتاب وديعه

احكام وديعه

ص: 373

بسمه تعالی

ده هزار ریال خمس سهمین به این جانب دادند که به حضورتان برسانم و در جای امنی نگهداری می شد تا این که در اثر جنگ تحمیلی در خرمشهر جا ماند، آیا این جانب ضامن هستم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در حفظ امانت کوتاهی نکردید و در ایصال آن مداخله نمودید ضامن نیستید.

[سؤال 7501] 4679

2. وسایل مورد نیاز از قبیل لباس و غیره به عنوان امانت و رایگان از اشخاص برای استفاده از آن در زمان انجام کار گرفته اند البته آنچه لازم سعی و کوشش در مواظبت و نگهداری بوده کوتاهی ننمایند و نکرده اند ولی این لباس پاره شده و یا چیزی شکستگی بوده شکسته شده و یا مفقود شده آیا این ها شرعاً موظفند خود آن چیز را و یا قیمتش را به صاحب آن بپردازند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر خودش تلف شده و آن ها اتلاف نکرده اند و کوتاهی در حفظ آن ننموده اند ضامن نیستند.

ص: 375

3. در صورت وجوب تأدیه آن شیء و یا قیمت، آیا می‌توانند از مبلغ درآمد این کار آن را بدهند.

بسمه تعالی، در صورت ضمان باید از مال خودشان بدهند.

بسمه تعالی

محضر مبارك مرجع عالی قدر و رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی، امیدواریم که سلامت و جاوید بوده باشید. پس از عرض سلام، لطفاً نظریه خود را در مورد مسأله ذیل مرقوم فرمایید:

شخصی به طور معمول از شخص دیگر فرش‌هایی را به عنوان امانت می‌گرفته و برای او می‌فروخته و این عمل به مدت 5 سال ادامه داشته. البته فرش‌ها در صورت عدم فروش به صاحبش برمی‌گشته است.

در سفر آخر که از اصفهان به تهران به منظور فروختن فرش می‌رفته، از آن جا که فرش‌ها به علت گرانی به فروش نرفته، ناچار از تهران عازم اصفهان شده تا فرش‌ها را به صاحبش برگرداند. به طور معمول هنگامی که بلیط گرفته و می‌خواسته سوار ماشین شود، فرش‌های خود را به شاگرد ماشین تحویل داده و به او سفارش حفاظت آن‌ها را کرده است. هنگامی که ماشین به اصفهان می‌رسد، شاگرد ماشین انکار کرده و می‌گوید که اصلاً چنین فرشی در ماشین نبوده. شاگرد و راننده و صاحب ماشین پس از صحبت‌ها حاضر شدند که نفری پنج هزار تومان بدهند؛ لذا هر يك بابت این پول چك به صاحب فرش داده‌اند. آیا این شخص امانت فروش با توجه به این که کمال جدیت در حفاظت فرش‌ها داشته، نسبت به فرش‌ها برای صاحبش ضامن هست یا نیست؟

بسمه تعالی، اگر از طرف مالك مجاز در نقل فرش بوده و در حفظ آن کوتاهی نکرده، ضامن نیست.

2. کارگری از بابت طلبش يك چك 5000 تومان گرفت از صاحب کار و این چك مدت دار بوده و از خود صاحب کار نبوده از دیگری بوده اکنون صاحب کار از دنیا رفته است و کارگر چك را به بانک برده وصول نشده و برگشت زده اند به صاحب چك مراجعه کرده گفته است صاحب کار از بابت ربا این چك را گرفته و من این پول را نمی دهم. زیدی چك را از کارگر گرفته که پیش صاحب چك برود و به او نصیحت کند که پول را بدهد چك را زید گم کرده است اکنون مدیون است زید یا نه؟

بسمه تعالی، مدیون نیست.

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی دام بقائه، با تقدیم سلام به رهبر عالی قدر و سایر برادران استفتا می شود:

این جانب انباری دارم که تجار و کسبه اجناس خود را در این انبار تخلیه می نمایند و پس از يك ماه مبلغی ناچیز مثلاً هر کارتن چرخ خیاطی پنج ریال حق الارضی می دهند در تاریخ 1 / 12 / 1359 یکی از آقایان هزار کارتن چرخ خیاطی تخلیه می نمایند که از تاریخ 23 / 3 / 1360 تدریجاً مرخص بنمایند در تاریخ 1 / 12 / 1360 تلفنی به ایشان اطلاع دادم 125 کارتن دیگر موجود است که در حقیقت باید 150 کارتن باشد که 25 کارتن آن را انباردار سرقت نموده بود. بعد از 1 / 2 / 1361 مرخص 125 کارتن دادند که 100 کارتن بیشتر موجود نبود آن هم 25 کارتن انباردار در عرض دو ماه به سرقت برده بود بعد از این که انباردار در حضور صاحب کالا اقرار به عمل خود نماید صاحب کالا مبلغ سیصد هزار ریال خسارت 50 چرخ از حقیر گرفتند استدعا دارم ذیلاً مرقوم فرمایید آیا خسارت به عهده حقیر است؟ آیا يك فقره باید خسارت بدهم یا هر 2 فقره؟ چون فقره اول که به ایشان اطلاع دادم رسیدگی نمودند

ص: 377

و اگر فوری کالای خود را می بردند خسارت فقره دوم پیش نمی آمد.

در ضمن همراه همین جنس، یکی دیگر از تجار 1110 کارتن داشته که در آن روز قیمت 380 تومان بوده که در اثر نگهداری و پیشامد جنگ جنس ترقی نموده فقط به حرمت این پیشامد دانه 600 تومان خسارت گرفتند انتظار بذل لطف در حکم شرعیه دارم.

کلیه حق الارضی که دریافت شد 475 تومان حقیر گرفته ام ذیلاً حکم را مرقوم تا به نظر صاحب کالا برسانم. با تقدیم احترام

بسمه تعالی، اگر در حفظ و نگهداری کوتاهی نکردید ضامن نیستید.

[سؤال 7506] 3881

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه

چه می فرمایید در این مسأله که شخصی یخچالی را امانت در مغازه گذاشته و صاحب مغازه بیرون گذاشته برای فروش؛ بعد از مدتی مراجعه به او شده، می گوید مقداری از اثاث آن را برده اند؛ آیا صاحب مغازه ضامن هست یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در حفظ آن کوتاهی نکرده ضامن نیست.

[سؤال 7507] 3882

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب جمهوری اسلامی ایران سلام عرض نموده، از خدای بزرگ برای وجود آن امام عزیز بقای عمر آرزومندم.

حضرت امام! کسی پول به من داده که به شهری دیگر حمل نمایم - البته به صورت امانت - و به یکی از مؤمنین بدهم؛ ولی قبل از حرکت، در تشییع جنازه شهید، تمام پول موجودی ام را که در جیب شلوارم گذاشته بودم همراه با پول امانتی که به طور سالم - یعنی همان طوری که آن مؤمن چند تا صدتومانی به من داده بودند - سارق از من به

ص: 378

سرقت برده است؛ سؤال این است که آیا من امانت دار در مقابل پول امانتی ضامن هستم و باید پول را رد کنم یا خیر؟ والسلام
بسمه تعالی، اگر در حفظ امانت کوتاهی نکرده اید ضامن نیستید.

[سؤال 7508] 3883

بسمه تعالی 1361 / 4 / 16

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی

با کمال احترام به استحضار می رساند در سه سال و نیم قبل، اتومبیل بیت المال جهت انجام مأموریتی به رانندگی یکی از برادران کارمند عازم می شود که در بین راه واژگون می گردد؛ که مسئولین امور و خبرگان تشخیص می دهند که این حادثه در اثر نقص فنی رخ داده است. حال تقاضا دارد مشخص فرمایند که آیا شرعاً غرامتی به بیت المال می باید پرداخت گردد یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا غرامت می بایست توسط راننده زمان وقوع حادثه پرداخت شود یا این جانب که مشارالیه را به مأموریت اعزام داشته ام؟

در خاتمه به عرض می رساند که این استفتا از محضر مبارك فقط به خاطر آن است که در آخرت، دینی ما را متوجه نباشد.

بسمه تعالی، اگر بیت المال در دست شخص امانت بوده و بدون تعدی و تفریط تلف شده، ضمانتی در بین نیست ولی اگر مقرراتی از دولت اسلامی در این باره وضع شده باید طبق آن عمل نمایید.

[سؤال 7509] 3884

بسمه تعالی 1361 / 9 / 27

دفتر امام خمینی، پس از عرض سلام، از خداوند طول عمر امام را خواستاریم.

غرض از مزاحمت: عمه ام دو سال پیش به رحمت خدا رفته است. ایشان مبلغ هفده هزار تومان به امانت به دست ما داده تا پس از فوت ایشان، پول را به تنها

ص: 379

فرزندش که فراری از ایران و در امریکا بود بدهیم. اما پسر ایشان نیز بعد از دو ماه که از فوت مادرش می گذشت فوت کرد. این پسر چهار فرزند دارد که دختر بزرگش شوهر دارد و دو پسر بزرگش مهندس می باشند و يك دختر چهارده ساله و همسرش که همگی در امریکا هستند و تا آن جا که می دانیم مخالف انقلاب و اصلاً پایبند به دین نیستند. در ضمن خود عمه ام حج نرفته و پسرش نیز نماز، روزه و حج بدهکار است. باتوجه به این بدهکاری و این وارث، تکلیف این پول چیست؟!

آیا باید به وارث داده شود و به امریکا فرستاده شود؟

آیا باید نماز و روزه و حج خریداری شود؟ برای کدام يك؟

باتوجه به این که عمه ام مال دیگری جز این پول نداشته، آیا می توان حساب پس اندازی برای دختر چهارده ساله اش باز کنیم؟ لطفاً ما را راهنمایی کنید تا از زیر این دین بیرون آییم.

در خاتمه، از خداوند طول عمر امام عزیز، خمینی بت شکن و حضرت آیت الله منتظری را خواهانیم، به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر علیه کفر جهانی، از طرف ما دست امام را ببوسید و از ایشان التماس دعا داریم

بسمه تعالی، می توانید با مراجعه به حاکم شرع و بیان موضوع، تکلیف خود را معین کنید.

[سؤال 7510] 3885

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله جناب آقای پسندیده، نماینده حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

ضمن عرض سلام و ارادت خالصانه، خواهشمند است به مسأله مورد نیاز پاسخ فرمایید.

مدت دو سال قبل، شخص ناشناسی مبلغی پول به شخص دوم که هر سال به عنوان روحانی کاروان به مکه مشرف می شد (جهت حج استیجاری) داده است، و آن

ص: 380

سال به علت پیش آمدن جنگ موفق نگردید و با آن پول فرشی خریداری نمود و به طور امانت تحویل این جانب داد؛ هم اکنون شخص دوم فوت نموده است و راجع به این موضوع، در وصیت نامه هیچ ذکر نکرده است. وظیفه این جانب چیست؟ مشکرم

بسمه تعالی، وظیفه امانت دار، بازگرداندن فرش به ورثه صاحب امانت است.

[سؤال 7511] 3886

بسمه تعالی 1361 / 3 / 18

محضر مقدس و شریف رهبر کبیر انقلاب و مرجع جهانی شیعه و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

با عرض سلام و آرزوی پیروزی اسلام، مستدعی است پاسخ سؤال را مرقوم و به آدرس زیر مرحمت فرمایند.

اگر انسان مسلمانی از طریق درآمد مشروع شخصی خویش و همچنین از راه فرض خیانت در امانت دیگران توأمأ، صاحب يك خانه به ارزش چهارصد هزار تومان و صاحب يك حجره به ارزش بیست هزار تومان و صاحب يك قطعه زمین به ارزش ده هزار تومان شود، و مصمم قطعی باشد و بتواند حقوق مربوط به خیانت در امانت فرضی را از طرق فروش این حجره و قطعه زمین و از طریق درآمد مشروع (و البته با حفظ این خانه)، آن هم به صورت اقساط و به تدریج و مطابق با دستورات قانونی و بر مبنای اولویت و یکی پس از دیگری، به صاحبان اصلی امانات پرداخت نماید، و از این طرق مذکوره، استهلاك حقوق و رضایت صاحبان امانت در مدتی طولانی امکان پذیر باشد، و با توجه به این که این انسان مسلمان، متکفل مخارج همسر و شش فرزند خردسال بوده و با فرض این که از عمل خیانت آمیز خود اظهار ندامت و به درگاه باری تعالی طلب توبه و استغفار کرده است، و حقیقتاً غیر از این خانه ای که در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه، محل احتیاج او است، هیچ چیز دیگری

ص: 381

نداشته باشد، آیا شرعاً موظف به فروش این خانه، در جهت تأدیة چنین دیونی می باشد؟ و اگر فرضاً این خانه نیز فروشش در جهت تأدیة دیون مذکوره ضرورت داشته باشد، آیا برای این انسان مسلمان صاحب خانه نیز حقی خواهد بود؟

بسمه تعالی، واجب است هر چه زودتر به هر نحو که ممکن باشد، رضایت صاحبان امانت تحصیل شود.

[سؤال 7512] 3887

بسمه تعالی 11 / 10 / 1361

این جانب يك قطعه باغ مشجر خود را که ملك موروثی است به انضمام اموال پسرعموهایم به رسم امانت تحویل شخصی نموده ایم. طبق اظهار امین که پیرمرد هستم و قادر به نگهداری قطعه باغ یاد شده بالا نیستم، توسط شخص نامبرده و پسرعمویم به این جانب تحویل داده شد. ولی از پرداخت درآمد ملك بنده که از سال 1345 نزدش باقیمانده و هر سال می بایست بالمناصفه تقسیم می نمود تصفیه حساب ننموده است و اخیراً نیز ادعای تصرف و احیای ملك را می نماید و مانع دخالت بنده در مالم می شود. مستدعی است نظریة شرعی آن دفتر محترم را که آیا امین، مالك ملك است یا وارث، ذیلاً مرقوم فرمایید. والسلام

بسمه تعالی، اگر از طرف مالك شرعی، باغ و اموال به امین سپرده شده، امین مالك نشده و باید آن ها را به صاحبانش رد کند و هر نحو قرارداد مشروعی داشته اند باید طبق آن عمل نمایند.

[سؤال 7513] 5963

3. اگر برادر عروس امانتی علی حده از اثاث عروسی از برادر داماد بگیرد و بعد از به هم خوردن عقد، آن اثاث امانت را پس ندهد، در شرع جایز است یا خیانت؟

بسمه تعالی، چیزی که به رسم امانت از کسی گرفتند، هر وقت صاحب امانت مطالبه کند باید برگردانند.

ص: 382

بسمه تعالی

دفتر محترم امام خمینی

ضمن عرض سلام، محترماً معروض می دارم: این جانب چند سال پیش، از يك نفر امانتی گرفته که این امانتی را - که وسایل شخصی کت و يك پیراهن و نمی دانم چیز دیگری بود یا نه - در سربازی به خانواده اش در تهران برسانم؛ لذا بر اثر سهل انگاری و توجه نکردن به مسائل اسلامی، وسایل نامبرده را به خانواده اش نرساندم و فقط از پیراهن ایشان استفاده شخصی نمودم ولی دقیقاً در مورد کت و دیگر وسایل احتمالی ایشان، نمی دانم به فقیر دادم یا نه. ولی حالا تکلیف در مورد ایشان چیست؟ در ضمن، هیچ گونه دسترسی به ایشان ندارم. در ضمن، وسایل ایشان مورد استفاده خودشان قرار گرفته بود. و آیا اگر لازم باشد پولی بنده در مورد وسایل ایشان بدهم، باید وسایلش را به قیمت امروز قیمت گذاری کنم و یا نه به قیمت چند سال قبل؟

بسمه تعالی، هر مقدار یقین ندارید که به موردش پرداخته اید، باید به او بپردازید و اگر مایوس از شناختن او باشید، باید از طرف او به فقیر صدقه دهید.

بسمه تعالی 1 / 5 / 1362

با سلام به رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

در مدت تقریباً 55 سال پیش توسط 3 نفر - يك نفر اهل تسنن و دو تن تشیع - امانت هایی شامل ظروف چینی، چرخ خیاطی، دو عدد سینی - که احتمالاً طلا یا نقره با مارک روسی است - استکان و دیگر وسایل، به طور امانت به پدرم سپرده شده است و برای مسافرت، صاحبان کالا به شوروی رفته اند و هنوز که برنگشته اند. در زمان حیات پدرم به حضرات مجتهدین و مراجع تقلید مکاتبه می شود که دستور نگهداری داده

ص: 383

می شود. پس از 12 سال که پدرم فوت کرده است نگهداری آن ها برای من هم مشکل شده است و وسایل هم از بین می رود. حالا دستور شرعی در این مورد را صادر فرمایید. والسلام

بسمه تعالی، امانت باید حفظ شود و در صورت یأس از مراجعت صاحب آن، به حاکم شرع ارجاع شود.

[سؤال 7516] 3890

بسمه تعالی

خدمت امام امت خمینی کبیر و امام بت شکن یاور مستضعفین سلام عرض کرده و پس از دعا جهت طول عمر آن رهبر بزرگ، سؤالی شرعی برای این جانب پیش آمده که مطرح می کنم:

حدود چهار - پنج ماه پیش یکی از برادران پاسدار، شهید شده و اتومبیل فولکس واگن نزد این جانب امانت دارد و من دسترسی به همسر ایشان ندارم و می دانم که ظاهراً همسر ایشان يك فرزند دو - سه ماهه حامله هستند؛ ولی هرچه جست و جو کرده ام نتوانسته ام تا کنون وی را پیدا کنم؛ البته اکنون نیز در جست و جو هستم. و در حال حاضر این ماشین در حال از بین رفتن است (در اثر کار نکردن) و این جانب هنوز این جرأت را به خود نداده ام که به آن دست بزنم. آیا من می توانم با توجه به این که این اتومبیل در حال حاضر خراب نیز هست آن را درست کرده و استفاده کنم؛ برای این که این مال از دست نرود تا همسر این شهید را پیدا کنم یا نه؟

بسمه تعالی، حفظ امانت لازم است و به حاکم شرع مراجعه نمایید.

[سؤال 7517] 3891

بسمه تعالی 1358 / 7 / 23

به پیشگاه مبارك مرجع عالی قدر تشیع نایب الامام، امام خمینی، دام ظلّه العالی

محترماً؛ به عرض می رساند: مدت تقریباً دو سال است، شرکتی مقداری لوله

ص: 384

ایرانیت به طور امانت در نزد این جانب گذاشته و از صاحب لوله ها خبری نیست و بودن لوله ها باعث گرفتاری برای این جانب شده، در ضمن قرار بوده در ماه صد تومان اجاره بدهد که پرداخت نکرده است. از محضر آن بزرگ مرجع، تمناً دارم که وظیفه شرعی حقیر را در مقابل این قضیه روشن فرمایید که دعا گو باشم. لطفاً جواب را کتباً مرقوم بفرمایید. والسلام

بسمه تعالی، باید برای صاحبش نگهداری کنید و اگر مایوس از پیدا شدن او باشید، از طرف او صدقه بدهید.

[سؤال 7518] 7048

7. اگر کتاب یا جزوه شخصی نزدمان بماند و دسترسی به صاحب مال محال باشد تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، باید آن را برای صاحبش حفظ کند یا به حاکم شرع تحویل دهد.

[سؤال 7519] 3892

بسمه تعالی 1361 / 3 / 23

ریاست محترم دفتر حضرت امام خمینی

پس از تقدیم سلام در مورد چند موضوع به شرح زیر به اشکال برخورد کرده ام که احتیاج به راهنمایی می باشد، خواهشمندم راهنمایی بفرمایید:

1. حدود دو سال قبل دو باب زیر زمین از خانه مسکونی این جانب را شخصی اجاره نموده که لیمو و کود شیمیایی در آن بگذارد تا شش ماه، و ماهیانه چهار هزار و هشتصد ریال بدهد. بعد از گذشتن حدود دو ماه مقداری لیمو را خودش برده و مقداری را حواله کرده، برده اند و فقط دو هزار ریال علی الحساب داده و حدود ده کیسه کود شیمیایی نزدیک دو سال است که مانده و اجاره زیر زمین هم مانده و صاحب آن هم که در یزد ساکن بوده اختلاف خانوادگی پیدا کرده و می گویند به شیراز

ص: 385

رفته که من به کلی نه جای او را می دانم و نه دیگران آدرسش را می دانند که به من بدهند. در این مورد بنده را راهنمایی بفرمایید.

بسمه تعالی، مال را باید برای صاحبش حفظ کنید یا به حاکم شرع مراجعه نمایید.

2. حدود بیست سال قبل پدر این جانب فوت کرده و حدود ده سال قبل از آن در بیابانی چاهی شراکتی با دو نفر دیگر حفر کرده بودند که قناتی بشود و از آن استفاده کنند، ولی اقدامی نکرده اند و بعد از فوت پدرم پسر عمویم بزرگ تر ماها بوده، او چهار سال قبل علی رغم این که همه ما وارثین که سه نفر هستیم و هر سه نفر کبیر بودیم، بدون پرسش و سؤال و اجازه از ما آن چاه را فروخته و مبلغی گرفته و از مبلغ دریافت شده هم پولی به ما پرداخت نکرده است، آیا حق داریم که از فروش سهمیه خودمان جلوگیری کنیم، در صورتی که ارزش فعلی خیلی زیادتر از آن موقع هست که ایشان فروخته، یا راه دیگری دارد؟ لطفاً راهنمایی بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر از چاه اعراض نکردند ورثه در مقدار سهم الارث خود حق دارند و اگر معامله را اجازه نمودند همان مبلغ که به عنوان ثمن تعیین شده را حق دارند.

3. مبلغ پنجاه هزار تومان آب و زمین و خانه از پدر ارث رسیده که نمی دانم وجوهات آن پرداخت شده یا خیر آیا معافم یا باید بپردازم؟

بسمه تعالی، اگر یقین به وجود خمس در آن ندارید چیزی بر شما نیست.

[سؤال 7520] 3893

بسمه تعالی 1362 / 2 / 12

دفتر استفتائات حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

به استحضار می رسد بعضی از کارکنان آموزش و پرورش در سال های قبل از پیروزی انقلاب، برای رفع نیازمندی های خود از بانک صادرات وام دریافت داشته اند. بانک برای پشتوانه عدم پرداخت احتمالی اقساط وام، معادل يك درصد از کلیه وام گیرندگان، اضافه بر بهره معمول - که 12% بوده، یعنی از هر نفر 13% - به عنوان بهره و پشتوانه وام دریافت نموده. پس از پرداخت کلیه اقساط بدهی، يك درصد اضافه

ص: 386

دریافتی، از بانک وصول شده و مدتی است این پول را کد می باشد و صاحبان آن برای دریافت سهم خود، مراجعه نکرده اند. آیا استفاده از این پول، در صندوق قرض الحسنه کارکنان اداره، به عنوان امانت با عنایت به عدم اطلاع و احیاناً عدم رضایت صاحبان آن، جایز است یا نه؟

در غیر این صورت، با التفات به این که به صاحبان آن دسترسی نیست، به چه نحو باید عمل کرد؟

بسمه تعالی، استفاده از پولی که مالک شرعی دارد، باید با رعایت رضایت صاحب آن ولو به شاهد حال باشد و اگر دسترسی به صاحب آن نباشد، باید به حاکم شرع مراجعه شود.

ص: 387

كتاب مضاربه

احكام مضاربه

ص: 389

بسمه تعالی

1. آیا می شود رابطه کسی که پولش را به بانک می سپارد را با بانک مضاربه نامید؟
بسمه تعالی، ممکن است بانک، وکیل در مضاربه شود ولی متعارف خارجی، قرض به بانک است.
2. پولی که در مضاربه قرار دارد جزو مخارج سالیانه است؟
بسمه تعالی، پول مضاربه مؤونه نیست، بلکه سرمایه کسب است.
3. کسی که همه مخارجش به عهده خانواده نیست، باید از همه درآمدی که دارد خمس بدهد؟
بسمه تعالی، هر مقدار که آخر سال زیاد بماند خمس دارد. ان شاء الله موفق باشید.
خوشحال می شوم اگر دست خطی از شما در پاسخ این نامه داشته باشم.

3. چند سالی است که يك شرکت سرمایه گذاری در پاکستان تأسیس شده که سهام 100 روپی می فروشد و از محل اعتبار این سهام، سرمایه گذاری کرده و در پایان، بهره عاید از سرمایه گذاری را بین سهام داران تقسیم می کند.
ولیکن این شرکت تقبل کرده است که هر ساله در صورتی که بهره کافی نبرد، بنا به تعهد دولت، مبلغ مشخص و ثابتی به سهام داران خود بدهد. به عبارت دیگر

سهام داران، علی رغم زیان شرکت، مبلغ مشخصی از شرکت مزبور با کمک دولت دریافت خواهند کرد. آیا در این شرکت می توان سرمایه گذاری کرد؟

بسمه تعالی، بهره به نحو مزبور ربا و حرام است؛ مگر آن که بهره تجارت باشد.

[سؤال 7523] 3681

4. آیا می توان در شرکت هایی که در امر تجارت دوجانبه فعالیت دارند سرمایه گذاری کرد؟

بسمه تعالی، سؤال روشن نیست.

[سؤال 7524] 3895

بسمه تعالی 1361 / 11 / 26

محضر مقدس مرجع عالی قدر و رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، دامت برکاته، پس از ابلاغ سلام، لطفاً جواب مسائل ذیل را مرقوم فرمایید:

1. در اساس نامه صندوق های قرض الحسنه نوعاً ذکر شده: «جهت تأمین بعضی از مخارج، مبلغی از پس اندازهای موجود را در امور تجاری و زراعی و امثال این ها به کار بیندازند»؛ سودی که از این راه به دست می آید آیا اختصاص به همان صندوق پیدا می کند یا افرادی که در آن صندوق حساب دارند سهمند؟

بسمه تعالی، چنانچه افراد پولشان را می دهند که سهم باشند، در سود شریکند.

2. درآمد حاصله بعد از گذشت سال، خمس دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، صاحبان سهام باید خمس بدهند.

3. وام هایی که به افراد از طرف صندوق داده می شود نوعاً صدی يك به عنوان کارمزد گرفته می شود، چنانچه صندوق درآمد دیگری داشته باشد در این صورت کارمزد گرفتن چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر واقعاً حق الزحمه و کارمزد به مقدار متعارف می گیرند مانع ندارد، ولی مجرد

تغییر اسم، بهره را حلال نمی کند.

ص: 392

4. فردی به شهادت رسیده، ولی وصیتنامه ندارد، تکلیف همسر او با داشتن دو فرزند از شهید و یک مادر چیست؟ آیا اجازه می فرماید تا به حد تکلیف و قانونی رسیدن فرزندانش، در منزل و اموال تصرف کند؟

بسمه تعالی، باید به حاکم شرع مراجعه و برای صغار، قیم تعیین کرد تا آنچه مصلحت صغار است به واسطه قیم عمل شود.

[سؤال 7525] 3896

بسمه تعالی 27 ذوالقعدة 1399 ق

محضر مرجع عظیم الشان عالم تشیع آیت الله العظمی الإمام خمینی مدّ ظلّه العالی

کسی مبلغ یک صد و پنجاه هزار تومان پول از کسی دریافت می کند از باب مضاربه یعنی مبلغ بالا را به پول خودش مخلوط کند، تولید و یا معامله پنیر نماید مبلغ فوق الذکر تقریباً معادل می شود به هزار حلب پنیر، و از نفع آن هر ماهی مبلغ سه هزار و شش تومان به عنوان مصلحه به صاحب پول بدهد باقی نفع هرچه باشد کم یا زیاد بر عهده کسی است که این پول را می گیرد و برای مبلغ مزبور سندی نوشته شده است و چون چک پشتوانه سند است برای دریافتی مبلغ مزبور تعداد شش قطعه چک بانکی به طرف داده است بدون تاریخ هر وقت خواستند بدون عذر بپردازد چون بعد از خواستن جنبه امانتی دارد آیا این معامله به طور مضاربه صحیح است و اگر صحیح نباشد با عنوان دیگر صحیح می شود و یا رأساً باطل است؟ مشروحاً جواب مرقوم نمایید.

بسمه تعالی، قرار داد مذکور باطل است و ربح بالنسبه به سرمایه تقسیم می شود و عامل مستحق اجرت المثل است.

[سؤال 7526] 7246

5. اگر شخصی به لحاظ امین بودن تاجری سرمایه ای را در اختیار او گذارد تا با سرمایه خود مخلوط کند و چنین تاجری بدون قرارداد ماهیانه مبلغی به او بپردازد

ص: 393

شرعاً جایز است یا خیر؟ آیا در کل تجارت، با فرض حرام بودن، دخالت دارد به نحوی که اعضای خانواده تاجر نتوانند از چنین درآمدی استفاده کنند؟ لطفاً چنانچه فروعی برای مسأله قابل تصور و مورد ابتلا است مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، پول را اگر قرض کرده، تمام درآمد به خودش تعلق دارد و اگر به عنوان مضاربه قبول کرده، درآمد به نسبت سرمایه تقسیم می شود و در هر صورت معاملات و تصرفات اشکال ندارد.

[سؤال 7527] 3897

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید روح الله الموسوی الخمینی دامت برکاته

محترماً معروض می دارد: این جانب زمینی را خریداری نموده، با شخصی قرار می گذارم که او با سرمایه خود آن را ساخته، پس از تکمیل، تحویل این جانب بدهد با قیمت تعیین شده، و وجه آن را دریافت دارد. و مقرر می داریم اگر نتوانستم وجه را بدهم رأس موعده، ساختمان و زمین را به فروش برسانم و وجه او را بدهم. آیا این مسأله جایز است و می شود اسم مضاربه بر آن نهاد؟ ضمناً احکام مضاربه در کدام کتاب فارسی مشروحاً نوشته شده است؟

بسمه تعالی، قرار مذکور اشکال ندارد، ولی مضاربه نیست. و احکام مضاربه در رساله عملیه ذکر شده است.

[سؤال 7528] 3898

بسمه تعالی

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی متّع الله المسلمین بطول بقائه

ضمن تقدیم مراتب اخلاص و ارادت از محضر شریف آن مرجع عالی قدر استعلام و استفتا می نماید:

ص: 394

شرکت سپهان که به امر کشاورزی و دامپروری و تولید شیر و گوشت اشتغال دارد، برای تأمین کسری نقدینگی و خرید علوفه در فصل برداشت، از سهام داران خود و یا اشخاص دیگر، وجوهی به صورت مضاربه دریافت می نماید. در ارتباط با پرداخت سود مضاربه، دو سؤال وجود دارد که از محضر مبارك استعلام و استفتا می گردد:

1. بعضی از دهندگان وجه، از سود سرمایه خود امرار معاش می کنند و قبل از تعیین نتیجه مضاربه و محاسبه سود یا زیان وجه پرداختی خود، احتیاج دارند که مبالغی علی الحساب سود مضاربه دریافت نمایند تا پس از تعیین نتیجه عمل در پایان سال دوره کارکرد مابه التفاوت محاسبه گردد. آیا پرداخت مبالغی علی الحساب، قبل از محاسبه نتیجه مضاربه اشکال شرعی دارد یا خیر؟

2. وجوه دریافتی مذکور برای مصارف مختلف اعم از خرید علوفه (که در فصل برداشت ارزان تر از زمان مصرف است و باید خریداری شود) و داروی دامی و وسایل کار و فنی و غیره مصرف می شود و مشخص نمودن يك قلم وجه دریافتی در ارتباط با يك خرید معین مقدور نمی باشد ولی در کل شرکت قابل محاسبه است. آیا نتیجه این محاسبه را می توان به عنوان ضابطه در نظر گرفت و در حکم سود مضاربه تلقی نمود یا خیر؟

بسمه تعالی، پرداخت مبلغی برای صرف در کسری علوفه و داروی دام مضاربه نیست و در مورد سؤال صاحبان پول بیش از درآمد حاصل از سودهایشان حق ندارند.

[سؤال 7529] 3899

بسمه تعالی 1361 / 5 / 25

1. اگر پول از يك نفر یا مؤسسه ای - مثل صندوق قرض الحسنه - باشد و کار از يك نفر یا شرکت دیگری و قرارداد آن را بنویسند که چند سهم از صاحب پول و چند سهم از کسی که کار می کند، بعد از مدتی می تواند به دلیل بی سواد بودن و یا این که احتیاط

ص: 395

در کارها دارد و نمی تواند حساب نگه بدارد، بگوید سهمیه استفاده طرف قرارداد را به این مبلغ با توافق طرفین می خرم؟

بسمه تعالی، اگر پولی که صندوق می دهد قرض نباشد اشکال ندارد. و در صورت جهل به مقدار مصالحه نمایند.

2. اگر صندوق قرض الحسنه بخواهد وام های سنگین بدهد به افراد تولید کننده به مدت های طولانی و برای مخارج صندوق بخواهد استفاده داشته باشد، به چه صورت باید قرارداد نمایند؟

بسمه تعالی، می توانید کارمزد بگیریید به مقدار متعارف.

3. حضرت امام در رساله

عملیه، مسأله 2147 فرمودند: «می تواند طرف شرکت بگوید از ضرر، شریک نیستم؛ ولی از استفاده، شریک هستم»، چنانچه صندوق چنان قراردادی را بنویسد بعد از مدتی می تواند سهمیه صندوق - البته استفاده را - به مبلغی بخرد تا نخواهد حساب نگه بدارد و بنویسد؟

بسمه تعالی، چنانچه مصالحه نماید اشکال ندارد.

[سؤال 7530]

4. مسأله مضاربه را بیشتر شرح دهید.

بسمه تعالی، به رساله مراجعه کنید.

[سؤال 7531] 6914

2. آیا در معاملات مضاربه ای می توان زمان قائل شد؟

بسمه تعالی، شرط مدت در ضمن عقد مضاربه، لزوم وفا ندارد و طرفین هر وقت بخواهند می توانند فسخ کنند؛ ولی اگر در ضمن عقد خارج لازم، شرط کنند که تا مدت معینی مضاربه را فسخ نکنند، لازم است بر طبق این شرط عمل نمایند.

[سؤال 7532] 3900

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

محترماً تقاضا می شود جواب مسائل ذیل را مرقوم فرمایید:

ص: 396

1. زیدی وجهی می دهد به عمری که با آن کار کند، منافع آن آنچه حاصل شود بالمناصفه اما ضرر را عمر و قبول می نماید به عهده خودش باشد، شرعاً شرکت آن چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، مضاربه به نحو مزبور صحیح نیست، ولی اگر در ضمن عقد شرط کند که عهده دار خسارت وارده باشد مانع ندارد.

2. وجوهی که بابت بازخرید حقوق کارمندی که به خدمت مشارالیه خاتمه داده شده پرداخت گردیده آیا خمس به آن تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر حق شرعی ادامه کار ندارد، پول بازخرید ادامه خدمت خمس ندارد.

3. وجوهی که به فرزندان داده می شود در قلك یا در بانك ها در حساب پس انداز نگهداری می شود،

آخر سال خمس به آن تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، چنانچه از ملك خود خارج و در ملك فرزندان وارد کند خمس ندارد.

4. کارمند جوانی که عائله دار است و حال بی کار است و کاری گیرش نیامده، آیا اجازه می فرمایید به مشارالیه سهم امام علیه السلام داده شود یا خیر؟

بسمه تعالی، از موارد صرف سهم مبارك نیست، لکن اگر فقیر است و دادن سهم به او موجب ترك کار نمی شود، مجازید به مقدار رفع ضرورت به او بدهید.

5. بانك ها برای حساب پس انداز آخر هر سال بدون هیچ گونه مذاکرات مبلغی به عنوان بهره منظور می دارند، این بهره چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، بهره پول ربا و حرام است، گرفتن آن جایز نیست.

در پایان سلامتی و طول عمر آن رهبر عزیز را از درگاه خداوند متعال خواهانم و خواهشمندم در این مورد مرا راهنمایی فرمایید.

[سؤال 7533] 3901

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر امام خمینی مدّ ظلّه العالی

محترماً این جانب يك شخص مغازه دار می باشم. برای ترویج کارم مبلغی پول از خواهرم گرفته و در کسب و تجارت انداخته ام و هر از مدت زمانی بدون حساب،

ص: 397

مبلغی پول به ایشان می‌دهم. خواهشمند است اعلام فرمایید که از نظر شرعی این کار درست است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر بهره پول نباشد اشکال ندارد و چنانچه پول را به شما قرض نداده و با پول او تجارت می‌کنید، منافع پول او تماماً از خود او است و شما اجرت العمل حق دارید و در این صورت اگر پولی که به او می‌دهید با مصالحه باشد اشکال ندارد.

[سؤال 7534] 3902

بسمه تعالی 1358 / 10 / 28

محضر مقدس حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، پس از تقدیم سلام

معروض می‌دارد: آیا مزارعه و مساقات و مضاربه که در زمان رسول اکرم معمول بوده، محدود به زمان معین بوده یا این که همیشه به قوت خود باقی است. متمنی است مشروحاً بیان فرمایید، تا موجب ارشاد مؤمنین متعهد گردد. ادام الله ظلکم ان شاء الله

بسمه تعالی، مذکورات از معاملات مشروع هستند و شرعیت آن‌ها اختصاص به زمان خاصی ندارد.

[سؤال 7535] 3903

بسمه تعالی 1361 / 4 / 19

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

ضمن سلام، مقتضی است حضرت عالی نظراتشان را در موارد زیر اظهار فرمایند:

اول: قرارداد مضاربه.

دوم: آیا در قرارداد مضاربه می‌توان درصدی را به عنوان کارمزد (بهره) گرفت؟

سوم: آیا در قرارداد مضاربه طرفین (وام گیرنده و وام دهنده) در سود و ضرر سهیم هستند؟ یا فقط در سود؟

ص: 398

چهارم: آیا در مضاربه می توان از وام گیرنده سفته ای به عنوان ضمانت اجرایی و وثیقه دریافت نمود؟

بسمه تعالی، مضاربه وام دادن و وام گرفتن نیست، بلکه قرارداد خاصی است که شرح آن و احکام آن در رساله مذکور است.

[سؤال 7536] 3681

2. به طوری که دولت پاکستان اعلام کرده، اخیراً اقدام به تأسیس بانک بدون بهره کرده است. اما ما نمی دانیم که سرمایه گذاری که این بانک خواهد کرد در چه زمینه ای می باشد. همچنین اعلام کرده است که هر شش ماه، سود حاصل از سرمایه گذاری را به ما می دهد (مقررات بانک ضمیمه است) و لیکن به قرار اطلاع، بهره ای که از پول های به قصد ربا گذاشته شده و پول های «بانک بدون بهره» عاید می شود را با هم مخلوط می کنند و از آن میان، سود به مشترکین «بانک بدون بهره» می پردازند. آیا می توان در این بانک پس انداز کرد؟

بسمه تعالی، اگر به نحو مشروع، مضاربه با شرایط واقع شود، سود جایز است.

[سؤال 7537] 3904

بسمه تعالی

اگر اصل پولی را که مضارب به عامل می دهد توسط عامل یا شخص ثالث تضمین شود، یعنی احتمال خطر نسبت به اصل مبلغ مضاربه منتفی گردد، مضاربه صحیح است؟

بسمه تعالی، اگر تضمین به نحو ضمان عقدی باشد صحیح نیست ولی اگر با عقد بیمه یا به طور شرط در ضمن عقد، قرارداد شود که خسارت وارده بر مالک را جبران کند، مانع ندارد.

ص: 399

کتاب شرکت

احکام شرکت

ص: 401

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه، چه می فرمایید در این مسأله شرعیّه:

دو نفر مشترکاً يك باب مغازه خریده اند و یکی بدون اطلاع دیگری سند را به نام خود تنظیم نموده است. بعد از 18 ماه تصرفات بدون مجوز شرع، پول شريك دیگر را جبراً پرداخت کرده که آن هم با این که راضی به این امر نبوده ناچار آن را برداشته و شهود نیز موجود است. این معامله چه صورت شرعی دارد؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، معامله صحیح است و با فرض این که مشترکاً مغازه را خریده اند، هر دو به نحو شرکت مالکند و تنظیم سند اثری ندارد.

2. زن در تمام مدت زناشویی که دو سال و شش روز بوده است در يك مؤسسه کار می کرده و در خرید سایر وسایل منزل با مرد سهیم بوده است؛ این وسایل چگونه باید تقسیم شود؟

بسمه تعالی، وسایلی که با هم خریده اند، در صورتی که یکی به دیگری نبخشیده به نسبت پولی که داده اند مشترك بین هر دو است.

محضر حضرت آیت الله العظمی، نایب امام زمان، امام خمینی، رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و امید مستضعفان جهان،
روحی له الفدا

با سلام، دو نفر شریک با قرارداد و سرمایه مساوی، یکی شاغل در مغازه با توافق طرفین و با حقوق معین، مشغول به کار شده است. به
اظهار وی، چهار سال با آن قرارداد عمل کرده است و دو سال، پنج برابر حقوق توافق شده، و سه سال، هفت برابر حقوق اولیه برداشت
کرده است و این بدون اطلاع شریک خود و توافق طرفین بوده است. آیا چنین امری جایز است یا خیر؟ والسلام علی من اتبع الهدی
بسمه تعالی، برداشت زاید بر مقدار مورد توافق، جایز نیست و مقدار زاید را به نسبت سهم شریک، ضامن است.

2. آیا هیأت مدیره صندوق قرض الحسنه می تواند موجودی صندوق را به مضاربه یا مشارکت یا مزارعه یا مساقات بگذارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد؛ مگر آن که از طرف شرکا محدودیت باشد.

حضرت مستطاب آیت الله العظمی، جناب آقای حاج سید روح الله موسوی، امام خمینی، دامت برکاته

عرض می شود: قنات جاریه صادقمان واقع در بسطام که در روز اول فروردین ماه 1361، ساعت هشت صبح به مدت یک سال قرعه
شرعی شده است و تا به حال دو مرتبه خراب شده است و آب آن به کلی بند آمده و حالیه که باز شده است، مرقوم بفرمایید آیا قرعه اولیه
باطل است و باید دو مرتبه قرعه شود، یا خیر؟

بسمه تعالی، تقسیم آب مشترك بر حسب زمان، منوط به توافق تمام شرکا است و هر وقت هر يك از شرکا بخواهد می تواند از آن توافق برگردد.

[سؤال 7543] 3908

بسمه تعالی

ماقولکم دام ظلکم فی هذه المسأله

محفوظ - چراگاهی که برای چرانیدن موپشمیان می باشد - میان چند دهات از قدیم الایام مشترك و غیر منقسم است و همه دهقانان انعام و اغنام خود را در آن علف گاه می چرانند ولی، الحال اهالیان يك قریه بدون رضا و اجازت اهل قریه های دیگر این چراگاه محفوظ را برای غرس نمودن درختان توت به حکومت جابره دادند. و اهالیان قریه های دیگر اصلاً بر این کار رضا نمی دهند. بیان فرمایید که دادن چراگاه محفوظ به حکومت جابره یا خود احیا و آباد نمودن آن را بدون رضای دیگر شرکای رسمی، جایز است یا نه؟ بیّنوا توجروا، اجرکم علی الله

بسمه تعالی، چنانچه چراگاه مذکور از قدیم الایام مشترك بین چند قریه بوده و به نحو اشتراك از آن استفاده می کردند به همان نحو سابق باید عمل شود و تصرف اهالی بعض قریه ها منوط به موافقت اهالی سایر قریه ها می باشد.

[سؤال 7544] 3909

بسمه تعالی

حضور مبارك حضرت مستطاب، مرجع عالی قدر و رهبر معظم، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، پس از عرض سلام و ادای تحیات، خواهشمندم عنایت فرموده جواب مسأله ذیل را مرحمت فرمایید:

اگر زمینی را دو نفر به طور مشاع شريك باشند و یکی از شریکین، بدون اجازه شريك دیگر اقدام به احداث بنا نماید، در فرض مسأله شريك می تواند او را به خراب

ص: 405

نمودن اجبار کند؟ اگر نمی تواند، تکلیف او چیست؟ ادام الله ظلکم

بسمه تعالی، مالک ساختمان باید رضایت شریک را، به هر نحو شده جلب نماید.

[سؤال 7545] 3910

بسمه تعالی 2 / 10 / 1361

دفتر حضرت امام خمینی، سؤال شرعی و تقاضای فتوا

من با دو نفر به منظور کسب شریک هستم آن دو نفر با هم تباری و یکرنگی داشته و به عنوان این که دو نفر اکثریت داشته در امور دخل و خرج و تصمیم گیری بدون آن که مرا نظارت در کار و سرمایه داشته و دخالت بدهند بدون رضایتم رتق و فتق امور را داشته و در سرمایه و کار من به این صورت برخلاف رضایت و میل تصرفات دارند و چون اقلیت در برابر دو نفر واقع شده حرفم در قانون عرف به جایی نمی رسد.

از نظر شرعی عمل نامبردگان چه صورت دارد؟ و هزینه و درآمد حاصله در دخل و تصرف آنان در آن چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، دخل و تصرف در مال مشترك منوط به رضایت تمام شرکا است.

[سؤال 7546] 3911

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته محترماً به عرض می رسانیم

حدود هشتاد خانوار در یک روستا که دو خانوار هرکدام بیست و چهار ساعت آب به مدار شانزده و پنج هکتار زمین آبی محوطه و پانزده هکتار دیمه کاری دارند. و ده نفر هر کدام ده ساعت آب و دو هکتار محوطه آبی و هشت هکتار دیمه کاری و بقیه یک ساعتی و دو ساعتی الی شش ساعتی و زمین آبی و دیمه هرکدام از دو هکتار تا

ص: 406

شش هکتار دارند. در وسط این اراضی مقدار دویست هکتار زمین جهت دامداری بیست سال است که کشت نکرده اند و اما سه تا بند و یک چشمه آب و چهار زاقه دامداری به وجود آورده اند و آب و زمین، ثبتي و موروثی می باشد آیا شش نفر از مالکین بدون رضایت بقیه می توانند مقدار هشتاد هکتار از آن را به عده ای واگذار کنند؟

بسمه تعالی، اگر زمین مشترك است تصرف در آن باید با رضایت همه شرکا باشد.

[سؤال 7547] 3912

بسمه تعالی

محضر مبارك دفتر امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض میرسد شخصی یک ساختمان در شهر دارد که دوزن و ده فرزند پسر و دختر دارد و این شخص مدت 4 ماه است که فوت کرده است یکی از پسرها از زمان پدر تا حالا در خانه پدری نشسته و یکی از زن ها هم همچنین و یکی از نوه پسرها هم همچنین، و یک اتاق هم خالی بوده که یکی از دخترها این اتاق را به تصرف درآورده و داده به یک زن بی شوهر و بی بچه و بی کس، و آن پسری که در زمان پدر تا حالا در آن خانه نشسته حالا می گوید که باید این زن برود بیرون و خودت بیایی بنشیني آن دختر می گوید به آن احتیاج ندارم داده ام به یک زن بی سرپرست بدون کرایه، حالا آن پسری که در زمان پدر تا حالا در آن خانه نشسته می گوید باید آن زن ماهانه مبلغ 500 تومان بدهد آیا از نظر شرعی در این مدتی که پدر آن شخص فوت کرده و خودش در خانه می نشسته و وارث های دیگر راضی نبوده اند چه حکمی دارد؟

یا این کرایه ای که می خواهد از آن زن بی سرپرست بگیرد این کرایه به او می رسد یا نه؟ و نماز روزه آن زن بی سرپرست در آن خانه صحیح است یا صحیح نیست و ضمناً

ص: 407

حاضر نیستند اموال آن مرحوم را تقسیم بکنند و چون حاضر نبوده اند هر کدام از این بچه ها رفته اند مقداری از ملك و باغ را تصرف کرده و حاصلش را برده اند از نظر شرعی این مسأله چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، تصرف در مال مشترك باید با اجازه همه شرکا باشد و بدون اجازه، غصب و موجب ضمان اجرت المثل است.

[سؤال 7548] 3913

بسمه تعالی 1361 / 10 / 1

محضر مبارك مرجع عالی قدر، حضرت مستطاب آیت الله العظمی الامام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پدر و پسری برای تهیه منزل مسکونی، مبلغ يك صد هزار تومان - که سی هزار تومان از پسر و هفتاد هزار تومان آن از پدر است - روی هم می ریزند و منزلی می خرند، ولی موقع نوشتن قبالة عادی روی حسن نیت و اعتماد، خانه پدر به نام پسر نوشته می شود. بعد از مدتی که می گذرد، پدر با کمک خود پسر، او را داماد می کند و اکنون هر دو در خانه سکونت دارند. پس از مدتی که از ازدواج و سکونت در خانه می گذرد و پدر خواستار توسعه منزل می شود، پسر تحت تأثیر افرادی قرار می گیرد و با کمال قدرت و جرأت مقابل پدر می ایستد و می گوید: شش دانگ خانه مال من است و شما دیناری نپرداخته اید و هر جا که می خواهید بروید و شکایت کنید. ضمناً عده زیادی از زن و فرزندان و فامیل از خرید خانه به همین نحو اطلاع کامل دارند. آیا به نظر مبارك به بهانه این که اصل قبالة خرید به نام فرزند است، پدر از این خانه محروم است؟ تصرفات و عبادات این پسر بدون رضایت پدر، صحیح است یا خیر؟ و چون طرفین کمال رضایت به حکم و فتوای آن حضرت دارند و مخالفتی نشان نمی دهند، استدعا دارد برای رفع نزاع و تشاجر، حکم الله را ذیلاً مرقوم فرمایید.

توضیحاً این که مذاکره و خرید منزل و حتی صیغه مبایعه شرعیه به وسیله پدر

ص: 408

انجام گرفته و پدر به دست خود روی مصالحی و از روی حسن نیت و اعتماد به فرزند خویش، قباله را به نام پسر می نویسد.

بسمه تعالی، قباله میزان نیست و اگر با پول مشترك خانه خریده اند و پدر حق خود را به پسر نبخشیده، خانه بین آن ها مشترك است و تصرف هیچ يك بدون اذن دیگری در خانه جایز نیست.

[سؤال 7549] 3914

بسمه تعالی 1361 / 11 / 26

محضر مبارك رهبر عزیز انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، اطال الله عمره، سلام علیکم

به عرض مبارك حضرت عالی می رساند که شرکت تعاونی صنف دواتگرهای اصفهان و حومه که این جانب یکی از صاحبان سهام آن می باشم؛ سود حاصله از معاملات سال مالی 1360 خود را تا کنون بین اعضا تقسیم ننموده است. در صورتی که کراراً اکثریت اعضا شفاهاً و کتباً به مسئولین (هیأت مدیره) شرکت، اعلام نموده اند که خواستار تقسیم سود می باشند. ولی هیأت مدیره، تا کنون نسبت به تقسیم و تحویل سود اقدام ننموده اند. و می گویند اگر سود را تقسیم نماییم، سرمایه نقدی شرکت کم می شود و به علاوه به این پول ها نیز مجدداً سود تعلق می گیرد. لذا با توجه به این که این پول در شرکت موجود و شرکت با آن مشغول خرید و فروش بوده و با علم به این که صاحبان آن ناراضی می باشند و حتی عده ای از آن ها نیز شهید گشته و بعضی دار فانی را وداع گفته اند و سهام و سود متعلقه به آن ها، هم اکنون به وراثت آن ها که اغلب صغیر هستند می رسد. خواهشمندم بفرمایید از نظر شرع مقدس اسلام، معامله با این شرکت برای این جانب به عنوان يك عضو چه صورتی خواهد داشت؟

بسمه تعالی، تصرف در مال مشترك، باید با رضایت صاحبان اموال شرکت و اولیای صغار باشد و در این صورت می توانید عضو شوید.

ص: 409

بسمه تعالی 1361 / 10 / 14

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دامت برکاته

پس از عرض سلام و سلامتی آن وجود مقدس، خواهشمند است این ارگان را در مورد مسأله ذیل ارشاد فرمایید:

مزرعه ای است دارای هشت مالک که چهار یا بیشتر از مالکین آن که در هفته 4 یا 5 روز آب دارند، آب خود را برای لوله کشی ده می دهند و بقیه شرکا راضی نیستند. آیا از نظر شرعی می توان سهمیه افرادی که راضی هستند به وسیله لوله از زمین های مشاع مزرعه فوق برای ده آورد و مابقی افراد که راضی نیستند، در روزهای آب خود، از آن برای مزرعه استفاده کنند؟ جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، استفاده از زمین های مشاع برای کشیدن لوله باید با رضایت همه شرکا باشد، ولی علی کل حال استفاده آب از مالکین که راضی هستند، اشکال ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 5 / 25

پیشگاه مبارك زعيم عالی قدر امام خمينى

احتراماً معروض می دارد: در کوهپایه اصفهان به علت خشکسالی، آب لوله کشی شهر جیره بندی شده و دو باب حمام موجود در محل که از آب لوله کشی شهر تأمین می شد، به ناچار از آب دو رشته قنات موجود در شهر که به مصرف کشاورزی می رسد، تأمین می گردد. لیکن آب قنات کوهپایه در هفته، دو هزار و هشت صد قسمت می شود که هر قسمت آن را يك سرجه گویند و هر يك یا چند سرجه آن متعلق به يك یا چند نفر می باشد. با این حال بعضی از افراد اظهار می دارند که ما راضی نیستیم که از آبمان برای مصرف در حمام برداشته شود. لازم به توضیح است که این

دو باب حمام قبل از لوله کشی شهر، از آب همین قنوات استفاده می کرده، با این تفاوت که در آن عصر توسط دلو و چرخه از قنات ها آب کشیده می شد، ولی حالا توسط الکتروپمپ آب کشیده می شود. حال با توجه به مسائل فوق نظر مبارکتان را درباره تغسیل و تطهیر در این حمام ها اعلام دارید تا ما از شك و دودلی و سرگردانی خلاصی یابیم.

بسمه تعالی، اگر حمام حق استفاده از آب قنات دارد می تواند مانند گذشته از آب قنات بردارد؛ در غیر این صورت برداشت آب و استفاده از آن منوط به اجازه تمام شرکا است.

[سؤال 7552] 3917

بسمه تعالی

شخصی از طرف شرکتی، جهت انجام کارهای مربوطه وکالت دارد و مبلغی پول متعلق به شرکت نزد وی موجود است؛ بر حسب نیاز و بدون اجازه مالک، مبلغی از این پول را برمی دارد، به این نیت که در اولین فرصت مبلغ برداشته شده را سر جایش بگذارد و این کار را هم می کند و این مبلغ را با مقدار پولی که خود داشت، روی هم گذاشت و قطعه زمینی خرید. آیا مالک این زمین، شناخته می شود یا خیر؟ و اگر در این زمین، خانه مسکونی بنا کند می تواند در آن نماز بخواند یا نه؟

بسمه تعالی، تصرف در پول شرکت بدون اجازه شرکا، در حکم غصب است و معامله زمین به نسبت مقدار پول شرکت، موکول به اجازه شرکا است.

[سؤال 7553] 3918

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً به عرض عالی می رساند که در حین فوت مادر این جانبان، ما ترك آن

ص: 411

مرحوم عبارت است از يك دانگ مشاع از شش دانگ يك باب خانه، واقع در گوگرد گلپایگان، و ورثه عبارت از سه دختر و يك پسر می باشد. پس از فوت مادر، برادر به عنوان این که يك دانگ خانه را از پنج دانگ دیگر تفکیک نماید از خواهرها امضا گرفته و به جای تفکیک با تبنای اداره ثبت اسناد محل، خانه مزبور را به نام شخص خود به ثبت رسانده است و سه خواهر را از ارث نسبت به آن محروم نموده است. مستدعی است از آن مقام محترم حکم شرع انور را بیان فرمایید.

با تقدیم احترامات فائقه

بسمه تعالی، تصرف در مال مشترك موقوف است به رضایت همه شرکا و چنانچه نزاعی هست باید در محکمه شرعیه حل شود.

[سؤال 7554] 3919

بسمه تعالی 1361 / 11 / 7

محضر مبارك آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

چه می فرمایید بر این مسأله شرعیه که: چند نفر در يك ملك محصور و مشجر مشاعاً مالك هستند. آیا زید می تواند در قسمت مشاعی از این ملك، به عنوان اجازه یکی از شرکا، ایجاد اعیانی و ساختمان و سکونت نماید؟ آیا تصرفات این شخص در این مورد شرعاً جایز است یا خیر؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، تصرف در مال مشترك باید با رضایت همه شرکا باشد و با رضایت آن ها، ایجاد ساختمان مانع ندارد.

[سؤال 7555] 3920

بسمه تعالی 1361 / 9 / 5

مسئولین دفتر استفتای امام خمینی، دامت برکاته، السلام علیکم؛ ان شاء الله در کمال صحت و عافیت بوده و همیشه مؤید و منصور بوده باشید.

1. کندن دیوار اشتراکی و گذاشتن لوله ای که آب در آن جریان دارد جهت

ص: 412

دست شویی در داخل دیوار، از طرف همسایه، آیا این عمل همسایه، شرعاً جایز می باشد یا خیر؟

2. اگر کسی عمل خلاف شرعی را به کسی نسبت بدهد و دلیلی یا شهودی بر گفتارش نداشته باشد و بعد فهمیده بشود که آن شخص تهمت زده است، آیا این فردی که تهمت زده است حد شرعی دارد یا خیر؟ اگر دارد چند ضربه تازیانه می باشد؟

بسمه تعالی، تصرف در مال مشترك، بدون اجازه همه شرکا جایز نیست و تهمت، تعزیر دارد مگر به حد قذف برسد که حد شرعی دارد و تعزیر یا حد باید به نظر حاکم شرع باشد.

[سؤال 7556] 3921

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی، جناب آقای حاج آقا روح الله خمینی، دامت برکاته

حدود دو سال قبل، مادر این جانب از دنیا رفته. او دو دختر داشته و تنها خانه مسکونی وی که نصف آن، مال الارث این جانب است را خواهرم تصرف نموده و از تحویل سهم الارث خودداری نموده، که من شرعاً رضایت ندارم. خواهشمند است جواب را اعلام فرمایید که سکونت و خواندن نماز در این خانه که غصب است چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، تصرف در مال مشترك، بدون رضایت شریک، غصب و حرام است و نماز در آن باطل است.

[سؤال 7557] 3922

بسمه تعالی 1361/7/11

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، روحی فداك

پس از تقدیم سلام معروض می دارد: دو برادر مجرد بدون خانه و زندگی، در زمینی که تنها امیدشان برای تهیه مسکن و تشکیل خانواده می باشد، مانند کسب

ص: 413

ضعیفشان شریکند. برادر بزرگ تر برای استفاده از حق زمین برادر کوچک در امر ازدواج و مهریه عیالش، از برادر کوچک اجازه می خواهد؛ برادر کوچک با قید به این که از طریق شرکت بعداً زمینی برای او هم تهیه شود، اجازه می دهد. عواملی برادر بزرگ را از استفاده کل زمین، در امر ازدواج منصرف نموده و اظهار انصراف هم می نماید؛ پس از بیست سال دو برادر به عنوان دو سهام، گرفتاری های سند زمین را برطرف نموده و زمین را می فروشند و مبلغی را که نقداً دریافت نموده اند، با هم تقسیم می نمایند. اختلافات پیش آمده بین آن ها، باعث تیره شدن روابطشان می شود و بقیه پول زمین در موعد مقرر - بعد از بروز اختلاف - از جانب خریدار زمین، در اختیار برادر بزرگ تر قرار می گیرد تا تقسیم شود ولی برادر بزرگ از پرداخت حق برادر کوچک امتناع ورزیده و مدعی است که برادر کوچک، همان اجازه ای را که بیست سال قبل برای زمین در موقع ازدواج به او داده، یعنی زمین را به برادر بزرگ بخشیده و دیگر حقی در زمین مزبور ندارد و پولی را هم که گرفته باید پس بدهد. مستدعی است مرقوم فرمایید که با توجه به مراتب فوق، آیا اجازه بیست سال قبل، سلب مالکیت از برادر کوچک نموده و وجه مأخوذه را باید به برادر بزرگ تر پس بدهد، یا برادر کوچک مالک سهم خود بوده و حق خود را از برادر بزرگ، طلبکار است؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، زمین فروخته شده، محکوم به ملکیت مشترک بین دو برادر است و هر یک، سهم خود را از قیمت فروش زمین حق دارد؛ مگر آن که برادر بزرگ تر به وجه شرعی ثابت کند که زمین به او بخشیده شده بود و اگر نزاعی در بین است، به محاکم صالحه مراجعه نمایند.

[سؤال 7558] 3508

5. طبق رسم جدیدی که در همه کشورها متداول است تجارتخانه یا شرکت یا مؤسسه ای را در دفاتر مخصوص دولت ثبت می کنند و شخصیت حقوقی می نامند و

ص: 414

می دانند و در نتیجه سندها و چک ها و اسناد خرید و فروش و معاملات را به نام این مؤسسه صادر کرده و آن را مالک و یا بدهکار می دانند آیا شرعاً این شخصیت های حقوقی معتبر است یا نه؟

بسمه تعالی، معتبر است.

[سؤال 7559] 3923

بسمه تعالی

محضر امام امت آیت الله العظمی خمینی

چند نفر شانزده سال پیش از سازمانی برای خود تقاضای وام کرده و پس از دریافت، دست به حفر چاه عمیق می زنند. در این کار با عده ای دیگر قرار می گذارند که می توانند به ازای هر ساعت، یک صد و سی تومان بیعانه پرداخته و قبض موقت دریافت کنند تا در صورتی که بقیه مخارج را هر ساله پرداختند، پس از هفت سال سند چاه به نام آنان شود. چاه زده می شود، آب بالا می آید؛ اما پس از بهره برداری کوتاهی متوجه می شوند که چاه کج حفر شده است. بدین ترتیب رشته ها پنبه می شود و مخارج هنگفتی به دنبال می آورد. عده ای که قبض موقت دریافت کرده بودند، چون چاه را خراب می بینند؛ حاضر به قبول اقساط آن نمی شوند. مدتی چاه بسته می ماند. سازمان مذکور، متقاضیان وام را احضار کرده و پول می خواهد. آنان بالا جبار برای رساندن قسط، چاه دیگری حفر می کنند. دومین چاه حفر می شود و آب بالا می آید. اشخاصی که بیعانه داده بودند، پولش را به حساب آب گذاشته و از شریک شدن منصرف می شوند و از آن زمان تا کنون که شانزده سال می گذرد؛ مستأجر آب هستند و اجاره خط داده اند. اما قبض موقت شانزده سال پیش، در دست آنان است. با توجه به این که چاه قبلی، هنوز دست نخورده در چند متری این چاه است. آیا می شود از این قبض موقت استفاده نموده و گفت اجاره هایی که داده ایم عوض قسط حساب کنید و ما هم شریک این چاه هستیم؟ نظرتان را در این مسأله بیان فرمایید.

بسمه تعالی، بدون معامله جدید، در چاه دوم شریک نمی شوند.

ص: 415

بسمه تعالی

پدر فردی، مدتی در قسمتی از روستایی مالک بوده و بعداً ملك خود را به گیری فروخته. فرد مورد نظر پس از چندین سال در اثر تردّد و مراوده با اهالی آن روستا زمین کشت قبول نموده و مثل سایر روستاییان صاحب جوار و نسق زراعی می شود. ضمن اشتغال به زراعت در قطعه زمینی هم قلمه کاشته و پس از چهار سال به سبب گرفتاری با دو نفر عمرو و زید با شرایط زیر قرار شراکت گذاشته: 1. دیوار کشی 2. اضافه کردن به قلمه ها 3. آبیاری و مواظبت و نگهداری، ضمناً در موقع بهره برداری نصف قلمه ها مال خود فرد و نصف دیگر متعلق به دو نفر عمرو و زید که بالسویه تقسیم نمایند و زمین قلمه زار نیز مال صاحب اصلی یعنی همان فرد باشد بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی در غیاب صاحب زمین، شراکت نامه ای نیز با شرایط فوق الذکر به وسیله معلم روستا تنظیم و یک برگ هم به فرد مورد نظر تحویل می دهند که فعلاً موجود است پس از چند سال زید فوت می نماید و فعلاً ورثه های زید همگی کبیر هستند دو یا سه نفرشان ادّعا دارند که در زمین فوق هم حقی دارند و راضی نمی شوند قلمه ها را که قابل استفاده بوده و مورد نیاز فرد می باشد تقسیم و قطع نمایند در صورتی که دو بار نیز تا کنون علاوه بر قلمه های خشک شده در حدود چهل اصله از قلمه ها را بدون اطلاع و اجازه شریک قطع کرده و برده اند. ضمناً عمرو و شریک دیگر که زنده و در حال حیات است به کلیه شرایط اقرار نموده و اظهار می نمایند که به شروط شراکت از قبیل دیوارکشی و غیره نیز عمل نموده اند. لطفاً چگونگی فتوای این مسأله را از نظر شرعی ذیلاً مرقوم فرمایید. با تقدیم احترام

بسمه تعالی، ورثه زید در زمین احیا شده نفر مذکور حق ندارند و اصل هر قلمه که ملك یکی از آن سه نفر باشد خود آن قلمه هم ملك او است و اگر دو نفر شریک صاحب قلمه باشند اجرت المثل زمین را نسبت به مقدار

ص: 416

قلمه ای که دارند بدهکار هستند و در هر صورت می توانند به هر نحو بخواهند تراضی کنند.

[سؤال 7561] 3925

بسمه تعالی

حضرت مستطاب، مرجع تقلید شیعیان جهان، آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه، سلام علیکم، خداوند حضرت عالی را از گزند حوادث به دور، و در کلیه کارهای خیر موفق و پیروز بدارد.

این جانب اجازه تأسیس یک کارخانه را از وزارت صنایع اخذ نموده ام. قبلاً هم با تعدادی از افراد متدین که سرمایه ای در دست دارند، برای سرمایه گذاری صحبت کرده بودم. قرار شد سرمایه از آن ها، و کار از بنده باشد (مضاربه). امروز که می خواستم پیش نویس قرارداد را تهیه نمایم، صفحات 161 تا 163 از جلد دوم رساله نوین، را به دقت مطالعه نمودم، متوجه شدم که احتمالاً به این قرارداد، مضاربه صدق نمی کند. لذا موضوع قرارداد را ذیلاً به استحضار می رسانم، تا راهنمایی فرمایید:

1. موضوع قرارداد احداث و اداره کارخانه ای برای تولید الکتروود می باشد.

2. این جانب در دوره ساخت کارخانه و نیز در دوره بهره برداری به عنوان عامل سرمایه گذاران خدمت خواهم نمود. در دوره ساخت کارخانه حقوقی نخواهم داشت، ولی در دوره بهره برداری از سود خالص، سهم خواهم داشت.

3. این جانب در مدیریت کارخانه، استخدام، خرید مواد اولیه و فروش محصول کارخانه فعالیت خواهم داشت و مستقیماً در تولید کالا دخالت ندارم.

4. این کارخانه در حدود صد نفر مهندس، تکنیسین و کارگر خواهد داشت، که به وسیله این جانب استخدام خواهند شد و حقوق و سایر هزینه های آن ها، از درآمد حاصل از فروش محصول کارخانه پرداخت خواهد شد.

5. در پایان سال پس از کسر کلیه هزینه ها، از قبیل خرید مواد اولیه، سوخت،

ص: 417

دستمزد، هزینه های بانکی، استهلاکات، مالیات و غیره از ارزش فروش، سود خالص محاسبه و به صورت و بین عامل و سرمایه گذاران تقسیم می شود.

6. چون در دو سال دوره ساخت کارخانه این جانب حقوقی دریافت نخواهم داشت و نیز طبق محاسبات، پیش بینی می شود که در سال اول بهره برداری، این کارخانه ضرر می کند، و در سال دوم سود نخواهد داشت؛ لذا قرارداد بین عامل و سرمایه گذاران ده ساله منعقد می گردد، تا کار بدون مزد چهار ساله عامل، در شش سال بعدی جبران گردد.

بسمه تعالی، در مفروض سؤال، صاحبان سرمایه می توانند با عقد شرکت و مخلوط کردن سرمایه نقدی، اقدام به تأسیس و راه اندازی و بهره برداری کارخانه نمایند، که سود و زیان به نسبت شرکت در سرمایه بین آنان توزیع می شود، و مدیرعامل را می توانند به صورت اجیر یا وکیل در انجام کارهای کارخانه، در برابر اجرت معین و در مدت معین، با تعیین نوع کار استخدام نمایند.

[سؤال 7562] 3926

بسمه تعالی

خدمت ذی شرافت امید مستضعفین، رهبر پیغمبر گونه، آیت الله العظمی السید الخمینی دامت برکاته

معروض می دارد تکیه پاراچپا، دکان ها و منزل ها دارد که منتظمین آن تکیه آن ها را به اجاره می دهند. بنده هم يك دکان را به اجاره معینه گرفته ام، ولی در حال حاضر بنده نمی توانم در آن خودم تکسب نمایم؛ چون برای آن فارغ نیستم. ولی يك شخص دیگر از من خواسته که او به سرمایه خودش در آن دکان تکسب نماید و چون دکان تعلق به بنده دارد؛ یعنی من اجاره نموده ام و آن شخص سرمایه می گذارد و تکسب می کند، لهذا منفعت، نصف مال آن شخص باشد و نصف دیگر مال بنده باشد. آیا

ص: 418

چنین معامله ای در شرع انور جایز خواهد بود و منفعت برای من حلال خواهد بود یا خیر؟ حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، معامله مشروحه بالا باطل است و منفعت تکسب به صاحب سرمایه اختصاص پیدا می کند.

[سؤال 7563] 3927

بسمه تعالی 1361 / 10 / 18

مقام منبع قلب تپنده ملت ایران، امید مستضعفان جهان، حضرت امام خمینی، دامت برکاته

ضمن عرض سلام، سه نفر شریک، زمینی را با دو حلقه چاه و ساختمان و یک موتور آب دو سال پیش خریداری نمودند مشروط به این که یکی از این سه شریک پول بدهد و دو شریک دیگر کار کنند، و هر سه نفر در ملکیت زمین و تأسیسات آب و ساختمان به طور مساوی شریک باشند و این شرط در عقد قرارداد و قولنامه و سند محضری موجود بوده و هست و آن دو نفر از درآمد تدریجی زمین پول اولیه آن شریک را داده و در این مدت، مبلغی را به شرکت پرداخته اند. با توجه به این که فشار کار و دایر کردن زمین های بایر و ساختن موتورخانه و موتور آب و پرورش گوسفندان متعدد و خرید ماشین آلات و غیره روی دوش این دو نفر شریک بوده، حال شریکی که پول داده مدعی است که شما دو نفر به زمین فقط سهیم هستید و به تأسیسات ساختمان و چاه و گوسفندان و ماشین آلات حقی ندارید. ضمناً شریکی که پول داده، کاغذی از فروشنده غیاباً گرفته برای چاه و ساختمان که تا امروز از ما مخفی بوده است. مستدعی است نظر مبارک را مرقوم فرمایید. با تقدیم ادب و احترام

بسمه تعالی، شرکت کار و سرمایه به نحو مزبور در ورقه، باطل است و زمین و تأسیسات متعلق به صاحب سرمایه می شود و کسی که کار کرده، اجرت المثل کار خود را استحقاق دارد و اگر نزاعی در بین دارند به محاکم

ص: 419

صالحه قضایی مراجعه کنند، ولی اگر زمین و تأسیسات را برای هر سه نفر خریده باشند، هر يك سهم الشركة خود را از آن اموال مشترك حق دارد و منافع به دست آمده، به نسبت شرکت در مال، بین شرکا تقسیم می شود.

[سؤال 7564] 3928

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً به استحضار می رساند: پدر این جانب حدود سی و هشت سال قبل در فیجان اراك فوت نموده و دارای شش فرزند ذکور بوده است. پس از فوت پدر، ما برادرها مشترکاً کار می کردیم و در آخر هر سال، درآمد حاصله را مشترکاً به صورت مساوی ما بین هم تقسیم می کردیم، بدون این که هر يك سرمایه ای مشخص عنوان کرده باشیم. پس از مدتی به تدریج از هم جدا شدیم و هر يك سهم خود را دریافت نمود. در خاتمه، ما دو برادر باقی ماندیم که یکی از دو نفر نیز چندی قبل فوت نمود. پس از فوت ایشان، معلوم گردید که نامبرده سالیان دراز بدون اطلاع طرف ذی سهم، مخفیانه برای خودش کار می کرده است و سود آن را هم در آخر سال اطلاع نمی داده است. با توجه به این که هیچ کدام از طرفین از سرمایه یکدیگر اطلاع نداشته ایم و شرکت نامه ای هم در بین نبوده است و محل کارمان نیز جدا و حرفه هایمان متفاوت بوده و فقط به این اکتفا می گردیده که در آخر هر سال بنده و شخص متوفی، روی يك قطعه کاغذ ارقامی را می نوشتیم که مثلاً این قدر کار کرده ایم، استدعا دارم این جانب را مطلع فرمایید که آیا شخص متوفی شرعاً مجاز بوده که برای خودش کار کند و به این جانب اطلاع ندهد؟ و آیا اصولاً چنین شرکتی به طور کلی با اصول اسلامی منطبق می باشد؟ تقاضا دارم در دو قسمت فوق الذکر، نظریاتتان را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، شرکت به نحو مذکور صحیح نیست و درآمد کسب هر يك مربوط به خود او است و هیچ يك حقی نسبت به درآمد دیگری ندارد.

ص: 420

بسمه تعالی

محضر مقدس حجت الاسلام و المسلمین حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، مدّ ظلّه العالی، پس از سلام، به استحضار می رساند:

طبق قوانین جاری، شرکت هایی به اسم «شرکت های سهامی» با مشخصات زیر برای انجام امور تجارتي و انتفاعی تشکیل می گردد:

1. سرمایه شرکت به سهامی مساوی تقسیم و توسط افراد پرداخت می گردد؛

2. مسئولیت صاحبان سهام، محدود به سهام آن ها است؛

3. تصمیمات معمولاً به اکثریت آراء گرفته می شود (نه اتفاق آراء)؛

4. هر سهم دارای يك رأی می باشد؛

5. شرکت زیر نظر هیأت مدیره و مدیر عامل - به انتخاب صاحبان سهام - اداره می گردد؛

6. با فوت احد شرکا، به موجودیت و کار شرکت لطمه ای وارد نشده و فقط سهام و سود سهام به ورثه منتقل می گردد؛

7. شرکت با امضا و تصدیق دولت، یعنی با ثبت شرکت در دفاتر دولتی به وجود آمده و انحلال و تصفیه اموال و حساب های شرکت بر طبق مقررات کشوری بوده و حتی حساب ها غالباً با نظر دولت بررسی و بازرسی می گردد؛ به عبارت دیگر، چنین به نظر می رسد که دولت برای این قبیل مؤسسات، «شخصیت حقوقی» خاصی را (مجزاً از شخصیت افراد مؤسس) اعتبار نموده که طبق ضوابط معینی می بایستی به وظایف تجارتي خود قیام و اقدام نماید.

اینک با عرض مراتب، تمناً دارد نظر مبارك را درباره صحت تشکیل این قبیل شرکت ها و اعمال و تصرفات و معاملات و قراردادهای منعقدّه با آن امر فرموده مرقوم دارند.

بسمه تعالی، صحت شرکت منوط به این است که سرمایه، نقدی و قابل

امتزاج باشد و پیش از به کارگیری، امتزاج حاصل شود؛ تصرف در مال مشترك، موقوف بر اجازه تمام شرکا است؛ شرکت از عقود جایزه است و با فوت یکی از شرکا باطل نمی شود؛ گرچه شریک نمی تواند بعد از مردن شریکش تصرف کند و هر يك از شرکا به نسبت شرکت در سرمایه، در امور مربوط به شرکت مسئولیت دارد؛ و هر شریک هر مقدار سهم داشته باشد يك رأی دارد؛ و شرکت می تواند شخصیت حقوقی داشته باشد؛ و مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است.

[سؤال 7566] 3930

بسمه تعالی

محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی امام خمینی، دام عزّه العالی

محترماً، معروض می دارد: امروزه هر صنفی با مبالغی که به عنوان سهام از افراد خود دریافت می دارد، شرکت تعاونی ای تشکیل داده و به وسیله این شرکت، از دولت جنس می خرد و به نسبت در اختیار سهام داران قرار می دهد و با سودی نازل به آن ها می فروشد، که با نرخی معین و ضوابطی مشخص، در معرض فروش قرار دهند. با توجه به این که تلف و یا هرگونه خسارت وارده بر جنس به عهده صاحب سهم است، بفرمایید اولاً: سهام داران، خود مالک هستند یا عنوان شرکت؟ ثانیاً: چنانچه افراد صاحب سهام از نرخ تعیینی و یا ضوابط دولت و شرکت تخلف نمایند، معاملات آنان چه صورت دارد؟ آیا مرتکب فعل حرام شده یا معامله رأساً باطل است؟

از درگاه خدای تبارک و تعالی، طول عمر آن رهبر عظیم الشان اسلام و مسلمین، و پیروزی ملت شهادت طلب کشور اسلامی ایران را خواستار است.

بسمه تعالی، در شرکت، صاحبان سهام مالک هستند و تخلف از نرخ تعیین شده و سایر ضوابط دولت و شرکت جایز نیست و در صورت تخلف، حق فسخ برای دولت و شرکت ثابت است.

ص: 422

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، مستدعی است حکم شرعی سؤال ذیل را مرقوم بفرمایند:

قرارداد شراکت در سهام فروشگاه الکتریکی درخشان نو، فیما بین صاحب فروشگاه، و متقاضی شراکت در سهام، که متقاضی مبلغ سه میلیون ریال وجه نقد به صاحب فروشگاه تحویل می دهد و از قراری که حساب شده، مقرر گردید همه ماهه مبلغ نه هزار و پانصد ریال بابت سود سهامش، از صاحب مغازه تحویل بگیرد. و متقاضی هر موقع فراغت داشت، در فروشگاه همکاری نماید. کار این فروشگاه صرفاً خرید و فروش لوازم الکتریکی است. ضمناً صاحب مغازه موظف است در تمامی موارد، سود و زیان مغازه را به استناد مدارک فروش و غیره، با مبلغ قرارداد مذکور تطابق، و به توافق طرفین برساند. نظر به این که سود دو ماهه اخیر کاهش یافته است، سود پرداختی نیز به مبلغ 85000 ریال تقلیل یافته است. والسلام

بسمه تعالی، اگر سود حاصل از مجموع سرمایه را به نسبت سهام تقسیم می نمایند و مبلغ مذکور سهم سود شریک است، مانع ندارد، ولی چنانچه پول را می دهد که از قرار هر ماه، مبلغ معینی سود بگیرد، ربا و حرام است.

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً، بدین وسیله از مسئولان آن دفتر استمداد می خواهیم. موضوع، شراکت یک باب منزل مسکونی بین دو برادر، با سرمایه متفاوت است. سرمایه برادر کوچک 000/270 تومان، و سرمایه برادر بزرگ 000/110 تومان است. سند منزل قانوناً سه دانگ به سه دانگ، به نام دو برادر است و زحمت ساختن منزل را برادر

بزرگ به عهده داشته است.

لفظاً قرار بر این شده بود که با هم زندگی کنیم و اگر روزی خانه را فروختیم، هر کس سرمایه خود را از میان بردارد و در استفاده خانه، نصف به نصف شریک باشیم. اکنون قصد فروش است. برادر کوچک می گوید: هر کس به نسبت سرمایه خود باید استفاده ببرد. و ایشان سرمایه بیشتر گذاشته است. با توجه به قرارداد لفظی فوق الذکر، حکم شرعی چیست؟ پاسخ نامه ممهور به مهر آن دفتر می تواند اختلاف ما را حل نماید.

بسمه تعالی، اگر قرار مذکور به صورت شرط در ضمن عقد بوده، باید طبق آن عمل شود و الاً ربح به نسبت سرمایه تقسیم می شود و در صورتی که زحمت برادر بزرگ تر در ساختن خانه، با اذن دیگری و عدم قصد مجانیت بوده، حق مطالبه اجرت المثل، در مقدار سهم برادر دارد.

[سؤال 7569] 3933

بسمه تعالی

با سلام خدمت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، مرجع تقلید شیعیان جهان، حضرت امام خمینی و با درود به شهیدان و رزمندگان جان بر کف نبرد حق علیه باطل و با آرزوی پیروزی اسلام و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مسأله ای که موجب اختلاف بعضی از برادران گردیده، احتیاج به فتوای حضرت عالی دارد، که خواهشمند است راهنمایی نمایید.

فروشگاهی به نام تعاونی اسلامی در مسجد صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افسریه تشکیل شده است. سرمایه این فروشگاه، مقداری از بانک قرض الحسنه مسجد و مقداری از برادران فعال در مسجد می باشد. حالا این فروشگاه تعطیل شده و در عرض فروش، مبلغ سی هزار و چهار صد تومان سود داشته است. آیا جایز است بانک قرض الحسنه مبلغی را به عنوان سود طلب کند؟ آیا ربا محسوب نمی شود؟ با توجه به این که دفتر

ص: 424

مسجد را، فروشگاه کرده بودند و مکانی دیگر نداشته و با توجه به این که اگر در مورد گرانی اعتراض می شد، مسئولین می گفتند: جای دوری نمی رود، کمک به مسجد است، آیا تمام این سود نایستی خرج مسجد شود؟ و آیا کسانی که پول گذاشته اند، سهمی می برند؟

نکته قابل توجه این که در اول تأسیس، اصل تبلیغ جهت مسجد بوده و از همان اول اعلام کردند که بایستی در مسجد باشد، تا مردم بیشتر به مسجد بیایند. خواهشمند است نظر حضرت عالی را ذکر نمایید، تا ناراحتی و کدورت از بین برادران به دور ریخته شود. من الله التوفیق

بسمه تعالی، سود حاصله به نسبت سرمایه، تعلق به صاحبان پول دارد، اگر از صندوق قرض الحسنه به حساب مسجد وام گرفتند، سود مقدار وام تعلق به مسجد دارد وگرنه متعلق به صندوق قرض الحسنه می شود و سود کسب ربا نیست.

[سؤال 7570] 3934

بسمه تعالی 1361 / 2 / 7

محضر مبارک رهبر گران قدر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

موضوع: مسأله محاسبه سود تعاونی مصرف اسلامی پشتیبانی منطقه دو شیراز

1. شرکت تعاونی مصرف اسلامی پشتیبانی منطقه دو شیراز، با سرمایه حدود پانصد هزار تومان - که اصل سرمایه توسط ابواب جمعی پشتیبانی منطقه دو شیراز جمع آوری شده - تشکیل گردیده و هم اکنون فعالیت آن در خصوص تأمین و توزیع مایحتاج عمومی به پرسنل نظامی و عامه مردم می باشد.

2. کلیه امکانات، ساختمان های فروشگاه، انبار، یخچال، خودرو جهت حمل بار، تلفن و آب و برق و پرسنل گرداننده شرکت، متعلق به ارتش جمهوری اسلامی ایران و

ص: 425

در حقیقت بیت المال است. این شرکت کمتر از يك سال است که تأسیس شده و خدمات آن جهت خدمت به عامه مردم و جلب رضای خداوند است.

3. برابر روش اداره تعاون و قانون شرکت های تعاونی که در سراسر مملکت حاکم است، تقسیم سود به این ترتیب است که سود حاصل از معاملات با غیر اعضا (در مورد این شرکت عامه مردم) به ذخیره قانونی غیر قابل تقسیم منتقل می شود و در زمانی که شرکت منحل شود، ذخیره یاد شده به بیت المال منتقل، و در اختیار وزارت بازرگانی قرار خواهد گرفت.

درآمد حاصل از معامله با سهام داران، بین اعضای سهامدار به نسبت معامله ای که انجام داده اند در پایان سال تقسیم خواهد شد، البته سه درصد سود ویژه سالانه کلیه تعاونی ها جهت مسائل آموزشی، به وزارت بازرگانی پرداخت می شود، و معادل حداکثر نرخ اوراق قرضه دولتی، یعنی 5/10 درصد جایزه سهام سالانه به اعضا داده می شود، که قسمتی از این جایزه مشمول مالیات می باشد. حال، با توجه به این که بسیاری از امکانات شرکت - به طوری که به استحضار رسید - متعلق به بیت المال بوده و عامه مردم نیز از آن استفاده می نمایند، آیا برگشت سود به سهام داران شرعی است یا بایستی کاملاً به حساب ذخیره قانونی و بیت المال واریز شود؟ راه و روش شرعی آن به چه صورت است؟ آیا استفاده بیت المال به شرح فوق، مباح است یا خیر؟

از آن جا که این تعاونی به نام اسلام بنیان گذاری شده، از محضر آن رهبر عزیز تقاضا دارد، این تعاونی را راجع به سود سهام داران و سهم بیت المال ارشاد فرمایند، تا این تعاونی براساس ضوابط اسلامی پایه گذاری شود. والسلام

بسمه تعالی، استفاده از مکان و امکانات مربوط به بیت المال، باید با اجازه قانونی مسئولین مربوطه باشد و سود حاصله از معامله با سرمایه مشترک، به نسبت شرکت در سرمایه بین شرکا تقسیم می شود و اختیار سهم هر يك از شرکا، با مالك شرعی آن سهم است.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، پدر بزرگوارم، سلام عرض نموده و از خداوند توفیق هرچه بیشتر را برای شما خواهانم. این جنبه مسؤل کتابخانه مسجد باب الحوائج هستم که درس طلبگی می خوانم. در درس فقه به مسأله ای برخورد کردیم که در آن، بین شاگردان و استاد جر و بحث در گرفت. البته این را می دانیم که در احکام دین، باید یا مجتهد بود تا بتوان احکام را از روی دلیل به دست آورد یا باید از مجتهد تقلید کرد. ما مقلد امام خمینی هستیم و این مسأله را قبول می کنیم؛ اما برای قانع کردن استاد خود در این مسأله، می خواستم از شما درخواست نمایم تا توضیحی دهید که چرا باید چنین باشد.

مسأله 2147. اگر قرار بگذارند که همه استفاده را يك نفر ببرد، صحیح نیست؛ ولی اگر قرار بگذارند که تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از آنان بدهد، شرکت و قرارداد هر دو صحیح است. (احکام شرکت)

مثلاً: اگر در شرکتی 100 نفر شریک شوند و قرارداد ببندند که اگر نفعی آمد، همه ببرند و اگر ضرری آمد 99 نفر از آن شریکان از ضرر، چیزی حاصلشان نشود، ولی يك نفر آن ها، تمام ضرر را قبول کند، آیا این مسأله از نظر احکام و عقل درست می شود؟

اماما؛ ای ناجی مستضعفین، حرف هایت را با گوش می شنویم و بر دل حك می کنیم؛ باز هم هدایتمان کن؛ عمرت به سلامت باد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر شرطی در بین نباشد هر يك از شرکا، به نسبت سرمایه، در سود و زیان شریک است ولی مانع ندارد در ضمن عقد شرط کنند ضرر یکی را دیگری جبران نماید.

ص: 427

بسمه تعالی

با درود به شهیدان راه اسلام و رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

دفتر محترم امام سلام، پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی و طول عمر برای امام عزیز، خواهشمندم دستور شرعی را داده و عین نامه را به آدرس بازگشت دهید.

رسماً با کسی شراکت نامه ای برقرار نموده ایم و یک سال و نیم از فسخ قرارداد گذشته است. طرف می گوید که سرمایه تو و سود را نگه داشته ام که قرارداد را تجدید کنی وگرنه جوابی به تو نمی دهم.

دعاگوی همیشگی شماها، سرپرست یک خانواده هشت نفری، مهر امام مورد حاجت است.

بسمه تعالی، شرکت از عقود جایزه است، هر یک از شرکا هر وقت بخواهند می توانند شرکت را فسخ کنند و مطالبه فصل شرکت نمایند.

بسمه تعالی

عده ای شرکتی تأسیس کردند با سرمایه ای که هر کدام به طور مساوی پول داده اند. یکی از آن ها به واسطه احتیاج به پول اظهار داشته: نصف پولی را که داده ام به من بدهید؛ بقیه را که نصف دیگر آن باشد به خودتان بخشیدم. آیا این عمل صحیح است یا نه - البته این بخشش اجباری است - و شرعاً جایز است یا نه؟

خداوند سایه مبارکتان را بر سر همه مسلمین جهان مستدام بدارد.

بسمه تعالی، عقد شرکت از عقود جایزه است و هر یک از شرکا می توانند عقد را فسخ و مال خود را مطالبه کنند، مگر آن که در ضمن عقد دیگری شرط کنند که عقد شرکت را فسخ نکنند؛ و بخشش اگر از روی اختیار و رضایت نباشد مؤثر نیست.

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته و ادام الله ظلّه

طی عرض سلام و تحیّت، معروض حضور شریف می دارد: این جانب چند سال قبل زمینی را که متعلق به بنده بود با دو نفر به عنوان نانوایی با سرمایه متساوی ساختمان کردیم و قرار شد در مقابل زمین، همه کارهای ضروری و لازم نانوایی، به عهده آن دو نفر باشد و مشارالیهم در مقابل کارشان، به عنوان روزمزد حقوقی بردارند و نتیجتاً در نفع و ضرر، مشترک باشند و این قرارداد گرچه از نظر مدت و زمان معین نشده و مدت آن تعیین نشده است، ولی ظاهر کار این بوده است که مادامی که آقایان می توانند کار بکنند و از عهده نانوایی بر بیایند، حق نکول نداشته و نمی توانند قرارداد را به هم بزنند؛ و با این وضع آیا یکی از طرفین، مخصوصاً از طرف کارکنان که عهده دار کارند می تواند از قرارداد نکول کرده و شرکت را به هم زده و فسخ نمایند؟ و در صورتی که جایز باشد، به چه صورتی می توانند به هم زده و فسخ نمایند؟

مقتضی است و خواهشمند است جواب مسأله را مشروحاً توضیح فرمایید. بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد خارج لازم، شرط مدت برای شرکت نشده، هر یک از شرکا هر وقت بخواهند می توانند شرکت را به هم بزنند و از ادامه کار شرکت خودداری نمایند.

دفتر حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی

سلام علیکم، چند مسأله شرعی برای برادران شرکت کننده در انجمن اسلامی بانک تجارت پیش آمده که ذیلاً به عرض می رسد تا فتوای امام را در باره این مسائل مرقوم و ارسال دارید.

1. بانک ایرانیان سابق در سال 57 در دست شخصی به نام هژبر یزدانی بوده که با شرکت سیتی بانک نیویورک که امریکایی بود اداره می گردید، در اوایل سال 57 با شروع تظاهرات و آغاز درگیری های خیابانی بانک امریکایی که احساس خطر کرده بود، سهام خود را به هژبر یزدانی فروخت و هژبر یزدانی سهام را ظاهراً به نام کارمندان بانک خرید و بعداً مقداری از این سهام را در برابر وام به کارمندان واگذار نمود و سپس اعلام افزایش سرمایه کرد و در برابر هر یک سهم یکهزار ریالی که به سه هزار ریال به کارمندان فروخته بود یک سهم یکهزار ریال دیگر صادر کرد و این کار باعث شد یک عده وابسته به حکومت منفور پهلوی و سرمایه داران فرقه بهائیت سود زیادی ببرند و یک عده که در برابر اینان بودند و یا مخصوصاً برای کوتاه کردن دست اینان از بانک سهام خریده بودند و یا ندانسته این کار را کرده بودند دچار ضرر شدیدی شوند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و سپس ادغام بانک ها که باعث شد بانک ها از ورشکستگی نجات پیدا کنند، بانک مرکزی اعلام کرد به سهام دارانی که سهام کمی در بانک ها دارند پولی به مبلغ اسمی سهام پرداخته می شود و این کار را هم در اواخر سال 60 انجام داد، بعضی از برادران و همکاران نیز از این مسأله منتفع شدند و سهامشان را بانک خرید و پول هایی که البته زیاد هم نمی باشد به ایشان داده شد و سهامشان طبق قانون در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت.

حال استدعا دارد مشخص فرمایید آیا این پولی که دولت جمهوری اسلامی در برابر خرید سهم بانک این اشخاص داده است حلال می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، پولی که دولت بابت خرید سهام داده حلال است.

2. می دانید در ادارات از اقلیت های مذهبی وجود دارند و با مسلمان ها از لیوان ها و فنجان های واحد استفاده می کنند، استدعا دارد اولاً مشخص فرمایید اقلیت های کلیمی و ارمنی و زرتشتی که در ایران هستند پاك یا نجس می باشند و استفاده از لیوان و فنجان مورد استفاده توسط آنان چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، در اموری که مشروط به طهارت است باید طهارت را مراعات کنند.

3. با این که بانک ها در اختیار دولت اسلامی است هنوز ربا می گیرند، البته قبلاً از طرف برادران

طرح هایی تهیه و با دفتر آیت الله منتظری و کمیسیون اقتصادی مجلس در میان گذاشته شده است، ولی سؤال این است با این که بانک ها مشخص است که به پس انداز بهره می دهند و نرخ آن را هم مشخص کرده اند آیا بهره یا سودی که به پس انداز اشخاص داده می شود حلال است یا حرام است؟

بسمه تعالی، بهره پول ربا و حرام است.

4. برادری دارای يك دستگاہ اتومبیل است که از وام بانک خریداری کرده است این اتومبیل را برای رفت و آمد خود و خانواده اش استفاده می کند، آیا به این اتومبیل خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اتومبیل اگر برای استفاده شخصی است و به مقدار شؤون شخص است خمس ندارد.

5. همین شخص ساختمان دو طبقه ای خریداری کرده که کلاً از وام بانک بوده منتها در دو مرحله؛ یعنی اول حدود نود هزار تومان وام گرفته و خانه ای به این مبلغ خریده، پس از چند سال این خانه را فروخته به 267 هزار تومان و وام تازه ای به مبلغ 520 هزار تومان هم از بانک گرفته و خانه دو طبقه ای به مبلغ 660 هزار تومان خریده که طبقه دوم آن را به اجاره واگذار کرده و مبلغ سه هزار تومان ماهانه اجاره می گیرد و در برابر ماهانه چیزی بیشتر از این مبلغ قسط وام خانه را می دهد، و در طبقه اول خود این برادر و خانواده اش سکونت دارد، مستدعی است وضع خمس این خانه را معین فرمایید.

بسمه تعالی، پول فروش خانه قبلی خمس دارد و خانه دوم به مقداری که مورد حاجت و استفاده خودش است خمس ندارد و مقداری که زاید بر حاجت است و به اجاره واگذار نموده خمس دارد که هر مقدار از قسط آن پرداخت شده باید خمس آن را بپردازد.

[سؤال 7576] 3843

3. زمین مذکور، حصه ای که راجه سکندر خان برای خود برداشته بود زیاد بود، لهذا آب هم به مناسبت زمین تقسیم شده است دو شبانه روز برای حاکم مذکور و پنج شبانه روز برای باقی مردم، حالا مردم می خواهند که این جور نباشد یعنی آب بالسویه تقسیم شود یا اولاد سکندر زیاده از ما برای مرمت نهر زحمت بکشند و این خلاف رواج وطن ما است رواج ما این است که زمین زیاد باشد یا کم، برابر کار نهر را می کنند آیا قول مردم حق است یا خیر؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، باید هر يك از مالکین در تعمیر و مرمت نهر به مقدار سهم خود زحمت و مخارج را تقبل نمایند.

ص: 431

از حضور مبارك و محضر شريف نسبت به موارد زير استفتا و تعيين تكليف مي شود:

ما دو نفر برادریم، در سال 1346، این جانب 26 ساله و برادرم 18 ساله بوده که پدر و مادرمان قبلاً فوت شده بوده اند و برادرم در تحت کفالت و حضانت این جانب بوده است و جزئی املاکی که در فرخی بیابانک بین دو نفرمان مشاع بوده به وسیله این جانب به فروش رفته است و برای اطمینان خریداران نوشته کتبی داده ام که چنانچه از پول فروش آب و ملک، زمین و یا خانه ای خریداری شد، ایشان را شریک خواهیم کرد و قباله آب و ملک فرخی بیابانک به امضای طرفین رسیده و این جانب با صرفه جویی در حقوق و وام دریافتی از بانک و مبلغ یک صد و بیست هزار ریال حاصل فروش آب و ملک، دو نفری قطعه زمینی به مبلغ دویست و چهل هزار ریال خریداری و ملک به نام بنده تنها بوده است و زمین خریداری را پس از پرداخت مبلغ دویست هزار ریال مالیات و گذشت مدت ده سال و پرداخت مبلغ سیصد هزار ریال به عنوان جواز، به مبلغ هفت میلیون ریال (7/000/000) فروخته ام و یک باب منزل به مبلغ هشتصد و هشتاد هزار تومان (800/000) ریال) با وام دریافتی و پول فروش زمین مورد نظر در سال 1357 خریداری شده. آنچه مورد استفتا و سؤال است:

برادرم حالیه مدعی است که پس از تبدیل آب ملک فروش شده (فرخی) به زمین (سپس خانه) همان طور که در زمین خریداری شده شریک بوده ام و برادرم ترتیب اثر نداده، در این خانه نیز به سهم خود طبق تعهد کتبی پیوست نامه شریک هستم و این جانب در مقابل ادعای ایشان می گویم مدت هفت سال از اسفند سال 1341 تا سال 1348 مخارج زندگی و لباس و خرج تحصیل ایشان را تا مدرک دیپلم داده ام که مورد قبول ایشان نیز می باشد و ادعا دارم که مخارج وی را بیش از طلب وی پرداخت

کرده ام. لذا استدعا می شود با توجه به مراتب ابلاغ فرمایید که کدام یک از همدیگر طلبکار می باشیم. و حدود آن را مشخص فرمایید؟ با کمال احترام

بسمه تعالی، برای فیصله نزع به محاکم صالحه مراجعه نمایید.

[سؤال 7578] 3508

6. دولت در ضمن ثبت این مؤسسات امتیازاتی برای آن ها قائل شده و ضمناً علیه آن ها شرط هایی نیز قرار می دهد. مثلاً، قید می کند: هر کس یا هر مؤسسه از این مقررات تخلف کند، این مقدار بدهد یا یک ماه زندانی شود. یا اگر کسی چند ماه یا چند سال حق خود را از این مؤسسه تعقیب نکرد، حق یا طلب او ساقط است. این شرط ها به نحو شرط فعل یا شرط نتیجه، الزام آور است یا نه؟

بسمه تعالی، ثبت مؤسسه و غیر آن و شخصیت حقوقی دادن به آن ها، قراری است عقلایی با آن ها و شرایط در ضمن آن، حکم شرط در ضمن عقود لازمه را دارد و شروط مذکوره در سؤال، نافذ است.

[سؤال 7579] 3508

7. در شرکت های مشارالیه، شرط لزوم می کنند و انحلال آن را روی شرط خاص یا شرایطی یا به نظر دادگاه قرار می دهند و تصریح می کنند که ورشکستگی شرکت، غیر از ورشکستگی اشخاص شرکا باشد. آیا این شروط صحیحند یا نه؟

بسمه تعالی، شرط لزوم در ضمن عقد شرکت، صحیح نیست. ولی اگر دولت اسلامی در ضمن قرار خود با شرکت، شرط عدم فسخ شرکت، مطلقاً یا مقیداً یا شرط انحلال در مورد خاص بنماید، نافذ است.

[سؤال 7580] 3508

8. شرکت و تجارت خانه رسمی ملزمند که دفتر یا دفاتر مخصوص داشته باشند که این دفاتر بر له و علیه متعاملین حجت باشد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

ص: 433

بسمه تعالی

حضور محترم امام خمینی، ضمن سلام و زیارت از راه دور و تسلیت به امام پیرامون حوادث دلخراش شهر دزفول، به مسأله ای برخورد کرده ام که از رساله امام نتوانستم استفاده بکنم و این مسأله شرعی را خواستم با دفتر امام در میان بگذارم.

این جانب در موقع نوشتن این نامه در جبهه های حق علیه باطل هستم (قسمت تسلیحات لشکر 17 علی بن ابی طالب در اهواز) در موقع قرعه کشی خودرو، شخصی گفت: بیا شما هم شرکت بکن و من گفتم: پول ندارم. گفت: پول را من می دهم. پول را به مبلغ 30 هزار تومان آورد به من داد، بدون رسید و حرفی؛ و من از این آقا پرسیدم: برادر آخر این پول را چطوری به من می دهی؟! گفت: اگر درآمد، یک طوری می کنیم. حالا برنده پیکان وانت شده ام؛ حالا من می خواهم این ماشین را خودم بردارم برای کشاورزی ام؛ می توانم یا نه؟ بعد از دادن پول این آقا حاضرم چیزی هم به عنوان تشکر به این آقا بدهم؛ چون باعث این بوده است. از روی قانونی این ماشین به اسم من است و تا سه سال هم نمی توانم به اسم کسی بکنم. خود این برادر با دو نفر غیر از من شریک شده و پول به حساب ریخته؛ به اسم آن ها، خود این آقا گواهی نامه دارد؛ چون ورقه خاتمه خدمت ندارد، به سربازی نرفته، نمی تواند نام نویسی بکند. ولی بنده نمی خواهم بگویم که آدم بدی است؛ آدم خوبی است. حالا تکلیف من از روی شرعی چیست؟ من خودم حس می کردم که این می خواهد با من شریک بشود؛ ولی چیزی از این بابت هم با من حرف نزده است.

برادران بیت امام و دفتر امام! خواستار زیارت امام هستم؛ می خواهم به دست بوسی بیایم؛ خواهشمندم وقت آن را در این نامه برای من بنویسید.

بسمه تعالی، اگر پول را به شما تملیک نکرده و با پول او ماشین خریده اید، ماشین از صاحب پول است و شما در مقابل عملی که انجام داده اید

ص: 434

استحقاق اجرت دارید و اگر پول را به شما قرض داده ماشین ملك شما است و صاحب پول بیش از پول خود حق ندارد و اگر اختلاف دارید با یکدیگر مصالحه کنید.

[سؤال 7582] 3942

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی

با سلام و دعای فراوان

شخصی با تصدیق رانندگی شخص دیگری ماشین پیکانی را خریداری می نماید و صاحب تصدیق شرط ننموده است که در برابر این کار چیزی بگیرد؛ ولی پس از هجده ماه هنگام انتقال، مبلغی را مطالبه می نماید. آیا حق دارد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر در مقابل عملی ولو امضای دفتر، مطالبه مبلغ می کند حق دارد.

[سؤال 7583] 3943

بسمه تعالی 1361 / 10 / 19

محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی

ضمن عرض سلام، به استحضار می رساند:

1. من به یکی از بستگان نزدیکم پول دادم که در واگذاری اتومبیل سواری پیکان از طرف دولت شرکت نماید، با قید این شرط که اگر برنده شد با هم شریک باشیم؛ ایشان هم قبول کردند؛ بعد از قرعه کشی او برنده شده و اتومبیل را هم از کارخانه تحویل گرفته اند؛ اکنون اظهار می دارد که چون سواری به نام خودم هست، به شما به غیر از وجه دریافتی، در مورد ارزش آن، هر مبلغی دلم خواست می دهم؛ تقاضا دارم با عرض مراتب مذکور بفرمایید:

آیا من با او به نسبت مساوی شریک هستم یا خیر؟ با تشکر

ص: 435

2. در صورت نسبت تساوی و عدم قبول ایشان، وظیفه شرعی من با او چیست؟

بسمه تعالی، اگر پول را به او قرض نداده اید و با پول شما ماشین خریده، ماشین از شما است و او استحقاق اجرت کارش را دارد؛ و اگر به او قرض داده اید، ماشین از او است و شما بیش از پولی که به او داده اید حق ندارید.

3. باقیمانده مبلغی از صندوق قرض الحسنه ای جهت حفاظت در بانک به حساب پس انداز گذاشته می شود؛ از طرف بانک بهره ای به آن تعلق می گیرد؛ چون صندوق دار حقوقی ندارد جهت اداره آن آیا می تواند به عنوان کارمزد از آن بهره استفاده نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، بهره پول ربا و حرام است.

[سؤال 7584] 3944

بسمه تعالی 1361 / 9 / 18

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب امام خمینی دام ظلّه العالی

سه نفر شریک با سرمایه مختلف سرمایه های خود را به عنوان تجارت در اختیار یک نفر گذاشتند که مشغول به تجارت شود و به امید خدا منافع حاصله به شرح زیر تقسیم شود: سرمایه شش سهم و کار دو سهم آن شش سهم، سرمایه نیز به تناسب سرمایه دو نفر متساوی سرمایه پنج سهم و یک نفر آخر به تناسب کمی سرمایه یک سهم. این قرارداد بعد از هجده ماه تغییر می یابد، دو نفر از شرکا یکی سرمایه اش را به شریک متساوی سرمایه می فروشد و دیگری که سرمایه نداشته دست از کار می کشد و کنار می رود، دو نفر باقیمانده به صورت زیر تجدید قرارداد می نمایند، یعنی شریکی که یک سهم از منافع داشته متعهد می گردد کار تجارتخانه را نیز به عوض آن شریک قبلی که سرمایه نداشته به عهده بگیرد و دو سهم بابت این کار به نامبرده برسد که مجموعاً از هشت سهم سه سهم متعلق به ایشان باشد و پنج سهم بقیه متعلق به آن شریک که سرمایه قبلی خود و سرمایه شریک دیگر را خریده بود باشد و این قرارداد تقریباً سیزده ماه ادامه داشته تا این که در تاریخ 56/3/2 بین طرفین حساب می شود و منافع و سرمایه مشخص می گردد، و شریکی که کار به عهده گرفته کنار می رود، در

ص: 436

نتیجه منجر به نوشتن قرارداد دیگر می گردد که فتوکپی این قرارداد اخیر ضمیمه این مسأله است و به نظر مبارك می رسد. اکنون قریب پنج سال و اندی از آن تاریخ می گذرد و این تجارتخانه دستخوش تحولات و دگرگونی های وسیعی شده و بعد از دو سال که شخصاً آن را اداره نمودم اداره آن را به شرکای جدید محول نمودم و سه سال است به دست شرکا جدید اداره می شود.

توضیحاً این که بر طبق آن قرارداد مبلغ سه میلیون ریال طلب آن شریک به طور امانی نزد این جانب بود و ضمناً قرار بود سالیانه مبلغ پانصد هزار ریال به طور قطعی به نامبرده بپردازم که به علت عدم امکان مالی نتوانستم رأس موعد مقرر وجه تعهدی را بپردازم و همچنین وجه امانی را نیز صاحب امانت مطالبه ننموده بود، مع الوصف بعد از دو سال در آن تاریخ و در خلال سنوات اخیر بنده به دفعات مختلف مبلغ يك و نیم میلیون ریال به طرف رسانیده و اخیراً محاسبه کرده کل وجه امانی و تعهدی خودم را طبق آن قرارداد طی چك در وجه ایشان ارسال کردم که بریء الذمه باشم، لیکن طرف قرارداد از وصول چك خودداری و امضا و قرارداد خود را محترم نشمرده و بعد از گذشت این مدت متمادی که هیچ گونه مدخلیتی در این کار نداشته و رسماً از شرکت برکنار بوده اخیراً ادعای مشارکت دارد، با عنایت به جریان بالا که مشروحاً عرض شد تمنا دارد نظر مبارك را نسبت به این مسأله اعلام فرمایید.

1. آیا ادعای نامبرده مبتنی بر مشارکتش با این جانب از نظر شرع انور مسموع است؟

2. اگر مسموع است با توجه به این که هیچ گونه قراردادی مبنی بر مشارکت بین ما ردّ و بدل نشده تکلیف سود و زیان حاصله چیست؟

3. آیا نباید تکلیف طرفین نسبت به سرمایه و کار روشن باشد؟

4. آیا ایشان در سرمایه و کار این جانب بدون هیچ گونه مدخلیتی ذی نفع هستند؟

بسمه تعالی، اگر شریک در موقع کناره گیری تمام سهم شرکت خود را طبق ضوابط شرعی به شما منتقل ساخته که در مقابل آن مبلغی نقد یا اقساط به

او پردازید، در این صورت شریک پس از انتقال دادن سهم الشرکه حقی در اموال و سود آن ندارد و چنانچه نزاعی در بین باشد باید در محاکم قضایی حل و فصل شود.

[سؤال 7585] 3945

بسمه تعالی 12 / 11 / 1361

دفتر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

حسن و حسین یک مزرعه مشترك بالمناصفه به نام سعید آباد در بخش سرایان دارند که به وسیله دو حلقه چاه عمیق مشروب می شود (حسن در سرایان و حسین در مشهد سکونت دارد) ده نفر دیگر با هم شرکتی به نام طاهر آباد تشکیل و می خواهند بین دو حلقه چاه سعید آباد چاهی حفر نمایند. حسن و حسین شرکای سعید آباد مخالفت نموده و شکایتی در این مورد به اداره آبیاری تقدیم می دارند، اداره آبیاری شکایت را وارد ندانسته و پروانه حفر چاه برای شرکای طاهر آباد صادر می نماید، حسن که در محل بوده از در سازش درآمده و در چند سهم از چاه طاهر آباد شریک می شود. اینک که حسین به حسن مراجعه می نماید که سهامی را که در چاه طاهر آباد شریک شده نصف نماید می گوید من این سهام را برای خودم برداشته ام، در صورتی که اکثر شرکای طاهر آباد شهادت دهند که ما این سهام را به عنوان حق السکوت به مزرعه سعید آباد داده ایم نه به شخص حسن و به علاوه حسن مقداری از زمین شخصی حسین را در غیاب او به شرکت طاهر آباد مجاناً واگذار کرده که به راه و خیابان مزرعه طاهر آباد اختصاص دهند. با این تفصیل آیا حسن می تواند بگوید سهامی را که در چاه طاهر آباد شریک شده ام مال شخص خودم می باشد و ربطی به مزرعه سعید آباد ندارد؟ حکم الله را ذیلاً مرقوم فرمایید.

به امید آن روزی که مردم همه متشرع گردیده و اختلافات با یک استفتا حل شده و دادگستری تعطیل گردد.

بسمه تعالی، آنچه از سهام چاه جدید را حسن خریده ملک خود اوست،

ص: 438

مگر این که ثابت شود که از مال مشترك بين خود و حسين سهام را خریده که سهام مشترك بين هر دو خواهد بود، ولی اگر بعض سهام چاه جدید هبه شده، آن سهام ملك کسی می باشد که به او هبه شده با رعایت شرایط صحت آن.

[سؤال 7586] 3946

بسمه تعالی 1361 / 1 / 22

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه

لطفاً پاسخ سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید:

1. اگر شرکا بخواهند برای سرمایه گذاری در شرکت از دولت وام بگیرند و دولت شرط دادن وام را سرمایه گذاری مساوی در شرکت فوق الذکر به قرار دهد. آیا شرکا می توانند شرط را بپذیرند؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7587]

2. اگر دولت بگوید: چنانچه قرار باشد قسمت عمده وام شرکت را دولت تأمین کند و جهت تأسیس واحد تولیدی همه نوع حمایت به عمل آورد، لازم است شرکا با هم شرط کنند کلیه تأسیسات و تجهیزات و ابزارهای لازم برای تولید را که برای این شرکت خریداری می کنند بدون اجازه دولت نفروشند و هر وقت و به هر دلیل خواستند از شرکت جدا شوند به جای بردن قسمتی از دستگاه ها و ابزارها و به تعطیل کشاندن واحد تولیدی، ما به ازاء ریالی سهام و حقوق خود را از شرکت دریافت نمایند و آن سهام به دولت یا عضو جدیدی با اجازه دولت واگذار شود. آیا شرکا می توانند این شرط را بپذیرند؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

ص: 439

3. اگر دولت در مقابل پرداخت وام و تضمینات و حمایت های خود از واحد تولیدی و برای جلوگیری از رکود آن واحد، شرط کند که فوت هر يك از شركا به منزله جداشدن عادی شريك از شركت محسوب شده و سهام و حقوق او پس از تعیین ارزش ریالی عادلانه آن به يك نفر داوطلب دیگر با اجازه دولت واگذار و ارزش ریالی آن توسط داوطلب جدید به وارث شريك متوفی داده شود آیا پذیرش این شرط صحیح است؟

بسمه تعالی، این شرط صحیح نیست و وارث شريك در عین ترکه شريك استحقاق پیدا می کند.

بسمه تعالی

حضور دفتر امام امت، امام خمینی مرجع عالی قدر اسلام

اماما! چند سؤال شرعی و حقوقی برای این جانب و پدرم اتفاق افتاده که استدعا دارم ذیلاً جواب آن را مرقوم فرمایند.

1. دو سال پیش در اوایل انقلاب و به برکت انقلاب اسلامی، وامی به نام پدرم از بانک ملی در آمد. بانک به علت کهولت سنی پدر و مادرم (در حدود 75 تا 85) از پرداخت آن خودداری نمود. بنابراین آن ها مجبور شدند که آن را به دیگری منتقل نمایند و چون این جانب اولاً اولاد آخر و ثانیاً با آنان زندگی می کردم، به بنده پیشنهاد کردند. ابتدا به خاطر این که دارای چندین ورثه دیگر بودند و در آینده مشکلاتی به وجود می آید، قبول نکردم؛ ولی با آنان شرط کردم که اگر خانه را بخرم، پس از ازدواج اگر توانستم بمانم و اگر نتوانستم تا آخر عمر، آنان در آن جا زندگی کنند. پس از موافقت، وام را قبول کرده و مبلغ هفتاد هزار تومان کسری خرید خانه را از پدرم قرض گرفتم. متأسفانه پس از تأهل و به علت کوچکی خانه و ناسازگاری طرفین،

خواستم خانه را در اختیار آنان بگذارم. با توجه به این که باید منزل مسکونی برای خودم با مبلغ زیاد اجاره می کردم، پیشنهاد کردم که هفتاد هزار تومان شما در نزد من به عنوان دین بماند و قسط خانه که ماهی 80 تومان می باشد آن را پردازید. ولی ایشان گفتند که ما شریک می باشیم و باید مبلغ دویست هزار تومان در ازای تخلیه خانه بدهید. در ضمن توضیح می دهم که در ابتدای خرید خانه، حرفی از شراکت در میان نبوده و ایشان هفتاد هزار تومان را به عنوان قرض الحسنه به این جانب داده بودند. وقتی علت شراکت را پرسیدم، گفتند: قبل از خرید در نیت داشتم و چون فکر نمی کردم که قیمت ها به این صورت ترقی نماید از بیان آن خودداری نمودم.

سؤالی که از نظر شرعی و حقوقی از آن محضر شریف دارم این است:

اولاً، آیا می شود کسی از دیگری پول به عنوان قرض بگیرد و معامله ای انجام دهد و طلبکار بعداً ادعای شراکت نماید؟ و اگر از این معامله ضرری حاصل شد، با توجه به این که بیان نکرده بود، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، پول اگر بابت وام گرفته اید خانه به شما تعلق دارد و تنها مبلغ وام را بدهکار هستید و نیت طرف که شریک باشد کافی در شرکت نیست.

2. آیا به فرض این که طلبکار باطناً چنین نیتی داشته باشد، و به زبان نیاورده باشد، گرفتن مبلغ صدوسی هزار تومان استفاده پولی صحیح است؟ با توجه به این که این جانب مجبور به قرض آن از دیگری شدم؟

بسمه تعالی، وام دهنده تنها همان مبلغ وام را حق دارد مطالبه کند.

[سؤال 7590] 3948

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه

مستدعی است در بیان حکم این مسأله، این جانب را یاری فرمایید تا تکلیف ما روشن گردد.

در زمان حیات مرحوم والد، بر روی يك قطعه زمین که به نام اخوی سند و وکالت

ص: 441

بلاعزل گرفته بودند، با توافق وکیل و اجازه مجدد مالک زمین به عنوان کسب منفعت با مرحوم آقای والد شراکتاً با مباشرت این جانب، شروع به ساختن خانه کردیم؛ که از ابتدای شالوده تا پایان آن که رنگ ساختمان باشد، مدت يك سال کار ساختمان به پایان رسید و برای مخارج آن، از فروش ماشین و زمین و سایر وجوهی که به دست می آمد و با اعتبار سرمایه گذاری کردم و مقداری از قرض های آن را که باقیمانده بود، مرحوم والد پرداخت نمودند و به دلیل احتیاج، در منزل - با خریدن اثاثیه - سکنا گرفتند و يك نامه نوشتند که یا بروم بنشینم و یا اجاره بدهم و یا به قیمت اعلا بفروشم و بعد از يك مسافرت، رحلت فرمودند و به رحمت حق پیوستند و اینک اخوی که صاحب سند زمین بوده، منزل را اجاره داده و بهای اجاره را گرفته و ادعای مالکیت اعیانی را دارد.

خواهشمند است بفرمایید تکلیف ما چیست؟

ظَلَّ عَالِي تَا انْقِلَابِ حَضْرَتِ مَهْدِي (عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فِرْجَةَ الشَّرِيفِ) مُسْتَدَام بَاد

بسمه تعالی، اگر معلوم است که شما مخارجی از خودتان در ساختمان کرده اید، نسبت به آن مقدار، شریک هستید و چنانچه اختلافی هست باید در محکمه شرعیه حل شود.

[سؤال 7591] 4698

2. بیست و دو سال قبل زید از پول شخصی خودش، برای جلوگیری خانه از خرابی، شیروانی روی خانه کشیده است. اکنون که شرکا می خواهند منزل را قسمت کنند مخارج شیروانی را به زید می دهند؛ ولی می خواهند بدانند که آیا باید به قیمت مصالح آن روز حساب شود یا به قیمت امروز؟ اگر به قیمت آن روز حساب شود، آیا باید این طور حساب شود که با مبلغی که آن روز به مصرف شیروانی رسیده و همان روز مثلاً 5 متر زمین خریداری می شد و این وقت قیمت آن 5 متر مثلاً 100 روپیه است، باید همان صد روپیه را به زید بدهند یا طور دیگری باید حساب کنند؟

بسمه تعالی، به قیمت فعلی داده شود یا به قیمتی که مورد رضایت صاحب شیروانی باشد.

ص: 442

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی، مدّ ظلّه العالی

به عرض می‌رساند این که شرکت های تعاونی مصرف محلی، از طرف وزارت بازرگانی جهت رفاه مردم تأسیس شده و هیأت مدیره به وسیله خود ملت، بنابر اساسنامه وزارت بازرگانی تعیین شده و شرکت برای هر خانواری به طور سهام، در ازای مبلغی، مثلاً پانصد یا هزار تومان، یک دفترچه صادر کرده و برای سرمایه شرکت سهام خریداری کردند. اکنون مشاهده می‌گردد به واسطه کمبود اجناس لوکس، از قبیل یخچال و کولر و نعلبکی، این اجناس به بعضی از صاحبان سهام داده می‌شود و به بعضی ها نمی‌رسد، البته فیما بین به طور قرعه توزیع می‌گردد. آیا در این صورت نارضایی بعضی ها معامله را ابطال نمی‌کند؟ مستدعی است جواب را مرقوم، و با خاتم شریف مزین فرمایید.

بسمه تعالی، اگر بر طبق قراری که در وقت تأسیس شرکت در بین بوده و مطابق مقررات دولت اسلامی عمل کنند، مانع ندارد و موجب ابطال معامله نیست.

محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، بعد از سلام

چه می‌فرمایند در این مسأله که عمرو و زید کتابی مشترکاً چاپ کرده اند و نصفش به نام عمرو و نصفش به نام زید است. بعداً عمرو از زید تقاضا کرده، کتاب ها تماماً به نام عمرو باشد و در مقابل آن، عمرو به هر جلدی پنج تومان به زید پرداخت کند. الآن عمرو از پرداخت وجه موعود خودداری می‌کند؛ آیا عمرو مدیون است یا نه؟

بسمه تعالی، سهم شریک را اگر خریده، وجه آن را ضامن است؛ ولی اگر

فقط حذف نام شريك مورد نظر بوده، چیزی بابت آن بدهکار نیست؛ مگر آن که در ضمن عقد لازم شرط شده باشد.

[سؤال 7594] 3951

بسمه تعالی

دو برادر زمین زراعتی را مشترکاً خریده اند و بعد یکی از آن دو برادر فوت کرده است. متوفی چند وارث دیگر نیز داشته که عبارت باشد از مادر، دو برادر و خواهر ابوینی کبیر و دو برادر و خواهر امی صغیر. بعد مادر شخص متوفی فوت کرده و بعد از فوت مادر، برادر شريك، تمامی ملك مشاع را به شخص ثالث فروخته است در صورتی که خواهر و برادر کبیر در حین معامله از حقشان دفاع نکرده اند و خواهر و برادر صغیر نیز بعد از بزرگ ترها مطالبه حق نکرده اند. بعد از گذشت سی سال همه شان قیام کرده، دعوی حقوق می نمایند؛ آیا سکوت سی ساله موجب سقوط حقشان می شود یا خیر؟ در صورتی که حقشان محفوظ باشد، حریم ملك متنازع فیه که عبارت از زمین های احیا شده توسط مشتری باشد، چه حکم دارد؟ ملك احیا کننده است یا وراثت؟

بسمه تعالی، مسأله نزاعیه است و باید در محاکم صالحه حل شود.

[سؤال 7595] 3952

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی والمرجع الاعلی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

آقای الف و آقای ب دو برادرند. در حال جمع المالیک دستگاه ساختمان در خیابان کهنه تبریز خریداری نموده اند. نظر به این که آقای الف برادر بزرگ بوده، آن را به نام خود به ثبت رسانیده و در سند رسمی به نام ایشان ثبت می شود و در سال 1372، غرة ذی الحجه مطابق بیست و یکم مرداد ماه 1332 که این دو برادر ساختمان های مشترك بستان آباد را تقسیم کرده اند، تصریح کرده اند که ساختمان تبریز در شرکت

ص: 444

مانده و این قسمت نامه و اعتراف به شرکت با دست خط و مهر عالم محل و امضای آقای الف و شهادت دو نفر شاهد عادل که یکی از آن ها در حال حیات است تنظیم شده است. فعلاً وراثت آقای الف از سند ثبتی سوء استفاده نموده و حق وراثت آقای ب را نداده و نمی دهند و 27 سال است که در ساختمان، تصرف عدوانی کرده اند. حکم شرعی آن را هم از نظر اصل ملك و هم از نظر ضمان منافع بیان فرمایید. ادام الله ظلکم

بسمه تعالی، سند اعتبار شرعی ندارد و مسأله نزاعیه باید در محکمه شرعیه فیصله شود.

[سؤال 7596] 3953

بسمه تعالی 1361 / 10 / 7

محضر مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

با عرض تحیت و سلام، استدعا می شود در مسأله آتی الذکر نظر مبارک خودتان را مرقوم فرمایید.

شخصی کلیه سهام خود را به سهام داران دیگر شرکت فروخته و منافع خود را برداشت کرده؛ مع الوصف بین این شخص و بقیه سهام داران توافق به عمل آمد که فروشنده مذکور در عواید و منافع سه کارگاه از کارگاه های آن شرکت، از آن به بعد تا تاریخ اتمام عملیات محوله به آن سه کارگاه، شریک و سهیم باشد و اداره این سه کارگاه و هزینه های مربوطه به آن کلاً به فروشنده ارتباطی نداشته باشد و پس از انجام عملیات، ثلث سود حاصله مربوط به این سه کارگاه متعلق حق فروشنده گردد. حال با وصف فروش سهام شرکت، با این توضیح که سه کارگاه مذکوره نیز جزء همان شرکت بوده و می باشند، آیا شرعاً فروشنده سهام با توافق معروضه، شریک ثلث سود است، یا این که به استناد خروج فروشنده از شرکت و عدم استحقاق وی در استیفا سود و عدم تحقق عقدی از عقود معینه که سبب مملک باشد، نمی توان وی را منتفع در سود کارگاه های جزء شرکت دانست؟

ص: 445

تمنا می شود نظر عالی را اگر مقدور است بالنسبه تفصیلاً زینت بخش این برگ فرمایید. در خاتمه عمر و عزت آن سرور بزرگوار و شوکت اسلام و مسلمین را از خدای بزرگ مسئلت دارم و بعون الله تبارك و تعالی

بسمه تعالی، بعد از فروش سهم مشترك، شريك بودن در سود معنا ندارد؛ ولی چنانچه در عقد بيع یا عقد لازم دیگر شرط شده است که مقداری سود به فروشنده داده شود، لازم است به شرط عمل شود.

[سؤال 7597] 3954

بسمه تعالی 1361/7/21

حضور محترم مرجع عالی قدر و رهبر عزیز، امام خمینی

پس از عرض سلام، خواهشمند است نظر خود را نسبت به سؤال ذیل از نظر شرعی اعلام فرمایید.

این جانب به اتفاق چند نفر از فامیل ها از سال های قبل، شرکتی به نام شرکت تعاونی تشکیل داده ایم که هر يك مبلغی از 100 الی 2000 ریال در هفته به عنوان هفتگی پرداخت می نمایم که از پول های جمع شده، کارهایی به شرح زیر انجام می دهیم:

1. خرید برنج و فروش آن به صورت نقد و نسیه به اعضا و غیر اعضا با سود عادلانه.

2. خرید لوازم منزل به صورت نقد و فروش آن به طور نسیه به اعضا و بعضی مواقع هم غیر اعضای شرکت، با سود عادلانه در حدود سود بانک ها (لازم به توضیح است که برای خرید لوازم منزل، چون اکثراً فامیل هستند و قابل اعتماد، پول لوازم مورد نظر را به خریدار می دهیم تا خود نسبت به تهیه آن اقدام نماید).

3. پرداخت قرض الحسنه.

4. پرداخت سود در آخر سال به نسبت سرمایه اشخاص.

ص: 446

5. پرداخت 2 درصد از فروش کالا به دو نفر که مسئولیت کارهای شرکت را به عهده دارند.

بسمه تعالی، سود اگر از تجارت حاصل می شود نه نفع پول، حلال است و شرایط ذکر شده و پرداخت 2% مرقوم مانع ندارد.

[سؤال 7598] 3955

بسمه تعالی 1361 / 1 / 29

محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

به وسیله جهاد سازندگی يك دستگاه تراکتور به چهار نفر واگذار گردید که این چهار نفر در موقع درو و کشت، منطقه مربوط را از نظر کشت و غیره تأمین کنند. بعد از مقداری از زمان، در نحوه نگهداری تراکتور اختلافاتی بین آن ها بروز کرد، به این جهت به جهاد مراجعت کردند و با افراد مربوطه جهاد مشورت در حل اختلاف کردند. افراد مربوطه جهاد به چهار نفر اجازه دادند که هر نحو که می توانند اختلافات را حل کنند، اگر چه قرعه کشی باشد؛ لذا چهار نفر در محضر یکی از روحانیون محل حضور یافتند جهت حل و فصل تراکتور؛ ولی سه نفر آن ها خودشان حاضر بودند و نفر چهارم وکیل داشته قرار دادی. روحانی بومی در چهار نسخه بین آن ها مقرر نمود به عنوان این که قرعه کشی بکنند و هر کس قرعه به نامش درآمد، تراکتور به عهده او (مال او) باشد و وظایف قانونی جهاد را در منطقه مربوطه عمل نماید. بدین جهت قرعه کشی بعد از تنظیم قرارداد، واقع و به نام یکی از چهار نفر درآمد. سه نفر دیگر، قرارداد را امضا کردند و هر يك، یکی از نسخه های قرارداد چهارگانه را برداشتند.

مقداری پول که عاید تراکتور بوده در بین آن ها تقسیم گردید و هر يك بعد از امضای ورقه و گرفتن پول نصیب خود، متفرق شدند و کلید تراکتور را به کسی که قرعه به نامش بیرون آمده بود سپردند.

از این جریان حل و فصل و اسقاط حق جهت حفظ اموال بیت المال، مدت دو ماه،

ص: 447

سپری شد و ظرف این دو ماه، فردی از شرکا اعتراضی نداشت.

بعد از دو ماه، بهانه اعتراض را به میان درآوردند و رفتند جهاد و جهاد بعد از شنیدن جریان ورقه که به عنوان قرعه کشی و قطع نزاع بین آن ها به وقوع پیوست، فتوکپی از قرارداد قرعه کشی را اخذ، به پرونده ملحق و جهاد دستور داد به فردی که قرعه به نامش درآمد سررسید قسط را به حساب جهاد بپردازد و ایشان اطاعت کرد و قسط را پرداخت نمود.

بعد از مقداری از گذشت پرداخت، سه نفر دیگر مجدداً درخواست تراکتور نمودند و اوضاع بین ایشان تا حدودی شدید شد. آیا سه نفر مذکور بعد از قرعه کشی به اجازه جهاد، حق دارند قرعه را به هم بزنند و تراکتور خودشان (سهم) را پس بگیرند یا خیر؟ لطفاً جواب مسأله را روشن بیان فرمایید که باعث رفع اختلافات گردد.

بسمه تعالی، اگر تراکتور به شخص مذکور تملیک نشده و اختیار آن با جهاد است جهاد می تواند اجازه تصرف در تراکتور را به دیگران هم بدهد.

[سؤال 7599] 3956

بسمه تعالی

دفتر محترم امام خمینی قم

احتراماً از این که این دفتر همیشه در خدمت مردم شهیدپرور بوده و در اسرع وقت پاسخ گوی سؤالات شرعی بوده جای تشکر و سپاسگزاری است، اینک مستدعی است به سؤال زیر پاسخ فرمایید:

دوازده سال قبل با شخصی قطعه زمین 300 متری را به طور اشتراك دیوار کشی نمودم و قرار بر این شد که پس از تفکیک زمین شریک سهم خودش را بدهد، ولی مدتی بعد گفت وگویی بود که همین زمین پارک می شود. چند سالی از این ماجرا گذشت ولی شهرداری اعلام نمود که پارک نخواهد شد، حالا که می خواهیم زمین را تفکیک نماییم، آیا شریک من مبلغ 2250 تومان بر مبنای کارگر روزی ده تومان و بنا

ص: 448

روزی چهل تومان بدهکار شده، در حالی که الان کارگر روزانه 120 تومان و بنا 300 تومان می باشد، آیا این مبلغ یاد شده را بایستی به قیمت امروز بگیرم و یا همان دوازده سال قبل؟

بسمه تعالی، چنانچه مخارجی که صرف دیوار کشی شده نصف آن به عنوان قرض به شریک داده شده و مال شریک در دیوار کشی صرف شده همان مقدار بدهکار است، ولی اگر یکی با پول خود مخارج را متحمل شده دیوار ملک او است و اگر شریک بخواهد نصف دیوار را مالک شود باید به هر قیمتی که مالک راضی شود معامله کنند.

[سؤال 7600] 3957

بسمه تعالی

دفتر آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه الشریف، سلام علیکم، محترماً به عرض عالی می رساند:

مسجد اعظم دلیجان در دوران انقلاب، به علت موقعیت خاصش پایگاه عقیدتی و تبلیغی مردم انقلابی شهر بوده است. به همین جهت هرگاه برای اداره یا اجرای امری، نیاز به ایجاد تشکلی می بود، این مهم به سرعت در مسجد فوق الذکر تحقق می یافت؛ بیشتر افرادی را که در مسجد فعالیت می کنند قشر فرهنگی و دانش آموز تشکیل می دهند و طبیعتاً آرزویی جز حاکمیت فرهنگ اسلامی نمی توانند داشته باشند و مایلند برای اداره امور مسجد و پر رونق نگاهداشتن آن، تنها با تقوای قلوب عمل کنند و به همین لحاظ سعی نمودند در فراهم آوردن امکانات لازم برای مسجد، امید خود را از افراد ناصالح قطع نموده و مهما ممکن با تلاش خود جبران نمایند. در اجرای این سیاست، برادران تشخیص دادند قسمتی از گوشت سرد وارد به دلیجان را که توسط یکی از قصابان سرمایه دار، بدون تحمل هیچ گونه زحمتی و صرفاً با تحویل حواله به صورت یک جا، به کافه داران فروخته می شود را به عهده بگیرند؛ بنابراین سرمایه لازم

ص: 449

برای انجام این امر را خود برادران و مقداری را نیز از صندوق قرض الحسنه، تهیه و کار تحویل گوشت به کافه داران را در اختیار گرفته و از محل درآمد آن، مقداری برای تعمیرات لازم مسجد استفاده و مبلغ چهل هزار تومان نیز به پیشنهاد یکی از برادران، با حواله فرمانداری، اتومبیل وانت تویوتایی خریداری شد تا در مواقع ضروری در خدمت کارهای مسجد قرار بگیرد؛ از جمله، همین ماه مبارک امسال در خصوص دعوت مبلغ از حوزه علمیه و انجام رفت و آمدهای لازم - چه در مراجعه به قم و چه در شهر دلیجان که ایشان را در محل بعیدی از مسجد اسکان داده بودیم - بسیار مؤثر افتاد. این نمونه ای از نحوه استفاده از اتومبیل بود. بقیه اقساط اتومبیل نیز از محل عوایدی که در توزیع مرغ شهر به عهده دارد تأمین می گردد، لیکن فرماندار دلیجان اظهار داشته اند که این اتومبیل که اسماً در ستاد توزیع تهیه شده، برابر فتوای امام متعلق به فرمانداری است، ولی برادران مسجد اعتقاد دارند چون فرمانداری در تدارک سرمایه و اساساً اقدام به کارهای فوق الذکر، دخالت و طرحی نداشته و تنها حواله ای صادر نموده که این حواله را به متقاضیان دیگر نیز داده اند، بنابراین اتومبیل بایستی در خدمت امور مسجد که به عنوان پایگاه اولیه و اساسی حکومت اسلامی و نیز انقلاب، لازم است عظمت روزافزون داشته باشد، همچنان باقی بماند. البته شورای مسجد نیز نظارت تامه را بر تمام این امور، اعمال خواهد داشت و این منافاتی با فتوای امام ندارد.

علی ای حال، نظر حضرت عالی را در اختلاف نظر فوق، صریحاً خواهیم. خداوند بر ادراک و اتفاق مسلمین بیفزاید. ان شاء الله

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، ماشین به نسبت شرکت در سرمایه، متعلق به صاحبان سرمایه است ولی دخالت افراد غیر مسئول در امور اجرایی دولت جایز نیست و اگر نزاعی در بین است، به دادگاه شرعی مراجعه نمایند.

[سؤال 7601] 3958

بسمه تعالی

چند نفر که وارث میتی هستند ما ترك آن میت را بین خود تقسیم نموده اند. فردای همان روز دو نفر از وارث ادعای غبن نموده و غبن خود را ثابت نموده و يك هزار متر زمین به عنوان مغبونی گرفته و تصرف نمودند. اکنون که سه سال از این جریان می گذرد یکی از آن وراث می گوید من ملکی که قبلاً داده بودم نسبت به سهم خود استرداد می کنم. مستدعی است تکلیف وارث ها را در این مسأله روشن فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با فرض ثبوت «غبن»، تقسیم اول صحیح نبوده و چون تقسیم جدیدی نشده ترکه بین همه ورثه مشاعاً مشترك است، و اگر بخواهند باید با تعدیل سهام نسبت به سهم الارث هر يك، تقسیم جدید نمایند.

[سؤال 7602] 3959

بسمه تعالی 1361 / 9 / 18

رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی، دام عزه. طول عمر رهبر عزیز را از خداوند متعال مسئلت دارم

دو نفر در اموال و سکنه جمع المال بوده اند یکی از آن ها بدون وصیت در غربت فوت شده در حالی که پنج دختر وارث او می باشند و شريك دیگر مبلغ ناچیزی جهت ورثه طرف مقابل تعیین نموده و وصیت کرده ورثه او وصیت پدرشان را مدرک قرار می دهند و می گویند ما مطابق وصیت پدرمان حق ناچیز طرف مقابل را می دهیم البته وصیت طرف بدون هیچ گونه قیّم نامه یا وکالت نامه یا امضای پنج خواهران می باشد آیا از نظر شرع اسلام وصیت يك طرفه دلخواه خودش شامل حال پنج دختر طرف مقابل

ص: 451

می شود یا خیر؟ از محضر مبارك تقاضا دارم جواب مسأله را مرقوم بفرمایید.

بسمه تعالی، تمام سهم الشرکه هر يك از دو شريك به ورثه خودش می رسد و اگر در سهم الشرکه نزاع دارند به محاکم صالحه قضایی مراجعه کنند.

[سؤال 7603] 3960

بسمه تعالی

حضرت آیت الله امام خمینی مدّ ظلّه العالی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

چند نفر ملکی را به طور مشاع مالک هستند. يك نفر از شرکا بدون اذن سایرین، قسمتی از ملك را به فروش می رساند، آیا سایر شرکا حق دارند به نسبت سهم خود از باقیمانده ملك در ازاء آن قسمت که فروخته شده تملك نمایند؟ به عبارت دیگر از آن شخصی که ملك مشترك را بدون اذن سایرین فروخته بخواهند به همان نسبت نیز به سایر شرکا منتقل کند تا مقدار فروش رفته در سهم اختصاصی فروشنده قرار گیرد.

بسمه تعالی، اگر بخواهند سهم سایر شرکا از شريك اول و خریدار مجزاً شود باید با او توافق و مصالحه کنند و سپس شريك سهم معجزای خود را بفروشند و بدون توافق با شريك ملك از اشاعه خارج نمی شود.

[سؤال 7604] 3961

بسمه تعالی

لطفاً جواب مسأله زیر را مرقوم بفرمایید:

يك دكان دار حدود 25 سال قبل با يك نفر به نام حسن، زمین يك دكان را که از پدر حسن مانده بود شريك شده و دو هزار تومان قیمت گذاشته اند که نصفش را به يك هزار تومان خریده و نصفش مال حسن می باشد و بعد از شريك شدن، دكان دار ساختمان دكان را درست کرده و نصف خرج ساختمان را از حسن گرفته و بعداً هر سال به طور متوالی سهم حسن را به اجاره گرفته و حدود 25 سال است که سهم حسن را دكان دار با دادن اجاره هر سالش اجاره کرده و نشسته و کسب و کار می کند و

ص: 452

قباله نویس قباله را موقع نوشتن طوری نوشته که این دو نفر در این دکان مشاعاً شریک هستند. الآن حسن به خاطر نصیحت دکان دار که به فرزند حسن کرده که چرا با گروه های منحرف تماس می گیری و چرا فعالیت انحرافی و منافقانه در گروه های منافق می کنی و این ها بر خلاف اسلام است و بنا به وظیفه شرعی به دکان من نیاید، به دکان دار می گوید که دکان مرا تخلیه کن یا سهم مرا تقسیم کن. و این دکان که 5/3 متر عرض دارد و اگر تقسیم شود هم سهم دکان دار و هم سهم حسن خراب می شود و چون حسن حدود پنجاه دکان دارد و یک حیاط حدود چهار هزار متر مربع در بر خیابان دارد احتیاج به این سهم دکان ندارد و تنها فکرش این است که با این تقسیم سهم دکان دار را خراب کند و محل کسب یک دکان دار که ده نفر عائله دارد و خرج زندگی آن ده نفر از آن دکان تأمین می شود را خراب کند و او را سرگردان کوچک ها کند.

تقاضا دارم که جواب شرعی و فتوای خودتان را در مورد این مسأله در زیر نامه مرقوم بفرمایید. خدا عمر شما را طولانی بکند و تا انقلاب مهدی نگهدارد، تا انقلاب اسلامی را تا آخرین درجه پیروزی و برقراری قوانین شرع اسلام برساند.

بسمه تعالی، قسمت ملك مشاع اگر موجب ضرر شود پذیرفتن آن لازم نیست.

[سؤال 7605] 3962

بسمه تعالی 12 / 1361

محضر رهبر عالی قدر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه

زید و عمرو، ملك مشترکی دارند و هنگام تقسیم، گاهی جهت تبدیل، سهام مشخصی که مثلاً در داخل سهمیه زید است؛ ضمیمه سهمیه عمرو می شود. به این کیفیت که نخل را بدون خاک ضمیمه می نمایند؛ یعنی تا هنگامی که نخل باقی است، عمرو می تواند از آن بهره مند باشد. و وقتی که خشک شد، عمرو دیگر مالك جای آن نیست. در چنین صورتی، اگر بعد از گذشت مدتی از زمان تقسیم، از همین نخل

ص: 453

فَسِيلِي تُولِيد شُود؛ أَيَا اَيْن فَسِيلِي، مَلِك مَالِك نَخْل اِسْت وَايَا مَلِك صَاِحِب زَمِين وَايَا هِر دُو دَر اَن سَهِيمِنْد؟

بِسْمِ تَعَالَى، فَسِيلِي، مَلِك مَالِك شَرَعِي نَخْل اِسْت.

[سؤال 7606] 3963

بِسْمِ تَعَالَى 1361 / 3 / 27

مَحَضِر مَبَارِك رَهْبِر عَالِي قَدْر اِنْقِلَاب اِسْلَامِي اِمَام خَمِينِي، دَامْت بَرَكَاتِه پَس اَز عَرَض سَلَام مَسْتَدَعِي اِسْت حَكْم شَرَعِي جَرِيَان زِير رَا مَرْقُوم فَرْمَايِيد.

شَخْصِي چِنْد قَطْعِه زَمِين كِشَاوَرزِي اَز خُود بِه ارْث مِي گِذَارْد كِه بَايْد بِه يازْدِه قِسْمْت تَقْسِيم شُود. طَبَق عِدَد دَخْتَر و پَسْرَش زَمِين هَا بِه يازْدِه قِسْمْت تَقْسِيم شُدِه اِنْد حَالَا بِيَان فَرْمَايِيد بَرَاي تَعْيِين قِسْمْت هَا بَايْد قَرْعِه بَكِشِنْد يَا مِي تَوَان بَعْضِي اَز وِرْثِه رَا مَجْبُور كَرْد كِه اَز يَك طَرَف زَمِين هَا سَهْم خُود رَا تَعْيِين كِنْنِد تَا دِيْگَر وِرْثِه زَمِين هَايْشَان كِنَار هَم بَاشْد يَا بِه دَلِيل هَاي دِيْگَر مَسْتَدَعِي اِسْت حَكْم شَرَعِي نَحْوَه تَعْيِين قِسْمْت هَا رَا بِيَان فَرْمَايِيد؟

بِسْمِ تَعَالَى، پَس اَز تَعْدِيل سَهَام بَايْد قَرْعِه بَكِشِنْد قَرْعِه هِر قِسْمْت بِه نَام هِر كَس دَر اَمَد بَايْد اَن رَا قَبُول كِنْد و بَدُون قَرْعِه نَمِي تَوَان بَعْض وِرْثِه رَا مَجْبُور نَمُود.

[سؤال 7607] 3964

بِسْمِ تَعَالَى 1361 / 5 / 2

دَفْتَر حَضِرَت آيْت اللّٰه العَظْمِي و رَهْبِر عَظِيم الشَّان، اِمَام خَمِينِي، مَدَّ ظَلَه العَالِي

شَخْصِي دِيْوَار مَشْتَرَكِي كِه دَر اَشْتِرَاك اَن تَرْدِيدِي نِيْسْت، تَخْرِيْب نَمُودِه و نَصْف دِيْوَار مَشْتَرَك رَا تَصْرَف نَمُودِه:

1. بَا چِنِين وُضْعِي، قِسْمْت تَصْرَف نَمُودِه رَا مَالِك مِي شُود يَا خَيْر؟

2. چِنِين فَعْلِي حَلَال اِسْت يَا خَيْر؟

ص: 454

بدیهی است شریک دیگر بدون اطلاع بوده و عدم رضایت خود را اعلام کرده است.

بسمه تعالی، تقسیم مال مشترک، منوط به قرعه یا توافق طرفین است و تصرف مال مشاع، موقوف بر اجازه شریک است.

[سؤال 7608] 3965

بسمه تعالی 15 / 8 / 1361

دفتر امام خمینی طلب استفسار می شود:

محترماً شخصی فوت نموده دارای نه فرزند می باشد که چهار دختر کبیره و سه دختر و دو پسر صغیر و سه همسر داشته که یکی از همسران در حیات متوفی فوت نموده که از او چند دختر باقی است و یک همسر عقیم و همسر دیگر دو پسر و سه دختر دارد. چند روز بعد از فوت پدر، ورثه اقدام به رسیدگی اموال پدری با حضور کلیه ورثه و مقام روحانی و معتمدین محل و همسران متوفی نمودند. ضمن رسیدگی به اموال پدری سهم الارث صغار را تعیین نمودند که خانه و خانه سرای بوده و صغار با گرفتن خانه و خانه سرای پس از کبیر شدن مبلغ 787 ریال به هریک از دخترهای کبیر که جمعاً به مبلغ 3148 ریال بدهی می باشد پس از کبیر شدن از بابت سهم الارث به خواهرهای خود بدهند در صورتی که دخترها در همان موقع ضمن قیمت گذاری خانه و خانه سرای که به مبلغ بیست هزار تومان تعیین کردند معترض شدند و حاضر به چنین تقسیم غیر عادلانه نبودند زیرا در همان موقع آن ها می دانستند و اذعان داشتند که ساختمان و حیاط پدرشان متجاوز از مبلغ دویست هزار تومان بوده روی این تفاوت کلی اصولاً معترض باقی بوده و در صورتی که خودشان هم چنین قراری داشتند که پس از کبیر شدن از بابت سهم الارث خودشان به مبلغ فوق بپردازند به این گفته ها هم توجه نداشتند و اگر هم اعلام می کردند حاضر به قبول چنین پولی با تفاوت کلی به دریافت آن حاضر نبودند که حق ورثه را غیر عادلانه و بلکه خلاف شرع اسلام عمل کردند همان طوری که اسلام فرموده: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» ما تابع شرع بوده و

ص: 455

هستیم که پسر دو سهم و دختر یک سهم اما با این مبلغ بیست هزار تومان و دویست هزار تومان عادلانه است؟ لذا استدعای پاسخ آن را داریم که وارث حق ابطال این تقسیم و سهم خود را با رعایت قانون اسلام حق دارد یا خیر؟
بسمه تعالی، اگر تقسیم با تعدیل سهام و قرعه یا مصالحه واقع شده حق به هم زدن آن را ندارند.

[سؤال 7609] 5334

3. بین دو ملك قدیمی که سال ها کشت شده و در سال پنجاه و شش، بین دو ملك مرزبندی شد و فقط يك خاکریز به عنوان مرزبندی به وسیله لودر و با رضایت طرفین بسته شده است. آیا از نظر شرعی خاکریزی که به عنوان مرزبندی تعیین شده، محترم است یا خیر؟
بسمه تعالی، اگر با رضایت طرفین و مصالحه، مرزبندی شده؛ نافذ است.

[سؤال 7610] 3966

بسمه تعالی 1361 / 8 / 23

محضر مقدس دفتر امام امت حضرت آیت الله العظمی زعیم عالی قدر جمهوری اسلامی (امام خمینی) متّع الله المسلمین دامت برکاته محترماً به استحضار می رساند: ملکی به مساحت هزار و پانصد متر واقع در گیلان دماوند، می باشد که این جانب و اخوی با شخص ثالثی شرکت داشتیم. در سال 1339 با حضور چند نفر از معتمدین محل با امضای شرکا و امضای معتمدین نامبرده تقسیم و تقسیم عادی با رضایت و توافق یکدیگر انجام شده هرکدام سهم خود را تصرف و سنگ کاشته این جانب در همان تاریخ 1339 سهم خود را عملیات و نهال کاشته و به ثمر رسیده و از ثمره آن استفاده شده در سال 1348 این جانب از همین زمین مذکور از سهم خود يك صد و یازده متر را واگذار به شرکت تعاونی گیلان نموده و بهره برداری می نماید. از زمان تاریخ تقسیم زمین مذکور شخص ثالث نامبرده مدت هجده سال در

ص: 456

محل اقامت خود در گیلان حیات داشته، پس از هجده سال زندگی، قریب سه سال است فوت نموده و کارهای فوق الذکر که به عرض رسانیده شد در زمان خود ایشان که حیات داشتند انجام گردیده لذا در این طلیعه جمهوری اسلامی زمین نامبرده که قریب بیست و دو سال است که تقسیم شده از نظر شرع و قانون الهی مشاع و مشترك است یا مفروز؟ خواهشمند است دو کلمه مرقوم و به امضای شریف مزین فرمایند که محل حاجت است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر در صحت و فساد تقسیم اختلاف دارند باید مدعی فساد دعوای خود را در محکمه شرعیه به وجه شرعی اثبات کند.

[سؤال 7611] 3967

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی المجاهد الاکبر، الإمام الخميني دام ظلّه الشريف

خیار غبن در تقسیم میراث واقع می شود یا نه؟ مثلاً چهار برادر، میراث و ترکه پدر را در بین خود تقسیم نموده اند. بعد از چند سال، دو نفر از این برادرها می گویند که در این تقسیم، ما مغبون شده ایم و باید دوباره تقسیم کنیم. اگر واقعاً مغبون شده باشند، حق فسخ دارند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر واقعاً غبنی در کار بوده، تقسیم صحیح نبوده است.

[سؤال 7612] 3968

بسمه تعالی 1361 / 10 / 8

حضور معظم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع تقلید و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

به عرض عالی می رساند: خانه این جانب به خاطر توسعه خیابان، تخریب گردیده و به علت مشاع بودن، شهرداری پروانه ساختمانی، برای ایجاد سرپناه را نمی دهد. دو نفر از شرکای این جانب، هر کدام يك متر مربع و نفر سوم حدود دو متر مربع از این

ص: 457

خانه را شريك هستند که طی بیست سال گذشته به هیچ طریق حاضر به خرید یا فروش و یا حتی تقسیم هم نگردیده اند.

از طرفی قانون «لاضرر» به صورت کاملاً محدودی و با ترکیبی از قوانین غریبی اجرا می شود. مثلاً برای افرادی که سهام آن ها کم و غیر قابل افراز باشد و از طرفی، حاضر به معامله با شريك خود نباشند؛ دادگاه به طریق زیر اقدام می نماید:

1. طبق نظر کارشناس دادگستری، خانه ارزیابی شده و در روزنامه ها فروش خانه سه بار آگهی می شود.

2. با توجه به حق شفعه هر يك از شرکا، خانه به بالاترین قیمت ممکن به فروش رفته و بدین ترتیب سهم شرکا پرداخت می شود.

حال، اگر این جانب بخواهم به طریقه فوق عمل نمایم، با توجه به پولی که بابت ارزیابی و پول آگهی روزنامه ها و تهیه مدارك و... پرداخت خواهم نمود؛ مخارج پرداخت شده بیش از ده برابر ارزش سهم هر يك از شرکا خواهد بود. و شرکای جزء با اطلاع از این موضوع و با اطلاع از این که سهام دار کل باید سال ها دوندگی نماید؛

بیشتر سماجت به خرج می دهند. خواهشمند است معلوم بفرمایید: در صورتی که سهام دار جزء، حاضر به هیچ نوع معامله ای نبوده و به ناچار سهام دار کل، برای ساختن سرپناه، مجبور به پرداخت مخارج فوق باشد:

الف: مسئول این مخارج چه کسی است؟ سهام دار کل یا سهام دار جزء یا هر دو؟ و به چه نسبتی؟

ب: در موارد مشابه، قوانین اسلامی برای جلوگیری از ضرروزیان بیش از حد برای سهام دار کل و برای جلوگیری از حرص و طمع سهام دار جزء چه راهی را ارائه می دهد؟

بسمه تعالی، مخارج مذکور بر عهده کسی است که اقدام به طریقه مذکور نموده و بر عهده دیگران نیست. و در موارد مذکور، باید به محکمه شرعیه مراجعه شود تا تکلیف مشخص گردد. و حق شفعه در موردی که شرکا بیشتر از دو نفر است، ثابت نیست.

كتاب مزارعه

احكام مزارعه

ص: 459

بسمه تعالی

آیا پرورش گیاهانی مانند بوته های گل، می تواند مصداق مزارعه قرار گیرد؟

بسمه تعالی، اگر از قبیل گل هایی است که تخم دارد و زرع می شود مزارعه صحیح است.

2. يك نفر صاحب زمین، تمام خرج يك سیفی را تا هنگام محصول فراهم می کند و برای این زمین، چند کارگر را به عنوان شریک می گیرد که تمام کار این سیفی کاری را انجام می دهند. مالک زمین، فقط دارایی زمین و خرج محصول را می دهد و دیگر کاری انجام نمی دهد و در موقع محصول، هرچه خرج کرده، از فروش محصول برداشته و بعداً بقیه محصول را درست بین خود و کارگران، به نام شریک نصف می کند. آیا از نظر شرع اسلام، حلال و جایز است یا خیر؟ کتباً توضیح دهید.

بسمه تعالی، اگر مطابق شروط مزارعه قرارداد بستند، اشکال ندارد.

2. خرده مالکینی که بعضی از آن ها برای به دست آوردن حاصل زمین، زارع یا

ص: 461

کارگر می گیرند، آیا برای زارعین یا کارگران جایز است که منافع املاک و زمین ها را تصاحب کنند و به صاحبان زمین چیزی ندهند، و یا اگر هم بدهند، مختصری بدهند و طبق قانون مزارعه عمل نکنند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر قرارداد صحیحی بین مالک و زارع هست، باید بر طبق آن عمل کنند و اگر قرارداد معینی نیست، در صورتی که بذر از زارع باشد، حاصل هم از او است، ولی اجرت المثل زمین را باید به مالک بدهد.

[سؤال 7616] 3970

بسمه تعالی 1361 / 4 / 26

دفتر امام خمینی دام ظلّه

بدین وسیله پاسخ مسأله ذیل درخواست می شود:

زمین موقوفه مسجد را به این جانب به نصفه کاری دادند و من هم بذر یونجه کاشتم و بعداً سیل آمد و همه را خراب کرد؛ آیا من از موقوفه نسبت به زحماتی که کشیده بودم طلبکار می شوم یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله استحقاق مطالبه خسارت ندارد.

[سؤال 7617] 3971

بسمه تعالی

آیا می شود مزارعه یا مضاربه و مساقات را به صورت مشاع انجام داد؛ مثلاً چند نفر به طور جداگانه یا مشترکاً لوازم کشاورزی (از قبیل زمین، تراکتور، بذر و آب) را بدهند و چند نفر هم به کار کشاورزی پردازند و محصول به نسبت های مورد توافق، تقسیم شود؟

بسمه تعالی، مانع ندارد ولی باید نسبت های مورد توافق بین مالک و عامل باشد، نه مالکین تنها.

ص: 462

محضر مبارك رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی

احتراماً معروض می دارد: این جانب پیرمردی هشتاد ساله هستم که مدت شصت سال در زمین شخصی مشغول کشاورزی می باشم و سالیانه سهم مالکانه را به نامبرده پرداخت کرده ام. در زمین مذکور تعداد شش بوته درخت گردو کاشته ام که بارور شده و سالیان قبل، نصف از محصولات گردو و زمین را به ایشان می دادم. الحال نامبرده مدعی شده که طبق قانون اسلام چون درختان گردو در زمین او می باشد، تمام محصول گردو مربوط به او است. لذا به موجب این عریضه، به آن مقام پناهنده شده ام که پاسخ شرعی را در ذیل این سؤالیه مرقوم فرمایند که محصول گردو به چه نحوی باید بین مالک زمین و زارع که نهال را کاشته، تقسیم شود؟ فعلاً محصول گردوی مذکور در انجمن اسلامی قریه پاکده به طور امانت گذاشته شده، تا پاسخ شرعی اخذ گردد. تمنا دارم برای حفظ حقوق دو مسلمان احکام شرعی را صادر فرمایند.

بسمه تعالی، درخت گردو ملك هر كس هست، گردو هم ملك او است، اگر از مال مالك زمین غرس کرده اید، از او است و اگر از مال خودتان غرس نموده اید، از شما است و در صورت اول، مالك باید اجرت عمل شما را بدهد و در صورت دوم، شما اجرت زمین مالك را باید به او بدهید.

محضر مبارك مرجع عالی قدر جهان تشیع و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی دامت برکاته، بعد التحية والسلام

احتراماً معروض می دارد: فردی با داشتن چندین سرعائله و ساکن دائمی روستا قریب به پنج هکتار زمین مزروعی شالیزاری دارد، و غیر از زمین مذکور، که بهای عمر

دو نسل در این خانواده می باشد، هیچ گونه مستغلاتی اعم از کسی و سکنا در شهر ندارد و شغل و حرفه دیگری نداشته و ممر درآمدی به شکل دیگر هم ندارد، تنها وسیله امرار معاش او همین مقدار زمین است.

اگر این فرد کل یا قسمتی از زمین خود را با بستن قرارداد بر مبنای مزارعه به فرد دیگری بدهد، آیا بعد از تقسیم محصول و ختم مدت قرارداد، اگر صاحب زمین بخواهد زمین خویش را خود کشت نماید و یا با فرد دیگری قرارداد مزارعه ببندد، این حق برای او هست؟ و یا این که باید بالاجبار و حتماً به همان فرد بدهد؟ مستدعی است نظر مبارک را اعلام فرمایید.

بسمه تعالی، زمین مزبور اگر ملك شرعی شما است اختیار آن با خود شما است.

[سؤال 7620] 3974

بسمه تعالی 1358 / 8 / 24

محضر مقدس آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه

احتراماً به عرض عالی می رساند: در گیلان معمول است که مزرعه و تخم شالی و کود شیمیایی را به زارع تحویل داده و قرارداد می نمایند که نصف محصول را به مالک زمین بدهد. اکنون عده ای پیدا شده اند و می گویند: این عمل صحیح نیست و با تبلیغات خود زارعین را منصرف می نمایند و در نتیجه چون مالک زمین پیر شده و قدرت کشت ندارد، مزارع بلا استفاده می ماند. بدیهی است مالک زمین که روزی قدرت داشته و زمین موات را آباد کرده و یا با پول خریداری کرده است، اکنون حاضر نیست که زمین خود را مجاناً در اختیار دیگری قرار دهد. مستدعی است حکم شرعی مسأله را ذیلاً بیان فرمایید تا زارعین با دلگرمی به کار خود اشتغال ورزند.

از خداوند متعال، صحت و موفقیت بیش از پیش آن وجود محترم را خواهانیم.

بسمه تعالی، قرارداد مذکور، مزارعه و شرعاً از معاملات صحیحه است؛ و تصرف در ملك غیر بدون رضایت مالک جایز نیست.

ص: 464

بسمه تعالی

حضور محترم امام خمینی رهبر مذهبی ملت ایران، پس از عرض سلام

ما جمعی از صاحبان اراضی مزروعی ضمن شنیدن سخنان آقای رضا اصفهانی برای این که به حقیقت امر پی ببریم رساله های آیات عظام و به خصوص جناب عالی را بررسی کردیم و چون تناقض کامل داشت ناگزیر شدیم عین سؤالات را مطرح کنیم و از شما بخواهیم که به حکم وظیفه الهی و دینی خود، ما را روشن کنید. ما نمی دانیم آیات عظام تحت سلطه فئودال ها بوده اند که این رساله ها را نوشته اند یا تابع قوانین قرآن؟! به هر حال اگر تحت سلطه بوده اند و شما هم بوده اید اعتراف کنید و اگر اسلام گفته است پس این حسن ارسنجانی را از کجا تراشیده اید تا مردم را به باد تهمت بگیرد؟!

فرق رضا اصفهانی با حسن ارسنجانی فقط در این است که او نوکر امریکا و مورد تأیید شاه بود و ایشان نوکر کشورهای بی خدا (شوروی) و مورد تأیید رهبر انقلاب اسلامی است! شما او را تأیید می کنید تا مرتب فئودال فئودال کند!! چه کسی ما را فئودال کرد؟ همان رساله های گول زنده شما که خرید و معاملات خانه و زمین و مستغلات را هم در ردیف آلات لهو و لعب و شراب و قمار قرار ندادید تا ما آن را عمل شیطان بدانیم و از آن اجتناب کنیم. ما فکر می کردیم این معاملات درست است و حاصل دسترنج سالیان دراز خود را داده ایم. خانه ای یا مغازه و یا قطعه زمینی تهیه کرده ایم! حالا نه تنها آن را باید تقدیم کنیم، بلکه باید فحش هم بشنویم! حال این سؤالات را از کتاب رساله خود امام مطرح می کنیم و شما را به قرآن قسم می دهیم از سیمای جمهوری اسلامی جواب ما را بدهید. ما تابع قانون اسلامیم و آن را می پذیریم نه به اسم اسلام کمونیست بشویم. سؤالات در صفحه بعد مطرح شده است.

از رساله امام خمینی قانون مزارعه:

مسأله 2228: «مزارعه آن است که مالک با زارع به این قسم معامله می کند که زمین

ص: 465

را در اختیار او بگذارد و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد».

پس زمین مال خدا نیست و مال خلق خدا است زیرا این انسان است که قرارداد می بندد نه خدا!

مسأله 2229: «سوم: همه حاصل زمین به یکی اختصاص داده نشود.

چهارم: سهم هر کدام به طور مشاع باشد. مثل نصف یا ثلث حاصل و مانند این ها و باید تعیین شده باشد».

پس اگر مالک بگوید: در این زمین زراعت کن و هر چه می خواهی به من بده صحیح نیست و باید مدتی را که زمین در اختیار زارع است تعیین کنند. اگر مالک زمین را معین کند! پس کسی که چند قطعه زمین دارد و با هم تفاوت دارند اگر به زارع بگوید: یکی از این زمین ها را زراعت کن و آن را معین نکند، مزارعه باطل است!

مسأله 2231: «اگر مدت مزارعه تمام شود و حاصل به دست نیاید، چنانچه مالک راضی شود که با اجاره یا بی اجاره زراعت در زمین او بماند و زارع هم راضی باشد مانع ندارد. و اگر مالک راضی نشود می تواند زارع را وادار کند که زراعت را بچیند اگر برای چیدن زراعت ضروری به زارع برسد، لازم نیست عوض آن را به او بدهد. ولی زارع اگر چه راضی شود که به مالک چیزی بدهد، نمی تواند مالک را مجبور کند که زراعت در زمین بماند».

حال با استناد به این چند مسأله از مسائل مزارعه باز شما می توانید پشتیبان رضا اصفهانی شوید و به نام اسلام به دست يك کمونیست مالکیت را از بین ببرید! راستی هدفشان از مالکیت در قانون اساسی چیست؟ از همه این ها نتیجه می گیریم که تکلیف ما را روشن کنید و قانوناً عمل کنید و به ما فحش ندهید. چون از رهبری چون شما انتظار نداریم. خدا حافظتان

بسمه تعالی، حکم همان است که در رساله ذکر شده است و ملکیت در اسلام محترم است و هر کس خلاف بگوید مورد تأیید نیست.

كتاب مسافات

احكام مسافات

ص: 467

بسمه تعالی

آیا برای درختانی که جهت استفاده از چوب یا برگ و یا ریشه آن ها را پرورش می دهند مساقات مصداق می یابد؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، جهت استفاده از برگ مساقات مانع ندارد ولی جهت استفاده از چوب یا ریشه با فرض این که با انتفاع، اصل درخت از بین می رود، صحیح نیست.

بسمه تعالی

زیدی يك قطعه زمین به عنوان غارس مطابق عرف محل از عمر و گرفته است که درخت غرس نماید. زید درخت غرس کرده، ولی در خدمت و توجه، با بودن استعداد کوتاهی کرده و به انجام نرسانیده. قاعدتاً اگر به درخت توجه گردد؛ در مدت سه سال مثمر می گردد و از شش سال به بالا- به حد اعلی مثمر و استفاده بخش خواهد بود. زید عمداً کوتاهی کرده و تا حال بیست سال است که دیناری از ثمر درخت و درآمد

زمین عاید عمرو نگردیده است. آیا عمرو می تواند از زید دعوای زیان و خسارت نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، مالک زمین حق دعوای خسارت بر غارس ندارد.

[سؤال 7624] 3978

بسمه تعالی 1361 / 10 / 14

محضر حضرت آیت الله العظمی، جناب آقای حاج سید روح الله الموسوی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

زمین و آب شخصی، به شخصی دیگر واگذار می شود که درخت کاری نماید، تا پس از چهار سال که درخت به ثمر رسید، نصف زمین و درخت جهت غارس، و نصف زمین و درخت جهت مالک باشد. آیا این معامله و قرارداد باطل است؟ اگر باطل باشد، هرگاه درخت هایی که بعضی یک سال و چند ماه و بعضی چند ماه غرس نموده و باید بیرون بیاورد، آیا باید جای آن را هم پر نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، مغارسه باطل است و درختان ملک صاحب نهال آن ها است و اگر مالک، صاحب آن ها است و به دستور او غرس شده، اجرت المثل عامل را ضامن است و چنانچه غارس، مالک آن ها است، اجرت زمین را به صاحب زمین بدهکار است و جای درختان را باید پر کند.

[سؤال 7625] 3979

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران

اگر شوهر در ملک زن، درخت غرس نماید و مدت 25 سال زحمت بکشد تا آن ملک قابل استفاده بشود، شوهر حق یدالغرس دارد یا خیر؟ آنچه حکم الله است بیان فرمایند.

بسمه تعالی، از زمین حق ندارد.

ص: 470

محضر شریف رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی روح الله موسوی الخمینی، دامت برکاته، سلام علیکم

با آرزوی پیروزی از خداوند متعال برای رزمندگان جبهه حق علیه باطل و درود فراوان به ارواح پاک شهدای گلگون کفن ایران، احتراماً؛ خاطر عالی را به عرایض ذیل مستحضر می سازد:

یک نفر زمین آبی خود را به یک نفر دیگر داده بالمناصفه درخت کاری کرده، کارنده درخت در مورخ 7 / 7 / 1349 از تعداد 208 اصله درخت معین که نصفش 104 اصله درخت از سهم خود را از همان باغ در قبال مبلغ 24000 ریال قبل از تقسیم درختان به یک شخص دیگر فروخته است. سپس شخص خریدار جهت بریدن درختان خریداری شده به باغ مراجعه می نماید که در آن موقع شرکای باغ با هم اختلاف پیدا می نمایند و از بریدن درختان فروخته شده، ممانعت به عمل می آید. پس از آن، شخص فروشنده سندی با دست خط روحانی محل به خریدار داده تا اختلافشان رفع، و پس از آن مبادرت به بریدن درختان نماید، ولی این اختلاف تا اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در دادگاه به طول انجامیده و موضوع به جایی نرسیده و سپس شخص فروشنده، فرصت را مناسب دیده با سوء استفاده از موقعیت انقلاب اسلامی و با توسل به زور، درخت های فروخته شده را به اضافه 104 اصله درخت دیگر که سهم شریک باغ خودش بوده، که روی هم رفته 208 اصله درخت می باشد، به کس دیگر فروخته و اقدام به قطع درختان در روز 22 بهمن 1357 نموده و چند ماشین از درخت های مزبور را، جهت فروش به محل دیگر برده و چون موضوع زور در میان بوده لذا توسط اهالی محل از بردن بقیه درخت ها ممانعت به عمل آمده و متوقف شده و حالیه مقدار قابل توجهی از آن درختان حیف و میل گردیده است. بدین جهت امید است مراتب، مورد بذل و توجه قرار گرفته و بفرمایید تکلیف و وظیفه

شرعی این سه نفر دست اندرکار چیست؟ مراتب را جهت صدور پاسخ شرعی طبق موازین اسلام به استحضار رساننده و منتظر جواب مسأله هستیم.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، اگر اصل درختان از فروشنده بوده، درختان ملك او است و قرارداد منصفه باطل است و می تواند تمام آن ها را قطع کند و بفروشد، ولی اجرت المثل زمین مالك زمین را باید بپردازد و اگر به زمین خسارتی وارد کرده، جبران نماید.

[سؤال 7627] 3981

بسمه تعالی 1361 / 3 / 25

محضر مبارك امام خمینی، دامت برکاته

با سلام و امید پیروزی قوای اسلام بر قوای کفر صدامی

1. در روستاهای استان لرستان، مخصوصاً بخش پل دختر، کشاورزانی هستند محروم و واقعاً مستضعف، که سیفی کار هستند و سیفی کاری آن ها از قبیل خیار، گوجه، بادمجان است؛ مثلاً يك نفر زمین و کارگر دارد و محصولی را می کارد، منتها آب برای سیفی مذکور را ندارد و آب آن را، يك نفر دیگری با استفاده از موتور، تأمین می کند که در آخر محصول در موقع حساب، محصول را باید به صاحب موتور - که آب، به آن سیفی می رسانده - پرداخت کند. آیا از نظر اسلام، حلال و جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، می توانند برای آب، قیمت معین نمایند و از فروش محصول، بدهی بابت آن را بپردازند.

2. يك نفر صاحب زمین، تمام خرج يك سیفی را تا هنگام محصول فراهم می کند و برای این زمین، چند کارگر را به عنوان شريك می گیرد که تمام کار این سیفی کاری را انجام می دهند. مالك زمین، فقط دارایی زمین و خرج محصول را می دهد و دیگر کاری انجام نمی دهد و در موقع محصول، هرچه خرج کرده، از فروش محصول برداشته و بعداً بقیه محصول را درست بین خود و کارگران، به نام شريك نصف می کند. آیا از نظر شرع اسلام، حلال و جایز است یا خیر؟ کتباً توضیح دهید.

بسمه تعالی، اگر مطابق شروط مزارعه قرارداد بستند، اشکال ندارد

ص: 472

بسمه تعالی

زنی هستم 27 ساله، خانه دار، حدود 5 سال است ازدواج کرده ام و اکنون دارای يك دختر 2 ساله می باشم در بهمن سال 54 از دانشکده حقوق رشته قضایی فارغ التحصیل شده ام لیکن در طی دوران تحصیل دانشگاهی و جوهی را دریافت نموده ام که اکنون نسبت به مباح بودن آن وجوه شك نموده و متوجه تکالیف شرعیه ای شده ام که قبلاً نسبت به آنان جاهل بودم لذا درصدد برآمده ام که دیون خویش را آن چنان که بر طبق فتاوی امام خمینی دام ظلّه برعهده ام می باشد پرداخت نمایم لیکن از میزان و کیفیت پرداخت آن و حکم شرعی مربوطه بی اطلاع بدین جهت با ارسال نوع و میزان وجوه دریافتی مزبور به آن دفتر محترم تقاضای راهنمایی دارم:

1. از ابتدای ورود به دانشگاه مبلغی حدود ماهیانه 250 تومان به عنوان کارآموزی از شرکت دخانیات ایران که پدرم در آن جا در پست حساسی مشغول فعالیت بود دریافت می کردم بدون این که حتی یکبار هم به عنوان کارآموزی پای به شرکت مزبور گذاشته باشم که البته ترتیب دریافت مبلغ مذکور را پدرم داده بودند.

بسمه تعالی، آنچه از آن شرکت دریافت کرده اید باید به حساب همان شرکت واریز نمایید.

ص: 475

2. دادگستری سابق به دانشجویانی که معدلشان به حد نصاب معینی می رسید. ماهیانه 250 تومان بورس تحصیلی پرداخت می کرد البته با این شرط که بعد از اشتغال به خدمت به تدریج از حقوق ماهیانه کسر شود. ولی عملاً از دانشجویان دریافت نمی کردند که من نیز مدتی از این بورس استفاده می کردم.

بسمه تعالی، چنانچه مبلغ مذکور به عنوان کمک و بخشش بوده شما مدیون نیستید و اگر قرض بوده ضامنید.

3. از سال سوم به بعد دانشجویان حقوق قضایی به عنوان کارآموزی (به صورت اختیاری) به بخش های مختلف دادگستری اعزام می شدند که بابت این کارآموزی نیز ماهیانه 300 تومان به دانشجو پرداخت می شد که از این طریق نیز من وجوهی دریافت نموده ام البته باید متذکر شوم چون با حجاب بودم عملاً آن چنان که باید مرا تحویل نمی گرفتند و در نتیجه کارآموزی به معنای واقعی خود نه صددرصد دریافت نمی کردم. شاید لازم به ذکر باشد که قسمت مهمی از مبالغ دریافتی صرف مخارج تحصیل یا هدیه به دوست از جمله خویشان یا انفاق به فقرا و... می شد که البته می دانم چون در اصل این وجوه اشکال داشته انفاق نیز مورد قبول قرار نخواهد گرفت.

بسمه تعالی، مبلغ نامبرده را ضامن نیستید مگر این که تقصیر از شما باشد.

4. آنچه که اکنون فکر مرا به خود مشغول کرده حقوقی نیست که از طریق دریافت مبالغ فوق الذکر بر ذمه ام می باشد که من از میزان و کیفیت پرداخت آن حقوق و مسائل شرعی مربوطه اطلاع دقیقی ندارم با توجه به این که اکنون شاغل نیستم و پول نقد به میزان همه آن وجوه دریافتی در دست ندارم و فقط ماهیانه مبلغ بسیار کمی درآمد دارم (حدود 140 تومان که می توانم دیون را به تدریج ادا کنم) خواهش می کنم مرا

راهنمایی بفرمایید که آیا دیون مزبور تا به حال به صورت تصاعدی بالا رفته و می رود و یا میزان آن ثابت است.

بسمه تعالی، دین به صورت تصاعدی بالا نمی رود.

[سؤال 7632] 3983

بسمه تعالی 1360 / 12 / 27

محضر مبارك مرجع عالی قدر و رهبر عظیم الشان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی بت شکن زمان

به عرض برسد در اثر فقر شدید مالی و احتیاج مبرم، مبلغی با سود صدی چهل در سال از فردی رباخوار که به این صفت معروف و مشهور است قرض گرفته شد که در عوض مقداری طلا نزد ایشان گروگان گذارده شد، پس از اتمام سال طلاها را با قیمت دلخواه به عوض اصل و سود پول برداشت. در آن موقع که طاغوت حکم فرما بوده قدرت مقابله با رباخوار را نداشتیم، حالیه در این فضا و اجتماع اسلامی به رهبری آن قائد اعظم تکلیف با آن رباخوار چیست؟ ملتسمانه از آن وجود شریف انتظار پاسخ را دارم که چه باید کرد؟

بسمه تعالی، زاید بر اصل مبلغ قرض را بدهکار نیستید.

[سؤال 7633] 644

5. اگر زید مؤمنی به عمرو فاجری بدهکار باشد، می تواند به نیت شخص فاجر به مجتهد یا فقیر بدهد، یا باید حتماً به ورثه بدهد؟

بسمه تعالی، باید به طلبکار یا ورثه او بدهد.

[سؤال 7634] 3984

بسمه تعالی

سلام علیکم

1. این جانب 2 سال قبل در امریکا تحصیل می کردم. موقع مراجعت موفق به

ص: 477

پرداخت پول شرکت تلفن نشدم. ولی از ایران با دوستانم در امریکا تماس گرفتم تا پول را بپردازند. به علت قطع روابط سیاسی، جنگ و عدم امکان فرستادن پول به خارج برای دانشجویان، دوستانم نتوانستند پول را بپردازند. فعلاً امکان پرداخت پول وجود دارد؛ آیا باید پول شرکت تلفن را بپردازم یا به علت محارب بودن امریکا، با پول کار دیگری انجام دهم؟ تکلیف کلی من در برابر این بدهی چیست؟ توضیح این که شرکت های امریکایی، در عین استقلال ظاهری، منافع دولت را جست و جو و تأمین می کنند.

بسمه تعالی، فعلاً تکلیفی ندارید و لازم نیست بفرستید؛ ولی از این کار باید اجتناب شود.

2. پدر و مادرم به من علاقه زیادی دارند و پدرم بیماری قلبی دارد و علاقه ندارند که به جبهه بروم و اجازه هم نمی دهند؛ آیا می توانم در حالی که از جبهه رفتن من ناراحت می شوند به جبهه بروم؟

بسمه تعالی، بستگی به نیاز جبهه ها دارد و تشخیص آن با مسئولین است.

[سؤال 7635] 3985

بسمه تعالی

ضمن عرض سلام و آرزوی طول عمر برای رهبر عظیم الشان، امام خمینی، چند مسأله شرعی دارم. لطفاً پاسخ دهید.

1. چندین سال است در اداره دولتی کار می کنم. از آن جایی که گه گاه نتوانسته ام درست و صحیح دینم را ادا کنم و خودم را بدهکار می دانم، خواستم بدانم آیا می توانم برای ادای دینم، در یکی از ارگان ها یا مساجد و یا درمانگاه های متعلق به مردم کار کنم یا این که حتماً باید در همان سازمان یا وابسته به همان وزارتخانه کار کنم؟ و دیگر این که آیا می توانم پول کم کاری را حساب کنم و بپردازم؟ (اگر می شود، باید به چه حسابی بپردازم یا کجا بدهم؟) لطفاً هر سه قسمت این سؤال را جواب بفرمایید. شغل من در رابطه با کار درمانی است.

بسمه تعالی، به همان سازمان که مدیون هستید باید ادا نمایید.

ص: 478

2. با توجه به این که امام می فرمایند که وقتی شما 5/22 کیلومتر در تهران راه بروید، نماز یا روزه شکسته می شود، پیشنهاد مسجدمان این طور مطرح کردند و برایم سؤالی پیش آمد. ایشان می گویند:

شما که از اول تهرانی بوده اید، در محدوده تهران قدیم، هر چند از 5/22 کیلومتر هم اگر در یک روز بیشتر راه بروید مانع ندارد. حدود تهران قدیم را ایشان تقریباً میدان خراسان، دروازه قزوین و دروازه شمیران و شوش قرار دادند. آیا با توجه به این مسأله امام، این چنین فرضی درست است؟

بسمه تعالی، حکم مذکور صحیح است و حدود تهران قدیم را قبل از کبیره شدن، باید از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق نمود.

3. پدرم 18 سال پیش فوت کرد و عمویم قیم ما بوده و امور زندگی ما از یک ساختمان اجاره ای که تقریباً مبلغ قابل نیاز زندگی ما را تأمین می نمود انجام می شد. در چندین سال پیش برای تعدیل اجاره بها - اجباراً - از طریق دادگستری زمان طاغوت کمک گرفت و مبلغی به اجاره بها افزوده شد. می خواهم بدانم این افزایش بها با توجه به روایت امام صادق علیه السلام در کتاب ولایت فقیه امام، در آن شرایط، صحیح بوده؟ و آیا ما فعلاً در آن مورد، تکلیفی داریم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر با رضایت طرفین بوده اشکال ندارد.

[سؤال 7636] 3986

بسمه تعالی

زعیم عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه

صندوق های قرض الحسنه حساسی دارند به نام سپرده؛ کسی ده هزار تومان می سپارد و بعد از چند ماه دو برابر پول خودش را برمی دارد و پول سپرده می ماند تا آن که قرضی که گرفته برای چهل ماه پردازد و بعداً پول سپرده را پس بگیرد؛ و اگر کسی پول تهیه کرده و همه قرضش را یک جا بدهد، آن پولی که سپرده پس نمی دهند تا چهل ماه تمام شود و صاحب سپرده هم راضی نیست و بر این مسأله هم واقف نبوده که باید بعد از دادن قرض، پولش تا چهل ماه بماند. لطفاً جواب را مرقوم بفرمایید.

بسمه تعالی، قرض مذکور و شرط در ضمن آن صحیح است و اگر صاحب سپرده مبنی بر تمام شرایط صندوق - ولو به طور اجمال - پول را سپرده، باید تا مدت مذکور صبر کند و قبل از آن نمی تواند مطالبه کند.

ص: 479

3. کسی که به جبهه می رود و در راه خدا می جنگد و کشته می شود، آیا اگر احیاناً حق الناس به گردن داشته باشند، از جانب خدا بخشیده می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، حق الناس قابل ادا ساقط نمی شود مگر با ادای آن و در صورت عدم پرداخت، حساب آن با خداوند چاره ساز بخشنده است.

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب و مرجع تقلید، حضرت امام خمینی، مدّ ظله

با نهایت احترام، تکلیف شرعی وعده دروغ و اغفال چیست؟ مسلمانی برای این که حق مسلمان دیگری را ندهد، چندین سال با نیرنگ و وعده دروغ، او را امیدوار نگه می دارد و مسلمان ذی حق مبلغی را متضرر می شود. بعد از این که معلوم شود کلیه وعده ها دروغ است، تکلیف شرعی چنین مسلمانی چیست؟

از خداوند متعال سعادت و سلامت رهبر عزیز را مسئلت می نمایم.

بسمه تعالی، بدهکار باید فوراً بدهی خود را با مطالبه طلبکار و قدرت ادا، بردارد و بیش از مبلغ بدهی، ضامن نیست.

بسمه تعالی

1. موتوری را به مبلغ 1000 تومان فروختم، 100 تومان آن را مشتری وعده داد که ده روز بعد بدهد، رفت دیگر پیدایش نشد. همین موتور را مشتری به شخص ثالثی فروخته و شخص ثالث به رابع. آیا می توانم از شخص رابع 100 تومان را طلب کنم یا خیر؟

بسمه تعالی، حق ندارید و باید از خود مشتری مطالبه کنید.

2. رفتم جبهه برای ارشاد، وقتی برگشتم مبلغی پول به من دادند، اگر هم نمی دادند درخواست

نمی‌کردم، آیا این پول خمس دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در مقابل کار نداده اند خمس ندارد و در فرض مرقوم، احتیاط استجابی در دادن خمس است.

[سؤال 7640] 3989

بسمه تعالی 1361 / 7 / 11

حضور مبارك حضرت مستطاب، آیت الله العظمی، امام خمینی، دامت برکاته

بعد از عرض ارادت و دعا برای طول عمر پربرکت حضرت عالی، این جانب مدیر عامل کارخانه کبریت فروزان مشهد، طبق مدارک موجود و اطلاع دادگاه انقلاب مشهد، کارخانه مبالغ زیادی بدهکار است، به طوری که طلبکارها درخواست تصفیه حساب می‌کنند و هیچ یک از دیون مؤجل نیست. اشخاصی اظهار می‌دارند که باید به بنیاد مستضعفین کمک کنید. حقیر جواب دادم: تا دیون کارخانه را پرداخت نکنم، حق دادن پول تحت هیچ عنوانی، به هیچ کس را ندارم. تقاضا دارم تکلیف شرعی این جانب را تعیین فرمایید.

بسمه تعالی، با فرض مطالبه طلبکار و امکان پرداخت بدهی، ادای بدهی واجب است و مقدم بر کمک مجانی به مستضعفان است.

[سؤال 7641] 3990

بسمه تعالی 1361 / 6 / 4

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه

احتراماً؛ این جانب که در يك شرکت ساختمانی سهام بودم، حدود يك سال و نیم قبل، در مورد دریافت سهم خود با شرکا اختلاف مالی داشته، که با مراجعه به دادگستری موافقت شد مبلغی طی سه قطعه چک، به این جانب پرداخت گردد و در حضور بازپرس و با موافقت او، رسیدی در مورد دریافت سه قطعه چک دادم، که یکی از چک‌ها به تاریخ همان روز وصول شده، ولی دو قطعه دیگر که موعد آن یازده روز

ص: 481

بعد بود، پرداخت نگردید. با شکایت مجدد این جانب، در پاسخ کتباً اعلام کردند به استناد رسید مذکور، پرداخت شده است، در حالی که تاریخ دو قطعه چک، یازده روز بعد از تاریخ رسید می باشد و رسید مذکور مربوط به دریافت چک بوده نه مبلغ آن، و باز پرس هم حاضر و ناظر بوده است. خواهشمند است فتوای مسأله فوق را صادر فرمایید.

بسمه تعالی، رسید دریافت چک به تنهایی رسید دریافت طلب نیست و تا مبلغ طلب وصول نشود، بدهی بدهکار به حال خود باقی است و فیصله نزع موکول به محاکم صالحه است.

[سؤال 7642] 3991

بسمه تعالی

محضر محترم امام خمینی

این جانب، جنسی را از آقای الف خریده ام و به آقای ب فروخته ام و چک آقای ب را به آقای الف داده ام، اما این چک وصول نشده است. دادگاه می گوید: چون مدت بیش از دو سال گذشته است، چک قابل قبول نیست. لذا تقاضای مندم مسأله شرعی را مبذول فرمایید. تذکر: از مدت چک پنج سال گذشته است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، بدهی به حال خود باقی است.

[سؤال 7643] 210

5. کسی که به يك سازمان دولتی بدهی دارد، مثلاً از تلفن آن سازمان و نظیر آن برای کار خصوصی استفاده کرده؛ آیا می تواند آن بدهی را به سازمان دیگری که آن هم دولتی است بپردازد؟

بسمه تعالی، باید به همان سازمانی که به آن بدهکار است رد کند.

ص: 482

2. در دوره تحصیل داخل و خارج از کشور، از یکی از مؤسسات دولتی آن رژیم، به نام بنیاد پهلوی وام‌هایی دریافت کرده‌ام. در آن دوره، دانشجویان این وام را دریافت می‌کردند تا پس از اشتغال، ده درصد حقوق خود را بپردازند. البته در بین دانشجویان رسم بر این بود که این وام‌ها را به علت این که وابسته به رژیم و دربار بود خود را عملاً موظف به پرداخت نمی‌دانستند و پس از اشتغال، پولی به بنیاد پهلوی نمی‌دادند.

الآن که وضع فرق کرده، دولت اسلامی شده است و بنیاد پهلوی سابق که به بنیاد علوی تغییر نام یافته و درخواست تأدیه وام خود را نموده خود را موظف به پرداخت این گونه وام‌ها می‌داند. لیکن با توجه به سابقه ذهنی از بنیاد پهلوی سابق از میزان صحت و سلامت این بنیاد، جایگاه آن در میان نهادهای دولتی، چگونگی وابستگی و ارتباط این مؤسسه نسبت به سایر مؤسسات و وزارت خانه‌های دولتی، و نیز صلاحیت و صالح بودن افراد دست‌اندرکار آن جا برایمان مشخص نیست و نمی‌دانم واقعاً با پرداخت این وام‌ها، مبالغ به موضع اصلی خود - که تحصیل دانشجویان است - برمی‌گردد یا نه و این گونه مبالغ، حیف و میل نمی‌گردند یا نه. راهی برای حصول اطمینان جهت رفع تردید وجود ندارد. با این وجود هیچ گونه هم‌مایلی نیستیم که دینی از دیون فردی و اجتماعی بر ذمه‌ام باشد. نمی‌دانم آیا می‌توانم این وام را به نهاد دولتی مطمئن‌تری بپردازم، که مصارف و جوهش‌هایم شناخته شده است یا آن را در اختیار دفتر امام یا هر جایی که شما اعلام بفرمایید، قرار دهم؟ گرچه بنیاد علوی از تعقیب وام خود دست بردار نبوده و اقداماتی جهت دریافت وام خود، به عمل خواهد آورد.

با توجه به توضیحات فوق، آیا باز موظف هستم که وام خود را به همان مؤسسه بنیاد علوی بپردازم، یا راه دیگری وجود دارد؟ در صورتی که راه دیگری وجود دارد، چگونه می‌توان موضوع را برای بنیاد علوی توجیه نمود، تا از تعقیب وام خود دست

بردارد؟ جواب را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر بنیاد جدید، همان مؤسسه سابق است که از آن وام گرفته اید، باید به او بپردازید.

[سؤال 7645] 2282

3. آیا اگر پول داشته باشم، باید اول منزل برای زندگی ام بخرم یا مهریه زن را باید بدهم؟ هر کدام برایم مقدم تر است بنویسید، مزید تشکر است.

بسمه تعالی، اگر طلبکار مطالبه می نماید، ادای بدهی مقدم است.

[سؤال 7646] 3992

بسمه تعالی

با درود فراوان بر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و درود و سلام بر رزمندگان اسلام و سلام بر شما برادران ایمانی که در دفتر امام مشغول خدمت هستید و با تشکر از زحمات شما، چند مسأله را با شما در میان می گذارم و امیدوارم که جواب آن را هرچه سریع تر بدهید.

1. آیا فردی که مقروض است، از همان پولی که قرض گرفته و مخارج زندگی خود را تأمین می کند می تواند به جبهه های نبرد حق علیه باطل کمک نماید؟ از نظر شرعی چگونه است؟

بسمه تعالی، مانع ندارد ولی در صورت مطالبه طلبکار باید دین را ادا کند.

2. من در یکی از روستاها که پنجاه کیلومتر با وطنم فاصله دارد مشغول انجام وظیفه هستم و هر هفته قصد ده روز می نمایم و نماز را آن جا تمام می خوانم ولی اکثر اوقات برای کارهای جزئی - مثلاً آوردن نان - به خانه ام می روم؛ آیا نماز من اشکالی دارد؟

بسمه تعالی، اگر می دانید بین ده روز، از روستا به وطن برمی گردید، نمی توانید قصد ده روز کنید.

3. فردی در جوانی به روزه، زیاد اهمیت نمی داده به این صورت که گاهی تمام ماه رمضان را روزه می گرفته و گاهی ده روز یا بیشتر یا کمتر و حساب آن ها را ندارد، حال وظیفه او چیست؟

ص: 484

بسمه تعالی، مقداری را که یقین به فوت آن ها دارد قضا کند و در صورت افطار عمدی، کفاره دارد.

4. آیا صحبت کردن دختر و پسر دانش آموز در رابطه با درس در مدرسه های مختلط جایز است؟

5. در صورت جایز نبودن جواب سؤال 4، راه چاره برای جلوگیری از آن چیست؟

بسمه تعالی، 4 و 5، مفسده دارد و باید مراعات کنند.

6. آیا گفتن و تشریح مسائل مربوط به بانوان (نفاس، استحاضه) در صورت نبودن يك زن آگاه، مرد می تواند برای زنان تشریح کند؟

بسمه تعالی، اگر مفسده نداشته باشد مانع ندارد.

[سؤال 7647] 3993

بسمه تعالی 1361 / 6 / 15

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، روحى له الفداء

ضمن عرض سلام و دست بوسى، طول عمر و سلامت وجود رهبر عزيز و گران مايه را از درگاه حضرت بقيه الله مسئلت دارم.

اما بعد، غرض از مزاحمت اين كه اين حقير، يكي از نوكران و خدمتگزاران حضرت سيدالشهدا عليه السلام مى باشم و سال ها است كه منبر مى روم و در ضمن تبليغ و ارشاد مردم - چنانچه مرسوم است - در پايان منبرم چند جمله ذكر مصيبت مولانا المظلوم ابى عبدالله الحسين عليه السلام مى نمايم. بسيار اتفاق افتاده كسانى به بنده پول داده اند و گفته اند، فلان روزه را براى ما بخوان، مثلاً روزه ابوالفضل عليه السلام و يا امام رضا عليه السلام و... به طور قطع و يقين بسيارى از اين روزه ها را فراموش کرده ام بخوانم يا وقت خواندنش را پيدا نكرده ام. متمنى است بفرماييد تكليف بنده نسبت به روزه هاى كه نخوانده ام چيست؟ ضمناً بايد به عرض برسانم فعلاً چند سال است به واسطه اين كه حنجره ام را عمل کرده ام ديگر نمى توانم آن طور كه بايد منبر بروم.

بسمه تعالی، نسبت به مقداری که یقین دارید پول بابت آن گرفته اید و روزه را نخواندید ضامن هستید.

ص: 485

2. قرض برادر را از برادر، پدر را از پسر، یا پسر را از پدر، به زور حکومت می گیرند جایز است یا حرام؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، جایز نیست.

11. آیا کسی که مقروض است، قبل از پرداخت قرض خود می تواند در جبهه حضور یابد یا خیر؟

بسمه تعالی، مانع ندارد؛ ولی اگر طلبکار مطالبه می کند و او قدرت پرداخت دارد، اول بدهی را بپردازد و بعداً در جبهه شرکت کند.

بسمه تعالی 16 / 4 / 1361

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى، نايب الامام، امام خمينى، مدّ ظله العالى، رهبر كبير انقلاب اسلامى ايران، نايب بر حق صاحب الزمان ارواحنا فداه

محترماً، معروض می دارم این جانب ساکن اندریه فیروزکوه، چون مرحوم پدرم در زمان حیات خودش مبلغ دو هزار و دویست تومان به يك تاجر زرتشتی بدهکار بود. در زمان حیات خودش موفق به پرداخت بدهی خود نشد. بعد از فوت پدرم، طلبکار نامبرده نیز فوت نمود. بنده برای ادای دین پدرم اقدام نمودم، منتها طلبکار قبل از مردن، ورشکسته شده و اداره ورشکستگی اموال و دارایی و طلبکاری او را قبول نموده بود. با مراجعه به بعضی از علمای قبل از انقلاب فرمودند: حتماً پول به دست وارث طلبکار برسد. وارث طلبکار مزبور دو پسرند که به آلمان رفته اند. فعلاً تکلیف شرعی بنده چیست و چه کاری باید بکنم، تا از دین پدرم بیرون آیم؟

بسمه تعالی، اگر امکان دسترسی به آن ها هست، صبر کنید و پول را برای آن ها حفظ نمایید تا به آن ها رد کنید و اگر مایوس از دسترسی به آن ها باشید، به حاکم شرع مراجعه نمایید.

محضر مبارك مرجع عالی قدر و رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی

پس از عرض سلام، این جانب در شهر ری مشغول به کسب و کار می باشم؛ برادری داشتم کوچک که بنا به تقاضای پدرم، او را به همراه خودم به شهر ری آوردم و از کلاس چهارم ابتدایی، کلیه مخارج او را پرداخته، تا این که موفق به گرفتن دیپلم گشت. در این مدت، برادرم کمک های زیادی در خریدن مایحتاج منزل و گاهی کارهای مغازه، به من نموده است و از قبل هم قراری بین بنده و برادرم و یا بنده و پدرم، راجع به اجرت و حقوق اخوی نبوده، پس از اخذ دیپلم و مدتی گذشتن و پیش آمدن ناراحتی، برادرم از پیش من رفت. موقع رفتن، در محضر پدر و مادر و برادر دیگر، بنا شد مبلغ بیست هزار تومان به این برادر، جهت زحمات این مدت مخارج در رفته بدهم، از این تاریخ چند سالی گذشته، سؤال بنده این است:

1. ایشان در این چند سال، چون به این مبلغ رضایت نداشتند، برای گرفتن پول به بنده مراجعه نکردند، با این که این جانب مکرر، موضوع پول را مستقیماً یا به واسطه دیگران، به ایشان متذکر شدم. آیا با گذشت این چند سال، به آن بیست هزار تومان، چیزی اضافه شده یا نه؟
2. با شرح گذشته، این بیست هزار تومان، قاطی پول این جانب شده و با آن کاسبی کردم و اکنون، ایشان مدعی است چون با پول من کاسبی کرده ای پس به آن بیست هزار تومان اضافه شده است.
3. آیا شرعاً ایشان می توانند بدون قرار قبلی، ادعای مبلغی، مثلاً دو - سه برابر آن بیست هزار تومان را بکنند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر سرمایه از شما است و پول او را مجزا نکرده اید، منافع سرمایه از خود شما است و او فقط پول خود را حق دارد و اگر در سرمایه شریک است، به نسبتی که شرکت دارد، در سود هم شریک است.

بسمه تعالی 1361 / 7 / 25

با تقدیم احترامات و با سلام

لطفاً، در ارتباط با پرداخت و ادای حق الناس، در صورت عدم حضور فرد طلبکار و بی اطلاعی از حیات وی، فتوای امام چیست؟

بسمه تعالی، اگر طلبکار را می شناسد، باید تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه اش تسلیم نماید.

[سؤال 7653] 2136

3. شخصی مبلغی به يك نفر بدهی دارد، طلبکار، مدت ها است ناپدید شده، ولی یقین به فوت او ندارد، فقط از او، فرزند برادرش موجود می باشد؛ تکلیف شخص بدهکار چیست؟ به که پردازد؟

بسمه تعالی، باید حفظ شود تا وضع طلبکار روشن گردد.

[سؤال 7654] 3997

بسمه تعالی

شورای استفتای امام، سلام علیکم

عرض می شود: این جانب در سال 1357 در بحبوحه انقلاب از شخصی اسلحه ای خریدم و قرار شد وجه آن را عصر همان روز پردازم. اتفاقاً همان روز مؤذن مسجد اعظم ارومیه ترور شد و آن شخص نیز متواری گشت. بعدها شایع شد که عامل ترور مؤذن، همین شخص بود که با 100 هزار تومان پول مردم (مال کردها) فرار کرده است. اینک من مانده ام و آن پول اسلحه؛ لذا بدین وسیله از شما کسب تکلیف می نمایم.

بسمه تعالی، داشتن اسلحه باید با مجوز از دولت اسلامی باشد و اگر اسلحه را از مالک آن خریده اید، باید پول آن را به مالکش بدهید و اگر

دسترسی به او ندارید و او را می شناسید باید به حاکم شرع بدهید یا به دستور او عمل کنید.

[سؤال 7655] 3998

بسمه تعالی 1362 / 2 / 27

با عرض سلام به محضر امام بزرگوار و خدمتگزاران اسلام و جمهوری اسلامی هنگام اقامتم در امریکا با يك خطای غیر عمد (خواب رفتن در اثر خستگی زیاد) هنگام رانندگی، اتومبیل به يك اتومبیل دیگر اصابت می کند و به آن اتومبیل خسارت زیادی وارد می شود و پلیس امریکا اعلام می کند که من مقصر هستم (که واقعاً هم همین طور است) و باید خسارت را به شرکت بیمه شخص خسارت دیده پردازم. بعد از چندی به ایران بازگشتم و از آن وقت تا به حال در مورد پرداخت خسارت اقدامی ننموده ام. در صورتی که تماس با شخص خسارت دیده یا شرکت بیمه مذکور برایم امکان پذیر نباشد، بفرمایید تکلیف من در قبال خسارت وارد شده به شخص که باید به بیمه پرداخت شود چیست؟ والسلام علی من اتبع الهدی

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، تکلیفی ندارید.

[سؤال 7656] 3999

بسمه تعالی

سلام علیکم، وسیله ای اول جنگ پیش من مانده است. این وسیله استفاده برای پرسنل است. بعد از مدتی که گذشت بررسی هم کردم ولی مشخص نشد که از کی و مال کدام واحد است. من در بیرون قیمت آن را پرسیدم؛ این وسیله در بیرون هم پیدا می شد و من در جای دیگر و حتی يك مقدار بیشتر هم كمك کردم به بیت المال، و حال نمی دانم این کار که کردم درست است یا خیر؛ راهنماییم کنید. والسلام

بسمه تعالی، به مقامات مربوطه مراجعه کنید؛ چنانچه قبول نمایند اشکال ندارد و گرنه باید وسیله را به آن ها ارجاع نمایید.

ص: 489

5. اگر بدهکاری بدهی خود را فراموش کند و شخص طلبکار نیز به جهتی از طلب خود در راه خدا صرف نظر نماید، با توجه به این که ممکن است بدهکار راضی به این عمل نباشد، آیا از نظر شرع اشکالی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، ابراء کردن طلبکار ذمه مدیون را اشکال ندارد و رضایت بدهکار معتبر نیست.

بسمه تعالی 1361 / 1 / 8

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

ضمن آرزوی تندرستی برای شما جهت خدمت به اسلام و مسلمین؛ چون موقع برگشت از محل خدمت خود به اتفاق نماینده آموزش و پرورش و یک نفر دیگر از کارمندان، ماشین آموزش و پرورش به رانندگی نماینده آموزش و پرورش يك گوسفند را زیر گرفت و ما نیز آن را سر بردیم و به سه قسمت مساوی تقسیم کردیم، در صورتی که می خواستیم هر کدام پول آن را بپردازیم و پولی که پرداخته می شد در حد قیمت گوشت سهمیه خودمان بود؛ ولی آموزش و پرورش قیمت گوسفند را پرداخت نموده است؛ آیا بر ما اشکالی وارد است یا نه؟ با آرزوی پیروزی اسلام بر کفر

بسمه تعالی، اشکال ندارد و رفع ضمان از شما شده است.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، دامت برکاته

به عرض می رساند: فرزندم در تصادف ماشین کشته شده و از او يك نفر صغیر باقیمانده است و تمام ماترك او هم منحصرأً يك باب خانه است که آن هم در قبال

يك صد و هشتاد هزار تومان در رهن بانك می باشد. مادر این صغیر در مذاکره مهریه بنا بوده يك صد هزار تومان مهرش نمایند و در مهرنامهچه نوشته شده: سیصد سکه پهلوی طلا به ارزش صد هزار تومان. حال زوجه متوفی از من که جد پدری صغیر هستم مطالبه سیصد سکه طلا با ارزش فعلی آن را دارد. هرگاه ارزش فعلی سیصد سکه طلا را بنخواهم به مادر صغیر بدهم، تمام شش دانگ خانه هم کفاف آن را نمی دهد و صغیر معطل می ماند. استدعا دارد با در نظر گرفتن این که در موقع ازدواج برای سکه ارزش قائل شده و با در نظر گرفتن این که خانه برای افراد کبیر جزء مستثنیات دین می باشد، حکم الله را ذیلاً مرقوم فرمایند تا طبق آن عمل و مظلومه خدایی از نظر صغیر متوجه فردی نباشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، میزان ارزشی است که در قرار مهر تعیین شده است و مهریه از ترکه خارج می شود.

[سؤال 7660] 4100

4. در این مدت که خط و مشی تعیین می کنند، اسمی از مهریه من به میان نیامده؛ آیا می توانم ادعای مهریه کنم؟

بسمه تعالی، اگر مهریه را طلب دارید، می توانید مطالبه کنید.

[سؤال 7661] 6424

2. زنی بعد از فوت شوهر، ورثه مهریه او را نداده اند و این زن شاید قریب پنجاه سال یا بیشتر است که ازدواج نموده است. و ادعا می کند که پول مهریه من سی تومان نقره بوده است و الآن ورقه عقد و یا شهودی ندارد، مگر آن که تحقیقاً دانسته می شود که آن زمان این پول های امروزی نبوده و منحصر به نقره بوده است. دعوی این ها به چه صورت می باشد؟ بینوا توجروا

بسمه تعالی، تا اصل حق و مقدار آن محرز نشود، چیزی بر ورثه نیست.

ص: 491

حضور مبارك حضرت امام خمینی، مرجع تقلید و بنیان گذار جمهوری اسلامی

در شهرهای کوچک مثل ساوه به علت داشتن تلفن مغناطیسی و پر بودن ظرفیت آن سال هاست که به کسی تلفن داده نشده. عده ای که خانه شان در ساوه و محل کارشان در تهران است، از این موقعیت استفاده کرده و جهت انجام هرچه سریع تر کارهای خود تلفن در تهران خریداری کرده و آن را در منزل پدر خود که آدرس قانونی این شخص نیز می باشد نصب کرده است و مورد استفاده قرار می دهد. آیا این یگانه تلفن شخص مدیون مستثنا از دین هست یا خیر؟

توضیح این نکته ضروری است که مقصود از آدرس قانونی شخص آدرسی است که شخص بدهکار در تنظیم اسناد رسمی با بستانکار آن را آدرس قانونی خود اعلام داشته است و کلیه مکاتبات دولتی و غیر دولتی به همین آدرس و محل نصب تلفن، صورت گرفته و می گیرد.

بسمه تعالی، آدرس میزان نیست. تلفن اگر ملك اوست و در صورتی که تکلیف به فروش آن شود در عسر و شدت و یا منقصت واقع می شود، جزء مستثنیات است.

دفتر حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً؛ پس از عرض سلام و ادب به حضور امام امت، مستدعی است در صورت امکان به مسأله زیر پاسخ عنایت فرمایند:

یک شرکت خصوصی کوچک به منظور ایجاد کار و آموزش زندانیان در رشته صنایع چوب، در تاریخ 1357 / 5 / 1 قراردادی به مدت 12 سال تمام را با بنگاه تعاون

و صنایع زندانیان امضا نمود که به موجب آن، شرکت، احداث سالن های مناسبی جمعاً به مساحت پنج هزار متر مربع را در کانون کار و آموزش قزل حصار به هزینه خود تقبل نمود (در زمین دولت).

در قرارداد تصریح شده است که ساختمان های احداث شده پس از مدت 12 سال، بلاعوض به بنگاه واگذار و منتقل گردد و در طول مدت قرارداد، اجاره ای از بابت زمین به بنگاه پرداخت شود. عملیات ساختمانی در زمان تعیین شده آغاز گردید و از آن جایی که سرمایه اولیه شرکت برای اتمام کلیه ساختمان ها و شروع بهره برداری کافی نبود، دو فقره وام از دو بانک مختلف جمعاً به مبلغ پانزده میلیون ریال دریافت گردید که تماماً صرف تکمیل نسبی ساختمان های مورد بحث شد.

با اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی و اعتصابات عمومی در سطح کشور که نهایتاً به پیروزی انقلاب و نیز گشوده شدن زندان ها انجامید، ادامه عملیات نهایی در جهت راه اندازی کارگاه نیز متوقف گردید. حتی پس از استقرار نسبی ثبات در کشور به علت رکود شدید اقتصادی و کمبود نقدینگی شرکت از يك سو، و وجود مشکلات و موانع متعدد از جمله کارشکنی ها و دخالت های افراد غیر مسئول در امور کانون کار و آموزش قزل حصار از سوی دیگر، مع الأسف شروع فعالیت های مورد نظر میسر نگردید. و لذا پس از گذشت کمی بیش از دو سال از شروع قرارداد، به علت فشارهای وارده از سوی مدیریت بنگاه تعاون و صنایع زندانیان و در شرایطی که امیدی به بهره برداری از ساختمان های ایجاد شده نمی رفت، شرکت عملاً مجبور به خروج از کانون کار و آموزش قزل حصار و برجا گذاشتن کلیه مستحقات خود - که تنها ما يملك شرکت بود - شد، بدون آن که دیناری از بابت هزینه های متحمل شده دریافت نماید.

از آن جایی که هزینه حدود نیمی از مستحقات ایجاد شده از محل وام های بانکی تأمین گردیده و اینک بانک ها برای دریافت وام اعطایی خود، مدیران شرکت را - که

هستی خود را نیز در این راه از دست داده اند - تحت فشار شدید قرار داده و اقدام قانونی به عمل آورده اند، مستدعی است مسأله را از نقطه نظر شرع مقدس مورد بررسی قرار داده و این جانب را از نتیجه امر مطلع فرمایند.

طول عمر و سلامت امام عزیز و همه خدمتگزاران اسلام را از خداوند متعال مسئلت می نمایم.

بسمه تعالی، اصل بدهی باید داده شود.

[سؤال 7664] 4004

بسمه تعالی

با توجه به اعلام رادیو در مورد عدم پرداخت اقساط منازل و اراضی فروخته شده تا تعدیل قیمت توسط مقامات مسئول خواهشمند است نظریه مرجع عالی قدر امام خمینی را در مورد فوق با توضیح مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، دین را شرعاً باید ادا کرد.

[سؤال 7665] 2228

2. زیدی مبلغ نه صد تومان از یهودی ضد انقلاب در زمان طاغوت گرفته بود، آیا فعلاً باید مبلغ فوق را به آن یهودی پرداخت کند یا خیر؟

بسمه تعالی، بدهی را باید ادا کند.

[سؤال 7666] 4005

بسمه تعالی 1361 / 6 / 28

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع تقلید و بنیان گذار جمهوری اسلامی

عیال این جانب با به اجرا گذاردن مهریه خود، آن را نقداً طلب می کند و چون قوانین اسلامی هنوز جایگزین قوانین خلاف شرع نگردیده و کارکنان اجرای ثبت، هنوز با قوانین الهی خونگرفته اند، به بهانه این که خانه این جانب دارای دو پلاک و

ص: 494

یگانه تلفن این جانب که در منزل پدرم نصب می باشد، اقدام به توقیف آن ها، و ادامه عملیات اجرایی جهت حراج آن ها نموده است.

حال که بستانکار کلیه طلب خود را نقداً می خواهد و این جانب یارای پرداخت آن را ندارم، آیا تقاضای تقسیط بدهی مورد اجرا، تقاضای شرعی و قانونی این جانب است و یا این که بابت بدهی، بایستی یگانه خانه و یگانه تلفن این جانب حراج شود؟

بسمه تعالی، خانه مسکونی و تلفن اگر مورد ضرورت زندگی باشد، جزو مستثنیات بدهی است و چنانچه بدهکار به جز خانه مسکونی، چیزی برای ادای بدهی نداشته باشد، باید او را مهلت دهند.

[سؤال 7667] 4006

بسمه تعالی 1361 / 3 / 26

به حضور محترم حضرت آیت الله العظمی، نایب الامام، حاج آقای روح الله الموسوی الخمینی، دامت برکاته

با تقدیم احترام؛ اگر مثلاً يك جوان مسلمانی يك قطعه زمین مسکونی به مساحت 135 متر مربع واقع در قم بخرد و این جوان مبلغ صد هزار تومان از طریق قرض و با مصیبت تهیه کند و به مبلغ بیست و چهار هزار تومان هم زنش طلا و فرش جهازش را بفروشد و به شوهرش کمک کند و به کمک این پول ها این زمین را خانه درست کنند و شوهرش به خاطر کمک 24000 هزار تومان زنش، بنا و قرار گذاشت که به شرط ادامه زندگی در آینده، نصف خانه را به نام زنش بکنند. و بالاخره زندگی زن و شوهر به هم می خورد و مسأله به طلاق می کشد و شوهرش هم از مصیبت قرض و بدهکاری، خانه را می فروشد و تمام پول خودش را که صد هزار تومان بود می پردازد و پول زنش را نگه داشته. آیا نصف یا پول نصف خانه به زنش می رسد یا نه؟ آیا پول زنش سود و استفاده دارد یا نه؟ اگر دارد اسمش چیست؟ با تشکر؛ جواب مسأله را با مهر مزین

ص: 495

بفرمایید. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، زمین و خانه را اگر برای خودش تهیه کرده و زن پول فروش طلا- و فرش و جهازیه را به شوهرش قرض داده، فقط عین همان مبلغ پول را طلبکار است؛ ولی اگر شوهر در ضمن عقد لازم، غیر از عقد قرض، شرط نموده که نصف منزل را به نام زن منتقل سازد زن حق مطالبه وفای به شرط دارد.

[سؤال 7668] 4007

بسمه تعالی 1361 / 5 / 25

محضر مبارک حضرت امام خمینی، دام بقاؤه، سلام علیکم

ضمن عرض دست بوسی، مسأله ای دارم: شخصی معتبر و متدین به منظور خرید آهن و سایر کالاهای مجاز از خارجه، وجهی از بانک گرفته؛ چون خوشبختانه در جمهوری اسلامی ربا نیست، بانک نتوانسته این پول را به صورت ربوی در اختیار شخص مزبور قرار دهد، بلکه درصد معینی از منافع این کار را درخواست و حتی منافع را هم حین پرداخت وجه اخذ نموده؛ گیرنده پول با آگاهی کامل مبادرت به ورود کالا نموده؛ متأسفانه حین ورود کالا به خرمشهر، بندر خرمشهر از طرف صدامیان متجاوز اشغال می شود، لذا از کالا هیچ گونه اثری در دست نیست؛ در این گونه موارد بیمه هم خسارت نمی دهد؛ حال صورت اول مسأله این است که خسارت ناشی از این پیشامد کلاً بر عهده بانک که صاحب پول است می باشد یا بر عهده گیرنده پول است یا بر عهده طرفین؟

صورت دوم مسأله هم این است که اگر خسارت کلاً یا جزئاً بر عهده گیرنده وجه می باشد و اکنون به علت خسارت وارده، واقعاً قادر به پرداخت دین خود نیست، بانک چه اقدامی علیه او باید انجام دهد؟ چشم انتظار پاسخ هستم.

بسمه تعالی، ضمان پول بر عهده گیرنده آن است و اگر قدرت بر ادا ندارد، باید به او مهلت داده شود.

ص: 496

بسمه تعالی

محضر مقدس زعیم عالی قدر و رهبر آگاه، نایب الامام، امام خمینی، دامت برکاته

به عرض می‌رساند: این جانب مبلغی بدهکارم و الآن نمی‌توانم بدهکاری ام را بپردازم و فشار می‌آورند و من که ندارم، تکلیف من را معین کنید. والسلام علیکم

بسمه تعالی، در صورت عدم تمکن بدهکار از ادای بدهی خود، طلبکار باید او را مهلت دهد.

[سؤال 7670] 4769

2. يك نفر كاسب پيرمرد خياط كه مستأجر 2 باب مغازه فوق الذكر بوده در مدت 8 سال در حدود مبلغ دوازده هزار تومان بابت كرايه مغازه و مخارج مربوط به دادگستری و حق الوكاله و ساير مخارج مربوطه دو فقره حكم صادر شده دادگستری، مدیون و در اثر عدم توانایی تخلیه کرده است و چنانچه اجرائیه صادر گردد محكوم به پرداخت وجوه نامبرده می‌شود و چون توانایی ندارد محكوم به زندان است، برای جلوگیری از تعقیب نامبرده و برائت ذمه از مستأجر اجازه فرمایید مبلغ نامبرده بابت سهم امام علیه السلام محسوب گردد که در نتیجه برائت ذمه از مستأجر و موجر حاصل شده و ادای دین طرفین گردد.

بسمه تعالی، اگر تمکن از ادای دین خود ندارد باید به او مهلت داده شود.

[سؤال 7671] 4943

3. بعضی از دانشجویان مثلاً پول شهریه یا پول تلفن یا پول بیمارستان و یا پول هایی از این قبیل را به خارجی ها پرداخت نمی‌کنند و حتی گاهی مثلاً پول اتوبوس را هم نمی‌دهند و می‌گویند که این ها از کشور ما خورده اند این پول متعلق به خود ماها است، آیا از جهت شرعی باید کلیه بدهی ها را به خارجی ها (مسیحیان، یهودیان و غیره) پرداخت؟

بسمه تعالی، بدهی را باید ادا کرد.

ص: 497

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته، محترماً ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت و طول عمر آن جناب تقاضا دارم قبول زحمت فرموده حکم شرعی مسأله زیر را بیان فرمایید:

در گذشته اتفاق می افتاد که کارگری به دستور صاحب کار علاوه بر ساعات مقرر کار ساعات دیگری برای صاحب کار اضافه کاری می نمود و عندالمطالبه مزد اضافه کاری اش، صاحب کار از پرداخت مزد اضافه کاری وی خودداری می نمود و به کارگر وعده می داد که در آینده مزد اضافه کاریش را پرداخت خواهد کرد و یا این که او را تهدید می کرد چنانچه دوباره بشنود کارگر مزد اضافه کاریش را مطالبه کند از کار اخراجش خواهد نمود و به همین دلیل کارگر به ناچار و به منظور این که کارش را از دست ندهد و یا این که صاحب کار احتمالاً به قولش وفا خواهد کرد صبر می نمود و بالاخره چون حقش پرداخت نمی شد بعد از مدتی مثلاً بعد از یکی دو سال برای استیفای حق خود به اداره کار مراجعه می کرد تا حقش را از صاحب کار بستاند ولی مسئولین اداره کار به کارگر پاسخ می دادند که از این طلبکاری يك سال گذشته و حق تو مشمول مرور زمان گردیده و هیچ گونه حقی به تو تعلق نمی گیرد و بدین ترتیب کارگر حقش از بین می رفت و از طرف دیگر با شکایتی که علیه صاحب کار کرده بود روابطش با صاحب کار نیز تیره می شد.

موضوع مشمول مرور زمان در مورد حقوق - دیون - قتل - غصب اموال دیگران و داد و ستدهای دیگر نیز در قانون دادرسی مدنی منظور بوده و ملاک عمل قرار می گرفته و حقوق دیگران ضایع می شده است تقاضا دارم موارد زیر را بیان فرمایید:

1. در این موارد که کارگران طلب هایی از صاحبان کار خود دارند و یا بالعکس و يك یا چند سال از تاریخ طلب می گذرد و تا کنون به دلایلی ادعایی نکرده اند از نظر

قوانین اسلامی حقی به کارگران تعلق می گیرد و یا این که مسأله شمول مرور زمان در قوانین اسلامی نیز صحیح است؟

2. افرادی که از دیگران طلبکار هستند چه مالی و چه جانی و در فاصله زمانی مندرج در قوانین گذشته مطالبه حق خود را نکرده اند آیا حق آن ها مشمول مرور زمان شده و از بین رفته است؟

3. مسأله شمول مرور زمان که در قوانین گذشته و احتمالاً در قوانین فعلی به آن عمل می شود باتوجه به موضوع معاد چه صورتی دارد؟
بسمه تعالی، مرور زمان حق شرعی را ساقط نمی کند و شرعاً اعتباری ندارد.

[سؤال 7673] 4010

بسمه تعالی 1361/9/6

دفتر حضرت امام خمینی، مدّ ظله

خواهشمند است حکم شرعی مسائل زیر را بیان فرمایید:

1. شخصی از فردی طلبکار است. بدهکار با قدرت پرداخت، خودداری می کند؛ طلبکار به دادگاه مراجعه می کند، مخارجاتی از قبیل تمبر، پوشه، هزینه دادرسی بر می دارد، آیا بر عهده بدهکار است؟
بسمه تعالی، این قبیل مخارج بر عهده بدهکار نیست.

2. شخصی جنس سلف می فروشد؛ موقع تحویل، بدهکار جنس را تحویل می دهد اما قدری با مورد معامله مغایرت دارد. پس از این که طلبکار جنس را تحویل می گیرد ادعا می کند که مابه التفاوت جنس را هم باید بدهکار بدهد؛ آیا بدهکار پس از تحویل جنس، مدیون مابه التفاوت می باشد؟

بسمه تعالی، اگر جنس مطابق مبیع به اوصافی که فروخته شده نیست، تبدیل، موقوف است به رضایت طرفین؛ به هر نحو هر دو راضی بشوند صحیح است.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

ص: 499

محضر محترم حضرت امام خمینی، دامت برکاته، توقیراً مستدعی است پاسخ استفتای زیر را اعلام فرمایند تا تکلیف شرعی روشن و بدان عمل گردد:

در زمان حکومت طاغوت به موجب حکم دادگاه، شخصی در قبال دولت، محکومیت مالی پیدا می نماید که به علت اعسار و افلاس قادر به پرداخت مبلغ مورد حکم نبوده؛ لذا ملک نام برده در قبال بدهی به دولت تملیک، ولی سند مالکیت کماکان به نام بدهکار باقی می ماند. حالیه بفرمایند آیا براساس موازین شرعی، شخص بدهکار (محکوم علیه) می تواند با پرداخت تمامی اصل بدهی خود به دولت (محکوم به) ملک مذکور را استخلاص و مسترد دارد یا نه؟

بسمه تعالی، تابع مقررات دولت اسلامی است.

دفتر محترم استفتای امام

احتراماً؛ پس از سلام و تحیات، شوهر خواهر این جانب حدود دوازده سال قبل، فرزند خود را در یکی از مدارس ملی نام نویسی کرد. این بچه پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در آن مدرسه، برای ادامه تحصیل به مدرسه دیگری رفت. پس از دو - سه سال که مشغول تحصیل در مدرسه دوم بود، مدارک تحصیلات ابتدایی را مدرسه اول نفرستاد. در این زمان، پدر طفل فوت نموده و من که دایی بچه بودم، سرپرستی طفل را تقریباً به عهده گرفتم. برای گرفتن مدارک مراجعه کردم؛ معلوم شد - به علت خلاف کاری های متعدد - آموزش و پرورش، مدرسه را منحل نموده است. با پرسش زیاد مدیر مدرسه را پیدا کردم؛ اظهار داشت که شش هزار تومان طلبکارم و تا ندهید مدارک را نخواهم داد؛ البته غیر از من عده دیگری هم بودند که به همین گرفتاری

دچار بودند. اظهار داشتیم که باید طلب خود را در همان موقع می گفتید. کار به سر و صدا کشید و تمام اولیای اطفال به آموزش و پرورش شکایت کردند و مجبور شد مدارک را به آموزش و پرورش بدهد و کار به اتمام رسید. حالیه هم به طوری که مستخدم مدرسه می گوید: به علت خلافتکاری و نپرداختن حقوق آموزش و پرورش مخفی است. به آدرس نامبرده - که از مستخدم مدرسه گرفتم - نامه ای نوشتم و قید کردم که چون نمی خواهم مدیون باشم، اگر حقیقتاً پولی بدهی داریم، منصفانه بنویسید که متناوباً بپردازم. جوابی نیامد و من هم حقیقتاً نمی دانم بدهی است یا نه و اگر هست، چه مقدار است. تکلیفم چیست؟ چه باید بکنم که مدیون نباشم؟ چون این موضوع مراجع می دهد. به انتظار لطفتان هستیم.

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، اگر یقین به بدهی ندارید، چیزی بر شما نیست.

[سؤال 7676] 4013

بسمه تعالی 4 / 11 / 1361

ضمن تقدیم درود و تحیات؛ اگر شخصی برای کسی کاری انجام دهد و از اخذ کارمزد خودداری نماید (اجرت را با اصرار زیاد، بدهند و او نگیرد) آیا بعد از گذشت زمانی نسبتاً زیاد، حق مطالبه اجرت دارد یا خیر؟

مورد: محضرداری عقد نکاح را در دفتر ثبت می نماید و از اخذ اجرت با خصوصیات فوق الذکر خودداری می نماید؛ آیا با گذشت زمانی نسبتاً زیاد حق مطالبه اجرت را دارد یا خیر؟

لطفاً فتوای حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، طول زمان موجب سقوط طلب نمی شود؛ ولی اگر از طلب خود گذشت نموده و ابراء کرده دوباره نمی تواند مطالبه نماید.

ص: 501

محضر مبارك رهبر عالی قدر بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پس از سلام معروض آن که در امتعه و اجناس از قبیل گندم و شکر و برنج و غیره که شخص مقدار معینی از يك جنس را گرفته بعد از مدتی همان مقدار از همان جنس را مسترد می دارد، و اگر قرار ادای اضافه بر مقدار قرض در میان باشد قرض ربوی است.

پول هم که نمودار پشتوانه اش طلا و نقره و جواهرات شمرده می شده از با ثبات ترین متاع ها به حساب می آید. اما بعد از جنگ بین الملل دوم که وزیر اقتصاد آلمان غربی پشتوانه اسکناس آلمان را نیروی کار ملت خود اعلام کردند کم کم در سایر کشورها هم اسکناس رابطه خود را با پشتوانه از دست داد و اسناد دولتی و ارز خارجی هم بر پشتوانه اسکناس اضافه شد و بالاخره بانک امریکا هم که تا چند سال قبل متعهد بود در مقابل مقدار معینی از دلار يك شمش معین از طلا بدهد به تعهد خود عمل نکرد و در نتیجه، اسکناس در تمام کشورها از پشتوانه فارغ گردید و متکی به تضمین اعتباری بانک های ناشر اسکناس شد، لذا ارزش اسکناس سیر نزولی دارد - به خلاف اجناس که سیر صعودی را می پیماید - اگر متکی به پشتوانه بود هرگز از ارزش آن کسر نمی شد پاسخ سؤال های زیر مورد تقاضا است.

1. کسی از دیگری مبلغی اسکناس یا چک به قرض الحسنه می گیرد و پس از دو سال که عین همان اسکناس را پس می دهد در حدود 30% قدرت خرید خود را از دست می دهد. حال اگر داین و مدیون در اول قرض الحسنه شرط کنند که مدیون در بازپرداخت دین مبلغی را ادا کند که قدرت خریدی معادل مبلغ فعلی قرض الحسنه داشته باشد آیا چنین قراردادی شرعاً مجاز و قابل اجرا است؟

بسمه تعالی، شرط مذکور نافذ نیست و همان مبلغی که قرض گرفته را ضامن است و قدرت خرید پول در این مسأله اثر ندارد.

[سؤال 7678]

2. کسی جنسی را به مدت 31 روز به نسیه می فروشد خریدار در سر مدت اختیاراتاً یا اضطراراً ثمن را نمی پردازد بعد از يك سال که همان ثمن را پرداخت می کند انصافاً معلوم است که بفروشنده ظلم شده و مثلاً يك هزار تومان امروز معادل يك هزار تومان يك سال پیش نیست. آیا طلبکار می تواند بگوید این مبلغ طبق شاخص رسمی بانکی 12% قدرت خرید خود را از دست داده پس بایستی 120 تومان اضافه بر هزار تومان پردازی. و اگر طلبکار این 120 تومان را خواست بر مدیون لازم است که پردازد؟ و در صورت نپرداختن آیا این 120 تومان قابل تقاص است؟

بسمه تعالی، طلبکار بیش از مبلغی که طلب دارد حق ندارد و درصد مذکور ربا و حرام است.

[سؤال 7679] 7214

3. زنی که قیمت مهریه اش 50 سال پیش 200 تومان بود، آیا وظیفه شوهر پرداخت همان 200 تومان است یا این که باید طبق وضعیت اقتصادی زمان پردازد.

بسمه تعالی، همان مبلغ که مهریه شده را باید پردازد.

احکام قرض (وام دادن)

[سؤال 7680] 4015

بسمه تعالی

محضر اقدس امام امت حضرت آیت الله العظمی السید روح الله الموسوی الخمینی مدّ ظلّه العالی

چه می فرمایید در این دو مسأله که:

ص: 503

1. عده ای مثلاً ده نفر يك کمیته تشکیل می دهند به این عنوان که تمام این ده نفر ماهی هزار روپیه جمع کنند و این ده هزار روپیه پیش یکی از این ده نفر به طور امانت محفوظ باشد و در آخر هر ماه بین این ده نفر قرعه کشی می شود، اسم هر کس در قرعه آمد آن ده هزار روپیه را به آن شخص می دهند و همچنین ماه های دیگر تا مدت يك سال یا زیادتر حسب معاهده آیا این طور شراکت و قرعه کشی صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، امانت گذاشتن پول نزد کسی و وکیل نمودن آن شخص در وام دادن پول مزبور به یکی از اشخاص معین که قرعه به نامش اصابت کرده، مانع ندارد.

2. در موضوع سؤال اول يك عنوان دیگری هم دارند و آن این است که وقتی این ده نفر جمع شدند برای قرعه کشی، يك نفر می گوید آقایان من فعلاً فوری پول لازم دارم، اگر شما راضی باشید که قرعه کشی نکنید و بدون قرعه به من پول بدهید من حاضرم که به جای ده هزار روپیه هشت هزار روپیه بگیرم و باقی دو هزار روپیه در بین خودمان بالسویه تقسیم شود، در این بین يك شخص دیگر اظهار می نماید آقایان من حاضرم که شش هزار روپیه بگیرم و ما بقی چهار هزار روپیه را بدهم که در بین خودمان بالسویه تقسیم شود، همین طور تا در آخر هر کس پول کمتر گرفت بدون قرعه آن پول را به آن شخص می دهند و این پولی را که داده در بین خودشان که یکی از آن ها خود همین شخص باشد تقسیم می کنند و همین طور در ماه های دیگر آیا این عنوان دوم جایز است یا خیر؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، وام گرفتن پول کمتر و در مقابل، پرداخت مقدار تفاوت به صاحبان پول، ربا و حرام است.

[سؤال 7681] 4016

بسمه تعالی

با آرزوی سلامتی و طول عمر امام امت، چند سؤال بود که عرض می کنم:

1. سال ها است که مستأجر هستیم، اخیراً با تلاش و کوشش، مجوز خرید مسکن گرفتیم؛ ولی بانک ها پولی برای خرید يك چهار دیواری نداشتند که وام بدهند، تا این که بعد از مدت ها شنیدیم که وام می دهند. پدرم برای اخذ وام مراجعه کرد؛ ولی

ص: 504

گفتند که فرم درخواست وام تمام شده (قسمت اصلی سؤال این جا است) رئیس آن بانك از قبل با پدرم آشنا بود و به او گفته بود که هر وقت کارت گیر بود به من مراجعه کن. پدرم نیز مراجعه کرد و بعد از شرح موضوع و وضعیت مالی و نیاز ما، رئیس بانك از کشوی میز، یکی از آن فرم ها را درآورد و به پدرم داد. او هم فرم را پر کرد و تحویل داد. این عمل چه حکمی دارد و اگر بعد از موافقت، وام دادند و خانه خریدیم، وضع آن خانه از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟ آیا این عمل، پارتی بازی حساب نمی شود؟ و اگر می شود، کدام يك مقصر هستند؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، دریافت وام و خریدن منزل و سکونت و تصرف آن اشکال ندارد؛ مگر آن که محرز شود که مسئولین، حق دادن وام نداشتند.

2. در ماه رمضان امسال، روحانی یکی از مساجد در بین مسائل شرعی گفتند: قبل از غسل باید بدن از نجاست پاك شده باشد و پاك کردن منی یا هر نجاست دیگری در بین غسل، موجب ابطال آن است. در صورت صحت این مسأله و انجام این عمل، آیا نمازهای ما (باتوجه به این که خبر نداشتیم و احتمال ابطال نمی دادیم) باطل بوده اند و باید قضا شود؟

بسمه تعالی، اگر یقین دارید که هنگام غسل، بدن نجس بوده و پیش از تطهیر بدن غسل نمودید، غسل باطل است و نمازها قضا دارد.

3. مادر این جانب با نهایت احترامی که برایشان قایل هستم متأسفانه دارای فرهنگ پایین و کم دقتی در بعضی مسایل شرعی هستند و روی همین اصل در خانه عده ای طاغوتی و ضد انقلاب که نماز هم نمی خوانند و در این خط ها نیستند مشغول کار شده است و هرچه منع کرده و دلیل آورده ام روی قالب های ذهنی غلط، قبول نمی کنند و می روند روشن بفرمایید که اگر حقوقی بابت زحمات به ایشان بدهند یا کالا و جنسی به ایشان بدهند حکم این اموال چیست؟ با توجه به این که از خمس و زکات آن ها بی خبریم و احتمال می دهیم که نمی دهند. اگر حرام باشد چه باید بکنیم و در چه راهی تصرف کنیم؟

بسمه تعالی، اگر یقین ندارید پولی که بابت اجرت می گیرید در مقابل کار حرام است و یا پول حرام یا مخلوط به حرام است اشکال ندارد و همچنین کالایی که از آن جا می آورند تا یقین نداشته باشید محکوم به حلیت است.

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

نظر به این که مردم، صندوق های قرض الحسنه را در مسیر وام دادن می دانند و از طرفی هم هرگاه بخواهند می توانند پولشان را بگیرند (زیرا هیأت مدیره، خود را متعهد پول های مردم می دانند) لذا با صندوق ها همکاری می کنند؛ آیا هیأت مدیره صندوق ها می توانند مبالغی از پول های موجود را برای خرید محل صندوق اختصاص دهند و یا کارهای تجاری به منظور تأمین هزینه های صندوق و کارهای خیر دیگر که به نفع جامعه باشد انجام دهند؟ سازمان اقتصاد اسلامی

بسمه تعالی، با فرض این که مردم پول را به صندوق قرض می دهند تصرفات مزبور مانع ندارد.

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، استفتای ما در مورد صندوق قرض الحسنه ای است که ما سه نفر از دانشجویان دانشکده الهیات تشکیل داده ایم.

قسمتی از سرمایه اولیه ما مقداری از مازاد بودجه دانشکده بوده که به خاطر صرفه جویی، زیاد آمده و حسابدار دانشکده آن را در اختیار صندوق گذارده و قسمت دیگر سرمایه صندوق کمک های بلاعوض دانشجویان این دانشکده است. اکنون این سؤالات مطرح شده که از حضور آن جناب خواهشمندیم جواب آن ها را مرقوم فرمایند.

1. آیا در اختیار صندوق گذاشتن این بودجه برای کمک به دانشجویان جایز است؟

2. آیا از کمک های بلاعوض می توان مخارج صندوق را تأمین نمود؟

3. آیا در صورتی که پولی از صندوق قرض شود و احیاناً به دلایلی مسترد نگردد ما مسئولیت شرعی داریم؟ در این صورت تکلیف ما چیست؟

4. نظر به این که مدت تحصیل ما در دانشکده محدود است، می توان مسئولیت صندوق را مثلاً به انجمن اسلامی دانشکده واگذار یا مثلاً جایز است مبلغ دریافتی از دانشکده را برگردانیم و کمک های بلاعوض دانشجویان را نیز در اختیار یکی از صندوق های قرض الحسنه عمومی قرار دهیم؟ در این صورت تکلیف سود حاصله از کل سرمایه صندوق که از بابت خرید و فروش کتاب به سرمایه صندوق اضافه شده چه می شود؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، تشکیل صندوق قرض الحسنه به نحو مذکور مانع ندارد، ولی باید پولی که از بودجه دانشکده اخذ شده طبق مقررات دانشکده باشد.

[سؤال 7684] 4019

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

1. اگر صندوق قرض الحسنه ای در حدود هزینه هایش کارمزد گرفت و در پایان سال مقداری زیاد آورد، چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، اگر کارمزد مشروع بوده زیادی از صندوق است در فرض قرض دادن به صندوق.

[سؤال 7685]

2. آیا هیأت مدیره صندوق قرض الحسنه می تواند موجودی صندوق را به مضاربه یا مشارکت یا مزارعه یا مساقات و یا معاملات حلال دیگر به کار برد با توجه به این که

ص: 507

پول های مردم در صندوق به عنوان سهام نیست و سود حاصله به سرمایه صندوق اضافه می گردد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد، در فرض قرض دادن.

[سؤال 7686] 4020

بسمه تعالی 1361 / 12 / 18

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی، الامام خمینی، دام ظلّه، پس از سلام، توجه شما را به مسأله زیر جلب، و حکم آن را خواستاریم.

1. در درمانگاه ما شرکت تعاونی به صورت قرض الحسنه تشکیل شده است و عده ای از اقلیت های مذهبی کلیمی، در درمانگاه کار می کنند و خواستار شرکت در صندوق قرض الحسنه می باشند. دریافت پول از آن ها بابت سهمیه، و پرداخت به عنوان قرض الحسنه، چه صورت دارد؟ لطفاً وظیفه ما را در این رابطه بیان فرمایید.

بسمه تعالی، مانع ندارد.

2. یکی از افراد کلیمی در درمانگاه، برای نماز خانه پولی پرداخته اند. استفاده از این پول، جایز است یا خیر؟ در صورت جایز نبودن، به خودش برگردانیم یا خیر؟

بسمه تعالی، استفاده از پول او برای این امر، اشکال ندارد.

[سؤال 7687] 6935

4. شخصی در مؤسسه ای یا ارگان های انقلابی کار می کند. ملکی به او از ارث می رسد و حقوق هم به اندازه کافی نیست که هم خرج زندگی خود کند و هم آن ملک را که از ارث رسیده تعمیر نماید. آیا می تواند وام بگیرد و ملک مذکور را آباد کند؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 7688] 6800

7. کسی که متمکن است و برادر دینی او به او رجوع می کند درباره احتیاجی که دارد و شخص متمکن او را رد می کند، با علم به احتیاج این برادر، آیا این گناه است یا

ص: 508

خیر؟ و در صورت گناه بودن، از کبایر است یا از صغایر؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، موارد مختلف است.

[سؤال 7689] 4021

بسمه تعالی چهارم شوال 1402 ق

رهبر کبیر عالم اسلام، الامام الخمینی، دام ظلّه الوارف

این جانب با بعضی از برادران انجمن اسلامی دانشجویان پیروان خط امام در امریکا، درصدد هستیم صندوق قرض الحسنه تشکیل دهیم و پول عمده آن - به خواست خداوند - از خارج ایران تهیه خواهد شد. هدف از تشکیل صندوق، کمک محدود و مشروط به برادران و خواهرانی که در امریکا به دلایل مختلف احتیاج به پول پیدا کرده اند، می باشد.

شرایط وام گیرنده: الف. مسلمان و عامل به احکام مقدس اسلام؛ ب. معتقد و ملتزم به خط مشی انقلاب اسلامی.

اولویت ها: 1. فارغ التحصیلانی که برای خدمت در جمهوری اسلامی عازم مراجعت هستند؛ 2. کسانی که به دلیل مسلمان بودن، از کار اخراج می شوند؛ 3. کسانی که به دلیل فعالیت های تبلیغات اسلامی، طول مدت تحصیلشان زیاد شده و ارزشان قطع شده؛ 4. کسانی که به دلایل مختلف، منبع ارز تحصیلی خود را از دست داده اند.

حال، با در نظر گرفتن شرایط کنونی جمهوری اسلامی در رابطه با جنگ تحمیلی و اولویت جمع آوری کمک به جبهه ها، در شروع به تشکیل این صندوق، نظر شریف آن بزرگوار را خواستارم.

از درگاه خدای تبارک و تعالی، طول عمر آن رهبر عظیم الشان اسلام و مسلمین، و پیروزی ملت شهادت طلب کشور اسلامی ایران را خواستار است.

بسمه تعالی، تشکیل صندوق مزبور اشکال ندارد و کوشش و سعی در برآوردن حوائج نیازمندان، از عبادات محسوب است و ثواب زیاد دارد.

ص: 509

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی فدا،

محترماً؛ تصدیق اوقات شریفه شده و نظر معظّم له را درباره وام قرض الحسنه در مسائل مطروحه ذیل خواهانیم:

1. صندوقی به نام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در محل شهید پرور و مستضعف نشین جوادیه تهران دایر شده و در حدود قریب به سی میلیون تومان برای امور ضروری مردم وام قرض الحسنه داده شده و از آن جایی که اکثر اهالی محل، ضعیف و وام بگیر هستند و برای آن که صندوق بتواند بیشتر در اختیار مردم نیازمند باشد، چنانچه هیئت امنای صندوق، شرایطی برای عضویت در صندوق مزبور - از قبیل: کمتر از یک هزار تومان مثلاً برای افتتاح حساب، عضو قبول نکند - در صورتی که این شرط مقدمه وام گرفتن محسوب می شود، آیا این شرط در اصل وام قرض الحسنه اشکال وارد می کند یا نه؟

بسمه تعالی، شرط مزبور اشکال ندارد.

[سؤال 7691]

2. در اثر کثرت متقاضی وام و رعایت نوبت در حین افتتاح حساب در صندوق، چهار ماه مدت برای تقاضای وام قرض الحسنه مشروط می شود، آیا این شرط مدت اشکال دارد یا نه؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7692]

3. چنانچه حساب های ثابت مدت دار در صندوق افتتاح بشود و شرایطی از قبیل: الف. مثلاً شش ماه مبلغ معینه در صندوق ثابت بماند، ب. در این مدت حق

ص: 510

نداشته باشد، ج. تا انقضای مدت معینه حق تقاضای وام نداشته باشد، د. بعد از انقضای مدت مزبور به اندازه موجودی، وام قرض الحسنه بدون بهره با شرایط صندوق به او داده می شود؛ آیا این نوع حساب ها و شرایط وام دادن اشکال دارد یا نه؟

بسمه تعالی، شروط مزبوره اشکال ندارد.

4. برای هزینه جا و اوراق و حقوق کارمندان صندوق، مثلاً برای هر ده هزار تومان يك صد و پنجاه تومان ثابت به عنوان مخارج صندوق از وام گیرنده کسر می کند، آیا این برداشت اشکال دارد یا نه؟ در صورتی که اگر این هزینه نباشد، نمی تواند ادامه کار داشته باشد.

بسمه تعالی، دریافت اضافی به نحو مزبور - ولو این که به اسم هزینه باشد - جایز نیست؛ ولی دریافت کارمزد متعارف با توافق طرفین اشکال ندارد.

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

[سؤال 7693] 4023

بسمه تعالی 1361 / 6 / 1

محضر مقدس رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، ضمن عرض سلام و دعاگویی، تقاضای جواب مسائل ذیل را دارم.

1. آیا اعضای هیأت های مدیره صندوق های ذخیره قرض الحسنه با وجوهاتی که از مردم نزدشان مانده، می توانند معاملات تجاری انجام و از سود حاصله، به نفع فقرا و مستمندان استفاده کنند؟

بسمه تعالی، اگر مردم به مؤسسه قرض داده اند، متصدیان می توانند با آن پول تجارت کنند و به هر نحو متصدیان صلاح بدانند، سود را صرف نمایند.

2. افرادی که از زمان مکلف شدن تا کنون خمس و سهم امام خود را پرداخت نموده اند، آیا مالیات هم

ص: 511

باید بدهند؟ تقاضای جواب دارم.

بسمه تعالی، مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است و ربطی به خمس مال ندارد.

[سؤال 7694] 2063

4. ممکن است اتحادیه، پول بیکاری در حساب جاری بانک خود داشته باشد، آیا می تواند از آن پول به عنوان قرض الحسنه به تعاونی مصرف صنف خود وام بدهد که برای رفاه اعضا، جنس بخرد و به قیمت ارزان به آن ها بفروشد؟ چنانچه بلا مانع است مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7695] 2557

2. این جانب در نیروی هوایی جمهوری اسلامی شاغل هستم و در ارتش، حسابی به نام حساب پس انداز ثابت به نام اشخاصی که مایل باشند، باز می کنند و هر مبلغ که از حقوق اشخاص کسر می گردد، معادل آن را ارتش از بودجه خود به حساب این قبیل اشخاص واریز می نماید و لذا آیا این موجودی و این پس انداز از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 7696] 2162

6. طلاجات زن که به وسیله شوهرش فروخته شده و حالا می خواهد دینش را ادا نماید، باید مطابق وزن طلاها که در چند سال پیش فروخته شده، برایش طلا بخرد یا مطابق نرخ امروز بخرد، یا مطابق سالی که فروخته شده اند؟

بسمه تعالی، اگر طلا را قرض گرفته و فروخته، باید مثل همان را برگرداند، ولی اگر با اذن زن فروخته و پول را قرض برداشته، همان قیمت فروش را باید برگرداند.

ص: 512

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران با ابلاغ خالصانه ترین تحیات به استحضار رهبر انقلاب امام خمینی می رساند نظر معظم له در مورد مسأله ذیل چیست؟

فردی از شخصی دختری را ازدواج می کند. آن شخص که دختردار است از نظر مردم متهم است به رباخواری ولی تا کنون آن فرد که داماد او می شود چیزی از او ندیده است و آن فرد که داماد او می شود در یکی از منزل های او که در اختیار دخترش و دامادش می باشد زندگی می کنند آیا از نظر شما نماز خواندن در آن خانه یا تولید مثل و زندگی کردن در آن خانه حکمش چیست؟ و در ضمن به دختر خود هم جهیزیه داده است و دو نفری زن و شوهر از آن اثاثیه ها استفاده می کنند. مسأله این جهیزیه چیست؟ و اگر بخواهند از آن منزل که نزدیک منزل پدری دختر می باشد جای دیگری بروند هیچ کدام از آن ها حاضر نمی شوند چون که موقع ازدواج شرط شده که حق سکونت با اختیار دختر می باشد و اگر بخواهیم پافشاری کنیم جنبه طلاق در میان می آید و زندگی آن ها از هم پاشیده می شود لذا خواهشمند است وی را از نگرانی ارشاد و نسبت به این مسائل شرعی دستورات لازم را مبذول فرمایید.

ضمناً: از نظر مردم متهم بودن به ربا در زمان طاغوت است و فرزند او نیز در انقلاب شهید شده است. ومن الله التوفیق

بسمه تعالی، با فرض این که داماد از رباخواری او اطلاع ندارد و علم به حرمت مالی که در محل ابتلا است ندارد وظیفه ای ندارد و تصرف در آن اموال می تواند بکند.

[سؤال 7698] 4025

بسمه تعالی

اغلب افراد مستأجر برای مقابله با اجاره بهای کلان سعی می کنند که مقداری از پس انداز خود را به عنوان ودیعه و رهن در نزد مالک قرار دهند تا در اثر این ودیعه هم صاحب خانه با پول آن ها کار کند و هم از این بابت از کرایه منزل آن ها کاسته شود و با پولی که صاحب خانه می گیرد مثلاً به ازای هر هزار تومان حدود بیست تومان از کرایه او کاسته می شود و طرفین به معامله راضی می شوند لطفاً بفرمایید این قبیل معامله و اجاره چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن اجاره شرط شود که مبلغی به صاحب خانه قرض یا ودیعه داده شود اشکال ندارد هر چند وجه اجاره از این جهت کم شود ولی اگر شرط اجاره به کمتر در ضمن قرض باشد ربا و باطل است.

[سؤال 7699] 6786

2. مبلغ چهل هزار تومان بابت رهن خانه به صاحب خانه داده ام تا با آن کار کند و کرایه خانه را نگیرد ولی آن طور که از رساله جناب عالی استفاده می شود رهن جور دیگری است، به این صورت که باید پول پیش صاحب خانه گرو بماند و اگر مستأجر کرایه را نداد صاحب خانه از آن پول بابت اجاره خانه بردارد حال با توجه به مطالب فوق الذکر آیا این کار حلال است یا نه؟

بسمه تعالی، این معامله ربا است و شما اجرت خانه را به او ضمانتید.

[سؤال 7700] 4026

بسمه تعالی 1361 / 3 / 27

با سلام به امام خمینی و آرزوی جهانی شدن اسلام؛ چند سؤال زیر را مطرح می کنم:

ص: 514

1. همان طور که خود مستحضر هستید در جامعه ما واقعیتی وجود دارد که زندگی اغلب افراد این امت را تحت شعاع قرار داده است و آن، مسأله مسکن است و این که گاهی تا 70 درصد از درآمد ماهیانه افراد به عنوان اجاره بهای محل سکونت از دستشان می رود. لذا با توجه به این که امکان خرید خانه برای اغلب افراد به عنوان آرزویی تا پایان عمر محسوب می شود و گاهی هم آن را به گور می برند، لذا افراد مستأجر برای مقابله با این اجاره کلان سعی می کنند که مقداری از پس انداز خود را به عنوان ودیعه در نزد مالک قرار دهند تا در اثر این ودیعه، هم صاحب خانه با پول آن ها کاری بکند و هم از این بابت از کرایه منزل آن ها کاسته شود تا فشار بی حد کرایه، آن ها را عاجز ننماید.

این يك نوع معامله مرسوم است در جامعه که اغلب مستأجرها و مالک ها در این مملکت انجام می دهند و با پولی که صاحب خانه می گیرد، مثلاً به ازای هر هزار تومان حدود 20 تومان از کرایه او کاسته می شود و طرفین به معامله راضی هستند. ولی با توجه به فتوای امام، اگر بابت پولی که می گیرد، صاحب خانه از کرایه کسر کند این ربا محسوب می شود و حرام است.

بسمه تعالی، کسر مبلغی از وجه اجاره اگر به حساب پول موجود نزد صاحب خانه باشد، این نحو معامله و اجاره باطل است.

[سؤال 7701]

2. حال باید دید که به چه نوع باید این دو طرف، معامله را مطرح کنند تا اشکال شرعی آن از بین برود. بالاخره مستأجری که مثلاً 50 هزار تومان پول دارد و می خواهد منزلی اجاره کند و فرض کنید صاحب خانه ای هم برای تکمیل ساختمانش به این پول نیازمند است تا آن را در اختیار مستأجرین قرار دهد. یا مثلاً صاحب خانه به عنوان ضمانت تخلیه منزلش مقداری پول از مستأجر مطالبه می کند و مستأجر مایل است با این پولی که می دهد اگر چه ضمانت تخلیه او نزد صاحب خانه است، ولی

ص: 515

مقداری نیز از کرایه منزل او کاسته شود.

قابل تذکر است که این روش مرسوم در جامعه که به «رهن» از آن یاد می کنند، خود باعث تقویت بنیه مالی افراد کثیری که مستأجر هستند می شود تا در درازمدت آن ها را قادر به خرید منزل می کند؛ ولی من با مراجعه به مسأله رهن در رساله امام نتوانستم هیچ نوع وجه تشابهی بین این معامله مرسوم به عنوان «رهن» و آنچه در مسأله گفته شده است پیدا کنم؛ لذا از امام بزرگوار استدعا دارم این مسأله - که مشکل اغلب مردم این مملکت است و از جمله من - راه حلی شرعی که هم منافع مستأجرین مستضعف را در بر بگیرد و هم مالکین؛ که فرض کنید برای تأمین مخارج زندگی خود دو تا از اتاق های خود را اجاره می دهند و به طور کلی مالکین و مستأجرین با توجه به واقعیت جامعه و عرف معمول.

بسمه تعالی، مالک پول با قرض دادن به صاحب خانه فقط همان مبلغ را که قرض داده استحقاق دارد و در منزل هر مدت زمان که سکونت نموده اجرة المثل را ضامن است بلی اگر در ضمن اجاره شرط شود که مبلغی به صاحب خانه داده شود صحیح است.

3. باتوجه به این که پیدا کردن 60 نفر فقیر واجد شرایط کار ساده ای نیست، برای پرداخت کفاره روزه عمد خورده شده، آیا می توان مبلغ آن را به کمیته امداد امام خمینی که سرپرستی خانواده های بی بضاعت را به عهده دارند و یا هر ارگان دولتی دیگر که در امور ذی ربط فعالیت دارند یا سازمان بهزیستی و هلال احمر، پرداخت نمود؛ زیرا در جمهوری اسلامی باید همه امور در يك کانال و به طور متمرکز انجام شود تا تمام بودجه های اسلامی با تمرکز، قدرت کارآیی بیشتری پیدا کند.

بسمه تعالی، کفاره باید به صورت طعام به فقرا داده شود و وکیل گرفتن در این امر مانع ندارد.

[سؤال 7702] 1012

2. شخصی مبلغ 50 هزار تومان به صاحب خانه ای داده که دو اتاق را رهن کند و دیگر اجاره ندهد. چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، محکوم به حکم ربا است و اگر در اتاق تصرف کند، اجرة المثل را ضامن است.

ص: 516

حضور محترم رهبر عالی قدر و مرجع عظیم الشان، حضرت امام خمینی

1. من خانه ای در کرج دارم و منتقل امیدیه شده ام به مدت دو سال. می خواهم این خانه را اجاره بدهم و چون مقداری قرض دارم، آیا مجاز هستم مبلغی پول جلو بگیرم و مقداری هم کرایه؟ آیا حالت ربا پیدا نمی کند؟ و راه صحیح و شرعی کدام است؟
بسمه تعالی، اگر به حساب پولی که قبلاً می گیرید از مال الاجاره کم نمی کنید، اشکال ندارد وگرنه ربا و حرام است.

2. آیا پارچه ای که به مدت يك سال از آن استفاده نشده و خمس آن داده شد، سال دوم هم باز دوباره باید خمس آن پرداخت شود؟
بسمه تعالی، مالی که خمس آن داده شده، دو مرتبه خمس ندارد.

3. آیا می توان از الآن برای دختر 3 ساله پول و یا سکه به عنوان جهیزیه پس انداز کرد؟ آیا به این پس انداز خمس تعلق می گیرد؟ و اگر يك سال خمس بدهیم کافی است یا باید هر سال خمس بدهیم؟

بسمه تعالی، اگر در وسط سال به او بخشیده خمس ندارد و گذشت که مالی که خمس آن داده شده، دوباره خمس ندارد.

4. من از سن 18 سالگی که خودم مشغول کار شدم شروع کردم به پس انداز جهت ازدواج و خرید يك منزل جهت زندگی. هم اکنون به لطف خدا هم خانه دارم و هم دارای زن و فرزند و مبلغ دویست هزار تومان به بانک مقروض هستم و هیچ پول نقد هم ندارم. هر دفعه که راجع به خمس سؤال کردم گفته اند خمس به من تعلق نمی گیرد و فقط اضافه آذوقه و چیزهای دیگر را هر سال حساب می کنم و خمس آن را پرداخت می کنم آیا تا به حال این روش درست بوده، و اگر اشکال دارد راه درست چیست؟

بسمه تعالی، آنچه از سود پس انداز نمودید و سال بر آن گذشته خمس دارد اگر چه صرف در مؤونه زندگی کرده باشید.

5. مقداری پول خمس نزد این جانب است به چه صورت می توان مستقیم به دفتر امام فرستاد.

بسمه تعالی، می توانید به شماره هزار مؤسسه تعاونی اسلامی قم حواله نمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

3. آیا پرداخت ودیعه اصولاً از دیدگاه شرع مقدس و نظر آن حضرت صحیح است یا خیر؟ و باید عرض کنم که چون اجاره ها بیشتر است و حقیر نمی تواند از محل حقوق دریافتی، اجاره پرداخت نماید و از این گذشته از پولی که دارم، نمی توانم استفاده ای نمایم و نمی توانم با این قیمت فعلی خانه ای بخرم، آیا می توانم به طور ودیعه این پول را به موجر بدهم و او هم مبلغی از اجاره کم کند؟

بسمه تعالی، کم کردن مال الاجاره اگر به حساب پولی باشد که به موجر سپرده اید، حکم ربا را دارد.

بسمه تعالی 10 / 9 / 1361

محضر مبارك رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله ظلّه العالی، سلام علیکم، محترماً تقاضا دارم پاسخ مسائل ذیل را مرقوم فرمایید که مزید تشکر و امتنان خواهد بود:

1. موجر مبلغی به عنوان سپرده ثابت از مستأجر می گیرد تا پس از تخلیه مورد اجاره به مستأجر پس بدهد؛ گرفتن پول و استفاده از آن چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد و استفاده از پول باید با رضایت صاحب پول باشد؛ ولی اگر از جهت این پول مال الاجاره مورد اجاره را کم قرار دهند حکم ربا پیدا می شود.

2. آیا هیأت مدیره صندوق قرض الحسنه می تواند موجودی صندوق را به مضاربه یا مشارکت یا مزارعه یا مساقات بگذارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد؛ مگر آن که از طرف شرکا محدودیت باشد.

3. آیا پرداخت وام یا ضمانت آن را می توان مشروط به باز کردن حساب پس انداز در صندوق اعلام

کرد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

4. آیا برای گرفتن اقرار از عیال متهم می توان آن را به شدت مضروب کرد و چنانچه مضروبه به حال اغما بیفتد و ضارب آن را از بالا به پایین بیندازد که منجر به فوت او گردد، حکم ضارب چیست؟

بسمه تعالی، جایز نیست و قاتل محسوب است و رسیدگی موکول به دادگاه های اسلامی است.

5. آلتی که با آن حد و تعزیر اجرا می شود چه شیئی باید باشد؟

بسمه تعالی، با سوط - یعنی تازیانه - باید باشد که نحوه متعارف آن از چرم است.

6. گیرندگان وام دارای يك معرف و يك ضامن می باشند؛ در صورت عدم پرداخت، دین بر عهده معرف است یا ضامن؟

بسمه تعالی، معرف ضامن نیست.

7. در چه شرایطی مقلد می تواند از مقلد خود به مقلد دیگر رجوع کند؟

بسمه تعالی، در صورت احتمال یا احراز اعلیمیت مجتهد دوم، عدول لازم است علی الاحوط و همچنین در صورت سلب بعض شرایط تقلید عدول لازم است.

[سؤال 7706] 4029

بسمه تعالی 1361 / 10 / 24

سؤال از دفتر امام امت

شخصی خانه ای را به مبلغ ماهیانه پنج هزار و پانصد تومان اجاره می نماید و مبلغ يك صد هزار تومان به عنوان ودیعه به مالک می دهد که هنگام تخلیه عیناً پس بگیرد؛ ولی ماهانه مبلغ چهار هزار و پانصد تومان اجاره می پردازد و ماهی يك هزار تومان بابت پولی که ودیعه گذارده کسر می نماید. چون دادن و گرفتن ربا هر دو حرام است، لطفاً ذیل همین نامه از نظر فقه اسلامی روشن نمایید که آیا کسر مبلغ يك هزار تومان صحیح بوده یا خیر؟ اگر ربا محسوب می گردد مستأجر مکلف به پرداخت آن می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، اجاره صحیح است؛ ولی باید تمام مال الاجاره را بدون کسر کردن مبلغی بپردازد. بلی اگر اجاره به مبلغ کمتر شده باشد و در ضمن اجاره شرط شود که پولی به صاحب خانه به عنوان ودیعه یا قرض یا غیر آن داده شود اشکال ندارد.

ص: 519

مسئول محترم دفتر استفتانات حضرت امام خمینی

احتراماً؛ به استحضار می‌رساند: این جانب خواستارم به سؤال ذیل پاسخ فرمایید که مورد نیاز می‌باشد.

در جامعه امروزی که اکثر صاحب خانه ها قبلاً مبلغ زیادی پول می‌خواهند تا فرضاً دو اتاق در اختیار مستأجر قرار دهند و مستأجر هم آن پول را می‌پردازد، لکن يك كرایه ای هم از طرف صاحب منزل گرفته می‌شود و مطابق پولی که پرداخته است از کرایه کم می‌کند. لذا همه در حال حاضر به این مسأله به طور مذکور عمل می‌کنند. نتیجتاً بفرمایید که وقتی آن مبلغ پول؛ مثلاً در ازای دو اتاق 1500 تومان کرایه است و ده هزار تومان پول نقد. حال صاحب منزل می‌گوید اگر شما فلان مبلغ بدهید، بنده اتاق‌ها را مثلاً 1300 تومان در اختیار شما قرار می‌دهم. می‌خواستیم ببینیم این موضوع چه صورت دارد؟ و کم شدن از پول نقد جهت کرایه چگونه است؟ خواهشمندیم سریع اقدام کنید. قبلاً از زحمات شما کمال تشکر را دارم؛ به امید زیارت کربلا.

بسمه تعالی، هر نحو معامله که برای فرار از ربا باشد، محکوم به حکم ربا و باطل است و کم کردن وجه اجاره به حساب پول قرض، ربا است مگر آن که شرط قرض در ضمن اجاره باشد که در این صورت اشکال ندارد.

بسمه تعالی

دفتر محترم امام خمینی

پس از سلام و آرزوی توفیق خدمت، مسائل و سؤالاتی را که برایم به وجود آمده در زیر، مطرح می‌نمایم؛ ضمن این که مسائلی را که شنیده ام و به هر ترتیب برایم هست مطرح می‌کنم. یادآور شوم که این جانب جوانی هستم 29 ساله، کارمند،

دارای زن و يك دختر سه ساله.

1. پول پیش که صاحب خانه از مستأجر می گیرد چه حکمی دارد؟ لازم به یادآوری است که کمیته امداد امام با اجاره نامه برای این منظور به این جانب وام داده است.

بسمه تعالی، اگر بابت وجه اجاره باشد و قرار بگذارند که پیش پرداخت شود اشکال ندارد.

2. برادر همسر من کافر است و صراحتاً اعلام کرده؛ ولی همسر من نمی تواند از او بیژد و همچنان با برادرش گرم است، تکلیفم چیست؟

بسمه تعالی، در حد صلۀ رحم مانع ندارد، و کافر محکوم به نجاست است، و تصرفات زن در منزل شوهر و بیرون رفتن زن از خانه منوط به اجازه شوهر است.

3. این جانب در زمان طاغوت و شاید ده سال قبل يك آلبوم كوچك تمبر جمع آوری کرده بودم (از طریق خریدن و غیره) و همچنان که می دانید قیمت تمبر افزایش یافته، آیا می توانم آن ها را به نرخی که می خرند بفروشم؟ اگر نه، آیا همچنان نگهداری اش اشکال دارد؟

بسمه تعالی، فروش آن به قیمت عادلۀ روز و همچنین نگهداری آن اشکال ندارد؛ مگر آن که مفسده ای بر آن مترتب باشد.

4. همسر من در دورۀ طاغوت در محیط دانشگاه يك زنجیر طلا پیدا کرده بود و به دیوارها اعلام کرده بود ولی کسی پیدا نشد، اکنون با آن زنجیر چه باید بکند؟ آیا می تواند برای خودش بردارد؟

بسمه تعالی، چنانچه از پیدا شدن صاحبش مأیوس باشد، می تواند برای خودش بردارد؛ با این نیت که هر گاه صاحبش پیدا شد به او برگرداند و می تواند از طرف صاحبش به فقرا صدقه بدهد.

5. اگر در بین نماز و یا آخر نماز و یا بعد از نماز یادمان آمد که در رکعتی سه سجده کرده ایم چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، زیادی سجده اگر از روی سهو و فراموشی بوده در فرض مرقوم، نماز صحیح است و چیزی بر او نیست؛ اگر چه بهتر است دو سجده سهو برای زیادی سجده به جا آورد.

6. حدود دو سال قبل برای اجاره منزلی که پول پیش می خواستند طلاجات همسر من را فروختیم که کادو بود و حدود شش هزار و پانصد تومان شد و پول روی آن گذاشتیم تا نه هزار تومان و دادیم به صاحب خانه، بعد از يك سال و چند ماهی که از آن جا بلند شدیم پول را در بانک گذاشتیم و حدود دو

ماه بعد منزل دیگری پیدا کردیم و صاحب خانه بیست و پنج هزار تومان پول می خواست، با وام گرفتن ده هزار تومان از کمیته امداد امام خمینی (که هنوز قسط آن را می دهیم) بیست و پنج هزار تومان جور شد و به صاحب خانه دادم و اکنون هم که يك سال می گذرد پول دست صاحب خانه است؛ وضع خمس این پول چگونه و چقدر است؟

بسمه تعالی، مقداری که از فروش طلای همسر تهیه شده خمس ندارد و مبلغی که با وام تهیه شده اگر قسط وام از درآمد کسب پرداخت شده هر وقت پول از دست صاحب خانه برگشته خمس دارد.

7. تا قبل از انقلاب اسلامی به علت محیط نامساعد، به مسائل اسلامی آگاهی نداشتیم و لذا از نماز و روزه هم خبری نبود و به برکت انقلاب، پس از انقلاب نماز و روزه را به جا می آورم؛ البته سال اول انقلاب چند روزی و سال دوم هم پنج روز روزه نگرفتم و از کفاره خبر نداشتیم و به لطف خدا پارسال و امسال روزه ام کامل بوده؛ حالا با توجه به عدم آگاهی از نظر کفاره چه باید بکنم؟ آیا قضای آن ها را به جا بیاورم کافی است؟ روزه های قبل از انقلاب که مقدارش زیاد است چه؟ ناگفته نماند که بودجه برای کفاره (سیرکردن 60 نفر) را ندارم.

بسمه تعالی، نماز و روزه فوت شده قضا دارد و افطار روزه اگر عمدی بوده علاوه بر قضا، کفاره هم دارد و کفاره را اگر فعلاً تمکن ندارید می توانید صبر کنید هر وقت تمکن حاصل شد به تدریج بپردازید.

8. همان گونه که بیان شد که وضع قبل از انقلاب چه بوده (سال 1356 ازدواج کردم) لذا تا کنون متأسفانه خمس نداده ام؛ البته بیشتر وسایل را کادو آورده اند و بعضی را که خریده ام مصرف می کنیم، وضع خمس زندگی ام چگونه است و چطور حساب کنم و بپردازم؟

بسمه تعالی، کادو و هدایا خمس ندارد. برای بررسی حساب به یکی از وکلای مسلم الوکاله این جانب مراجعه نمایید.

اکنون چند سؤال که در ذهن دارم و مایلم بدانم می پرسم:

9. نزدیکی کردن با همسر از دبر چه حکمی دارد و چنانچه انجام شده باشد حکمش چیست؟

بسمه تعالی، کراهت شدید دارد و احوط ترك است؛ مخصوصاً اگر زن راضی نباشد.

10. اگر کسی با وجود داشتن همسر، در دوره طاعوت با زن دیگری بوده باشد حکمش چیست؟

بسمه تعالی، معصیت کبیره است، باید بین خود و خدا توبه نماید و چنانچه نزد حاکم شرع ثابت شود، بر حسب اختلاف نحوه رابطه، حد یا تعزیر دارد.

11. اگر زن نسبت به بعضی از مسائل مثل نماز جمعه، دعای کمیل و ... بی توجه و در بعضی موارد مخالف باشد باید با او چه کرد؟

بسمه تعالی، با مراعات شرایط مقررّه او را ارشاد و راهنمایی نمایید.

[سؤال 7709] 4032

بسمه تعالی

محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

لطفاً پاسخ سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید:

1. به جهت انتقال احتمالی به تهران می خواستم خانه خود را اجاره دهم و در تهران يك باب منزل مسکونی اجاره نمایم، لکن مالک خانه می گوید بایستی 000/200 تومان وجه نقد پردازی و ماهانه 2500 تومان اجاره بها؛ حال با توجه به رسم معمول در بنگاه های معاملات ملکی، مبلغ نقد فوق را در قبال ماهانه 4000 تومان دریافت می دارند، حال این عمل يك عمل نزول خواری است یا خیر؟ و آیا شرعاً می توانم خانه خود را با دریافت وجه نقد و ماهانه اجاره دهم و این عمل حرام است؟ و اگر راهی دارد، راه شرعی آن را اعلام فرمایید.

بسمه تعالی، اگر در مقابل پولی که به صاحب خانه قرض می دهید اجاره منزل کم می شود، ربا و حرام است.

2. آیا اگر خانه خود را که منحصر به فرد است و خانه دیگری ندارم، بفروشم و وجه نقد آن را به بانک بسپارم به عنوان پس انداز و مقدار وجه پس انداز را دریافت کنم، آیا این عمل درست است؟ و با توجه به نداشتن واحد شخصی مسکونی در این حالت آیا وجه حاصل از فروش منزل مسکونی را می توانم تصرف کنم یا به آن خمس تعلق می گیرد؟

بسمه تعالی، اگر خانه از درآمد کسب و حقوق، بدون دادن خمس تهیه شده، پول فروش آن خمس دارد.

[سؤال 7710] 2689

4. اگر انسان به این طریق که پولی به صاحب خانه بدهد و کرایه ای پرداخت نکند

ص: 523

منزلی را رهن نماید اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، حکم ربا دارد و نمی تواند در خانه تصرف کند.

[سؤال 7711] 4033

بسمه تعالی

رایج است که افرادی خانه ای را اجاره می کنند و در ازای مبلغی پول که به عنوان رهن به موجر می دهند، اجاره کمتری پرداخت می نمایند؛ آیا چنین اجاره ای صحیح است؟ و تصرفاتی از قبیل نماز و روزه در آن خانه چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اصل اجاره گرچه مبلغ آن کمتر از نرخ عادلۀ مقرر شده باشد صحیح است و تصرفات مستأجر در عین مستأجره بی اشکال است؛ ولی اصل قرارداد اجاره به نحو مزبور که به منظور کم کردن مبلغ اجاره بها در برابر ربح وجه پرداختی به موجر به عنوان وام یا رهن انجام می گیرد حرام است.

[سؤال 7712] 2295

2. پنج سال پیش، ما خانه ای در مقابل دادن 60 هزار تومان رهن کردیم. شرایط آن این بود که هر وقت، صاحب خانه، خانه را خواست، به او بدهیم و پول خود را دریافت کنیم و اجاره نیز پردازیم. اکنون صاحب خانه، خانه اش را می خواهد و ما با این 60 هزار تومان نه می توانیم خانه بخریم و نه قدرت پرداختن اجاره داریم؛ و شما می دانید که 60 هزار تومان حالا با 5 سال پیش تفاوت دارد؛ یعنی قیمت هر چیز، نسبت به 5 سال پیش، حداقل دو برابر تا ده برابر افزایش یافته است. حال اگر ما به جای 60 هزار تومان، 100 هزار تومان مطالبه کنیم، آیا اضافه پول حلال است یا نه؟ و اگر صاحب خانه مبلغی اضافی بر 60 هزار تومان به ما بدهد و ظاهراً بگوید: من راضی هستم، این مبلغ اضافی حلال است یا نه؟

بسمه تعالی، گرفتن مبلغ اضافی جایز نیست.

ص: 524

[سؤال 7713] 4034

بسمه تعالی 1361 / 7 / 17

حضور محترم رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

با سلام و آرزوی سلامت و طول عمر برای حضرت عالی حدود یک سال و نیم است که مبلغ صد هزار تومان در بانک مسکن به امانت گذاشته ام تا در موقع مقتضی از وام مسکن استفاده نمایم (برای ساختن خانه نیاز دارم). آیا شرعاً استفاده از وام بانک مسکن که به هر حال برای بازپرداخت آن مبلغی هم بهره بانکی گرفته می شود صحیح است یا خیر؟

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، استفاده از وام مانع ندارد و بهره را ضامن نیستید.

[سؤال 7714] 6880

2. شخصی وجهی به مبلغ فرضاً صد هزار تومان در بانک می گذارد. بعد از شش ماه بانک دولت اسلامی بنا به درخواست شخص نامبرده، 300 هزار تومان به او وام می دهد و در عوض از شخص نامبرده تعهد می گیرد که فرضاً در عرض یک سال به طور قسطی 320 هزار تومان پرداخت کند. آیا این 20 هزار تومان اضافی که بانک دریافت می کند ربا است یا نه؟ در هر صورت این چنین معامله ای از نظر شرعی چه حالتی دارد؟

بسمه تعالی، مبلغ اضافی ربا است ولی پولی را که شخص از بانک گرفته را مالک شده است.

ص: 525

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

با نهایت اعتذار مسائل ذیل را استفتا می نماید:

1. زیدی در دوره طاعوت مقداری وام از بانک دریافت نموده و مقداری پول هم روی آن گذاشته زمین خریده. حالا این زمین را به برادرش می بخشد. آیا برادر زید می تواند در آن ساختمان کرده و زندگی کند یا نه؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 7716]

2. آیا مخلوط بودن با پول حلال یا تماماً وام بانکی بودن فرق می کند یا نه؟

بسمه تعالی، وامی که گرفته را مالک شده و بر او حلال است.

[سؤال 7717]

3. در هر صورت بخشیدن همان زمین با فروختن آن به برادرش در حلال بودن آن فرق می کند یا نه؟

بسمه تعالی، فرق نمی کند، ولی هرگونه معامله زمین باید طبق مقررات باشد.

[سؤال 7718] 6753

2. بانک مسکن برای دایر کنندگان حساب پس انداز و سپرده ثابت، امتیازی قائل شده و آن دادن وام خرید خانه، یا تکمیل ساختمان، پس از مدت معین و با شرایط معین است، که البته بهره ای با نرخ گویا 4% به این وام تعلق می گیرد. گرفتن و استفاده از این وام در صورت ضرورت و احتیاج (خرید خانه یا تکمیل ساختمان)، و غیر ضرورت؛ و مصرف آن در محل تعیین و مشخص شده، و یا در غیر محل معین شده

ص: 526

منتها در صورت ضرورت و احتیاج چگونه است؟ متشکرم

بسمه تعالی، قرض گیرنده مبلغی را که به قرض گرفته مالک شده و می تواند تصرف در آن بنماید و بهره پول ربا و حرام است.

[سؤال 7719] 4036

بسمه تعالی 1361 / 3 / 11

محضر رهبر عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

شخصی منفرداً یا اشخاصی مشترکاً در رژیم سابق پولی را به عنوان قرض ربوی از بانک گرفته از آن پول خانه خریداری یا کارخانه ای تأسیس نموده، آیا شخص یا اشخاص مزبور مالک خانه یا کارخانه می شوند یا خیر؟

متمنی است نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، مالک می شوند.

[سؤال 7720] 4037

بسمه تعالی 1360 / 10 / 30

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با عرض احترام؛

به علت آن که در حرمت ربا شکی نیست، خواهشمند است نظر خود را در مورد بهره ای که بانک ها تحت عنوان کارمزد در حدود 12% برای وام صنفی کسب و کار دریافت می کنند، اعلام فرمایید. آیا برای کاسبی که ناچار به دریافت وام است، این عمل را جایز می دانید یا خیر؟ در غیر این صورت راه خلاصی از این مشکل را چگونه مقرر می فرمایید؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، بهره پول، ربا و حرام است و در قرض ربوی اصل قرض صحیح است و پولی را که قرض کرده، مالک می شود.

ص: 527

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی، دام ظلّه العالی، بعد از سلام و آرزوی طول عمر آن جناب؛ لطفاً استفتای زیر را پاسخ فرماید:

اخیراً دولت چندین دستگاه ماشین نفت کش بین واجدین شرایط با قیمت مناسب تقسیم می کند. به همین منظور بانک گسترش به دستور دولت جهت خرید همین ماشین، به خریداران ماشین با سود شاید 8 یا 10 درصد وام می دهد. آیا گرفتن این وام شرعاً جایز است یا خیر؟ بسمه تعالی، گرفتن وام مانع ندارد و گیرنده مالک می شود؛ ولی بهره را ضامن نیست و اگر در پرداخت بهره مجبور است، قصد بهره ننماید.

بسمه تعالی

ضمن عرض سلام

این جانب مبلغ 30/000 تومان از بانک استان به عنوان وام گرفته ام که تقریباً با چهارده درصد سود در مدت 24 ماه از بنده دریافت می کنند. مبلغ فوق برای خریدن ماشین می باشد و چون حالا موقع قرعه کشی نیست، در حساب پس انداز وام مسکن گذاشته ام تا با مبالغ بعدی که از فروش منزل به آن اضافه می نمایم، بتوانم بعد از مدتی وام مسکن تقاضا نمایم. حالا آیا من می توانم در موارد فوق - که وام مسکن یا خرید ماشین می باشد - تصرف نمایم یا نه و از لحاظ شرعی برای اشکالی دارد یا خیر؟

درود بر خمینی بت شکن، نایب بر حق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسمه تعالی، برای شما اشکالی نیست.

رهبر عالی قدر و زعیم بلند مرتبه، آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی

با احترام فراوان به عرض مبارك می رسانیم مبنی بر این که صندوق تعاون برای روستاییان و کشاورزان پولی پرداخته است به مدت یازده ماه، ولی فرع پول را از مسلمانان می گیرند آیا این فرع پول و نزولات حلال است یا حرام در قانون شرع و اسلام خوب است یا خیر؟

بسمه تعالی، فرعی که می گیرند ربا و حرام است و کشاورزان بیش از پولی که گرفته اند ضامن نیستند و ان شاء الله تمام برنامه های اسلامی اجراء خواهد شد.

بسمه تعالی

در بین مردم پخش گردیده که بانک ها، اسلامی گردیده؛ لذا گرفتن وام از بانک مانعی ندارد. البته طرز پرداخت وام، کما فی السابق، با بهره و سود پرداخت می شود، چه می فرمایید در گرفتن وام از این بانک ها؟

بسمه تعالی، اصل قرض صحیح است و بهره را ضامن نیستید. و اگر قصد دادن بهره نداشته باشید، اشکالی ندارد.

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی حاج سید روح الله الامام الخمینی، دام عزّه العالی علی رؤوس المؤمنین، امیدوارم از حضرت احدیت که سایه بلندپایه آن پدر بزرگوار و نجات دهنده دنیا و آخرت را از سر این جان نثار و همه این مؤمنین کم و کوتاه نفرماید به حق محمد صلی الله علیه و آله.

در ضمن این جان نثار مقیم قریه اراك معروض می دارم در زمان طاغوتی، از سال 1341 به این طرف پولی از بانک به ماها می دادند از قرار هر 100 تومانی 6 تومان، اول آن شش تومان را کسر می نمودند و پول به ما می دادند و همه ساله این پول را می گرفتیم به این طریق و موعد مقرر این پول را با همین سود از ما می گرفتند و اینک در سال 1356 باز به همین ترتیب پول به ماها دادند در موعد سررسید، الحمد لله و المنه انقلاب جمهوری بر پا شد و موفقیت حاصل شد و کسی نبود که این پول را مطالبه بنماید و اینک آمده اند برای گرفتن پول ها و هر صد تومانی مبلغ 12 تومان ادعا می نمایند غیر از شش تومان اول که برداشته اند که هر صد تومانی فعلاً سود آن 18 تومان می شود و اگر می فرمایید که این ربا نمی شود پردازیم و اگر ربا می شود عین پول را پردازیم و در خاتمه بقای عمر و عزت آن پدر بزرگوارمان را از خداوند متعال خواستاریم و منتظر جواب هر چه زودتر هستیم.

بسمه تعالی، ربا است و بیش از آنچه گرفته اید ضامن نیستید.

[سؤال 7726] 4043

بسمه تعالی 2 / 10 / 1358

محضر مبارک رهبر عالی قدر، امام امت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

بعد از عرض سلام و اظهار ادب، معروض می دارم:

این جانب کارمند اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران، ساکن شهرستان شهبسوار، واجد شرایط اخذ وام مسکن کارمندی از طرف بانک متبوعه شده ام. استدعا می نمایم در صورت جایز بودن اخذ وام فوق الذکر، این جانب را مطلع فرمایید.

بسمه تعالی، اخذ وام جایز است و ربا حرام است.

[سؤال 7727] 4044

بسمه تعالی

انجمن حیدریه قصد دارد محلی را برای گسترش و انجام فعالیت های خود به مبلغ

ص: 530

200 هزار دلار خریداری کند. بر اساس نامه، این گسترش با توجه به ازدیاد درصد شیعیان شهر هوستون در امریکا ضروری است؛ و هم اکنون حدود 100 خانوار را در بر می گیرد و ساختمان مزبور می تواند 200 خانوار را در بر گیرد. چون پرداخت مبلغ فوق در يك زمان برای اعضا مقدور نیست و فقط می توانند برای شروع 30 هزار دلار بپردازند، سؤال کرده اند:

1. آیا از سوی امام به آن ها کمکی خواهد شد؟

2. آیا می توانند سهم امام و خمس خود را به این امر اختصاص دهند؟

3. آیا بانکی هست که بتواند برای ساختن این محل به آن ها قرض الحسنه بدهد؟

4. بر طبق معمول در امریکا برای خرید خانه یا... مبلغی در ابتدا پرداخت می شود و سپس با اقساط و بهره 8% تا 17% در طول 30 سال، مابقی آن پرداخت خواهد شد. با توجه به عدم امکان مالی این انجمن آیا پرداخت ربح از سوی آنان برای انجام این امر خیر صحیح است؟ در همین رابطه به خاطر گرانی خانه همه مجبورند خانه را به اقساط بخرند و لذا ربح هم بپردازند؛ آیا با توجه به این که هیچ گونه امکانی برای خرید يك دفعه خانه را ندارند، این عمل صحیح است؟

بسمه تعالی، معامله خانه صحیح است و اگر در دادن بهره مجبور باشند، اشکال ندارد.

[سؤال 7728] 4045

بسمه تعالی 1361 / 11 / 5

محضر رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی، دام بقاؤه، سلام علیکم، مستدعی است بذل توجه فرموده، به مسائل شرعی ذیل جواب مرحمت فرمایید:

1. بنده با چند نفر دیگر اقدام به ایجاد يك کارخانه تولیدی کرده ایم که در بدو امر فکر می کردیم با وجه موجود می توانیم به اتمام برسانیم، ولی به علت گرانی سرسام آور مصالح ساختمانی و آهن و غیره، مجبوریم که برای اتمام و ادامه کار از

ص: 531

بانك وام بگيريم. واقف هستيد كه بانك ها هم روال كارشان اين طور است كه مثلاً برای يك ميليون تومان وام در سال، صد هزار تومان بهره حساب می کنند، بعداً يك ميليون و صد هزار تومان را در 110 قسط 10 هزار تومانی ماه به ماه اصل و فرع را با هم می گیرند. ضمناً با هر يك از رؤسای بانك در مورد مصالحه بهره حرف زده ام، می گویند ما نماینده تام الاختيار نیستیم و اصولاً همچو قانونی برای مصالحه نداریم، بلکه نماینده كل، آقای نوریخس و آقای نمازی و در نهایت، حضرت امام می باشند؛ اینك با توجه به مطالب فوق آیا راهی هست كه بتوان وام گرفت و به حرام هم نیفتیم؟

بسمه تعالی، اصل وام گرفتن اشكال ندارد؛ ولی قصد دادن بهره حرام است و وام گیرنده به منظور تخلص از حرام می تواند قصد دادن بهره را نکند؛ اگرچه بداند كه بهره را به هر صورت از او خواهند گرفت و در هر صورت، اصل قرض صحیح است و وام دریافتی را مالك می شود.

[سؤال 7729]

2. بانك مسكن هم در ازای به رهن گرفتن مسكن، به همان ترتیب ذكر شده در مسأله بالا، وام می دهد؛ راه شرعی آن چیست؟

بسمه تعالی، حكم همان است كه در بالا ذكر شد.

3. اگر كسی منزلش در شرق تهران باشد و مجبور است كه هر روز، حدود 8 كيلومتر از شرق به غرب و 8 كيلومتر از غرب به جنوب و 8 كيلومتر از جنوب به منزلش برود، نماز و روزه اش چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر مسیر ذكر شده را بدون عبور در اثنا به منزل می پیماید در فرض مرقوم، در مسیر راه حكم مسافر دارد.

4. افراد غیر ساكن تهران كه می خواهند مدتی در تهران باشند، چه باید بكنند كه نماز را تمام خوانده و روزه هم بگیرند؟

بسمه تعالی، می توانند با قصد اقامت ده روز در يك محله، نماز را تمام بخوانند و روزه بگیرند.

5. افراد غیر تهرانی كه می خواهند چند سالی موقتاً در تهران باشند و هر روزه برای كارشان بدون قصد مسافت، حدود 7 - 8 كيلومتر از منزل خارج و برمی گردند، وضع نماز و روزه آن ها چگونه است؟

بسمه تعالی، بدون قصد اقامت ده روز در يك محله، نماز و روزه شان قصر است.

ص: 532

6. افراد غیر ساکن تهران که چند سالی در تهران می خواهند بمانند، اگر در محله خود قصد عشره کرده و همان جا بمانند بعد از اتمام ده روز، اگر کمتر از 22 کیلومتر در تهران در روز ایاب و ذهاب کنند، نماز و روزه آن ها چگونه است؟

بسمه تعالی، تا سفر شرعی جدید پیش نیامده، نماز و روزه شان تمام است.

7. افرادی از تعاونی ها اجناسی می خرند که برخی از آن ها مورد نیازشان نیست، آیا می توانند به قیمت بیشتر بفروشند؟

بسمه تعالی، اگر خلاف مقررات نباشد و به حد اجحاف نرسد، اشکال ندارد.

8. از بازار آزاد یا بازار سیاه که اجناس آن ها معمولاً چندین برابر قیمت تعاونی ها و قیمت واقعی است آیا می توان جنس خرید؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد، ولی مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است.

9. در هفت سال قبل با پولی که مقداری از آن پول مخمس و مقداری غیر مخمس بوده، خانه ای به مبلغ 000/450 تومان خریده ام که اینک حدود يك میلیون تومان شده؛ اولاً بفرمایید که الحال از کدام قیمت باید آن را تخمیس کرد؟ ثانیاً اگر برای تبدیل، آن را فروختیم، از کدام مبلغ باید خمس داد؛ از قیمت سابق یا قیمت فعلی؟

بسمه تعالی، اگر از درآمد کسب غیر مخمس که سال بر آن گذشته، در خرید خانه صرف شده، به نسبت همان مبلغ به قیمت فعلی خمس دارد.

10. اگر در چند سال قبل خانه ای که خریده ایم تخمیس شده، اما حالا قیمتش دو برابر شده، آیا اینک اضافه قیمت آن را باید تخمیس کرد؟

بسمه تعالی، اگر خانه برای فروش نبوده، اضافه قیمت در فرض مرقوم، خمس ندارد.

[سؤال 7730] 4046

بسمه تعالی 1361 / 9 / 25

محضر حضرت امام خمینی، بنیان گذار جمهوری اسلامی

ضمن سلام و با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و صلوات به ارواح پاک شهیدان و پیروزی نهایی کلیه رزمندگان اسلام و قرآن؛ بدین وسیله به اطلاع عالی می رساند که بانک ها برای خریدن خانه و یا تعمیر خانه وام پرداخت می کنند و شرایط وامی که بانک پرداخت می کند به این طریق می باشد که برای خریدن خانه اگر هزار

ص: 533

تومان - مثلاً - به بانک بگذارد، بعد از يك سال دو برابر وام پرداخت می کند و برای تعمیر خانه اگر هزار تومان در بانک بگذارد، بعد از شش ماه دو برابر او وام پرداخت می کند؛ در مقابل آن وام صدی چند که قانون بانکی می باشد اضافه می گیرد؛ آیا گرفتن وام از این بانک ها حرام است یا نه؟ والسلام، اجرکم عند الله وعند الرسول

بسمه تعالی، گرفتن وام اشکال ندارد و می توانند با آن خانه تهیه کنند یا صرف در تعمیر خانه نمایند و اگر در پرداخت زیاده، قصد بهره نکنند برای آن ها اشکالی نیست.

[سؤال 7731] 4047

بسمه تعالی 11 / 4 / 1361

محترماً؛ به استحضار می رساند که یکی از مسلمانان شهر کیچیتر به نمایندگی از طرف دیگر مسلمانان شیعه که مقلد امام خمینی هستند، به یکی از نمایندگی های وزارت امور خارجه مراجعه و خواهان فتوای امام امت در مورد مسائل زیر شدند:

1. آیا با توجه به این که خرید منزل و دیگر اماکن، بدون گرفتن وام از بانک با پرداخت بهره، بسیار مشکل و یا غیر ممکن است، آیا مسلمانان مجاز هستند برای این قبیل امور از بانک های غیر اسلامی وام دریافت دارند؟ در صورتی که خرید این محل برای مسجد باشد چطور؟

بسمه تعالی، گرفتن وام مانع ندارد.

2. در جامعه ای که اکثریت غیر مسلمان هستند، خوردن ماهی که از دست غیر مسلمان و یا شخصی که نمی دانی مسلمان است یا نه، خریداری شود اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر یقین به تذکیه نداشته باشید محکوم به حرمت و نجاست است.

3. سپردن پول در بانک غیر اسلامی و دریافت بهره از آن مجاز است یا خیر؟ و در صورتی که شخصی پول خود را به منظور حفاظت در بانک غیر اسلامی بسپارد و حق انتخاب داشته باشد که در حسابی با دریافت بهره و یا حسابی بدون بهره بسپارد، می تواند در حساب با بهره سپرده و از بهره متعلقه به آن استفاده کند یا خیر؟

بسمه تعالی، بهره بانکی، ربا و حرام است و گرفتن بهره از کافر حربی اشکال ندارد.

ص: 534

2. مسأله وام از بانك را هم مشخص فرمایید؛ بدین صورت که شخصی مقداری پول (وام مسكن یا وام ضروری) از بانك می گیرد (البته وام ضروری از صندوق بازنشستگی است) و بانك در قبال این پول 4% به آن اضافه کرده و به عنوان تنزیل از آن شخص، طی قسط های چند ساله وصول می کند؛ آیا با این پول که خانه ای می سازد، می تواند در آن خانه نماز بخواند؟ و آیا این اضافه پولی که به بانك می دهد حرام نیست؟ لطفاً در این موارد - که مسأله مربوط به تمام مردمی است که با بانك سر و کار دارند - توضیحات لازم مبذول فرمایید. توضیح این که وام های ذکر شده، از صندوق های پس انداز و بازنشستگی کارکنان ذوب آهن ایران استفاده می شود.

بسمه تعالی، پولی که از بانك می گیرد حلال است و مالك آن می شود و خانه ای که با آن تهیه کرده را نیز مالك می شود و چنانچه در دادن اضافه، قصد بهره نکند برای او اشکال ندارد.

بسمه تعالی 1361/7/3

قم، دفتر مبارك حضرت امام خمینی، مدّ ظله

با سلام؛ طبق مذاکره سازمان هواپیمایی کشوری با بانك سپه شعبه فرودگاه مهرآباد که پرداخت کننده حقوق کارکنان این سازمان است، مقرر شده به هریک از کارکنان متقاضی، مقداری وام ضروری پرداخت شود. بانك مذکور قرار است به غیر از 2% کارمزد 12% نیز به عنوان سود از دریافت کنندگان وام دریافت دارد.

انجمن اسلامی کارکنان سازمان هواپیمایی کشوری با توجه به صراحت حرام بودن ربح، خود را موظف می داند با توجه به این که بانك ها در حال حاضر دولتی بوده و زیر نظر دولت مورد تأیید ولایت فقیه است، نظریه آن دفتر را در این مورد جویا شود. لطفاً مقرر دارند به این انجمن کتباً اعلام دارند که آیا دریافت این وام صحیح است یا خیر؟

و برای افرادی که احتیاج مبرم به این وام دارند چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، وام گرفتن اشکال ندارد ولی بهره وام، ربا و حرام است، وام گیرنده ضامن آن نیست.

[سؤال 7734] 4049

بسمه تعالی 12 رمضان 1402 ق

محضر مبارك زعيم عالی قدر و رهبر کبير انقلاب، حضرت آيت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، احتراماً؛ به شرف عرض عالی می رساند:

برای تأمین نیازمندی ها و توسعه کسب و کارم، قصد دارم وام قسطی از یکی از بانک ها بگیرم. با توجه به این که بانک ها معمولاً مبلغی به عنوان بهره می گیرند، این وام چه صورت دارد؟ اجازه می فرمایید یا خیر؟

بسمه تعالی، گرفتن وام اشکال ندارد ولی گرفتن بهره و قصد دادن آن حرام است و در هر صورت اصل قرض صحیح است و وام دریافتی ملك شخص می شود.

[سؤال 7735] 4050

بسمه تعالی 30 / 2 / 1361

آیا سودی که بانک ها از وام های اعتباری دریافت می کنند (نرخ با احتساب قیمت سفته حدود 14%) ربا محسوب می شود؟ در صورت مثبت بودن جواب، تکلیف کسبه جزئی که قادر به پرداخت تمام اصل وام در موقع سررسید نیستند و مجبور به پرداخت بهره مورد مطالبه بانک و تمديد وام می باشند چیست؟

بسمه تعالی، وام صحیح است و بهره را ضامن نیست.

[سؤال 7736] 4051

بسمه تعالی 9 / 8 / 1361

محضر مبارك رهبر عظیم الشان انقلاب، حضرت آيت الله العظمی امام خمینی،

ص: 536

أدام الله ظلّه العالی، با تقدیم سلام و دعا جهت سلامتی آن جناب؛ استفتای ذیل به عرض می رسد:

در مورد بانك های رسمی که مبلغ چهار درصد اضافه بر اصل مبلغ وام در يك سال اضافه می نمایند و از متقاضیان وام، می گیرند که اگر شخص مبلغ يك صد هزار تومان به مدت بیست ساله وام بگیرد جهت تأمین منزل مسکونی، باید يك صد و چهل هزار تومان پس دهد به طور اقساط و مبلغ اضافه بر اصل را به عنوان کارمزد حساب می کنند؛ آیا گرفتن چنین وام و پرداخت نمودن مبلغ اضافه شده از نظر موازین اسلامی چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، گرفتن وام مانع ندارد و آن را وام گیرنده مالك می شود و چنانچه در دادن اضافه، قصد بهره نکند برای او اشکالی نیست.

[سؤال 7737] 4052

بسمه تعالی

محضر مبارك امام خمینی، مرجع و رهبر عالی قدر جهان تشیع، دام ظلّه العالی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قرض گرفتن پول از بانك مسکن و بانك های دیگر به منظور خرید خانه که با کارمزد 4% انجام می گیرد، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، گرفتن وام و خانه ساختن با آن مانع ندارد و اگر در دادن زیاده، قصد بهره نکند برای وام گیرنده اشکالی نیست.

[سؤال 7738] 4053

بسمه تعالی 1361 / 11 / 28

ریاست محترم دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

ضمن عرض سلام و آرزوی توفیق، خواهشمند است سؤالات ذیل را به محضر حضرت امام خمینی - دامت توفیقاته - رسانده تا نظر و فتوایشان را مرقوم فرمایند.

ص: 537

1. شخص مسلمانی چندین سال است که کارمند دولت می باشد. در زمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به وظیفه شرعی خود با هیچ بانکی رابطه بده و بستانی نداشته (نه وام می گرفته و نه به هیچ عنوان سپرده می گذاشته) زیرا رابطه با بانک ها را تقویت رژیم منفور پهلوی و صاحبان بانک ها می دانسته. اکنون که مستأجر است، بر روی زمین شخصی خود با اجازه دولت اسلامی مشغول ساختن يك باب خانه مسکونی است تا خود و اهل و عیالش در آن زندگی نمایند. آیا شخص مذکور از نظر شرع مقدس، از بانک های جمهوری اسلامی - با توجه به این که هنوز از وام گیرنده کارمزد و حتی سود دریافت می کنند - می تواند وام دریافت نماید؟ البته اگر شخص مورد نظر وام نگیرد، با حقوق ناچیز خود سال های سال نمی تواند ساختمان خود را به اتمام رساند.

بسمه تعالی، گرفتن وام جایز و صرف آن در تهیه خانه مانع ندارد.

2. مسئول یا حسابدار يك مؤسسه دولتی همیشه مبلغی پول نقد و یا چك معتبر از جانب دولت در اختیارش است تا صرف هزینه های جاری آن مؤسسه نماید؛ آیا می تواند (حسابدار مورد نظر) اندکی از آن پول را صرف هزینه های ضروری و شخصی خود نماید، به طوری که هروقت از طرف دولت او را بازخواست یا با او تسویه حساب نمایند، شخص مسئول یا حسابدار می تواند مبلغ صرف شده شخصی را بلافاصله حاضر نماید؟ آیا این عمل حرام است یا خیر؟

بسمه تعالی، استفاده از اموال دولت در غیر موارد مقررّه جایز نیست.

[سؤال 7739] 4054

بسمه تعالی 19 / 8 / 1360

حضور محترم مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی، روحی له الفداء، محترماً به عرض می رساند:

1. نظر به تغییر حکومت و نظام بانکی کشور، کسی که احتیاج به محل مسکونی مناسبی دارد و به مقدار کافی با توجه به قیمت های فعلی پول در اختیار ندارد، آیا می تواند از بانک وام بگیرد و مقدار بهره ای که بانک معین می کند (حدود 4%) را

ص: 538

پردازد؟ آیا این، بهره حساب می شود یا کارمزد؟

بسمه تعالی، گرفتن وام مانع ندارد و بهره را ضامن نیستید.

2. آیا مقدار بهره ای که بانک به هر پس اندازی بعد از گذشت چند ماه می دهد، گرفتنش جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، جایز نیست.

3. آیا شجاعت جزو شرایط مجتهد اعلم است یا خیر؟ و آیا می شود مرجع تقلید را عوض کرد یا خیر؟

بسمه تعالی، شرایط مرجع تقلید در رساله مذکور است و بنابر احتیاط، عدول به مجتهد اعلم یا محتمل الاعلمیه لازم است.

[سؤال 7740] 2002

4. کسی محتاج به پول است باید قرض کند ولی صاحب به غیر ربا پول نمی دهد جایز است پول بگیرند ربا بدهند؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر نیت دادن ربا نکند جایز است و در هر صورت قرض صحیح است و اگر در دادن زیاده مجبور باشد حرمت هم ندارد.

[سؤال 7741] 4055

بسمه تعالی 12 / 6 / 1358

محضر مبارك رهبر عظیم الشان حضرت آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

این جانب مدت 29 سال است کارگر بانک رهنی هستم. خانه مسکونی حقیر قدیمی و در شرف انهدام است. بانک رهنی حاضر شده است برای تجدید بنای خانه، مبلغ يك صد هزار تومان، به مدت پانزده سال، از قرار شش درصد بهره به این جانب قرض بدهد. مرقوم فرمایید: شرعاً جایز است که حقیر این مبلغ را از بانک، به این صورت قرض بگیرم یا خیر؟ با تقدیم عالی ترین احترامات

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، قرض صحیح است و بهره را نباید بدهید. و چنانچه قصد دادن بهره نکنید؛ اشکالی ندارد.

ص: 539

بسمه تعالی

حضور مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی ایران

محترماً؛ به استحضار می‌رساند: این جانب در تاریخ 1 / 12 / 1353 يك دستگاه کامیون مارك مدل 66 به مبلغ 2/350/000 ریال قولنامه کردم و بعد از پرداخت چك به مبلغ 150/000 ریال به عنوان ودیعه، کامیون را آزمایش کردم که مورد قبول این جانب قرار گرفت. مبلغ 700/000 ریال به آقای فروشنده دادم و بقیه آن را که 1/650/000 ریال بود دو نفر از آقایان به فروشنده پرداخت کردند و سند کامیون را به نام خودشان کردند و از من در مدت 20 ماه مبلغ 510/000 ریال مازاد بر 1/650/000 ریال دریافت کرده‌اند. خواهشمندم نظریه آن جناب را نسبت به شرعی یا غیر شرعی بودن این معامله اعلام نمایید.

بسمه تعالی، اصل معامله صحیح است و در فرض مذکور، کامیون ملك شما است و زیاده را بدهکار نیستید و حکم ربا را دارد.

بسمه تعالی 17 / 5 / 1358

به حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر بزرگوار مردم مبارز و مسلمان ایران و جهان دامت افاضاته

پس از سلام، زحمت افزا می‌گردد این جانب دبیر دبیرستان های خرمشهر به منظور روشن تر شدن مسائل مربوط به احوال شرعیه شخصیه خاطر مبارك را مستحضر می‌سازد.

اکنون که دولت جمهوری انقلابی اسلامی بحمدالله استقرار یافته و عنایت حضرت سبحان شامل ملت مسلمان مبارز ایران گردید کیفیت مسئولیت شرعیه بنده را در برابر دریافت وام از بانك فرهنگیان یا بانك ملی با وجود نصّ قرآن کریم در مورد ربا

روشن فرمایید که مأخوذ به عقاب حضرت سبحان العزة والجلال نباشم.

با آن که در قرآن کریم صریحاً ربا نهی شده عمل خرید خانه از طریق بانک های استقراضی که به سیستم نظام غیر اسلامی عمل می کنند، از رهبر عظیم الشان اسلامی ایران استدعا دارم نماز در این قبیل خانه ها و عمل خریدار در برابر احکام حق که حجّت بر بندگان تمام کرده است چگونه است مطلب را صریح بیان فرمایید.

دروود خداوند به شهدای راه اسلام و رزمندگان و با سلام به امام خمینی

بسمه تعالی، اصل قرض و خرید خانه با آن و نماز در آن خانه صحیح است و بهره را قرض گیرنده ضامن نیست.

[سؤال 7744] 4058

بسمه تعالی

آیا جایز است که از يك بانک غیر اسلامی پول قرض شده و سود آن نیز پرداخت گردد؟

بسمه تعالی، وام گرفتن مانع ندارد، ولی سود آن را ضامن نیست. و قرض گرفتن با قصد دادن سود حرام است؛ اگر چه اصل قرض صحیح است. و فرقی بین قرض گرفتن از بانک غیر اسلامی و بین قرض گرفتن از بانک اسلامی، در جهت ذکر شده نیست.

[سؤال 7745] 4059

بسمه تعالی 18 / 5 / 1358

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید روح الله موسوی خمینی، دام بقائه، پس از عرض سلام، خواهشمند است پاسخ مسائل زیر را مرحمت فرمایید:

1. در بین مردم پخش گردیده که بانک ها، دولتی و اسلامی گردیده؛ لذا گرفتن وام از بانک مانعی ندارد. البته روند پرداخت وام کما فی السابق با بهره و سود پرداخت

ص: 541

می شود. چه می فرمایید در گرفتن وام از بانک ملی و صادرات که در این محل می باشد.

بسمه تعالی، اصل قرض صحیح است و بهره را ضامن نیستید و اگر قصد دادن بهره نداشته باشید اشکالی ندارد.

2. فردی در فاصله ده فرسخ از محل سکونت خود کارگر می باشد و هفته ای کار می کند و هفته ای به مرخصی می آید تکلیف نماز و روزه او چگونه است؟

بسمه تعالی، در غیر وطن حکم مسافر را دارد.

3. پرداخت رد مظالم به حساب 100 و 200 حضرت آقا به عنوان کمک به مستضعفین صحیح است یا نحوه دیگر باید پرداخت؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

4. در رساله های آقایان و در مسأله 1834 توضیح المسائل شما در مصرف خمس مذکور است: «ولی اگر انسان بخواهد سهم امام را به مجتهدی که از او تقلید نمی کند بدهد، در صورتی به او اذن داده می شود که بداند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می کند سهم امام را به يك طور مصرف می کنند».

توضیح: آیا در صورتی که هر دو مجتهد يك نوع مصرف می کنند همین عبارت اذن رساله کافی است یا باید به خصوص استجازه شود؟

بسمه تعالی، اجازه خاص لازم دارد.

[سؤال 7746] 6632

3. در وام هایی که مشروط به زیادی است و می فرمایید: «اگر گیرنده شرط را به طور جدّ قبول نداشته باشد، گرفتن چنین وامی بلامانع است»؛ آیا شرعاً این حکم در مورد بانک ها و مؤسساتی هم که پول مال متصدیان نیست، جاری است و از آن ها با این کیفیت می توان وام گرفت؟

بسمه تعالی، با مجاز بودن متصدیان در دادن وام فرقی نیست.

[سؤال 7747] 4060

بسمه تعالی

اگر صندوق قرض الحسنه برای وام گیرنده و معرف و ضامن، شرایطی مانند افتتاح

ص: 542

حساب یا مسدود کردن مبلغی وجه نقد تا مدتی معین قرار دهد که پس از انقضای مدت، وام بیشتری با مدت زیادتر به وام گیرنده بدهد، حکم شرعی این گونه شرایط چیست؟

بسمه تعالی، زیادی حکمی ربا است و جایز نیست؛ گرچه اصل قرضی که داده شده و قرض دو برابری که بعداً داده می شود، صحیح است.

[سؤال 7748] 4028

3. آیا پرداخت وام یا ضمانت آن را می توان مشروط به باز کردن حساب پس انداز در صندوق اعلام کرد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 7749] 1171

5. اشخاصی مبلغی پول در بانک می گذارند؛ پس از شش ماه یا یک سال، دو برابر اصل پول به آنان وام می دهند، به همین نیت هم گذاشته می شود، آیا ربا است؟ اگر ربا است چنانچه راهی برای فرار از این معصیت کبیره باشد، مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، ربا نیست.

[سؤال 7750] 4061

بسمه تعالی 1362 / 7 / 21

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

اگر صندوق قرض الحسنه برای وام گیرنده و معرف و ضامن، شرایطی قائل شود از قبیل: افتتاح حساب و یا مسدود کردن مبلغی وجه نقد تا مدت معینی که پس از انقضای مدت، وام بیشتر و با مدت زیادتر به وام گیرنده بدهد، این گونه شروط چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر موجب نفعی برای وام دهنده نمی شود اشکال ندارد.

ص: 543

بسمه تعالی

بعضی از بانك ها یا بعضی اشخاص با وام گیرنده شرط می کنند که اگر مثلاً ده تومان نزد ما بگذارید تا مثلاً شش ماه نزد ما باشد، بعد از شش ماه ما به شما بیست تومان قرض می دهیم. به شرط این که هر وقت تمام بیست تومان را برگردانید و به ما رد کردید، آن ده تومان که اول نزد ما گذاشته بودید به شما می دهیم. این قرض با این نحو شرط صحیح و حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، قرض، صحیح و حلال است و شرط مذکور صحیح نیست.

2. اگر کسی پول قرض بگیرد و صاحب پول با او شرط کند: چنانچه خمس به آن تعلق بگیرد شخص مقروض خمس را بپردازد؛ آیا این عمل از نظر اسلام ربا محسوب نمی شود؟

ثانیاً: اگر با همین شرط شخص مقروض پول قرض کند از نظر اسلام چه حکمی دارد؟ توضیح دهید.

بسمه تعالی، این شرط نافذ نیست؛ ولی قرض صحیح است.

بسمه تعالی 16 / 12 / 1361

با سلام به شما برادران عزیزی که در آن دفتر محترم در رفع مشکلات مردم، زحمت می کشید؛ بنده نیز مشکلی دارم که امیدوارم مرا نیز در حل این مشکل یاری نمایید. و اما مشکل من به شرح زیر می باشد:

جوانی هستم 29 ساله که دارای يك زن و يك فرزند می باشم و شغلم نیز همافر نیروی هوایی می باشد. حدود 6 ماه پیش تصمیم به خرید خانه ای گرفتم و به همین منظور، اتومبیلی را که داشتم فروختم؛ ولی چون پولم کافی نبود طلاهای زنم و

ص: 544

همین طور 2 تخته از فرش های منزل را فروخته و همچنین با گرفتن وامی به مبلغ 20/000 تومان از صندوق اقتصاد اسلامی، توانستم حدود 250/000 تومان تهیه کنم. در صورتی که خانه ای را که می خواستم با شراکت یکی از بستگانم بخرم، خانه ای بود به مبلغ 1/200 تومان که سهم من مبلغ 600/000 تومان می شد که از این مبلغ - همین طوری که توضیح دادم - فقط مبلغ 250/000 تومان توانسته بودم آماده کنم. ضمناً خود این خانه نیز مبلغ 130/000 تومان وام بانکی داشت که این وام را بنده به تنهایی به عهده گرفتم که الآن ماهیانه مبلغ 1780 تومان قسط بانک را می دهم. در هر صورت، مبلغ 220/000 تومان کم داشتم که یکی از بستگانم حاضر شد مبلغ 100/000 تومان به من قرض الحسنه بدهد که ان شاء الله هر وقت توانستم به ایشان برگردانم؛ و همین طور یکی دیگر از بستگانم مبلغ 20/000 تومان به عنوان قرض الحسنه به من داد که البته این مبلغ را بعد از چند ماه پس انداز به ایشان برگردانیدم.

در هر حال، با تمام این توضیحات باز هم مبلغ 100/000 تومان کم داشتم که هیچ راهی برای تهیه اش به نظرم نمی رسید. تا این که یکی از آشنایان به من گفت که در بستگان آن ها زنی است بیوه که مبلغی پول دارد که نمی تواند آن پول را به کار بیندازد و مایل است که این پول را در اختیار کسی قرار بدهد تا به وسیله سرمایه گذاری و یا خرید و فروش، از سود آن پول مبلغی نیز به ایشان پردازد و چون من شدیداً به این پول احتیاج داشتم، پیشنهاد کردم که این مبلغ را که 100/000 تومان بود از آن خانم گرفته و بدون این که به ایشان توضیح بدهد که پول را به چه کسی می دهد، به من بدهد و من نیز ماهیانه مبلغ 1000 تومان به عنوان سود پول به ایشان بدهم.

برادران عزیز! مشکل اساسی من در همین جا است که با توجه به وضع من که در بالا کاملاً توضیح دادم، آیا این پولی که از این خانم گرفته ام نزول حساب می شود یا نه؟ و همین طور با این برنامه آیا نماز و روزه من در این خانه اشکال پیدا می کند یا نه؟

بسمه تعالی، پولی که گرفته اید را مالک شده اید و نماز در خانه مزبور صحیح است؛ اگر چه بهره را بدهکار نیستید.

3. مبلغی پول از حقوق ماهیانه افراد شاغل در کارخانه ای به عنوان بازنشستگی، هر ماهه کسر می گردد و از همین محل، افراد شاغل در کارخانه وام می گیرند ولی کارخانه قبل از دادن وام، مبلغی به عنوان بهره کسر می کند؛ از آن جا که اصل پول، سهم افراد شاغل در کارخانه است و کارخانه عایدی از این بهره نصیب سهام داران نمی کند و این پول به حساب کارخانه می ماند از آن جا که کارخانه دولتی است و این پول کمک به بیت المال است آیا اجازه می فرمایید از این وام ها استفاده کنیم و اگر اجازه می فرمایید آیا راهی برای فرار از خلاف شرع برای گرفتن وام در این کارخانه هست یا نه؟

بسمه تعالی، گرفتن وام جایز است.

بسمه تعالی

پاره ای از قراردادهای وامی ربوی در گذشته منعقد شده است که همچنان ادامه دارد، بدیهی است که این گونه پیمان ها باطل بوده اند؛ ولی در حال حاضر که پول موضوع ربا به شکل کارخانه و غیره در آمده است تکلیف طرفین وام چه می باشد؟

بسمه تعالی، وام اشکال ندارد و آنچه با آن تهیه شده ملك وام گیرنده می شود ولی بهره پول، ربا و حرام است.

بسمه تعالی

1. اگر فردی در گذشته که بانک ها درصد ثابتی را به عنوان نزول از وام گیرنده دریافت می کردند وام گرفته باشد و با این وام خانه تهیه کرده تکلیف وی در مورد عباداتی که در این خانه انجام داده و درباره اصل این خانه چیست؟

بسمه تعالی، اصل قرض صحیح است و وام دریافتی ملك او شده و تصرفات در آن اشکال نداشته و ندارد.

2. اگر کسی در کسب خود بنا بر این گذاشته است که تمام مازاد بر مخارج سالیانه اش را هر چه باشد به مصرف خیر از قبیل جبهه و امثال آن برساند آیا خمس به آن تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر تا سر سال به مصرف مورد نظر برساند خمس ندارد، ولی اگر پیش از سر آمدن سال به مصرف نرسیده خمس به آن تعلق می گیرد.

[سؤال 7757] 4066

بسمه تعالی 1361 / 9 / 6

دفتر امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب، مرجع عالی قدر، سلام علیکم

خواهشمند است در مورد مسأله 2893 از رساله جناب عالی، مبنی بر این که «مؤسسات یا اشخاصی که بدون ربا قرض نمی دهند، قرض گرفتن از آن ها جایز است؛ منتها قرار ربا را به طور جدی نباید قبول کرد، بلکه تنها به صورت يك قرار ظاهری باید پذیرفت». توضیح بفرمایید:

اولاً، بانك ها جزء مؤسسات یاد شده به حساب می آیند یا خیر؟

ثانیاً، قرار ربا را به طور جدی قبول نکردن طرفینی است یا گیرنده قرض باید قرار ربا را به طور جدی قبول نکند؟

ثالثاً، مبلغ اضافه بر قرض چگونه باید پرداخت شود با این که ربا حساب می شود؟

بسمه تعالی، وام گرفتن مانع ندارد و چنانچه در دادن مبلغ اضافه، قصد ربا نداشته کار حرامی انجام نداده.

[سؤال 7758] 4067

بسمه تعالی 1361 / 9 / 6

دفتر محترم آیت الله العظمی امام امت، حضرت امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض عالی می رساند: این جانب در يك زمان که گرفتاری هایی برایم پیش آمده بود ناچار، به يك مؤسسه عام المنفعه مراجعه و تقاضای قرض نمودم. گفتند: شما باید ساختمان مسکونی خود را ظاهراً به این مؤسسه بفروشید و بعد اجاره

ص: 547

نمایید تا پول بگیرید. این عمل فقط روی کاغذ انجام شد. این جانب مبلغ يك صد و پنجاه هزار تومان قرض گرفتم؛ ماهی سیصد تومان به نام اجاره دادم که بعد از يك سال سی و شش هزار تومان که 20/000 بهره و یا به قول معروف کلاه شرعی اجاره با اصل مبلغ پرداخت کردم؛ در صورتی که بانک ها 8000 بهره می گرفتند و این مؤسسه عام المنفعه 20/000 بهره یا اجاره گرفتند. بعداً کاغذهایی که به نام فروش و اجاره خانه مؤسسه بود پاره پاره به زمین ریخته شد.

خواستم بدانم این معامله، با شرحی که در بالا عرض شد، صورت شرعی دارد یا نه؟ و این پولی که از این جانب گرفتند حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، اصل قرض صحیح است و فروش و اجاره خانه که برای فرار از ربا انجام شده باطل است و قرض گیرنده بیش از مبلغی که به قرض گرفته ضامن نیست.

[سؤال 7759] 4068

بسمه تعالی 1361 / 5 / 20

دفتر استفتای امام

خواهشمند است جواب فرمایید اگر بانک یا مؤسسه دولتی جهت رفاه پرسنل خود تصمیم به پرداخت وامی با بهره 12% به مدت دو سال بشود، از نظر فقهی گرفتن این پول برای کارگران چه صورتی دارد؟ والسلام علی من اتبع الهدی

بسمه تعالی، اصل قرض صحیح است اگر چه ربا حرام است و زیاده را ضامن نیستند.

[سؤال 7760] 4069

بسمه تعالی 1361 / 4 / 18

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، مستدعی است جواب سؤالات شرعیه زیر را مرقوم فرمایید:

ص: 548

1. طبق مقررات وام مسکن بانك مسكن، شخص متقاضی می تواند مبلغی پول را در حساب پس انداز این بانك، پس انداز نماید و در این مدت به سپرده او سودی تعلق نمی گیرد. پس از انقضای مدت معینی، به متقاضی مبلغی (مثلاً دو برابر سپرده او) وام تعلق می گیرد که در مدت معینی باز پرداخت نماید. ولی بانك در زمان بازپرداخت، درصدی (مثلاً 4% مبلغ وام) را از متقاضی اخذ می کند؛ آیا این درصد اخذ شده ربا است؟ و آیا این معامله شرعی و حلال است؟

بسمه تعالی، قرض صحیح و ربا حرام است.

2. آیا بر زن حامله در مدت حاملگی؛ به خصوص ماه های اول، روزه واجب است و برای حمل او ضرری ندارد؟

بسمه تعالی، روزه بر او واجب است مگر برای خود او یا حمل ضرر داشته باشد.

3. زنان برای سن یائسگی، پنجاه سال قمری یا پنجاه سال شمسی را مبنا قرار دهند، و اگر سال قمری باشد و شخص سال تولد قمری خود را نداند، دقیقاً چه موقعی را سال یائسگی خود قرار دهد؟

بسمه تعالی، سال را قمری قرار دهند و با شك در رسیدن به حد یأس حکم یأس مترتب نمی شود.

4. مهر نماز که گوشه ای از آن توسط دست مرطوب نجس لمس شده باشد چگونه پاك می گردد؟

بسمه تعالی، می تواند آن گوشه را بتراشد.

[سؤال 7761] 4070

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی

پس از ابلاغ سلام سلامتی و دوام عمر محترم شما را از خداوند منان مسئلت می نمایم. مستدعی است عنایت فرموده به مسائل ذیل جواب مرقوم فرمایید.

1. وام گرفتن از بانك های ملی و غیر آن با شرایط فعلی که هنوز بهره می گیرند، چگونه است؟

بسمه تعالی، اصل وام صحیح است و بهره را ضامن نیستند.

ص: 549

2. خانمی که با رضایت خودش شوهر کرده و اکنون طلاق می خواهد آیا طلاق به دست مرد است یا زن؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با مرد است.

[سؤال 7762] 3431

3. معاملاتی از سی سال قبل به این صورت بین خریدار و فروشنده انجام می شد. به این صورت که مبلغی حدود ده هزار تومان شخص زارع (فروشنده) برای ترویج امورات زراعت می گرفته و به رضا و میل خودش قرارداد می کرده که در زمان تحویل گندم یا پنبه برای هر ده هزار ریال گندم در هر تنی يك هزار ریال تخفیف بدهد و دلیل رضایت طرفین امضای ذیل قرارداد بوده در این مورد نظریه چیست؟

بسمه تعالی، با فرض این که زارع پول می گیرد و شرط می کند که در وقت به دست آمدن گندم ارزان تر از قیمت بفروشد شرط باطل است.

[سؤال 7763] 3431

4. شخصی مبلغ ده هزار تومان به عنوان قرض الحسنه به دیگری قرض می دهد. برای مدت شش ماه و قرض گیرنده در قبال احسان قرض دهنده مقداری جنس گندم یا جنس دیگری کمتر از نرخ روز به قرض دهنده می فروشد. نظر شما چیست؟

بسمه تعالی، اگر شرط نشده و قرض مبنی بر آن نبوده مانع ندارد.

ص: 550

كتاب رهن

احكام رهن

ص: 551

محضر رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، استدعا دارم در مورد سؤال زیر اظهار نظر فرمایید:

اگر کسی در مقابل بدهی بدهکاری، وثیقه ملکی تودیع نماید، پس از مدتی مدیون و داین با هم تصفیه حساب کلی نموده و مبلغ بدهی مدیون مشخص شده و داین و مدیون با هم توافق نمایند که مبلغ معینه، به وسیله مدیون اصلی پرداخت گردد و نیز داین از وثیقه مورد بحث صرف نظر نموده، و با سازش نامه و قرارداد تنظیمی در محضر حاکم شرع، تعهد نماید از مراجعه به متعهد اولی و استفاده از وثیقه خودداری نماید. آیا پس از تنظیم این قرارداد، داین می تواند برای وصول بقیه طلب مدیون اصلی به متعهد اولی مراجعه نموده و یا از وثیقه ای که حق استفاده از آن را از خود ساقط نموده است، استفاده نماید؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله که داین از رهن صرف نظر نموده، نمی تواند از وثیقه استفاده نماید.

محضر مبارک رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، دام ظلّه و عزّه و

شوکت، پس از سلام و آرزوی طول عمر و سلامتی کامل محترماً؛ معروض می دارد که به سؤال های ذیل جواب فرماید:

1. آیا در اخذ عین مرهونه، همین مقدار که در این زمان معمول است که سند را از طریق اداره ثبت اسناد توقیف می کنند، کافی است یا نه؟

بسمه تعالی، در قبض عین مرهونه، باید عین تحت استیلا مرتهن واقع شود و مجرد توقیف سند، قبض نیست.

2. اگر مدعی اقامه بیّنه نکند و تقاضای قسم هم نکند و دعوا هم طوری باشد که با عدم اقامه بیّنه، و عدم تقاضای قسم مدعی موقوف نشود؛ مثل موردی که مدعی ادای دین باشد، که با عدم اقامه بیّنه و عدم تقاضای حلف، منکر ادای دین، خواهان طلبش هست. در این موارد دعوا چگونه باید فیصله پیدا کند؟ آیا حاکم می تواند مدعی را الزام به مطالبه بیّنه کند و یا خودش منکر را قسم دهد و یا راه دیگری هست؟ بیان فرماید.

بسمه تعالی، حاکم می تواند در مورد مزبور، خودش منکر را قسم دهد.

3. در جلد 2 تحریر الوسیله آمده است که: «من لا ولی له، فالحاکم ولیّه فی هذا الزمان»: اولاً آیا مراد از حاکم، ولی امر است یا قاضی؟ و ثانیاً مصرف دیه چیست؟ آیا لازم است که به ولی امر پرداخت شود، و یا پرداخت به دولت اسلامی کافی است؟

بسمه تعالی، مراد ولی امر است و دیه نیز نظیر سایر موارد ارث من لاوارث له، به ولی امر می رسد و اگر وارثی هست باید به او داده شود.

4. در مواردی مثل شجاج و لطمات، که دیه با شتر و یا دینار تعیین شده است، آیا مراد عین شتر و دینار است و یا از باب مثال است، و مراد تخییر در اقسام دیه است؟

بسمه تعالی، منظور از سؤال معلوم نشد.

5. آیا پول های نقره ای سلاطین سابق، و یا مثل بهار آزادی را می توان درهم و دینار دانست و دیه را براساس آن و یا با تصالح، قیمت آن را قرار داد، و یا لازم است که بر اساس سایر اقسام دیه مقدر شود؟

بسمه تعالی، درهم و دینار مقدار معین نقره و طلای مسکوک است - سگه رائج ولو قبلاً - و با تعذر یا غیر آن، قیمت کافی است.

6. آیا اسناد رسمی مملکتی و یا نوشته های عادی که به امضای علمای بزرگ و با مهر آن ها ممهور باشد، در فصل خصومت می تواند مثل شاهد حجّت باشد؟ و یا فصل خصومت منحصر به علم و اقرار

و بیّنه و یمین است و به غیر این ها نمی شود فصل خصومت کرد؟

بسمه تعالی، اسناد کتبی حجّیت شرعیّه ندارند، مگر آن که برای قاضی موجب علم باشد.

[سؤال 7766] 4073

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

یک نفر چند قطعه زمین دارد و یک قطعه آن وقف امام حسین علیه السلام کرده، که هر سال آن را زراعت کند، برای امام حسین علیه السلام خرج کند و آن نفر همه زمین خود را به یک نفر دیگر به گرو داده، به نفر گفت: این زمین یک قطعه اش وقف امام حسین علیه السلام است و نفری که زمین ها را گرو کرده حاصل زمین وقفی را به مصرف حسینی علیه السلام نمی رساند این دو نفر کدام یک ضامن است؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، گرو باطل است و کسی که در زمین تصرف کرده ضامن اجرت المثل زمین است برای وقف.

[سؤال 7767] 4074

بسمه تعالی

استفتا از مقام عظیم الشان رهبری و بنیان گذار حکومت جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله امام خمینی کبیر، مدّ ظلّه العالی

شخصی که ملکش را به یکی از بانک های کشاورزی به رهن گذاشته و خودش نمی تواند اداره نماید و مبلغ دریافتی را در آبادانی آن خرج نموده است، می خواهد با شخص دیگری که آن هم منزلش را در رهن گذاشته است معامله نماید، اگر هر دو نفر با علم به رهن بودن ملک و منزل و میزان بدهی و کیفیت پرداخت و تعهد و قبول پرداخت بدهی معامله نمایند آیا معامله از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟ نظر خودشان را مرقوم بفرمایند.

بسمه تعالی، با اجازه مرتهن مانع ندارد.

ص: 555

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام ظلّه العالى

محترماً، استفتا می شود: چند نفر محلی را از زید خریداری کرده و هر يك مبلغی به سهم خود به زید داده و محل خریداری شده را شرعاً قبض و سپس به عنوان وثيقه بقیه بدهی، نزد او رهن می گذارند. این عبارت ذیل ورقه نوشته شده است: رهن نامبرده مقبوض شرعی است و فك نشود مگر به تأدیة كل دين، و با اجازه مرتهن، مورد رهن در يد خود راهنين است و با تعلل در پرداخت كل دين، طبق مقررات (مقررات قانونی ثبت) طرفین عمل نمایند. به علاوه، مدیونین عهده دار پرداخت خسارات دیرکرد قانونی، از روز انقضای مدت تا روز وصول خواهند بود.

توضیحاً معلوم شده که قانون ثبت که هنوز اسلامی نشده، آن است که مرتهن می تواند در صورت تعلل راهن، مورد رهن را کلاً به نام خود در آورد و سند صادر کند.

اکنون بیان فرمایید:

1. آیا خسارات دیرکرد که در حقیقت نام دوم ربا است، باید به مرتهن پرداخت گردد یا نه؟

2. آیا مرتهن که همان فروشنده است، می تواند به استناد کلمه (طبق مقررات ثبت) ملك مورد رهن را کلاً به نام خود در آورد و شرعاً مالك تمام محل مورد معامله می شود و خریداران هیچ حقی ندارند؟ یا به فرض استنکاف خریداران از پرداخت مال الرهانه (یعنی اقساط معامله)، او می تواند مورد معامله را بفروشد و تنها طلب خود را بردارد و بقیه از خود راهنين است. أفتونا مأجورین ان شاء الله.

بسمه تعالی، خسارت دیرکرد، ربا و حرام است و تنها وجود عبارت چاپی در سند ثبتی، کافی برای الزام طرف به مفاد آن نیست، ولی اگر در ضمن عقد رهن، شرط شده که در صورت عدم تأدیة، تمام عین مرهونه به ملك

ص: 556

مرتبه در آید و طرفین با التفات به شرط، آن را قبول کرده اند، شرط نافذ و لازم العمل است.

[سؤال 7769] 4076

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی دام ظلله العالی

شما فرمودید که گرو ملک حرام است، شخصی زمینی را چند سال عایدات آن را خورده، هر وقت پول خود را از صاحب ملک پس بگیرد، عایدات ملک را ضامن است باید به صاحب ملک رد کند یعنی پس بدهد یا نه، ضامن نیست؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، رهن و گرو ملک گرفتن در مقابل طلب حرام نیست بلکه جایز و صحیح است، لیکن طلبکار حق تصرف در رهن را ندارد و اگر از آن بهره برداری نمود منافع و نمائات را ضامن است و در صورتی که در ضمن قرض شرط رهن و تصرف در آن کند این معامله فرار از ربا است و باطل است و عین مرهونه و منافع و نمائات آن را ضامن است گرچه اصل قرض صحیح است.

[سؤال 7770] 4077

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی، رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه، بعد از عرض سلام و تحیات، امید است که آن وجود مبارك در ظلّ توجهات حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - از تمام خطرات ارضی و سماوی، محفوظ و مصون باشد. مسأله ذیل مورد استفتا است، نظر مبارك را مرقوم فرمایند.

اگر شخصی توسط بانک از خارج کشور کالایی خریداری نموده و مقداری از پول

ص: 557

کالا- را نقداً بدهد و مقداری از آن را به بانک مقروض بوده باشد و در نتیجه اسناد کالای مذکور در گروهی بانک، و کالا در گمرک در محافظت دولت می باشد. همچنین مقداری حق العمل، جهت انجام کار بانک از شخصی دریافت می کند که مقبول طرفین می باشد. شخص مزبور جهت فک اسناد برای ترخیص کالای خویش به بانک اعلام می نماید، جهت ادای قرض خود آماده می باشد به شرط آن که بانک از او ربا نگیرد، و در اثر نپذیرفتن بانک و اصرار بر اخذ ربا، شخص مذکور قادر به فک گرو خویش نمی شود، و بانک باعث ترخیص کالای او، و در نتیجه بردن کالا- توسط دولت می شود. اکنون آیا بر بانک واجب است که مقدار پول دریافتی از شخص را مسترد، و خسارت ناشی از آن را به شخص مذکور بپردازد و یا واجب نیست؟

بسمه تعالی، اگر بدهکار اصل بدهی را تا موعد مقرر نپرداخته، طلبکار حق دارد با مراعات موازین شرعیه رهنه را بفروشد و مقدار اصل قرض را بردارد و بقیه را به صاحبش رد کند.

[سؤال 7771] 4078

بسمه تعالی

محضر قائد و رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

پس از اهدای تحیات وافره، معامله رهنی انجام گرفته و در ضمن عقد، شرط شده که رهن فک نشود مگر به تأدیه دین و با تعلل مدیون در پرداخت کل دین، طرفین طبق مقررات قانون ثبت عمل نمایند.

با توجه به این که قانون ثبت این است که تمام عین مرهونه در مقابل اصل بدهی به داین پرداخت گردد، نه این که معادل دین از عین کسر شود و بقیه به راهن برگردد، آیا این شرط صحیح است یا فاسد؟ و بر فرض فساد، مفسد رهن است یا نه؟

بسمه تعالی، شرط مذکور صحیح و لازم العمل است، ولی لازم است در حین شرط، خصوصیات بر طرفین معلوم باشد و در صورت جهل، احتیاط مراعات شود و در هر صورت شرط فاسد، مفسد عقد نیست.

ص: 558

كتاب حجر

احكام حجر

ص: 559

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی بوده است 54 - 55 ساله که در حدود 8 ماه قبل فوت کرده است و از زمان کودکی از لحاظ عقلی دارای رشد کامل نبوده و دفاع و ضرر و زیان خود را نمی دانسته، حتی خرید و فروش. در این مورد، دو برگ - یکی قیم نامه و دیگری مربوط به معاینه مرکز روان پزشکی رازی تهران - تقدیم شد که این عقب ماندگی او را تأیید می کند. ایشان مقدار جنگل درخت تبریزی و مقدار زمین از 2 جو ملک که در محل معروف است، در یکی از روستاهای زنجان داشته. در حدود 26 سال قبل با همیاری عده ای ناآگاه، با دادن پول ناچیزی از چنگ ایشان در آورده بودند و به برادرش داده بودند. در حدود 14 - 15 ماه قبل با شکایت این جانب و با دخالت دادستانی شهرستان زنجان، در حضور مأمور دادستانی با دخالت شورای روستا که سند آن موجود است، مقدار ملک مزبور به عنوان صلح، بازپس گرفته شده و به ایشان داده شد و عمر ایشان هم وفا نکرد و حدود 8 ماه قبل فوت گردیده. ایشان در مدت زندگی خود نه نماز خوانده و نه روزه گرفته و یک ورثه پسر 20 - 21 ساله دارد که از 7 - 8 سالگی در شهر زندگی می کند و می گوید این زمین ها را بفروشیم و برای پدرم

ص: 561

نماز و روزه بگیریم. حال می خواهیم از امام عزیز، بگویید که آیا برای ایشان - که شرح حال او در بالا گفته شد - احتیاج به گرفتن نماز و روزه است یا نه؟ و آیا این جانب که از طرف دادستانی، قیم ایشان بودم باز می توانم بعد از فوت ایشان - در صورت داشتن ورثه عاقل و بالغ - در اموال او دخالتی داشته باشم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر معجون نبوده، قضای نمازها و روزه های او بر پسر بزرگ او واجب است و می تواند برای انجام آن ها کسی را اجیر نماید و قیمومت قیم بر قاصر، در حال حیات او است و بعد از موت خود قاصر، حق قیمومت بر فرزند او ندارد.

احکام صغر

[سؤال 7773] 4080

بسمه تعالی

حضور مسئول محترم دفتر امام خمینی؛ بعد از سلام، امیدوارم که همیشه در پناه خدا و قرآن در انجام کارهایتان موفق و پیروز باشید. چند سؤال داشتم که خواهان پاسخ گویی آن سؤالات از طرف آن دفتر هستم:

1. آیا شخصی که به حد سن قانونی رسیده باشد، در مصرف مالی که به او تعلق گرفته و مثلاً به او هدیه شده، بدون اجازه پدر و مادر و به خصوص مخالفت مادر، آزاد است یا خیر؟ (طریق مصرف: برای کمک به جبهه ها و جنگ زدگان و امثالهم).

بسمه تعالی، اگر به حد بلوغ و رشد نرسیده بدون اجازه پدر عمل نکند و حد بلوغ پانزده سال تمام است، اگر پسر است.

2. آیا شخص اگر بداند مال شخصی از حرام به دست می آید یا حداقل حرام در مال او هست آیا می تواند از مال یا غذا، که از طرف آن شخص به او داده می شود، مصرف کند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورتی که یقین به بودن مال حرام در چیزی که مورد تصرف او است ندارد مانع ندارد.

ص: 562

3. آیا نوشتن شعار یا صحبتی از امام برای تبلیغ یا جواب گویی به گروهک ها بر روی دیوار ساختمانی، بدون اجازه و احتمالاً نارضایتی صاحب ساختمان، اشکال ندارد؟

بسمه تعالی، با فرض رضایت صاحب آن اشکال ندارد.

[سؤال 7774] 2068

15. بچه های صغیری که در صفوف جماعات می گردند و مردم به آن ها کمک می کنند گاهی مثلاً يك تومان به آن بچه می دهند و پنج قران از دست او می گیرند تا پنج ریال کمک کرده باشند، آیا گرفتن پول به این قصد از دست صغار جایز است یا نه؟ بر فرض عدم، حال که گرفته می تواند برگرداند یا باید به ولی آن طفل برساند.

بسمه تعالی، در مورد سؤال اگر ممیّر باشد تصرفات مزبوره از او نافذ است و در غیر ممیّز منوط به اجازه ولی شرعی است و اگر از او چیزی گرفته اند باید به ولی او بپردازند.

علامت های بلوغ

[سؤال 7775] 4081

بسمه تعالی

دفتر استفتا امام خمینی مدّ ظلّه

ضمن پوزش از آن دفتر محترم متمنّی است سؤال ذیل را جواب بفرمایید.

سن شرعی پسر که بار مسئولیت شرعی به دوشش می باشد چه سنی است؟

بسمه تعالی، اگر با علائم دیگر بلوغ شرعی محرز نشود، میزان، تمام شدن پانزده سال قمری است.

[سؤال 7776] 4082

بسمه تعالی 3 / 6 / 1361

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی و با درود به رزمندگان جبهه های حق علیه باطل و با سلام به خدمت تمام خدمتگزاران راه

ص: 563

محترمانه به عرض می رسانم که:

1. این جانب متولد 1342 می باشم و بعد از انقلاب، شروع به خواندن نماز و روزه کرده ام. متأسفانه به علت بی توجهی به نماز و روزه، قضاهای فراوان داشته و در بقیه، نمازی نبود که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته باشد. بنابراین، تکلیف شرعی از چه سالی شروع می شود؟ و حکم حضرت امام خمینی در این باره چیست؟

بسمه تعالی، سن تکلیف در دختران تمام شدن نه سال قمری و در پسران تمام شدن پانزده سال قمری است.

2. خانمی دو سکه طلای پهلوی ملعون پیدا کرده است. دو - سه ماه است که ابلاغ کرده و صاحب آن پیدا نشده است. از طرفی شخصی است که اقدام به ازدواج کرده و تمام مخارج ازدواج قرض بوده و هم اکنون بیست هزار تومان بدهکار می باشد. آیا این خانم می تواند این سکه ها را به این شخص بدهد؟ یا آن ها را فروخته و پولش را به او بدهد تا وقتی که کارهایش سر و سامان گرفت پول را به آن خانم برگرداند تا آن را به حاکم شرع بدهد و تکلیفش را معین کند؟

بسمه تعالی، اگر از پیدا شدن صاحب سکه ها مأیوس باشند و طرف فقیر باشد، مجازند سکه ها را از طرف صاحبش به او صدقه دهند.

[سؤال 7777] 657

3. از چه موقع احکام اسلام (روزه، نماز و...) بر مرد و زن واجب است و آیا اگر فقط سن انسان در بلوغیت او مؤثر است و یا این که اگر نشانه های دیگر بلوغیت در او نبود، هنوز بالغ نشده است؟

بسمه تعالی، بر دختر تمام شدن نه سال است و در پسر یکی از علائم سه گانه است که در رساله مذکور است.

[سؤال 7778] 4083

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آقای آیت الله خمینی

نظر به این که مدتی است در مسائل دینی زیر اشکالاتی دارم و خواستار رفع آن ها

ص: 564

هستم، خواهشمندم مدتی از وقت شریفه خود را به این جانب اختصاص دهید و جواب پرسش های مرا ارسال بفرمایید. امیدوارم که باعث ناراحتی جسم و روان شما نشوم.

1. اصولاً سن واجب شدن نماز بر انسان چه سالی است و اگر کسی پایین تر از آن سال شروع به نماز خواندن بکند و بعد از مدتی آن را ترك کند، باید نمازهایی که نخوانده قضا کند؟

بسمه تعالی، سن بلوغ برای پسران، تمام شدن 15 سال قمری و برای دختران تمام شدن 9 سال قمری است و اگر بعد از بلوغ نماز یا روزه فوت شده، باید قضا شود.

[سؤال 7779]

2. اگر کسی به حسب این که روزه بر او واجب است، روزه بگیرد و بعد از مدتی آن را ترك کند، باید آن روزهایی را که روزه نگرفته قضا نماید یا کفاره بدهد یا هر دو یا هیچ کدام؟

بسمه تعالی، حکم آن گذشت.

3. اگر بعد از نماز یومیه، نمازی شبیه به نماز یومیه به قصد مستحبی بخواند چه جور است؟

بسمه تعالی، نماز دو رکعتی به قصد استحباب مانع ندارد.

4. اگر کسی با خود کاری کند که می داند منی از او خارج نمی شود چه جور است؟ اگر نمی داند که خارج نمی شود یا می شود و عمل را انجام دهد چه؟

بسمه تعالی، در هر صورت حرام است و اگر منی خارج شود، جنب می شود.

5. نگاه کردن با قصد لذت به عکس زن از روی پوشش چه جور است؟

بسمه تعالی، با قصد لذت جایز نیست.

[سؤال 7780] 4084

بسمه تعالی 1358 / 9 / 28

سلام علیکم، ان شاء الله حالتان خوب است. بدون مقدمه به اصل مطلب می پردازم:

ص: 565

من در حدود چهار - پنج سال پیش شروع به بازی با آلت خود کردم؛ آن موقع منی از من خارج نمی شد؛ اما پس از مدتی روزی بر اثر این کار جنب شدم؛ من اول ضرر و زیان این کار را نمی دانستم؛ اما بعد از مدتی متوجه شدم و یواش یواش آن را ترك كردم، تا این كه در خواب جنب شدم. آیا من از آن وقتی كه با خود بازی می كردم و جنب شدم، به عنوان كسی كه اعمالی مانند نماز و روزه و... بر او واجب است حساب می شوم، یا از آن موقعی كه در خواب جنب شدم؟ و اگر از وقتی كه در اول متن است، به عنوان آدم تكلیف شده حساب می شدم، من وقتش را نمی دانم كه چند سال پیش است؛ شاید سه سال پیش باشد. خواهش می كنم مرا راهنمایی كنید.

بسمه تعالی، اگر قبل از تمام شدن 15 سال قمری منی خارج شده - ولو در بیداری و به هر نحو - بالغ شده اید و چنانچه عبادتی از شما فوت شده، به مقداری كه یقین دارید به جا نیاورده اید یا باطل انجام داده اید، قضا نمایید.

[سؤال 7781] 4085

بسمه تعالی

به حضور محترم رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی، روح الله الموسوی الخمینی، حفظه الله

با عرض سلام و درود بر روان پاکتان، سلامتی و طول عمر شما را از خداوند متعال و تبارك و تعالی و ایزد منان خواستار و خواهان می باشم.

این جانب در شهرستان اهواز درس می خوانم و از مرجعیت جناب عالی احكام دین را تقلید می كنم. حال من دو مسأله دارم كه به این ترتیب عرض می كنم و می پرسم:

1. من شخصی هستم 16 ساله، متولد مورخه سال هزار و سیصد و چهل و پنج هستم، ولی شناسنامه من در تاریخ سال هزار و سیصد و چهل و چهار صادر شده است و من در این مسأله مانده ام كه تاریخ شروع نماز یومیه واجب بر من، از چه تاریخی

ص: 566

است؟ و مقدار نمازهای یومیه واجب بر من را تا تاریخ 10 / 8 / 1360 ذکر و برای من بنویسید. (در مورد روزه گرفتن هم همچنین است).

بسمه تعالی، شناسنامه، میزان نیست و بلوغ محقق می شود به این که پانزده سال قمری تمام شود یا علائم دیگر - که در رساله مذکور است - محقق شود.

2. من از تاریخ 10 / 8 / 1360 شروع کردم به نماز خواندن تا به حال که می خوانم؛ ولی در این مدت، من خیلی از نمازهای یومیه خود را به دلیل های مختلفی و بعضی ها را هم بدون دلیل نخواندم و مقدار دقیق آن ها را هم نمی دانم. از شما که مرجع تقلید من هستید، تقاضا دارم که جواب این مسأله را برای من به طور روشن بیان کنید.

بسمه تعالی، هر مقدار که یقین دارید در حال بلوغ، نماز فوت شده را قضا نمایید.

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

[سؤال 7782] 647

3. زمان بلوغ انسان که تکالیف مذهبی به عهده او گذاشته می شود چه وقتی می باشد؟ آیا فقط با رویش موهای زاید، تکالیف مذهبی بر او واجب می شود؟

بسمه تعالی، علامت های بلوغ شرعی در رساله عملیه مذکور است.

[سؤال 7783] 4086

بسمه تعالی 1361 / 8 / 28

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع عالی قدر، سلام علیکم

لطفاً بفرمایید که تکلیف شرعی برای پسران و دختران از چه موقعی واجب می شود؟ آیا این حد سنی است یا جنسی؟ اگر سنی است بفرمایید از روی ماه های قمری باید حساب شود یا از روی ماه های شمسی و اگر جنسی است بفرمایید از روی چه علائمی و اگر کسی از نظر جنس قبل از سن مکلف شده باشد و از نظر سنی و از روزی که پانزده سالگی را بر طبق ماه های قمری تمام کرده و وارد شانزده سالگی شده

ص: 567

به تکالیفش عمل کرده باشد. آیا اعمال مابین بلوغ جنسی و سنی را باید انجام دهد یا ساقط است؟ لطفاً واضح و همه جانبه شرح دهید.
سپاس گزارم

بسمه تعالی، دختر بعد از تمام شدن نه سال قمری و پسر بعد از تمام شدن پانزده سال قمری بالغ می شوند و چنانچه پسر قبل از رسیدن به پانزده سال محتمل شود یا موی زبر در محل مخصوص پیدا کند مکلف است و این دو علامت برای دختر قبل از نه سال نیز هست.

ولایت بر صغیر، مجنون و سفیه

[سؤال 7784] 4087

بسمه تعالی 1362 / 1 / 21

حضور محترم رهبر عالی قدر، حضرت امام خمینی

لطفاً بیان فرمایید که از نظر شرع مقدس اسلام اگر پدری منزلی را ولایتاً برای فرزند صغیر خود به طور رسمی خریده باشد، تا چه سنی حق ولایت در اموال فرزند را دارد، و ولایت پدر از کی ساقط می شود؟ مستدعی است حکم را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، ولایت پدر در اموال فرزند، تا زمان بلوغ و رشد او ثابت است.

[سؤال 7785] 861

3. آیا پدر و مادر ولایت بر اولاد کبار خود دارند؟ اگر دارند در چه موردهایی است و اگر اصلاً ندارند اطاعت آنان در چه مواردی لازم است؟ لطفاً توضیح دهید.

بسمه تعالی، ولایت بر اولاد کبار عاقل رشید ندارند، ولی فرزند باید از کاری که موجب اذیت والدین می شود اجتناب کند.

[سؤال 7786] 822

4. معمول است در روستاها اموات را در منازل مسکونی اش غسل میت می دهند و

ص: 568

بعضاً بعضی از اموات فاقد وصایت بوده و دارای اولاد صغیر بدون تعیین قیّم می باشند. در این صورت برای تعیین قیّم شرعی که با اجازه اش تغسیل و تکفین و مجلس تعزیت در همان منزل که ورثه صغار دارد به چه نحو اجازه می فرمایید تا عنداللزوم اقدام شود؟
بسمه تعالی، اجازه دادن بستگی به ملاحظه خصوصیات موارد و ملاحظه مصلحت دارد و کلی نمی توان اجازه داد.

[سؤال 7787] 6390

3. آیا کدامیک از پدر، مادر و عیال متوفی قیّموت صغار را باید داشته باشند؟

مستدعی است جواب را در صدر ورقه به طور واضح و روشن مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، پدر متوفی که جدّ پدری صغار است ولی شرعی آن ها است.

[سؤال 7788] 4143

2. يك دستگاہ ماشين بافتنی از پول صغار تهیه نموده ام و با او جهت كمك هزینه كار می كنم، آیا کلیه دستمزد كار كردم متعلق به بچه های صغیر است یا خودم نیز می توانم مبلغی جهت خودم بردارم؟ ضمناً به عرض می رسانم خودم قیّم بچه ها هستم.

3. من و بچه هایم هم اکنون در خانه پدرم زندگی می کنیم و پدر و مادرم تمکن مالی یا درآمد کافی ندارند و ما هم کرایه خانه نمی دهیم، فقط پول آب و برق را مشترکاً پرداخت می نمایم؛ آیا اگر پدر و مادرم از یخچال و ماشین لباسشویی و سایر لوازم زندگی ما استفاده نمایند، جایز است یا جایز نمی باشد، با این حساب که اگر ما بخواهیم در جای دیگر زندگی کنیم، مبالغ زیادی فقط باید کرایه خانه بدهیم، لکن پدر و مادرم از ما کرایه نمی گیرند؟

4. همان طوری که عرض کردم بنده با ماشین بافتنی كار می كنم که ماشین متعلق به بچه ها است، آیا اگر کسی وارد خانه ما بشود یا مشتری بافتنی باشد یا میهمان بنده،

ص: 569

می توانم از او پذیرایی کنم؛ از چای و میوه و غیره؟ و نیز میهمان می تواند روی فرش بچه ها نماز بخواند یا خیر؟

بسمه تعالی، 2 و 3 و 4، تصرف در اموال صغار باید با اذن قیم شرعی و رعایت مصلحت آن ها باشد و دستمزد کار بافندگی مال خود شما است، ولی باید اجرت ماشین را با رعایت مصلحت صغار برای آن ها منظور دارید.

[سؤال 7789] 4143

6. گاهی اوقات اجباراً پیش می آید که کادویی به جایی ببریم، آیا می توانم از پول بچه ها ببرم یا خیر؟

7. اگر دیگری بخواهد از وسایل لباسشویی ما استفاده نماید و اجرت بدهد، آیا اجازه هست یا اصلاً به مال صغیر نمی شود مداخله نمود؟

بسمه تعالی، سؤال 6 و 7، با فرض مصلحت برای صغار و اذن قیم شرعی مانع ندارد.

[سؤال 7790] 4088

بسمه تعالی

با درود به روان پاک شهدای عزیزمان و با درود به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و با درود به شما برادران مسئول دفتر امام. این جانب مشکلی که ذیلاً شرح می دهم برایم به وقوع پیوسته است که خواهشمندم مرا راهنمایی فرمایید.

شخصی که مورد نظر است به علت فوت ناگهانی، موفق به وصیت نشده است و از ایشان مقداری باغ و زمین مزروعی که در یکی از روستاهای نیشابور می باشد به جا مانده است و همچنین متوفی دارای دو دختر کبیره که به خانه شوهر رفته اند و یک پسر کبیره که دارای همسر می باشد و یک دختر صغیره می باشد. لازم به تذکر است که پسر و همسرش با دختر صغیره و مادرشان همچنان که قبل از فوت پدر با هم زندگی

ص: 570

می کرده اند، زندگی می کنند و مبلغی هم از درآمد ملك و کارگری مرحوم، خرج مراسم سوگواری گردیده است:

1. آیا مبلغ خرج شده محل اشکال است؟

بسمه تعالی، اگر با رضایت همه ورثه و قیّم شرعی صغیر خرج شده اشکال ندارد.

[سؤال 7791]

2. آیا با رضایت دو خواهر کبیره، برادر می تواند از درآمد ملك برای خود، لوازم زندگی و یا مسکن تهیه نماید؟

بسمه تعالی، حکم مسأله قبل را دارد و باید با مصلحت صغیر هم باشد.

[سؤال 7792]

3. آیا لوازم خانه را می توان به دختر صغیره واگذار نمود؛ البته با رضایت برادر و خواهران؟

بسمه تعالی، میزان، نظر قیّم شرعی و ملاحظه مصلحت صغیر است.

[سؤال 7793]

4. آیا مادر هم می تواند از درآمد ملك امرار معاش نماید؟

بسمه تعالی، مادر هم حکم سایر ورثه را دارد.

[سؤال 7794] 4866

3. در مواردی که ورثه های کبیر به توافق می رسند و با رضایت هم، مثلاً مالی را به یکی می بخشند، در صورتی که در این مال سهم ورثه صغیر هم باشد رضایت او را چگونه باید جلب کرد؟ آیا می توان بعد از رسیدن به بلوغ از او رضایت گرفت یا خیر؟

بسمه تعالی، باید به قیّم شرعی صغیر مراجعه کنند.

ص: 571

2. برای حفظ و نگهداری اموال ورثه صغیر آیا می توان از درآمد اموال او استفاده کرد یا خیر؟ در ضمن اگر پدر صغیر برای او سرپرستی معین نکرده باشد؛ چه کسی می تواند شرعاً سرپرستی او و نگهداری اموالش را به عهده بگیرد؟

بسمه تعالی، اگر پدر یا جد پدری ندارد، ولایت بر صغیر مذکور با حاکم شرع است و حاکم می تواند کسی را قیم بر صغیر نماید و قیم شرعی مجاز است در تصرفات مطابق مصلحت صغیر.

10. آیا می شود همسر خود شهید، وکیل قیم مال و بچه خود شود؛ در صورتی که برادر خود شهید وکیل می باشد؟

بسمه تعالی، قیم صغیر، جد پدری او و وصی پدر است و مادر اگر وصی نباشد، مانع ندارد نایب ولی شرعی در رسیدگی به امور صغیر گردد.

4. فردی به شهادت رسیده، ولی وصیتنامه ندارد، تکلیف همسر او با داشتن دو فرزند از شهید و یک مادر چیست؟ آیا اجازه می فرماید تا به حد تکلیف و قانونی رسیدن فرزندانش، در منزل و اموال تصرف کند؟

بسمه تعالی، باید به حاکم شرع مراجعه و برای صغار، قیم تعیین کرد تا آنچه مصلحت صغار است به واسطه قیم عمل شود.

بسمه تعالی

خدمت دفتر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی

محترماً به عرض مبارک می رسانم: این جانب پدر پاسدار شهید مدت هفت ماه پیش، فرزندم به شهادت رسید و از آن تاریخ به بعد، عروسم نمی گذارد من نوه خود را

که یادگار پسر است بینم. آیا از نظر شرعی چه کسی قیّم این فرزند می تواند بشود؟ من یا مادرش؟

در ضمن حقوقی که عروسم پس از شهادت پسر می گیرد، نمی دانیم خرج نوه ام می شود یا خیر؛ این حقوق چگونه باید تقسیم شود؟
متشکرم

بسمه تعالی، ولایت بر بچه، با جد پدری او است و حق حضانت و تربیت، با مادر است و حقوقی که داده می شود، بستگی به مقررات دارد؛ به هرکس مقررات اقتضا می کند، باید داده شود و تشخیص، با مسئولین است.

[سؤال 7799] 4090

بسمه تعالی

محضر مبارك جناب مستطاب، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

به عرض عالی می رساند: اگر کسی از دنیا برود آیا می تواند با فرض داشتن پدر، برای فرزندانش مادر آنان یا غیر مادر را قیّم صغار قرار دهد یا حق قیمومت برای جد پدری باقی است؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با وجود جد پدری صغار، نصب قیّم اثر ندارد.

[سؤال 7800] 6399

6. برای مصارف روزانه و همچنین برق و آب و تلفن می توان از درآمدی که از طریق کارگاه به دست می آید، بدون محاسبه و تعیین حق صغیر و کبیر مصرف نمایند؟ در غیر این صورت، مستدعی است مقدار و میزان آن را تعیین فرمایند.

بسمه تعالی، محاسبه و برداشت باید طوری باشد که رعایت حق هر يك - به خصوص صغیر - بشود و تصرف در مال صغیر با اذن قیّم باشد.

[سؤال 7801] 6399

7. مخارج مهمان و هدایایی که تا کنون نموده اند بدون در نظرگرفتن حقوق افراد

ص: 573

(صغیر و کبیر) از درآمد کارگاه صورت گرفته است؛ آیا می توان به این وضع ادامه داد یا خیر؟

بسمه تعالی، باید حقوق افراد در نظر گرفته شود و در حق صغیر رعایت مصلحت او شود با اذن قیّم شرعی.

[سؤال 7802] 6399

8. آیا می توان مالیات و حق بیمه کارگران کارگاه را قبل از تعیین حقوق صغیر و کبیر پرداخت نمود یا خیر؟

بسمه تعالی، با نظر قیّم شرعی و مراعات مصلحت صغیر مانع ندارد.

[سؤال 7803] 5917

3. مادرم از شوهر قبلی چهار فرزند صغیر دارد که بنده برادر بزرگ و ولیّ آن ها هستم؛ آیا مادرم به بهانه مادر بودن می تواند مرد جدید را به این خانه بیاورد و با او در همین خانه بخواهد؟ و اگر می شود، حق مالکیت صغیرها چه می شود؟

بسمه تعالی، حق ندارد.

[سؤال 7804] 5917

4. آیا بنده می توانم از طرف چهار فرزند پدرم که صغیرند، اجازه شوهر کردن به طریق فوق را به مادرم در خانه خودمان بدهم؟

بسمه تعالی، شما اگر ولایت شرعی بر صغار ندارید، نمی توانید اجازه دهید.

[سؤال 7805] 4091

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عالی قدر مسلمین جهان، مدّ ظلّه العالی، ضمن دعاگویی برای وجود مبارک، لازم است به مقام زحمت برآیم.

مالی بین پنج برادر مشترك است و آن مال از حیث مرکبات و نخیلات است و از

ص: 574

ارث مادر می باشد. از آن پنج نفر یکی کبیر و چهار نفر دیگر صغیر هستند. آن صغیران تحت کفالت پدرشان می باشند و کاری به برادر کبیرشان ندارند، حال اگر يك نفر زوردار بیاید و مال آن صغیرها را بدون اجازه آن ها و پدرشان از همان برادر کبیر به عنوان معاوضه بگیرد، بعدها که صغیرها بزرگ شوند و آن حقشان را درخواست کنند؛ آیا آن شخص قلدر می تواند آن را به آن ها پس ندهد و به ایشان بگوید که از برادر کبیرتان معاوضه گرفته ام.

آیا آن معاوضه صحیح است؟ و آیا آن مال حلال است که به دیگری بفروشد؟

آن کسی که از او می خرد صحیح است یا نه؟ لطفاً جواب را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، فروش اموال صغار بدون اذن ولی شرعی او صحیح نیست و حکم غضب دارد.

[سؤال 7806] 4092

بسمه تعالی

محضر مقدس مرجع عالی قدر تشیع، حضرت امام خمینی، دامت برکاته

به عرض مبارك می رساند که هرگاه پدر شخص متوفی نسبت به ولایتی که دارد، برای اداره امور صغار فرزندش و زیارت مکه مکرمه به نیابت از آن، کسی را وکیل نمود، آیا بعد از فوت آن پدر، مخارج صغار طبق صورت پرداختی، و برداشت پول سفر مکه از مال صغار میت به همین داعی، شرعاً مرضی و مورد قبول است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر صورت پرداختی مورد اطمینان باشد کافی است.

[سؤال 7807] 6138

3. حدود وظایف و اختیارات پدر شهید چقدر است؟ و آیا پدر شهید می تواند در امور زندگی همسر شهید دخالت کند و همسر شهید باید در امور زندگی با او مشورت کند؟

بسمه تعالی، ولایت بر صغیر و امور مالی او با جد پدری است.

ص: 575

3. اگر شهید، پدر را قیّم قرار دهد و او قبول کند و قید کند اگر پدرم قبول نکرد برادرم قیّم صغار من و برادر هم قبول کرد، می تواند برادر رد کند؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، قیّم شرعی پدر است و رد او اثر ندارد و می تواند برادر میت را وکیل بگیرد در انجام کار صغیر.

4. اگر قیّم بخواهد کنترل کند مثلاً اثاث خانه را مشخص کند که کدام مال متوفی بوده که نتیجتاً به استثنای هشت يك - مثلاً - بقیه مال صغار است یا در امور دیگر دخالت کند، موجب نزاع و به دادگاه کشیدن می شود و در نتیجه مادر، فرزندان صغیر را خوب رشد نمی دهد؛ قیّم می تواند؛ با این ها کج دار و مریز مدارا کند تا صغار رشد عقلی و بلوغ پیدا کنند و محول به آنان کند یا باید ولو این که فتنه و نزاع هم می شود جدّاً همه را از هم جدا کند؟

بسمه تعالی، قیّم شرعی موظف است در حفظ اموال صغار مصلحت صغار را هم مراعات کند.

5. آیا لازم است قیّم از مال خودش حقوق احتمالی را که از صغیر حیف و میل می شود - در صورتی که اگر بخواهد قیّم جلوگیری کند فتنه می شود - جبران کند یا نه؟

بسمه تعالی، حکم مسأله از جواب بالا معلوم می شود و چنانچه در حفظ مال صغیر کوتاهی کند ضامن است.

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه

به عرض عالی می رساند: شخصی فوت کرده و دارای پدر و فرزند و عیال است و

ولی و قیمی هم معین نکرده است. ولی و قیم شرعی و قانونی او چه کسی است؟

بسمه تعالی، در صورتی که فرزند میت صغیر است، ولایت بر او با پدر میت است. و همچنین در صورت صغیر بودن فرزند، تجهیزات میت هم مربوط به پدر او است.

[سؤال 7812] 4094

بسمه تعالی

این جانب طی این نامه از متصدی دفتر امام سؤال داشتم:

زنی در حدود دو سال قبل شوهرش فوت کرده است؛ بعد از فوت، ایشان اظهار نموده اند که من مایل به شوهر کردن نیستم و می خواهم سرپرست اطفال خود باشم. از متوفی خانه ای در همین شهر قم و مقداری اثاثیه و لوازم منزل به جا مانده است. ناگفته نماند که ایشان ماهانه حقوقی از بیمه دریافت می نمایند؛ حالیه مطلع شده ایم که ایشان بدون اطلاع ما شوهر اختیار نموده اند؛ لذا متمنی است بفرمایید: از لحاظ شرعی و قانونی تکلیف با مشارّ الیه چیست؟

بسمه تعالی، اگر صغار جدّ پدری دارند، ولایت با او است؛ و گرنه با حاکم شرع است، مگر در صورتی که متوفی قیم خاصی قرار داده باشد؛ و در هر صورت، حق حضانت و تربیت اطفال با مادر است.

[سؤال 7813] 4095

بسمه تعالی

اعضای محترم دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، سلام علیکم، لطفاً به سؤال این جانب پاسخ بدهید.

اگر بچه شهید دختر باشد و همسر شهید بخواهد از دواج بکند، در صورتی که پدر شهید حاضر به نگهداری طفل باشد، از لحاظ شرعی، بودن طفل در خانه ناپدری، صحیح می باشد یا نه؟ توضیح بر این که طفل مزبور، سه روز بعد از تولد تا کنون که در

ص: 577

حدود 13 ماه می باشد، توسط پدر شهید نگهداری می شود.

بسمه تعالی، ولایت بر طفل با جد پدری است، ولی حق نگهداری فرزند، در فرض مرقوم، با مادر است، اگر چه شوهر کرده باشد.

[سؤال 7814] 4096

بسمه تعالی

حضرت آیت الله امام خمینی روحی فداه

پس از عرض سلام، يك زن و شوهر با يك دختر بچه گمشده است بعد از مدتی می خواهند زن را دستگیر نمایند، زن خودکشی می نماید و از مرد هم خبری نیست، بعد از دو ماه بچه پیدا شده و يك مرد بیگانه او را برده است، در صورتی که بچه هم پدربزرگ دارد و هم دوتا مادربزرگ. خواهشمندم جواب مسأله را مرقوم فرمایید این بچه به که می رسد و سرپرستی بچه باید به عهده که باشد؟ در صورتی که آن مرد که بچه را برده به دختر بچه نامحرم خواهد بود.

توضیح آیا پدربزرگ در این مورد گناهکار است؟ برای رضای خدا جواب شرعی ارسال فرمایند.

بسمه تعالی، ولایت شرعی بر صغیر با پدر و جد پدری و بعد از آن ها با حاکم شرع است.

[سؤال 7815] 1753

7. زیدی فوت نموده دارای چند وارث کبیر و يك یا چند وارث صغیر است آیا ورثه کبیر در تصرفات خود چون در آن به نحو مشاع و مشترك است محتاج به اجازه از حاکم شرعی است یا خیر؟

بسمه تعالی، نسبت به سهم صغار موقوف به اجازه ولی شرعی است.

[سؤال 7816] 2227

2. برای حمام عمومی محل از آب قنات که صغار یا مجانین در آن شريك هستند

ص: 578

جایز است استفاده کرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر صغار و مجانین شریک ملک هستند اجازه ولی آنان شرط است.

[سؤال 7817] 4097

بسمه تعالی

پس از عرض سلام به پیشگاه مقدس رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و مرجع عالی قدر جهان اسلام، حضرت امام خمینی، ادام الله ظله علی رؤوس الانام؛ به عرض می رساند:

1. خانه ای متعلق به صغیر در محله ای است که برای مادر جوان که سرپرستی صغار را به عهده گرفته از حیث تنهایی و دوری از اقوام و محارم و نامناسب بودن محل خانه و همسایگان، بی اندازه طاقت فرسا است و در صورت جواز فروش خانه صغیر و تهیه خانه دیگری برای صغیر در نزدیکی خانه پدر و مادر و برادران مادر صغیر، هم سرپرستی صغار برای مادر جانشان آسان می شود و هم از نظر تربیت و امنیت و کمک به صرفه و صلاح صغار است؛ آیا جایز است تبدیل خانه یا خیر؟

بسمه تعالی، با نظر قیّم شرعی صغار و مراعات مصلحت آن ها مانع ندارد.

2. چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، مردم ایثارگر مسلمان، وجوهی می دهند به عنوان کمک به رزمندگان؛ آیا جایز است در بعضی جاها به بعضی از رزمندگان که نیاز بیشتری به کمک دارند و یا به بعضی از مستمندان غیر رزمنده، به نیت نذر و صدقه سلامتی و پیروزی رزمندگان، چیزی داده شود و یا فقط باید به جبهه فرستاده شود؟

بسمه تعالی، وجوهی که برای جبهه داده می شود باید صرف در جبهه شود.

[سؤال 7818] 4098

بسمه تعالی

پس از فوت میت ابتدائاً منزل و سایر اموال غیر منقولۀ او با نظر قیّم شرعی صغار تقسیم می شود (ولی نه تقسیم قطعی و دقیق، بلکه به قول معروف رعیت بخشی و

ص: 579

موقت) تا در وقت فرصت تقسیم دقیق انجام گیرد. در این صورت آیا هر کدام از ورثه در سهم موقت خود می توانند تصرف از قبیل نماز خواندن و غیره بکنند؟ و همچنین بعضی چیزهایی که نمی شود تقسیم کرد (مثل حوض منزل و آبریز و سایر جاهایی که معمولاً در منازل، متعدّد نیست که هر کدام یکی بردارند) اگر در اختیار همه وراثت باشد آیا تصرف برای همه جایز است؟

بسمه تعالی، با ملاحظه صلاح صغار و نظر قیّم شرعی مانع ندارد.

[سؤال 7819] 4099

بسمه تعالی

ما ترك میت (که مشترك بوده بین صغار و كبار) و منقولات ما ترك را وراثت (قبل از تعیین قیّم شرعی برای صغار) تقسیم کرده اند، بعد از مدّتی که از طرف حاکم شرع برای صغار قیّم تعیین شده بعضی از سهام که وراثت در تقسیم اول برده بودند تلف شده و موجود نیست که آن ها را به طور صحیح تقسیم کنند، و قیّم هم یقین ندارد که در آن تقسیم اول سهمیه صغار را کمتر داده باشند، (محتمل است که سهام به طور مساوی تقسیم شده باشد) آیا در این صورت قیّم شرعی می تواند آن تقسیم اول را امضا کند (که برای همه وراثت تصرف جایز باشد) یا خیر؟ و بر فرض این که امضا صحیح نباشد طریق صحیح را تعیین فرمایید؟

بسمه تعالی، نسبت به مقداری که سهم صغار شده تقسیم را امضا کند، و در زاید بر آن امضای او اثر ندارد، و احتیاط آنست که مصالحه کنند به نحوی که صرفه صغیر باشد.

[سؤال 7820] 4100

بسمه تعالی

پس از عرض سلام، سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواستارم. لطفاً سؤالات ذیل را جواب دهید.

ص: 580

1. این جانبه هفده سال پیش، زن مردی شده ام که زن اولش فوت کرده و پنج فرزند از او دارد. دو پسر و سه دختر که در این مدت پسرها زن گرفته و دخترها شوهر کرده و به خانه بخت رفته اند. تا امروز بیست و دو روز است که شوهر من فوت کرده، ولی وصیت نکرده است. ثمره هفده سال زندگی ما دو پسر به سن ده و هشت ساله است. و در ضمن، زنی هم قبلاً داشته و طلاق داده و یک فرزند پسر هم از او باقیمانده که دوازده سال دارد. یک ماشین بنز ده چرخ و یک خانه از او باقیمانده است. بچه های بالغ می خواهند ماشین را از آن حدی که می خرند، کمتر بفروشند. آیا این درست است که چون پسر بزرگش می خواهد ماشین را بخرد؛ نصف قیمت بخرد؟

بسمه تعالی، ماشین را نمی توانند به کمتر از قیمت عادلانه بفروشند و فروش به قیمت عادلانه، موقوف است به اجازه ولی صغیر.

2. منزل شش دانگی، دو دانگش به اسم من است. آیا از این چهار دانگی که به وارث رسیده، می توانم هشت یک ببرم؟

بسمه تعالی، زن از زمین منزل ارث نمی برد، ولی از قیمت بنا ارث می برد.

3. آیا در این مدت چهار ماه و ده روز (مدت عده وفات همسرم)، خرج نفقه می برم؟

بسمه تعالی، نفقه ندارد.

4. در این مدت که خط و مشی تعیین می کنند، اسمی از مهریه من به میان نیامده؛ آیا می توانم ادعای مهریه کنم؟

بسمه تعالی، اگر مهریه را طلب دارید، می توانید مطالبه کنید.

5. اثاث خانه را به مبلغ بیست و پنج هزار تومان قیمت گذاری کرده اند. آیا از این پول، هشت یک می برم؟

بسمه تعالی، زن از اثاث خانه، ارث می برد.

[سؤال 7821] 4101

بسمه تعالی 1361 / 10 / 28

محضر مبارک امام و رهبر انقلاب و حامی مستضعفین، خمینی بت شکن

این جانب مسأله ای برایم پیش آمده به شرح ذیل می باشد: دایی ای دارم که در زمان

ص: 581

حیات پدرم سرپرستی ایشان به عهده پدرم بوده است، البته این سرپرستی از طرف اداره سرپرستی اصفهان ابلاغ گردیده و اموال ایشان در اختیار پدرم بوده است. پدرم اکنون فوت نموده است و بنده را وصی خود قرار داده است، در حال حاضر يك نفر را از طرف خود تعیین نموده ام که ملك و آب ایشان را به اجاره داده و صرف هزینه زندگی او بنماید ولی اجاره بهای املاك وی جواب گوی مخارج او نمی باشد، در حالی که قیمت املاك در حدود ده میلیون ریال می باشد، اما کل اجاره بهای سالیانه املاك مبلغ چهار هزار تومان است که از این مبلغ مقداری نیز صرف هزینه قنوت می گردد. ضمناً دایی من 70 سال داشته و از نظر جسمی و روحی روانی معلول بوده و تا کنون ازدواج نموده، تکلیف شرعی بنده در حال حاضر چیست؟

بسمه تعالی، اگر دیوانه است ولایت بر او با حاکم شرع است، با اجازه از حاکم شرع می توانید اموال او را صرف در مخارج او نمایید با مراعات مصلحت او.

[سؤال 7822] 6425

4. شخصی در سال وفات قدری دماغش غیرمتوازن بود مثلاً گاهی حرف های بیهوده می زد، گاهی حرف ها چند مرتبه تکرار می کرد، اگر با وجود این که به اموالش نقصان نرسانید اگر می گفت فلان زمین را می فروشم یا این که می گفت من برای فلان چیز فلان زمین را می دهم و این بی مربوط بوده آیا حکم جنون دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، تشخیص جنون با عرف است.

[سؤال 7823] 4102

بسمه تعالی 1361 / 5 / 2

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی

زمینی است به مساحت 250 متر مربع که در کنار مسجدی واقع است و حیاط مسجد بسیار کوچک می باشد؛ در ضمن مردم محل هم در زمین مزبور آشغال و

ص: 582

خاکروبه می ریزند که باعث بوی تعفن در مسجد می شود. مالکین این قطعه زمین عبارتند از يك خواهر که سهم خود را به يك نفر حاجی مدت چند سال پیش فروخته است و آن حاجی حاضر است مجاناً سهم خود را به مسجد ببخشد و دو نفر مالك دیگر، دو برادر می باشند که یکی از آن ها مدت پنجاه سال قبل مفقود شده و هیچ گونه عیال و اولادی ندارد و برادر دیگرش دیوانه می باشد و فرد دیوانه که مالك سوم است حاضر است سهم خود را به مسجد بفروشد؛ با توجه به این که فرد دیوانه خواهری دارد زنده و حاضر، آیا می شود زمین فوق را از فرد دیوانه خرید و به مسجد ضمیمه کرد؟ لطفاً حکم الله را بیان فرمایید.

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، تصرف در ملك غایب و دیوانه بدون اجازه ولی شرعی حکم غصب دارد.

[سؤال 7824] 6514

2. اگر حاکم شرع یا مجاز از قبیل او قیمی برای دیوانه ادواری نصب کند، این دیوانه موقعی که حالش خوب است که علی الظاهر قیم احتیاج ندارد؛ مرتبه دوم و سوم و هکذا که دیوانه می شود و خوب می شود همان نصب و جعل اول کافی است برای حالات بعد یا در هر مرتبه احتیاج به نصب و جعل جدید دارد؟

بسمه تعالی، تابع کیفیت نصب حاکم شرع است.

[سؤال 7825] 1960

2. حدود شرعی رفت و آمد اقوام به منزل؟

بسمه تعالی، ورود افراد به منزل در مقدار سهم الارث کبار ورثه منوط به اجازه خودشان است و در مقدار سهم الارث صغیر موقوف بر اجازه ولی شرعی او می باشد.

ص: 583

3. حدود آزادی شرعی خودم؟

بسمه تعالی، با رعایت موازین شرعیه آزاد هستید.

احکام سفاهت

[سؤال 7827] 4103

بسمه تعالی

محضر مبارك حجت الاسلام والمسلمين، آيت الله الكبرى في العالمين، آيت الله الخميني، دام ظله

کسی هست گنگ که اگر به صدای بلند خوانده شود، می شنود با این حال نفع و نقصان مال و منال را هم نمی داند. مال های قیمتی را مجاناً، و گاهی به قیمت کم به مردم می فروشد. چنین کرداری چه صورت دارد؟ و ولی او چه کسی می باشد تا از تصرفات سفیهانه اش جلوگیری نماید؟

در فرض وفاتش، پسرعموی او وارثش می باشد، آیا پسرعموی او می تواند در اموال و املاك او تصرف کند و از کردار احمقانه او جلوگیری نماید؟

اگر این شخص اموالش را به کسی هبه نماید، هبه اش چه صورت دارد؟ مسأله کثیرالابتلائی است، بیان فرمایید، متشکرم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر سفاهت او پیش از بلوغ پیدا شده و ادامه دارد، در تصرفات معاملی ممنوع است و ولایت بر او با پدر و جد پدری و وصی آن دو است و اگر هیچ کدام نباشند، با حاکم شرع است، ولی اگر سفاهت بعد از بلوغ عارض شده، ولایت بر او با حاکم شرع است و تا حاکم او را از تصرفات منع نکند، تصرفات معاملی او نافذ است.

ص: 584

2. مردی گنگ و احرص یعنی نه زبان گویا و نه گوش شنوا، جزئی اشاره متکلم به اشاره سر و دست و چشم، می داند و می شنود و اسراف و تبذیر در مال نمی کند و مال خود را از مال غیر تمیز می دهد و در اشارات واقف و ناواقف و آشنا و غیر آشنا هم فرق می گذارد و می فهمد و محتاج به ترجمه آشنایان و واقفان می باشد. آیا چنان کسان و اشخاص در شماره سفیه ها است یا مثل اشخاص عاقل دیگران است یا نه؟

بسمه تعالی، مجرد کوی و گنگی موجب حکم به سفاهت نیست و حکم عاقل را دارد.

احکام افلاس

بسمه تعالی 14 محرم الحرام 1403 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، مدّ ظلّه العالی

با عرض سلام، استدعا می شود حکم شرعی مسأله مشروحه را تعیین فرمایید.

شخصی در زمان طاغوت ورشکست شده بوده و طلبکاران تمامی اموال و مایملک او را تأمین و توقیف نمودند، به جز يك کارخانه که شرعاً با افراد دیگری شریک بوده و ظاهراً به نام خودش. و طلبکاران با علم به این مطلب، آن را جزو اموال شخصی او نیاورده و مستثنا کردند (البته به جهت اعاشه او و کارگران و سایر سهام داران) آیا پس از 5 سال افراد یا مؤسسه یا بنیادی حق دارد کارخانه را هم تأمین و توقیف نماید یا خیر؟

درود خداوند به شهدای راه اسلام و رزمندگان و با سلام به امام خمینی

بسمه تعالی، رسیدگی به این مسأله موکول است به مسئولین مربوطه در دادگاه های صالحه جمهوری اسلامی.

14. شخصی که خود را در معرض ورشکستگی می بیند؛ برای فرار از دیون مردم اموال خود را با مصالحه یا هبه یا بیع، از ملك خود خارج می کند. آیا این معاملات صحیح است؟ و بر فرض صحت، آیا طلبکارها یا حاکم، حق فسخ دارند یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، صحت معاملاتی که برای فرار از دیون انجام گرفته، محل اشکال است و حاکم شرع می تواند دخالت کند.

حضور رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع تقلید شیعیان جهان

با عرض سلام، دو برادر با هم از پدر و مادر و جمیع المال بر روی يك اصل تجارت می نمایند هر دو دارای چك بانکی و اعتبار می باشند، یکی از برادران اعلام ورشکستگی می نماید و تمام چك هایش برگشت می خورد در صورتی که برادر دیگر هیچ گونه چك هایش برگشت نخورده و اعتبار بانکی اش را به موقع پرداخت می نماید و آن برادر که اعلام ورشکستگی کرده زندانی و بعد آزاد می شود و برای پرداخت بدهی مردم و بانک ها مقداری از سهم ملکی خود را که مشترکاً با برادرش بوده پیشنهاد می کند که طلبکاران بفروشند و به طلب خود بردارند و برادر دیگرش که با هم شريك شغلی و مالی بوده اند دیناری از بدهی برادرش را تقبل نمی نماید، در این صورت تکلیف شرعی در این مورد چه می باشد؟

خداوند سایه مبارکتان را بر سر همه مسلمین جهان مستدام بدارد.

بسمه تعالی، به مقدار سهم خودش در مال مشترك حق دارند و طلبکاران می توانند آن را مطالبه کنند ولی تصرف در مال مشترك باید با رضایت شريك باشد و اگر رضایت نمی دهد موکول به رأی دادگاه است.

19. اگر غرما درباره ورشکسته ارفاق کردند و مال او را تقسیم نکردند و اجازه دادند که تجارت کند، ولی تاجر دوباره ورشکسته شد، آیا طلبکاران اخیر در اموال سابق با غرمای سابق سهیم می شوند یا نه؟
بسمه تعالی، همه غرمای سابق و لاحق، در مال موجود حق دارند.

[سؤال 7833] 6781

2. اگر شخص مفلس و ورشکسته مالی داشته باشد، آیا بایستی بین همه غرما به نسبت تقسیم شود یا بانک ها مقدمند؟ و آیا بانک ها حق دارند بستانکاری خود را تمام و کمال، حتی با فرع و بهره بگیرند و سایر طلبکاران را محروم سازند یا خیر؟
بسمه تعالی، همه غرما در يك مرتبه هستند، مگر عین مال یکی از آن ها موجود باشد؛ و همچنین در مال مرهون که نزد یکی از طلبکارها باشد، مرتبهن احق از دیگران است در استیفای حقش از آن.

[سؤال 7834] 6781

3. در استثنای منزل مسکونی در باب مطالبه دیون از بدهکار، آیا بین بدهکاری که حکم به افلاس او شده، و بین بدهکاری که محکوم به افلاس نیست فرقی هست؟
بسمه تعالی، فرقی نیست.

[سؤال 7835] 4967

5. شخص ورشکسته، بعضی از طلبکارها اگر عین جنس آن ها موجود باشد بدون کسر می برند؛ اما اگر تصرف شده - مثلاً طاقه قماش مقداری از آن فروخته شده، یا کیسه برنج و امثال آن از ظرف اول به ظرف دیگر منتقل اما مقداری از عین آن باقی است - در این جا هم طلبکار جنس موجود را بردارد و در بقیه، با بقیه طلبکارها مساوی می شود یا خیر؟
بسمه تعالی، اگر محجور شده، در این دو فرض هم طلبکار می تواند جنس

موجود را در مقابل قسمتی از دین که به ازای آن حساب می شود بردارد.

[سؤال 7836] 4967

6. در فرض مسأله فوق که طلبکار جنس موجود خود را می برد، به قیمت روز حساب می شود یا به قیمتی که فروخته؟

بسمه تعالی، به قیمت روز فروش.

[سؤال 7837] 3508

15. اگر عین مال فروشنده ای در اموال شخص مفلس موجود است حق دارد عین مال خود را بردارد و ببرد، اما اگر غرماً از مال خودشان یا از مال مفلس، حاضرند طلب او را بدهند؛ آیا در این صورت، فروشنده باز حق فسخ دارد یا نه؟

بسمه تعالی، خیار دارد و نمی تواند او را الزام کنند.

[سؤال 7838] 3508

16. در صورت فوق، اگر خود ورشکسته، مال جدیدی پیدا کرده و می خواهد طلب فروشنده را بدهد، آیا باز هم فروشنده حق بردن عین مال خود را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، حکم مسأله قبل را دارد.

[سؤال 7839] 4106

بسمه تعالی 14 / 8 / 1359

محضر مبارك آيت الله العظمى امام خمينى، مدّ ظله العالى على رؤوس المسلمين،

با تقدیم احترام استدعا می شود به دو مسأله ذیل جواب صریح عنایت فرمایید.

1. آیا خانه و لوازم زندگی در قبال ثمن آن ها که دریافت نشده و خریدار اظهار نداشتن می نماید پس از ثبوت اعسار از مستثنیات دین مذکور محسوب می گردند یا خیر؟ توضیحاً فرض مسأله جایی است که هیچ يك از خيارات معروف در بین نیست.

ص: 588

بسمه تعالی، در مستثنیات دین درباره حجر مفلس فرقی در جهت ذکر شده نیست، ولی بعد از حکم به حجر از طرف حاکم شرع اگر عین مال بایع طلبکار موجود است در غیر مستثنیات بایع می تواند معامله را فسخ کند و مال خود را بگیرد.

2. در صورتی که مردی از پرداخت نفقه و سایر حقوق زن خود امتناع ورزد و او را مورد ایذا و آزار قرار دهد و حاضر به طلاق هم نباشد حتی به طلاق خلع آیا حاکم شرع حق اجبار به طلاق و یا اجرای آن را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق به دست شوهر است و حاکم شرع می تواند در صورت مطالبه زوجه شوهر را وادارد که حقوق زن را ادا نماید و در بعضی موارد حاکم شرع می تواند طلاق بدهد.

[سؤال 7840] 3508

17. اگر تاجر ورشکسته قبل از صدور حکم افلاس، دکانی را اجاره کرده و مال الاجاره را نپرداخته، آیا صاحب دکان حق فسخ دارد یا نه؟ بسمه تعالی، محل اشکال است و احوط تخلص به صلح است.

[سؤال 7841] 4107

بسمه تعالی

مقام مقدس حضرت مستطاب کشف الوری آیت الله العظمی امام خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه، به عرض عالی می رساند:

1. در تحریر الوسيله ص 526 مسأله 14 نوشته شده «المقرض لو زادت فی العین المبیعة أو المقترضة زیادة متصله کالسمن تتبع الأصل فیرجع البایع أو المقرض إلى العین کما هی» فعلاً در زمان حاضر جوجه های دوسه روزه را چهار یا پنج تومان می خرند و در مدت دو ماه دو یا سه کیلو گوشت حاصل می شود، اگر خریدار مفلس شود آیا فروشنده می تواند به عین همان جوجه ها که به صورت مرغ بزرگ گشته رجوع کند و بردارد یا نه؟ آیا در آخر فتوا لفظ «کما هی» ناظر به اخراج این قبیل مبیع هست یا خیر؟ با در نظر گرفتن این که رشد فوق العاده در ملک مشتری

ص: 589

و با مخارج او حاصل شده است.

و بعضی مورد مسأله را قیاس به خیار فسخ نموده اند که قیاس باطل است و به علاوه قیاس مع الفارق می باشد، چون مشتری با علم به خیار فسخ از طرف بایع خودش مقدم به ضرر است. مستدعی است نظر مبارك را بفرمایید.

بسمه تعالی، زیاده متصله تابع عین است و فروشنده می تواند به آن رجوع کند.

2. زن سیّده زوجش نفقه او را می دهد لکن اولادی دارد از شوهر قبلی، آن ها مستأجرند از فروش فرش و طلا با قرض دو سه نفر فامیل جمع می شوند يك خانه برای رفع بعض نواقص می سازند اجازه می فرمایید که به شوهر سیّده مرقومه از سهم سادات بدهم بعض نواقص خانه را تأمین نمایند به واسطه زوجه سیده یا نه؟ و هم چنین اشخاص می توانند به این قبیل سیده که نفقه اش را زوجش ادا می نماید سهم سادات بدهند یا خیر؟

بسمه تعالی، کسی که نفقه اش از طرف شوهر تأمین می شود فقیر نیست و نباید سهم سادات را به او بدهند.

[سؤال 7842] 4967

7. اگر قرض دار بمیرد و ماترك، وافی به تمام دیون نباشد، در این جا هم طلبکار می تواند عین جنس خود را بردارد، یا در تمام طلب خود با تمام طلبکارها مساوی است؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، اولویت ندارد و با تمام طلبکارها مساوی است.

تصرفات مریض در مرض منتهی به موت

[سؤال 7843] 4736

3. باز همان شخص موصی در مرض موتش پنج اصله نخل وقف ابا عبدالله الحسین علیه السلام نموده است آیا این وقف در مرض موت بدون رضایت وارث صحیح

ص: 590

است؟ حکم الله جاری فرماید.

بسمه تعالی، اگر وقف و تحویل جهت وقف در زمان حیات شخص انجام گرفته صحیح است و رضایت وارث شرط نیست.

[سؤال 7844] 4736

2. در ضمن وصیت نامه مقداری از اموال خودش که نخيله به عنوان بخشش و حق خدمت در مرض موتش به همان وصی داد آیا این بخشش و حق خدمت در مرض موت صحیح است و یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در حال حیات مالی به کسی بخشیده و در زمان حیات خود تحویل موهوب له داده هبه صحیح است.

ص: 591

كتاب ضمان

احكام ضمان

ص: 593

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

صندوق های قرض الحسنه قبل از پرداخت وام به وام گیرنده، طی ورقه ای که مربوط به کارهای وام است از ضامن امضا می گیرند؛ آیا پس از آن که وام پرداخت شد ضمانت تحقق پیدا می کند یا خیر؟ سازمان اقتصاد اسلامی ایران

بسمه تعالی، اگر قرض مبنی بر ضمانت شخص ضامن واقع شود صحیح و ضمانت نافذ است و لکن مجرد امضا، بدون بنا در حال قرض اثر ندارد و باید معلوم باشد که ضمان شرعی، نقل ذمه است به طور منجز، نه معلق و نه ضمّ ذمه به ذمه دیگر.

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

اگر کسی بگوید: هر شخصی را که من جهت گرفتن وام به صندوق معرفی می نمایم - اعم از این که ضامن وام را خودم تأیید کنم یا به وسیله صندوق تعیین گردد - خود این جانب، علاوه بر آن ضامن، ضامن این وام خواهم بود که اگر وام گیرنده یا ضامن اقساط را پرداخت نکردند به عهده این جانب است؛ آیا این تعهد از نظر شرعی ضامن آور است یا خیر؛ حتی پس از مرگ؟ سازمان اقتصاد اسلامی ایران

بسمه تعالی، مجرد تعهد اثر ندارد؛ لکن چنانچه انشای قرض مبنی بر ضمانت متعهد واقع شود صحیح است و ضامن محقق می شود. لکن این معنا که اگر وام گیرنده یا ضامن، اقساط را پرداخت نکردند به عهده ضامن است، ضامن شرعی نیست و نفوذ ندارد.

[سؤال 7847] 4028

6. گیرندگان وام دارای يك معرف و يك ضامن می باشند؛ در صورت عدم پرداخت، دین بر عهده معرف است یا ضامن؟

بسمه تعالی، معرف ضامن نیست.

[سؤال 7848] 3508

10. اگر ضامن در ضمن ضمانت شرط کند که ذمه مضمون عنه هم مشغول باشد و یا مضمون عنه مسئولیت پرداخت داشته باشد، آیا صحیح است؟

بسمه تعالی، شرط مزبور صحیح نیست، ولی اگر ضامن با اذن مضمون عنه ضمانت کرده، بعد از ادا می تواند به اورجوع کند.

[سؤال 7849] 3508

11. ضامن شرط می کند که من ضامن می شوم، بدین گونه که اگر مضمون عنه نپرداخت من بپردازم. حال یا به طور واجب مشروط یا معلق، آیا این گونه ضمانت صحیح است؟

بسمه تعالی، صحیح نیست.

ص: 596

بسمه تعالی

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به نام الله یاری دهنده مظلومان و درهم کوبنده جباران و ستمکاران و سلام به امام عزیزمان خمینی کبیر

می خواستم درباره مسأله ای که با آن مواجه شدم سؤال کنم و آن این است که پیش از زلزله طبس یا بهتر بگویم پیش از انقلاب، شخصی از بانک پول قرض کرده و يك نفر را ضامن نموده است. حالا- گیرنده پول با این که پول دارد، قرض خود را به بانک نمی دهد و ضامن را مجبور کرده که این پول را بپردازد. در صورتی که ضامن وضع مالی خوبی ندارد، چگونه ممکن است ضامن که پول این ندارد، بپردازد. ضامن همین پول و چک را چند بار نو کرده تا بتواند يك روزی پولی را به دست آورد و پول بانک را بدهد. آیا باید ضامن این پول را بدهد یا همان که خودش پول را گرفته و پولدار هم هست؟ در صورتی که این پول هزار تومان، دو هزار تومان نیست، بلکه 24 هزار تومان است. شخصی که نمی تواند خرج فرزندان خودش را بدهد، آیا درست است این پول را او بپردازد و وضع خانواده خود را از این که هست بدتر نماید؟! به امید این که در جامعه اسلامی ما این چنین اشخاصی پیدا نشوند که با این کارهایشان زندگی و خانواده دیگری را تباه نمایند.

بسمه تعالی، ضمان شرعی آن است که انشای نقل ذمه مضمون علیه به ذمه ضامن شود و اگر چنین معنایی انشا نشود، ذمه ضامن مشغول نمی شود و مضمون له حق رجوع به او را ندارد. و مجرد امضای ضمانت نامه - بدون توجه به این معنا و انشای آن - ضمان شرعی نیست.

بسمه تعالی 1361 / 5 / 23

استفتا از محضر مقدس مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی و امید مستضعفان، حضرت آیت الله العظمی امام روح الله

اگر بانك یا شخصی بر حسب تقاضا و ضمانت فردی، ضمانت شخص ثالثی را بنماید، در صورتی که اذن و اجازه ای از شخص ثالث نداشته باشد و مضمون له وجه را از ضامن اخذ کند، در این صورت ضامن باید به متقاضی و ضامن اول خود رجوع نماید یا شرعاً می تواند اصل وجه الضمان و نزول آن را از شخص ثالث که از او اذن و اجازه ضامن شدن نداشته است وصول کند؟

بسمه تعالی، اگر به شخص ثالث مضمون عنه بدهکار نبوده و بدون درخواست او ضامن شده، نمی تواند از او مطالبه پول پرداختی را بنماید.

[سؤال 7852] 4112

بسمه تعالی 1361 / 3 / 23

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی فداه

با تقدیم سلام و عرض ادب؛ این حقیر به موجب فتوکی ضمانت نامه ضمیمه، از شخصی ضمانت نموده ام که اگر در حین خدمت از ابواب جمعی خود از قبیل محمولات و مرسولات پستی و غیره مرتکب قصور یا خیانتی گردد که مستلزم غرامت باشد، تا حدود 000/100 ریال غرامت آن را پرداخت نمایم. حال به موجب گزارش مربوطه نامبرده مستعفی شده و مبلغ 6081 ریال حسابداری هنگام تسویه اشتباهاً اضافه به او پرداخت نموده است و این مبلغ را از این جانب مطالبه می نمایند؛ در صورتی که مبلغ مذکور در اثر اشتباه حسابدار مسئول پرداخت گردیده و به ابوالجمعی او ارتباط ندارد و با این که شفاهاً و کتباً محل سکونت کارمند در صرف به اداره مربوطه اعلام نموده ام، بدون توجه به مراتب فوق، مبلغ مزبور را از این جانب مطالبه و دستور کسر آن را داده اند؛ مستدعی است حکم شرعی آن را مرقوم و امر به ابلاغ فرمایند.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، مبلغ مزبور خارج از مورد ضمان است و شخص ضامن عهده دار آن نیست.

ص: 598

كتاب حواله و كفالت

احكام حواله و كفالت

ص: 599

12. در حواله قید می کند که اگر محال علیه نداد، محیل بدهد. آیا صحیح است؟

بسمه تعالی، این شرط نافذ است.

13. اگر دین وعده دار را حواله کرد و طرف، بدون ذکر اجل، حواله را قبول کرده، آیا دین مؤجل حالّ می شود یا نه؟

بسمه تعالی، ذمه محال علیه به قبول حواله مشغول به دین می شود و باید فوراً ادا کند مگر این که شرط تأجیل نموده باشد.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی دام ظلّه العالی

کسی از عسکری گریخت و دولت، اقارب آن را می گیرد مثل پدر و مادر و برادر و خواهر و عمو و دایی و عمه و خاله و هر چند اقارب دارد همه را دولت می گیرد و می گوید شما این نفر را پیدا کنید، این ها نمی توانند این نفر را پیدا کنند چون که معلوم نیست در کجا است این پول زیاد، خسارت می کند یعنی پول را دولت می خورد،

ص: 601

این ها شرعاً می توانند پول خود را از آن نفر گمشده بگیرند؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، ضامن نیست و نمی توانند از او بگیرند.

[سؤال 7856] 4114

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی دام ظلله العالی

کسی مال کسی دزدی کند و از محل که سکنا دارد فرار کند و صاحب مال به حکومت شکایت کند و بگوید دزد اهل فلان محل است و حکومت اهل آن محل را می گیرد و می گوید شما دزد را پیدا کنید و اهل آن محل پول زیاد خسارت کند و هر زمان که دزد در آن محل برگردد اهل محل می توانند خسارت از دزد مطالبه کنند؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، غیر از آنچه سرقت کرده چیز دیگری را ضامن نیست.

ص: 602

كتاب وكالت

احكام وكالت

ص: 603

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت امام خمینی، رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی

محترماً این جانب نظر بر این که دارای 6 عائله می باشم، و شغلم کشاورزی بوده، می خواستم یک سؤال بپرسم؛ آیا می شود یک مسلمان وکالت یک بهایی را در موقعی که ضروری باشد بپذیرد؟
بسمه تعالی، در فرض مرقوم، وکالت صحیح نیست.

[سؤال 7858] 6479

9. آیا وکیل دادگستری باید عادل و مجتهد باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، معتبر نیست.

[سؤال 7859] 4116

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت مستطاب، آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

1. میان زید و عمرو درباره متروکه وارث، اختلاف واقع شد؛ زید، بکر را وکیل خود کرد برای حل و فیصله این اختلاف از راه شرع و دین مقدس اسلام؛ ولی بکر

ص: 605

بدون این که زید را از جریان آگاه سازد، با عمرو صلح شرعی کرد و زید، از این صلح راضی نشد. آیا این صلحی که میان وکیل زید (بکر) و عمرو واقع شده است، درست است یا خیر؟

بسمه تعالی، وکیل، اگر وکیل در صلح یا وکیل مطلق - حتی در صلح - بوده، صلح مزبور، صحیح و لازم است؛ وگرنه منوط به اجازه موکل است.

[سؤال 7860]

2. هند برای حل و فیصله شرعی در نزاعی که با يك شخصی داشت، زید را وکیل کرده بود؛ ولی هند در غیاب زید، عمرو را وکیل دوم قرار داد و عمرو، بدون این که هند

را مطلع سازد، به جای فیصله شرعی، با طرف مقابل (خصم) صلح کرد و هند بر این صلح راضی نشد. آیا این صلح، صحیح است یا خیر؟
بسمه تعالی، حکم، همان است که در بالا ذکر شد

[سؤال 7861] 4117

بسمه تعالی

محضر منور حضرت آیت الله العظمی زعیم عالی قدر، آقای حاج آقا روح الله الخمینی، روحی فداه، پس از عرض سلام

1. شخصی برادر خود را وکیل می کند تا اموال منقول و غیر منقول را طبق صلح نامه ثبت کند و او به دلخواه خود آن را به نام عده ای که خارج از صلح نامه بوده اند ثبت می کند. آیا شخص وکیل نسبت به خارج از صلح نامه ضامن است یا نه؟

بسمه تعالی، اگر ثبت دادن موجب تضییع مال بر مالکش شده، ضامن است.

[سؤال 7862]

2. اشخاصی به زور، با این که در صلح نامه نبوده اند اموال را برده و اطفال صغار قدرت گرفتن مال خود را ندارند. آیا آن ها همگی مدیون صغار هستند یا نه؟

ص: 606

بسمه تعالی، مدیونند و اگر نزاعی هست باید به محاکم صالحه مراجعه شود.

3. شخصی قسمتی از اموال خود را به عنوان سهم امام رد می کند و گیرنده رسید نداده؛ آیا دوباره لازم است بدهد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر گیرنده وکیل یا مجاز از طرف مرجع تقلید دهنده وجه بوده، کفایت می کند.

[سؤال 7863] 4118

بسمه تعالی

احتراماً به عرض می رسانیم شخصی زمینی داشته و با وکالت نامه این زمین را به شخصی سپرده که بفروشد و این زمین از قرار هر متر مربع 250 الی 300 تومان به چهارده نفر متقاضی فروخته شد. اولین فروش در خرداد 1357 و آخرین فروش، فروردین 1358 بوده است. خریداران تقریباً نصف پول زمین را پرداخته و نصف بقیه را مدرک قانونی (چک و سفته) داده اند. فعلاً بقیه پول زمین را نمی پردازند و می گویند: زمین گران است؛ در حالی که بعضی از خریداران در زمین، خانه مسکونی ساخته اند. صاحب زمین به نماینده فروش فشار می آورد که بقیه پول زمین را مسئول هستی و باید پردازی.

یادآور می شویم که شغل صاحب زمین رباخواری بوده، و طبق وکالت نامه صاحب زمین وکالت تام الاختیار به نماینده فروش داده، اما بعد از فروش، همسر صاحب زمین می گوید: طبق سند 180 متر این زمین از من است. ضمناً در موقع فروش بعضی از اهالی نسبت به گرانی این زمین معترض بودند و می گفتند: این زمین در ده گران است.

1. آیا نماینده فروش مسئول وصول پرداخت پول به صاحب زمین می باشد؟

بسمه تعالی، اگر به مقتضای وکالت خود عمل کرده، ضامن نیست.

[سؤال 7864]

2. آیا نماینده فروش می تواند اقدام قانونی برای خریدار بنماید؟

بسمه تعالی، اگر از طرف مالک وکیل باشد، مانع ندارد.

ص: 607

[سؤال 7865]

3. آیا اعتراض خریداران وارد است و باید بقیه پول را نپردازند؟

بسمه تعالی، اگر زمین را در وقت فروش به قیمت عادلانه روز خریده اند، حق فسخ و اعتراض ندارند.

[سؤال 7866]

4. آیا صاحب زمین می تواند برای نماینده فروش که وکالت نامه داشته، اقدام کند؟

بسمه تعالی، در صورتی که وکیل خلاف مقتضای وکالت نکرده باشد، حق ندارد.

[سؤال 7867] 3311

4. وکیلی که به زور از مردم سهم امام علیه السلام را می گیرد با کمک ظالم. جایز است از

دست این وکیل شکایت کند به حکومت تا از این کار منصرف شود و با مردم عادلانه رفتار کند؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، به مجتهدشان اطلاع دهند و برای او ثابت کنند خیانت وکیل را تا او را عزل کند.

[سؤال 7868] 6236

2. وکیل مزبور در مسأله مذکور هرگاه کسی دیگر را وکیل و اجازت فرماید به اجرای صیغه طلاق در محضر عدلین و آن شخص ثالث مجاز صیغه طلاق را بخواند از طرف وکیل صحیح و درست می باشد یا خیر؟ جواب مرحمت فرمایید.

بسمه تعالی، در صورتی که وکالتش مطلق باشد مانع ندارد.

[سؤال 7869] 3508

2. اگر فتوا این باشد که شرط در ضمن عقد لازم است، آیا شرط در ضمن عقد جایز، الزام آور است؟ مثلاً در ضمن عقد وکالت عدم عزل وکیل یا لزوم عقد را

ص: 608

شرط کنند چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، شرط درضمن عقد جایز، مادام که عقد فسخ نشده لازم العمل است، ولی شرط عدم عزل وکیل یا لزوم عقد وکالت در ضمن آن نافذ نیست.

[سؤال 7870] 4119

بسمه تعالی 1362 / 1 / 30

محضر محترم حضرت امام خمینی مرجع عالی قدر

1. وکالت عقدی است جایز یا خیر؟ جمله (حق عزل وکیل را تا بیست سال دیگر از خود سلب نمود) بدون قید (در ضمن عقد خارج لازمی) عقد وکالت لازم می گردد یا نه؟

بسمه تعالی، قید مذکور اگر در عقد وکالت بیان شده اثر ندارد.

[سؤال 7871]

2. در صورتی که با التفات به جمله فوق عقد وکالت لازم گردد آیا موکل حق عزل وکیل یا انجام مورد وکالت را قبل از منقضی مهلت شخصاً دارد یا خیر؟ مستدعی است در این باره فتوای لازم صادر فرمایید.

بسمه تعالی، با قید مزبور در عقد وکالت، وکالت لازم نمی شود و موکل می تواند وکیل را عزل کند یا عمل مورد وکالت را خودش انجام دهد.

[سؤال 7872] 4120

بسمه تعالی 1361 / 10 / 4

محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

اگر کسی وکالت رسمی تام الاختیار جهت سرپرستی از اموالی را از یکی از خویشان خود قبول کرده باشد و قبل از آن که از وکالت عزل و یا وکالت نامه از اعتبار

ص: 609

ساقط گردد براساس اختیارات ناشی از وکالت نامه معاملاتی انجام داده باشد (مثلاً فروش اجناس و املاک) و پول حاصله طبق نظر موکل خرج کرده باشد و در این جریان بدون قصد و به خاطر عدم اطلاع وکیل از رموز کار و کسب، مبلغی از پول از دست رفته باشد وظیفه و مسئولیت وکیل در مقابل موکل و یا قائم مقام موکل چه خواهد بود؟

بسمه تعالی، اگر وکیل مالی را اتلاف نکرده و کوتاهی در عمل به وکالت ننموده ضامن نیست.

[سؤال 7873] 4121

بسمه تعالی 1361 / 3 / 17

محضر مبارك آيت الله العظمى امام خمينى مدّ ظلّه العالى

با تقدیم احترام؛ معروض می دارد: در صورتی که ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر، زوج، زوجه خود را وکیل در طلاق کند، این وکالت قابل عزل می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به نحو شرط نتیجه شرط شده که زن وکیل باشد این وکالت قابل عزل نیست.

ص: 610

كتاب اقرار

احكام اقرار

ص: 611

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی ایران، با نهایت احترام؛ به عرض عالی می‌رساند:

این جانب بیش از بیست سال است که کارم قالی شویی است. در این مدت هزاران فرد قالی بزرگ و کوچک از بازار و خانه های مردم تهران بدون داد و ستد رسید آورده اند و پس از شستن و خشک کردن برده اند و تحویل صاحبانشان داده اند و بنده اجرت خود را دریافت داشته ام. در حدود چهار ماه قبل شخصی تعداد هفت تکه قالی کوچک و بزرگ می آورد در محل کارخانه قالی شویی این جانب و اظهار می دارد که این هفت تکه قالی را یکی از تجار فرستاده که شما بشوید و خشک نمایید و بیاورید حجره و می گوید: کرایه باربری مرا بدهید. به ایشان گفته می شود که ایشان مشتری دائمی این کارخانه است و باربری از این کارخانه نمی گیرد و شما بروید باربری را از خودش بگیرید. این جانب مطابق گفتار خود آورنده قالی ها هفت تکه قالی را شست و شو کرده و بدون کم و زیاد برده ام و به تجارتخانه تحویل داده ام. يك هفته پس از تحویل هفت تکه قالی به تجارتخانه نامبرده، همان هفت تکه قالی مورد بحث، به اضافه چهار تکه دیگر از محل تجارتخانه به سرقت می رود. پس از این که آورنده

ص: 613

قالی ها آگاه می شود که هفت تکه قالی به سرقت رفته، به من مراجعه می نماید و اظهار می دارد که قالی ها مربوط به خود من بوده و ادعای آن ها را از بنده می نماید. آیا ایشان می تواند چنین ادعایی داشته باشد؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور آورنده به مقتضای اقرار قبلی، حق مطالبه از کارگاه را ندارد و چنانچه نزاعی در بین است باید در محکمه شرعی حل و فصل شود.

[سؤال 7875] 5505

3. آیا کتک زدن به فردی که به حمل مواد مخدر مشهور است، برای اقرار گرفتن از او، تا موادش را تحویل بدهد، جایز است؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است و طبق مقررات شرعی باید عمل شود.

[سؤال 7876] 4123

بسمه تعالی 1361 / 4 / 4

محضر مبارك حضرت امام خمینی

اگر در هنگام اجرای عقد، به قصد محرم شدن، ایجاب را زن به قصد محرم شدن (بنا به اعتراف خودش)، و قبول را مرد، بخواند و هر دو با قرائت صحیح صیغه عقد دائم را با مهریه معین از روی رساله حضرت امام خمینی بخوانند و سپس با هم روابط زناشویی و آمیزش جنسی برقرار نمایند و بعد از چندین ماه، زن تقاضای طلاق نماید و به هنگام تقاضای طلاق، زن اعتراف نماید که عقد را به قصد محرم شدن به زوج جاری نموده و به عقد دائم شرعی با مهریه معین با هم زن و شوهر شده اند و از آن جا که مرد حاضر به طلاق نمی شود، زن بعد از آن که مطمئن می شود که مرد او را طلاق نمی دهد، اول حاضر بشود که با زوج به زندگی ادامه دهد، ولی بعد از مدتی دوباره (حدود یک ماه دیگر) اظهار بدارد که وی - یعنی زن - به هنگام جاری نمودن عقد، قصد انشا و معنای کلمات را نمی دانسته و به همین بهانه تقاضای ابطال عقد را بنماید و

ص: 614

این راه را وسیله برای جدایی از زوج قرار دهد، آیا این ادعای زوجه (زن) همچون عمل يك زن نیست که بعد از «بله» بگوید «نه» و آن وقت تقاضای ابطال عقد نماید؟ حکم شرع اسلام و فتوای حضرت امام خمینی در این مورد چیست؟ آیا می شود عقد مذکور را باطل اعلام نمود؟ و آیا عقد به قوت اولیه خود باقی است و عقد صحیح است؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال عقد محکوم به صحت است و اگر نزاعی در بین است به محاکم صالحه مراجعه شود.

[سؤال 7877] 4124

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ استدعا می شود به مسأله ذیل جواب عنایت فرمایید:

بچه ای را سر راه می گذارند و خانواده ای او را برداشته و چند سال او را نگهداری می کند. زن و مردی آمده و می گویند این فرزند مربوط به ما بوده و اقرار به فرزندگی او را می کنند و می خواهند او را بگیرند. ذوالید می گوید بچه مربوط به شما نیست. آیا بدون بیّنه می شود بچه را گرفت و به این زن و مرد داد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر بچه در فرض مرقوم صغیر غیر بالغ باشد، با اقرار جدی و صریح زن و مرد نسب ثابت می شود و نیاز به بیّنه ندارد، ولی اگر بچه در زمان اقرار زن و مرد کبیر بالغ باشد، ثبوت نسب به اقرار زن و مرد، منوط به این است که مقرّ له آن ها را تصدیق نماید.

[سؤال 7878] 4125

بسمه تعالی 1361 / 10 / 21

محضر مبارك امام امت، خمینی بت شکن، امید مستضعفان جهان، از محضر شریف، استعلام می شود که فتوای شرعی را در مورد این مسأله اعلام فرمایند، تا عمل شود:

ص: 615

شخصی، در حال حیات خود و در کمال صحت و سلامت، با دست خط و امضای مسلّم خودش، اقرار و اعتراف کرده است که سرقتی مغازه ای که در آن ساکن و مشغول کار است، متعلق به یکی از فرزندان خود می باشد؛ آیا این اقرار و اعتراف، شرعاً نافذ و معتبر است یا خیر؟ و آیا سایر وراثت، با وجود اقرار و اعتراف صریح مزبور، می توانند نسبت به مقرّبه، ادعای حقیّی بکنند یا خیر؟ ادام الله بقائکم

بسمه تعالی، مجرد دستخط، کافی نیست، مگر این که موجب اطمینان شود.

ص: 616

كتاب هبه

احكام هبه

ص: 617

مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی

احتراماً خانه هایی پس از زلزله سال 1347 توسط کمیته خیریه صاحبان صنایع و بازرگانان تهران برای زلزله زدگان روستاهای بخش قاینات خراسان روی زمین های خود مردم ساخته شده و به مردم اهدا گردیده است. ضمناً پس از اهدا، مردم هزینه هایی را از قبیل دیوار کشی و ساختن آلونک های ضروری در جوار آن ها متحمل شده اند. مرقوم فرماید آیا مردم مالک این خانه ها هستند یا فقط حق انتفاع از آن را دارند و خرید و فروش خانه ها چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، اگر خانه را به شخص بخشیده اند، ملک او می شود.

9. رسم است در عروسی ها برای داماد چشم روشنی و هدیه می برند و یا مثلاً مبلغی پول می دهند، ولی خوب که دقت شده احسان کننده متقابلاً منتظر است در اوقات مناسبه طرف به او برگرداند، آیا این ها هم جزء بدهکاری هایی است که باید وصیت به ادای آن کرد یا خیر؟ و هکذا هدایایی که جهت ساختمان جدید می آورند.

بسمه تعالی، جزء بدهی محسوب نیست.

2. بین برادر و خواهری سالیان درازی ارث پدری تقسیم نشده است تا این که این برادر و خواهر هر دو فوت می نمایند، اگر بعضی از بازماندگان آنان با صلح و سازش و اعلام رضایت، سهمیه ارثیه خود را به دیگری ببخشند آیا این توافق از نظر شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

2. اگر در کودکی، یکی از اقوام به بچه ای نابالغ جواهری را اهدا کرده باشد و حالا کودک، بالغ شده، این جواهر مال فرد بالغ است و فرد، حق انفاق آن را دارد یا نه؟ (البته این در صورتی است که پدر و مادر فرد، از این مسأله ناراضی هستند و انفاق هم در مورد مسأله جنگ و دولت است).

بسمه تعالی، اگر به خود کودک اهدا شده و ولی شرعی او قبول کرده ملک کودک است و بعد از بلوغ اختیار تصرف با خود او است.

3. اگر در وصیت نامه ام که تنها خودم امضا نموده ام چیزی - مثلاً دو دانگ خانه ای که دارم - به مادرم بخواهم ببخشم، از نظر قانونی و شرعی آیا قابل اجرا خواهد بود و یا خیر راه دیگر دارد؟ و آن راه چگونه است؟

بسمه تعالی، بخشش نسبت به بعد از مردن صحیح نیست و می توانید در حیات خود به او ببخشید و تحویل او دهید.

بسمه تعالی 1361 / 11 / 18

محضر محترم حضرت امام خمینی، امید مستضعفان جهان دامت برکاته

احتراماً به اطلاع می رساند آیا شخص می تواند مال تصرفی یا اشیای تصرفی خود

را من جمله تلفن که مورد مسأله است به برادر خود یا هر کس دیگر که بخواهد ببخشد یا نه؟ اگر می تواند ببخشد مرقوم فرماید و اگر نمی تواند نیز مرقوم فرماید. والسلام

بسمه تعالی، اختیار اموال شخصی با مالك است و در مثل تلفن مراعات مقررات دولت اسلامی نیز لازم است.

[سؤال 7885] 4128

بسمه تعالی 1361 / 11 / 25

دفتر امام امت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی حفظه الله تعالی

تمنا دارد به دو سؤال زیر پاسخ فرماید:

1. ما جمعاً هفت نفر هستیم (چهار خواهر و دو برادر و يك مادر) پدری داشتم که به رحمت خدا رفت و خانه و سرقفلی يك باب مغازه برای ما به ارث گذاشته که تکلیف خانه و بقیه ما ترك روشن است، ولی سرقفلی مغازه را در موقع حیاتشان به این جانب شفهاً بخشیده و این موضوع را با سایر وراث نیز در میان گذاردند، اما این جانب در جوابشان همان موقع گفتم شما خودتان می توانید آن را بفروشید و با پول آن به زیارت اماکن مقدسه و حتی به حج مشرف شوید ولی این کار را نکردند و پس از مدتی فوت کردند.

آیا این ملك (سرقفلی مغازه) به این جانب تعلق دارد؟ یا این که بین وراث باید تقسیم شود؟ اگر به این جانب متعلق است ثلث دارد یا نه؟ همچنین پدرمان هم وصی تعیین نموده و هم ناظر وصی، آیا هر يك از وراث می توانند خودشان به تنهایی ثلث متعلق به خودشان را خرج کنند؟ یا باید در اختیار وصی بگذارند که وصی خرج کند؟

بسمه تعالی، سرقفلی از حقوق است و قابل هبه نیست، بنابراین در فرض مرقوم جزو ترکه محسوب است و به تمام ورثه می رسد و ثلث مورد وصیت باید زیر نظر وصی میت و ناظر، به مصرف تعیین شده برسد.

ص: 621

2. عده ای از برادران و خواهران متعهد همکار، محل کارشان در تهران ولی محل اقامتشان در خانه های سازمانی بالای شهرستان کرج می باشد که فقط جمعه ها در کرج هستند و یا عده ای از برادران و خواهران محل کارشان در کرج و محل سکونتشان در تهران می باشد، سؤال این است که نماز و روزه آن ها چگونه باید انجام شود؟

بسمه تعالی، در غیر وطن حکم مسافر دارند.

[سؤال 7886] 4129

بسمه تعالی

اگر کسی چیزی را به شخصی هبه داده ولی هنوز به او تحویل نداده است و موهوب له از اقبای واهب هم نیست، واهب هم در مقابل هبه چیزی از موهوب له نگرفته است آیا فسخ این هبه و ندادن موهوب به موهوب له درست است؟

بسمه تعالی، اگر مال موهوب را هنوز به موهوب له تسلیم نکرده هبه تمام نشده و می تواند منصرف شود.

[سؤال 7887] 4130

بسمه تعالی

پدري بدون اطلاع دخترش منزل مسكونی را كه جزئی از دارایی اش بوده جهت تأمین آینده دو فرزند صغیر آن دختر به او بخشیده (طبق دستخط) و بعد از ترك آن منزل به دختر و صغارش و همسر تازه اش گفته است این منزل خودتان است از آن استفاده كنید، اما بالصراحه نگفته كه آن را به تو بخشیده ام. اکنون كه دستخط پدر را دختر پیدا کرده می گوید منزل شرعاً مال من و بچه هایم است، اما همسرش سؤال دارد كه چون در لحظه بخشش خود دختر حاضر نبوده و حالا كه مطلع شده آن را قبول کرده می تواند در منزل دخل و تصرف كند؟ صغار سهمی دارند؟ چگونه؟

بسمه تعالی، اگر دختر در حال حیات پدر متوجه بخشش شده و به حساب قبول بخشش و هبه ملك را تصرف نموده بخشش نافذ و خانه ملك دختر است.

ص: 622

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه الوارف

1. زید جهت معالجه در بیمارستان بود و در همان بیمارستان در مرض الموت تمامی املاک خود را به زوجه اش هبه نمود و هبه نامه هم تحریر نمود و کاتب و گواهان از زید پرسیدند که با قبض و اقباض چه می کنی جواباً اظهار نمود قبضه در دست خودش است و مقصد در این بود که چون زوجه او است و در خانه خودش سکونت دارد به همان قبض است و در بیمارستان رحلت نمود و زید مالک اراضی و املاک بوده است، اما قبض و اقباض عملاً انجام نگردیده است، آیا به این گفته زید که قبض به دست او است، قبض ثابت و هبه صحیح است یا نه؟

بسمه تعالی، اموال اگر در تصرف زوجه بوده هبه صحیح است.

[سؤال 7889]

2. در فرض مذکور آیا گفته زید به این که قبض به دست او است اقرار می شود و هبه صحیح می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، اقرار واهب به تنهایی کافی نیست و اگر اموال در وقت هبه در تصرف موهوب لها بود هبه صحیح است.

[سؤال 7890]

3. نیز در فرض مذکور در بلد ما آذوقه سالیانه در خانه جمع می باشد و کلید آن خانه به دست زوجه می باشد اگر بالنسبه به اراضی و املاک دیگر قبض ثابت نشود آن خانه که آذوقه در آن است و کلید در دست زوجه است و در عرف او قبض می باشد قبض ثابت و هبه نسبت به این ثابت و صحیح است یا نه؟ بیان بفرمایید.

بسمه تعالی، نسبت به تمام اموال موهوبه در هر مقدار که عرفاً صدق کند هنگام هبه تحت قبض و تصرف و استیلا موهوب لها بوده هبه در آن صحیح است.

ص: 623

دفتر مبارك حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با عرض سلام و درود بی پایان خدمت حضرت امام خمینی، زعیم عالی قدر و امام امت اسلام، به استحضار می رساند که در مورد مسأله خمس، درباره آنچه از پدر مرحوممان به ما رسیده است چند سؤال برای ما مطرح شده است که امیدواریم با دادن جواب های لازم و کافی ما را از سردرگمی خارج فرموده و راهنمایی فرمایید.

پدرمان در حدود هفت سال پیش در يك حادثه رانندگی درگذشت و ما آنچه ایشان به عنوان خمس بدهکار بود و طبق گفته بعضی نزدیکان، مدتی قبل از فوت اظهار داشته بود، پرداختیم.

پدرمان در زمان حیات، يك قطعه زمین به نام ما دوتن پسران بزرگ تر خود خرید و قصد ساختن آن را داشت که فرصت نیافت. ما این زمین را با مقداری سود، نسبت به قیمت خرید توسط پدرمان، فروختیم و پول آن را به انضمام پول حاصله از فروش با ضرر قسمت دیگری از ماترک، به علاوه پول دیگری که از فروش قسمتی از زمین هایی که قبلاً مزروعی بوده و در چند سال اخیر در محدوده شهر قرار گرفته، برای خرید قطعه ای زمین به منظور ساختن خانه ای دیگر، پرداخت کردیم و مقداری پول نیز برای ما باقیمانده که برای ساختن خانه کافی نبود و هنوز هم موفق به ساختن خانه نشده ایم (لازم به تذکر است که خانه ای برای سکونت داریم و ساختن خانه دیگر به این منظور بوده که برای حالا که دیگر این خانه برای زندگی ما شش نفر به علاوه مادرمان کافی نیست، خانه ای داشته باشیم) و در آن زمان نیز چون منبع درآمد دیگری نداشتیم اگر خانه می ساختیم، می توانستیم به اجاره بدهیم.

لازم به تذکر است که این پول، به علاوه قسمتی از پولی که صرف خرید زمین فوق الذکر گردید، مدتی و قسمتی بیش از يك سال در بانك باقیمانده است. و نیز لازم به

تذکر است که در زمان فوت پدرم، چهار تن از شش تن فرزندان ایشان صغیر بوده اند و اکنون هر شش نفرمان کبیر هستیم و در ضمن، هیچ کدام ازدواج نکرده ایم و منبع درآمدی نداریم و در حال تحصیل یا عازم خدمت سربازی هستیم.

حال با توجه به نکات فوق، تقاضا داریم به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

1. زمینی که به نام دو پسر بزرگ تر (یکی کبیر و یکی صغیر در زمان خرید زمین و در زمان فوت پدرم) خریداری شده است، آیا متعلق به ما دو نفر است یا متعلق به همه وراثت؟ و در هر حال، آیا به سود حاصل از فروش آن خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ (با توجه به صغیر و کبیر بودن وراثت و با توجه به ضررهایی که از جهات دیگر بر ما وارد شد) و در ضمن، اگر خمس تعلق می گیرد، آن را چگونه باید محاسبه کرد؟

بسمه تعالی، اگر واقعاً پدر شما قطعه زمین اول را که به نام شما خریده، به شما دو نفر تملیک و واگذار کرده، پول فروش آن و سود حاصل، ملك شما دو نفر است و دیگر وراثت حقی در آن ندارند.

2. به زمین های سابقاً مزروعی (پدرم در آن ها کشت می کرده) در حومه شهر، که به قصد خرید زمین و ساختن خانه فروخته ایم و پولش را هم مدتی (قسمتی بیش از يك سال) در بانک نگه داشته ایم، آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ و اگر خمس تعلق می گیرد، بر چه مبنایی محاسبه می شود؟

بسمه تعالی، ارث و پول فروش آن خمس ندارد.

[سؤال 7892] 4133

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

شهادی وصیت کرده که کلیه اموال اعم از منقول و غیر منقول من را به مادرم بخشیدم، در مقابل تعهد اخلاقی و ایمانی طرفین در حضور گواهان ذیل به این که بعد از بازگشت این جانب از جبهه دوباره به خود این جانب برگشت دهد و در صورتی که به مقام شهادت نائل گردیدم تمام دیون فوق الذکر بنده را پرداخت نماید و بقیه مانده از اموال این جانب را به نیابت از طرف بنده وقف مدرسه علمیه و احداث بنای آن بنماید

ص: 625

که تولیت آن با پدر گرامی ام باشد و در صورتی که مادرم قبل از انجام مراتب متن فوت نمود، کلیه متن این وصیت نامه با همین شرایط به والد گرامی ام واگذار می شود.

1. آیا وصیت آن مرحوم در مورد کلیه اموال منقول و غیر منقول نافذ و معتبر است یا خیر؟

2. آیا همسر شهید از این مال ارث می برد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر اموالی را که به مادر بخشیده تحویل او هم داده است بخشش نافذ است و مادر باید به شرایط مزبوره عمل کند و اگر تحویل او نداده، بخشش صحیح نیست و پس از اخراج دیون بقیه به همه ورثه از جمله همسر می رسد، ولی زن از زمین ارث نمی برد و از بنا و اشجار از قیمت آن ارث می برد.

[سؤال 7893] 4134

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی بخش مسائل شرعی

جناب فضائل مآب نماینده محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی، چه می فرمایید در حلّ مسأله سه نفر برادر پدر و مادری که پس از فوت پدر بنای جدایی گذاشته اند، اموال موروثی پدر را بین سه برادر تقسیم کردند بعد برادر بزرگ فوت و در گذشته و پس از آن دو برادری که باقیمانده اند یکی از این ها عقیم بوده و اولاد هم نداشته، مرد مزبور با يك زن بیوه عقد کرده که يك پسر بچه از شوهر قبلی در نزد زن بوده و به خانه اش آورده و پیش از مرگ در محضر يك عالم شرع تمام اموال و دارایی خود را به این زن و پسرش منتقل کرده است و هیچ دیناری از اموالش به برادر زنده دیگر را نداده و نمی دهند، در این صورت آیا حق وراثت از برادر زنده سلب می شود یا نه؟ خواهشمندم جواب کتبی لطف بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر تمام اموالش را به زن و بچه او تملیک کرده و تحویل آن ها داده است برادر ارث نمی برد.

ص: 626

5. در هبه ذی رحم یا غیر ذی رحم موهوب له بعض مال را قبض کرد مثل نصف یا ثلث یا کمتر از آن حتی يك اتاق خانه را، آیا واهب، آن مال قبض نشده را رجوع کردن می تواند یا نه؟ جواب فرمایید.

بسمه تعالی، در غیر مقبوض هبه تمام نشده و می تواند تحویل ندهد.

بسمه تعالی 11 / 10 / 1360

حضور محترم و محضر انور حضرت امام خمینی، مرجع تقلید عالی قدر و رهبر انقلاب اسلامی ایران، با آرزوی طول عمر و سلامت دائم آن رهبر عزیز، به عرض می رسد:

بانویی است 85 ساله و فاقد اولاد، که از يك سال قبل - به علت عارضه استخوانی - قادر به حرکت نیست، ولی از سلامت کامل عقلی برخوردار می باشد، و سلامت کامل عقلی او، مورد تأیید پزشکی قانونی هم قرار گرفته است. این بانو، دختر یکی از دوستان شوهر متوفایش را به دخترخواندگی پذیرفته، و 37 سال است با همدیگر زندگی می کنند. شوهر و فرزندان دخترخوانده نیز از چهارده سال قبل که ازدواج نموده اند، با آن ها زندگی می کنند. دخترخوانده مذکور و فرزندان خردسال او، مورد علاقه و محبت شدید بانوی نامبرده قرار دارند. این بانو، قسمتی از اموال منقول و غیر منقول خود و از جمله خانه مسکونی فعلی و وسایل موجود در آن را هفده سال قبل به دخترخوانده، و قسمتی را اخیراً به فرزندانش بخشیده، و قسمتی به نام خود او باقی است. نزدیک ترین منسوبین نسبی بانوی نامبرده - که در صورت فوت، وارث او خواهند بود - سه نفر عموزاده و سه نفر عمه زاده می باشند، که رفت و آمدی با او ندارند و رابطه آن ها با هم صمیمانه نیست، و بانوی مذکور چیزی به آن ها نداده، و فقط يك خانه بزرگ را برای امور درمانی و بیماری آن ها، وقف خاص نموده است. چند

نفر از وراث بانوی نامبرده، وضع مالی رضایت بخشی ندارند و خانواده دخترخوانده، مقداری از اموالی را که بانوی نامبرده به آن ها بخشیده بود، مجاناً به وراثی که وضع مادی مطلوبی نداشتند، واگذار نمودند. ولی آن ها بعداً شرایط بسیار شاق و دشواری پیشنهاد نمودند و اکنون از بانوی نامبرده و خانواده دخترخوانده، اعلام شکایت نموده اند. از حضور آن مرجع عالی قدر در موارد ذیل، نظریه مبارک استفتا می گردد:

1. آیا این بانو - که سلامت عقلی اش، چندبار مورد تأیید پزشکی قانونی قرار گرفته - می توانسته اموال خود را بدون رضایت وراث، به افراد مورد علاقه و محبتش انتقال داده و ببخشد، یا این کار خلاف شرع بوده است؟

2. آیا برای این بانو، در خصوص تصرف در اموالش، محدودیتی وجود دارد؟

3. وراث نامبرده نسبت به بانوی مذکور و اموال او، در حال حاضر که در قید حیات می باشد، چه حقوق و اختیاراتی دارند؟

والسلام، به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی

بسمه تعالی، آنچه به فرزندخوانده و فرزندان او بخشیده، اگر تحویل آن ها داده، ملک آن ها است وگرنه باقی بر ملک خود او است و آنچه را وقف کرده، اگر به جهت وقف تحویل داده، نافذ است.

[سؤال 7896] 4136

بسمه تعالی 1363 / 1 / 28

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

در مسأله شرعیه ای که به عرض می رسد، دو نفر که مالک ملکی هستند، به موجب نوشته، متعهد شده اند که بعد از خاتمه عملیات و اخذ ورقه مالکیت، مقدار شش من محلی به مساحت 942 متر مربع، به دو نفر به عنوان پیشکش واگذار نمایند. آیا این نوشته - به کیفیتی که بیان شد - نوعاً هبه می باشد یا خیر؟

در ثانی، در حالی که مال موهوبه به قبض و تصرف متهب داده نشده و در ید

ص: 628

تصرف واهب است، آیا متَّهب می تواند واهب را به دادن سند زمین مورد بحث، اجبار و الزام نماید؟

بسمه تعالی، مجرد نوشته و تعهد، هبه نیست و هبه، قبل از قبض تمام نمی شود و متَّهب نمی تواند واهب را الزام به قبض و دادن سند نماید.

[سؤال 7897] 4137

بسمه تعالی 1362 / 2 / 25

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب، حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام ظلّه العالى، با سلام

زیدى که فرزند بزرگ خانواده خود هست، بعد از بلوغ شرعى از پول زحمت کشیده خود، زمینی را خریده است. بعد از خرید، پدر خریدار از او تقاضا نموده که دو برادر کوچک خود را بدون پرداخت وجه، در این زمین شرکت دهد. خریدار به عنوان این که دل پدر به دست آید و ناراحت نشود قول داده است که به گفته پدر خود عمل نماید، اما صرف قولی بیشتر نبوده و در واقع، قصد شرکت آن ها را نداشته و زمین در اختیار و تصرف خود خریدار باقیمانده و تقسیم و تحویل و تحول بین آن ها به عمل نیامده است. بعد از فوت پدر، برادران خواهان تقسیم زمین شده اند. آیا این دو برادر چنین حقی دارند یا خیر؟ حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر فقط قول داده، و بخشش و تحویل حاصل نشده، برادران حق مطالبه ندارند.

[سؤال 7898] 4138

بسمه تعالی

محضر مبارك آيت الله العظمى السيد روح الله الموسوى الخمينى، دامت برکاته، لطفاً به دو سؤال ذیل پاسخ دهید.

1. شخصی به دیگری هبه معاوضه داده، به شرطی که واهب تا زنده است بتواند از

ص: 629

موهوب به استفاده و صرف نماید یا برای معیشت و اهب مقدار معینی به او بدهد. در حضور شاهدین، هبه نامه و شرط نامه نوشته شد.

اکنون شهود هبه نامه و شرط نامه را اقرار می کنند، ولی آن ها کلامی خلاف مضمون شرط نامه اضافه می کنند. در این صورت، آیا شرط نامه حجت است یا قول شهود؟

بسمه تعالی، اگر شهود واجد شرایط هستند، شهادتشان معتبر است. ولی نزاع، باید در محکمه شرعیه مطرح و حل و فصل شود.

[سؤال 7899]

2. زید در مرض موت مایملک خود را به برادرش هبه نمود. آیا با توجه به این که زید دختری هم دارد، این هبه صحیح است؟

بسمه تعالی، اگر به قبض موهوب له داده باشد، صحیح است.

[سؤال 7900] 4139

بسمه تعالی 1361 / 3 / 11

علمای امامیه! فقهای اثنا عشریه! چه می فرمایید در این مسأله شرعیه:

پدری در حال حیات چهار فرزند داشته و هر چه مال و اموال داشته، در بین این چهار فرزند تقسیم نموده و مال فرزند بزرگش را از خانه و از املاک جدا کرده است. به سه فرزند کوچکش که صغیر بودند يك قطعه زمین بزرگ داده است. اولاد بزرگ، چند سال دیگر در حضور چند نفر آن تقسیم نامه پدرش را پاره پاره کرد و اکنون فرزند بزرگ به فرزندان کوچک شرارت می نماید و آن ها را بی جهت به دادگاه می کشد و بقیه املاک را مطالبه می نماید. تقاضا می نمایم درباره این مسأله يك جواب امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر در زمان حیات اموال را تحویل پسران نداده، تمام آن اموال ارث می شود و به همه ورثه به نسبت ارث می رسد و مجرد تقسیم نامه اثر ندارد، بلی آنچه را به فرزندان صغیر داده اگر به آن ها بخشیده و در تصرف خود او بوده ملك آن ها شده است و از ترکه نیست.

ص: 630

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر عزیز انقلاب اسلامی ایران، پس از تقدیم عرض سلام و آرزوی طول عمر برای رهبر عزیزمان، استدعا دارد این جانب را در مشکلی که دارم راهنمایی فرمایند:

این جانب آپارتمانی را چندین سال پیش از شخصی متمکن اجاره نمودم و حدود 7 - 8 سالی هم در آن آپارتمان ساکن بودم و در طول این مدت مال الاجاره خود را نیز به موقع طبق قرارداد تنظیمی پرداخت نمودم. مدتی بود که مالک بنده را تحت فشار می گذاشت که منزلش را تخلیه نمایم. بنده هم این کار را تقبل نمودم و مدت ها دنبال محل سکونتی می گشتم. تا این که بالاخره موفق شدم محلی را پیدا کنم، ولی مالک این محل جدید مبلغ 200/000 ریال وجه نقد، علاوه بر اجاره بها از این جانب می خواست که مراتب را با مالک قبلی در میان گذاشتم و ایشان تقبل نمود، مبلغ 200/000 ریال به بنده پردازد و بنده منزل را تخلیه نمایم. این جانب پذیرفتم و ایشان چکی به مبلغ 200/000 ریال به بنده دادند که پس از تخلیه دریافت نمایم. این جانب هم از این طرف و آن طرف این مبلغ را قرض نموده و محل جدید را اجاره کردم، ولی متأسفانه وقتی سر موعد چک، به بانک مراجعه کردم ایشان به بانک سپرده بود که وجه چک را به من پرداخت نکنند. با وجودی که چندین دفعه هم به ایشان مراجعه نمودم از پرداخت وجه چک به این جانب خودداری نمودند. آیا این مبلغ که ایشان خود پرداخت آن را پیشنهاد نمودند و بعداً نپرداختند، از نظر شرعی حق این جانب هست یا نه. بنده تا کنون

با وجودی که چک برگشتی در اختیارم هست هیچ اقدامی ننموده ام. استدعا دارد بفرمایید چه کنم؟ اولاً: این مبلغ حق شرعی این جانب هست یا نه؟ و ثانیاً: اگر هست چه کار باید انجام دهم؟

بسمه تعالی، چنانچه مبلغ مذکور را به طور مجانی، بدون حقی از جانب شما می خواستند به شما بدهند و بعد تصرف کرده اند، شما حقی ندارید.

حضور مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، مدّ ظلّه العالی، با آرزوی طول عمر با عزّت.

این جانب مدت يك ماه به امر امام در عملیات بیت المقدّس بودم؛ در يك حمام عمومی، ساعت خود را گم کردم؛ و در يك تخلیه اسرا که به آن ها با هندوانه و آب خنک خدمت نمودیم، دو ساعت برای خودم و يك انگشتری طلا برای همسرم دادند؛ لطفاً بفرمایید: آیا باید عین اشیا را تحویل بدهم و به کجا، یا این که می توانم معادل آن ها پول به حساب دولت واریز کنم؟ راهنمایی کامل بفرمایید. والسلام

بسمه تعالی، اگر با رضایت صاحبانش به شما داده شده، از خود شما است؛ و در غیر این صورت، به مسئولین مربوطه مراجعه کنید.

بسمه تعالی

اگر پدر حسابی برای فرزند صغیر خود در بانک باز کند و از خودش به نام آن فرزند پول به حساب بریزد و اگر دیگری هم خواست چیزی به این فرزند بدهد، پدر می گوید به آن حساب فرزند در بانک بریزد، در این صورت آن فرزند صغیر مالک آن پول ها می شود؟ و با این که پدر توجه به این مسأله که - در هبه، قبض لازم است و قبض آن فرزند لاقبض است - نداشته که خودش از طرف آن فرزند قبض کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با فرض این که با اجازه پدر به حساب طفل ریخته شده قبض محسوب است و چنانچه به طفل تملیک شده، طفل مالک آن می شود؛ ولی چنانچه قصد تملیک به طفل در کار نبوده و فقط به حساب ریخته شده، طفل مالک نیست.

بسمه تعالی

زنی هستم 31 ساله که شوهرم چند سال است فوت نموده و دارای دو فرزند پسر می باشم؛ یکی 11 ساله و یکی 9 ساله. با شوهرم در زمان حیات او در خرم آباد زندگی می کردیم؛ بعد از فوت شوهرم بنا به وصایای او فعلاً ساکن تویسرکان، خانه پدرم هستم و نیز پدر و مادرم تمکن مالی ندارند، مسائلی برایم در پیش است که ذیلاً به عرض می رسانم:

1. در حدود شش یا هفت سال پیش، پدر و مادرم که می خواستند خانه شان را تعمیر و نوسازی کنند، چون بضاعت مالی نداشتند مبلغی برادرم و مبلغی خواهر دیگرم کمک نمودند و مبلغ 000/25 تومان هم شوهر من که در قید حیات بود به پدر و مادرم برای نوسازی خانه کمک نمود و قرار شد که به نسبت همین وجه، از همین خانه، من که عیالش بودم شریک شوم و نیز برادر و خواهرم هم به نسبت پولی که دادند شریک باشند و غیر از خدا و برادر و خواهرم و پدر و مادرم کسی از این موضوع اطلاعی ندارد. بعداً که شوهرم مرحوم شد خانواده اش از چک های بانکی اطلاع پیدا کردند و به برادرم گفتند بایستی بیست و پنج هزار تومان را بدهی؛ البته به حساب صغار، نه جهت خودشان و چون آن مرحوم در این مورد چیزی به خانواده خودش نگفته بود، فعلاً برادرم مبلغ سیزده هزار تومان پول را به خانواده شوهرم داده و مبلغ دوازده هزار تومان بقیه را هنوز نپرداخته است.

اینک این سؤال پیش می آید که آیا این مبلغ که شوهرم با شهادت برادر و خواهرم به من بخشیده است، متعلق به این جانبه است یا خیر، مربوط به وراثت است؟

ثانیاً، اگر متعلق به خودم می باشد آیا مالک آن هستم و می توانم خودم تصرف نموده و خرج نمایم یا خیر؟

ثالثاً، نیز اگر مالک پول، این جانبه ام نسبت به مبلغ سیزده هزار تومانی که خانواده

شوهرم از برادرم به حساب صغار گرفته اند، می توانم تدریجاً از اموال صغار جهت خودم ضبط نمایم یا خیر؟

رابعاً، این پول که در ساخت خانه پدرم به کار رفته است، من یا صغار فقط مالک مبلغ پول هستیم یا این که از خانه سهم داریم؟ و نیز اگر خودم مالک پول هستم آیا خمس دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر شوهر شما وجه مذکور را به شما بخشیده و صاحب خانه در مقابل وجه، سهمی از خانه را به شما داده، شما مالک همان سهم از خانه هستید و اگر وعده دادن سهمی از خانه در مقابل پول بوده، شما مالک وجه هستید، نه سهمی از خانه، و خمس ندارد و چنانچه شوهر وجه را به شما بخشیده، جزء ترکه باید بین وراثت تقسیم شود.

2. يك دستگاه ماشین بافتنی از پول صغار تهیه نموده ام و با او جهت کمک هزینه کار می کنم، آیا کلیه دستمزد کارکردم متعلق به بچه های صغیر است یا خودم نیز می توانم مبلغی جهت خودم بردارم؟ ضمناً به عرض می رسانم خودم قیّم بچه ها هستم.

3. من و بچه هایم هم اکنون در خانه پدرم زندگی می کنیم و پدر و مادرم تمکن مالی یا درآمد کافی ندارند و ما هم کرایه خانه نمی دهیم، فقط پول آب و برق را مشترکاً پرداخت می نمایم؛ آیا اگر پدر و مادرم از یخچال و ماشین لباسشویی و سایر لوازم زندگی ما استفاده نمایند، جایز است یا جایز نمی باشد، با این حساب که اگر ما بخواهیم در جای دیگر زندگی کنیم، مبالغ زیادی فقط باید کرایه خانه بدهیم، لکن پدر و مادرم از ما کرایه نمی گیرند؟

4. همان طوری که عرض کردم بنده با ماشین بافتنی کار می کنم که ماشین متعلق به بچه ها است، آیا اگر کسی وارد خانه ما بشود یا مشتری بافتنی باشد یا میهمان بنده، می توانم از او پذیرایی کنم؛ از چای و میوه و غیره؟ و نیز میهمان می تواند روی فرش بچه ها نماز بخواند یا خیر؟

بسمه تعالی، 2 و 3 و 4، تصرف در اموال صغار باید با اذن قیّم شرعی و رعایت مصلحت آن ها باشد و دستمزد کار بافندگی مال خود شما است، ولی باید اجرت ماشین را با رعایت مصلحت صغار برای آن ها منظور دارید.

5. درآمد بچه های صغیر من ماهانه مبلغ دو هزار و پانصد تومان اجاره خانه پدری آن ها که در خرم آباد است، می باشد که عموهایش مال الاجاره را دریافت می نمایند و مبلغ دو هزار تومان آن را جهت

مخارج ما می فرستند و باقیمانده که ماهانه مبلغ پانصد تومان است، در بانک به حساب بچه ها پس انداز می نمایند و همان طور که عرض کردم، خودم نیز کار می کنم؛ آیا مازاد بر مخارج سهم بچه ها مشمول بدهی خمس می شود یا خیر؟ و وجوهی که در بانک پس انداز می شود، خمسش را باید بدهیم یا خیر؟ و چنانچه خمس دارد، نحوه پرداخت را معلوم فرمایید.

بسمه تعالی، احوط آن است که صغار بعد از بلوغ، خمس اضافه در آمد خود را بدهند.

6. گاهی اوقات اجباراً پیش می آید که کادویی به جایی ببریم، آیا می توانم از پول بچه ها ببرم یا خیر؟

7. اگر دیگری بخواهد از وسایل لباسشویی ما استفاده نماید و اجرت بدهد، آیا اجازه هست یا اصلاً به مال صغیر نمی شود مداخله نمود؟

بسمه تعالی، سؤال 6 و 7، با فرض مصلحت برای صغار و اذن قیّم شرعی مانع ندارد.

والسلام، به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی

[سؤال 7905] 4144

بسمه تعالی 1361 / 9 / 2

حضور محترم رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

پس از تقدیم عرض سلام به محضر عالی عرض می شود: زوجه که زندگی او با شوهرش حرجی است، دادگاه از روی مدارك و شواهد، حرجی بودن را تشخیص داده است. بعد از طلاق به حکم دادگاه، آیا زن حق گرفتن مقدار مهریه که بر ذمه زوج باقی است را دارد یا نه؟ و آیا اسباب و اشیای جهازیه که به خانه شوهر برده، که بعضی آن ها را هم شوهر در وقت عقد خریده یا عیدی آورده و همه را به صورت جهازیه به خانه شوهر برده، حق دارد از شوهرش پس بگیرد یا نه؟ متمنی است جواب هر دو سؤال را مرقوم فرمایید که محل حاجت است.

بقای وجود مبارك را از خداوند متعال خواستاریم.

بسمه تعالی، زن حق مطالبه مهریه خود را دارد و شوهر می تواند آنچه را به زن بخشیده، با وجود عینش از او پس بگیرد، مگر ذی رحم باشد و در این جهت، ربطی به طلاق ندارد.

ص: 635

محضر مبارك حضرت امام خمینی دامت برکاته

محترماً به حضورتان معروض می دارم چون بنده مقلد شما هستم مسأله ای برایم پیش آمده که با شما در میان می گذارم، خلاصه آن این است که پدر خانمم حدود دو سال قبل بدون هیچ گونه اجباری و با رضایت و میل باطنی خود مقداری از املاک خویش را بین فرزندانش به نسبت يك سهم پسر و دختر تقسیم نموده، حال پس از گذشت دو سال که رابطه اش با دختر خود و من که دامادش هستم تیره شده می گوید که اموالی را که به شما بخشیده ام راضی نیستم مال شما باشد، آیا با گفتن راضی نیستم و با توجه به این که ممکن است این کدورت موقتی باشد اموالی که به دخترش بخشیده است شرعاً حرام می شود؟ مستدعی است در این مسأله پیش آمده مرا راهنمایی کنید.

پیروزی اسلام را از خداوند خواهانم.

بسمه تعالی، اگر اموال را به دختر بخشیده و تحویل او هم داده است نمی تواند پس بگیرد و اگر تحویل او نداده همه تمام نشده و در این صورت اختیار اموال با خود پدر است.

بسمه تعالی

پدرم يك قطعه زمین داشت که حدود دو هزار متر می باشد، ایشان دارای سه فرزند است. در زمان حیاتش نصف زمین مذکور را به پسر بزرگش داده بود و سندش را هم به او داده بود. بعد از يك سال مریض می شود، پسر دیگرش او را می برد منزل خودش. پدرم می گوید می خواهم وصیت کنم چند نفر می برند، پدرم وصیت می کند زمینی که قبلاً به پسر بزرگم داده بودم دیگر نمی دهم. به او می گویند دیگر دادی، حالا

ص: 636

خوب نیست دیگر ندهی. می گوید اختیار با من است، دیگر نمی دهم. زمین مال هر سه پسر است. به این نحو وصیت او را یکی از معتمدین محل که بسیار آدم معتبری است می نویسد و پدرم امضا می کند. بعد آن ها می روند و برادرم که پدرم در منزل او بود می گوید من به خاطر برادر بزرگم وصیت پدرم را پاره کردم. پس از این که وصیت پدرم را پاره می کند، می رود دو نفر دیگر می آورد منزل خودش يك وصیت دیگر می نویسند. منتها این دفعه دیگر پدرم در حال احتضار است و قدرت حرف زدن ندارد. وصیت می نویسند که نصف زمین مال پسر و نصف دیگرش مال سه پسرانم. این طوری از قول پدرم وصیت می نویسند و امضای جعلی پدرم را روی وصیت می کنند و الآن هم حدود شش سال است پدرم فوت کرده و زمین هم فعلاً همین طور بلا تکلیف مانده و برادرم که ادعا می کند پدرم نصف زمین را به او داده چون در آن جا زندگی نمی کند در شهر است به يك نفر دیگر واگذار کرده و محصول زمین را هم می برد. از دفتر امام تقاضا دارم تکلیف این مسأله را روشن بفرمایند. آیا برادرم می تواند با این وصیت جعلی پدرم و یا ارائه سندی که قبلاً پدرم به او داده نصف زمین را ببرد یا نه؟ یا این که حق میت این جا از بین نمی رود؟ ضمناً آن برادرم که وصیت پدرم را پاره می کند زنش هم شاهد بوده و گرچه يك آدمی است که می تواند انکار هم بکند، ولی زنش آدم خوبی است و چون شاهد پاره کردن وصیت بوده همیشه شوهرش را سرزنش می کند که تو نباید وصیت را پاره می کردی. استدعا دارم شرعیتش را روشن فرمایید.

با آرزوی سلامتی و طول عمر امام عزیزم از خدای بزرگ پیروزی اسلام را بر کفر مسئلت دارم.

بسمه تعالی، اگر آنچه را به پسر بزرگ تر داده تحویل او هم داده باشد، وصیت بعدی اثر ندارد و چنانچه تحویل او نداده باشد به ملك خود پدر باقی بوده و اختیار با خود او بوده است.

محضر مقدس زعیم عالی قدر عالم تشیع و رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

چه می فرمایید در خصوص زنی که با بذل مهریه و نفقه ایام عده، خود را مطلقه ساخته و مقرر شده است که شوهر جهیزیّه عیال مطلقه را تحویل دهد. آیا زوج در ایفای تعهد ملزم و مکلف است یا نه؟ آنچه دستور مبارک شرع مطاع و حکم اسلام است را مرقوم فرموده و به خاتم شریف مزین فرمایید. عندالله مأجور و مثاب خواهید بود ان شاء الله تعالی. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، جهیزیه اگر به شوهر بخشیده نشده، ملک شوهر نشده و باید برگرداند و اگر به او بخشیده تا عین آن باقی است می تواند برگرداند، مگر آن که موهوب له از ارحام واهب باشد که در این صورت پس از تحقق قبض در هبه، حق برگشت ندارد.

11. اگر کسی به انسان چیزی هبه کرد و بعد منصرف شد و خواست پس بگیرد، آیا می تواند پس بگیرد و اگر آن چیزی که هبه کرده به شخص دوم بخشیده، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، اگر موهوب له از ارحام واهب نباشد و عین موهوبه نزد او به حال خود باقی باشد می تواند پس بگیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد خير خلقه اجمعين.

سماحة حجة الإسلام والمسلمين ممثل إمام الأمة الخميني الكبير، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

مولای قبل ثلاث سنوات كنت فى العراق وبعث أثاث دارى ودفعت الخمس الذى كان مستحقاً علىّ وبعث دارى وجلبت مقداراً من المال إلى إيران الإسلام مع عائلتى وبقیت فى ایران أبحث عن دار، فلم أجد داراً إلا بعد مرور سنة من مجيئى إلى ایران، فشعرت أنّ المبلغ الذى بحوزتى يجب أن أدفع خمسه وطبعاً لو دفعت خمسه لم يبق مبلغاً كافياً لشراء دار، فوهبت المبلغ قبل طول رأس السنة إلى زوجتى وبعد ذلك اشتریت داراً وسجلته باسم زوجتى، فهل أنّ هذا الدار شرعاً يعود لزوجتى وهل استطیع استعادة الهبة من زوجتى وإن لم توافق على إعادة الهبة فماذا افعل؟ وهل علىّ أن أدفع خمس مبلغ الدار فى حالة استرجاع الهبة یرحمکم الله؟

بسمه تعالى، فى مفروض السؤال لم یکن يجب عليك تخمیس المبلغ، والمبلغ إن وهبته لها وسلمت إليها ثم اشتریت به بإذنها الدار لها لم یکن لك الرجوع فى الهبة.

[سؤال 7911] 4149

بسمه تعالى

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمى امام خمينى، دامت برکاته، به عرض علىّ مى رساند:

شخصى جهت این که اموالش به دخترها و عیالش نرسد، چهار دانگ از اموال منقول و غیر منقول خود را در زمان حیاتش در محضر طاغوتى انتقال به اولاد ذکورش داده و مادام الحیات در تصرف خودش بوده و فعلاً آن شخص، مرحوم شده. آیا انتقال، صحیح است و دخترها و عیالش حق از این اموال ندارند و یا انتقال، باطل است و دخترها و عیالش از این اموال، ارث مى برند. مستدعى است حکم شرعى را بیان فرمایید.

بسمه تعالى، اگر شرایط انتقال شرعى رعایت شده، صحیح است و دیگران در آن اموال حق ندارند.

ص: 639

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت افاضاته، احتراماً؛ پاسخ سؤال زیر را ذیل ورقه اعلام فرمایید تا در مواقع حاجت حجت گردد.

وجوهی که زوجه در مدت خدمت، از دولت می گیرد و یا این که از منافع و اموال اختصاصی خود در منزل شوهر خرج هزینه زندگی مشترك می نماید و یا صرف خریداری منزل و وسایل زندگی می نماید و به طور مشترك از درآمد طرفین تهیه شده، بدون این که مشخص شود کدام شیء مال کدام شخص است؛ در صورت وقوع طلاق، آیا زوجه حقی و سهمی از اموال و دارایی فوق دارد یا خیر؟ مأجور و مثاب باشید.

بسمه تعالی، آنچه از مال زوجه، بدون این که به شوهر بخشیده باشد تهیه شده و عین آن موجود است، زن حق دارد.

2. يك تکه زمینی به هبه زن فرزندش می کند و روی آن زمین با اجازه عروسش خانه درست می کند به نام فرزندش و تحویلش می دهد بدون صیغه خواندن و مدرک دادن. همین طور می گوید این خانه مال فرزندم می باشد. و اثاثیه از قبیل: فرش، گاز، آبگرمکن حمام، لوازمات دیگر، تحویلش می دهد. این خانه و وسیله اش مال پسر می شود که برگردد به دخترش یا این که مال خود پدر می شود؟

بسمه تعالی، سند و مدرک میزان نیست. هر چه را که پدر به فرزند بخشیده و تحویل او داده ملك فرزند است و دوباره پدر نمی تواند آن را پس بگیرد.

محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی، دام ظلّه

1. جایذات خودش امثال زمین و غیره به هرکس و ناکس می فروخت حتی به

آن جا رسید که تمام تلف شود و رفقای ایشان هدایت کرد چون که صاحب اولاد هستی نباید جایذات را تلف کنی، به سبب هدایت، تمام جایذات خودش را به اولاد خودش که غیر بالغ بود هبه فی سبیل الله کرد با چند نفر شهود و شایع هم شد در منطقه خودش، بعد از مدتی صاحب زمین اول به عادت اول یا به جهل دوباره چند قطعه زمین که هبه شده فروخت. آیا بعد از هبه به اولاد خودش می تواند بفروشد یا نه؟ اگر فروخته شده معامله صحیح است یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، فروش بعدی صحیح نبوده است.

2. شخصی مثلاً نه سال در خانه مریض - یعنی فاقد شعور شده و یا مرض اعصاب داشته که فقط زنده بوده - ولی از تمام شعور فاقد بوده حال بعد از نه سال خوب شده. آیا قضای روزه و نماز تعلق می گیرد یا نه؟

بسمه تعالی، قضا دارد.

[سؤال 7915] 6956

3. آیا ابراء ذمه غیر ذی رحم قابل رجوع است - مانند هبه - یا لازم است و قابل رجوع نیست؟

بسمه تعالی، ابراء، قابل رجوع نیست.

[سؤال 7916] 4152

بسمه تعالی 1361 / 9 / 29

دفتر امام خمینی، با عرض سلام و آرزوی صحت برای امام امت، روحی فداه

اگر مردی با زنی ازدواج کند که آن زن باکره باشد، ولی قبل از نزدیکی کردن با وی، زن مقداری مال - که قبلاً از طرف شوهر به وی بخشیده شده است - و مهریه خود را به شوهر ببخشد تا شوهر وی را طلاق بدهد و شوهر لذت های دیگر از او برده باشد - البته غیر از نزدیکی - اگر شوهر بعد از گرفتن آن مال و ندادن مهریه، زن را طلاق بدهد، آیا زن می تواند بعد از طلاق، مهریه خود را از شوهر طلب کند؟ اگر مرد غایب

ص: 641

باشد چطور؟ اگر مرد، مال نداشته باشد چطور؟ اگر زن با مرد دیگر ازدواج کند چطور؛ خواه نزدیکی کند یا فقط به عقد وی درآید؟ البته اگر خود زن مهریه را بخشیده و بعد طلاق انجام گرفته باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با فرض این که زن مهریه خود را بخشیده، حق مطالبه آن را ندارد.

[سؤال 7917] 4153

بسمه تعالی

حضور مبارك حضرت امام خمینی، دامت برکاته

با عرض سلام؛ به عرض مبارك می رساند مردی با مقدمه چینی و تظاهر به متعهد بودن از من خواستگاری کرد. خانواده این جانب نیز با شرایط سهل - از جمله با مهریه يك جلد كلام الله مجید - با این ازدواج موافقت کرد. مرد نیز با توجه به محبت ها و خدمات من و خانواده ام مقداری زینت آلات به بنده هدیه کرد. حال بعد از سه سال و داشتن يك بچه چون وضعش خوب شده مرا طلاق داد؛ در حالی که جوانی مرا ملعبه هوا و هوس خود کرده و موقعیتم را از بین برده که به صورت بیوه زنی درآمده ام؛ به جای جبران خسارات هدایایم را نیز می خواهد. استدعا دارم نظر مبارك را در این مورد صادر فرمایید.

بسمه تعالی، عین هدیه اگر باقی باشد هدیه کننده حق رجوع دارد.

[سؤال 7918] 5928

2. طلا و جواهر و ملبوس زنانه، که در مراسم ازدواج از طرف داماد و بستگانش به من اهدا شده، با متارکه به این جانب تعلق می گیرد، یا باید به آن ها پس بدهم؟

بسمه تعالی، در صورتی که عین آن موجود است، می توانند پس بگیرند.

ص: 642

بسمه تعالی

يك نفر يك مقدار زمین دارد. همان زمین خود را برای پسران خود هبه نموده و پسرانش هر کدام حصه معلوم خود را - که پدرش هبه کرده بود - قبض نمود. بعد از هبه و قبض، يك پسرش مفقود و غایب گردید که تا کنون حیات و ممات آن پسر معلوم نمی باشد. آیا پدرش می تواند حصه زمین همان پسر غایب خود را به یکی از پسرانی که حاضر می باشد هبه نماید یا بفروشد؟ جواب را واضح فرماید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، حق ندارد.

[سؤال 7920] 5287

2. هند ارث پدرش - که به او رسیده - را به فرزندش به طور مصالحت شرعی، داد و بعداً برادران هند گفتند که هند اصلاً خواهر ما نیست؛ لذا از پدر ما به او حقی و ارثی نمی رسد. و بعد از آن، همین برادران به هند گفتند که تو حق خود را - ارثی که از پدر رسیده - به ما هبه کن. هند خواست از این موقعیت استفاده کند و آن ها را مقرر به خواهر بودن او بکند، لذا قبول کرد و به حسب ظاهر به طور هبه معوضه، آن مال را به آن ها داد، و در آن وقت پسر هند خاموش ماند، تا آن که حق مادرش ثابت شود. سپس اقامه دعوا کرد که این هبه ای که مادرم به شما داده، حق من است. در این صورت حکم آن چیست؟

بسمه تعالی، اگر مادر، مال مورد هبه را مالک بوده و به فرزند بخشیده و تحویل او داده، اختیار آن مال با فرزند است و تصرف مادر بدون اجازه فرزند، نافذ نیست.

[سؤال 7921] 4155

بسمه تعالی 14 / 9 / 1358

حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، پس از اهدای

ص: 643

سلام، لطفاً پاسخ سؤالات ذیل را مرحمت فرمایید:

زید در محضر چهار نفر از مؤمنین و نویسنده هبه نامه، اموالش را اثلاً میان خود و پسرش و نوه اش تقسیم نمود. يك ثلث را برای خود نگهداشت و دو ثلث دیگر را به عنوان هبه به پسر و نوه واگذار نمود. بعد از چند سال از دنیا رفت و در پی او نوه هم درگذشت و دو برادر و يك خواهر مادری نابالغ به جای گذاشت. و هنگام مطالبه ولی یتیمان حصه آن ها را، نویسنده هبه نامه آمد و برای پسر اظهار داشت که: هبه پدرت برای نوه واقعی نبوده، بلکه يك نوع حيله و بهانه بود و این مطلب را قبلاً پدرت به من گوشزد نموده بود و از اظهار این مطلب هم مرا منع کرده بود. البته آن جا دو نفر دیگر هم موضوع هبه ثلث را برای نوه، از پدر شنیده بودند. آیا چنین ادعایی از نویسنده مسموع است یا خیر؟ بیّنوا؛ توجروا.

بسمه تعالی، هبه واقع شده، محکوم به صحت است، مگر مدعی فساد، به طریق شرعی دعوای خود را ثابت کند.

[سؤال 7922] 4897

4. کسی چیزی به کسی هبه کند بعداً پشیمان شود می تواند از او پس بگیرد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر هبه به غیر خویشاوندان و بدون قصد قربت بوده و عین باقی است می تواند پس بگیرد.

[سؤال 7923] 4156

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظله

لطفاً پاسخ سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید:

1. پدر این جانب مرحوم شده و زمین خانه ای که متعلق به مادرم بوده و بعدها سرمایه اصلی اموال پدرم شده، اکنون چگونه به مادرم باید داده شود؟ چون جزء

ص: 644

مهریه بوده و مدرك اصلی، عقد نامه هر دو می باشد؟

بسمه تعالی، مادر اگر خانه و پول آن را به پدر بخشیده، پول خانه را حق دارد از ترکه پدر مطالبه کند.

[سؤال 7924]

2. ما مدرکی در مورد این که خانه را پدرم زبانا به نام مادرم کرده نداریم چه باید بکنیم؟ آیا حالا دیگر نمی شود ثابت کرد و از قید آن باید گذشت؟

بسمه تعالی، نیت واگذاری کافی نیست. اگر پدرتان نصف خانه را به مادرتان بخشیده و تحت تصرف او در آورده عین موهوبه ملك شده است، وگرنه مالك نیست؛ و اگر نزاعی در بین است، به محاکم صالحه رجوع نمایند.

3. در مورد نماز و روزه پدرم و البسه و ماشینش چگونه باید عمل کرد؟ یعنی آیا به پسر بزرگ تر تعلق می گیرد یا نه؟ چرا که کر و لال است.

بسمه تعالی، قضای نماز و روزه، بر پسر بزرگ است و لباس مخصوص پدر، به پسر بزرگ می رسد و ماشین، جزء ترکه به شمار می رود.

4. خمس و سهم امام پدرم را چگونه پردازیم؟ آیا باید از ارثی که به ما می رسد، خمس و سهم امام را کم کنیم؟ به خصوص از جهیزیه من؟

بسمه تعالی، اموال پدر و جهیزیه ای که با مال پدر تهیه شده، اگر معلوم باشد که متعلق خمس شده و نپرداخته اند، باید خمس آن ادا شود.

5. آیا جهیزیه ام، جزء ارثی است که به من می رسد؟ اگر نیست، آیا باید من جداگانه از ارث پدر جهیزیه ببرم؟ اگر هست، آن مقدار جهیزیه ای که در زمان پدرم تهیه شده، جزء جهیزیه ارثی ام هست یا نه؟ آیا کادوها و هدیه ها هم جزء آن هست یا نه؟ چرا که مادرم از مخارج ماهانه و با پول ما همه - صغیرها و کبیرها - تهیه نموده. وضع و تکلیف ما چگونه است؟

بسمه تعالی، جهیزیه را اگر به شما بخشیدند و تحویل گرفتید، مختص به شما است و جزء ارث نیست. کادو و هدیه خمس ندارد.

6. سهم ارثی همسر دوم با مسأله رجوع چه می شود؟

ص: 645

بسمه تعالی، اگر طلاق، باطل بوده و یا بعد از طلاق صحیح، در عده رجوع شده، حق ارث طبق موازین شرع دارد.

7. وضع وسایل خانه چگونه است؟ آیا این ها و آن هایی که آنان دارند تقسیم می شود؟

بسمه تعالی، هر چه تا زمان فوت پدر ملک او بوده، جزء ترکه است و بین ورثه به ارث می رسد.

8. سهمیه ارث دختر با پسر برابر است یا نه؟ همچنین ارث دختر صغیر با پسر صغیر یا بر عکس؟

بسمه تعالی، سهمیه ارث پسر - ولو صغیر باشد - دو برابر سهمیه دختر است.

9. پول موجود حج پدرم و مادرم را چگونه می شود رد کرد؟ یعنی مادرم چگونه می تواند حج برود؟ آیا از ارثی که به او می رسد، به او رد شود؟

بسمه تعالی، پول موجود اگر به کسی بخشیده نشده، جزء ترکه است و به تمام ورثه می رسد. و مادر اگر مستطیعه است، باید از مال خود حج به جا آورد و پدر هم اگر مستطیع واجب الحج بود، باید از ترکه برای او حج میقاتی نایب بگیرند.

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

[سؤال 7925] 4157

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی دام ظلّه العالی

این جانب به علت مهر مادری که داشتم، مقداری زمین که مهر من بود به یکی از فرزندانم دادم، ولی در حال حاضر متوجه شده ام که به دیگری ظلم شده است؛ زیرا آن که مورد لطف من قرار گرفته، امروز دارای دو باب خانه در حدود دو میلیون تومان، و یک قطعه زمین به مبلغ ششصد هزار تومان می باشد، ولی فرزند دیگرم در این شهر حتی یک متر زمین هم ندارد که بتواند جای مُهری برای نماز داشته باشد. از محضر آن حضرت استدعا دارم من را راهنمایی نمایید که آیا می توانم مقداری از مهریه خود را به دیگر فرزندانم برگردانم، که در پیش خداوند مسئول نباشم؟

بسمه تعالی، اگر زمین را پس از بخشیدن به فرزند، تسلیم او نمودید، نمی توانید برگردید.

ص: 646

بسمه تعالی

شخصی با دریافت مبلغ کمتری از رباخوار بابت بهره پرداختی، رضایت داده است، آیا می تواند مجدداً معادل بهره پرداختی، مطالبه و شکایت نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، بعد از ابراء ذمه مدیون یا مصالحه، حق رجوع ندارد.

بسمه تعالی

پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی همه برادرانی که در راه اسلام خالصانه کار می کنند، از خداوند یکتا مسئلت داریم که طول عمر امام عزیز ما را به طولانی آفتاب بگرداند و تا انقلاب بگرداند (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نگهدار او باشد خواستم سؤالی از دفتر محترم امام کرده باشم و آن این که در روستاهای ما سنت است که وقتی عروسی می کنند برای فرزندانشان مقداری پول مردم برای صاحب عروسی می دهند مثلاً مبلغ 400 الی 500 یا کمتر یا بیشتر، این کار باعث می شود که يك نفر هم بتواند از لحاظ مادی چیزی داشته باشد که بتواند عروسی بکند و آن پولی را که مردم برای صاحب عروسی می پردازند آن شخصی که پول را دریافت می کند بهتر بگویم صاحب عروسی آن پولی را که برایش پرداخت نموده اند عروسی يك نفر دیگر شد که مثلاً 500 تومان برایش داده یا کمی بیشتر می پردازند خواستم نظر امام را در این باره بفرمایید.

بسمه تعالی، مانع ندارد و به هر نحو متعارف است عمل نمایند.

5. هدایایی که بستگان شوهر به عنوان کرایه زبان به زن می دهند، هبه معوضه می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، هبه غیر معوضه است.

بسمه تعالی

زعیم عالی قدر و مجاهد اکبر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

شخصی به دیگری هبه معاوضه نمود، و در همان مجلس موهوب له این شروط را نوشت که واهب تا زندگی می کند می تواند از موهوب به استفاده و صرف نماید یا برای معیشت واهب مقدار معینی چیزی به او بدهد، ولی موهوب له به آن شروط عمل نکرد؛ آیا این هبه صحیح است یا نه؟

بسمه تعالی، هبه صحیح است و تخلف شرط موجب خیار فسخ است.

بسمه تعالی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی المجاهد الاکبر الامام خمینی دام ظلّه

زید دو پسر و دو دختر داشت، در حیات خود تمام مایملک خود را در بین اولاد تقسیم و تملیک اولاد نموده بود. بعد از مضمی سه سال یکی از پسرها می گوید که یک قطعه زمین ملک طلق من بوده است؛ چون که فلان کس به من هبه نمود و وجه سکوت من در وقت تقسیم نمودن پدر خوف از محروم شدن از میراث پدر بوده است؛ اگر این دعوای پسر به اقرار پدر و باقی اولاد یا به بینه شرعی ثابت شود می تواند آن قطعه را بردارد یا خیر؟ و بر فرض مالک شدن این پسر بر این قطعه آیا بر کسی که کسر واقع شده می تواند از باقی اولاد زید طلب جبران کند یا خیر؟ بیان فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر پدر به هر یک از اولاد در حال حیات هبه نموده و به قبض آن ها داده است هیچ یک بر دیگری حقی ندارد.

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام ظلّه

شخصى قبل از اين كه مريض شود، يك باب منزل شخصى خودش را به نوه اش - كه از پدر يتيم است - بخشيده و به يكي از روحانيون دو مرتبه گفته است: كاغذى درست كن تا به امضای معتمدین محل برسد. متأسفانه روحانى سستی به خرج داده و اقدامی در این زمینه ننموده است. پس از حدود دو سال كه از این گفت وگو گذشته، آن شخص به مرگ ناگهانی فوت می كند.

حكم الله را بيان نماييد. والسلام

بسمه تعالی، اگر شرعاً ثابت است كه منزل را در حیاتش به نوه خود بخشیده و تحویل او هم داده است، ملك نوه شده و ورثه در آن حقی ندارند و اگر اختلافی دارند، باید در محكمه شرعیه حل كنند.

محضر مبارك اميد مستضعفان، امام امت، خمينى بت شكن، با عرض سلام و آرزوی سلامتی و طول عمر برای شما و آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه های نبرد حق علیه باطل، مشکلی از لحاظ شرعی داریم و استدعای جوابی جهت آن، از حضور شما هستیم.

این جانب پسر 22 ساله ای هستم كه با دو برادر (26 و 24 ساله و مجرد) و دو خواهر (17 و 22 ساله) و يك مادر و يك پدر بزرگ (85 ساله) كه جمعاً 7 نفر می باشیم در خانه ای زندگی می كنیم و پدرمان 7 سال پیش فوت کرده است. این خانه كلاً به اسم پدر بزرگمان است و تقریباً تمام عمرش را با پدر و مادرم و اکنون با ما زندگی می كند و حالا كه 17 سال است كه مريض و بستری است، تمام زحماتش را مادر من متحمل

شده و تمام مخارج وی با ما است. ما يك عمو و يك عمه نیز داریم که عمویمان در تهران زندگی می کند و دارای پسر و نوه و زندگی مرفهی است و 25 سال است که از پدرش (پدربزرگ) جدا شده و در عرض این مدت تنها دو بار به خانه ما آمده و اصلاً پدرش را فراموش کرده است. عمه مان هم در شهر دیگری زندگی می کند و شوهرش هم در گمرک می باشد و آن ها هم بسیار مرفه و پولدار هستند و دارای دامادی ثروتمند نیز هستند و روی هم رفته زندگی خوبی دارند. شرایط ما نیز به صورتی است که وقت سر و سامان گرفتن هر پنج نفرمان است، در حالی که غیر از مغازه کوچکی که سه نفر برادر در آن کار می کنیم، دارایی دیگری نداریم. ما با پدر بزرگمان صحبت کردیم و با توافق خودش و صلاح دید چند تن از آشنایان، قرار بر این شد که ایشان در قبال 28 سال زحمتی که مادرمان برایش کشیده و به خصوص 17 سال اخیر را که خانه نشین می باشد، این منزل را به مادرمان بدهد تا بعد از مادرمان، این خانه به پنج نفر ما تعلق بگیرد. از لحاظ قانونی و محضری هم تمام بدهی ها - اعم از مالیات و عوارض - را پرداخت کرده ایم و از آن بابت هم مشکلی نداریم و به لحاظ شرط عمده قرار شده است که این خانه را به مادرمان ببخشد و تا آخر عمرش از او مراقبت نماییم.

مشکل ما که استدعای جوابی سریع و کامل و مثبت بودن جواب را از شما داریم، این است که آیا از لحاظ شرعی هم این راه مانعی ندارد؟ و اگر از این خانه چیزی به پسر و دخترش نرسد، ایرادی بر این کار که تقریباً تعیین سرنوشت ما است نداشته باشد. متشکرم، خدا حافظ شما و سربازان اسلام و امت اسلام باشد.

درود خداوند به شهدای راه اسلام و رزمندگان و با سلام به امام خمینی

بسمه تعالی، شخص، در حال حیات خود، مال خودش را به هرکس بخواهد می تواند ببخشد و اگر به کسی بخشید و تحویل او داد، ملك او می شود و بعد از فوت موهوب له، به ورثه او می رسد و دیگران حق ندارند.

بسمه تعالی

محضر اقدس أمجد عالی مستطاب مدّ ظلّه العالی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی

محترماً پس از عرض سلام به استحضار می رساند آیا پدری می تواند با دارا بودن پنج پسر و نه دختر تمام ملك خود را با عدم رضایت فرزندان دیگرش به یکی از پسرهایش - اعم از زمین های مزروعی و خانه و تشکیلات - ببخشد یا خیر؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، پدر می تواند قسمتی یا تمام اموال خود را به بعض فرزندان خود ببخشد اگر چه مکروه است و چنانچه موجب فساد و فتنه باشد باید اجتناب کند.

[سؤال 7934] 4704

2. اگر چیزی را برای غیر ورثه وصیت کرد و موصی له آن چیز را دوباره به ورثه بخشید و برگردانید آیا باید علی السویه تقسیم شود یا للذکر مثل حظّ الأنثیین؟

بسمه تعالی، اگر به میت برگردانده حکم بقیه ترکه را دارد و اگر به ورثه بخشیده تابع نحوه بخشش است.

[سؤال 7935] 4165

بسمه تعالی

محضر مبارك امام خمینی

1. فرزندی که تحت تکفل پدرش می باشد، آیا می تواند از پولی که پدرش (یا مادرش) ماهیانه به او می دهد، بدون اجازه او از این پول بردارد و به فقرا بدهد یا خیر؟

بسمه تعالی، با رضایت آنان مانع ندارد.

2. آیا اگر صدای زن نامحرمی را مرد نامحرمی بشنود اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت نبود مفسده اشکال ندارد.

3. آیا به کتاب، خمس تعلق می گیرد؟

بسمه تعالی، به مقدار شئون خمس ندارد.

4. ریش زدن صورت مردی از ته، چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، به احتیاط واجب نباید بتراشند یا به طوری کوتاه کنند که مثل تراشیدن است.

[سؤال 7936] 4166

بسمه تعالی 1358 / 9 / 27

خدمت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

محترماً معروض می دارد که بعد از وقوع زلزله قزوین که منجر به خراب شدن منازل گشت، خانه هایی از طرف دولت ساخته شد و به اهالی آن محل واگذار گردید.

توضیح این که افرادی می توانستند از منازل جدیدالاحداث استفاده کنند که از يك نفر بیشتر باشند به این که متأهل بوده یا چند برادر یا برادر و خواهر یا به اتفاق اولاد یا مادر و فرزند باشند. و قبالة آن عمارت را به نام بزرگ آن خانوار و یا سرپرست آن ها صادر می کردند. در این صورت، آیا عمارت متعلق به فردی است که قباله به نام وی صادر شده است و مثلاً زوجه اش فقط حق سکنا دارد یا مالک نصف عمارت است (در صورتی که آن دو نفر زن و شوهر باشند)؛ و چنانچه يك عمارت به پدر و اولادش داده باشند و قباله به نام پدر باشد، آیا عمارت مال پدر است یا این که اولاد هم با پدر شریک می باشند؟ مستدعی است، حکم شرعی هر طور است بیان فرمایید.

بسمه تعالی، ملک از کسی است که دولت آن را به او تملیک نموده است.

[سؤال 7937] 1540

2. اگر پدر پولی به فرزندان خود می بخشد برای خودشان و راضی نباشد که به حساب جنگ زدگان و... بگذارند چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، اگر فرزند بالغ باشد پولی که به او بخشیده شده و به قبض او درآمده اختیارش با خود فرزند است.

ص: 652

2. آیا پول جیبی ای که پدر به فرزند می دهد رضایت او از طرز خرج کردن فرزند نیز در آن شرط است یا خیر؟ (با توجه به این که طرز خرج کردن غیر اسلامی نیست).

بسمه تعالی، اگر پول را به فرزند بخشیده باشد در خرج کردن آن در راه حلال آزاد است ولی سعی نماید در رضایت پدر.

3. کسی که اصل مالش اشکال دارد - به این ترتیب که یا از کسب حرام به دست آمده یا ارثی است که مساوات شرعی در آن رعایت نشده - اگر هدیه ای به انسان بدهد، چگونه می شود آن را مصرف کرد؟

بسمه تعالی، اگر یقین به بودن مال حرام در آنچه هدیه داده شده نباشد، مصرف آن جایز و بلا مانع است.

بسمه تعالی

امام عزیز! دختری هستم 18 ساله. يك مسأله در رابطه با بخشش برای من پیش آمده که می خواستم از شما سؤال کنم؛ البته می دانم که وقت شما بسیار کم و باارزش است.

امام عزیز! من چند سال پیش - یعنی تقریباً حدود يك سال و نیم قبل از انقلاب - مقداری از طلاهایی را که از پدرم هدیه گرفته بودم، فروختم و پولش را در راه خدا دادم البته از این مسأله نه پدرم و نه مادرم مطلع نبودند؛ تا امسال که خواستم بقیه طلاهایم را برای کمک به دولت بدهم، به مادرم که گفتم، گفتم که باید با اجازه پدرت باشد و البته که پدرم راضی به این کار نبود.

اولاً، من می خواستم ببینم تکلیفم نسبت به طلاهایی که قبلاً داده ام چگونه است؟ چون در آن زمان من نمی دانستم که اجازه پدرم لازم است.

ثانیاً، آیا واقعاً از لحاظ شرعی اجازه پدرم لازم است یا نه و من می توانم طلاهایم را به دولت بدهم یا نه با توجه به راضی نبودن پدرم؟

در ضمن من مسأله اول را نمی توانم به هیچ وجه به پدر و مادرم بگویم. از شما خواهش می کنم که مرا از لحاظ شرع در این مسأله یاری کنید. امیدوارم که جواب مرا بدهید. از این که مزاحم وقت باارزش شما هم شدم معذرت می خواهم.

و در رابطه با ازدواج با معلولین آیا بدون اجازه پدر امکان پذیر است یا نه؟

ان شاء الله خدا شما را برای ما نگهدارد و تا ظهور حضرت مهدی و پیاده شدن اسلام در تمام جهان، خدا سلامتتان بدارد.

بسمه تعالی، از چیزی که پدر به شما هدیه کرده آنچه قبلاً به دولت کمک کرده اید اشکال نداشته و از این به بعد از پدرتان اجازه بگیرید و بدون اجازه پدر نمی توانید ازدواج کنید.

[سؤال 7941] 4168

بسمه تعالی 1361 / 3 / 22

محضر مبارک زعیم عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

پس از عرض سلام؛ سلامتی و طول عمر حضرت عالی را از درگاه خداوند یکتا خواهانم. قربانت گردم! این جانب یکی از مقلدین شما می باشم؛ الآن در حدود یازده سال است که در بازار کار می کنم؛ اول کارمان چای فروشی بود، وقتی معامله بین دو تاجر به وسیله واسطه انجام می گرفت واسطه از واسطگی خودش چیزی به عنوان «شاگردانه» به من می داد ولی من از همان اول سعی می کردم چنین پولی دریافت ننمایم؛ چون مورد اشکال می دانستم؛ خلاصه از چند ماه پیش تغییر شغل دادیم و به فرش فروشی مشغول می باشیم؛ باز هم این عمل تکرار می شود اما به نحوی دیگر؛ وقتی معامله بین فروشنده و خریدار انجام می گیرد، بعضی از فروشنده و یا خریدارهای فرش، مبلغی به عنوان «شاگردانه» به من می دهند، بنده مثل سابق از

ص: 654

اخذ چنین پولی خودداری می کنم. سؤال من همین است: آیا گرفتن این پول، صحیح است یا نه؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 7942] 4169

بسمه تعالی 1361 / 8 / 19

با درود به خمینی بت شکن، سلام بر رزمندگان ایثارگر جبهه ها و با درود بر شهیدان، حضور دفتر محترم امام، پس از عرض سلام، توفیق روزافزون آن دفتر محترم را از خدای تبارک و تعالی خواهانم.

از آن دفتر محترم تقاضا دارم برای بنده بنویسید که آیا دادن هدیه به معلمی در اسلام جایز است و اگر دانش آموزی به معلمی هدیه بدهد و معلم آن را بگیرد این کار امری حلال است یا حرام؟ به هر حال اگر این امر اشکالی دارد و یا جایز هست یا نیست، هر حالتی که دارد لطفاً برای بنده بنویسید.

با آرزوی توفیق روزافزون و با سپاس و تشکر فراوان؛ خدا نگهدارتان

بسمه تعالی، دادن هدیه و قبول آن مانع ندارد.

[سؤال 7943] 4170

بسمه تعالی 1358 / 7 / 16

محضر مبارک مرجع عالی قدر شیعیان جهان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم، با نهایت احترام، از محضر شریف عالی استفتا می نماید:

شخصی ملك ساخته شده خود را جهت تشکیل دبیرستان فقط، به آموزش و پرورش اهدا می نماید. اهدا کننده فوت نموده و حدود 22 سال ملك اهدا شده، به صورت دبیرستان دخترانه مورد استفاده بلاعوض قرار گرفته است. اکنون آموزش و پرورش می تواند دبیرستان را به مدرسه راهنمایی تبدیل نماید، در حالی که نظر اهدا

ص: 655

کننده منحصرأ تشکیل دبیرستان بوده و در حال حیات خود کراً نظر خود را شفهاً بیان داشته است؟

بسمه تعالی، اگر در وقت اهدا شرط نشده، اختیار با آموزش و پرورش است، و اگر شرطی کرده اند، یا اهدا مبنی بر شرط واقع شده، باید به آن عمل شود.

[سؤال 7944] 4171

بسمه تعالی 1361 / 10 / 7

حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم، احتراماً؛ پاسخ دو مسأله ذیل را خواهانم:

1. کسی از دنیا می رود. وی در زمان حیات اجناسی را نزد پدرش گذاشته است و رفته جای دیگر. الحال معلوم نیست قصد بخشیدن به پدرش داشته یا به عنوان امانت بوده است؟ وظیفه چیست؟

بسمه تعالی، تا بخشش ثابت نشود آثار ملك برای پدر بار نمی شود.

2. زمین هایی را در زمان طاغوت طبق اصلاحات اراضی به افرادی داده اند، فعلاً وظیفه چیست؟ آیا ارث می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، رسیدگی موكول به دولت اسلامی است.

[سؤال 7945] 4172

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر عالی قدر آیت الله العظمی امام روح الله خمینی

پس از عرض سلام و اظهار ارادت، به حضور مبارکتان معروض می دارد: عده ای از افراد به نام دعانویس از کتاب مجمع الدعوات و مفاتیح الجنان و سایر کتب های دیگر برای رفع امراض و اصلاح اختلاف زن و شوهر دعاهایی می نویسند و عده ای نیز با عقاید خود برای گرفتن دعا در نزد آن ها رفته و قدری پول به عنوان هدیه به آن ها

ص: 656

می دهند. از نظر شارع مقدس اسلام این عملیات چه صورت دارد؟ پولی که از این راه به دست می آورند حلال است یا حرام؟ نظر مبارك خود را در این موضوع مرقوم دارید.

بسمه تعالی، اگر پول را با رضایت می دهند حلال است؛ ولی باید از ادعیه مأثوره یا از مضامین صحیحه باشد.

[سؤال 7946] 4173

بسمه تعالی 1361/9/7

محضر مبارك نايب الامام، امام خمینی، دام ظلّه العالی، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، ان شاء الله وجود مبارك، پیوسته سالم باشد.

با عرض معذرت؛ خواهشمندم به چند سؤال زیر پاسخ عنایت فرمایید:

1. آیا دریافت داشتن هدیه - مانند پوشاکی و خوراکی - از افراد ساواکی در قبل از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی مان جایز بوده؟ و استفاده از آن ها در آن زمان (قبل از پیروزی) اشکالی نداشته؟

بسمه تعالی، اگر معلوم نباشد که هدیه از پول حلال تهیه شده یا از حرام، استفاده از آن مانع ندارد.

[سؤال 7947]

2. اگر آن پوشاک یا خوراک تا هم اکنون در نزد ما مانده باشد، آیا استفاده از آن ها در بعد از پیروزی و اکنون چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، حکم همان است که در بالا ذکر شد و فرقی بین دو زمان نیست.

3. راکد ماندن آن هدایای طی چندین سال و تا کنون چه حکمی دارد؟ و آیا مثلاً خمسی به نحوی به آن ها تعلق می گیرد؟ و اصولاً راکد ماندن البسه شخصی انسان در بیش از يك سال چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، خمس ندارد.

ص: 657

4. آیا کسی که با پول ساواک دکانی و کاری سر هم کرده، اگر از سود این دکان در این زمان هدیه ای به ما بدهد، می توان از آن استفاده نمود؟ و چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر سرمایه ای که به وسیله آن سود به دست آمده از مال حرام نباشد اشکال ندارد.

[سؤال 7949] 4174

بسمه تعالی 12 / 3 / 1361

امام بزرگوار و امید مستضعفان جهان و رهبر کبیر انقلاب جمهوری اسلامی ایران، نایب الامام، امام خمینی

مستدعی است نظریه مبارک را در مورد مقدار وجهی که از طرف بنیاد شهید به بازماندگان شهدا پرداخت می گردد، امر به ابلاغ فرمایید که آیا:

1. قبول این وجه شرعاً چه تأثیری از لحاظ اخروی می تواند در سرنوشت فرزندان داشته باشد؟ آیا از ایثار و فداکاری وی در نزد خداوند متعال کاسته می گردد؟

2. آیا روح فرزندانم، از دریافت این مبلغ آزرده و رنجور می شود و من مسبب تنزل مقامش می گردم یا خیر؟

3. با این که همواره زندگانی را با استیصال و عسرت گذرانیده ام، در صورتی که وصول این مبلغ کوچک ترین خدشه و خللی در جهت اجر معنوی و رضایت الله داشته، از وصول آن استتکاف خواهم کرد.

بسمه تعالی، از اجر فداکاری و ایثار شهید کاسته نمی شود، و قبول آن برای خانواده شهید مطابق مقررات بنیاد شهید مانع ندارد.

[سؤال 7950] 3134

5. آیا اجناسی را که پدر برای جهیزیه دختر تهیه می کند و به دختر می دهد می توان استفاده کرد؟ از نظر شرعی اشکالی ندارد؟ در صورتی که پدر دختر به تمام

ص: 658

پیغمبران علیهم السلام و خدا و معصومین اعتقاد دارد؛ ولی نسبت به انقلاب کمی ناآگاه و نسبت به نماز کمی بی اهمیت است؟

بسمه تعالی، استفاده حلال است.

[سؤال 7951] 4175

بسمه تعالی 1361 / 1 / 29

پیشگاه رهبر گرامی، حضرت امام خمینی، با سلام و خالصانه ترین درودها

از این که وقت با ارزش و پر مایه شما را گرفتم، پوزش می طلبم؛ لیکن مسأله ای برایم پیش آمده بود که غنیمت دیدم از حضور شما بهره ببرم. و آن این که مقداری زینت آلات دارم و می خواهم به جبهه ها تقدیم کنم و آن ها را از پول پدرم خریده ام. آیا می توانم بدون رضایت پدرم آن ها را به جبهه های جنگ تقدیم کنم؟

بسمه تعالی، بهتر است که از پدرتان اجازه بگیرید.

[سؤال 7952] 4176

بسمه تعالی 1361 / 4 / 28

این جانب برادر شهید (که متولد 1339 بوده و جزو لشکر پیروز 77 مشهد بوده است، در حمله افتخارآفرین بیت المقدس در جبهه شوش در تاریخ 10 / 2 / 1361 بر اثر ترکش خمپاره، به درجه رفیع شهادت نایل گردیده است) می خواهم که در مورد مستمری و مقدار پول تقدی که دولت به خانواده شهید می دهد، از نظر اسلام و قرآن، حلال و حرام بودن آن پول را برای ما بفرمایید، در شرحی که در زیر می دهم اگر این پول در حق ما می باشد لطفاً بنویسید.

من خودم که متولد 1341 می باشم محصل هستم و شهید هم متولد 1339 و محصل بوده و پدرم که متولد 1307 است از سن 30 سالگی هیچ گونه کاری نکرده است و برادر بزرگم که 30 سال داشته و شغلش کارگری است.

قبل از این که برادر بزرگم بتواند کار کند، عمویم خرج ماها را می کشیده است و از

ص: 659

موقعی که برادر بزرگم توانسته کار کند، به زحمت با شغل کارگری مخارج خانواده مان را تهیه می کرده است. این شخص که از چهار سال پیش ازدواج کرده و هم اکنون دو فرزند دارد که کوچک می باشند، به امید این که شهید و من به تحصیل خود ادامه داده و بعد از تحصیل بتوانیم در زندگی به او کمک کرده و با هم باشیم، از ما جدا نشده است.

شهید در روزهای تعطیلی مدرسه بر روی تاکسی و یا سیم کشی ساختمان در شهر برازجان، پول لباس و کتاب خود را در آورده و پول اضافی اش را خرج خانه مان می کرده است. در پارسال، دیپلم خود را گرفته و در آبان ماه سال 1360 به خدمت سربازی رفت و این شهید، زن و فرزندی هم ندارد.

حال به گفته مردم و حتی افسران نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران می گویند که حضرت آیت الله خمینی 200/000 تومان برای خانواده شهدا یا به طور کلی تمام کسانی که در این جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شهید شده اند، دستور داده که بدهند و همشهریانی هم که فرزندان شان شهید شده اند این مقدار پول نقدی و مستمری ماهانه را دریافت کرده اند. ولی امام جمعه یکی از شهرها، در یکی از خطبه های نماز گفته: «کسانی که این مقدار پول از دولت می گیرند، خونهای آن شهید محسوب شده، از نظر اسلام حرام است و گناه در حق آن شهید کرده اند». من از شما درخواست دارم که در این موضوع کاملاً مرا آگاه و روشن گردانید و اگر از نظر اسلام اشکال دارد، ما چنین کاری را انجام ندهیم.

بسمه تعالی، آنچه مطابق مقررات داده می شود حلال است و به هر کس می دهند، مالک می شود.

[سؤال 7953] 2383

2. آیا خانواده شهید که احتیاج به حقوق که از بنیاد شهید و مزایا که به او می دهند، ندارد و لوازم خانگی که افراد بی بضاعت می خواهند دختر شوهر دهند به آن ها نمی دهند ولی به ما سه تا و دو تا می دهند، اشکال دارد یا نه؟

بسمه تعالی، تابع مقررات بنیاد شهید است.

ص: 660

[سؤال 7954] 4177

بسمه تعالی

بنده دارای چهار پسر عمو و يك دختر عمو می باشم که به طور کلی اهل عبادت نیستند که هیچ، اکثر درآمد آن ها از قمار و خرید و فروش مواد مخدر می باشد و به مقدسات مکتب من نیز توهین می کنند و با حکومت طاغوتی گذشته که منافع آن ها را از راه نامشروع تهیه می کرد موافق بوده و می باشند و حال هم در انتظار حکومت طاغوتی هستند ان شاء الله که در خواب هم نخواهند دید آیا من می توانم با ایشان آمد و رفت نمایم؟

بسمه تعالی، قطع رحم نکنید و تا می توانید آن ها را ارشاد نمایید.

[سؤال 7955] 97

2. آیا صلهٔ ارحام با خویشاوندی که کافر یا مرتد محسوب می شود نیز واجب است؟

بسمه تعالی، صلهٔ رحم مطلقاً واجب است.

[سؤال 7956] 97

3. اگر ارحام انسان مرتکب فسق علنی می شوند، به طوری که معاشرت با آن ها انسان را نیز در معرض گناه قرار می دهد، آیا باز هم معاشرت با آنان واجب است؟

بسمه تعالی، باید سعی کند در گناه واقع نشود؛ بلکه آنان را ارشاد نماید.

[سؤال 7957] 7106

2. آیا دو برادر دینی و مسلمان و معتقد به ولایت فقیه، اگر بر سر يك سری مسائل با هم اختلاف نظر و سلیقه داشتند، از هم فاصله بگیرند و ارتباط خود را با هم قطع کنند جایز است؟

ص: 661

بسمه تعالی، قطع رحم جایز نیست.

[سؤال 7958] 4178

بسمه تعالی 1361/9/11

با درود و سلام بر تمام خدمتگزاران اسلام و با آرزوی سلامتی برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی، سؤالاتی داشتیم که امیدواریم پاسخ دهید:

1. با توجه به این که قطع رحم از گناهان کبیره است، آیا کسی که با برادر و خواهر منافق و ضد انقلاب خود قطع رحم نماید، مرتکب این گناه کبیره شده است یا خیر؟ و آیا اصلاً قطع رحم با چنین افرادی - که اطمینان به عدم برگشت آنان داشته باشیم - جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، قطع رحم نکنند، ولی از هرگونه رفتار و برخوردی که تأیید منافقین و یا حمایت خط فکری آنان محسوب باشد، خودداری نمایند.

2. با توجه به فتوای اخیر حضرت امام مبنی بر واجب کفایی قراردادن شرکت در جبهه های جنگ و عدم لزوم اجازة والدین و با التفات به اظهارات شهید اول علیه الرحمه، در بیان حقوق والدین: «در صورتی که سفر جهاد بر فرزند واجب عینی نباشد، والدین می توانند او را از آن سفر نهی کنند». (کتاب گناهان کبیره، نوشته شهید دستغیب، ج اول، ص 147، فرع پنجم)؛ حکم جوانان چه خواهد بود؟ آیا باید بدون اجازة والدین در جبهه ها شرکت نمایند؟

بسمه تعالی، مادامی که جبهه ها نیاز به نیرو دارد و از طرف مسئولین اعلان کفایت نشده، شرکت در جبهه دفاع واجب است و رضایت والدین شرط نیست.

3. اگر فردی حاضر به پرداخت خمس نباشد و بگوید هر وقت خواستم به سفر حج بروم خمس می دهم، آیا کفایت می کند و آیا در این صورت مال او حرام نخواهد بود؟

بسمه تعالی، مالی که متعلق خمس شده تصرف در آن پیش از پرداخت خمس حکم غصب دارد.

4. اگر فردی از طریق حرام (رشوه و ربا...) مال جمع آوری کند و همسر و فرزندانش هم از همین مال آمیخته به حرام امرار معاش کنند؛ حکم همسر و فرزندان - در صورتی که هیچ ممر معاش دیگری

نداشته باشند - چه خواهد بود؟ آیا آنان هم مورد عذاب الهی قرار خواهند گرفت؟

ص: 662

بسمه تعالی، اگر تصرف کننده بداند که مال مورد تصرف او مخلوط به حرام است، تصرفات او در آن مال حکم غصب دارد.

5. آیا مالیات بر درآمد سالیانه که به وسیله دولت اخذ می شود، خمس محسوب می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، مالیات بابت سهمین محسوب نمی شود.

[سؤال 7959] 2267

4. آیا ترك صلۀ رحم به دلیل بی ایمانی و بی حجابی، جایز است یا نه؟ (توضیح: زن برادرم بی حجاب است و ما به همین دلیل، با آن ها قطع رابطه کرده ایم. حتی وقتی که آن ها در خانه مادرم هستند، نمی رویم و فقط تلفنی صحبت می کنم). آیا نشستن در جایی که انسان مجبور نباشد و بی حجاب در آن جا باشد، معصیت دارد یا نه؟

بسمه تعالی، قطع رحم نکنید.

ص: 663

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

